

شما می توانید کتاب مقدس را درک کنید!

انجیل طبق گفته پولس: رومیان

به نگارش
باب آتلی
استاد علم هرمنوتیک
(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری های تفسیری راهنمای مطالعه
عهد جدید، جلد ۵

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

۱۹۹۸

تجدیدنظر ۲۰۰۸

مترجم: فریده ویلسون

حق چاپ © ۱۹۹۸ توسط بایبل لسنز اینترنشنال، مارشال، تگزاس (تجدید نظر ۲۰۰۸)
کلیه حقوق محفوظ می باشد. تکثیر هیچ قسمت از این کتاب به هر ترتیب یا وسیله ای، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست.

Bible Lessons International
P. O. Box ۱۲۸۹
Marshall, TX ۷۵۶۷۱-۱۲۸۹
۱-۸۰۰-۷۸۵-۱۰۰۵

ISBN ۹۷۸-۰-۹۶۶۱۰۹۸-۳-۲

متن کتاب مقدس که در درجه اول در این تفسیر بکار گرفته شده است به شرح ذیل می باشد :
کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید (به روز آوری، ۱۹۹۵)
حق چاپ © ۱۹۶۰، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۵، ۱۹۷۷، ۱۹۹۵ توسط :
بنیاد لاکمن
۲۲۷۹ صندوق پستی
لاهابرا، کالیفرنیا ۹۰۶۳۲ - ۲۲۷۹

تقسیم بندی پاراگراف ها و عنوان های خلاصه کننده و همچنین عبارات انتخابی از منابع ذیل گرفته شده اند:

۱. «عهد جدید یونانی»، چهارمین ویراست تجدید نظر شده، حق چاپ © ۱۹۹۳، Deutsche Bibelgesellschaft، O. Stuttgart. استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشند.
۲. «ترجمه جدید کتاب مقدس پادشاه جیمز»، حق چاپ © ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲ توسط Thomas Nelson, Inc. استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشند.
۳. «ترجمه جدید تجدید نظر شده کتاب مقدس استاندارد»، حق چاپ © ۱۹۸۹ توسط :
Division of Christian Education of National Council of the Churches of Christ in the U. S. A.
استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشند.
۴. «ترجمه انگلیسی امروز» با اجازه از دارنده حق چاپ، انجمن آمریکایی کتب مقدسه، © ۱۹۶۶، ۱۹۷۱ استفاده شده است.
استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشد.
۵. «کتاب مقدس اورشلیم»، حق چاپ © ۱۹۶۶ بوسیله: Darton, Longman & Todd, Ltd. and Doubleday، بخشی از Bantam Doubleday Dell Publishing Group, Inc. استفاده مجاز. کلیه حقوق محفوظ می باشند.

www.BibleLessonsIntl.com
www.freebiblecommentary.org

« کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید » بروز آوری - ۱۹۹۵

خواندن ساده تر:

- بخش های دارای واژه های انگلیسی قدیم "thee's" و "thou's" و غیره به انگلیسی جدید به روز آوری شده اند.
- الفاظ و عباراتی که در اثر تغییر معانی آنها در ۲۰ سال گذشته، احتمال دارد غلط استنباط شوند به انگلیسی جدید به روز آوری شده اند.
- آیاتی که مفهوم آنان بخاطر ترتیب کلمات روشن نبوده یا واژه های دشوار در آنها بکار رفته اند، دو باره به انگلیسی روانتر ترجمه شده اند.
- جملاتی که با «و» شروع می شوند اغلب برای انگلیسی روانتر، دو باره ترجمه شده اند تا تفاوت ها بین سبک زبان های باستانی و زبان انگلیسی مدرن رعایت گردند. در اصل یونانی و عبری، جملات دارای نشان گذاری هایی که در زبان انگلیسی دیده می شود نبوده اند و در بسیاری موارد، نشان گذاری جملات انگلیسی امروزی جایگزین «و» در زبان اصلی می باشد. در بعضی موارد دیگر و به اقتضای متن، «و» به لفظ دیگری نظیر «پس» یا «اما» ترجمه شده است - اگر لفظ در زبان اصلی چنین معنی داشته باشد.

دقیق تر و صحیح تر از همیشه:

- پژوهش های اخیر در مورد قدیمی ترین و بهترین نسخه های خطی یونانی عهد جدید، مورد بازبینی قرار گرفته اند و بعضی قسمت های متن، برای مطابقت بیش از پیش با نسخه های خطی اصلی، به روز آورده شده اند.
- بخش های متن پارالل [دارای مطالب مشابه] مقایسه و بازبینی شده اند.
- افعالی که معانی عیدیه و گسترده دارند در بعضی بخش ها دوباره ترجمه شده اند تا دلیل استفاده آنها در متن روشن تر گردد.

و هنوز هم NASB [کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید]:

- به روز آوری NASB ترجمه ای نیست که صرفاً برای ایجاد تغییر انجام شده باشد. اولین ترجمه NASB، اعتبار خود را پس از سالیان بسیار هنوز حفظ کرده است و در مراعات معیاری که «کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید» برقرار نموده، سعی شده است کمترین تغییرات صورت گیرند.
- به روز آوری NASB، سنت سرمشق وار NASB را در ترجمه اصل یونانی و عبری با روش تحت اللفظی ادامه میدهد، بدون اینکه با معیاری غیر از آن سازش کند. تغییرات در متن تأکیداً در چارچوبی که «اهداف چهار گانه بنیاد لاکمن» مقرر نموده، انجام شده اند.
- مترجمین و مشاورینی که سهمی در بروز آوری NASB داشته اند، دانشمندان کتاب مقدس هستند که از لحاظ علم الهی «محافظة کار» می باشند و دارای درجه دکترا در زبان های کتاب مقدس، یا علم الهی یا درجات کارشناسی عالی یا دکترا در رشته های دیگر هستند. آنان نشانگر زمینه های مختلف فرقه های کلیسایی می باشند.

در ادامه سنتی نمونه:

- اولین ترجمه NASB، شهرتی راستین به عنوان صحیح ترین ترجمه کتاب مقدس انگلیسی یافته است. ترجمه های دیگر در سال های اخیر گاهی ادعا کرده اند که هم صحیح و دقیق هستند و هم خواندنیتر آسان است، لکن هر خواننده باریک بین بالاخره متوجه می شود که این ترجمه ها همواره متناقض هستند، و اگرچه گاهی تحت اللفظی می باشند اما اغلب متن اصلی ناچار به نحوه تفسیری ترجمه شده است؛ اینکار نه تنها معمولاً دستاورد چندان در تسهیل خواندن ندارد بلکه پایبندی به متن اصلی هم از بسیاری لحاظ از بین میرود. ترجمه تفسیری بالنفسه بد نیست و معنی یک بخش کتاب مقدس را، آنطور که مترجمین درک و تفسیر می کنند روشن می سازد و باید هم چنین باشد. اما ترجمه تفسیری، نهایتاً همانقدر که ترجمه کتاب مقدس است تفسیر آن نیز هست. ترجمه به روز آورده شده NASB، سنت سرمشق وار NASB را به عنوان یک ترجمه حقیقی کتاب مقدس ادامه می دهد و آنچه نسخه های خطی اصلی در واقع میگویند را آشکار میسازد - نه آنچه صرفاً مترجم معتقد است منظور آنهاست.

این جلد تقدیمی است به
دوست ، یاور و همکار گرانقدر
و شادمانی زندگیم:
به همسر م

پگی

او مرا تشویق ،
و تقویت نموده است،
و برایم امکان پذیر ساخته است تا خادمی باشم
که خدا مرا برای آن فرا خوانده و عطایا بخشیده است .

فهرست مطالب

i	اختصارات انگلیسی کاربردی درین تفسیر
iii	فهرست حروف اختصاری و نشانه ها
iv	یادداشت و پیام مترجم
v	پیامی از نویسنده: چگونه کتاب تفسیر حاضر می تواند بشما یاری دهد؟
viii	راهنمای مطالعه صحیح کتاب مقدس : جستجوی شخصی برای حقیقت قابل ثبوت کتاب تفسیر:
۱	مقدمه رومیان
۷	رومیان ۱
۴۵	رومیان ۲
۶۴	رومیان ۳
۸۵	رومیان ۴
۱۰۰	رومیان ۵
۱۲۱	رومیان ۶
۱۳۶	رومیان ۷
۱۵۲	رومیان ۸
۱۸۷	رومیان ۹
۲۱۲	رومیان ۱۰
۲۲۶	رومیان ۱۱
۲۴۲	رومیان ۱۲
۲۶۴	رومیان ۱۳
۲۸۷	رومیان ۱۴
۳۰۳	رومیان ۱۵
۳۲۱	رومیان ۱۶
۳۴۰	لیست اسامی اشخاص ، کتاب ها و عناوین فارسی و اصل انگلیسی آنها
۳۵۰	فهرست کتب کتاب مقدس به اختصار و معال کامل آنها ضمیمه های ترجمه شده توسط مترجمین دیگر:
۳۵۱	ضمیمه ۱: تعریف کوتاه از واژه های گرامی یونانی
۳۵۹	ضمیمه ۲: نقد متون
۳۶۲	ضمیمه ۳: فهرست لغات
۳۷۰	ضمیمه ۴: بیانیه عقیدتی

فهرست عناوین خاص در رومیان

- فرستادن (*Apostellō*) ، ۱:۱ ۱۰
- Kerygma* [موعظه های اعلام کننده حقایق ایمان] کلیسای اولیه ، ۱:۲ ۱۱
- پسر خدا، ۱:۳ ۱۲
- جسم (*Sarx*) ، ۱:۳ ۱۴
- اسامی برای الوهیت ۱:۴ ۱۶
- پیش داوری های «باب» [نویسنده کتاب] بر پایه تعالیم کلیسای انجیلی ۱:۵ ۲۱
- فراخوانده شده، ۱:۶ ۲۲
- مقدسین، ۱:۶ ۲۳
- پدر، ۱:۷ ۲۴
- نیکی مطلق، ۱:۱۷ ۲۹
- «حقیقت» در نوشته های پولس ، ۱:۱۸ ۳۴
- هلاکت ، منهدم ساختن ، فاسد کردن (*Phtheirē*) ۱:۲۳ ۳۷
- قلب، ۱:۲۴ ۳۸
- تا ابد (اصطلاحات یونانی)، ۱:۲۵ ۳۹
- آمین، ۱:۲۵ ۳۹
- همجنس گرایی، ۱:۲۶، ۲۷ ۴۱
- صفات نیک و بد مطابق عهد جدید، ۱:۲۸-۳۱ ۴۲
- استفاده پولس از الفاظ مرکب *Huper* ، ۱:۳۰ ۴۳
- توبه ، ۲:۴ ۴۸
- نژاد پرستی، ۲:۱۱ ۵۲
- به خود بالیدن، ۲:۱۷ ۵۸
- واژه های یونانی برای «آزمودن» و مفاهیم ضمنی آنها، ۲:۱۸ ۵۹
- باطل و بی اثر (*Katargeō*) ، ۳:۳ ۶۶
- جلال ، ۳:۲۳ ۷۵
- شواهد عهد جدید در مورد نجات شخص، ۳:۲۴ ۷۶
- فدیه / با بهارهایی دادن ۳:۲۴ ۷۷

۸۹	باور/ایمان، ۴: ۵
۹۳	مُهر، ۴: ۱۱
۹۶	تضمین، ۴: ۱۶
۱۰۳	صلح، ۵: ۱
۱۰۵	استواری (<i>Histēmi</i>)، ۵: ۲
۱۰۷	جفا، ۵: ۳
۱۱۶	حکمرانی در ملکوت خدا، ۵: ۱۷ و ۱۸
۱۲۴	تعمید، ۶: ۳ - ۴
۱۲۶	تقدیس، ۶: ۴
۱۳۲	شکل (<i>Tupos</i>)، ۶: ۱۷
۱۵۰	ستایش، دعا و شکر گذاری پولس به خدا، ۷: ۲۵
۱۶۰	عیسی و روح [خدا]، ۸: ۹
۱۶۲	تثلیث، ۸: ۱۱
۱۶۷	ارث ایمانداران، ۸: ۱۷
۱۶۸	منابع طبیعی، ۸: ۱۹
۱۷۳	امید، ۸: ۲۵
۱۷۴	نیاز به پایداری، ۸: ۲۵
۱۷۶	شخص بودن روح [خدا]، ۸: ۲۶
۱۷۹	نخست زاده، ۸: ۲۹
۱۸۱	برگزیدگی/ تقدیر ازلی و نیاز به تعادل در علم الهی، ۸: ۳۳
۱۸۴	<i>Archē</i> ، ۸: ۳۸
۱۹۱	دعای شفاعت، ۹: ۳
۱۹۵	لعنت (<i>Anathema</i>)، ۹: ۳
۱۹۶	عهد، ۹: ۴
۲۰۷	باقیمانندگان، سه مفهوم، ۹: ۲۷-۲۸
۲۰۹	سنگ زاویه، ۹: ۳۳
۲۱۵	تسلیم، ۱۰: ۳
۲۱۶	زمان های افعال یونانی کاربردی برای «نجات»، ۱۰: ۴

۲۱۸	اعتراف، ۹:۱۰
۲۱۹	نام خداوند، ۹:۱۰
۲۲۱	عیسی ناصری، ۱۳:۱۰
۲۳۶	راز، ۲۵:۱۱
۲۴۵	مقدس، ۱:۱۲
۲۴۶	این عصر و عصر آینده، ۲:۱۲
۲۴۷	نو شدن (<i>Anakainōsis</i>)، ۲:۱۲
۲۴۸	اراده (<i>Thelēma</i>) خدا، ۲:۱۲
۲۵۱	نبوت عهد جدید، ۶:۱۲
۲۵۵	با سخاوت، صمیمی (<i>Haplotēs</i>)، ۸:۱۲
۲۵۹	<i>Koinōnia</i> ، ۱۳:۱۲
۲۶۷	حکومت بشری، ۱:۱۳
۲۷۳	دیدگاه های پولس در مورد شریعت موسی، ۹:۱۳
۲۷۴	یاد داشت هایی در مورد «خروج» ۲۰:۱۳: ۱۵-۱۷
۲۹۰	ضعف، ۱:۱۴
۲۹۵	آیا مسیحیان باید یکدیگر را قضاوت کنند؟، ۱۳:۱۴
۲۹۸	پادشاهی خدا، ۱۷:۱۴
۳۰۶	تقویت، ۲:۱۵
۳۱۰	وفور (<i>Perissevō</i>)، ۱۳:۱۵
۳۱۶	مسیحیان و گرسنگان، ۲۶:۱۵
۳۲۴	زنان در نقشه خدا، ۱:۱۶
۳۲۷	کلیسا (<i>Ekklesia</i>)، ۱:۱۶
۳۳۳	شرارت دارای شخصیت، ۲۰:۱۶
۳۳۸	ابدی، ۲۶:۱۶

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

«کتاب تفسیر کتاب مقدس آنکر»، ویراست «ویلیام فاکسول آلبرایت» و «دیوید نوئل فریدمن»	AB
«قاموس کتاب مقدس آنکر» (۶ جلدی) ، ویراست: دیوید نوئل فریدمن	ABD
«کلید تحلیلی عهد عتیق» ، نویسنده : جان جوزف اوونز	AKOT
«متون باستانی خاور نزدیک»: جیمز ب. پریچارد	ANET
«لغت نامه عبری و انگلیسی عهد عتیق» به قلم : اف براون ، اس. آر. درایور، سی. ا. بریگز	BDB
GBS :Biblia Hebraica Stuttgartensia ، ۱۹۹۷	BHS
«قاموس کتاب مقدس مفسرین» (۴ جلد) ، ویراست «جورج ا. با تریک»	IDB
«دائرة المعارف کتاب مقدس استاندارد بین المللی» (۵ جلد) ، ویراست «جیمز اور»	ISBE
«کتاب مقدس اورشلیم»	JB
«کتاب مقدسه مطابق متن ماسورتیک: ترجمه ای جدید»: (انجمن انتشارات یهودی آمریکا)	JPSOA
«لغت نامه عبری و آرامی عهد عتیق» به قلم: «لودویگ کوهلر» و «والتر بام گارتنر»	KB
«کتاب مقدس از روی متون باستانی شرقی (پشیتا)» به قلم: جرج م. لامسا	LAM
«ترجمه هفتاد (یونانی- انگلیسی)» توسط «زان در ون» ۱۹۷۰	LXX
«ترجمه جدیدی از کتاب مقدس» ، نویسنده: «جیمز موفات»	MOF
متن ماسورتیک عبری	MT
«متن جدید کتاب مقدس آمریکایی»	NAB
«کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید»	NASB
«کتاب مقدس جدید انگلیسی»	NEB

«کتاب مقدس NET: ترجمه جدید انگلیسی»، ویراست «بتا» ی دوم	NET
«قاموس جدید بین المللی الهیات و تأویل عهد عتیق» (۵ جلدی) ویراست «ویلیم آ. وَن گِمرِن»	NIDOTTE
«کتاب مقدس تجدید نظر شده جدید استاندارد»	NRSV
«ترجمه جدید بین المللی»	NIV
«کتاب مقدس جدید اورشلیم»	NJB
«راهنمای تجزیه و تحلیل دستوری جملات عهد عتیق» اثر «تاد س. بیل»، «ویلیام آ. بنکس»، و «کالین سمیت»	OTPG
«کتاب مقدس انگلیسی تجدید نظر شده»	REB
«ترجمه تجدید نظر شده استاندارد»	RSV
«ترجمه هفتاد» (یونانی- انگلیسی) توسط «زاندروَن» Zondervan، ۱۹۷۰	SEPT
Today's English Version «ترجمه انگلیسی امروز» توسط «انجمن های متحد کتاب مقدس»	TEV
«ترجمه تحت اللفظی کتاب مقدس توسط یانگ» نوشته «رابرت یانگ»	YLT
«دائرة المعارف مصور کتاب مقدس زاندروَن» (۵ جلد) ویراست «میریل س. تینی»	ZPBE

فهرست حروف اختصاری و نشانه ها

شماره فصل و آیه شماره فصل طرف راست، و سپس علامت : و بعد شماره آیه طرف چپ آن نوشته می شود، مثلاً پیدایش ۱: ۲۰ که شماره ۱، گویای فصل و شماره ۲۰، گویای آیه است.

ر.ک. رجوع کنید

[] توضیحات مترجم در متن

م.ک. مقایسه کنید با

« » نگارش انگلیسی با حرف اول درشت، نمودار اسم خاص

«روح» مقصود روح القدس و روح خدا است

«او» مقصود ذات الهی است؛ در عموم می تواند رجوع به هر کدام از سه شخص تثلیث باشد یا در متنی که به یکی از اقنوم تثلیث اشاره اخص شده است، مربوط به آن شخص الهی باشد

پیامی از مترجم

ترجمه آیات کتاب مقدس فارسی کاربردی در این کتاب:

ترجمه آیات کتاب مقدس کاربردی در این اثر، مستقیماً از انگلیسی آن انجام شده است که نویسنده اصلی، استاد آقای دکتر آتلی، در کتاب مأخذ درج نموده اند. باید خاطر نشان کرد که این ترجمه فارسی آیات کتاب مقدس، در تطابق با ترجمه های امروزی «کتاب مقدس هزاره نو» از انتشارات ایلام، ترجمه «مژده برای عصر جدید» توسط انجمن کتاب مقدس و ترجمه قدیمی فارسی توسط «انجمن پخش کتب مقدسه» ارائه شده و در بعضی موارد آیات مستقیماً از آنها برگرفته شده اند.

مترجمین این کتاب:

در برگردان فصل های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ این کتاب، برادر محترم آقای وفا امیدوار یاری نموده اند و از ایشان کمال تشکر را داریم.

ضمیمه های پر ارزش انتهای کتاب، که بی شک حاصل سالها پژوهش نویسنده اصلی، استاد دکتر آتلی می باشند، توسط مترجمان محترم دیگری برگردانیده شده اند. از زحمات فراوان ایشان در ایجاد چنین گنجینه مرجع گرانبهایی برای هموطنان فارسی زبان، بسیار سپاسگزاریم.

مترجم اصلی، کلیه ترجمه، تایپ، صفحه پردازی، تصحیحات و بازخوانی دیگر قسمت های این اثر را، به جز بخش های آخر کتاب متذکر در فوق، انجام داده است.

جای افتخار است که برگردان این اثر تعلیمی الهام بخش و بنا کننده، که در عین حال در سطح دانشگاهی و تحقیقی است، حاصل چند سال کوشش می باشد و مطمئناً برای کسانی که تشنه مطالعه کلام خدا یا علاقمند به پژوهش آن به زبان پرگهر فارسی هستند می تواند بی اندازه مفید قرار گیرد.

دعای مترجم آن است که همگی خوانندگان گرامی فارسی زبان، از آموزه های پر ارزش آن برکت یافته، در زندگی خود، و جهت خدمت به دیگران، آن ها را با غیرت الهی به کار بندند. دعای مترجم نیز این است که روح القدس، عطایای پر شکوه خود را به ایمانداران افاضه فرماید تا آنان با اقتدار و هدایت روح الهی، خدمات مؤثر و مورد نظر خداوند را به انجام رسانند.

فریده ویلسون

پیامی از نویسنده: این کتاب تفسیر چگونه می تواند به شما یاری دهد؟

تفسیر کتاب مقدس، فرایندی است عقلانی و روحانی که می کوشد یک نویسنده باستانی و الهام یافته را آنطور درک کند که بتوان در عصر ما پیام خدا را درک کرد و بکار گرفت.

«فرایند روحانی» اهمیت بسزا دارد اما تعریف آن دشوار است. این فرایند، شامل تسلیم بودن به خدا و اطاعت کامل از اوست. باید تشنگی (۱) نسبت به او، (۲) برای شناخت او، و (۳) برای خدمت به او، موجود باشد. این فرایند شامل دعا، اعتراف، و تمایل به تغییر طرز زندگی است. روح القدس در فرایند تفسیر اهمیت بسزا دارد، اما روشن نیست چرا مسیحیان صمیمی و خدا شناس دریافت های متفاوت از کتاب مقدس دارند.

فرایند عقلانی توضیح ساده تری دارد. ما باید با متن بدون تناقض و جانبداری کار کنیم و تحت تاثیر پیش داوری های شخصی یا فرقه ای خود قرار نگیریم. همه ما تحت تاثیر تاریخ قرار داریم و نسبت به آن شرطی سازی شده ایم. هیچکدام از ما در تفسیر، بی طرفانه و تنها از روی واقعیت ها نمی سنجم. این کتاب تفسیر، فرایند عقلانی مراقبانه ای را عرضه میکند که شامل سه اصل تفسیر است. ساختار این سه اصل برای یاری ما است تا بر پیش داوری هامان چیره شویم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمینه تاریخی است که کتاب مقدس در آن نوشته شده است، و نیز به مورد خاص تاریخی که موجب تألیف آن گردیده است. نویسنده اصلی، مقصود و پیامی برای گفتن داشته است. متن برای ما نمی تواند مفهومی داشته باشد که برای نویسنده اصلی، باستانی و الهام یافته آن هرگز نداشته است. منظور نویسنده مهم است - نه نیازهای تاریخی، احساسی، فرهنگی، شخصی یا فرقه ای ما. کاربرد، همیار تکمیل کننده تفسیر است اما تفسیر درست باید همیشه پیش از کاربرد انجام شود. باید تصریح کرد که هر متن کتاب مقدسی، یک معنی و فقط یک معنی دارد. آن معنی مطلبی است که نویسنده اولیه کتاب مقدس، بوسیله هدایت روح القدس قصد داشته برای زمان خود بازگو کند. این یک معنی می تواند کاربردهای ممکنه بسیار در فرهنگ ها و موقعیت های مختلف داشته باشد. این کاربردها باید به حقیقت اصلی و محوری نویسنده اولیه ارتباط داده شوند. ازین رو، این «کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات» با ارائه پیشگفتار برای هر یک از کتاب های کتاب مقدس طرح ریزی شده است.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی واحدهای ادبی است. هر کتاب کتاب مقدس، نوشته ای «یکی شده» است. مفسران چنین حقی ندارند که تنها به یکی از جنبه های حقیقت بپردازند و بقیه را متروک بدارند. به این سبب، باید اول بکوشیم مقصود تمامی کتاب کتاب مقدس را درک کنیم و آنموقع یکایک واحدهای ادبی آنرا تفسیر نماییم. بخش ها بخودی خود، یعنی باب ها، پاراگراف ها یا آیات، نمی توانند معنی داشته باشند که تمامی واحد چنان معنی ندارد. سیر تفسیر باید از روش «نتیجه گیری از کل به جزء» [روش قیاسی در مورد کل] به سوی «نتیجه گیری از واقعیت های جزء به کل» [روش استقرائی در مورد اجزاء] باشد. پس این «کتاب تفسیر راهنمایی مطالعات» برای یاری دانشجو طراحی شده تا او بوسیله پاراگراف ها، ساختار هریک از واحد های

ادبی را تحلیل و بررسی نماید. پاراگراف ها و تقسیم بندی باب ها الهام نشده اند اما این کمک را به ما میکنند تا واحد های اندیشه را شناسایی کنیم.

تفسیر در سطح پاراگراف، نه در سطح جمله یا بند یا عبارت یا کلمه، کلید پی بردن به معنی است که منظور نویسنده کتاب مقدس بوده است. پاراگراف ها بر «عنوان یکی شده» پایه گذاری شده اند که اغلب به آن «تم» یا «جمله موضوعی» می گویند. هر کلمه، عبارت، بند، و جمله پاراگراف، به نوعی به این «تم یکی شده» مربوط می شود. این اجزا می توانند «تم یکی شده» را محدود کنند، گسترش دهند، توصیف کنند و/ یا تحت سؤال ببرند. یک راه واقعی تفسیر درست، پیگیری اندیشه نویسنده اصلی از پاراگرافی به پاراگراف بعدی، با در نظر داشتن واحد های ادبی سازنده کتاب مقدس است. این «کتاب تفسیر راهنمایی مطالعات» برای کمک دانشجو طراحی شده تا او چنین کاری را از طریق مقایسه ترجمه های انگلیسی امروزی انجام دهد. ترجمه های ذیل به این دلیل گزیده شده اند که نظریه های متفاوت ترجمه را بکار گرفته اند.

۱. متن یونانی «انجمن متحد کتب مقدسه»، ویراست چهارم تجدید نظر شده است (UBS⁴). این متن را محققین امروز متون، پاراگراف بندی کرده اند.
۲. «کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید» (NKJV)، ترجمه ای تحت اللفظی و کلمه به کلمه است و بر مبنای سنت نسخه خطی یونانی به نام «متن دریافتی» می باشد. تقسیم بندی پاراگراف های آن از ترجمه های دیگر طولانی تر می باشند. این واحد های طولانی تر به دانشجویان یاری میدهند متوجه «عنوان های یکی شده» گردند.
۳. «ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد» (NRSV) ترجمه اصلاح شده کلمه به کلمه است. این ترجمه، چیزی است بین دو ترجمه امروزی ذیل. تقسیمات پاراگراف های آن به تشخیص دادن موضوعات کمک بسیار میکنند.
۴. «ترجمه انگلیسی امروز» (TEV)، «ترجمه معادل پویا» است و از طرف انجمن متحد کتب مقدسه منتشر شده است. سعی آن برین بوده که کتاب مقدس را بگونه ای ترجمه کند که خواننده یا سخنگوی زبان انگلیسی امروزی، معنای متن یونانی را درک کند. این ترجمه، بخصوص در اناجیل، پاراگراف ها را مشابه با NIV، بر طبق گوینده تقسیم کرده نه بر حسب موضوع. البته این کار کمکی به مفسر در احراز مقاصدش نمی نماید. جالب توجه است که هر دو UBS⁴ و TEV از طرف یک سازمان منتشر شده اند، اما پاراگراف بندی شان متفاوت است.
۵. «کتاب مقدس اورشلیم» (JB) «ترجمه معادل پویا» بر پایه ترجمه کاتولیک فرانسوی است. این کتاب به خاطر نگرش اروپایی آن، برای مقایسه روش های پاراگراف بندی بسیار مفید است.
۶. متن چاپ شده درین کتاب، «کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید» (NASB) به روز شده سال ۱۹۹۵ می باشد که ترجمه کلمه به کلمه است. نظریات آیه به آیه، پیرو تقسیم بندی پاراگراف های آن می باشند.

اصل سوم

اصل سوم اینست که کتاب مقدس را در ترجمه های مختلف بخوانیم تا بتوانیم وسیع ترین و متنوع ترین معانی ممکنه (حوزه معنایی) را که کلمات یا عبارات کتاب مقدس می توانند داشته باشند دریافت کنیم. اغلب یک عبارت یا کلمه یونانی را میتوان به چند صورت فهمید. ترجمه های مختلف مذکور، این گزینه ها را نمایان می سازند و کمک می کنند تا تفاوت های نسخه های خطی یونانی را شناسایی کنیم و توضیح دهیم. این موارد تأثیری بر آموزه ها ندارند، لکن ما را بر آن میدارند تا سعی کنیم به سوی متن اصلی ای باز گردیم که به قلم نویسنده باستانی الهام یافته، نوشته شده است.

تفسیر حاضر برای دانشجو راهی سریع فراهم میسازد تا تفسیرات خود را بازنگری کند. هدف این کتاب قطعی و نهایی بودن نیست بلکه آگاه ساختن و برانگیختن اندیشه است. سایر تفسیرهای ممکنه اغلب ما را یاری می دهند تا اینقدر محدود به افکار محلی و مصرّ بر عقاید خود نباشیم و تنها بر پایه تعلیمات فرقه ای کلیسایی خود سنجش نکنیم. مفسرین باید گزینه های تفسیری بیشتر و گسترده تری داشته باشند تا تشخیص دهند متون باستانی تا چه حد می توانند معانی و تفاسیر مختلف داشته باشند. شوکه کننده است که دربین مسیحیانی که ادعا دارند کتاب مقدس برایشان منبع حقیقت است چه توافق های کمی وجود دارد.

این اصول به من کمک کرده اند تا بر بیشتر شرطی سازی تاریخی خود غلبه کنم، بدینوسیله که مرا مجبور ساخته اند با متن باستانی تقلا نمایم. امید من اینست برای شما نیز باعث برکت گردد.

باب آتلی
دانشگاه باپتیست تگزاس شرقی
۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس: جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آیا می توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می شود؟ آیا می توانیم از طریق منطق آنرا به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلق وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا درین دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سئوالات - سئوالاتی که همه افراد معقول به آن می اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگیم بخاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده ام بود. در سنین بزرگی سئوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبرو می شدم یا در باره شان میخواندم، مفهومی نمی بخشیدند. آنروزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومیدی در مواجهه با دنیای بی احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می کردم.

بسیاری ادعا می کردند جوابهایی برای این پرسش های اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی بردم جوابهایشان براین مبانی بود: (۱) فلسفه های شخصی، (۲) اسطوره های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنی های روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود ونسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تأیید کننده، تعدادی ادله وبراهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگیم را بر مبنای آنها بگذارم.

این ها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ را در این ها یافتم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تأیید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگویی های عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تألیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگیشان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت بعنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سئوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدسی، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید.

تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگیم - مسیح را، آنطور که توسط کتاب مقدس شناخته میشود - یافته ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می شد چه تفسیر های گوناگون و عدیده ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیسا ها و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می توانم تفسیر های متنوع و متضاد بسیاری بخش های مشکل کتاب مقدس را تأیید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟

این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. میدانستم ایمانم به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گرایی های فرهنگ من (پُست مدرنیته)، (۲) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظام های متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجویم برای راه های صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش داوری های تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن بعنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده میکردم و با

اینکار نا امنی‌ها و کمبود های خود را از نو تأیید می نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمیتوانم کاملاً عین گرا باشم، می توانم کتابمقدس را به طرز صحیح تر مطالعه کنم. می توانم پیش دآوری های خود را محدودیت ببخشم، ازین طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده ام، اما با ضعف های خود مواجهه کرده ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است.

اجازه بدهید تعدادی از پیش فرض های خود را که در مطالعه ام از کتاب مقدس دخیل میکنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

I. پیش فرض ها

الف. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. ازین رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.

ب. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنانیکه در ابتدا آنرا می خواندند یا می شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و شکل ها و اسلوب های تفهیم و تفاهم معمول مردم را بکار میگیرد.

ج. من ایمان دارم کتابمقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.

د. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می باشد. گرچه هرگز نمی توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را میدانیم، بسیاری از شاخص ها، نشانگر آن می باشند:

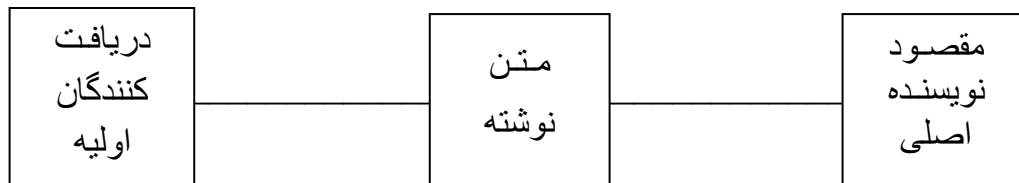
۱. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
۲. زمینه تاریخی و/یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
۳. چارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
۴. طرح متن (طرح کلی) واحد های ادبی، آنطور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می کنند
۵. خصیصه های دستوری ویژه که برای بیان پیام بکاررفته اند
۶. واژه های انتخابی برای ارائه پیام
۷. بخش های پارالل (مشابه)

مطالعه هر یک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش میگذرد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهم، اجازه بدهید برخی روش های نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روش هایی که اینقدر باعث گوناگونی در تفسیرها شده اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

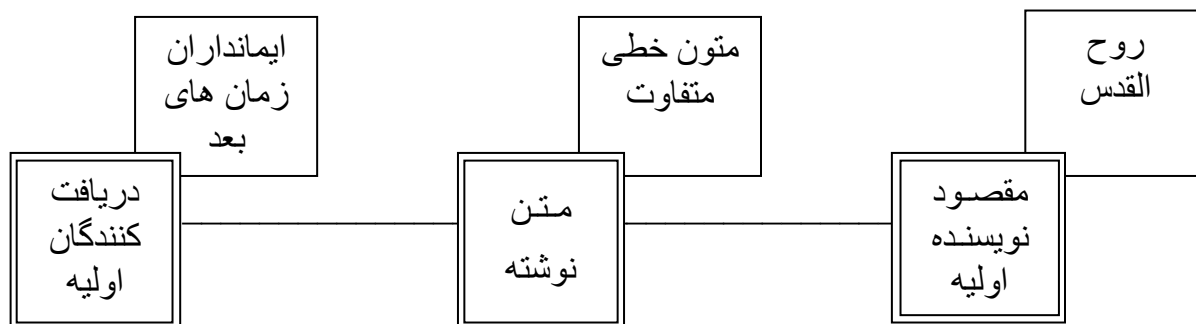
II. روش های نامناسب

- الف. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژه ها به عنوان اظهاریه های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلی تر آن ندارد. اینکار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می گویند.
- ب. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
- ج. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس بعنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
- د. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی/ الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
- ه. نادیده گرفتن پیام اصلی بوسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا بعنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می نامند.

حد اقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده میشوند:



در گذشته روش های مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می شده اند. اما برای تأیید حقیقی الهام منحصر بفرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسب تر می باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به مقصود راست آزمایی، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راه های اشتباهی است که مشاهده کرده ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متن ها و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده»

(برای من چه مفهومی دارد). راه های اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرک ها، پیش دآوری ها، اسلوب ها، و کاربردها مان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم، اگر هیچگونه مرزها، محدودیت ها، شروط و موازینی برای اینکار وجود ندارند؟ درینجاست که منظور نویسنده و ساختار متن، تعدادی موازین در اختیارم میگذارند تا بتوان پهنه تفسیر های ممکنه صحیح را محدودیت بخشید. در پرتو اسلوب های نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روش های ممکنه ای برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس هستند که تا اندازه ای راست آزمایی و همخوانی را فراهم میکنند؟

III. روش های ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

درین مقطع اسلوب های منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمیدهم که برای تفسیر ژانر های ادبی خاص بکار میروند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده ای درباره روش های تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گُردون فی» و «داگلاس استوارت» به انتشار «زان درون» میباشد.

متدولوژی من ابتدا بر خواننده متمرکز است که اجازه میدهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. اینکار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار میدهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تأثیر نامتناسب مفسران محفوظ میدارد. شنیده ام که میگویند: "کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن میسازد." مقصود ازین گفتار، کم ارزش شمردن کمک های مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحه بگذاریم. پنج مورد، راست آزمایی حداقل محدودی را ممکن میسازند:

۱. نکات ذیل در مورد نویسنده اصلی:

الف. زمینه تاریخی او

ب. چارچوب ادبی

۲. گزینه نویسنده اولیه در:

الف. ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)

ب. کاربرد واژه های معاصر

ج. ژانر

۳. درک ما از متناسب بودن

الف. بخش های پارالل و مشابه کتاب مقدس که مربوط می باشند

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تأییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و درعین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده اند تا بینش های تفسیری ذیل را فراهم کنند:

الف. دوره اول مطالعه

۱. کتاب را در یک نشست بخوانید. یک مرتبه دیگر آنرا در ترجمه متفاوتی بخوانید – که بهتر است تئوری ترجمه آن متفاوت باشد:
 - ۱,۱ ترجمه تحت اللفظی (NRSV, NASB, NKJV)
 - ۱,۲ ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
 - ۱,۳ ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)
۲. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.
۳. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که روشنی این مقصود یا تم اصلی را بیان میکند.

۴. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

۱,۴ عهد عتیق

۱,۴,۱ داستانسرایی عبری

۱,۴,۲ شعر عبری (ادبیات حکمت، مزمور)

۱,۴,۳ نبوت عبری (نظم، نثر)

۱,۴,۴ قوانین در شریعت

۲,۴ عهد جدید

۲,۴,۱ داستانسرایی ها (اناجیل، اعمال رسولان)

۲,۴,۲ مثال ها (اناجیل)

۲,۴,۳ نامه ها/ رساله ها

۲,۴,۴ ادبیات مکاشفه ای

ب. دوره دوم مطالعه

۱. کتاب را دوباره کاملاً بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
۲. عناوین اصلی را بصورت طرح کلی در آورید و در جمله ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
۳. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمک های مطالعات، بازنگری کنید.

ج. دوره سوم مطالعه

۱. کتاب را دوباره کاملاً بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب کتاب مقدس شناسایی کنید.
۲. موارد تاریخی را که در کتاب کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.
 - ۲,۱ نویسنده
 - ۲,۲ تاریخ
 - ۲,۳ دریافت کنندگان
 - ۲,۴ دلیل خاص برای نوشتن
 - ۲,۵ جنبه های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می باشند
 - ۲,۶ اشارات به اشخاص و رویداد های تاریخی

۳. برای آن بخش کتاب کتاب مقدس که دارید تفسیر میکنید، طرح کلی تان را به صورت پاراگراف درآورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی درآورید. این می تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.
۴. زمینه تاریخی تان را با استفاده از «کمک های مطالعات» بازنگری کنید.

د. دوره چهارم مطالعه

۱. «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
- ۱،۱ ترجمه کلمه به کلمه (NRSV, NASB, NKJV)
- ۱،۲ ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
- ۱،۳ ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)
۲. ساختار های ادبی یا گرامری را بیابید
- ۲،۱ عبارات تکرار شده، افس : ۱ ، ۶ ، ۱۲ ، ۱۳
- ۲،۲ ساختار های دستوری مکرر، روم ۸ : ۳۱
- ۲،۳ مفاهیم مغایر
۳. موارد زیر را فهرست کنید
- ۳،۱ کلمات مهم
- ۳،۲ کلمات غیر معمول
- ۳،۳ ساختار های مهم دستوری
- ۳،۴ کلمات، بند ها، و جملات بسیار مشکل
۴. بخش های پارالل [مشابه] مربوط را در کتاب مقدس بیابید
- ۴،۱ روشن ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:
- ۴،۱،۱ کتاب های «الهیات نظام مند»
- ۴،۱،۲ کتاب مقدس های مخصوص مراجعات [دارای لیست های رجوع به آیات و بخش های مربوطه]
- ۴،۱،۳ کشف الایات
- ۴،۲ در داخل موضوع تان، «دوگانگی متناقض» احتمالی [دو مفهوم بظاهر متضاد و در واقع همخوان] را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس بصورت «دوگانگی دیالکتیکی» [دو مفهوم بظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد] معرفی شده اند؛ بسیاری از اختلافات فرقه ای ازین سرچشمه میگیرند که افراد از روی نیمی ازین مفاهیم دوگانه و پر تنش در کتاب مقدس برای «اثبات عقیده خود توسط آیات» استفاده میکنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است، و ما باید پیام کامل آنرا بجوییم تا برای تفسیر خود، توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.
- ۴،۳ پارالل ها را در همان کتاب یا نوشته های همان نویسنده یا همان «ژانر» بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می باشد.
۵. برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از «کمک های مطالعات» بهره بگیرید.

- ۵,۱ کتاب مقدس های دارای راهنمای مطالعات
- ۵,۲ دائره المعارف، کتاب های راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس
- ۵,۳ پیشگفتارهای کتاب مقدس
- ۵,۴ تفسیرهای کتاب مقدس (درین مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند.)

IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

درینجا به کاربرد می پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آنرا در زندگی و فرهنگ خود بکار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود میگفت، و بکار گیری آن واقعیت در زمان ما." پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود بکار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه میگفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، بصورت پاراگراف ها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف ها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بند ها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته ای که دست اندر کار می باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، بوسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی میکنیم. اما تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسائل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای اینکار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن.

در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. ازین یک معنا میتوان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

V. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و منتهی در تفسیرکردن و در کاربرد صحبت کرده ام. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

- الف. برای کمک روح القدس دعا کنید (م.ک. ۱ قرننیاں ۱: ۲۶ - ۲: ۱۶).
- ب. دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناہانی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (۱ یوحنا ۱: ۹).
- ج. برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (م.ک. مزا ۱۹: ۷-۱۴؛ ۴۲: ۱ به بعد؛ ۱۱۹: ۱ به بعد).
- د. هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود بکار ببندید.
- ه. فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قول های ذیل بمن کمک کرده اند توازن بین این دو را بیابم:

الف. برداشت از «جیمز و. سایر» در کتاب «پیچاندن کتاب مقدس»، صفحات ۱۷-۱۸:

"تنویر به اذهان قوم خدا می آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مینا بر کتاب مقدس، طبقه گورو [اساتید معنوی] یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف میکنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفسیر های قابل قبول باید از طریق آنها بدست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را میدهد، اینکار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان توانائیهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهائی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می توانند آنرا به اندازه کافی درک کنند."

ب. در مورد «کرکگارد»، مطابق «برنارد رم» در کتاب او به نام «تفسیر کتاب مقدس از دیدگاه پروتستان» صفحه ۷۵:

به گفته کرکگارد، مطالعه دستوری، واژه ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی بشمار میآید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آنرا با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتابمقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا بصورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را میخوانند، آنگاه آنرا بعنوان کلام خدا خوانده است."

ج. «اچ. اچ. راولی» در کتاب «مطرح بودن کتاب مقدس» صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی تواند همه گنجینه های آنرا از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعهای روحانی با بینش روحانی دریافت میشوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. درین صورت او می تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنی تر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

VI. روش این کتاب تفسیر

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه های ذیل برای کمک به رویه های تفسیری شما تنظیم شده:

الف. طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده اید، به این اطلاعات رجوع کنید.

ب. بینش های متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. این به شما کمک میکند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.

ج. در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگراف ها و عنوان های توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده اند:

۱. متن یونانی انجمن متحد کتاب مقدس، ویراست تجدید نظر شده (UBS⁴)
۲. کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)
۳. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV)
۴. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV)
۵. ترجمه انگلیسی امروز (TEV)
۶. کتاب مقدس اورشلیم (JB)

تقسیم بندی پاراگراف ها الهام نشده اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. بوسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از تئوریهای متفاوت ترجمه و دیدگاه های مختلف علم الهی می باشند، می توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگراف های اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب بصورت پاراگراف بندی اینقدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطالبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

د. ترتیب یادداشت های «باب» [نویسنده کتاب] مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشت ها از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم میکنند:

۱. چارچوب ادبی
 ۲. بینش های تاریخی و فرهنگی
 ۳. اطلاعات دستوری
 ۴. مطالعات واژه ای
 ۵. بخش های پارالل [مشابه] مربوطه
- ه. در بعضی مقطع های کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه استاندارد آمریکایی جدید (بروز آمده در ۱۹۹۵) بوسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

۱. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV) که مطابق پیرو متن نسخه های خطی «متن دریافتی» می باشد.
۲. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV) که بازنگری کلمه به کلمه کتابمقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیسا ها می باشد.
۳. ترجمه انگلیسی امروز (TEV) که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتب مقدسه آمریکا است.
۴. کتاب مقدس اورشلیم (JB) که ترجمه ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.

و. برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک میکند:

۱. تفاوت ها در متون خطی
۲. معانی جانشین واژه ها
۳. متن ها و ساختار مشکل دستوری
۴. متن های دارای چند معنی

اگر چه ترجمه های انگلیسی نمی توانند این مسائل را حل کنند، آنها را برای مطالعه بیشتر و کامل تر مورد نظر قرار می دهند.
ز. در پایان هر فصل سئوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده اند و درین سئوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند.

نامهٔ پولس

به

روميان

پیشگفتار رومیان

بیانیه‌های سر آغاز

- الف. کتاب رومیان نظام مند ترین و منطقی‌ترین کتاب پولس رسول درباره آموزه های مسیحیت می باشد. از آنجا که اوضاع روم بر آن اثر داشته اند، نوشتار «رویدادی» بشمار می‌رود. یک پیشامد پولس را بر آن داشت این نامه را بنویسد. اما در میان تمامی نوشته های پولس، این کتاب بی طرفانه ترین آنهاست، زیرا روش مواجهه پولس با مسئله (احتمالاً حسادت بین رهبران یهودی و غیر یهودی، (م. ک. ۱۴: ۱- ۱۵: ۱۳) بیان صریح انجیل و مفاهیم آن برای زندگی روزانه بود.
- ب. بیان پولس از انجیل در «رومیان»، بر روی زندگی کلیسا در همه قرون تأثیر بسزایی داشته است:
۱. آگوستین قدیس در ۳۸۶ میلادی با خواندن «رومیان» ۱۳: ۱۳-۱۴ به مسیحیت گروید.
 ۲. در سال ۱۵۱۳ میلادی درک «مارتین لوتر» در مورد نجات، دچار تحولی بزرگ گردید زیرا مزمور ۳۱: ۱ را بارومیان ۱: ۱۷ مقایسه نمود. (م. ک. حبقوق ۲: ۴)
 ۳. در سال ۱۷۳۸ میلادی، یکروز که گذر «جان وسلی» از برابر گردهمایی «منونایت» ها در لندن افتاده بود، به مسیحیت گروید زیرا موعظه «لوتر» را در باره پیشگفتار رومیان که قرائت میکردند شنید، چون از قضا آن روز واعظی که قرار بوده صحبت کند پیدایش نشده بود!
- ج. شناخت «رومیان»، شناخت مسیحیت است. این نامه، زندگی و تعالیم مسیح را به صورت واقعیت های بنیادی برای تمامی قرون کلیسا شکل می دهد. مارتین لوتر درباره آن چنین گفت: "کتاب اصلی در عهد جدید و کتابی که مطلقاً به انجیل پرداخته است!"

نویسنده

نویسنده یقیناً پولس بوده است. سلام و تهنیت معمول او در ۱: ۱ دیده میشود. توافق عمده بر این است که «خار در جسم» پولس، دید ضعیف چشم او بوده است. بنابراین او عملاً این نامه را ننوشته، بلکه از کاتبی بنام «ترتیوس» استفاده کرده است (م. ک. ۱۶: ۲۲).

تاریخ تألیف

- الف. تاریخ احتمالی تألیف کتاب رومیان ۵۶-۵۸ میلادی است. این یکی از معدود کتابهای عهد جدید است که تاریخ آنرا میتوان تقریباً به تدقیق مشخص کرد. اینکار با مقایسه اعمال ۲۰: ۲ به بعد، و رومیان ۱۵: ۱۷ به بعد، انجام میشود. کتاب رومیان احتمالاً در شهر «قرنتس» در اواخر سفر سوم بشارتی پولس نوشته شده، پیش از آنکه پولس از آنجا به اورشلیم برود.
- ب. گاه نگاری ممکنه نوشته های پولس مطابق «اف. اف. بروس» و «موری هریس» با اقتباس های جزئی.

کتاب	تاریخ	محل تألیف	ارتباط با کتاب اعمال
۱. غلاطیان	۴۸	انطاکیه سوریه	۱۴: ۲۸؛ ۱۵: ۲
۲. ۱ تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	۵: ۱۸
۳. ۲ تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	
۴. ۱ قرنتیان	۵۵	افسس	۱۹: ۲۰
۵. ۲ قرنتیان	۵۶	مکادونیه	۲: ۲۰
۶. رومیان	۵۷	قرنتس	۲۰: ۳
۷-۱۰. نامه ها از زندان			
کولسیان	اوایل دهه ۶۰		
افسیان	اوایل دهه ۶۰	روم	
فلیمون	اوایل دهه ۶۰		
فیلیپیان	اواخر ۶۲-۶۳		۲۸: ۳۰ - ۳۱
۱۱-۱۳. سفر چهارم بشارتی			
۱ تیموتاوس	۶۳ (یا دیرتر)	مکادونیه	
تیطس	۶۳	افسس (?)	
۲ تیموتاوس	۶۴ (میلادی)	روم	

دریافت کنندگان

در نامه ذکر شده است که مقصد آن روم می باشد. ما نمیدانیم چه کسانی بنیاد کلیسا را در روم گذاشتند: الف. احتمال دارد تعدادی از کسانی بوده اند که در روز پنطیکاست از اورشلیم دیدن میکردند و ایمان آوردند و به شهر خود بازگشتند تا کلیسا بنا کنند (م. ک. اعمال ۲: ۱۰).

ب. احتمال دارد شاگردانی بوده اند که پس از مرگ استیفان از آزارها در اورشلیم فرار کرده بودند (م. ک. اعمال ۸: ۴).

ج. احتمال دارد کسانی بوده اند که در نتیجه سفرهای بشارتی پولس ایمان آورده، به روم رفته بودند. پولس هرگز به دیدار این کلیسا نرفته بود، اما مشتاق اینکار بود (م. ک. اعمال ۱۹: ۲۱). او در آنجا دوستان بسیاری داشت (م. ک. روم ۱۶).

ظاهراً برنامه او این بود پس از آنکه با «هدیه محبت» به اورشلیم سفر کند سر راه اسپانیا از روم دیدن نماید (م. ک. رومیان ۱۵: ۲۸) پولس احساس میکرد خدمت او در شرق مدیترانه پایان یافته است. او بدنبال عرصه های جدید بود (م. ک. ۱۵: ۲۰-۲۳، ۲۸). ظاهراً کسی که نامه پولس در یونان را به روم برد می تواند فیبی خادمه کلیسا که به آنجا سفر میکرد باشد (م. ک. ۱۶: ۱). چرا این نامه که در قرن اول، در پس کوچه های قرنتس توسط یک خیمه دوز عبرانی نوشته شده، اینقدر پر ارزش است؟ مارتین لوتر آنرا «کتاب اصلی در عهد جدید و کتابی که مطلقاً به انجیل پرداخته است» ذکر کرده است. اهمیت این کتاب درین واقعیت یافت میشود که توصیف مشروحی است از انجیل توسط یک عالم عبرانی مسیحی شده، بنام سولس ترسوسی که فراخوانده شده بود تا رسول غیر یهودیان باشد. تأثیر مسائل خاص محلی در اکثر نامه های پولس قویاً دیده میشوند، ولی در «رومیان» چنین نیست. این کتاب، ایمان یک رسول را با روشی نظام مند بیان کرده است.

ای هم ایمان مسیحی، توجه کرده بودی که اکثر واژه های تخصصی که امروزه برای تعریف "ایمان" بکار میروند ("پارسا شمردن"، "برای کسی محسوب کردن"، "فرزند خواندگی"، و "تقدیس") از کتاب رومیان برگرفته شده اند؟ این کتاب از لحاظ علم الهی، بسط حقایق «غلاطیان» است. حال که با هم در جستجوی اراده خدا برای زندگی های امروز خود می باشیم، دعا کنید خدا این نامه عالی و شگفت انگیز را برای شما روشن سازد!

مقصود

- الف. تقاضای کمک برای سفر بشارتی اش به اسپانیا. پولس معتقد بود کار رسالت او در شرق مدیترانه پایان یافته است (م. ک. ۱۵: ۲۰-۲۳، ۲۸)
- ب. رسیدگی به مسئله در کلیسای روم بین ایمان داران یهودی و غیر یهودی. احتمالاً این نتیجه ی بیرون رانده شدن تمامی یهودیان از روم و بازگشت بعدی آنان بود. در آن زمان رهبران غیر یهودی مسیحی، جانشین رهبران یهودی مسیحی شده بودند.
- ج. برای معرفی خود به کلیسای روم. در اورشلیم مخالفت شدیدی نسبت به پولس از طرف یهودیانی وجود داشت که خلوص نیت داشتند و به مسیحیت گرویده بودند (شورای اورشلیم در اعمال ۱۵)، نیز از طرف یهودیان غیر صمیمی (یهودی گراها در غلاطیان و ۲ قرن تیان ۳، ۱۰-۱۳) و از طرف غیر یهودیان (کولسیان، افسسیان) که سعی میکردند پیام انجیل را با تئوری ها یا فلسفه های مورد علاقه خود بیامیزند (مثلاً گنوستیسیم).
- د. ادعایی علیه پولس شده بود که او «نو آور» خطرناکی است و دارد با بی پروایی به تعلیمات عیسی اضافه میکند. کتاب رومیان راهی برای او بود تا با استفاده از عهد عتیق و تعلیمات عیسی (اناجیل) ثابت کند انجیل او صحیح است و بدینوسیله از خود بطور نظام مند دفاع کند.

طرح کلی مختصر

- الف. پیشگفتار (۱: ۱-۱۷)
۱. سلام های آغاز نامه (۱: ۱-۷)
 - ۱,۱ نویسنده (۱-۵)
 - ۱,۲ مقصد نامه (۶-۷ الف)
 - ۱,۳ درود (۷ ب)
 ۲. مناسبت (۱: ۸-۱۵)
 ۳. مضمون (۱: ۱۶-۱۷)
- ب. احتیاج به پارسایی الهی (۱: ۱۸-۳: ۲۰)
۱. انحطاط دنیای بی ایمانان (۱: ۱۸-۳۲)
 ۲. ریا کاری یهودیان یا «معلمین اخلاق» غیر ایماندار (۲: ۱-۱۶)
 ۳. داوری یهودیان (۲: ۱۷-۳: ۸)
 ۴. محکومیت همگان (۳: ۹-۲۰)

- ج. پارسایی الهی چیست (۳: ۲۱-۸: ۳۹)
۱. پارسایی تنها بوسیله ایمان (۳: ۲۱-۳۱)
 ۲. پایه پارسایی: وعده خدا (۴: ۱-۲۵)
 - ۲,۱ وضعیت صحیح ابراهیم (۴: ۱-۵)
 - ۲,۲ داوود (۴: ۶-۸)
 - ۲,۳ ارتباط ابراهیم با ختنه (۴: ۹-۱۲)
 - ۲,۴ وعده خدا به ابراهیم (۴: ۱۳-۲۵)
 ۳. دستیابی به پارسایی (۵: ۱-۲۱)
 - ۳,۱ جنبه ذهنی (احساسی): محبت به کسی که استحقاق ندارد، شادی بی نظیر (۵: ۱-۵)
 - ۳,۲ پایه عقلانی: محبت شگفت انگیز خدا (۵: ۶-۱۱)
 - ۳,۳ آدم/ «نمونه شناسی» مسیح [نمونه ای از مسیح در عهد عتیق]: گناه آدم، راه چاره خدا (۵: ۱۲-۲۱)
 ۴. پارسایی الهی باید پارسایی شخصی را نتیجه دهد (۶: ۱-۷: ۲۵)
 - ۴,۱ نجات یافته از گناه (۶: ۱-۱۴)
 - ۱,۱,۴ یک اعتراض گمان شده (۶: ۱-۲)
 - ۲,۱,۴ معنای تعمید (۶: ۳-۱۴)
 - ۴,۲ بنده شیطان یا بنده خدا: انتخاب شما (۶: ۱۵-۲۳)
 - ۴,۳ درقید تعهد شریعت بودن انسان (۷: ۱-۶)
 - ۴,۴ شریعت نیکو است اما گناه مانع نیکویی می‌گردد (۷: ۷-۱۴)
 - ۴,۵ جدال ابدی نیک و بد در دل ایماندار (۷: ۱۵-۲۵)
 ۵. نتایج قابل مشاهده پارسایی الهی (۸: ۱-۳۹)
 - ۵,۱ زندگی در روح القدس (۸: ۱-۱۷)
 - ۵,۲ فدیة دادن خلقت (۸: ۱۸-۲۵)
 - ۵,۳ کمک همیشگی روح القدس (۸: ۲۶-۳۰)
 - ۵,۴ پیروزی قضایی «پارسا شمرده شدن توسط ایمان» (۸: ۳۱-۳۹)
- د. هدف الهی برای تمامی بشر (۹: ۱-۱۱: ۳۲)
۱. گزینش قوم اسرائیل (۹: ۱-۳۳)
 - ۱,۱ وارثان حقیقی ایمان (۹: ۱-۱۳)
 - ۱,۲ حاکمیت خدا (۹: ۱۴-۲۶)
 - ۱,۳ نقشه جهانی خدا شامل غیر یهودیان می‌گردد (۹: ۲۷-۳۳)
 ۲. نجات اسرائیل (۱۰: ۱-۲۱)
 - ۲,۱ پارسایی خدا در مقابل پارسایی آدمیان (۱۰: ۱-۱۳)
 - ۲,۲ رحم و شفقت خدا لازم می‌سازد افراد پیام او را برسانند - فراخوانی برای بشارت جهانی (۱۰: ۱۴-۱۸)
 - ۲,۳ ادامه بی ایمانی قوم نسبت به مسیح (۱۰: ۱۹-۲۱)
 ۳. قصور قوم اسرائیل (۱۱: ۱-۳۶)
 - ۳,۱ باقیمانندگان یهود (۱۱: ۱-۱۰)
 - ۳,۲ غیرت یهود (۱۱: ۱۱-۲۴)
 - ۳,۳ نابینایی موقت اسرائیل (۱۱: ۲۵-۳۲)
 - ۴,۳ ابراز پر شور شکر گذاری پولس (۱۱: ۳۳-۳۶)

- ه. نتیجه هدیه «پارسایی الهی» (۱۲: ۱-۱۵: ۱۳)
۱. فراخوانی به تقدیس و تخصیص (۱۲: ۱-۲)
 ۲. استفاده از عطایا (۱۲: ۳-۸)
 ۳. روابط ایمانداران با ایمانداران دیگر (۱۲: ۹-۲۱)
 ۴. روابط با دولت (۱۳: ۱-۷)
 ۵. روابط با همسایگان (۱۳: ۸-۱۰)
 ۶. روابط با خداوند ما (۱۳: ۱۱-۱۴)
 ۷. روابط با سایر اعضای کلیسا (۱۴: ۱-۱۲)
 ۸. اثر ما بر دیگران (۱۲: ۱۳-۲۳)
 ۹. روابط در شبیه مسیح بودن (۱۵: ۱-۱۳)

- و. در خاتمه (۱۵: ۱۴-۳۳)
۱. برنامه های شخصی پولس (۱۴: ۲۹-۱۵)
 ۲. تقاضاهای دعا (۱۵: ۳۰-۳۳)

- ز. تذکرات آخر (۱۶: ۱-۲۷)
۱. سلامها (۱۶: ۱-۲۴)
 ۲. دعای برکت در اختتام (۱۶: ۲۵-۲۷)

دوره اول مطالعه (به صفحات xi و xii رجوع کنید)

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در روشنایی که یافته ایم، قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس، در تفسیر اولویت دارید. نباید از این حق خود صرفنظر کرده، آنرا به مفسر واگذار نمایید.

سراسر کتاب در کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مضمون محوری کل کتاب را با کلمات خود بنویسید.

۱. مضمون کل کتاب

۲. نوع متن (ژانر/ گونه ادبی)

دوره دوم مطالعه (به صفحه xii رجوع کنید)

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در روشنایی که یافته ایم قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس، در تفسیر اولویت دارید. نباید از این حق خود صرفنظر کرده، آنرا به مفسر واگذار نمایید.

سراسر کتاب در کتاب مقدس را برای بار دوم در یک نشست بخوانید. موضوع های اصلی را بصورت طرح کلی در بیاورید و موضوع را در یک جمله بیان کنید.

۱. موضوع اولین واحد ادبی
۲. موضوع دومین واحد ادبی
۳. موضوع سومین واحد ادبی
۴. موضوع چهارمین واحد ادبی
۵. و غیره

رومیان فصل ۱

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید*

JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۴
خطاب	سلام اول نامه	سلام اول نامه	درودها، سلام های اول نامه	سلام اول نامه
۲-۱:۱	۱:۱	۶-۱:۱	۷-۱:۱	۷-۱:۱
	۶-۲:۱			
۷-۳:۱	۷:۱ الف	۷:۱ الف		
	۷:۱ ب	۷:۱ ب		
شکر گذاری و دعا	دعای شکر گذاری	شکر گذاری	اشتیاق برای دیدن روم	اشتیاق پولس برای دیدن روم
۱۵-۸:۱	۱۲-۸:۱	۱۵-۸:۱	۱۵-۸:۱	۱۵-۸:۱
	۱۵-۱۳:۱			
مضمون اظهار شده	قدرت انجیل	مضمون نامه	پارسایان بوسیله ایمان زندگی میکنند	قدرت انجیل
۱۷-۱۶:۱	۱۷-۱۶:۱	۱۷-۱۶:۱	۱۷-۱۶:۱	۱۷-۱۶:۱
غضب خدا بر بی دینان	تقصیر آدمیان	داوری خدا نسبت به گناه	غضب خدا بر نادرستی	تقصیر انسانها
۲۵-۱۸:۱	۲۳-۱۸:۱	۲۳-۱۸:۱	۳۲-۱۸:۱	۲۳-۱۸:۱
	۲۵-۲۴:۱	۲۵-۲۴:۱		۳۲-۲۴:۱
۲۷-۲۶:۱	۲۷-۲۶:۱	۲۷-۲۶:۱		
۳۲-۲۸:۱	۳۲-۲۸:۱	۳۲-۲۸:۱		

*اگرچه تقسیمات پاراگراف ها وحی نشده اند، اما آنها کلید درک و پابندی به مقصود نویسنده اصلی می باشند. هر یک از ترجمه های امروزی باب اول را تقسیم و خلاصه کرده اند. هر پاراگراف یک عنوان، واقعیت یا اندیشه محوری دارد. هر ترجمه مختلف، آن عنوان را بطریق خاص خود خلاصه میکند. در حالیکه متن را میخوانید، از خود بپرسید کدام ترجمه با درک شما از موضوع و تقسیمات آیه ها هماهنگ است.

در هر فصل، ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانید و سعی کنید موضوع ها (پاراگراف ها) ی آنرا مشخص کنید. آن موقع درک خود را با ترجمه های امروزی مقایسه نمایید. تنها با درک مقصود نویسنده اصلی از طریق پیگیری منطق و طرز بیان اوست که می توان کتاب مقدس را حقیقتاً درک کرد. تنها نویسنده اصلی الهام یافته است - خوانندگان به هیچوجه حق ندارند پیام را تغییر دهند یا در آن تصرف کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت دارند حقیقت الهام شده را برای زمان خود بکار گرفته، در زندگی خود آنرا عملی سازند.

توجه داشته باشید تمامی کلمات تخصصی و مخففات در ضمیمه های یک، دو، و سه توضیح کامل داده شده اند.

دوره سوم مطالعه (رجوع شود به صفحه xii)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات می باشد، به این معنا که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در پرتو نوری که در برابر ماست قدم بر داریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در تفسیر اولویت دارید. این حق را نباید به یک مفسر واگذار کنید.

باب را در یک نشست بخوانید. موضوع های اصلی را مشخص نمایید. تقسیمات موضوع های خود را با پنج ترجمه جدید مقایسه نمایید. پاراگراف بندی ها الهام نشده اند، اما کلید فهم مقصود نویسنده اصلی می باشند، که کار اصلی در تفسیر است. هر پاراگراف یک موضوع و فقط یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. غیره

بیش ها در چارچوبه متن

الف. آیات ۱-۷ پیشگفتار نامه را تشکیل میدهند. این پیشگفتار از بین تمامی نامه های پولس، طولانی ترین است. پولس میخواست به کلیسایی که شخصاً او را نمی شناختند و احتمالاً گفته های منفی در مورد او شنیده بودند، خود و الهیات خود را معرفی کند.

ب. آیات ۸-۱۲ دعای آغازین شکر گذاری است. این بطور عموم روش معمول نامه های یونانی و بخصوص نوشته های پولس بود.

ج. آیات ۱۶-۱۷ مضمون (تم) کتاب را بازگو می کنند.

د. آیات ۱۸ تا ۳: ۲۰ اولین واحد ادبی و اولین نکته انجیل پولس را تشکیل می دهند؛ تمامی انسان ها گناه کرده اند و نیاز به نجات دارند (م. ک. پیدا ۳).

۱. بی دینان بدون اخلاقیات

۲. بی دینان پیرو اخلاقیات

۳. یهودیان

ه. رومیان ۱: ۱۸-۳: ۲۰ بازتاب پیدایش باب ۳ می باشد (جای تعجب است که معلمین مذهبی یهود در مورد منشاء گناه، به این متن توجهی ندارند بلکه به باب ۶ پیدایش). بشریت برای مشارکت با خدا و به شباهت خود خدا آفریده شد (م. ک. پیدایش ۱: ۲۶-۲۷). اما انسان کسب

دانایی و وعده بدست آوردن اقتدار و برتری و تفوق را انتخاب کرد. در واقع، انسان ها بجای خدا، خود را انتخاب کردند (انسانگرایی همراه با بی خدایی)!

خدا این بحران را خود اجازه داد، یا حتی احتمالاً خود بوجود آورد. شبیه به خدا بودن یعنی مسئول بودن، جوابگو بودن از لحاظ اخلاقی، آزادی عمل داشتن همراه با عواقب آن. خدا انسان ها را بر پایه گزینه خود و نیز بر پایه گزینه آنها، تفکیک میکند (رابطه معاهده ای)! خدا به آنها اجازه میدهد نفس خود را با تمام عواقب و عوارض آن انتخاب کنند. این امر خدا را بشدت اندوهگین می سازد (م. ک. پیدا ۶: ۵-۷) اما انسان ها عاملین آزاد اخلاقی هستند، با تمامی حق و حقوق و مسئولیت هایی که این موضوع به همراه دارد. عبارت مکرر "خدا آنها را واگذاشت" (م. ک. ۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸) پذیرش آن آزادی است، نه طرد عمدی از طرف خدا. گزینه خدا این نبود. دنیای ما، دنیایی نیست که خدا قصد داشت! (م. ک. پیدا ۳: ۲۲؛ ۶: ۵-۷، ۱۱-۱۳)

و. خلاصه ۱: ۱۸-۳: ۲۰ از لحاظ علم الهی در ۳: ۲۱-۳۱ دیده میشود. این اولین "خبر خوش" انجیل است - تمامی بشر گناه کرده اند و محتاج بخشش خدا می باشند؛ خدا از روی فیض خود راه تجدید دوستی و مشارکت نزدیک (منظور: تجربه باغ عدن را) فراهم میسازد.

ز. درین اولین واحد ادبی ارائه پولس از انجیل، جالب توجه است که بشریت سقوط کرده مسئول سرپیچی و گناه خود شناخته می شود، بدون اینکه هیچ رجوعی به شیطان یا ارواح خبیث شده باشد (م. ک. روم ۱: ۱۸-۳: ۲۰) این قسمت، یقیناً الهیات باب ۳ پیدایش را منعکس میکند - اما بدون وسوسه کننده شخصی. خدا به انسان های سقوط کرده اجازه نمی دهد بار دیگر تقصیر را به عهده شیطان (م. ک. پیدا ۳: ۱۳) یا خود خدا (م. ک. پیدا ۳: ۱۲) بگذارند. انسانها به شباهت خدا آفریده شده اند (م. ک. پیدا ۱: ۲۶؛ ۵: ۱، ۳؛ ۹: ۶). آنها دارای حق و اختیار و تعهد برای انتخاب می باشند. افراد در مورد انتخاب هایی که می کنند مسئول شناخته می شوند - هم شراکتاً با آدم و هم فرداً در گناه شخصی (م. ک. ۳: ۲۳).

مطالعه کلمات و عبارات

متن NASB (بروز آمده) ۱: ۱-۶

^۱ پولس، غلام عیسی مسیح که به رسالت فراخوانده شده و برای انجیل خدا جدا نموده شده است،
^۲ آن انجیلی که خدا از پیش به واسطه پیامبران خود در کتب مقدس وعده داد،^۳ در باره پسر او، که از لحاظ جسم از صلب داوود بدنیا آمد،^۴ که با رستخیز از مردگان، پسر خدا با قدرت اعلام گردید - بر طبق روح قدوسیت، عیسی مسیح خداوند ما،^۵ که بواسطه وی فیض و رسالت را یافته ایم تا بخاطر نام او سبب اطاعت ایمان در میان همه غیر یهودیان گردیم،^۶ که از میان ایشان شما نیز فرا خوانده شدگان عیسی مسیح هستید؛

۱: ۱ "پولس": اکثر یهودیان زمان پولس دو اسم کوچک داشتند، یکی یهودی و یکی رومی (م. ک. اعمال ۱۳: ۹). نام یهودی پولس، سولس [شاول] بود. او، همانند پادشاه باستانی اسرائیل، از طایفه بنیامین بود (م. ک. روم ۱: ۱۱؛ فیلیپیان ۳: ۵). نام رومی او به شکل یونانی، پولس (Paulos) به معنای "کوچک" بود. این اشاره ای به یکی از حالات ذیل بود:

۱. در کتابی از قرن دوم میلادی بنام «عمال پولس» که جزو کتب مقدسه نبوده، در فصلی در باره تسالونیکیه بنام "پولس و تیکلا" اشاره ای به قامت فیزیکی او شده است
 ۲. نظر شخصی او که خود را در میان مقدسین کمترین بشمار می‌آورد، زیرا در ابتدا کلیسا را مورد آزار قرار داده بود (م. ک. ۱ قرن ۱۵: ۹؛ افس ۳: ۸؛ ۱ تیمو ۱: ۱۵)
 ۳. نامی بوده که والدینش هنگام تولد بر او نهاده بودند
- گزینه شماره ۳ بهتر از بقیه بنظر می‌رسد.

□ «غلام» در ترجمه های NKJV، NRSV، TEV و JB "خدمت گذار" آمده است. این مفهوم یا (۱) در تضاد با عیسی مسیح بعنوان خداوند آمده یا (۲) عنوان احترام آمیزی با نقل از عهد عتیق بوده است (م. ک. موسی در اعد ۱۲: ۷ و یوش ۱: ۱؛ یوشع در یوش ۲۴: ۲۹؛ و داود در مزمو (عنوان)، و اشعیا ۴۲: ۱، ۱۹؛ ۵۲: ۱۳).

□ «به رسالت فراخوانده شده»: این گزینه خدا بود، نه او (م. ک. اعا ۹: ۱۵؛ غلا ۱: ۱۵؛ افس ۳: ۷). پولس دارد صلاحیت ها و اقتدار روحانی خود را به این کلیسا که هرگز ملاقاتشان نکرده بود اظهار و اعلام میدارد (همانطور که در اقرن ۱: ۱؛ ۲ قرن ۱: ۱؛ غلا ۱: ۱، کولس ۱: ۱؛ ۱ تیمو ۱: ۱، تیطس ۱: ۱ اعلام کرده است). رجوع کنید به عنوان خاص: فراخوانده شده در ۱: ۶.

کلمه «رسول» در دوایر یهودی فلسطینی قرن اول میلادی به معنای «فرستاده بعنوان نماینده رسمی» بوده است (م. ک. ۲ تا ۱۷: ۷-۹). در عهد جدید این کلمه به دو معنی استفاده می‌شد: (۱) در باره دوازده حواری خاص و پولس؛ و (۲) درباره یک عطای روحانی که هنوز هم در کلیسا ادامه دارد (م. ک. ۱ قرن ۱۲: ۲۸-۲۹؛ افس ۴: ۱۱).

عنوان خاص: فرستادن (APOSTELLŌ)

این یک کلمه متعارف یونانی برای "فرستادن" (به عبارت دیگر *apostellō*) می‌باشد. این واژه در الهیات چند مورد استفاده دارد.

الف. معلمین مذهبی یهود اینرا به کسی می‌گفتند که بعنوان نماینده رسمی شخص دیگری فرا خوانده شده و فرستاده شده بود، که تقریباً مشابه معنای "سفیر" در فارسی است (م. ک. ۲ قرن ۵: ۲۰).

ب. اناجیل اغلب از این کلمه در مورد عیسی که فرستاده پدر است، استفاده میکنند. در یوحنا این کلمه بطور ضمنی معنایی در ارتباط با ماتیث را بخود میگیرد (م. ک. متی ۱۰: ۴۰؛ ۱۵: ۲۴؛ مرقس ۹: ۳۷؛ لوقا ۹: ۴۸ و بخصوص یوحنا ۴: ۳۴؛ ۵: ۲۴ و ۳۰ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸؛ ۶: ۲۹ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۵۷؛ ۷: ۲۹؛ ۸: ۴۲؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵؛ ۲۰: ۲۱). آن در مورد عیسی استفاده شده است که ایمانداران را می‌فرستد (م. ک. یوحنا ۱۷: ۱۸؛ ۲۰: ۲۱).

ج. عهد جدید آنرا برای حواریون استفاده میکرد

۱. گروه اولیه و اصلی دوازده حواری (م. ک. لوقا ۶: ۱۳؛ اعمال ۱: ۲۱-۲۲)

۲. گروه خاص یاری دهندگان و همکاران رسولان

۱، ۲ برنابا (م. ک. اعمال ۱۴: ۴، ۱۴)

۲، ۲ اندرونیکوس و یونیا (KJV، یونیا، م. ک. روم ۱۶: ۷)

۳، ۲ آپولس (م. ک. اقرن ۴: ۶-۹)

۴، ۲ یعقوب برادر خداوند (م. ک. غلا ۱: ۱۹)

۵,۲ سیلوانوس و تیموتاؤس (م. ک. ۱ تسا ۲: ۶)

۶,۲ احتمالاً تیطس (۲ قرن ۸: ۲۳)

۷,۲ احتمالاً ایپارودیتوس (م. ک. فیل ۲: ۲۵)

۳. هدیه ای مداوم در کلیسا (م. ک. ۱ قرن ۱۲: ۲۸-۲۹؛ افس ۴: ۱۱)

د. پولس از این لقب در اکثر نامه هایش برای خود استفاده میکند تا نشان دهد اقتدار او به عنوان نماینده مسیح از طرف خداست. (م. ک. روم ۱: ۱؛ ۱ قرن ۱: ۱؛ ۲ قرن ۱: ۱؛ غلا ۱: ۱؛ افس ۱: ۱؛ کولس ۱: ۱؛ ۱ تیمو ۱: ۱؛ ۲ تیمو ۱: ۱؛ تیطس ۱: ۱).

□ **"جدا نموده شده"**: این عبارت «کامل وصفی مجهول» می باشد که ضمناً دلالت میکرد خدا در گذشته او را جدا ساخته بود (م. ک. ارمیا ۱: ۵ و غلا ۱: ۱۵) و این "در حالت موجود بودن" ادامه یافته بود. احتمالاً این برداشتی دیگر از کلمه "فریسی" در زبان آرامی بوده است. فریسیان برای «قانون گرایی» یهودی اختصاص داده شده بودند (همچنین پولس [فیلیپیان ۳: ۵] قبل از برخوردش با عیسی در راه دمشق) اما اکنون او برای انجیل جدا شده بود [اختصاص داده شده بود].

این عبارت با کلمه "مقدس" در عبری به معنی "جدا شده برای استفاده خدا" مرتبط است (خرو ۱۹: ۶؛ ۱ پتر ۲: ۵). کلمات "قدیس"، "تقدیس" و "جدا شده" یکایک همان ریشه یونانی "مقدس" (*hagios*) را داشتند.

□ **"برای انجیل خدا"**: «حرف اضافه» *eis* در این متن (و آیه ۵) نشانگر هدف از "خوانده شدن" پولس (آیه ۱ قسمت دوم) و "جدا نموده شده" (آیه ۱ قسمت سوم) است.

انجیل واژه ای مرکب است و از "نیکو" (*eu*) و "پیام" (*angellos*) آمده است. این واژه ای شد که تعالیم مکشوف شده در پیمان جدید را توصیف میکرد (م. ک. ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حز ۳۶: ۲۲-۳۲)، و آن ماشیح موعود خداست (م. ک. آیات ۳-۴).

این انجیل خداست، نه انجیل پولس (م. ک. ۱۵: ۱۶؛ مرقس ۱: ۱۴؛ ۲ قرن ۱۱: ۷؛ ۱ تسا ۲: ۲، ۸، ۹؛ ۱ پتر ۴: ۱۷). پولس نو آوری نمی کرد یا از لحاظ فرهنگی وفق نمی داد، بلکه حقیقتی را که دریافت کرده بود اعلام میداشت (م. ک. ۱ قرن ۱: ۱۸-۲۵).

۱: ۲ "از پیش به واسطه پیامبران خود در کتب مقدس وعده داد" این «گذشته غیرمعین انعکاسی (عملی که به خود فاعل برمیگردد) اخباری» است. انجیل امری نبود که بعد از برنامه ریزی و شروع کارها به ذهن خدا خطور کرده باشد، بلکه نقشه ازلی و هدفمند او بود (م. ک. پیدا ۳: ۱۵، اش ۵۳؛ مز ۱۱۸؛ مر ۱۰: ۴۵؛ لوقا ۲: ۲۲، اعا ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ تیطس ۱: ۲). موعظه های اولیه در اعمال رسولان (*kerygma*) عیسی را بعنوان تحقق وعده ها و نبوت های عهد عتیق ارائه میکنند.

عنوان خاص: *KERYGMA* [موعظه های اعلام کننده حقایق ایمان] در کلیسای نخستین

۱. با آمدن عیسی ماشیح وعده هایی که خدا در عهد عتیق داده بود اکنون عملی گشته اند (اعمال ۲: ۳۰؛ ۳: ۱۹، ۲۴؛ ۱۰: ۴۳؛ ۲۶: ۶-۷، ۲۲؛ روم ۱: ۲-۴؛ ۱ تیمو ۳: ۱۶؛ عبر ۱: ۱-۲؛ ۱ پتر ۱: ۱۰-۱۲؛ ۲ پتر ۱: ۱۸-۱۹).
۲. خدا عیسی را بعنوان ماشیح در زمان تعمیدش مسح کرد (اعمال ۱۰: ۳۸).

۳، عیسی پس از تعمید خود، خدمتش را در جلیل شروع نمود (اعما ۱۰: ۳۷)
۴، مشخصه خدمت او کارهای نیک و انجام اعمال پر قدرت بوسیله اقتدار خدا بود (مرقس ۱۰: ۴۵؛ اعمال ۲: ۲۲؛ ۱۰: ۳۸).

۵. ماشیح طبق منظور خدا مصلوب گردید (مرقس ۱۰: ۴۵؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ اعمال ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۳-۱۵، ۱۸؛ ۴: ۱۱؛ ۱۰: ۳۹؛ ۲۶: ۲۳؛ روم ۸: ۳۴؛ ۱ قرن ۱: ۱۷-۱۸؛ ۱۵: ۳؛ غلا ۱: ۴؛ عبر ۱: ۳؛ ۱ پطرس ۱: ۲؛ ۱۹: ۳؛ ۱۸: ۱؛ یوحنا ۴: ۱۰).

۶. او از مردگان برخیزانیده شد و به شاگردان خود ظاهر گردید (اعمال ۲: ۲۴، ۳۱-۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۱۰: ۴۰-۴۱؛ ۱۷: ۳۱؛ ۲۶: ۲۳؛ روم ۸: ۳۴؛ ۱۰: ۹؛ ۱ قرن ۱۵: ۴-۷، ۱۲ به بعد؛ ۱ تسلا ۱: ۱۰؛ ۱ تیمو ۳: ۱۶؛ ۱ پطرس ۱: ۲؛ ۳: ۲۱، ۱۸).

۷، عیسی بوسیله خدا تعالی داده شد و نام "خداوند" به او تعلق گرفت (اعمال ۲: ۲۵-۲۹، ۳۳-۳۶؛ ۳: ۱۳؛ ۱۰: ۳۶؛ روم ۸: ۳۴؛ ۱۰: ۹؛ ۱ تیمو ۳: ۱۶؛ عبر ۱: ۳؛ ۱ پطرس ۳: ۲۲).

۸، او روح القدس را اعطا کرد تا جامعه نوین خدا را متشکل سازد (اعمال ۱: ۸؛ ۲: ۱۴-۱۸، ۳۸-۳۹؛ ۱۰: ۴۴-۴۷؛ ۱ پطرس ۱: ۱۲).

۹، او باز خواهد آمد تا قضاوت نماید و همه چیز را اعاده کرده، به حال اولیه برگرداند (اعمال ۳: ۲۰-۲۱؛ ۱۰: ۴۲؛ ۱۷: ۳۱؛ ۱ قرن ۱۵: ۲۰-۲۸؛ ۱ تسلا ۱: ۱۰).

۱۰، همه کسانی که پیام را می شنوند باید توبه کنند و تعمید بیابند (اعمال ۲: ۳۸، ۴۱؛ ۳: ۱۹؛ ۱۰: ۴۳، ۴۷-۴۸؛ ۱۷: ۳۰؛ ۲۶: ۲۰؛ روم ۱: ۱۷؛ ۱۰: ۹، ۱ پطرس ۳: ۲۱).

این طرح کلی از اصول، نقش پیام اساسی را داشت که کلیسای اولیه اعلام میداشت، اگر چه ممکن است نویسندگان مختلف عهد جدید قسمتی از آنرا ذکر نکرده باشند، یا برخی نکات خاص دیگری را در موعظه های خود تأکید می نمودند. سراسر انجیل مرقس با بینش پطرس رسول از *kerygma* مطابقت نزدیک دارد. مرقس مطابق عرف مسیحیت، اینگونه نظاره می شود که موعظه های پطرس در روم را تنظیم نموده، بصورت انجیل نوشتاری قلم زده است. متی و لوقا، هر دو، از ساختار اساسی مرقس پیروی کرده اند.

۱: ۳ "در باره پسر او": پیام محوری «خبر خوش»، یک فرد است، یعنی عیسی ناصری که زاده باکره ای مریم نام بود. در عهد عتیق، "ملت" و "پادشاه" و "ماشیح"، "پسر" خوانده میشدند (م.ک. ۲ سمو ۷: ۱۴؛ هو ۱: ۱؛ مزا ۲: ۷؛ متی ۲: ۱۵).

در عهد عتیق خدا توسط خادمین و پیامبران سخن میگفت. عیسی خادم خدا نبود بلکه عضو خانواده بود (م.ک. عبر ۱: ۱-۲؛ ۳: ۶؛ ۵: ۸؛ ۷: ۲۸). جای تعجب است که پولس تنها درین قسمت کتاب بر روی «مسیح پژوهی» [مطالعه الهیاتی ذات عیسی] تمرکز میدهد. کتاب رومیان، الهیات نظام مند کامل نیست.

عنوان خاص: پسر خدا

این یکی از القاب اعظم عهد جدید برای عیسی می باشد و یقیناً الوهیت را بطور ضمنی می رساند. این عبارت عیسی را به عنوان "پسر" یا "پسر من" و خدا را که "پدر" خطاب شده، شامل می بود. در عهد جدید این عبارت بیش از ۱۲۴ مرتبه ذکر شده است. حتی لقب "پسر انسان" که عیسی بخود اطلاق مینماید، مطابق دانیال ۷: ۱۳-۱۴ معنی ضمنی الوهیت دارد.

در عهد عتیق، لقب "پسر" می توانست به چهار گروه خاص اطلاق شود:

۱. فرشتگان (معمولاً به صورت «اسم جمع»، م.ک. پیدا ۶: ۲؛ ایوب ۱: ۶؛ ۲: ۱)
۲. پادشاه اسرائیل (م.ک. ۲ سمو ۷: ۱۴؛ مزا ۲: ۷؛ ۸۹: ۲۶-۲۷)

۳. ملت اسرائیل در تمامیت (م.ک. خرو ۴: ۲۲-۲۳؛ نتث ۱۴: ۱؛ هو ۱۱: ۱؛ ملا ۲: ۱۰)
۴. داوران قوم اسرائیل (م.ک. مزا ۸۲: ۶)

کاربرد دوم است که با عیسی پیوند دارد. ازین طریق "پسر داوود" و "پسر خدا" هر دو به ۲ سموئیل ۷ و مزامور ۲ و ۸۹ مرتبط می شوند. در عهد عتیق "پسر خدا" هرگز بطور اخص در مورد ماشیح بکار نرفته است، مگر بعنوان پادشاه روز آخرت و یکی از "مقامات مسح شده" اسرائیل. لکن در طومار های بحرالमित این لقب با اشاره بر ماشیح بسیار دیده می شود است (رجوع های بخصوص را در *Dictionary of Jesus and the Gospels*، صفحه ۷۷۰ ملاحظه نمایید). همچنین در دو اثر «آپوکالیپتیکی» [مکاشفه پیشگویانه] یهودی که در زمان مابین عهد عتیق و عهد جدید نوشته شده اند، "پسر خدا" لقبی است در باره ماشیح (م.ک. ۲ اسدرا [Esdras] ۷: ۲۸؛ ۱۳: ۳۲ و ۳۷ و ۵۲؛ ۱۴: ۹ و ۱ خنوخ [Enoch] ۱۰۵: ۲).

پیش زمینه عهد جدید آنرا در رجوع به عیسی، بطرز بهینه می توان در چند مقوله خلاصه نمود:

۱. تقدم وجود و ازلیت او (م.ک. یوحنا ۱: ۱-۱۸)
۲. تولد بی همتای او (از باکره) (م.ک. متی ۱: ۲۳؛ لوقا ۱: ۳۱-۳۵)
۳. تعمید او (م.ک. متی ۳: ۱۷؛ مرقس ۱: ۱۱؛ لوقا ۳: ۲۲. ندای خدا از آسمان، پادشاه ملوکانه در مزمور ۲ را با خادم رنجبر در اشعیا ۵۳، وحدت می دهد).
۴. وسوسه او توسط شیطان (م.ک. متی ۴: ۱-۱۱؛ مرقس ۱: ۱۳، ۱۲؛ لوقا ۴: ۱-۱۳. او وسوسه میگردد تا به «مقام فرزندی خود» تردید کند یا حداقل هدف از آنرا از راه های دیگری بجز صلیب عملی سازد).
۵. تأیید او از طرف معترفین غیر قابل پذیرش
 - ۵,۱ دیو ها (م.ک. مرقس ۱: ۲۳-۲۵؛ لوقا ۴: ۳۱-۳۷؛ مرقس ۳: ۱۱-۱۲)
 - ۵,۲ بی ایمانان (م.ک. متی ۲۷: ۴۳؛ مرقس ۱۴: ۶۱؛ یوحنا ۱۹: ۷)
۶. تأیید او بوسیله شاگردان او
 - ۶,۱ متی ۱۴: ۳۳؛ ۱۶: ۱۶
 - ۶,۲ یوحنا ۱: ۳۴، ۴۹؛ ۶: ۶۹؛ ۱۱: ۲۷
۷. تأیید شخصی او
 - ۷,۱ متی ۱۱: ۲۵-۲۷
 - ۷,۲ یوحنا ۱۰: ۳۶
۸. استفاده او از استعاره مربوط به روابط خانوادگی، «خدا» بعنوان «پدر»
 - ۸,۱ استفاده او از "آبا" برای خدا
 - (۱) مرقس ۱۴: ۳۶
 - (۲) رومیان ۸: ۱۵
 - (۳) غلاطیان ۴: ۶
 - ۸,۲ استفاده پیاپی او از پدر (patēr) برای توصیف رابطه او با الوهیت

در خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای کسانی که از عهد عتیق و وعده ها و مقوله های آن آگاه بودند به لحاظ علم الهی معنای بسیار پراهمیتی داشت، اما نویسندگان عهد جدید از استفاده آن در برابر غیر یهودیان احتیاط می کردند زیرا غیر یهودیان پیش زمینه مشرک داشتند و به "خدایانی" معتقد بوده اند که با زنان رابطه پیدا کرده و فرزندان چون "تایتان ها" [انسان های عظیم الجثه] یا "غولها" تولید می کرده اند.

□ "از صُلب داوود بدنیا آمد" این به پیشگویی ۲ سموئیل ۷ مرتبط می گردد. ماشیح از سلسله ملوکانه داوود (م.ک. اشعیا ۹: ۷؛ ۱۱: ۱۰، ۱؛ ارمیا ۲۳: ۵؛ ۳۰: ۹، ۳۳: ۱۵) از خاندان یهودا بود (م.ک. پیدای ۴۹: ۴-۱۲؛ اشعیا ۶۵: ۹). در انجیل متی عیسی چند بار با این عنوان خطاب شده است (م.ک. ۹: ۲۷؛ ۱۲: ۲۳؛ ۱۵: ۲۲؛ ۲۰: ۳۰)، که پرتو گر امید یهود برای نجات دهنده ی آمدنی بود.

جای تعجب است که پولس این جنبه ی عیسی را تأکید نکرد. او این را فقط درینجا و در ۲ تیموتاوس ۲: ۸ ذکر میکند و هر دو این مجموعه آیات ممکن است نقل قولهایی از جملاتی متداول در اعتقاد نامه کیشی کلیسای اولیه باشند.



، NKJV ،NASB

NRSV "از لحاظ جسم"

TEV "از لحاظ انسان بودن او"

JB "از لحاظ طبیعت انسانی"

این تحقق پیشگویی ها، و تأیید انسانیت عیسی بود که اغلب مورد انکار دنیای مذهبی قرن اول، که گلچین کننده عقاید از منابع مختلف بود، قرار می گرفت (م.ک. ۱ یوحنا ۱: ۱-۴؛ ۳-۱). این آیه به روشنی نشان میدهد که پولس همیشه از واژه "جسم" (*sarx*) بصورت منفی استفاده نمی کرد (م.ک. ۲: ۲۸؛ ۹: ۳). در عین حال، پولس معمولاً از "جسم" در تضاد با "روح" استفاده می نمود. (م.ک. ۶: ۱۹؛ ۷: ۱۸، ۲۵؛ ۸: ۳-۹، ۱۳، ۱۲؛ ۱ قرن ۵: ۵؛ ۲ قرن ۱: ۱۷؛ ۱۱: ۱۸؛ ۳: ۳؛ ۵: ۱۷، ۱۶، ۱۳-۱۹، ۲۴؛ ۶: ۸؛ افس ۲: ۳؛ کولس ۲: ۲۳، ۱۸، ۱۳، ۱۱). .

ساختار دستوری *kata* (به معنی: از لحاظ)، همراه با «مفعول بی واسطه»، مشابه عوامل دستوری در آیه ۴ است. عیسی هم انسان است (از لحاظ انسانی، آیه ۳) و هم الوهیت دارد (از لحاظ روح خدا، آیه ۴). این آموزه اصولی "جسم پوشیدن" بسیار مهم است (م.ک. ۱ یوحنا ۴: ۱-۳). نیز می تواند معنی ضمنی لقب "پسر انسان" باشد که مسیح خود برگزیده بود. (م.ک. مزمو ۸: ۴؛ حزقیال ۲: ۱ "انسانی" و دانیال ۷: ۱۳ "الهی").

عنوان خاص: جسم (*SARX*)

این در اشاره است به حکمت انسانی یا موازین دنیوی (م.ک. ۱ قرن ۱: ۲۰؛ ۲: ۶، ۸؛ ۳: ۱۸). پولس از واژه "جسم" (به عبارت دیگر *sarx*) در نوشته های خود به چند نوع استفاده می کند.

۱. بدن انسانی (م.ک. روم ۲: ۲۸؛ ۱ قرن ۵: ۵؛ ۷: ۲۸)
۲. نَسَب انسانی (به عبارت دیگر پدر و پسر، م.ک. روم ۱: ۳؛ ۴: ۱؛ ۱ قرن ۱۰: ۱۸)
۳. تمامی انسان ها (م.ک. ۱ قرن ۱: ۲۶، ۲۹)
۴. ضعف انسان به دلیل سقوط بشر در پیدایش ۳ (م.ک. روم ۶: ۱۹؛ ۷: ۱۸)

۱: ۴ "اعلام گردید" در اینجا «گذشته غیر معین مجهول وصفی» بکار رفته است. خدا عیسی را یقیناً به مقام "پسر خدا" منصوب فرمود. این بدان معنی نیست که بیت اللحم آغاز وجود عیسی بوده است یا او مقامی پایین تر از پدر دارد. به «عنوان خاص: تثلیث» در ۸: ۱۱ رجوع نمایید.

□ "تا پسر خدا باشد" نویسندگان عهد جدید در اشاره به عیسی معمولاً از لقب "پسر خدا" استفاده نمی کردند (م.ک. متی ۴: ۳) زیرا معانی ضمنی نادرستی در اثر اساطیر یونان در ذهن ایجاد میشد (در مورد «زاده شدن از باکره» نیز چنین بود). این مفهوم معمولاً با عبارات "منحصر به فرد، بی همتا" (*monogenes*) مشخص و تصریح میشود (م.ک. یوحنا ۱: ۱۸؛ ۳: ۱۶، ۱۸؛ ۱ یوحنا ۴: ۹) در این صورت معنای آن "عیسی، تنها پسر راستین خدا" است.

عهد جدید در ارتباط با خدا بعنوان پدر و عیسی بعنوان پسر، از لحاظ علم الهی دو قطب دارد: (۱) آنها برابر می باشند (م.ک. یوحنا ۱: ۱؛ ۵: ۱۸؛ ۱۰: ۳۰؛ ۱۴: ۹؛ ۲۰: ۲۸؛ ۲: ۴؛ ۴: ۴؛ ۶: ۲؛ ۷: ۱؛ ۱۵: ۱؛ ۱۵: ۳) و، (۲) آنها شخصیت های جداگانه می باشند (م.ک. مرقس ۱۰: ۱۸؛ ۱۴: ۳۶؛ ۱۵: ۳۴).

□ "با رستاخیز" خدای پدر، زندگی و پیام عیسی را بوسیله برخیزانیدن او از مردگان تأیید نمود (م.ک. ۴: ۲۴؛ ۶: ۲؛ ۷: ۴؛ ۹: ۸؛ ۱۱). الوهیت (م.ک. یوحنا ۱: ۱؛ ۱۴: ۱؛ کولسیان ۱: ۱۵-۱۹؛ فیلیپیان ۲: ۶-۱۱) و رستاخیز عیسی (م.ک. ۴: ۲۵؛ ۱ قرنتین ۱۵) دو رکن اصلی مسیحیت می باشند.

□ این آیه اغلب برای دفاع از آئین منحرف «پسرخواندگی» استفاده میشد، که ادعا میکرد خدا به عیسی بخاطر زندگی الگویی مطیعانه اش، پاداش داد و منزلتی والا بخشید. پیروان این آیین منحرف ادعا میکردند عیسی همیشه (از لحاظ «هستی شناسی») الوهیت نداشته است، بلکه هنگامیکه خدا او را از مردگان برخیزانید، الوهیت یافت. با اینکه چنین موضوعی مسلماً واقعیت ندارد، و در متن های بسیاری نظیر یوحنا ۱ و ۱۷ این آشکار است، معهذاً زمانی که عیسی از مردگان برخاست، امری شگفت به او تفویض گردید. بیان اینکه چگونه می توان به الوهیت پاداش بخشید، مشکل است اما این بوقوع پیوست. اگرچه عیسی با «پدر» در جلال ابدی شریک بود، چون مأموریتی را که برای فدیة شدن یافته بود به طرزی عالی به اتمام رسانید، مقام و منزلت اش از لحاظ هایی غنی تر گردید. رستاخیز، تأیید «پدر» بود از زندگی، الگو، آموزه ها، و مرگ جانبازانه عیسی ناصری، که الوهیتش ازلی و ابدی است، تماماً انسان است، نجات دهنده کامل می باشد، زنده و اعاده گردید، پاداش یافت و «پسر» یگانه است! رجوع شود به ضمیمه سه - «پسرخواندگی»

□
 NKJV،NASB "به سبب «روح» قدوسیت"
 NKJV "به سبب روح قدوسیت"
 TEV "مطابق قدوسیت الهی او"
 JB "از لحاظ روح، روح قدوسیت"

در بعضی ترجمه های انگلیسی، حرف اول «روح» را درشت نوشته اند که معنای ضمنی «روح القدس» را دارد، و روح با حرف اول کوچک، اشاره به روح عیسی است. همانطور که خدای پدر روح است، عیسی نیز روح هست. در متون عبری و یونان باستان، حروف درشت در کلمات خاص، و نقطه و علامت گذاری جملات، و تقسیم بندی باب ها و آیات وجود نداشتند، پس تمامی اینها طبق الگوهای سنتی یا تفسیر توسط مترجمین است.

آیات ۳ و ۴ را می توان از سه دیدگاه نظاره کرد:

1. در رجوع به ذات دو گانه عیسی، انسانی و الهی
2. در رجوع به دو مرحله زندگی او در کره خاکی، انسان و خداوندی که از مرگ برخیزانیده شد
3. همسان با "عیسی مسیح خداوند ما"

□ **"عیسی"** : نام عیسی در زبان «آرامی» همان نام عبری «یوشع» میباشد. این نام ترکیبی از دو کلمه عبری "یهوه YHWH" و "نجات" بود. معنای آن می تواند چنین باشد: "یهوه نجات می بخشد" یا "یهوه آزاد میسازد" یا "یهوه نجات است". نکته اصلی مفهوم آن را می توان در متی ۱: ۲۱ و ۲۵ مشاهده نمود.

□ **"مسیح"**: این ترجمه یونانی واژه عبری *مَشیح* بود، به معنای "مسح شده". در عهد عتیق چند گروه از رهبران (انبیاء، کاهنان، و پادشاهان) مسح می شدند که نشانه انتخاب و تجهیز از طرف خدا بود. عیسی هر سه این مقام های مسح شده را به انجام رسانید (م. ک. عبر ۱: ۲-۳).
عهد عتیق پیشگویی کرده بود که خدا "شخص مسح شده" خاصی را می فرستد تا سبب فرارسیدن «عصر جدید» پارسایی باشد. عیسی "خادم"، "پسر" و "مَشیح" خاص او بود.

□ **"خداوند"**: در آئین یهود نام خدا در معاهده، یعنی «یهوه» YHWH، بمرور زمان آنقدر مقدس انگاشته شد که معلمین یهود در قرائت کتب مقدسه لقب "خداوند" (*adon*) را جانشین آن کردند زیرا واهمه داشتند که مبدا اسم خدا را بطرز نا شایسته ذکر کرده باشند (م. ک. خرو ۲۰: ۷؛ تثنیه ۵: ۱۱) و بموجب آن یکی از ده فرمان را نقض کرده باشند. در مواردی که نویسندگان عهد جدید، عیسی را در چارچوب علم الهی "خداوند" ("*Kurios*") می خواندند، الوهیت او را تأیید می نمودند (م. ک. اعمال ۲: ۳۶؛ روم ۹: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۱۱-۶).

عنوان خاص: اسامی برای الوهیت

الف. ال (*El*)

۱. معنی اولیه ی واژه ای که برای الوهیت عموماً در باستان بکار می رفته نا معلوم است، اگر چه بسیاری از محققین بر این باورند از ریشه اکدی برای "نیرومند بودن" یا "قدرتمند بودن" است (م. ک. پیدا ۱۷: ۱؛ اعد ۲۳: ۱۹؛ تثنیه ۷: ۲۱؛ مزا ۵۰: ۱).
۲. در گروه خدایان کنعانی، خدای متعال *El* میباشد (متون Ras Shamra)
۳. در کتاب مقدس *El* معمولاً با واژه های دیگر ترکیب نشده است. این ترکیب ها وسیله ای برای وصف مشخصات خدا گشتند.
 - ۳,۱ *El-Elyon* (خدای اعلا علین)، پیدا ۱۴: ۱۸-۲۲؛ تثنیه ۳۲: ۸؛ اشعیا ۱۴: ۱۴
 - ۳,۲ *El-Roi* ("خدایی که می بیند" یا "خدایی که خود را مکشوف میسازد")، پیدا ۱۶: ۱۳
 - ۳,۳ *El-Shddai* ("خدای قدیر" یا "خدای به تمامیت رحیم" یا "خدای کوهستان")، پیدا ۱۷: ۱؛ ۳۵: ۱۱؛ ۴۳: ۱۴؛ ۴۹: ۲۵؛ خرو ۶: ۳
 - ۳,۴ *El-Olam* (خدای ابدی)، پیدا ۲۱: ۳۳. این واژه از لحاظ علم الهی به وعده خدا به داوود مرتبط است، ۲ سمو ۷: ۱۳ و ۱۶
 - ۳,۵ *El-Berit* ("خدای معاهده")، داوران ۹: ۲۶
۴. *El* برابر شمرده شده است با:
 - ۴,۱ یهوه YHWH در مز ۸۵: ۸؛ اشعیا ۴۲: ۵
 - ۴,۲ *Elohim* در پیدا ۴۶: ۳؛ ایوب ۵: ۸، "من «*ال El*» هستم، الوهیم (*Elohim*) پدرت"
 - ۴,۳ *Shaddai* در پیدا ۴۹: ۲۵
 - ۴,۴ "غیرت" در خرو ۳۴: ۱۴؛ تثنیه ۴: ۲۴؛ ۵: ۵؛ ۹: ۶؛ ۱۵: ۶
 - ۴,۵ "رحمت" در تثنیه ۴: ۳۱؛ نحیا ۹: ۳۱؛ "وفادار" در تثنیه ۷: ۹؛ ۳۲: ۴

- ۴,۶ "عظیم و مهیب" در تثنیه ۷: ۲۱؛ ۱۰: ۱۷؛ نحμία ۱: ۵؛ ۹: ۳۲؛ دانیال ۹: ۴
 ۴,۷ "معرفت" در ۱ سمو ۲: ۳
 ۴,۸ "پناهگاه نیرومند من" در ۲ سمو ۲۲: ۳۳
 ۴,۹ "انتقام گیرنده من" در ۲ سمو ۲۲: ۴۸
 ۴,۱۰ "آن قدوس" در اشعیا ۵: ۱۶
 ۴,۱۱ "قدرت" در اشعیا ۱۰: ۲۱
 ۴,۱۲ "نجات من" در اشعیا ۱۲: ۲
 ۴,۱۳ "عظیم و جبار" در ارمیا ۳۲: ۱۸
 ۴,۱۴ "مکافات" در ارمیا ۵۱: ۵۶

۵. ترکیبی از تمام اسامی اعظم عهد عتیق برای خدا در یوشع ۲۲: ۲۲ دیده میشوند (*El*، *Elohim*، *YHWH*، تکرار شده اند)

ب. Elyon [علیون]

۱. معنای پایه ای آن "والا"، "متعال"، یا "علو داده شده" است (م.ک. پیدا ۴۰: ۱۷؛ ۱ پاد ۹: ۸؛ ۲ پاد ۱۸: ۱۷؛ نحμία ۳: ۲۵؛ ارمیا ۲۰: ۲؛ ۳۶: ۱۰؛ مزمور ۱۸: ۱۳)
 ۲. در مفهومی قابل مقایسه و همسان با چند نام/عنوان دیگر خدا بکار رفته است.
 ۲,۱ الوهیم - مزمور ۴۷: ۱-۲؛ ۷۳: ۱۱؛ ۱۰۷: ۱۱
 ۲,۲ بیهوه *YHWH* - پیدا ۱۴: ۲۲؛ ۲ سمو ۲۲: ۱۴
 ۲,۳ *El-Shaddai* - مزمور ۹۱: ۹ و ۱
 ۲,۴ *El* - اعداد ۲۴: ۱۶
 ۲,۵ *Elah* - در دانیال ۲-۶ و عزرا ۴-۷ اغلب بکار رفته است و مرتبط است با *illair* (واژه ی زبان آرامی برای "خدای متعال") در دانیال ۳: ۲۶؛ ۴: ۲؛ ۵: ۲۱، ۱۸
 ۳. اغلب توسط غیر اسرائیلی ها بکار برده شده است.
 ۳,۱ ملکيصدق، پیدا ۱۴: ۱۸ - ۲۲
 ۳,۲ بلعام، اعداد ۲۴: ۱۶
 ۳,۳ موسی، در ذکر از امت ها در تثنیه ۳۲: ۸
 ۳,۴ انجیل لوقا نیز در عهد جدید، خطاب به غیر یهودیان، یونانی مترادف آن، *Hupsistos* را بکار میبرد (م.ک. ۱: ۳۲ و ۳۵؛ ۷۶؛ ۶: ۳۵؛ ۸: ۲۸؛ اعمال ۷: ۴۸؛ ۱۶: ۱۷)

ج. الوهیم *Elohim* (صیغه جمع)، *Eloah* (مفرد)، با کاربرد عمده در شعر

۱. این واژه خارج از عهد عتیق دیده نمی شود.
 ۲. این واژه می تواند مشخصه نام خدای اسرائیل یا خدایان ملت های دیگر باشد (م.ک. خرو ۱۲: ۱۲؛ ۲۰: ۳). خانواده ابراهیم خدایان متعدد داشتند. (م.ک. یوشع ۲۴: ۲).
 ۳. میتواند اشاره به داوران اسرائیلی باشد. (م.ک. خرو ۲۱: ۶؛ مزمور ۸۲: ۶).
 ۴. واژه *Elohim* برای وجود های روحانی دیگر نیز بکار رفته است (فرشتگان، ارواح شریر) به مثال تثنیه ۳۲: ۸ (*LXX*)؛ مزمور ۸: ۵؛ ایوب ۱: ۶؛ ۳۸: ۷. میتواند اشاره به «داوران بشری» باشد (ر.ک. خرو ۲۱: ۶؛ مزمور ۸۲: ۶).
 ۵. در کتاب مقدس این واژه اولین لقب/نام الوهیت می باشد (م.ک. پیدا ۱: ۱) و منحصرأ تا پیدایش ۲: ۴ به کار رفته است، و در آنجا با بیهوه *YHWH* ترکیب شده است. این نام اساساً (از لحاظ علم الهی) به خدا به عنوان آفریدگار، نگهدارنده، و فراهم کننده کل حیات در کره خاکی رجوع می کند (م.ک. مزمور ۱۰۴).

این واژه مترادف با *El* می باشد (م. ک. تثنیه ۳۲: ۱۵-۱۹). نیز می تواند کاربرد همسان با YHWH داشته باشد زیرا مزمو ۱۴ (*Elohim*) دقیقاً مثل مزمو ۵۳ (YHWH) است به غیر از تفاوت در نام های الهی.

۶. اگر چه صیغه جمع است و در مورد خدایان دیگر بکار رفته است، این واژه اغلب برای نامیدن خدای اسرائیل می باشد، لکن معمولاً همراه با فعل مفرد است تا کاربرد یکتا پرستانه آنرا مشخص سازد.

۷. این واژه را غیر اسرائیلی ها بعنوان نام الهی ذکر کرده اند.

۷،۱ ملکصدق، پیدا ۱۴: ۱۸-۲۲

۷،۲ بلعام، اعداد ۲۴: ۲

۷،۳ موسی، در ذکر ملت ها، تثنیه ۳۲: ۸

۸. عجیب است یکی از نام هایی که اسرائیلیان یکتاپرست بطور رایج برای خدای خود بکار می برند صیغه جمع دارد! اگر چه یقینی نیست، نظریه ها چنین می گویند:

۸،۱ زبان عبری صیغه جمع بسیار دارد که اغلب برای تأکید بکار میروند. در ارتباط نزدیک با این، وجه دستوری عبری «صیغه جمع ملوکانه» است که بعد ها بوجود آمده و کاربرد این صیغه ی جمع، بزرگ نشان دادن مفهوم مورد نظر است.

۸،۲ می تواند اشاره به شورای فرشتگان باشد که خدا با آنها در آسمان ملاقات میکند و آنها فرمان او را مجری میدارند (م. ک. ۱ پاد ۲۲: ۱۹-۲۳؛ ایوب ۱: ۶؛ مزمو ۸۲: ۱؛ ۸۹: ۵،۷).

۸،۳ حتی ممکن است این نشانگر آن خدای یکتا در سه اقنوم باشد که در عهد جدید مکشوف شده است. در پیدا ۱: ۱ خدا می آفریند؛ پیدا ۱: ۲ روح خدا فرو میگیرد و بنا بر عهد جدید، عیسی نماینده و عامل خدای پدر در خلقت می باشد (م. ک. یوحنا ۱: ۳، ۱۰؛ روم ۱۱: ۳۶؛ ۱ قرن ۸: ۶؛ کول ۱: ۱۵؛ عبر ۱: ۲؛ ۲: ۱۰).

د. YHWH [یهوه]

۱. نامی است نشانگر الوهیت بعنوان خدای معاهده کننده؛ خدا بعنوان ناجی و فدیة دهنده! انسانها عهد شکنی میکنند، اما خدا به گفتار، وعده، و عهد خود وفادار است (م. ک. مزمو ۱۰۳).

این نام ابتدا در ترکیب با الوهیم *Elohim* در پیدا ۲: ۴ ذکر شده است. در پیدا ۱-۲ دو نقل از خلقت نیامده است بلکه دو تأکید: (۱) خدای خالق کائنات (مادی) و (۲) خدای خاصی که آفریننده بشر است. پیدایش ۲: ۴ «مکاشفه خاص» را در باره ی مقام پر امتیاز بشریت و هدف از [وجود] بشریت آغاز می نماید، و نیز مسئله گناه و سرپیچی مرتبط با آن موقعیت استثنایی.

۲، در پیدا ۴: ۲۶ نقل شده است *الذمیان* در آنوقت به خواندن اسم خداوند (YHWH) شروع کردند. لکن خرو ۶: ۳ اشاره برین دارد که افراد معاهده اولیه (پدر سالاران قوم و خانواده های آنها) خدا را صرفاً بعنوان *El-Shaddai* می شناختند. نام یهوه YHWH تنها یکبار در خرو ۳: ۱۳-۱۶ توصیف شده است، بخصوص آیه ۱۴. اما نوشته های موسی واژه ها را اغلب بنا بر آرایه های ادبی متداول تفسیر میکنند، نه بر پایه ریشه و تاریخچه شان (م. ک. پیدا ۱۷: ۵؛ ۲۷: ۳۶؛ ۲۹: ۱۳-۳۵). چند نظریه در باره مفهوم این نام وجود داشته اند (برداشت از IDB، جلد ۲، صفحات ۴۰۹-۴۱۱).

۲، ۱ از ریشه عربی برای "عشق پر شور نشان دادن"

- ۲,۲ از ریشه عربی برای "دمیدن" (YHWH بعنوان خدای طوفان)
- ۲,۳ از ریشه زبان Ugartic (کنعانی) برای "سخن گفتن"
- ۲,۴ طبق یک کتیبه زبان فنیقی، «وجه وصفی سببی»، به معنای "آنکه حفظ میکند" یا "آنکه برقرار میسازد"
- ۲,۵ از ساختار عبری *Qal* "آنکه هست" یا "آنکه حاضر است" (در مفهوم آینده، "آنکه خواهد بود")
- ۲,۶ از ساختار عبری *Hiphil* "آنکه سبب هستی میگردد"
- ۲,۷ از ریشه عبری "زیستن" (برای مثال: پیدا ۳: ۲۰) به معنای "تنها «یکتای» ابدی و زنده"
- ۲,۸ از چارچوب متن خرو ۳: ۱۳-۱۶: آرایه ادبی است در مورد «گذشته استمراری» که به معنای «گذشته نقلی» بکار رفته است: "آنچه می بودم، همواره همان خواهم بود" یا "آنچه همیشه می بوده ام، همواره همان خواهم بود" (م.ک. جی. واش واتس "بررسی ساختار جمله در عهد عتیق" صفحه ۶۷)
- نام کامل YHWH غالباً بگونه مخفف یا احتمالاً به شکل اولیه ذکر میشود
- (۱) *Yah* یاه (به عنوان مثال، هلو- یاه)
- (۲) *Yahu* یاهو (اسامی، به مثال اشعیا)
- (۳) *Yo* یو (اسامی به مثال یوئیل)
۳. بعد ها در یهودیت، این نام معاهده ای («نام با ساختار چهار حرف») آنقدر مقدس تلقی شد که یهودیان از تلفظ کردن آن واهمه داشتند، که مبادا از حکم خرو ۲۰: ۷ و تثنیه ۵: ۱۱ و ۶: ۱۳ سر باز زده باشند. بنا برین کلمه عبری «اون» یا «اونای» *adon* یا *adonai* (سَرور من) را جانشین ساختند که به معنای "مالک" و "سَرور" و "شوهر" و "خداوند" بود. هرگاه در قرائت متون عهد عتیق به یهوه YHWH می رسیدند، آنرا "خداوند" تلفظ می کردند. به این دلیل است که یهوه YHWH در ترجمه های انگلیسی Lord [خداوند] درج شده است.
۴. همانند «ال» *El*، YHWH اغلب با کلمات دیگر ترکیب می شود تا صفات مشخصه آن خدایی که با اسرائیل عهد بسته است تأکید نماید. البته کلمات مرکب بسیار اند، به مثال برخی درینجا.
- ۴,۱ *YHWH - Yireh* [یهوه یابره] (یهوه فراهم نمود)، پیدا ۲۲: ۱۴
- ۴,۲ *YHWH - Rophekha* [یهوه روفخا] (یهوه شفا دهنده تو است)، خرو ۱۵: ۲۶
- ۴,۳ *YHWH - Nissi* [یهوه نیسی] (یهوه علم و درفش من است) خرو ۱۷: ۱۵
- ۴,۴ *YHWH - Meqaddishkem* [یهوه مقدیش کم] (یهوه آنکه تو را تقدیس میکند)، خرو ۳۱: ۱۳
- ۴,۵ *YHWH - Shalom* [یهوه شالوم] (یهوه صلح و آرامی است) داوران ۶: ۲۴
- ۴,۶ *YHWH - Sabaoth* [یهوه صباوت] (یهوه لشکر ها)، ۱ سموا: ۳ و ۱۱؛ ۴: ۴؛ ۱۵: ۲ اغلب در «کتاب انبیاء»
- ۴,۷ *YHWH - Ro'I* [یهوه رعی] (یهوه شبان من است)، مزمو ۲۳: ۱
- ۴,۸ *YHWH - Sidqenu* [یهوه صیدقنو] (یهوه پارسایی و عدالت ماست) ارمیا ۲۳: ۶
- ۴,۹ *YHWH - Shammah* [یهوه شمه] (یهوه آنجا است)، حز ۴۸: ۳۵

۱: ۵ "ما" پولس در پیشگفتار خود نامی از شخص دیگری نبرده است، اگر چه در نامه های دیگر خود اغلب این کار را می کند. این عبارت اول، در رجوع به ایمان آوردن پولس در راه دمشق و انتصاب اوست (م.ک. اعمال ۹)، که قویاً و ضمناً، خود نویسنده را می رساند.

□ "فیض و رسالت یافته ایم" پولس نه تنها هدیه نجات بوسیله مسیح را در اینجا تأیید می کند، بلکه بعلاوه و در ارتباط با آن، فراخوانی رسول غیر یهودیان شدن را تصدیق می نماید. همه اینها بطور آبی در راه دمشق انجام گرفت (م.ک. اعمال ۹). این موضوع از روی فیض هدمند بود، نه نیکویی او!

□ "تا ... سبب ... گردیم" این استفاده دوم از *eis* در چارچوبی همراه با هدف است (م.ک. آیه ۱). انجیل از طریق ایمان به عیسی، شباهت خدا را به بشریت باز می گرداند. این امر اجازه میدهد مقصود اصلی خدا آشکار گردد، یعنی مردمانی که شخصیت او را در خود منعکس میسازند (م.ک. آیه ۷).



"اطاعت ایمان"	JB ،NASB
"برای اطاعت از آن ایمان"	NKJV
"تا سبب اطاعت ایمان گردیم"	NRSV
"برای ایمان آوردن و اطاعت نمودن"	TEV

این اولین استفاده از واژه محوری و اساسی "ایمان" در رومیان می باشد. این واژه به سه طریق مشخص در این باب و کتاب استفاده شده است:

۱. آیه ۵. در مورد پیکره ای از حقایق یا آموزه ها در ارتباط با عیسی و زندگی مسیحی بکار رفته است (م.ک. اعما ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ ۱۶: ۵؛ روم ۱۴: ۱؛ ۱۶: ۲۶؛ غلا ۱: ۲۳؛ ۶: ۱۰؛ یهودا ۳ و ۲۰).

۲. آیه ۸. با مفهوم توکل و اعتماد شخصی به عیسی بکار رفته است. واژگان انگلیسی، "believe"، "faith"، "trust"، [باور، ایمان، و توکل/اعتماد] هر سه ترجمه یک واژه یونانی (*pistis*) میباشند. انجیل هم «ادراکی» است (تعلیم) و هم شخصی (م.ک. آیه ۱۶؛ یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶).

۳. آیه ۱۷. به معنای عهد عتیق آن، «قابل اعتماد بودن، وفاداری، یا قابل توکل بودن» بکار رفته است. مفهوم حقوق ۲: ۶ اینست. در عهد عتیق آموزه تکامل یافته ای از ایمان نیست، بلکه نمونه های متعدد از زندگیهای ایمانداران آمده است (م.ک. ابراهیم در پیدای ۱۵: ۶) - نه ایمان کامل بلکه ایمان در حال تقلا (م.ک. عبر ۱۱). امید مردمان در توانایی شان برای عمل یا ایمان صحیح نیست، بلکه امیدشان به شخصیت خداست. تنها خدا وفادار است!

یک سری اعمال هستند که می توان آنها را واقعه نجات نامید:

الف. توبه (م.ک. ۲: ۴؛ مرقس ۱: ۱۵؛ لوقا ۱۳: ۵، ۳؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱)

ب. باور/ایمان (م.ک. ۱: ۱۶؛ یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ اعما ۱۶: ۳۱، تعمید اعلام عمومی ایمان شخص است)

ج. اطاعت (م.ک. ۲: ۱۳؛ ۲ قرن ۹: ۱۳؛ ۱۰: ۵؛ ۱ پطرس ۱: ۲ و ۲۲)

د. استقامت (م.ک. ۲: ۷؛ لوقا ۱۸: ۱؛ ۲ قرن ۴: ۱ و ۱۶؛ غلا ۶: ۹؛ ۲ تسالونی ۳: ۱۳).

اینها شرایط معاهده جدید می باشند. ما باید هدیه خدا را در مسیح دریافت کرده و بطور مستمر آنرا بپذیریم (م.ک. آیه ۱۶؛ یوحنا ۱: ۱۲).

"بخاطر نام «او»"	NASB
"برای نام «او»"	NKJV
"برای خاطر نام او"	NRSV
"بخاطر مسیح"	TEV
"به احترام نام او"	NJB

به عنوان خاص در ۱۰: ۹ رجوع شود.

"در میان همه «غیر یهودیان»"	NASB، NRSV
"در میان همه ملت ها"	NKJV
"مردم از همه ملت ها"	TEV
"به همه ملت های بی دین"	JB

این انجیل جهانی است. وعده خدا در پیدای ۳: ۱۵ برای «فدیه»، شامل همه افراد بشر است. مرگ مسیح بعوض ما، شامل همه بنی آدم گناهکار شد. (م. ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ ۴: ۴۲؛ افس ۲: ۱۱-۳: ۱۳؛ ۱ تیمو ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیطس ۲: ۱۱؛ ۲ پطر ۳: ۹). پولس فراخوان خاص خود را برای موعظه انجیل خدا به غیر یهودیان میداند (م. ک. اعما ۹: ۱۵؛ ۲۲: ۲۱؛ ۲۶: ۱۷؛ روم ۱۱: ۱۳؛ ۱۵: ۱۶؛ غلا ۱: ۱۶؛ ۲: ۲۹؛ افس ۳: ۲؛ ۸و۲؛ ۱ تیمو ۲: ۷؛ ۲ تیمو ۴: ۱۷).

عنوان خاص: پیش داوری های «باب» [نویسنده کتاب] بر پایه تعالیم کلیسای انجیلی

باید به شما خوانندگان اذعان کنم درین مورد پیش داوری در عقیده من وجود دارد. الهیات نظام یافته ای که به آن معتقدم، کالوینیسم یا Dispensationalism نیست [اعتقاد به دوران مجزای کار خدا با بشر و ر بوده شدن کلیسا قبل از سلطنت هزار ساله و پایان فصل عطایای روح در زمان رسولان]، بلکه بشارت «مأموریت عظیم» می باشد. من ایمان دارم خدا از ازل نقشه ای برای فدیه کردن همه بشر داشت (م. ک. پیدای ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خرو ۱۹: ۵-۶؛ ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حز ۱۸: ۳۶-۲۲-۳۹؛ اعما ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۳: ۲۹؛ روم ۳: ۹-۱۸ و ۱۹-۲۰ و ۲۱-۳۲)، یعنی همه آنانیکه به شباهت او خلق شده اند (م. ک. پیدای ۱: ۲۶-۲۷). معاهده ها در مسیح، متحد شده اند (م. ک. غلا ۳: ۲۸-۲۹؛ کولس ۳: ۱۱). عیسی راز خداست که در خفا بود اما اکنون مکشوف شده است (م. ک. افس ۲: ۱۱-۳: ۱۳)!

این استقهام اولیه بر روی همه ی تفسیر های من از کتاب مقدس اثر گذاشته است (به عنوان مثال، یونس). تمامی متون را از این دیدگاه میخوانم. این یقیناً پیش داوری است (تمامی تفسیر کنندگان پیش داوری خود را دارند!)، لکن این پیش فرضی مطلعانه است بر پایه ی کتب مقدسه.

۱: ۶ "شما نیز" پولس نمونه ای بسیار فراتر از معمول (جفا کننده کلیسا) از فیض خدا بود، لکن خوانندگان نوشته های او هم نمونه هایی از فیض خدا نسبت به عدم استحقاق و شایستگی بودند.

"خواننده شدگان عیسی مسیح"	NASB، NKJV
"که فراخوانده شده اید تا از آن عیسی مسیح باشید"	NRSV
"آنانیکه خدا فراخوانده است تا متعلق به عیسی مسیح باشید"	TEV
"بتوسط فراخوان او متعلق به عیسی مسیح هستید"	JB

این ممکن است:

۱. آرایه ادبی در باره کلمه «کلیسا» باشد که به معنای «آنانکه [از میان بقیه] فرا خوانده شده اند» یا «کسانیکه جمع آوری شده اند» بوده است.
 ۲. اشاره ای باشد به انتصاب الهی (م. ک. روم ۸: ۲۹-۳۰؛ ۹: ۱ به بعد؛ افس ۱: ۴ و ۱۱؛ ۳: ۲۱؛ ۴: ۴ و ۱)
 ۳. ترجمه عبارت "شما که فراخوان را شنیده اید و متعلق به عیسی مسیح هستید" در «کتاب مقدس انگلیسی تجدید نظر شده»
- این نیز بازتابی است از مفهوم این عبارت طبق ترجمه ها در NRSV ، TEV ، و JB. به عنوان خاص ذیل رجوع نمائید.

عنوان خاص: فرا خوانده شده

- خدا همواره پیشقدم می شود تا ایمانداران را فرا بخواند، منتصب نماید، و آنها را با محبت بسوی خود مجذوب کند (م. ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱ قرن ۱: ۱۲؛ افس ۱: ۴-۵ و ۱۱). واژه "فرا خواندن" در چند مفهوم الهیاتی بکار رفته است:
- الف. گناهکاران با فیض خدا بسوی نجات و رستگاری فرا خوانده شده اند و این از طریق کار تکمیل شده مسیح و ملزم ساختن انسان توسط روح [خدا] است (بعنوان مثال *klētos*، م. ک. روم ۱: ۶-۷؛ ۹: ۲۴، که از لحاظ خدا شناسی مشابه ۱ قرن ۱: ۱-۲ و ۲ تیمو ۱: ۹؛ ۲ پطرس ۱: ۱۰ می باشد).
- ب. گناهکاران نام خداوند را می خوانند تا نجات یابند (به عنوان مثال *epikaleō*، م. ک. اعمال ۲: ۲۱؛ ۲۲: ۱۶؛ روم ۱۰: ۹-۱۳). این جمله یک اصطلاح عبادتی یهودی می باشد.
- ج. ایمانداران خوانده شده اند تا زندگی ها شان مشابه مسیح باشد (به عنوان مثال *klēsis*، م. ک. ۱ قرن ۱: ۲۶؛ ۷: ۲۰؛ افس ۴: ۱؛ فیلیپیان ۳: ۱۴؛ ۲ تسالونی ۱: ۱۱؛ ۲ تیمو ۱: ۹)
- د. ایمانداران خوانده شده اند تا خدمات انجام دهند (م. ک. اعمال ۱۳: ۲؛ ۱ قرن ۱۲: ۴-۷؛ افس ۴: ۱)

متن NASB (بروز آمده) ۷: ۱

۷ به همه آنان که در روم، محبوب خدایند و بعنوان مقدسین فراخوانده شده اند: فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

۷: ۱ "محبوب خدا" این عبارت اغلب در مورد عیسی بکار میرفت (م. ک. متی ۳: ۱۷؛ ۱۷: ۵). اکنون در باره کلیسای روم بکار گرفته شده بود! این عمق محبت خدا را به کسانیکه به پسر او توکل دارند نشان می دهد. چنین انتقال را نیز میتوان در افس ۱: ۲۰ مشاهده کرد (اعمال خدا برای مسیح) و ۲: ۵-۶ (اعمال مسیح برای ایمانداران).

□ "در روم" پولس این کلیسا را شروع ننمود. نا معلوم است چه کسی این کار را کرد. «رومیان» نامه ای بود برای معرفی خود به کلیسایی که قبلاً تاسیس شده بود. کتاب رومیان تکمیل ترین ارائه پولس از انجیلی است که بدان موعظه می کرد. وضعیت محلی کمترین تأثیر را بر آن داشته است، اگر چه تنش هایی بین ایمانداران یهودی و غیر یهودی وجود داشت و پولس در سراسر نامه به آنها تذکراتی میدهد.



NASB

JB، NRSV، NKJV

TEV

"به عنوان مقدسین فرا خوانده شده"
 "فراخوانده شده تا مقدسین باشند"
 "فرا خوانده شده اند تا قوم متعلق به او باشند"

واژه "مقدسین" اشاره بود به موقعیت ایمانداران در مسیح، نه بی گناه بودن آنها. می باید نیز توصیفی باشد از پیشرفت آنها در «شبه مسیح بودن». این واژه همیشه بصورت «جمع» بوده، بغیر از فیلیپیان ۴: ۲۱. اما، حتی درین چارچوب، «اسم جمع» است. مسیحی بودن یعنی عضوی از جامعه و خانواده و بدن بودن.

آیه ۱ نشان می دهد که پولس به رسالت فرا خوانده شده بود. ایمانداران در آیه ۶ "خوانده شدگان عیسی مسیح" هستند. ایمانداران در آیه ۷ نیز "مقدسین" خوانده شده اند. این "فرا خوانی" روش عهد جدید برای بیان این حقیقت بود که پیشقدم شدن برای خدا اولویت دارد. هیچیک از بشر سقوط کرده هرگز خود را فرا خوانده است (م.ک. ۳: ۹-۱۳؛ اشعیا ۵۳: ۶؛ ۱ پطرس ۲: ۲۵). خداست که همیشه قدم اول را بر میدارد (م.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵؛ ۱۵: ۱۶). او همیشه «معاهده» را بسوی ما می آورد. نجات ما هم اینطور است (پارسایی منسوب به ما یا وضعیت قانونی منسوب به ما) اما نیز برای اینکه عطایا داشته باشیم - تا خدمت ما مؤثر بیفتد (م.ک. ۱ قرن ۱۲: ۷، ۱۱) و همینطور برای زندگی مسیحی ما. به «عنوان خاص» ذیل رجوع نمائید.

عنوان خاص: مقدسین

این معادل یونانی کلمه عبری *kadash* است، که معنای اساسی آن، جدا کردن و اختصاص دادن کسی یا چیزی یا مکانی برای استفاده انحصاری «یهوه» YHWH است. معنای ضمنی آن مفهوم "sacred" [مقدس] در زبان انگلیسی را میرساند. یهوه بخاطر ذات خود (روح ازلی آفریده ناشده)، و نیز شخصیت خود (کمال اخلاقی) از انسان ها جداست. او معیاری است که همه چیز با او سنجیده و قضاوت می گردد. او «یکتای قدوس» و «دگر قدوس» برتر و افضل است.

خدا انسان را برای دوستی و مشارکت آفرید، اما گناه (پیدایش ۳) مانع اخلاقی و ارتباطی بین «خدای قدوس» و بشرگناهکار، حایل کرد. خدا اراده نمود خلقت هوشیار خود را اعاده کند و به وضعیت اولیه باز گرداند؛ لذا قوم خود را فرا میخواند تا "مقدس" باشند (م.ک. لایوان ۴۴: ۱۱؛ ۱۹: ۲؛ ۲۰: ۷ و ۲۶؛ ۲۱: ۸). با رابطه ای که قوم «او» بر پایه ایمان با یهوه دارند - بخاطر موقعیتی که در معاهده با خدا در «او» یافته اند - مقدس می گردند، اما نیز فرا خوانده شده اند تا مقدس زندگی کنند (م.ک. متی ۵: ۴۸).

این زندگی مقدس، امکان پذیر است زیرا ایمانداران توسط زندگی و کار مسیح و نیز حضور روح القدس در افکار و دلهاشان، کاملاً مورد قبول خدا و بخشش او قرار گرفته اند. این موضوع وضعیت بظاهر متفاوت، اما در واقع درست ذیل را ایجاد میکند:

۱. مقدس بودن بدلیل اینکه پارسایی مسیح به حساب انسان گذاشته شده است
 ۲. فراخوانده شده برای زندگی مقدس به دلیل حضور «روح» [خدا]
- ایمانداران، "مقدسین" (*hagioi*) هستند بخاطر مصداق این موارد در زندگی های ما (۱) اراده «احد قدوس» «پدر»؛ (۲) کار «پسر قدوس» (عیسی)؛ و (۳) حضور «روح القدس».

عهد جدید همیشه به مقدسین در «صیغه جمع» اشاره میکند (به غیر از یکبار در فیلیپیان ۴: ۱۲، اما حتی آنجا هم متن، مفهوم آنرا به «جمع» مبدل می سازد. نجات یافتن یعنی قسمتی از یک خانواده و بدن و ساختمان شدن! ایمان مبتنی بر کتاب مقدس با پذیرش شخصی آغاز میشود، اما پیامد آن مشارکت جمعی است. برای سلامت، رشد و خیریت بدن مسیح – یعنی کلیسا (م. ک. ۱ قرن ۱۲: ۷)، به هر یک از ما عطایا داده شده اند (م. ک. ۱ قرن ۱۲: ۱۱). نجات یافته ایم تا خدمت کنیم! تقدس، مشخصه این خانواده است!

□ " فیض و آرامش از جانب خدا ... بر شما باد." این دعای برکت در آغاز، مشخصه ی پولس است. این دعا، آرایه ادبی است مرکب از واژه ی سنتی یونانی "سلام ها" (*charein*) و از واژه ی "فیض" (*charis*) که خاص مسیحیت است. پولس احتمالاً این سرآغاز یونانی را با درود سنتی عبری، *شالوم* [سلام] به معنای "آرامش"، ترکیب کرده است. این البته صرفاً حدس می باشد. توجه کنید که از لحاظ الهیاتی، فیض همیشه بر آرامش مقدم است.

□ " از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح" پولس مداوماً فقط از یک «حرف اضافه» برای هر دو این نام ها استفاده میکند (م. ک. ۱ قرن ۱: ۳؛ غلا ۱: ۳؛ افس ۱: ۲؛ فیل ۱: ۲؛ ۲ تسلا ۱: ۲؛ ۱ تیمو ۱: ۲؛ ۲ تیمو ۱: ۲؛ تیطس ۱: ۴). این طریقه اوست تا این دو «اقتوم تثلیث» را از لحاظ دستوری به یکدیگر مرتبط سازد. با اینکار، الوهیت و برابری عیسی تأکید میگردد.

عنوان خاص: پدر

عهد عتیق تشبیه «خدا بعنوان پدر»، که رابطه بسیار نزدیک خانوادگی را میرساند، معرفی می نماید

۱. ملت اسرائیل اغلب به عنوان «پسر» یهوه YHWH توصیف شده است (م. ک. هوشع ۱۱: ۱؛ ملا ۳:

۱۷)

۲. حتی پیشتر در تثنیه، قیاس خدا بعنوان «پدر» استفاده شده است (تثنیه ۱: ۳۱)
۳. در تثنیه ۳۲، اسرائیل "فرزندان او" خوانده شده، و خدا "پدر شما" خوانده شده است
۴. این قیاس در مزمو ۱۰۳: ۱۳ ذکر شده و در مزمو ۶۸: ۵ گسترش داده شده است (پدر یتیمان)
۵. در کتب انبیاء، بسیار بود (م. ک. اشعیا ۱: ۲؛ ۶۳: ۸؛ اسرائیل بعنوان پسر، خدا بعنوان پدر، ۶۳: ۱۶؛ ۶۴: ۸؛ ارمیا ۳: ۱۹؛ ۴: ۳۱؛ ۹).

عیسی به زبان «آرامی» سخن میگفت، پس بسیاری از موارد که «پدر» به یونانی، *Pater* آمده است، می تواند نشانگر *Abba* [آبا] آرامی باشد (م. ک. ۱۴: ۳۶). این واژه حاکی از رابطه خانوادگی «بابا» یا «پاپا»، نشانگر رابطه نزدیک عیسی با «پدر» است. با آشکار ساختن این مطلب به شاگردانش، عیسی ما را نیز به رابطه نزدیک با پدر تشویق مینماید. واژه «پدر» در عهد عتیق صرفاً برای «یهوه» بکار رفته بود، اما عیسی از آن اغلب و بطور فراگیرنده استفاده میکند. این مکاشفه عمده و اعظمی است از رابطه جدید ما با خدا از طریق مسیح.

متن NASB (بروز آمده): ۱: ۸ - ۱۵

^۸ نخست خدای خود را به توسط عیسی مسیح، بخاطر همه شما شکر می گزارم زیرا ایمان شما در سراسر دنیا اعلام میگردد. ^۹ زیرا خدا، که او را در روح خود باموعظه انجیل پسرش خدمت میکنم، بر من شاهد است که چگونه بی وقفه شما را ذکر میکنم، ^{۱۰} و همواره در دعا هایم استدعا مینمایم شاید سرانجام اکنون به اراده خدا، موفق گردم پیش شما بیایم. ^{۱۱} زیرا مشتاق دیدارتان هستم تا شما را از عطایی روحانی بهره مند سازم، تا آنکه استوار گردید، ^{۱۲} یعنی زمانی که در میان شما هستم من و شما هر دو از یکدیگر تشویق یابیم، هر یک از ما با ایمان آن دگر، هم ایمان شما و هم ایمان من. ^{۱۳} ای برادران نمیخواهم بی خبر باشید که بارها قصد آن داشته ام نزدتان بیایم (و تا کنون موانعی سر راهم بوده اند) تا در میان شما نیز ثمری بدست آورم، همانگونه که در میان دیگر غیر یهودیان بدست آورده ام، ^{۱۴} من نسبت به چه یونانیان و چه بربرها، چه حکیمان و چه جاهلان، متعهد می باشم. ^{۱۵} ازین رو اشتیاق دارم انجیل را به شما نیز که در روم به سر می برید موعظه کنم.

۱: ۸ "نخست": درین متن "نخست" به معنی "از آغاز" یا "باید آغاز نمایم" است (ج. ب. فیلیپس)

□ "خدای خود را به توسط عیسی مسیح ... شکر می گزارم": پولس معمولاً دعاها را از طریق عیسی مسیح به خدا خطاب می کند. برای ما تنها راه نزدیک آمدن به خدا، عیسی مسیح است! به عنوان خاص: «دعا های حمد و شکر گزاری پولس» در ۷: ۲۵ رجوع نمایید.

□ "بخاطر همه شما": این استفاده از "همه" مثل آیه ۷، میتواند بازتابی باشد از حسادت و منازعه بین رهبران یهودی ایماندار - که بخاطر فرمان «نرون» از روم فرار کرده بودند - و رهبران غیر یهودی ایماندار حاصله، که برای چند سالی جانشین آنها شده بودند. رومیان ۹-۱۱ ممکن است همین مسئله را مطرح میسازد. امکان آن نیز هست که این شامل سازی افراد، خطاب به "ضعیفان" و "اشخاص قوی" در رومیان ۱۴: ۱-۱۳ باشد. خدا همه افراد کلیسای روم را دوست میدارد و آنها را بطور برابر محبت میکند!

□ "زیرا ایمان شما در سراسر دنیا اعلام میگردد": رومیان ۱۶: ۱۹ اشاره به همین حقیقت داشت. بدیهی است این اغراق گویی سبک مشرق زمین بود (صنعت ادبی گزاف گویی) و حاکی از جهان رومی بود (م. ک. ۱: ۸).

۱: ۹ "خدا... بر من شاهد است": پولس درینجا به نام خدا قسم خورد (م. ک. ۹: ۱؛ ۱: ۲۳؛ ۱۱: ۱۰-۱۱ و ۳۱؛ ۱۲: ۱۹؛ ۱۲: ۲۰؛ ۱: ۲۵؛ ۵). این روش او بعنوان یهودی برای اثبات صداقتش بود.

□ "در روح خود": این نمونه خوبی از استفاده *pneuma* برای روح انسان است (م. ک. ۸: ۱۶، ۱۰، ۵؛ ۱۲: ۱۱) که به معنی حیات انسان بکار رفته است (به سخن دیگر نفس، در عبری *ruach*، م. ک. پیدا ۲: ۷).

۱: ۱۰ "همواره در دعاهایم استدعا مینمایم": پولس این کلیسا را شروع نکرد، لکن مرتباً برای آنها در دعا بود (م. ک. ۲: ۱۱: ۲۸)، چنان که برای همگی کلیسای خود دعا میکرد! به عنوان خاص: «دعای شفاعت» در ۹: ۳ رجوع نمایید. همانطور که در باب ۱۶ بروشنی دیده میشود، پولس در کلیسای روم دوستان و همکاران بسیار داشت.

□ "اگر": این «جمله شرطی نوع اول» است که نویسنده از دیدگاه خود یا برای مقاصد نوشتاری خویش، واقعیت آنرا مسلم می‌پندارد. پولس قصد داشت در سفرش به اسپانیا سر راه از روم دیدن کند (م. ک. ۱۵: ۲۴-۲۲). احتمالاً برنامه اش این نبود مدت زیادی بماند. پولس همواره خواستار عرصه ای جدید بود که شخص دیگری در آن کار نکرده باشد. (م. ک. ۱۵: ۲۰؛ ۲ قرن ۱۰: ۱۵ و ۱۶). امکان دارد یکی از هدف های نامه رومیان جمع آوری هدایای مالی برای مسافرت بشارتی اش به اسپانیا بوده است (م. ک. ۱۵: ۲۴).

□ "به اراده خدا، موفق گردم پیش شما بیایم": آیات ۱۳ و ۱۵: ۳۲ همسان این عبارت می‌باشند. پولس معتقد نبود برنامه زندگی و مسافرت هایش متعلق به خودش هستند، بلکه به خدا تعلق دارند (م. ک. اعما ۱۸: ۲۱؛ ۱ قرن ۴: ۱۹؛ ۱۶: ۷) به عنوان خاص در ۱۲: ۲ رجوع نماید.

۱: ۱۱ "زیرا مشتاق دیدارتان هستم": این همسان ۱۵: ۲۳ است. مدت زیادی بود که پولس میخواست با ایمانداران در روم ملاقات کند. (م. ک. اعما ۱۹: ۲۱).

□ "تا شما را از عطایی روحانی بهره مند سازم": عبارت «عطای روحانی» به معنای بینش یا برکت روحانی بکار رفته بود (م. ک. ۱۱: ۲۹؛ ۱۵: ۲۷). نگرش پولس نسبت به خود این بود که بطرزی منحصر بفرد، فرا خوانده شده بود تا رسول غیر یهودیان باشد (م. ک. آیه ۱۵).

□ "تا آنکه استوار گردید": این «مصدر مجهول گذشته مطلق» *histēmi* است. به عنوان خاص در ۲: ۵ مراجعه نمایید.

۱: ۱۲ هدف مشارکت مسیحی این است. مقصود از عطایا، یکی ساختن ایمانداران بصورت جامعه ای خادم است. مسیحیان عطایا را برای بهره مندی همگان یافته اند (م. ک. ۱ قرن ۱۲: ۷). تمامی عطایا مناسبت و مطابقت دارند. در هنگام نجات، روح القدس تمامی عطایا را افاضه میکند (م. ک. ۱ قرن ۱۲: ۱۱). همه ایمانداران، خدمت گزاران تمام وقت فرا خوانده شده و عطیه یافته هستند (م. ک. افس ۴: ۱۱-۱۲). پولس صریحاً اقتدار رسالت خود را بیان میکند، اما تمامی جامعه نیز باید متقابلاً نقش خود را ایفا کنند. ایمانداران به یکدیگر احتیاج دارند!

۱: ۱۳ "برادران نمیخواهم بی خبر باشید": این اصطلاحی است که پولس اغلب برای مطرح کردن اظهارات مهم استفاده میکند (م. ک. ۱۱: ۲۵؛ ۱ قرن ۱۰: ۱۰؛ ۱۲: ۱؛ ۲ قرن ۱: ۸؛ ۱ تسلا ۴: ۱۳). از لحاظ منظور ادبی، این مشابه "آمین، آمین" عیسی است.

□ "و تا کنون موانعی سر راهم بوده اند": این «فعل مجهول» است. همین عبارت در ۱ تسلا ۲: ۱۸، در موقعیتی که شیطان عامل است، دیده میشود. پولس معتقد بود خدا زندگیش را رهبری مینمود، اما شیطان مزاحمت هایی در آن ایجاد میکرد. به گونه ای هر دو درست هستند (م. ک. ایوب ۱-۲؛ دانیال ۱۰). استفاده ازین واژه در ۱۵: ۲۲ دلالت بر این دارد که مانع، کار بشارتی پولس در ناحیه شرقی مدیترانه بود که هنوز خاتمه نیافته بود (اما بزودی پایان میگرفت).

□ "تا در میان شما نیز ثمری بدست آورم": درین متن "ثمر" احتمالاً اشاره به آنانی دارد که از ادیان دیگر به مسیحیت ایمان میاورند، اما در یوحنا ۱۵: ۸-۱ و غلا ۵: ۲۲ در اشاره به بلوغ روحانی است. متی ۷

میگوید: "از ثمرتان شناخته خواهید شد" اما واژه ی ثمر را تعریف نمی کند. بهترین پارالل و همسان آن احتمالاً فیلیپیان ۱: ۲۲ است که پولس از همین استعاره ی کشاورزی استفاده میکند.

۱: ۱۴ "من ... متعهد میباشم": پولس ازین واژه چند بار در رومیان استفاده میکند.

۱. پولس متعهد است انجیل را به همه غیر یهودیان (درینجا) موعظه کند.

۲. پولس به «جسم» متعهد نیست (۸: ۱۲)

۳. کلیسای غیر یهودی ملزم است به «کلیسای مادر» در اوشلیم یاری دهد (۱۵: ۲۷)

□ "نسبت به ... یونانیان": این اشاره ای بود به مردمان متمدن و تحصیلکرده اطراف دریای مدیترانه. اسکندر کبیر و پیروانش، هلنیسم را در جهان شناخته شده ی آن زمان رواج داده بودند. رومی ها بر فرهنگ یونان تسلط یافته، آنرا جزء فرهنگ خود ساخته بودند.

□ "نسبت به ... بربرها": این واژه (تسمیه تقلیدی) به معنای اقوام غیر متمدن و تحصیل ناکرده معمولاً از ناحیه شمال بود و در مورد کسانی بکار میرفت که به یونانی صحبت نمی کردند. آوای صحبت آنها بنظر یونانی ها و رومی ها اصوات "بر بر" بود.

□ "نسبت به ... حکیمان و ... جاهلان": امکان دارد این عبارت یونانی همسان "بربرها" باشد ولی لزوماً اینطور نیست. این میتواند طرز دیگری از اشاره به همه اقوام و اشخاص باشد.

متن NASB (بروز آمده): ۱: ۱۶ - ۱۷

۱۶ زیرا از انجیل سرافکنده نیستم، چرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد، نخست یهود و نیز یونانی. ۱۷ زیرا در آن، نیکی مطلق خدا مکشوف می شود، از ایمان تا ایمان، چنانکه نوشته شده است: "لکن پارسا به ایمان زیست خواهد کرد."

۱: ۱۶-۱۷: آیات ۱۶-۱۷ مضمون اصلی کل کتاب می باشند. در ۳: ۲۱-۳۱ این مضمون ارتقاء یافته و خلاصه شده است.

۱: ۱۶

NRSV، NASB

"از انجیل سرافکنده نیستم"

NKJV

"از انجیل مسیح سرافکنده نیستم"

TEV

"به انجیل اعتماد کامل دارم"

JB

"از خبر خوش سرافکنده نیستم"

پولس احتمالاً به سخنان عیسی در مرقس ۸: ۳۸ و لوقا ۹: ۲۶ اشاره می کند. او از محتوی انجیل یا از آزار و شکنجه ای که نتیجه آنست سرافکنده نیست (م. ک. ۲ تیمو ۱: ۱۲ و ۱۶ و ۱۸). در ۱ قرن ۱: ۲۳ یهودیان از انجیل شرمند بودند زیرا ماشیحی را تأیید میکرد که متحمل رنجهاست و یونانیان نیز از آن شرمند بودند، زیرا رستاخیز جسم را تأیید میکرد.

□ **"نجات"**: در عهد عتیق، کلمه عبری (*yasho*) در درجه اول به معنی رهایی جسمی بود (م. ک. یعقوب ۵: ۱۵)، لکن در عهد جدید کلمه یونانی (*sōzō*) در درجه اول به رهایی روحانی اشاره دارد (م. ک. ۱ قرن ۱: ۱۸، ۲۱). به کتاب «*الفاظ مترادف در عهد عتیق*» نوشته رابرت ب. گردلستون، صفحات ۱۲۴-۱۲۶ رجوع نمایید.



"به هر کس که ایمان آورد"	NASB
"برای هر کس که ایمان آورد"	NKJV
"به هر کس که ایمان دارد"	NRSV
"همه ی آنانی که باور دارند"	TEV
"همه ی آنانی که ایمان دارند"	JB

انجیل برای همه افراد بشر است (حقیقتاً چقدر از کلمات "هر کس"، "هر آنکه" و "همه" لذت می برم) اما ایمان آوردن یکی از شرایط پذیرش است (م. ک. اعمال ۱۶: ۳۰-۳۱). شرط دیگر توبه است (م. ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۹، ۱۶، ۲۰: ۲۱). تعامل خدا با انسان ها توسط معاهده انجام میشود. او همیشه خود پیشقدم می شود و برنامه کار را مشخص میکند (م. ک. یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). اما چند شرط برای عمل متقابل انسان وجود دارد - به یادداشت برای ۱: ۵ توجه کنید.

واژه یونانی که درین جا "ایمان" (*believe*) ترجمه شده است می تواند در انگلیسی به کلمات "اعتقاد" (*faith*) یا "اعتماد" (*trust*) نیز ترجمه شود. واژه یونانی، نسبت به هر کدام واژه انگلیسی، معنی گسترده تری دارد. توجه کنید «حال وصفی» می باشد. ایمان نجات بخش، ایمان مداوم است (م. ک. ۱ قرن ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲؛ ۲ قرن ۲: ۱۵؛ ۱: ۴: ۱۴)!

در اصل، کلمات مرتبط عبری و مأخذ این لفظ یونانی "اعتقاد"، به معنای ایستادن به طرز محکم و استوار بوده است - به مثال مردی که قدمش را از هم باز کرده، ایستاده است تا نتوان به آسانی او را حرکت داد. استعاره های بر عکس آن در عهد عتیق: "پایه های در گل لجن بود" (مزمور ۴۰: ۲) و "نزدیک بود قدم هایم بلغزد" (مزمور ۷۳: ۲). ریشه های عبری مرتبط آن، *emun*، *emunah*، *aman*، بعد ها در استعاره و تشبیهاً در مورد کسی استفاده شد که مورد اعتماد یا وفادار بود، یا کسی که می توان روی او حساب کرد. ایمان نجات بخش، قادر بودن انسان سقوط کرده را در وفاداری نمی رساند، بلکه قدرت خدا را که وفادار می ماند! امید ایمانداران به توانایی های خودشان نیست بلکه به شخصیت الهی و وعده های اوست؛ همه اینها در امین بودن خدا، وفاداری او، و وعده های اوست.

□ **"نخست یهود"**: دلیل این مختصراً در ۲: ۹-۱۰ و ۳ آمده است و در فصل های ۹-۱۱ به تمام وکمال بیان شده است. این در دنباله سخن عیسی در متی ۱۰: ۶، ۱۵: ۲۴، و مرقس ۷: ۲۷ است. این می تواند مرتبط با حسادت بین ایمانداران یهودی و یونانی کلیسای روم باشد.

۱۷: **"نیکی مطلق خدا"** عبارت مذکور در چارچوب متن درین باره است: (۱) شخصیت خدا، و (۲) اینکه او چگونه آن شخصیت را به انسان گناهکار میدهد. در ترجمه «*کتاب مقدس اورشلیم*»، "عدالت خدا ازین مکشوف می گردد" آمده است. در حالیکه اشاره آن به طرز زندگی اخلاقی ایماندار می باشد، اما در درجه اول در باره اهلیت قانونی او در برابر «داور پارسا» است. این نسبت دادن پارسایی خدا به انسان سقوط کرده گناهکار، از زمان رفورماسیون - نهضت اصلاحی پروتستاننت قرن شانزدهم - به عنوان «پارسا شمرده شدن توسط ایمان» مشخص شده است (م. ک. ۲ قرن ۵: ۲۱؛ فیلیپیان ۳: ۹). این همان آیه ای است که زندگی و الهیات مارتین لوتر را متحول ساخت! لکن هدف پارسا شمردن، تقدیس، شبیه مسیح شدن، یا

شخصیت پارسا و بی خطای خداست (م. ک. روم ۸: ۲۸-۲۹؛ افس ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ غلا ۴: ۱۹). پارسایی نه تنها یک اعلامیه رسمی قانونی است، بلکه فراخوانی برای یک زندگی مقدس می باشد؛ شباهت خدا در انسان بازگردانده خواهد شد تا انسان آنرا به عمل آورد (م. ک. ۲ قرن ۵: ۲۱).

عنوان خاص: کاملاً نیک ساختن

"کاملاً نیک ساختن" عنوانی چنان مهم است که شاگرد کتاب مقدس باید این مفهوم را مورد مطالعه گسترده شخصی قرار دهد.

در عهد عتیق شخصیت خدا "عادل" یا "کاملاً نیک" توصیف شده است. اصل این واژه که از زبان «بین النهرین» می آید، از نی رودخانه گرفته شده است که بعنوان ابزار ساختمانی استفاده میشد و راست بودن افقی دیوارها و حصارها را با آن تعیین می کردند. خدا این واژه را بر گزید تا تشبیهاً در باره ذات و سرشت خودش استفاده شود. او آن لبه مستقیم (خط کش) است که همه چیز با آن ارزیابی می گردد. این مفهوم، بیانگر نیکی کامل خدا و نیز حق او برای داوری کردن است.

انسان به صورت و شبیه به خدا آفریده شد (م. ک. پیدای ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۳؛ ۱۰: ۶). آدمیان برای مشارکت با خدا آفریده شدند. تمامی خلقت، صحنه یا زمینه ای است برای رابطه و تعامل خدا و انسان ها. خدا میخواست انسان، اشرف مخلوقاتش او را بشناسد، دوست بدارد، خدمت کند و مانند او باشد! وفاداری انسان آزمایش شد (م. ک. پیدای ۳) و اولین زوج درین آزمون رد شدند. این موضوع باعث گسیختگی رابطه بین خدا و انسان ها گردید (م. ک. پیدای ۳؛ روم ۵: ۱۲-۲۱).

خدا وعده داد که آن مشارکت را دوباره برقرار کند (م. ک. پیدای ۳: ۱۵). اینرا خدا بوسیله اراده خود و پسر خویش انجام میدهد. انسان ها قادر به تصحیح چنین نقض عهدی که به این شکاف جدایی انجامیده نیستند. (م. ک. روم ۱: ۱۸-۳: ۲۰).

پس از سقوط انسان، اولین قدم خدا برای تجدید رابطه و مشارکت، نقشه معاهده ای بود بر پایه دعوت او، و پاسخ انسان با توبه، وفاداری، و اطاعت. بخاطر سقوط شان، دیگر کاری از انسان ها بر نمی آمد (م. ک. روم ۳: ۲۱-۳۱؛ غلا ۳). خود خدا باید پیشقدم می شد تا انسان های عهد شکن را به وضع درست اولیه برگرداند. اینکار را او ازین طریق انجام داد:

۱. اعلام اینکه انسان گناهکار بوسیله کار مسیح، کاملاً نیک شناخته شده است (نیکی کامل حقوقی).
۲. اعطای رایگان نیکی کامل به انسان توسط کار مسیح (نیکی کامل نسبت داده شده).
۳. اعطای «روح» که در انسان ساکن شده، در او نیکی کامل ایجاد میکند (نیکی کامل اخلاقی).
۴. تجدید مشارکت باغ عدن توسط مسیح، که شباهت خدا را در ایمانداران باز میگرداند (م. ک. پیدای ۱: ۲۶-۲۷) (نیکی کامل در اثر ارتباط)

اما خدا عمل متقابل بشر را الزاماً در چارچوب معاهده میخواید. خدا صدور رأی میکند، (به عبارت دیگر بر رایگان می دهد) و فراهم میآورد، اما انسان ها باید متقابلاً و بطور همیشگی اینگونه عمل کنند:

۱. توبه
۲. ایمان
۳. روش زندگی مطیعانه
۴. استقامت

بنابراین، نیکی کامل عملی است معاهده ای و دو جانبه بین خدا و اشرف مخلوقات او. آن مبتنی بر شخصیت خدا، کار مسیح، و توانمندی روح خدا است، و در مقابل هر فرد باید شخصاً و مداوماً واکنش مناسب داشته باشد. این نقشه کار، «پارسا شمردن بوسیله ایمان» خوانده میشود. این نقشه در اناجیل مکشوف شده است اما نه با این کلمات. پولس آن را بطور عمده تعریف و مشخص نموده، بیش از ۱۰۰ بار از واژه یونانی "نیکویی" به اشکال مختلف آن استفاده کرده است.

پولس که معلم مذهب یهودی تحصیل کرده ای بود، واژه *dikaio sunē* را، نه از ادبیات یونانی، بلکه از مفهوم عبری کلمه *SDQ* کاربردی در ترجمه هفتاد استفاده کرده است. در نوشته های یونانی این واژه در مورد کسی بکار میرود که خود را با انتظارات اجتماعی و الهی هماهنگ میساخت. در معنای عبری، ساختار آن همیشه با کلماتی است که در معاهدات بکار میروند. یهوه YHWH خدایی است عادل و اخلاقی، و مطابق اخلاقیات عمل میکند. او میخواهد قوم او شخصیت او را در خود بازتاب دهند. بشر با خرید شده، خلقت تازه ای میگردد. نتیجه این تازگی، طرز زندگی جدید و خداپسندانه است (جنبه «پارسا شمردن» مورد تأکید کاتولیک های رومی). از آنجا که اسرائیل حکومت یزدان سالاری داشت، وجه تمایز روشنی بین «سکولار» (قوائد اجتماع) و مقدسات (اراده خدا) موجود نبود. این تمایز در ترجمه واژه های عبری و یونانی به انگلیسی دیده میشود که "عدالت" (در ارتباط با جامعه) و "نیکی کامل" (در ارتباط با دین) ذکر شده اند.

انجیل عیسی (خبر خوش) اینست که مشارکت انسان سقوط کرده با خدا دوباره برقرار شده است. «پارادوکس» [بیان در ظاهر مغایر و در واقع همخوان] پولس اینست که خدا توسط مسیح، گناهکار را تبرئه میکند. این دستاورد محبت «پدر» و رحم و فیض اوست؛ نیز دستاورد زندگی «پسر» و مرگ و رستاخیز او می باشد؛ و نیز دستاورد «روح» است که عاشقانه محبت میکند و بسوی انجیل مجذوب میسازد. پارسا نمودن عملی است که خدا برایگان انجام میدهد، اما باید به زندگی خدا پسندانه ی شخص بیانجامد (دیدگاه آگوستین، که هم بازتابی بود از تأکید رفورماسیون بر رایگان بودن انجیل و هم تأکید کلیسای کاتولیک روم بر زندگی تغییر یافته پر از محبت و وفاداری). رهبران رفورماسیون، لفظ "نیک کامل ساختن بوسیله خدا" را صیغه مفعولی ملکی تلقی میکردند (یعنی عملی که انسان خاطی را قابل پذیرش خدا می سازد - «تقدیس جایگاه و منزلت») در حالیکه برای کاتولیک ها این واژه، صیغه فاعلی ملکی است، که منظور از آن، مراحل بیشتر شبیه به خدا شدن است - «تقدیس تجربی و پیشرونده». واقعیت یقیناً اینست که هر دوی این امور است!! از دیدگاه من تمامی کتاب مقدس، از پیدایش باب ۴، تا مکاشفه باب ۲۰، ثبوتی است از تجدید رابطه و مشارکت باغ عدن توسط خدا. کتاب مقدس با مشارکت خدا و انسان در محلی درین کره ی خاکی آغاز میگردد (م.ک. پیدایش ۱-۲) و کتاب مقدس در چنین محلی خاتمه میگیرد (م.ک. مکاشفه ۲۱-۲۲). شباهت خدا و هدف او برقرار و بازگردانیده خواهد شد!

در ارائه مدرک و شواهد مباحث فوق، به بخش های منتخب ذیل در عهد جدید که نمونه هایی از گروه واژگان یونانی هستند توجه نمایید.

۱. خدا کاملاً نیک است (اغلب در ارتباط با خدا بعنوان داور)

۱،۱ رومیان ۳: ۲۶

۱،۲ ۲ تسالونیکیان ۱: ۵-۶

۱،۳ ۲ تیموتائوس ۴: ۸

۱،۴ مکاشفه ۱۶: ۵

۲. عیسی کاملاً نیک است

۲،۱ اعمال ۳: ۱۴؛ ۷: ۵۲؛ ۲۲: ۱۴ (لقب ماشیح)

۲،۲ متی ۲۷: ۱۹

۲،۳ ۱ یوحنا ۲: ۲ او ۲۹؛ ۳: ۷

۳. اراده خدا برای مخلوق خود اینست که آنرا کاملاً نیک بسازد

۳،۱ لاویان ۱۹: ۲

۳،۲ متی ۵: ۴۸ (م.ک. ۵: ۱۷-۲۰)

۴. راههای خدا برای مهیا ساختن و ایجاد نیکی کامل

۴،۱ رومیان ۳: ۲۱-۳۱

۴،۲ رومیان ۴

۴،۳ رومیان ۵: ۶-۱۱

۴،۴ غلاطیان ۳: ۶-۱۴

۴،۵ اعطا شده از طرف خدا

(۱) رومیان ۳: ۲۴؛ ۶: ۲۳

(۲) ۱ قرنتیان ۱: ۳۰

(۳) افسسیان ۲: ۸-۹

۴،۶ دریافت شده توسط ایمان

(۱) رومیان ۱: ۱۷؛ ۳: ۲۲ و ۲۶؛ ۴: ۳، ۵، ۱۳؛ ۹: ۳۰؛ ۱۰: ۴، ۶، ۱۰

(۲) ۱ قرنتیان ۵: ۲۱

۴،۷ از طریق اعمال «پسر»

(۱) رومیان ۵: ۲۱-۳۱

(۲) ۲ قرنتیان ۵: ۲۱

(۳) فیلیپیان ۲: ۶-۱۱

۵. اراده خدا اینست که پیروان او کاملاً نیک باشند

۵،۱ متی ۵: ۳-۴۸؛ ۷: ۲۴-۲۷

۵،۲ رومیان ۲: ۱۳؛ ۵: ۱-۵؛ ۶: ۱-۲۳

۵،۳ ۲ قرن ۶: ۱۴

۵،۴ ۱ تیموتاوس ۶: ۱۱

۵،۵ ۲ تیموتاوس ۲: ۲۲؛ ۳: ۱۶

۵،۶ ۱ یوحنا ۳: ۷

۵،۷ ۱ پطرس ۲: ۲۴

۶. خدا جهان را بوسیله نیکی کامل داوری میکند

۶،۱ اعمال ۱۷: ۳۱

۶،۲ ۲ تیموتاوس ۴: ۸

نیکی کامل یکی از خصایل خداست و به رایگان، از طریق مسیح، به بشر خاطی داده شده است. آن:

۱. مشیت الهی است

۲. هدیه خداست

۳. عمل مسیح است

لکن فرآیند کاملاً نیک شدن نیز باید با جدیت و استقامت پیگیری شود؛ و آن روزی، با «بازگشت ثانوی» به کمال خواهد رسید. مشارکت با خدا، در زمان نجات مجدداً برقرار میشود، اما در سراسر زندگی رو به فزون است تا در وقت فوت یا «بازگشت ثانوی»، به دیدار روبرو بیانجامد!

این نقل قول مناسبی است از «فرهنگ لغات پولس و نامه های او» از «مطبوعات اینتر وارسیتی»: «کالوین، بیش از لوتر، جنبه رابطه ای «نیک کامل شمرده شدن توسط خدا» را تأکید مینماید. به نظر میرسد دیدگاهی که لوتر از «نیک کامل شمرده شدن توسط خدا» دارد جنبه تبری را در بر میگیرد. کالوین تأکید میکند نیکی کامل خدا به چه طرز عالی و تحسین برانگیزی بما بیان یا اعطا شده است» (صفحه ۸۳۴). به نظر من رابطه ایماندار با خدا سه جنبه دارد:

۱. انجیل، یک فرد و شخص است (تأکید کلیسای شرق و کالوین)

۲. انجیل، حقیقت است (تأکید آگوستین و لوتر)

۳. انجیل، زندگی تغییر یافته است (تأکید کلیسای کاتولیک)

همه اینها حقیقت دارند و برای مسیحیت سالم و درست و مسیحیتی که مطابق کتاب مقدس است، باید به تمامی آنها اعتقاد داشت. اگر هر یک از آنها زیاده تأکید شود یا از اهمیت آن کاسته گردد، مشکلات بوجود خواهند آمد.

باید از عیسی استقبال کنیم!

باید به انجیل ایمان داشته باشیم!

باید هدف ما این باشد که شبیه مسیح شویم!



"از ایمان تا ایمان" NKJV, NASB

"از طریق ایمان برای ایمان" NRSV

"از طریق ایمان است، از ابتدا تا انتها" TEV

"این نشان میدهد ایمان چگونه به ایمان رهنمون میگردد" JB

این عبارت دو «حرف اضافه» دارد، *ek* و *eis*، که نشانگر تغییر مطلب یا گسترش آن می باشند. او عیناً همین ساختار را در ۲ قرن ۲: ۱۶ و *apo* و *eis* را در ۲ قرن ۳: ۱۸ بکار می برد. مسیحیت هدیه ایست که باید مشخصه و روال زندگی شخص گردد.

چند امکان برای ترجمه این عبارت وجود دارند. «عهد جدید ویلیامز» آنرا اینطور ترجمه میکند: "طریق ایمان که به ایمانی بزرگتر رهنمون می شود." نکات اصلی الهیاتی چنین می باشند: (۱) خدا مصدر ایمان است ("مکاشفه شده") (۲) بشریت باید متقابلاً عمل کند و به عمل متقابل ادامه دهد؛ و (۳) نتیجه ایمان باید زندگی خدا پسندانه باشد.

امر مسلم اینست که "ایمان" به مسیح بسیار مهم و اساسی است (م. ک. ۵: ۱؛ فیلیپیان ۳: ۹). نجاتی که خدا ارائه می کند مشروط بر اینست که شخص در مقابل، ایمان آورد (م. ک. مرقس ۱: ۱۵؛ یوحنا ۱: ۱۲؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹، ۲۰: ۲۱).



"لکن مرد پارسا به ایمان زیست خواهد کرد" NASB

"پارسایان به ایمان زیست خواهند کرد" NKJV

"کسی که پارسا است به ایمان زیست خواهد کرد" NRSV

"کسی که رابطه اش با خدا بوسیله ایمان اصلاح شده است زیست خواهد کرد" TEV

"مرد راستکار حیات را توسط ایمان می یابد" JB

این نقل قولی از حقوق ۲: ۴ بود، اما نه از «متن ماسورتیک» [متن عبری اصلی کتاب مقدس] یا از «ترجمه هفتاد». در عهد عتیق "ایمان" معنای استعاره ای گسترده ی "قابل اعتماد بودن" "امین بودن" یا "به

کسی وفادار بودن" را داشت. وفاداری خدا پایه ایمان نجات بخش است (م.ک. ۳: ۵، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶). لکن، وفاداری انسان گواه توکل او بر آن چیز هایی است که خدا فراهم میکند. همین متن عهد عتیق در غلاطیان ۳: ۱۱ و حبقوق ۱۰: ۳۸ نقل قول شده است. واحد ادبی بعدی، رومیان ۱: ۱۸-۳: ۲۰، آنچه را متضاد با وفاداری نسبت به خداست، نمایان میکند.

شاید یاری باشد درینجا برداشت های چندی از منقدین امروزی را ازین قسمت آخر عبارت، فهرست نماییم.

۱. Vaughan "با ایمان شروع می شود و با ایمان خاتمه می یابد"

۲. Hodge "تنها توسط ایمان"

۳. Barrett "بر هیچ پایه ای نیست مگر بر ایمان"

۴. Knox "اول و آخر، ایمان"

۵. Stagg "راستکاران بوسیله ایمان خواهند زیست"

متن NASB (بروز آمده): ۱: ۱۸ - ۲۳

۱۸ زیرا غضب خدا از آسمان به ظهور می رسد بر ضد هر گونه بی دینی و شرارت انسانی که با شرارت حقیقت را سرکوب می کنند. ۱۹ زیرا آنچه از خدا شناخته شده است در درون ایشان بدیهی است، چون خدا آن را بر ایشان بدیهی ساخته است. ۲۰ زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرت سرمدی و سرشت الهی، به روشنی دیده شده اند زیرا بوسیله آنچه ساخته شده، ادراک شده اند. تا آنکه ایشان را هیچ عذری نباشد. ۲۱ زیرا هر چند خدا را شناختند، او را چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند، بلکه در اندیشه خود به بطالت گرفتار آمدند و دلهای بی فهم ایشان را تاریکی فرا گرفت. ۲۲ آنها اعلام میکردند حکیم هستند، اما احمق گردیدند ۲۳ و جلال خدای غیر فانی را با تمثالی به شکل انسان فانی و پرندگان و چارپایان و خزندگان معاوضه کردند.

۱: ۱۸ "زیرا": توجه کنید چند بار *gar* در «جمله مضمون» آیات ۱۶-۱۷ بکار رفته است - سه بار، و درینجا اولین نکته پولس را در مورد انجیل معرفی میکند (۱: ۱۸-۳: ۳۱)، که «با قدرت خدا برای نجات» تضاد داده شده است (۱: ۱۶-۱۷).

▣ "غضب خدا": آیات ۱۸-۲۳ دنیای بی دین زمان پولس را مجسم میسازد. خصوصیات که پولس در مورد دنیای بی دینان قائل است همچنین در ادبیات یهود دیده میشود (م. ک. حکمت سلیمان ۱: ۱۳ به بعد و نامه آریس ته آس، ۱۳۴-۳۸) و حتی در نوشته های اخلاقی یونانی و رومی نیز. همان کتاب مقدسی که در باره محبت خدا بما می گوید همچنین خشم او را مکتشف میسازد (م. ک. آیات ۲۳-۳۲؛ ۲: ۵، ۸؛ ۳: ۵؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۹؛ ۹: ۲۲؛ ۱۲: ۱۹؛ ۱۳: ۴-۵).

خشم و محبت هر دو واژه های بشری هستند که در مورد خدا بکار رفته اند. آنها بازگو کننده این واقعیت هستند که خدا طریقی دارد که می خواهد ایمانداران آنرا بپذیرند و آنطور زندگی کنند. اگر کسی قصداً اراده خدا (انجیل مسیح) را نپذیرد، هم درین دنیا عقوبت خواهد دید - چنانکه درین آیه آمده - و هم در آخرت (م. ک. ۲: ۵). لکن نباید خدا را انتقام جو تلقی کرد. داوری، "کار نامعمول و عجیب" اوست (م. ک. اشعیا ۲۸: ۲۱ به بعد). محبت شخصیت اوست؛ تثنیه ۵: ۹ را با ۵: ۱۰؛ ۷: ۹ مقایسه نمایید. بیش از هر صفات دیگری، در او عدالت و رحمت وجود دارند. اما همه باید به خدا حساب پس بدهند (م. ک. جامعه ۱۲: ۱۳-۱۴؛ غلا ۶: ۷)، حتی مسیحیان (م. ک. ۱۴: ۱۰-۱۲؛ ۲ قرن ۵: ۱۰).

□ **"به ظهور می رسد":** همانطور که انجیل، حقیقتی است که مکشوف شده است، (آیه ۱۷)، خشم خدا نیز چنین می باشد! بشر هیچیک از آنها را نه کشف کرده است و نه با منطق به آنها دست یافته است.

□ **"حقیقت را سرکوب می کنند"** در رجوع به رد عمدی از جانب انسان بود، نه به جهالت و نادانی افراد (م.ک. آیات ۲۱، ۳۲؛ یوحنا ۳: ۱۷-۲۱). معنی آیه مذکور می تواند چنین باشد: (۱) آنان حقیقت را می دانند ولی آنرا رد میکنند؛ (۲) طرز زندگی آنها نشان می دهد آنان حقیقت را رد می کنند؛ یا (۳) زندگی ها و/ یا سخنان آنها باعث می شوند دیگران حقیقت را نشناسند و دریافت نکنند.

عنوان خاص: "حقیقت" در نوشته های پولس

استفاده پولس از این واژه و شکل های مربوطه ی آن، از مترادف عهد عتیق آن *emet* می آید که به معنای امین یا وفادار است. در نوشته های یهودی زمان بین عهد عتیق و عهد جدید، کاربرد آن مفهوم "حقیقت" در تضاد با "دروغ" بود. شاید نزدیک ترین پارالل و مشابه آن "سرودهای شکرگذاری" از طومارهای بحرالمیت باشند که در آن، در مورد تعالیم مکشوف بکار رفته است. اعضای جامعه «اسین»، "شاهدان حقیقت" شدند. پولس از این کلمه بعنوان راهی برای رجوع به انجیل عیسی مسیح استفاده میکند.

۱. رومیان ۱: ۱۸، ۲۵؛ ۲: ۸، ۲۰؛ ۳: ۷؛ ۱۵: ۸

۲. ۱ قرنتیان ۱۳: ۶

۳. ۲ قرنتیان ۴: ۲؛ ۶: ۷؛ ۱۱: ۱۰؛ ۱۳: ۸

۴. غلاطیان ۲: ۵، ۱۴؛ ۵: ۷

۵. افسسیان ۱: ۱۳؛ ۶: ۱۴

۶. کولسیان ۱: ۵، ۶

۷. ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۱۲، ۱۳

۸. ۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۳؛ ۶: ۵

۹. ۲ تیموتائوس ۲: ۱۵، ۱۸، ۲۵؛ ۳: ۷، ۸؛ ۴: ۴

۱۰. تیطس ۱: ۱، ۱۴

پولس همچنان از این لفظ بعنوان راهی برای طرز بیان صحیح خود استفاده میکند

۱. اعمال ۲۶: ۲۵

۲. رومیان ۹: ۱

۳. ۲ قرنتیان ۷: ۱۴؛ ۱۲: ۶

۴. افسسیان ۴: ۲۵

۵. فیلیپیان ۱: ۱۸

۶. ۱ تیموتائوس ۲: ۷

او همچنین این واژه را برای توصیف انگیزه های خود در ۱ قرن ۵: ۸ و طرز زندگی (برای همگی مسیحیان نیز) در افس ۴: ۲۴ و ۵: ۹ و فیلیپ ۴: ۸ بکار میبرد. او گاهی از آن در مورد مردم استفاده میکند:

۱. خدا، روم ۳: ۴ (م.ک. یوحنا ۳: ۳۳؛ ۱۷: ۱۷)

۲. عیسی، افس ۴: ۲۱ (مشابه به یوحنا ۱۴: ۶)

۳. شهادت های رسولان، تیطس ۱: ۱۳

۴. پولس، ۲ قرن ۶: ۸

تنها پولس از شکل فعل آن (به عبارت دیگر از *alētheuō*) در غلا ۴: ۱۶ و افس ۴: ۱۵ استفاده میکند، که در رجوع به انجیل است. برای مطالعه بیشتر به کالین براون (ویراستگر)، «فرهنگ نوین بین المللی الهیات عهد جدید»، جلد ۳، صفحات ۷۸۴-۹۰۲ رجوع نمایید.

۱: ۱۹ "آنچه از خدا می توان شناخت بر آنان آشکار است، چون خدا آن را بر ایشان آشکار ساخته است": همه افراد بشر از روی خلقت چیزی در باره خدا میدانند (م.ک. آیه ۲۰؛ ایوب ۱۲: ۷-۱۰ و مزمو ۱۹: ۱-۶ [از طریق طبیعت]، ۱۲-۱۵ [از طریق کلام خدا]، همچنین حکمت). در علم الهی این "مکاشفه طبیعی" خوانده میشود و اگرچه کامل نیست، آن مبنا است که خدا طبق آن، کسانی را مسئول می شناسد که هرگز با "مکاشفه خاص" خدا در کلام مقدس او، یا سرانجام در عیسی، روبرو نشده اند (کولسیان ۱: ۱۵؛ ۲: ۹).
 لفظ "شناختن" در عهد جدید به دو معنی بکار میرفت: (۱) معنای عهد عتیق آن، برای رابطه نزدیک اشخاص (م.ک. پیدا ۴: ۱؛ ارمیا ۱: ۵)، و (۲) معنای یونانی آن، درباره واقعیات موضوعی (م.ک. آیه ۲۱). انجیل هم «شخصی» است که باید ازو استقبال بعمل آید و هم پیامی در باره آن «شخص» است که باید دریافت کرد و به آن ایمان آورد! درین آیه تنها این به معنای شماره ۲ بکار رفته بود.

- ۱: ۲۰ این آیه سه جنبه خدا را ذکر میکند.
 ۱. صفات نا دیدنی او (شخصیت او، م.ک. کولسیان ۱: ۱۵؛ ۱ تیمو ۱: ۱۷؛ عبر ۱۱: ۲۷)
 ۲. قدرت ابدی او (که در آفرینش طبیعی دیده میشود)
 ۳. طبیعت الهی او (که در اعمال و انگیزه های او برای آفرینش دیده میشود)

□ "زیرا از آغاز آفرینش جهان": «حرف اضافه» *apo* به معنای دنیوی آن استفاده شده است. عبارت مشابهی در مرقس ۱۰: ۶؛ ۱۳: ۱۹؛ ۲ پطرس ۳: ۴ دیده میشود. خدای نا دیدنی اکنون دیده میشود: در (۱) خلقت فیزیکی (این آیه)؛ (۲) کلام خدا (مزمو ۱۹، ۱۱۹)؛ و (۳) سرانجام در عیسی (م.ک. یوحنا ۱۴: ۹).

□ "سرشت الهی": از ادبیات یونانی، *theiotēs* را می توان "جلال الهی" ترجمه نمود. این در بالاترین درجه در عیسی مشاهده می شود. او بگونه ای منحصر به فرد، شباهت الهی را در خود دارد (م.ک. ۲ قرن ۴: ۴؛ عبر ۱: ۳). او مکاشفه کامل خداست، به شکل انسان (کولسیان ۱: ۱۹؛ ۲: ۹). حقیقت عالی و حیرت انگیز انجیل اینست که انسان سقوط کرده، بوسیله ایمان به مسیح، در «شباهت به مسیح» شریک میگردد (م.ک. حقیق ۱۲: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۳: ۲). شباهت خدا در انسان ها (م.ک. پیدا ۱: ۲۶-۲۷) بازگردانیده شده است (*theios*، م.ک. ۲ پطرس ۱: ۳-۴)!

□

"به روشنی دیده شده اند زیرا بوسیله آنچه ساخته شده، ادراک شده اند"	NASB
"به روشنی دیده میشوند، و بوسیله آنچه ساخته شده است ادراک می شوند"	NKJV
"به وسیله آنچه او ساخته است ادراک و دیده شده اند"	NRSV
"به روشنی دیده شده اند؛ آنها در آنچه خدا ساخته است دیده می شوند"	TEV
"بوسیله ادراک ذهن از مخلوقات، به روشنی دیده شده اند"	NJB

ترکیب *noeō* (م.ک. متی ۱۵: ۱۷) و *kathorāō* (هر دو «زمان حال مجهول») دلالت بر بینش واقعی میکند. خدا دو کتاب نوشته است: (۱) طبیعت و (۲) کتاب مقدس. هر دو اینها برای بشر قابل درک می باشند و جواب متقابل را ایجاب می کنند (م.ک. «حکمت»، ۱۳: ۱-۹).

□ **"پس آنان را هیچ عذری نیست"**: بطور تحت اللفظی این عبارت چنین است: "هیچگونه دفاع قانونی". این لفظ یونانی (*apologeomai* بعلاوه *a*) در عهد جدید تنها درین جا و در ۲: ۱ بکار رفته است. بیاد بیاورید هدف باب ۱: ۱۸-۳: ۲۰ از لحاظ علم الهی، اینست که گمراهی همه انسان ها را نشان دهد. انسان ها در مورد آنچه میدانند مسئول هستند. خدا انسان ها را صرفاً مسئول آنچه‌هایی محسوب میکند که میدانند یا می‌توانند بدانند.

۱: ۲۱ **" زیرا هر چند خدا را شناختند "**: انسان ها پیشرفت مذهبی ندارند بلکه بطرز فزاینده شریزند. از زمان باب ۳ پیدایش، بشریت سیر نزولی داشته است. تاریکی غلیظ تر میگردد!

□ **" او را چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند "**: این فاجعه ی بت پرستی بی دینان است: آیات ۲۳ و ۲۴ (م. ک. ارمیا ۲: ۹-۱۳).

□ **" بلکه در اندیشه خود به بطالت گرفتار آمدند و دل‌های بی فهم ایشان را تاریکی فرا گرفت "**: «عهد جدید: برگردانی جدید» نوشته اولاف م. مورلی میگوید: "اما آنان خود را مشغول گمان های ابلهانه در باره او ساختند، و اذهان احمق آنها، در تاریکی کورمال روان گردید." نظام های مذهبی انسانی، ساختارهای یادبود تاریخی هستند از سرپیچی و غرور روحانی (م. ک. آیه ۲۲؛ کولسیان ۲: ۱۶-۲۳).
آن دو فعل، «گذشته مطلق اخباری مجهول» می باشند. آیا وجه مجهول اینرا می رساند که عدم ادراک و اکنش متناسب آنها به این سبب بود که خدا چشم دل آنها را پوشانیده بود یا اینکه نپذیرفتن نور، دلهاشان را سخت کرده بود (م. ک. ۱۰: ۱۲-۱۶؛ ۲ پاد ۱۷: ۱۵؛ ار ۲: ۵؛ افس ۴: ۱۷-۱۹)؟

□ **"قلب"**: این واژه به معنای عهد عتیق آن برای تمامی شخص بکار رفته است. اما، این اغلب وسیله ای برای رجوع به فرآیند تفکر و احساس بود. به «عنوان خاص» در ۱: ۲۴ رجوع نمایید.

۲۲: ۱

NKJV, NASB " آنها اعلام میکردند حکیم هستند، اما احمق گردیدند "

NRSV " ادعای حکمت میکردند، اما احمق گردیدند "

TEV " آنها میگویند حکیم هستند، اما احمق میباشند "

JB " هرچه بیشتر خود را فیلسوف میخواندند، احمق تر می شدند "

لفظ "moron" [ابله] در زبان انگلیسی، از لفظ یونانی برای "احمق" گرفته شده است. مشکل اینست که بشر مغرور است و به دانایی خود اعتماد دارد (م. ک. ۱ قرن ۱: ۱۸-۳۱؛ کولسیان ۲: ۸-۲۳). این برمیکرد به پیدایش باب ۳. آگاهی و دانایی، جدایی و داوری بهمراه آورد. مقصود این نیست که دانایی بشر همیشه اشتباه است، بلکه اینست که نهایی و غائی نیست!

۱: ۲۳ انسان هایی که به صورت و شباهت خدا ساخته شده بودند، عمداً در جهالت خود (م. ک. پیدا ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱، ۳؛ ۹: ۶) خدا را مبدل به شکل های دنیوی کردند، از قبیل:

۱. جانوران (مصر)

۲. نیروهای طبیعت (ایران)

۳. شکل های انسانی (یونان/ روم) یعنی بت ها! حتی خود قوم خدا اینکار را کردند (م. ک. تث ۴: ۱۵-۲۴).

چند شکل نوین از این گناه دیرینه عبارتند از:

۱. محیط زیست گرایی (مادر زمین)
۲. تفکر شرقی «عصر جدید» (عرفان، اعتقاد به عالم ارواح و روح گرائی، و فرقه های اعتقادات مرموز)
۳. انسان گرایی همراه با انکار وجود خدا atheistic humanism (مارکسیسم، فلسفه جامعه ایده آلی، آرمان گرایی پیشرو progressive idealism، و ایمان نهایی به سیاست یا آموزش و پرورش)
۴. طب کل نگر holistic medicine (سلامت و طول عمر)
۵. تحصیلات (آموزش و پرورش)

□ "جلال": به «عنوان خاص» ۳: ۲۳ رجوع نمایید

□ "انسان فانی (فساد پذیر)" به «عنوان خاص» ذیل رجوع نمایید

عنوان خاص: نابود کردن، منهدم ساختن، فاسد کردن (PHTHEIRŌ)

- معنای اساسی این واژه ی *phtheirō* نابود کردن، منهدم ساختن، فاسد کردن یا ضایع کردن است. این واژه می تواند در موارد ذیل بکار رود:
۱. نابودی مالی (احتمالاً ۲ قرن ۷: ۲)
 ۲. هلاکت جسمی (م. ک. ۱ قرن ۳: ۱۷ الف)
 ۳. فساد اخلاقی (م. ک. روم ۱: ۲۳؛ ۸: ۲۱؛ ۱ قرن ۱۵: ۳۳، ۴۲، ۵۰؛ غلا ۶: ۸؛ مکا ۱۹: ۲)
 ۴. اغفال جنسی (م. ک. ۲ قرن ۱۱: ۳)
 ۵. هلاکت ابدی (م. ک. ۲ پتر ۲: ۱۲، ۱۹)
 ۶. سنت های انسانی رو به زوال (م. ک. کولس ۲: ۲۲؛ ۱ قرن ۳: ۱۷ ب)
- این واژه اغلب در یک متن همراه با واژه متضاد و نفی شده ی آن بکار رفته است (م. ک. روم ۱: ۲۳؛ ۱ قرن ۹: ۲۵؛ ۱۵: ۵۰، ۵۳). توجه داشته باشید به تضاد های پارالل (مشابه) بین بدن های زمینی فیزیکی ما و بدن های آسمانی ابدی ما.
۱. فانی [فساد پذیر] در تضاد با غیر فانی [فساد ناپذیر]، ۱ قرن ۱۵: ۴۲، ۵۰
 ۲. بی حرمتی در تضاد با جلال، ۱ قرن ۱۵: ۴۳
 ۳. ضعف در تضاد با قدرت، ۱ قرن ۱۵: ۴۳
 ۴. بدن طبیعی در تضاد با بدن روحانی
 ۵. آدم اول در تضاد با آدم آخر، ۱ قرن ۱۵: ۴۵
 ۶. صورت و شباهت زمینی در تضاد با صورت و شباهت آسمانی، ۱ قرن ۱۵: ۴۹

متن NASB (بروز آمده): ۱: ۲۴-۲۵

۲۴ پس خدا ایشان را در شهوات دلشان به ناپاکی واگذاشت، تا در میان خود، بدنهای خویش را بی حرمت سازند. ۲۵ زیرا آنان حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به جای خالق پرستش و خدمت نمودند، خالقی که تا ابد متبارک است. آمین.

۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸ "خدا ایشان را ... واگذاشت": این بدترین حکم ممکن بود. بدین ترتیب خدا می فرمود: "بگذار انسان های سقوط کرده براه خود بروند" (م. ک. مزمور ۸۱: ۱۲؛ هوشع ۴: ۱۷؛ اعما ۷: ۴۲). آیات

۲۳-۳۲ توصیفی است از اینکه خدا دنیای بی دین را رد کرده است (خشم دنیوی) و همچنین مذهبی بودن آنرا (و مذهبی بودن ما را نیز!) مشخصه بی دینی در زمان های گذشته و حال، انحراف و استثمار جنسی است!

۱: ۲۴ "دلشان": به عنوان خاص ذیل رجوع کنید.

عنوان خاص: قلب

واژه یونانی *kardia* که در «ترجمه هفتاد» و عهد جدید بکار رفته بازتابی از واژه عبری *leb* است. آن به چند طریق استفاده شده است (م. ک. باور، آرندت، گینگریچ و دانکر، «واژه نامه یونانی-انگلیسی»، صفحات ۴۰۳-۴۰۴).

۱. محور زندگی فیزیکی و جسمی، تشبیهی از شخص (م. ک. اعما ۱۴: ۱۷؛ ۲ قرن ۳: ۲-۳؛ یعقوب ۵: ۵)

۲. محور زندگی روحانی (اخلاقی)

الف. خدا قلب را می شناسد (م. ک. لوقا ۱۶: ۱۵؛ روم ۸: ۲۷؛ ۱ قرن ۱۴: ۲۵؛ ۱ تسالونی ۲: ۴؛ مکا ۲: ۲۳)

ب. در مورد زندگی روحانی انسان ها بکار رفته است (م. ک. متی ۱۵: ۱۸-۱۹؛ ۱۸: ۳۵؛ روم ۶: ۱۷؛ ۱ تیمو ۱: ۵؛ ۲ تیمو ۲: ۲۲؛ ۱ پطرس ۱: ۲۲)

۳. محور زندگی فکری (به عبارت دیگر: اندیشه، م. ک. متی ۱۳: ۱۵؛ ۲۴: ۴۸؛ اعما ۷: ۲۳؛ ۱۴: ۱۶؛ ۲۸: ۲۷؛ روم ۱: ۲۱؛ ۱۰: ۶؛ ۱۶: ۱۸؛ ۲ قرن ۴: ۶؛ افسس ۱: ۱۸؛ ۴: ۱۸؛ یعقوب ۱: ۲۶؛ ۲ پطرس ۱: ۱۹؛ مکا ۱۸: ۷؛ در ۲ قرن ۳: ۱۴-۱۵ و فیلیپیان ۴: ۷ دل مترادف با ذهن است)

۴. محور قصد و خواست (به عبارت دیگر: اراده، م. ک. اعمال ۵: ۴؛ ۱۱: ۲۳؛ ۱ قرن ۴: ۵؛ ۷: ۳۷؛ ۲ قرن ۹: ۷)

۵. محور احساسات (م. ک. متی ۵: ۲۸؛ اعمال ۲: ۳۷، ۲۶؛ ۷: ۵۴؛ ۲۱: ۱۳؛ روم ۱: ۲۴؛ ۲ قرن ۲: ۴؛ ۷: ۳؛ افسسیان ۶: ۲۲؛ فیلیپیان ۱: ۷)

۶. عرصه منحصر بفرد فعالیت روح خدا (م. ک. روم ۵: ۵؛ ۲ قرن ۱: ۲۲؛ غلا ۴: ۶ [به عبارت دیگر مسیح در دل های ما، افسس ۳: ۱۷])

۷. دل، طریقی است استعاره ای در رجوع به تمامی وجود شخص (م. ک. متی ۲۲: ۳۷، که نقل قولی است از تثنیه ۶: ۵). افکار، محرک ها، و اعمال نسبت داده شده به دل، نوع شخص را کاملا نمایان میسازند. عهد عتیق کاربردهای چشم گیری ازین واژه ها دارد.

الف. پیدا ۶: ۶؛ ۸: ۲۱، "خداوند در دل خود محزون گشت" (به هوشع ۱۱: ۸-۹ نیز توجه نمایید)

ب. تث ۴: ۲۹؛ ۶: ۵، "با تمام دلت و تمام جانانت"

ج. تث ۱۰: ۱۶ "دل نامختون" و روم ۲: ۲۹

د. حز ۱۸: ۳۱-۳۲، "دلی تازه"

ه. حز ۳۶: ۲۶، "دلی تازه" در تضاد با "دل سنگی"

۱: ۲۵ "حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند": این را می توان چند گونه معنی کرد (۱) انسان، خود را در مقام خدایی قرار میدهد (م. ک. ۲ تسالونی ۲: ۴، ۱۱)؛ (۲) انسان، آنچه را خود ساخته است می پرستد، یعنی بت ها را (م. ک. اشعیا ۴۴: ۲۰؛ ارمیا ۱۳: ۲۵؛ ۱۶: ۱۹) به عوض یهوه YHWH که همه چیز را آفرید (م.

ک. آیات ۱۸-۲۳؛ یا (۳) انسان در نهایت، حقیقت انجیل را رد کرده است (م. ک. یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ا یوحنا ۲: ۲۱، ۲۷). در متن، شماره ۲ از بقیه متناسب تر است.

□ "پرستش و خدمت نمودند": انسان همیشه خدایان خواهد داشت. همه انسان ها این حس را دارند که یک شخص، حقیقت، یا چیزی فراتر از خودشان وجود دارد.

□ "که تا ابد متبارک است. آمین": پولس با دلی پر شور دعای برکت یهودی را به زبان آورد، که کاملا مشخصه اوست (م. ک. روم ۹: ۵؛ ۲ قرن ۱۱: ۳۱). پولس اغلب در ضمن نوشتن دعا میکند (م. ک. ۹: ۵؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۵: ۳۳؛ ۱۶: ۲۷).

□ "تا ابد": به «عنوان خاص» ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: تا ابد (اصطلاحات یونانی)

یک عبارت اصطلاح یونانی "unto the ages" است (م. ک. لوقا ۱: ۳۳؛ روم ۱: ۲۵؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷؛ ۲۷: ۱؛ ۵: ۱؛ ۱ تیمو ۱: ۱۷)، که می تواند نشانگر *'olam* در عبری باشد. به «الفاظ مترادف در عهد عتیق»، نوشته رابرت ب. گردلستون، صفحات ۳۱۹-۳۲۱ رجوع نمایید. سایر عبارات مرتبط "unto the age" می باشند (م. ک. متی ۱۹: ۲۱؛ [مرقس ۱۱: ۱۴]، لوقا ۱: ۵۵؛ یوحنا ۶: ۵۸؛ ۸: ۳۵؛ ۱۲: ۳۴؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۱۶؛ ۲ قرن ۹: ۹) و "of the age of the ages" (م. ک. افس ۳: ۲۱). بنظر می رسد در مورد "تا ابد" تفاوتی بین این اصطلاحات وجود ندارد. واژه "ages" می تواند وجه جمع باشد - بصورت معنی مجازی در ساختار دستوری معمولین مذهبی یهود که به آن "جمع ملوکانه" می گفتند - یا ممکن است اشاره ای باشد به تعدادی "اعصار" در چارچوب معنی یهودی "عصر معصومیت"، "عصر شرارت"، "عصر آینده"، یا "عصر پارسایی".

□ "آمین" به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید:

عنوان خاص: آمین

- I. عهد عتیق
- الف. واژه "آمین" شکلی از واژه عبری برای حقیقت (*emeth*) یا حقیقت گویی (*emun, emunah*) و ایمان یا وفاداری است.
- ب. ریشه شناسی لغوی آن از «ایستادن فرد بطور استوار» است. متضاد آن کسی است نا استوار و در حال لغزیدن (م. ک. تثنیه ۲۸: ۶۴-۶۷؛ ۳۸: ۱۶؛ مزمو ۴۰: ۲؛ ۷۳: ۱۸؛ ارمیا ۲۳: ۱۲) یا کسی که سکندری می خورد (م. ک. مزمو ۷۳: ۲). از این کاربرد تحت اللفظی، معانی استعاره ای ساخته شده اند به عبارت: باوفا، قابل اطمینان، وظیفه شناس، و مورد اعتماد (م. ک. پیدا ۱۵: ۱۶؛ حبقوق ۲: ۴).
- ج. کاربرد های خاص
۱. ستون، ۲ پادشاهان ۱۸: ۱۶ (۱ تیمو تاوس ۳: ۱۵)
 ۲. اطمینان، خرو ۱۷: ۱۲

- ۳، ثبات قدم، خرو ۱۷: ۱۲
۴. استواری، اشعیا ۳۳: ۶؛ ۳۴: ۵-۷
- ۵، راست، ۱ پادشاهان ۱۰: ۶؛ ۱۷: ۲۴؛ ۲۲: ۱۶؛ امثال ۱۲: ۲۲
۶. پا برجا و مستحکم، ۲ تواریخ ۲۰: ۲۰؛ اشعیا ۷: ۹
۷. قابل اطمینان (تورات)، مزمور ۱۱۹: ۴۳، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۶۸
- د. در عهد عتیق دو واژه دیگر عبری برای ایمان فعال بکار برده شده‌اند.
۱. *bathach*، اعتماد
۲. *yra*، ترس، احترام، پرستش (م. ک. پیدا ۲۲: ۱۲)
- ه. از مفهوم اعتماد یا قابل اطمینان بودن، کاربردی در «آئین عبادت و دعا» بوجود آمد که برای تصدیق صحت یا قابل اطمینان بودن کلام شخص دیگر بکار میرفت (م. ک. تثنیه ۲۷: ۱۵-۲۶؛ نحیا ۸: ۶؛ مزمور ۴۱: ۱۳؛ ۷۲: ۱۹؛ ۸۹: ۵۲؛ ۱۰۶: ۴۸).
- و. از لحاظ علم الهی، کلید این واژه وفاداری انسان نیست، بلکه وفاداری یهوه YHWH است (م. ک. خرو ۳۴: ۶؛ تثنیه ۳۲: ۴؛ مزمور ۱۰۸: ۴؛ ۱۱۵: ۱؛ ۱۱۷: ۲؛ ۱۳۸: ۲). تنها امید بشر سقوط کرده، ثبات معاهده‌ی پر فیض و وفادارانه یهوه YHWH و وعده‌های او می‌باشند. آنانی که یهوه را می‌شناسند باید مانند او باشند (م. ک. حقوق ۲: ۴). کتاب مقدس تاریخ و متن ثبت شده‌ای است ازینکه خدا شباهت خود را در انسان دوباره برقرار ساخته است (م. ک. پیدا ۱: ۲۶-۲۷). نجات، توانایی انسان را برای داشتن مشارکت نزدیک با خدا باز میگرداند. ما به این مقصود آفریده شده ایم.

II. عهد جدید

- الف. لفظ "آمین"، بعنوان تأیید اعتبار گفتار در آخر آئین عبادت و دعا، در عهد جدید رایج است (م. ک. ۱ قرن ۱۴: ۱۶؛ ۲ قرن ۱: ۲۰؛ مکا ۱: ۷؛ ۵: ۱۴؛ ۷: ۱۲).
- ب. کاربرد این واژه در عهد جدید به عنوان خاتمه دعا رایج است (م. ک. روم ۱: ۲۵؛ ۹: ۵؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶: ۲۷؛ غلا ۱: ۵؛ ۶: ۱۸؛ افس ۳: ۲۱؛ فیلیپ ۴: ۲۰؛ ۲ تسلا ۳: ۱۸؛ ۱ تیمو ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۶؛ ۲ تیمو ۴: ۱۸).
- ج. عیسی تنها کسی است که این لفظ را (در یوحنا اغلب دوبار پشت سرهم) برای مطرح کردن گفتار مهم بکار میبرد (م. ک. لوقا ۴: ۲۴؛ ۱۲: ۳۷؛ ۱۸: ۱۷، ۲۹؛ ۲۱: ۳۲؛ ۲۳: ۴۳).
- د. در مکا ۳: ۱۴ بعنوان لقبی برای عیسی بکار رفته است (احتمالاً از القاب یهوه در اشعیا ۶۵: ۱۶).
- ه. مفهوم وفاداری یا ایمان و قابل اعتماد بودن یا اعتماد، در واژه یونانی *pistos* یا *pistis* بیان شده است، که ترجمه آن به انگلیسی *trust* [اعتماد]، *faith* [ایمان]، *believe* [باور] می‌باشد.

متن NASB (بروز آمده): ۱: ۲۶-۲۷

۲۶ پس خدا نیز ایشان را در شهواتی خوار کننده به حال خود وا گذاشت. زیرا زنانشان، روابط غیر طبیعی را جایگزین روابط طبیعی کردند. ۲۷ به همین سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند؛ مرد با مرد مرتکب اعمال شرم آور شده، مکافات درخور انحرافشان را در خود یافتند.

۱: ۲۶، ۲۷ همجنس گرایی یکی از نمونه های زندگی جدا از اراده بدیهی خدا در خلقت است (بارور شوید). اینکار یک گناه، و مشکل بزرگ فرهنگی بود: (۱) در عهد عتیق (م. ک. لاو ۱۸: ۲۲؛ ۲۰: ۱۳؛ تث ۲۳: ۱۸)؛ (۲) در دنیای یونانی- رومی (م. ک. ۱ قرن ۶: ۹؛ ۱ تیمو ۱: ۱۰)؛ و (۳) در زمان ما. همجنس گرایی شاید به این دلیل به عنوان نمونه ای از زندگی سقوط کرده ذکر شده است که مبحث آن تماماً به پیدایش ۱-۳ توجه دارد. انسان بصورت و به شباهت خدا آفریده شد (م. ک. پيدا ۱: ۲۶ - ۲۷؛ ۵: ۱، ۳؛ ۹: ۶). انسان مذکر و مونث آفریده شد (م. ک. پيدا ۱: ۲۷). فرمان خدا آن بود که باور و کثیر شوند (م. ک. پيدا ۱: ۲۸؛ ۹: ۱، ۷). سقوط انسان (م. ک. پيدا ۳) در نقشه و اراده خدا گسیختگی و وقفه ایجاد کرد. همجنس گرایی، واضحاً تمرد است! اما باید متذکر شد آن تنها گناهی نیست که در چارچوب متن یاد شده است (م. ک. آیات ۲۹-۳۰). همه گناهان، نشانگر جدایی انسان از خدا و مکافات است که مستحق آن هستند. همه گناهان، بخصوص شیوه زندگی گناه آلود، برای خدا مکروه و منزجر کننده است.

عنوان خاص: همجنس گرایی

فشارهای بسیار در فرهنگ امروزی موجود است تا همجنس گرایی بعنوان گونه متناسب از شیوه دیگری برای زندگی پذیرفته شود. کتاب مقدس آنرا بعنوان شیوه زندگی مخرب محکوم میسازد - شیوه ای که مغایر با اراده خدا برای مخلوقاتش است.

۱. اینکار بر خلاف حکم پیدایش در باب ۱ برای بارور و کثیر شدن است
۲. اینکار مشخصه طرز پرستش و فرهنگ ادیان باطل است (م. ک. لاو ۱۸: ۲۲؛ ۲۰: ۱۳؛ روم ۱: ۲۶-۲۷؛ و یهودا ۷)

۳. اینکار مستقل بودن از خدا را، همراه با خودمحوری، نمایانگر میسازد (م. ک. ۱ قرن ۶: ۹-۱۰). اما پیش از آنکه از این مبحث بگذرم اجازه بدهید محبت و بخشش خدا را نسبت به همه انسان های نامطیع تأکیداً ذکر کنم. مسیحیان به هیچ وجه حق ندارند با تنفر و تکبر نسبت به این گناه ویژه عمل کنند - مخصوصاً وقتی آشکار است همه ما گناه میکنیم. درین مورد، دعا، توجه و علاقه نشان دادن، بیان شهادت زندگی خود و دلسوزی، نتایج بسیار بیشتری میدهند تا محکوم ساختن با تندی و غضب. اگر ما اجازه بدهیم، کلام خدا و روح او محکوم کردن را خود انجام خواهند داد. تمامی گناهان جنسی - نه تنها این یک - در نظر خدا مکروه و شنیع هستند و به دآوری می انجامند. تمایلات جنسی، هدیه خدا برای بهزیستی و شادمانی انسان ها و جامعه با ثبات است. اما این انگیزه قوی خدادادی اغلب مبدل به زندگی متمرده، خود محور و لذت پرستانه ای می شود که رویه اش چنین است: "برای خود بیشتر میخواهم، و هرچه بادا باد" (م. ک. روم ۸: ۱-۸؛ غلا ۶: ۷-۸).

متن NASB (بروز آمده): ۱: ۲۸ - ۳۲

^{۲۸} و همان گونه که صلاح ندیدند از آن پس خدا را قبول داشته باشند، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه وا گذاشت تا مرتکب اعمال ناشایست شوند. ^{۲۹} ایشان از هر گونه نادرستی، شرارت، طمع و خبثت آکنده اند. مملو از حسد، قتل، جدال، فریب و بد خواهی اند. شایعه ساز، ^{۳۰} تهمت زن، متنفر از خدا، گستاخ، متکبر و خودستایند. برای انجام اعمال شریرانه، راههایی نو ابداع می کنند. نافرمان به والدین، ^{۳۱} بی فهم، غیر قابل اطمینان، بی عاطفه و بی رحمند. ^{۳۲} هر چند از حکم خدا آگاهند که مرتکبان چنین اعمالی سزایشان مرگ است، نه تنها خود همانها را انجام می دهند، بلکه کسانی را نیز که اینها را به عمل میاورند، قویاً تأیید می کنند.

۱: ۲۸-۳۱ این قسمت در یونانی یک جمله است، و توصیفی است از بشریت سرکش، سقوط کرده و خود سر. (م. ک. روم ۱۳: ۱۳؛ ۱ قرن ۵: ۱۱؛ ۶: ۹؛ غلا ۵: ۱۹-۲۱؛ افس ۵: ۵؛ ۱ تیمو ۱: ۱۰؛ مکا ۲۱: ۸).
 گناه بشریت این بود که زیستن را مجزا از خدا انتخاب کردند. جهنم آن زیستن می باشد که دائمی شده است. خود سری، یک تراژدی است! انسان به خدا نیاز دارد؛ بدون خدا او گمراه، نالایق و ناکامیاب است.
 بدترین جنبه ابدیت جهنم، عدم وجود رابطه با خداست!

عنوان خاص: صفات نیک و بد مطابق عهد جدید

فهرست های صفات نیک و بد، هر دو در عهد جدید عمومیت دارند. اینها اغلب نشانگر فهرست های معلمین یهود و همچنین فهرست های فرهنگی یونان باستان (هلنیستی) می باشند. فهرست های عهد جدید از مشخصه های متضاد را می توان درین بخش ها دید:

صفات نیک	صفات بد	
---	روم ۱: ۲۸-۳۲	۱، پولس
روم ۲: ۹-۲۱	روم ۱۳: ۱۳	
---	اقرن ۵: ۹-۱۱	
۱ قرن ۶: ۶-۹	۶: ۱۰	
۲ قرن ۶: ۴-۱۰	۲ قرن ۱۲: ۲۰	
غلا ۵: ۲۲-۲۳	غلا ۵: ۱۹-۲۱	
---	افس ۴: ۲۵-۳۲	
---	۵: ۳-۵	
فیلیپیان ۴: ۸-۹	---	
کولسیان ۳: ۱۲-۱۴	کولسیان ۳: ۵، ۸	
---	۱ تیمو ۱: ۹-۱۰	
---	۶: ۴-۵	
۲ تیمو ۲: ۲۲، ۲۴	۲ تیمو ۲: ۲۲ الف، ۲۳	
تیطس ۱: ۸-۹؛ ۳: ۱-۲	تیطس ۱: ۷، ۳: ۳	
یعقوب ۳: ۱۷-۱۸	یعقوب ۳: ۱۵-۱۶	۲. یعقوب
۱ پطر ۴: ۷-۱۱	۱ پطر ۴: ۳	۳، پطرس
۲ پطر ۱: ۵-۸	۲ پطر ۱: ۹	
---	مکا ۲۱: ۸؛	۴. یوحنا
---	۱۵: ۲۲	

۱: ۲۹ "ذهنی فرومیاه": آنچه به نظر انسان سقوط کرده، آزادی می نماید، پرستش کردن خود است: "همه چیز و هر چیز برای من!" در ۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸ عامل «وجه مجهول» ذکر شده که خداست، اما در رابطه این مضمون با پیدایش ۱-۳، آنچه مشکل را بوجود آورد اینست که انسان «دانستن» و «نفس خود» را انتخاب کرد. خدا اجازه داد خلقت او به عقوبت و سزای گزینه ها و خودسری شان برسند.

□ "آکنده اند": این «کامل وصفی مجهول» است. هر آنچه همیشه در افکار انسان ها باشند آنها را پر میسازند و مشخصه آنها می گردند. معلمین یهود می گویند در قلب هر فرد یک سگ سیاه (*yetzer* پلید) و یک سگ سفید (*yetzer* نیکو) است. آن یکی که بیشتر به او غذا بدهند بزرگتر خواهد شد.

۱: ۲۹-۳۱ اینها نتایج و نشانه‌های زندگی بی‌خدا، و مشخصه‌های افراد و اجتماعاتی است که به انتخاب خود، خدای کتاب مقدس را رد می‌کنند. این یکی از چند فهرست مختلف گناهان بود که پولس ارائه کرد (م. ک. ۱ قرن ۵: ۱۱؛ ۶: ۹؛ ۲ قرن ۱۲: ۲۰؛ غلا ۵: ۱۹-۲۱؛ افس ۴: ۳۱؛ ۵: ۳-۴؛ کولسیان ۳: ۵-۹).

۱: ۳۰ "متکبر": به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: کاربرد پولس از الفاظ مرکب "HUPER"

پولس علاقه خاصی به ساختن کلمات جدید با استفاده از «حرف اضافه» یونانی *huper* داشت که اصولاً به معنای "بالا" یا "مافوق" است. وقتی این کلمه با «حالت ملکی» (مفعول عنه) بکار می‌رود، به معنی "بخاطر چیزی" می‌باشد. همانند *peri*، می‌تواند معنی "درباره ی" یا "در مورد" را نیز داشته باشد (م. ک. ۲ قرن ۸: ۲۳؛ ۲ تسلا ۲: ۱). در کاربرد با «مفعول بی واسطه» معنای آن "بالای"، "فوق" یا "فراتر" از "می باشد" (م. ک. آ. ت. رابرتسون: «دستور زبان عهد جدید یونانی در پرتو پژوهش تاریخی» صفحات ۶۲۵-۶۳۳. زمانیکه پولس میخواست مفهومی را تأکید کند این «حرف اضافه» را در الفاظ مرکب بکار می‌برد. فهرست ذیل، کاربرد خاص پولس از این «حرف اضافه» در الفاظ مرکب است.

الف. *Hapax legomenon* (تنها یکبار در عهد جدید بکار رفته است)

۱. *Huperakmos*، فردی که جوانی و شادابی او سپری شده است، ۱ قرن ۷: ۳۶
۲. *Huperauxanō* به زیادتی افزونی یافتن، ۲ تسلا ۱: ۳
۳. *Huperbainō* از حد تجاوز کردن یا تعدی کردن، ۱ تسلا ۴: ۶
۴. *Huperkeina* فراسو، ۲ قرن ۱۰: ۱۶
۵. *Huperekteina* از حد خود پا فراتر گذاشتن ۲ قرن ۱۰: ۱۴
۶. *Huperentugchanō* شفاعت کردن، روم ۸: ۲۶
۷. *Hupernikaō* پیروزمندی وافر، روم ۸: ۳۷
۸. *Huperpleonazō* در وفور بیکران بودن، ۱ تیمو ۱: ۱۴
۹. *Huperupsoō* به غایت سرافراز کردن، فیلیپیان ۲: ۹
۱۰. *Huperphroneō* افکار بالا و بلند داشتن، روم ۱۲: ۳

ب. کلماتی که تنها در نوشته های پولس بکار رفته اند.

۱. *Huperairomai* خود را بالا بردن، ۲ قرن ۱۲: ۷؛ ۲ تسلا ۲: ۴
۲. *Huperballontōs* بی اندازه، فزونی بیش از حد، ۲ قرن ۱۱: ۲۳؛ (درین آیه تنها «قید» است، لکن در آیات ذیل «فعل» می باشد: ۲ قرن ۳: ۱۰؛ ۹: ۱۴؛ افس ۱: ۱۹؛ ۲: ۷؛ ۳: ۱۹)
۳. *Huperbolē* زیادی فراتر رفتن از هدف، مسلح کردن فوق العاده، روم ۷: ۱۳؛ ۱۳ قرن ۱۲: ۳۱؛ ۲ قرن ۱: ۸؛ ۴: ۷؛ ۱۷؛ ۲۲: ۷؛ غلا ۱: ۱۳
۴. *Huperekperissou* فراتر از هر اندازه، افس ۳: ۲۰؛ ۱ تسلا ۳: ۱۰؛ ۵: ۱۳
۵. *Huperlian* بیشترین درجه یا افضل و مقدم، ۲ قرن ۱۱: ۵؛ ۱۲: ۱۱
۶. *Huperochē* برتری، عالی بودن، ۱ قرن ۲: ۱؛ ۱ تیمو ۲: ۲
۷. *Huperperisseuō* به بیشترین حد وافر ساختن، روم ۵: ۲۰ (وجه متوسط Middle voice) به فراوانی پر شدن، سرشار و لبریز شدن، ۲ قرن ۷: ۴)

ج. واژه های کاربردی پولس که سایر نویسندگان عهد جدید به ندرت بکار برده اند:

۱. *Huperanō* بسیار والاتر، افس ۱: ۲۱؛ ۴: ۱۰؛ و عبر ۹: ۵)

۲. *Huperechō* ممتاز بودن، برتری، روم ۱۳: ۱؛ فیلیپیان ۲: ۳؛ ۳: ۸؛ ۴: ۷؛ ۱ پطرس ۲: ۱۳
۳. *Huperēphanos* خودبین یا متکبر، روم ۱: ۳۰؛ ۲ تیمو ۳: ۲ و لوقا ۱: ۵۱؛ یعقوب ۴: ۶
۱ پطرس ۵: ۵

پولس شخصی بود پر از احساسات تندوشدید؛ اگر اوضاع یا مردم خوب بودند، بسیار خوب بودند، و وقتی بد بودند، بسیار بد بودند. این «حرف اضافه» به او اجازه میداد بتواند والاترین و عمیقترین احساس خود را در مورد گناه و نفس و مسیح و انجیل بیان نماید.

۱: ۳۲ " مرتکبان چنین اعمالی سزایشان مرگ است": این عبارت پرتویی است از شریعت موسی. خلاصه آن در روم ۶: ۱۶، ۲۱، ۲۳ و ۸: ۶، ۱۳ می باشد. مرگ نقطه مقابل اراده خدا و حیات الهی است (م. ک. حز ۱۸: ۳۲؛ ۱ تیمو ۲: ۴؛ ۲ پطرس ۳: ۹).

□ " بلکه کسانی را نیز که اینها را به عمل میاورند، قویاً تأیید می کنند." نگون بختان همدم میطلبند. انسان سقوط کرده، گناه دیگران را بهانه میکند و میگوید "همه اینکار را می کنند." مشخصه فرهنگ ها، گناهان خاص شان است!

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. چرا پولس به کلیسای روم نامه نوشت؟
۲. چرا «رومیان» بیانیه الهیاتی چنین پراهمیتی در مورد مسیحیت بود؟
۳. خود شما طرح کلی ۱: ۱۸-۳: ۲۰ را تشکل دهید.
۴. آیا آنانیکه هرگز «انجیل» را نشنیده اند بخاطر ایمان نیاوردن به مسیح، رد خواهند شد؟
۵. تفاوت بین "مکاشفه طبیعی" و "مکاشفه خاص" را توضیح دهید.
۶. زندگی بشری بدون خدا را توصیف نمایید.
۷. آیا آیات ۲۴-۲۷ مسئله هم جنس گرایی را مورد بحث قرار میدهند؟

رومیان فصل ۲

تقسیمات پاراگراف ها در ترجمه های امروزی				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ⁴
یهودیان از غضب مسنثی هستند	داوری خدا	یهودیان تحت داوری	داوری عادلانه خدا	داوری عادلانه خدا
۱۱ - ۱ : ۲	۱۶ - ۱ : ۲	۱۱ - ۱ : ۲	۱۶ - ۱ : ۲	۱۶ - ۱ : ۲
شریعت آنان را نجات نمی دهد	یهودیان و شریعت (۸ : ۳ - ۱۷ : ۲)	مبنای داوری	یهودیان مقصر به همانند غیر یهودیان	یهودیان و شریعت
۱۶ - ۱۲ : ۲		۱۶ - ۱۲ : ۲		
۲۴ - ۱۷ : ۲	۲۴ - ۱۷ : ۲	۲۴ - ۱۷ : ۲	۲۴ - ۱۷ : ۲	۸ : ۳ - ۱۷ : ۲
ختنه آنها را نجات نخواهد بخشید			بی فایده بودن ختنه	
۲۹ - ۲۵ : ۲	۲۹ - ۲۵ : ۲	۲۹ - ۲۵ : ۲	۲۹ - ۲۵ : ۲	

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما می تابد گام برداریم. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید. سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص نمایید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف بندی از الهام نیست، اما برای درک مقصود نویسنده اصلی کلیدی است، و کار تفسیر درینجاست. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

مفاهیم استنباط شده در متن رومیان ۲: ۱ - ۳: ۲۰

الف. باب های ۲ و ۳ واحد ادبی را تکمیل می کنند که در ۱: ۱۸ آغاز شده بود. موضوعات این بخش:

۱. گمراهی تمام بشر؛
۲. داوری خدا در مورد گناه؛
۳. نیاز انسان به پارسایی خدا از طریق مسیح بوسیله ایمان شخصی و توبه.

ب. در باب ۲، در مورد داوری خدا هفت اصل دیده می شود

۱. آیه ۲، بنا بر واقعیت؛
۲. آیه ۵، تقصیرات انباشته شده؛
۳. آیات ۶ و ۷، مطابق اعمال؛
۴. آیه ۱۱، در مورد هیچکس استثناء قائل نمی شود؛
۵. آیه ۱۳، شیوه زندگی؛
۶. آیه ۱۶، رازهای قلبی انسان ها؛
۷. آیه ۱۷ - ۲۹، هیچگونه گروه های ملیتی برتر نیستند

ج. مفسرین، به این بحث با یکدیگر بسیار می پردازند که روی سخن در باب ۲: ۱-۱۷ با چه کسانی است. بدیهی است که ۲: ۱۲-۲۹ در مورد یهودیان است. آیات ۱-۱۷ کاربرد دوگانه دارند درینکه خطاب به معلمین اخلاق غیر یهودی نظیر «سینکا» می باشند (موازیان اجتماعی)، و نیز به ملت یهود (شریعت موسوی).

د. در ۱: ۱۸-۲۱، پولس تأکیداً اظهار کرد که انسان ها قادرند خدا را از طریق خلقت بشناسند. در ۲: ۱۴-۱۵، پولس همچنین تأکید میکند که همه انسان ها در درون، وجدانی اخلاقی دارند که خدا به آنها بخشیده است. بر پایه این دو گواه، یعنی خلقت و وجدان است که خدا تمامی بشر را محکوم میکند، حتی آنانی که پیام عهد عتیق [عهد قدیم] یا انجیل را نشنیده اند. انسان ها مقصرند زیرا مطابق بهترین الگویی که داشته اند عمل نکرده اند.

مطالعه واژگان و عبارات

متن NASB (بروز آمده): ۲: ۱-۱۱

۱ بنابراین هیچ عذری ندارید - هیچیک از شما که دیگری را محکوم می کنید - زیرا در هر موردی که دیگری را محکوم می کنید، خویشتن را محکوم کرده اید؛ چون شما که داوری می کنید، خود همان را انجام می دهید. ۲ و ما می دانیم که داوری خدا به حق نصیب کسانی می شود که این گونه اعمال را انجام می دهند. ۳ اما تو ای آدمی، آیا گمان میکنی وقتی آنان که اینگونه اعمال را انجام میدهند محکوم میکنی و خودت همان را انجام می دهی، از داوری خدا خواهی رست؟ ۴ یا اینکه کثرت مهربانی، تحمل و شکیبایی او را خوار می شماری و غافلی که مهربانی خدا تو را به توبه رهنمون می شود؟ ۵ اما تو به سبب سرسختی و دل ناتوبه کارت، غضب را نسبت به خود، برای روز غضب و آشکار شدن داوری عادلانه خدا می اندوزی؛ ۶ که " به هر کس مطابق اعمالش سزا خواهد داد: " ۷ به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقایند، حیات جاویدان را؛ ۸ اما به آنانی که خودخواهانه جاه طلب اند و از حقیقت اطاعت

نمی نمایند، لیکن مطیع شرارت اند، خشم و غضب را. ^۹ مصیبت و رنج، نصیب هر روح انسانی خواهد شد که بدی می کند، نخست یهود و همچنین یونانی، ^{۱۰} اما هر که نیکویی کند از جلال و حرمت و آرامش برخوردار خواهد شد، نخست یهود و همچنین یونانی. ^{۱۱} زیرا خدا تبعیض قائل نمی شود.

۱:۲

NASB " بنابراین هیچ عذری ندارید - هیچیک از شما که دیگری را محکوم می کنید"
 NKJV " ای آدمی هیچ عذری نداری، هر که هستی که داوری می کنی"
 NRSV " ای آدمی هیچ عذری نداری، هر که هستی، زمانیکه دیگری را داوری می کنی"
 TEV " ای آدمی بهیچ وجه عذری نداری، هر که هستی. زیرا آنگاه دیگری را داوری می کنی"
 JB " پس فرق نمی کند هر که هستی، اگر محکوم می کنی، خود هیچ عذری نداری"

بطور تحت اللفظی این عبارت میگوید: "هیچ دفاع حقوقی" (م. ک. ۱: ۲۰) در یونانی این عبارت در اول جمله قرار داده شده تا اهمیت آنرا بیشتر نشان دهد. آیات ۱-۱۶ بنظر می رسند هم مربوط به یهودیان شریعت گرایی هستند که خود را پارسا می انگاشتند، و هم یونانیان اخلاق گرا. با داوری کردن دیگران، آنها خود را محکوم می سازند.

۲:۲ "ما میدانیم": این «ضمیر» احتمالاً اشاره ای به دیگر یهودیان بود اگر چه می تواند اشاره به مسیحیان باشد. در آیات ۲-۴ پولس به فن معمول خود که به شکل سؤال و جواب است باز می گردد. این فن "گفتار اعتراض آمیز" نام دارد و در آن ارائه حقیقت توسط کسی انجام می شود که معترض فرضی است. حقوق، ملاکی و معلمین مذهبی یهود نیز، و همچنین فلاسفه یونان (نظیر سقراط و رواقیون) از این فن استفاده می کردند.

عبارت "ما می دانیم که" چندین بار در کتاب رومیان بکار برده شده است (م. ک. ۲: ۲؛ ۳: ۱۹؛ ۷: ۱۴؛ ۸: ۲۲، ۲۸). پولس فرض میگیرد که برخلاف غیر یهودیان باب ۱ که پایبند اخلاقیات نبودند، مخاطبانش تا حدی آگاهی دارند.

□ "داوری خدا": کتاب مقدس این واقعیت را به صراحت می گوید. همه انسان ها برای عطیه زندگی، به خدا جوابگو خواهند بود (م. ک. آیات ۵-۹؛ متی ۲۵: ۳۱-۴۶؛ مکا ۲۰: ۱۱-۱۵). حتی مسیحیان در برابر مسیح خواهند ایستاد (م. ک. ۱۴: ۱۰-۱۲؛ ۲ قرن ۵: ۱۰).

۲:۳ شکل دستوری سؤال «رتوریک» پولس [سؤالی که جوابش بدیهی است]، پاسخ "خیر" را می طلبد.

□ "آیا گمان میکنی": این «فعل» یونانی *logizomai* است. پولس اغلب آنرا بکار می برد (روم ۲: ۳، ۲۶؛ ۳: ۲۸؛ ۴: ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴؛ ۶: ۱۱؛ ۸: ۱۸، ۳۶؛ ۹: ۸؛ ۱۴: ۱۴؛ غلا ۳: ۶ و ده مرتبه در اول و دوم قرنهای و دو مرتبه در فیلیپیان). به یادداشت ها در ۴: ۳ و ۸: ۱۸ رجوع نمایید.

□ "ای آدمی" این نظیر همان اصطلاح در آیه ۱ است. در ۹: ۲۰ به یهودیان اشاره می کند.

۲:۴ این نیز در یونانی بصورت سؤال است.

□ "کثرت مهربانی، تحمل و شکیبایی او" مردم اغلب برداشت غلطی از فیض، رحم و شکیبایی خدا داشته اند و به جای توبه، آنها را فرصتی برای گناه ساخته اند (مقایسه کنید با ۲ پطرس ۳: ۹). پولس اغلب صفات خدا را با عبارت "کثرت..." وصف می نماید (مقایسه کنید با ۹: ۲۳؛ ۱۱: ۳۳؛ کولسیان ۱: ۲۷؛ افسس ۱: ۷، ۱۸؛ ۲: ۴، ۷؛ ۳: ۸، ۱۶؛ فیلیپیان ۴: ۱۹).

□ "تورا به توبه رهنمون می شود" توبه عامل مهم برای آن رابطه با خداست که بر پایه ایمان و معاهده با او میباشد (مقایسه کنید با متی ۳: ۲؛ ۴: ۱۷؛ مرقس ۱: ۱۵؛ ۶: ۱۲؛ لوقا ۱۳: ۳، ۵؛ اعمال ۲: ۳۸؛ ۳: ۱۹، ۲۰؛ ۲۱). کلمه عبری آن به معنی تغییری در رفتار بود، لکن به یونانی معنی آن تغییر فکر بود. توبه آنست که شخص مایل به تبدیل زیستن خودمحورش به زندگی ای باشد که آگاهی ها و رهبری آن از طرف خداست. لازمه آن اینست که شخص از اولویت نفس و اسیر آن بودن سر باز زند. اساساً این یک نگرش جدید، چشم انداز جدید از جهان، و یک ارباب جدید است. اراده خدا برای هر شخص از نسل سقوط کرده ی آدم، که به شباهت خدا ساخته شده اند، اینست که توبه کنند (م. ک. حز ۱۸: ۲۱، ۲۳، ۳۲ و ۲ پطرس ۳: ۹).

بخش های عهد جدید که تفاوت واژه های یونانی برای توبه را به بهترین وجه منعکس می کنند در ۲ قرن ۸-۱۲ هستند: (۱) *lupeō*، "اندوه" یا "غم" در آیات ۸ (دو مرتبه) ۹ (سه مرتبه)، ۱۰ (دو مرتبه)، ۱۱؛ (۲) *metamelomai*، "پشیمانی" یا "ناراحتی پس از انجام امری" در آیات ۸ (دو مرتبه)، ۹؛ و (۳) *metanoia*، "توبه" یا "after mind" در آیات ۹، ۱۰. نقطه مقابل آن، توبه دروغین (*metamelomai*) (م. ک. یهودا، متی ۲۷: ۳ و عیسی، عبر ۱۲: ۱۶-۱۷) در تضاد با توبه حقیقی است (*metanoēō*). توبه حقیقی از لحاظ علم الهی، ارتباط داده شده است با: (۱) موعظه عیسی در باره شرایط «معاهده جدید» (م. ک. متی ۴: ۱۷، مرقس ۱: ۱۵، لوقا ۱۳: ۳، ۵)، (۲) موعظه های شاگردان در کتاب اعمال رسولان (*kerygma*)، م. ک. اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱؛ (۳) هدیه قدرتمند خدا (م. ک. اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸ و ۲ تیمو ۲: ۲۵)؛ و (۴) هلاک شدن (م. ک. ۲ پطرس ۳: ۹). توبه، یک گزینه نیست!

عنوان خاص: توبه

توبه (همراه ایمان) از الزامات معاهده، هم در «معاهده قدیم» (*Nacham*، ۱ پاد ۸: ۴۷؛ *Shuv* ۱ پاد: ۴۸؛ حز ۱۴: ۶؛ ۱۸: ۳۰؛ یوعیل ۲: ۱۲-۱۳؛ زکر ۱: ۳-۴) و هم در «معاهده جدید».

۱. یحیی تعمید دهنده (متی ۳: ۲؛ مرقس ۱: ۴؛ لوقا ۳: ۳، ۸)
۲. عیسی (متی ۴: ۱۷؛ مرقس ۱: ۱۵؛ ۲: ۱۷؛ لوقا ۵: ۳۲؛ ۱۳: ۳، ۵؛ ۱۵: ۷؛ ۱۷: ۳)
۳. پطرس (اعمال ۲: ۳۸؛ ۳: ۱۹؛ ۸: ۲۲؛ ۱۱: ۱۸؛ ۲ پطرس ۳: ۹)
۴. پولس (اعمال ۱۳: ۲۴؛ ۱۷: ۳۰؛ ۲۰: ۲۱؛ ۲۶: ۲۰؛ روم ۲: ۴؛ ۲ قرن ۲: ۹-۱۰)

اما توبه چیست؟ آیا اندوه است؟ آیا باز ایستادن از گناه است؟ بهترین فصل عهد جدید برای درک تفاوت ها در معانی ضمنی این موضوع، در ۲ قرن ۷: ۸-۱۱ می باشد که در آن سه واژه مرتبط، اما متفاوت یونانی بکار رفته اند.

۱. "اندوه" (*lupē*)، م. ک. آیات ۸ [دو مرتبه]، ۹ [سه مرتبه]، ۱۰ [دو مرتبه]، (۱۱). این به معنای حزن یا پریشانی است و از لحاظ علم الهی، معنای ضمنی خنثی ای دارد.
۲. "توبه" (*metanoēō*)، م. ک. آیات ۹، ۱۰. این ترکیبی است از "بعد از" و "تفکر" که به معنای ذهن جدید، طرز تفکر جدید و نگرش جدید به زندگی و خدا است. این توبه واقعی می باشد.

۳. "افسوس" (*metamelomai*، م. ک. با آیات ۸ [دو مرتبه]، ۱۰). این ترکیبی است از "بعد از" و "غم خوردن". این کلمه در مورد یهودا در متی ۲۷: ۳ و عیسی در عبر ۱۲: ۱۶-۱۷ بکار رفته است. معنی ضمنی آن، تأسف خوردن برای عواقب موضوع است، نه برای خود اعمال.

توبه و ایمان، اعمال لازمه در معاهده هستند (م. ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۲: ۳۸، ۴۱؛ ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱). چند متن هستند که تلویحاً میگویند توبه را خدا اعطا میکند (م. ک. اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۱: ۱۸؛ ۲ تیمو ۲: ۲۵). اما بیشتر متون اینرا پاسخ متعهدانه و لازم بشر، در برابر نجات رایگانی که خدا عرضه می کند تلقی میکنند.

برای درک مفهوم کامل توبه، معانی هر دو واژه عبری و یونانی لازم می باشند. واژه عبری، "تغییر اعمال" را طلب می کند در حالیکه واژه یونانی "تغییر افکار" را واجب میدارد. شخص نجات یافته، ذهن و دل جدیدی دریافت می کند. افکارش عوض می شود و زندگیش نیز تغییر پیدا می کند. بجای اینکه بپرسد "این موضوع چه نفعی برای من دارد" حال می پرسد "اراده خدا چیست". توبه یک احساس نیست که رنگ ببازد و نیز بی گناهی مطلق نیست، اما رابطه جدید با «قدوس یکتا» است که ایماندار را به طرز تصاعدی تبدیل به فردی مقدس میسازد.

۲: ۵-۹ این آیات (۱) سرسختی انسان سقوط کرده و (۲) غضب و داوری خدا را توصیف می کنند.

۲: ۵ "سرسختی": قوم اسرائیل به همین صورت در خرو ۳۲: ۹؛ ۳۳: ۳، ۵؛ ۳۴: ۹؛ تثنیه ۹: ۶، ۱۳، ۲۷ توصیف شده است.

□ "قلب": به «عنوان خاص» در ۱: ۲۴ رجوع نمایید.

□ "برای روز غضب": این در عهد عتیق «روز خداوند» نامیده شده است (م. ک. یوئیل، عاموس). این مفهوم «روز داوری» - یا برای ایمانداران، «روز رستخیز» - است. انسان برای عطیه زندگی، به خدا حساب پس خواهد داد (م. ک. متی ۲۵: ۳۱-۴۶؛ مکا ۲۰: ۱۱-۱۵).

توجه داشته باشید خود گناهکاران هستند ("شما" و "شما خودتان") که غضب را انباشته می کنند. خدا صرفاً در زمانی، اجازه می دهد این غضب انباشته شده آشکار گردد و کار خود را به تمام و کمال انجام دهد. غضب، نظیر تمامی کلمات انسانی که برای توصیف خدا بکار می روند، تنها برای تشابه و مقایسه (جنبه انسانی برای خدا قائل شدن) به الوهیت اطلاق شده است! خدا، ابدی و قدوس و روح است. انسان ها فانی، گناهکار و جسمانی هستند. خدا از لحاظ احساسی عصبانی و در حالت غیض نیست. کتاب مقدس او را بعنوان دوستدار گناهکاران و خواهان توبه آنان معرفی میکند، اما او در عین حال مخالفت قطعی با نا فرمانی انسان دارد. خدا شخصیت دارد؛ گناه را نسبت به خود توهین می شمارد و ما شخصاً برای گناهانمان مسئول هستیم. یک نکته دیگر در مورد غضب خدا: در کتاب مقدس؛ غضب خدا هم در طول زمان است (زمان دنیوی، م. ک. ۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸) و هم در آخر زمان (از لحاظ علم آخرت شناسی، م. ک. ۲: ۵-۸). «روز خداوند» (روز داوری) یکی از راه هایی بود که پیامبران عهد عتیق به قوم اسرائیل اخطار می کردند در زمان کنونی توبه کنند تا آنکه آینده شان برکت بیابد، و داوری نشود (م. ک. تثنیه ۲۷-۲۸). پیامبران عهد عتیق اغلب بحرانی از روزگار خود را در نظر می گرفتند و آنرا به عنوان تصویری از آخر زمان آینده ارائه می کردند.

۲: ۶ نقل قول از مزمو ۶۲: ۱۲ است. این یک اصل جهانی است که انسان ها مسئول اعمال خود هستند و به خدا حساب پس خواهند داد (م. ک. ایوب ۳۴: ۱۱؛ امثال ۲۴: ۱۲؛ جامعه ۱۲: ۱۴؛ ارمیاء ۱۷: ۱۰؛ ۳۲: ۱۹؛ متی ۱۶: ۲۷؛ ۲۵: ۳۱-۴۶؛ روم ۲: ۶؛ ۱۴: ۱۲؛ ۱ قرن ۳: ۸؛ غلا ۶: ۷-۱۰؛ ۲ تیمو ۴: ۱۴؛ ۱ پطرا ۱۷؛ مکا ۲: ۲۳؛ ۲۰: ۱۲؛ ۲۲: ۱۲). حتی ایمانداران در مورد زندگی و خدمات خود به مسیح جوابگو خواهند بود (م. ک. ۲ قرن ۵: ۱۰). ایمانداران بوسیله اعمال نجات نمی یابند بلکه نجات یافته اند تا آنکه عمل کنند (م. ک. افس ۲: ۸-۱۰ [بخصوص ۲: ۱۴-۲۶]؛ یعقوب و ۱ یوحنا).

۲: ۷ "به کسانی که" بین افرادی که در آیه ۷ و آیه ۸ ("اما بر آنانی که") توصیف شده اند تضادی وجود دارد.



NASB "به کسانی که با پایداری در انجام اعمال نیکو، در پی جلال و حرمت و بقایند، حیات جاویدان را"
NKJV "حیات جاودانی به کسانی که با ادامه صبورانه کارهای نیک، در پی جلال و عزت و بقا هستند"
NRSV "به کسانی که صبورانه نیکویی می کنند تا جلال و عزت و بقا بیابند، او زندگی جاودان میدهد"
TEV "بعضی اشخاص به نیکوکاری ادامه می دهند، و در پی جلال و عزت و بقایند؛ خدا به آنها زندگی جاودان خواهد بخشید"
JB "برای آنانی که با نیکوکاری همیشگی، در پی جلال و عزت و بقا بودند، زندگی جاودان خواهد بود"

این اشاره به اشخاصی نظیر کرنلیوس بود (م. ک. اعمال ۱۰: ۳۴-۳۵). این مجموعه آیات ممکن است به نظر برسد حاکی از اعمال منتهی به پارسایی است (دستیابی به پارسایی از طریق کوشش انسانی)، اما در آنصورت این بر خلاف مضمون اصلی «کتاب رومیان» می شود. بیاد داشته باشید که یا آیات ۱-۱۶، یا آیات ۱-۱۱ یک پاراگراف هستند. نکته تمامی قسمت از لحاظ علم الهی، اینست که خدا بین افراد تبعیض قائل نمی شود (آیه ۱۱) و اینکه همه گناه کرده اند (آیه ۱۲). اگر انسان ها مطابق نوری که بر زندگیشان تابیده بود رفتار می کردند (منظور «مکاشفه طبیعی» برای غیر یهودیان، و «مکاشفه خاص» برای یهودیان است، م. ک. ۱۰: ۵) آن موقع با خدا رابطه خوب می داشتند. اما خلاصه ی ۳: ۹-۱۸، ۲۳ نشان می دهد که برای کسی هرگز چنین نبوده و کسی هم قادر به آن نیست!

آنچه ایمان آوردن شخص را در آغاز تأیید میکند و معتبر می سازد، زندگی تغییر یافته و خداپسندانه ی او تلقی شده است. زندگی تغییر یافته، دلالت بر ساکن شدن روح خدا دارد (م. ک. آیات ۱۳، ۱۰، متی ۷؛ افس ۲: ۸-۱۰؛ یعقوب ۲: ۱۴-۲۶ و ۱ یوحنا). به عنوان خاص: نیاز به استقامت در ۸: ۲۵ رجوع نمایید.

▣ "حیات جاویدان": این عبارت، مشخصه نوشته های یوحنا می باشد و بندرت در «اناجیل هم نظر» [Synoptic Gospels] بکار می رود. به نظر می رسد پولس این عبارت را از دانیال ۱۲: ۲ (م. ک. تیطس ۱: ۲؛ ۳: ۷) اقتباس کرده باشد، که آن قسمت نشانگر زندگی عصر جدید، زندگی در مشارکت با خدا، و زندگی رستاخیزی است. او این را نخست در غلاطیان ۶: ۸ بکار می برد. این دربخش تعلیمی کتاب رومیان، یک تم معمول است (م. ک. ۲: ۷؛ ۵: ۲۱؛ ۶: ۲۲، ۲۳). همچنین این موضوع در «نامه های شبانان» [Pastoral Epistles] چند بار آمده است (م. ک. ۱ تیمو ۱: ۱۶؛ تیطس ۱: ۲؛ ۳: ۷).

۸ : ۲

"آنانی که خودخواهانه جاه طلبند"	NASB
"آنانی که نفس پرست اند"	NRSV ، NKJV
"مردمان دیگر خودخواه اند"	TEV
"آنانی که از روی حسادت"	NJB

این کلمه در اصل به معنای "کار در برابر اجرت" بوده است (م. ک. کتاب یهودی «توبیت» ۲ : ۱۱).
 «لواو و نیدا»، «لغت نامه یونانی- انگلیسی»، جلد ۲، ص ۱۰۴، دو استفاده از این واژه را فهرست می نمایند.

۱. "جاه طلبی خودخواهانه"، با استفاده از رومیان ۲ : ۸ با این تذکر: "خواهان برتر از دیگران بودن"، که با این متن جور است.
۲. "دشمنی"، با استفاده از فیلیپیان ۱ : ۱۷ با این تذکر که "رقابت" می تواند یکی از ترجمه های احتمالی باشد (همچنین رجوع کنید به ۲ قرننیا ۱۲ : ۲۰؛ غلاطیان ۵ : ۲۰؛ فیلیپیان ۲ : ۳؛ یعقوب ۳ : ۱۴، (۱۶)

□ "و از حقیقت اطاعت نمی نمایند": واژه "حقیقت" (*aletheia*) به معنای عبری آن (*emeth*)، در مورد صداقت و قابل اطمینان بودن استفاده شده بود. درین متن، تأکید آن از لحاظ اخلاقی بود، نه عقلانی. به عنوان خاص: حقیقت در نوشته های پولس، در ۱ : ۱۸ رجوع نمایید.

۲ : ۹ "نصیب هر روح انسانی": پولس واژه یونانی *pas* را که "همه" یا "هر" ترجمه شده بود درین فصل های اولیه کتاب رومیان آنقدر زیاد بکار می برد تا نتایج جهانی "خبر بد" (گمراهی انسان ها و داوری غیر تبعیضانه خدا) و "خبر خوش" را (خدا نجات رایگان و بخشش کامل را در مسیح به همه کسانی که توبه کنند و ایمان آورند عرضه میکند) نشان دهد.

این متن قویاً معنی داوری جهانی و عواقب حاصل از آن را دارد. این حقیقت مستلزم زنده شدن دوباره پارسایان و نیز شریران است (م. ک. دانیال ۱۲ : ۲؛ یوحنا ۵ : ۲۸-۲۹؛ اعمال ۲۴ : ۱۵).
 اگر آیات ۶-۱۱ "chiasms" هستند [آرایه ادبی به معنای: چند جمله مقسوم به دو دسته که مضمون دسته دوم جملات، تصویر معکوس دسته اول هستند]، در نتیجه آیات ۸-۹ آیات کلیدی می باشند که نشانگر داوری یا شرارت پیشگان هستند.

۲ : ۹-۱۰ "نخست یهود" این برای تأکید تکرار شده است. یهودی از لحاظ فرصت در درجه اول بود چون آنها مکاشفه خدا را در دست داشتند (م. ک. ۱ : ۱۶؛ متی ۱۰ : ۶؛ ۱۵ : ۲۴؛ یوحنا ۴ : ۲۲؛ اعمال ۳ : ۲۶؛ ۱۳ : ۴۶)، اما همچنین نخست در داوری (م. ک. ۹-۱۱) زیرا آنها «مکاشفه خدا» را داشتند (م. ک. ۹ : ۴-۵).

۱۱ : ۲

"زیرا خدا تبعیض قائل نمی شود"	NKJV،NASB
"زیرا خدا تبعیض نشان نمی دهد"	NRSV
"زیرا خدا همه را با همان محک داوری می نماید"	TEV
"نزد خدا طرفداری نیست"	NJB

بطور تحت اللفظی این "چهره را رو به بالا کردن" است، که استعاره ای است از نظام قضایی عهد عتیق (م. ک. لاو ۱۹ : ۱۵؛ تث ۱۰ : ۱۷؛ ۲ قرن ۱۹ : ۷؛ اما ۱۰ : ۳۴؛ غلا ۲ : ۶؛ افس ۶ : ۹؛ کولس ۳ : ۲۵؛ ۱

پطر ۱: ۱۷). اگر قاضی می دید برای چه کسی دارد قضاوت میکند، احتمال طرفداری وجود داشت. ازین رو، او نمی بایست چهره فردی را که در برابر او ایستاده بود رو به بالا نماید.

عنوان خاص: نژاد پرستی

I. پیشگفتار

الف. نژاد پرستی در سراسر جهان، سیمای انسان سقوط کرده در جامعه خویش است. نفس و ضمیر انسان است که با حقیر ساختن دیگران میخواد خود را ارتقاء دهد. از بسیاری لحاظ، نژاد پرستی، پدیده ای است امروزی، در حالیکه ملت پرستی (یا قبیله گرایی) نمونه های قدیمی تر آن میباشند.

ب. ملت پرستی در بابل آغاز شد (پیدا ۱۱) و در اصل مرتبط به سه پسر نوح بود، که آنچه به عنوان نژادها نامیده شده اند، از ایشان پدیدار گشته اند (پیدا ۱۰). معهدا از کتاب مقدس مسلماً بر می آید که همه انسان ها از یک مأخذ هستند (م.ک. پیدا ۱-۳؛ اعمال ۱۷: ۲۴-۲۶).

ج. نژاد پرستی صرفاً یکی از انواع تعصب است. برخی دیگر عبارتند از: (۱) خودبینی برپایه تحصیلات، (۲) تکبر بخاطر موقعیت اجتماعی - اقتصادی (۳) قانون گرایی مذهبی همراه با «خود پارسا انگاری» و (۴) وابستگی های سیاسی همراه با تحجر و مطلق اندیشی عقاید خود.

II. مطالب کتاب مقدسی

الف. عهد عتیق

۱. پیدا ۱: ۲۷ - انسان ها، مرد و زن، به صورت و شباهت خدا آفریده شدند، و این امر آنها را منحصر به فرد می سازد. نیز نشانگر شأن و ارزش فردی آنهاست (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶)
۲. پیدا ۱: ۱۱-۲۵ - این بخش عبارت "مطابق جنس خود..." را ده بار درج می نماید. از این مورد برای پشتیبانی از جدا سازی نژادی استفاده کرده اند. اما در متن واضح است که مقصود درینجا حیوانات و گیاهان می باشند نه بشریت.
۳. پیدا ۹: ۱۸-۲۷ - از این بخش برای پشتیبانی از برتری نژادی استفاده شده است. باید تذکر داد که خدا کنعان را ملعون نساخت. نوح، پدر بزرگ کنعان، پس از بیداری از رخوت مستانه خود، او را لعنت نمود. در کتاب مقدس هرگز نوشته نشده است که خدا این قسم / لعنت را مورد تأیید قرار داد. حتی اگر خدا چنین کرده بود، این اثری بر نژاد سیاه پوست ندارد. کنعان پدر جد کسانی بود که در فلسطین اقامت داشتند، و نقوش هنری دیواری در مصر نشان می دهند آنان سیاه پوست نبوده اند.
۴. یوشع ۹: ۲۳ - عده ای از این آیه استفاده کرده اند تا ثابت کنند نژادی، نژاد دیگر را خادم خواهد بود. اما در چارچوب متن، جَبَعُونی ها از همان اصل و نسب یهود هستند.
۵. عزرا ۹-۱۰ و نمیا ۱۳ - اغلب از این بخش ها به معنای نژادی استفاده شده است، اما چارچوب متن نشان میدهد که ازدواج ها بخاطر نژاد مورد محکومیت نبودند (آنان از نسل همان پسر نوح بودند، پیدایش ۱۰)، بلکه بدلائل مذهبی.

ب. عهد جدید

۱. اناجیل

۱, ۱ عیسی چندین بار به تنفر بین یهود و سامریان اشاره نمود، که دال بر بیجا بودن و بیموردی نفرت نژادی است.

(۱) داستان سامری نیکو (لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷)

(۲) زنی در کنار چاه (یوحنا ۴)

(۳) جذامی قدر شناس (لوقا ۱۷: ۷-۱۹)

۱,۲ انجیل برای کل بشر است

(۱) یوحنا ۳: ۱۶

(۲) لوقا ۲۴: ۴۶-۴۷

(۳) عبرانیان ۲: ۹

(۴) مکاشفه ۱۴: ۶

۱,۳ «ملکوت»، در بر گیرنده کل بشر خواهند بود.

(۱) لوقا ۱۳: ۲۹

(۲) مکاشفه ۵

۲. اعمال رسولان

۲,۱ باب ۱۰ اعمال، متن قطعی و نهایی دال بر محبت عالمگیر خدا و پیام همگانی انجیل است.

۲,۲ پطرس را بخاطر کارهایش در اعمال رسولان، باب ۱۱، شدیداً مورد انتقاد قرار دادند و این مسئله تا برگزاری شورای اورشلیم در اعمال باب ۱۵، و نتیجه گیری آنان، حل و فصل نشد. تنش ها در قرن اول بین یهودیان و غیر یهود بسیار شدید بودند.

۳. پولس

۳,۱ در مسیح هیچگونه دیوار جدایی وجود ندارد

(۱) غلاطیان ۳: ۲۶-۲۸

(۲) افسسیان ۲: ۱۱-۲۲

(۳) کولسیان ۳: ۱۱

۳,۲ خدا بین افراد تبعیض قائل نمی شود

(۱) رومیان ۲: ۱۱

(۲) افسسیان ۶: ۹

۴. پطرس و یعقوب

۴,۱ خدا بین افراد تبعیض قائل نمی شود، ۱ پطرس ۱: ۱۷

۴,۲ از آنجا که خدا طرفداری نشان نمی دهد، پس قوم او نیز نباید چنان کاری بکنند،

یعقوب ۲: ۱

۵. یوحنا

۵,۱ یکی از قوی ترین اظهارات در مورد مسئولیت ایمانداران، در ۱ یوحنا ۴: ۲۰ یافت میشود

III. نتیجه

الف. نژاد پرستی، یا در همین خصوص هرگونه تعصب، از طرف فرزندان خدا ناروا و بیجا است. «هنلی بارنت» در مجمعی در گلوریتا، نیو مکزیکو از طرف «کمیسون روش زندگی مسیحی» چنین گفت:

"نژاد پرستی تمرد است چون بر خلاف کتاب مقدس و مسیحیت می باشد، و پر واضح است که بر خلاف دانش نیز هست."

ب. این مشکل به مسیحیان فرصت می دهد تا محبت، بخشش و تفاهم مسیحایی خود را به جهان گمراه نشان دهند. اگر فرد مسیحی ازینکار امتناع کند، عدم بلوغ فکری خود را می رساند و به شریر فرصت میدهد تا ایمان، اطمینان، و رشد او را کند و معوق سازد. این امر نیز از روی آوردن مردمان گمراه بسوی مسیح جلوگیری می کند.

ج. من چه نقشی می توانم داشته باشم؟ (این بخش، از یک جزوه «کمسیون روش زندگی "در سطح شخصی"

* مسئولیت خود را برای حل مسائلی که مربوط به نژادها هستند بپذیرید.

* از طریق دعا، مطالعه کتاب مقدس، و مشارکت با دیگر نژادها، کوشش کنید تعصب نژادی را از زندگی خود بزدايید.

* اعتقادات راسخ خود را در باره ی نژادها بیان کنید، خصوصاً بهنگامی که بعضی تنفر نژادی را در دیگران تحریک کنند و کسی اعتراضی نکند.
"در زندگی خانوادگی"

* بپذیرید که خانواده چه تأثیر پراهمیتی در پرورش نگرش نسبت به نژاد های دیگر دارد.

* سعی کنید با مطرح کردن آنچه کودکان و والدین در باره مسائل نژادی در خارج از منزل می شنوند، نگرش های مسیحی در آنها پرورش دهید.

* والدین باید در طرز رفتار و روابط خود با نژاد های دیگر، مراقب باشند نمونه مسیحی برای دیگران ایجاد کنند.

* بدنبال فرصت هایی باشید تا دوستی های خانوادگی با اشخاصی که از نژاد های دیگر هستند ایجاد کنید.
"در کلیسای خود"

* بوسیله موعظه و تعلیم حقایق کتاب مقدس در باره نژادها، می توان اعضای کلیسا را تشویق نمود تا برای تمامی جامعه نمونه باشند.

* اطمینان حاصل کنید که برای پرستش، مشارکت، و خدمت درهای کلیسا بروی همه باز باشد، همانطور که در کلیساهای عهد جدید هیچگونه موانع نژادی قائل نمی شدند. (افس ۲: ۱۱-۲۲؛ غلا ۳: ۲۶-۲۹)
"در زندگی روزانه"

* برای غلبه بر همه نوع فرق گذاری نژادی در عرصه جهانی کار، یاری دهید.

* از طریق سازمانهای متنوع جامعه، برای تأمین حقوق و امکانات برابر اقدام کنید، و بیاد داشته باشید که آنچه باید مورد حمله قرار گیرد مسئله نژادی است، نه مردم. هدف، پیشبرد تفاهم است نه ایجاد کنورت و تلخی.

* اگر بنظر معقول است، هیئت مخصوصی از شهروندان دغدغه دار و آرمان دار تشکیل دهید تا برای آموزش عموم مردم و اقدامات معین در بهبود روابط نژادی، سر صحبت در جامعه باز شود.

- * از قانون گذاری و قانون گذاران در تصویب قوانینی پشتیبانی کنید که عدالت نژادی را ترویج می نمایند، و با آنانی مخالفت کنید که از تعصب، برای نفع سیاسی سوء استفاده میکنند.
- * از مقامات پلیس و مجریان قانون، برای اجرای غیر متعصبانه قوانین، تقدیر نمایید.
- * خشونت را مردود دارید، و در پی ارتقاء احترام نسبت به قوانین بکوشید. بعنوان شهروند مسیحی، هرچه از دستتان بر میآید انجام دهید تا اطمینان حاصل شود ساختارهای قانونی ابزار دست کسانی نگردند که تبعیضات را پیشبرد خواهند داد.
- * در تمامی روابطتان با مردم، نمونه ای باشید از روح و فکر مسیح.

متن NASB (بروز آمده): ۲: ۱۲-۱۶

۱۲ زیرا همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده اند، بدون شریعت نیز هلاک خواهند شد، و همه کسانی که زیر شریعت گناه کرده اند بوسیله شریعت داوری خواهند شد. ۱۳ زیرا شنوندگان شریعت نیستند که در نظر خدا پارسایند، بلکه عمل کنندگان شریعت پارسا شمرده خواهند شد. ۱۴ چون وقتی غیر یهودیان که شریعت ندارند امور شریعت را به صرافت طبع بجا می آورند، اینان هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند. ۱۵ با اینکار نشان میدهند که عمل شریعت بر دلشان نگاشته شده است، چنان که وجدانشان گواهی می دهد و افکارشان بطور متناوب، یا آنان را متهم می کند یا از آنها دفاع می نماید. ۱۶ این در روزی به وقوع خواهد پیوست که خدا بنا بر انجیل من، رازهای انسانها را به توسط عیسی مسیح به محاکمه کشد.

۲: ۱۲ "زیرا همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده اند" خدا همه انسانها را مسئول خواهد دانست، حتی اگر عهد عتیق یا انجیل هرگز بگوششان نرسیده باشد. همه مردم بوسیله خلقت (ر.ک. ۱: ۱۹-۲۰؛ مزمور ۱۹: ۱-۶)، و درک اخلاقی ذاتی (ر.ک. ۲: ۱۴-۱۵) تا حدی در مورد خدا اطلاع دارند. وضعیت اُسف بار اینست که همه، از نوری که آنها را روشن ساخته عمداً سر پیچی کرده اند (ر.ک. ۱: ۲۱-۲۳؛ ۳: ۹، ۱۹، ۲۳؛ ۱۱: ۳۲؛ غلا ۳: ۲۲).

□ "شریعت" «حرف تعریف» با واژه "شریعت" بکار نرفته است. این ساختار دستوری معمولاً کیفیت «اسم» را تأکید می کرد. اما، در کتاب رومیان، پولس از "شریعت" برای اشاره به چند چیز مختلف استفاده می کند (۱) قانون روم؛ (۲) شریعت موسوی؛ یا (۳) ایده و مفهوم آداب و رسوم اجتماعی انسانی بطور عام. متن، و نه «حرف تعریف»، باید نشان دهد کدامیک می باشد. این متن تأکید می کرد که همه انسان ها تا حدی از مکاشفه طبیعی خدا که خود را مکشوف ساخت، قلباً با خبر هستند (م.ک. آیه ۱۵)

۲: ۱۳ " زیرا شنوندگان شریعت نیستند که در نظر خدا پارسایند، " کاربرد ی که معلمین یهود از کلمه "شنوندگان" داشتند، مفهوم تخصیص یافته ی آن بود، یعنی شاگردان تورات در مدارس این معلمین. بیاد داشته باشید که نویسندگان عهد جدید به عبری فکر می کردند و به زبان «کویینه» [Koine] یونانی می نوشتند. بنابراین، تجزیه کلمات باید از «ترجمه هفتاد» شروع گردد، نه از لغت نامه یونانی. واژه "پارسا" یا "پارسا شمرده شده" (*kikē* به همه شکل آن) در الهیات پولس کلمه بسیار مهمی است (ر.ک. ۳: ۴، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰؛ ۴: ۲، ۵؛ ۵: ۱، ۹؛ ۶: ۷؛ ۸: ۳۰، ۳۳). کلمات "پارسا"، "پارسا

کردن" و "پارسا شماری"، "نیک" و "کاملاً نیک ساختن"، همگی از کلمه *dikaios* برگرفته شده اند. به عنوان خاص "نیکی مطلق" در ۱: ۱۷ رجوع نمایید. در عبری کلمه (*tsadag*) در اصل اشاره داشت به یک نی راست و بلند (۱۵ تا ۲۰ فوت) که برای اندازه گیری دیوار و حصار، بعنوان مثال، و بجای شاقول بکار میرفت. این کلمه بعد ها در ارتباط با خدا بعنوان محک داورى و قیاس، تشبیهاً استفاده شد.

در نوشته های پولس، این کلمه دو موضوع را تاکید می نمود. اول، نیکی کامل خود خدا به صورت هدیه رایگان، بوسیله ایمان به مسیح، به بشر گناهکار داده شده است. به این اغلب «نیکی کاملی» می گویند که نسبت داده شده است یا «نیکی کامل» از لحاظ حقوقی است. این کلمه به وضعیت قانونی شخص در برابر خدای نیک کامل اشاره دارد. مضمون معروف پولس در مورد "پارسا شمرده شدن توسط ایمان" ازین بر گرفته شده است. دوم، در مورد عمل خداست برای بازگرداندن انسان گناهکار به شباهت خود خدا (ر.ک. پیدا ۱: ۲۶-۲۷)، یا به عبارت دیگر، ایجاد شباهت به مسیح است. این آیه - مثل متی ۷: ۲۴، لوقا ۸: ۲۱ و ۱۱: ۲۸؛ یوحنا ۱۳: ۱۷؛ یعقوب ۱: ۲۲-۲۳، ۲۵ - ایمانداران را برمی انگیزد تا عمل کنندگان باشند، نه تنها شنوندگان. نیکی کاملی که بحساب شخص گذاشته می شود نتیجه اش باید زندگی کاملاً نیک باشد. خدا گناهکاران را می بخشد و عوض می کند! کار برد پولس هم از لحاظ شرعی و هم اخلاقی بود. معاهده جدید، به انسان ها از لحاظ شرعی اعتبار می بخشد اما شیوه زندگی خدا پسندانه ای را نیز ایجاب می کند. آن رایگان هست، اما بهای سنگین دارد.

▣ "اما کنندگان شریعت" شناختن خدا، شیوه زندگی جدید و مطیعانه را ایجاب می کند (ر.ک. لائو ۱۸: ۵، متی ۷: ۲۴-۲۷؛ لوقا ۸: ۲۱؛ ۱۱: ۲۸؛ یوحنا ۱۳: ۱۷؛ یعقوب ۱: ۲۲-۲۵؛ ۲: ۱۴-۲۸). از بسیاری لحاظ این مفهوم مشابه کلمه عبری *shema* است که معنی آن شنیدن برای به عمل گزاردن بود (ر.ک. تث ۵: ۱؛ ۶: ۴؛ ۹: ۱؛ ۲۰: ۳؛ ۲۷: ۹-۱۰).

۱۴: ۲

NASB "چون وقتی غیر یهودیان که شریعت ندارند امور شریعت را به صرافت طبع بجا می آورند، اینان هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند."

NKJV "چون وقتی غیر یهودیان، که شریعت ندارند، آنچه در شریعت درج شده را به صرافت طبع انجام می دهند، اینان، هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند."

NRSV "هنگامی که غیر یهودیان که فاقد شریعتند، به صرافت طبع آنچه شریعت ایجاب میکند انجام می دهند، اینان، هر چند فاقد شریعتند، لیکن خود برای خویشتن شریعتی هستند."

TEV "غیر یهودیان که فاقد شریعتند، اما هر گاه از روی اراده آزاد خود، آنچه شریعت امر میکند انجام می دهند، خود برای خویشتن شریعتی هستند، اگر چه فاقد شریعتند"

JB "بعنوان مثال، بی دینان که هرگز از شریعت چیزی نشنیده اند، اما بوسیله معقولیت هدایت می شوند تا آنچه شریعت امر میکند انجام دهند، درست است که عملاً «دارای» شریعت نیستند، لیکن می توان گفت آنها خویشتن، «شریعت» هستند"

تمامی فرهنگ ها، یک قانون اخلاقی و یک معیار قانونی اجتماعی در خود دارند. همه آنها بخاطر نوری که یافته اند مسئول می باشند (ر.ک. ۱ قرن ۹: ۲۱). مقصود ازین آیه این معنی ضمنی نبوده است که اگر مطابق فرهنگ خود زندگی کنند خدا آنها را نیک محسوب خواهد کرد، بلکه آنها بخاطر اینکه ذاتاً از خدا با خبرند مسئول شناخته می شوند.

۱۵: ۲ "چنان که وجدانشان گواهی می دهد و افکارشان بطور متناوب، یا آنان را متهم می کند یا از آنها دفاع می نماید." ندای درونی و اخلاقی وجود دارد. اما تنها به کتاب مقدس، که نور روح القدس آنرا روشن

ساخته است، می توان کاملاً اطمینان کرد. وضعیت سقوط کرده ما، بر وجدان های ما اثر گذاشته است. اما، خلقت (۱: ۱۸-۲۰) و این شریعت درونی و اخلاقی (۲: ۱۴-۱۵) تنها آگاهی هایی از خدا هستند که بعضی انسان ها از آن برخوردارند. کلمه ای در عبری وجود نداشت که همپراز کلمه یونانی "وجدان" (*syneidesis*) باشد. موضوع آگاهی اخلاقی و درونی، از درست و غلط را، فلاسفه رواقی اغلب مورد بحث قرار میدادند. پولس از زمان تحصیلات پیشین خود در طرسوس، با فلاسفه یونان بخوبی آشنایی داشت (او در اعمال ۱۷: ۲۸ از Cleanthes نقل قول میکند و نیز در ۱ قرن ۱۵: ۳۳ از Menander، و از Epimenides در تیطس ۱: ۱۲). شهر او، طرسوس، معروف به داشتن مدارس بسیار برجسته در رشته های فلسفه و فصاحت یونانی بود.

۲: ۱۶ "در روزی" رجوع کنید به یادداشت در مورد ۲: ۵.

□ "بنا بر انجیل من" در متن، این اشاره بود به موعظه پولس در مورد مکاشفه عیسی مسیح. «ضمیر» "من" نشانگر درک پولس از خدمت انجیل بود که به او سپرده شده بود (ر.ک. ۱۶: ۲۵؛ ۱ قرن ۱۵: ۱؛ غلا ۱: ۱۱؛ ۱ تیمو ۱: ۱۱؛ ۲ تیمو ۲: ۸). این منحصراً از آن او نبود، اما بعنوان رسول برای غیر یهودیان، مسئولیت بسیار زیادی را برای پیشبرد حقیقت در مورد عیسی در دنیای رومی-هلنیستی، احساس میکرد.

□ "خدا ... رازهای انسانها را ... به محاکمه خواهد کشید". خدا از دل همه کس خبر دارد (ر.ک. ۱ سمو ۲: ۷؛ ۱۶: ۷؛ ۱ پاد ۸: ۳۹؛ ۱ تووا ۲۸: ۹؛ ۲ تووا ۶: ۳۰؛ مزمو ۷: ۹؛ ۴۴: ۲۱؛ ۱۳۹: ۱-۶؛ امثال ۱۵: ۱۱؛ ۲۱: ۲؛ ارم ۱۱: ۲۰؛ ۱۷: ۱۰؛ ۲۰: ۱۲؛ لوقا ۱۵: ۱۶؛ اعما ۱: ۲۴؛ ۱۵: ۸؛ روم ۸: ۲۷؛ مکا ۲: ۲۳). پدر، با وساطت «پسر»، هم محرک و هم عمل را تحت تجدید نظر قضایی قرار خواهد داد (متی ۲۵: ۳۱-۴۶؛ مکا ۲۰: ۱۱-۱۵).

□ "به توسط عیسی مسیح" عیسی نیامد تا بعنوان داور عمل کند (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۷-۲۱). او آمد تا خدای پدر را مکشوف سازد، بجای ما بمیرد، و به ایمانداران الگویی برای پیروی بدهد. هنگامی که مردم عیسی را رد می کنند، خود را داوری می نمایند. اما، عهد جدید همچنین تعلیم می دهد که عیسی در داوری بعنوان نماینده «پدر» عمل خواهد کرد (ر.ک. یوحنا ۵: ۲۲، ۲۷؛ اعمال ۱۰: ۴۲؛ ۱۷: ۳۱؛ ۲ تیمو ۴: ۱). تنش بین عیسی بعنوان «داور» و / یا «نجات دهنده» را می توان در انجیل یوحنا مشاهده کرد (ر.ک. ۳: ۱۷-۲۱ در مقابل ۹: ۳۹).

متن NASB (بروز آمده): ۲: ۱۷-۲۴

۱۷ حال، اگر تو یهودی خوانده می شوی و به شریعت تکیه داری و به خدا می بالی،^{۱۸} و اراده او را می دانی و آنچه مهم و اساسی است را تأیید می کنی، چون از شریعت تعلیم یافته ای،^{۱۹} و اطمینان داری که تو خود راهنمای کوران و نور ظلمت نشینانی،^{۲۰} تو که تصحیح کننده جاهلان و تعلیم دهنده به نابالغان هستی چون در شریعت از تبلور معرفت و حقیقت برخورداری،^{۲۱} پس تو که دیگری را تعلیم می دهی، آیا خود را نمی آموزانی؟ تو که بر ضد دزدی موعظه می کنی، آیا خود دزدی می کنی؟^{۲۲} تو که می گویی نباید زنا کرد، آیا خود، زنا می کنی؟ تو که از بتها نفرت داری، آیا خود، معبدها را غارت می کنی؟^{۲۳} تو که به شریعت می بالی، آیا با زیر پا گذاشتن شریعت، به خدا بی حرمتی می کنی؟^{۲۴} برای آنکه "به سبب شما، غیر یهودیان به نام خدا کفر می گویند." چنانکه نوشته شده است.

۲: ۱۷ "اگر" این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده، برای مقاصد ادبی اش، واقعیت فرض گرفته می شود. این شرط تا آیه ۲۰ ادامه می یابد، اما نتیجه گیری نمی شود. بنابر این TEV، آنها را تأییداتی که عیسی ممکن بود انجام دهد فرض میگیرد، و بدان عنوان ترجمه می کند. یهودیان برای رستگاری، متکی به اصل و نسب خود، سنت ها، و طرز انجام فرایض بودند (ر.ک. متی ۳: ۹؛ یوحنا ۸: ۳۳، ۳۷، ۳۹).

□ "به خدا می بالی" بسیاری از یهودیان، برای آنکه خدا آنها را بپذیرد، متکی به این راه ها بودند: (۱) اصل و نسب نژادی خود و (۲) آنطور که شخصاً شریعت موسوی را انجام می دادند. اما، شریعت گرایی آنها که همراه بود با «خودپارسا بینی»، آنها را از خدا جدا میساخت (ر.ک. متی ۵: ۲۰؛ غلا ۳). چه وضعیت وارونه تأسف باری!

عنوان خاص: به خود بالیدن

این کلمات یونانی *kauchaōmai*، *kauchēma*، و *kauchēsis* حدود سی و پنج بار توسط پولس و تنها دو بار در بقیه عهد جدید بکار برده شده اند (آن دو در یعقوب میباشند). کاربرد اصلی آن در ۱ و ۲ قرن است.

در ارتباط با فخر کردن دو واقعیت وجود دارد.

- * هیچ انسانی در برابر خدا فخر نخواهد کرد/بخود نخواهد بالید (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۲۹؛ افس ۲: ۹)
- * ایمانداران در خداوند فخر خواهند کرد (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۳۱؛ ۲ قرن ۱۰: ۱۷، که اشاره به ارمیاء ۹: ۲۳-۲۴ است). بنابر این، فخر کردن/ بالیدن درست و نیز نامتناسب وجود دارد (یعنی غرور).

۱. متناسب

- ۱,۱ در امید جلال (ر.ک. روم ۴: ۲)
- ۱,۲ در خدا توسط عیسی خداوند (ر.ک. روم ۵: ۱۱)
- ۱,۳ در صلیب عیسی مسیح خداوند (به عبارت دیگر مضمون اصلی پولس، ر.ک. ۱ قرن ۱: ۱۷-۱۸؛ غلا ۶: ۱۴)
- ۱,۴ پولس به این موارد فخر میکند
 - (۱) خدمت بی مزد خود (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۹، ۱۵، ۱۶؛ ۲ قرن ۱۰: ۱۲)
 - (۲) اختیار او از طرف مسیح (ر.ک. ۲ قرن ۱۰: ۸، ۱۲)
 - (۳) فخر نکردن او به آنچه دیگران کرده اند (که بعضی در قرن ۲ می کردند، ر.ک. ۲ قرن ۱۵: ۱۰)
 - (۴) میراث او از لحاظ اصل و نسب (آنطور که دیگران در قرن ۲ نیز می کردند، ر.ک. ۲ قرن ۱۱: ۱۷؛ ۱۲: ۱، ۵، ۶)
 - (۵) کلیسا های او
 - (۵,۱) قرن ۲ (۷: ۴، ۱۴؛ ۸: ۲۴؛ ۹: ۲؛ ۱۱: ۱۰)
 - (۵,۲) تسالونیکیه (ر.ک. ۲ تسالونیکیه ۱: ۴)
 - (۶) اعتماد او به تسلی و نجات خداوند (ر.ک. ۲ قرن ۱: ۱۲)

۲. نامتناسب

- ۲,۱ در ارتباط با اصل و نسب یهودی
- ۲,۲ بعضی در کلیسای قرن ۲ فخر میکردند به
 - (۱) انسان (ر.ک. ۱ قرن ۳: ۲۱)

(۲) حکمت (ر.ک. ۱ قرن ۴: ۷)
 (۳) آزادی (ر.ک. ۱ قرن ۵: ۶)
 ۲,۳ معلمین کاذب سعی می کردند به کلیسای قرنتس فخر کنند (ر.ک. ۲ قرن ۱۱: ۱۲)

۲: ۱۸ "تأیید" به عنوان خاص در مورد آزمودن در ذیل مراجعه نمایید

عنوان خاص: واژه های یونانی برای "آزمودن" و مفاهیم ضمنی آنها

دو کلمه یونانی هستند که مفهوم «آزمودن کسی برای هدفی» را دارند.

۱. *dokimasia* ، *dokimion* ، *Dokimazō*

این کلمه در فلز کاری برای آزمایش واقعی بودن چیزی (بطور استعاره: کسی) بوسیله آتش استفاده می شود. آتش با سوزانیدن و جدا کردن مواد غیر (خالص کردن)، فلز واقعی را نمایانگر می سازد. این فرایند فیزیکی اصطلاح بسیار قوی شد که در مورد خدا و/یا اشخاص، در زمان آزمودن دیگران بکار میرفت. این کلمه تنها با مفهوم مثبت «آزمودن به منظور پذیرفتن» می باشد.

۱,۱ گاوان، لوقا ۱۴: ۱۹

۱,۲ خود ما (۱ قرن ۱۱: ۲۸)

۱,۳ ایمان ما، یعقوب ۱: ۳

۱,۴ حتی خدا، عبرانیان ۳: ۹

نتیجه این آزمون ها مثبت فرض گرفته شده اند (ر.ک. روم ۱: ۲۸؛ ۱۴: ۲۲؛ ۱۶: ۱۰؛ ۲ قرن ۱۰: ۱۸؛ ۱۳: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۲۷؛ ۱ پتر ۱: ۷). بنابراین، واژه مفهوم کسی را می رساند که دارد امتحان می شود و به اثبات می رسد که او

۱,۱ ارزنده است

۱,۲ نیکو است

۱,۳ خالص و بی ریا است

۱,۴ پر بهاست

۱,۵ مورد احترام است

۲. *peirasmos* ، *Peirazō*

معنی ضمنی این واژه آزمودن به مقصود عیب جویی و مردود کردن است. آن اغلب در ارتباط با وسوسه عیسی در بیابان استفاده می شود.

۲,۱ سعی برای بدام انداختن عیسی را می رساند (ر.ک. متی ۴: ۱؛ ۱۶: ۱؛ ۱۹: ۳؛ ۲۲: ۱۸، ۳۵؛ مرقس ۱: ۱۳؛ لوقا ۴: ۲؛ ۱۰: ۲۵؛ عبر ۲: ۱۸).

۲,۲ واژه (*peirazō*) به صورت عنوان شیطان در متی ۴: ۳؛ ۱: ۳؛ ۵: ۳ بکار رفته است.

۲,۳ این واژه را (شکل مرکب آن، *peirazō*) عیسی، برای آنکه خدا را امتحان نکنند، بکار میبرد (ر.ک. متی ۴: ۷؛ لوقا ۴: ۱۲؛ نیز به ۱ قرن ۱۰: ۹ مراجعه کنید)

۲,۴ در ارتباط با وسوسه و سختی های ایمانداران بکار رفته است (ر.ک. ۱ قرن ۷: ۵؛ ۱۰: ۹،

۱۳؛ غلا ۶: ۱؛ ۱: ۱؛ ۳: ۵؛ عبر ۲: ۱۸؛ یعقو ۱: ۲، ۱۳، ۱۴؛ ۱ پتر ۴: ۱۲؛ ۲ پتر ۲: ۹).

□ **"شریعت"** آیات ۱۷ به بعد در مورد یهودیان است، پس، واژه "شریعت" درین متن، باید رجوع به شریعت موسی باشد. این موضوع بوسیله آیه ۲۵ که در مورد ختنه است تصدیق می شود.

۲: ۱۸-۲۰ رهبران یهود معتقد بودن طریق آنها (مسلک آنها در یهودیت) طریق صحیح بود و تنها راه بسوی خدا بود. آنها مطمئن بودند که خود معلمین واقعی و درست در امور مذهبی هستند. مزیت و مقام، مسئولیت به همراه دارد (ر.ک. لوقا ۱۲: ۴۸).

به عباراتی که همسان هستند - در مورد اطمینان آنها - توجه کنید:

۱. راهنمای کوران، آیه ۱۹
۲. نور ظلمت نشینانی، آیه ۱۹
۳. تصحیح کننده جاهلان، آیه ۲۰
۴. تعلیم دهنده به نابالغان، آیه ۲۰
۵. در شریعت از تبلور معرفت و حقیقت برخوردار، آیه ۲۰

۲: ۲۱-۲۴ اگر اعتماد شخص به اطاعت شخصی باشد، بدین سان آن اطاعت باید کامل باشد (ر.ک. متی ۵: ۲۰، ۲۸؛ غلا ۳: ۱۰ که نقل قولی است از تثنیه ۲۷: ۲۶ و یعقوب ۲: ۱۰). چنین چیزی برای انسان سقوط کرده غیر ممکن است. پولس در آیات ۲۱-۲۳ برای خوانندگان/ شنوندگان یهودی اش سئوالات فصیحانه [سئوالات که جوابشان مسلم و امر بدیهی است] مطرح میکند.

۲: ۲۲ پی بردن به مقصود پولس در آیات ۲۲-۲۳ مشکل است. از آنجا که این توصیف با اکثر یهودیان زمان پولس مطابقت ندارد، ممکن است منظور ازین گناهان در یک معنای روحانی است، مشابه به روشی که عیسی، شریعت را در متی ۵: ۲۰-۴۸ تفسیر نمود. جرج لند، در «الهیات عهد جدید» می گوید: "احتمالاً منظور پولس اینست که آنها، بدینوسیله که خود را در جایگاه بلند داور و ارباب نسبت به هموعان خود قرار داده اند، آن احترامی را که شایسته خداست ازو سلب نموده اند - که زنای روحانی می باشد - و آن پرستشی را که تنها به خدا روا است بی حرمت کرده اند." صفحه ۵۰۵.

۲: ۲۲ "از بتها نفرت داری" روی گرداندن از چیزی به دلیل بوی تعفن، معنی ریشه این کلمه است.

□ **آیا خود، معبدها را غارت می کنی؟** از لحاظ تاریخی منظور این عبارت مشخص نیست، اما به انحایی مربوط به بت پرستی میشده است.

۲: ۲۴ این نقل قول از اشعیا ۵۲: ۵ در «ترجمه هفتاد» می باشد. منظور از برکت دادن خدا به قوم اسرائیل بخاطر اطاعت از معاهده (ر.ک. تثنیه ۲۷-۲۸)، این بود که گواهی برای دنیا باشد. اما، قوم اسرائیل هرگز از معاهده پیروی نکرد. بنابراین، دنیا صرفاً داوری خدا را مشاهده نمود (ر.ک. حز ۳۶: ۲۲-۳۲). برنامه این بود که قوم اسرائیل، عرصه پادشاهی کاهنان باشد (ر.ک. خروج ۱۹: ۵-۶)، تا آنکه تمامی دنیا را به سوی یهوه بیاورد (ر.ک. پیدای ۱۲: ۳؛ افس ۲: ۱۱ - ۳: ۱۳). به عنوان خاص "پیش داوری های «باب» [نویسنده کتاب] بر پایه تعالیم کلیسای انجیلی" در ۱: ۵ رجوع کنید.

متن NASB (بروز آمده): ۲: ۲۵-۲۹

^{۲۵} زیرا حقیقتاً ختنه آنگاه ارزش دارد که شریعت را به جا آورید؛ اما اگر نامطیع شریعت هستید، ختنه شما نا مختونی شده است. ^{۲۶} بدین سان اگر شخصی که ختنه نشده است، مطالبات شریعت را به جا آورد، آیا نا مختونی او، ختنه به شمار نمی آید؟ ^{۲۷} و آن که در جسم ختنه نشده، اگر شریعت را نگاه دارد، آیا تو را داوری نخواهد کرد، تو را که با وجود برخورداری از شریعت نوشته شده و ختنه، شریعت را زیر پا می گذاری. ^{۲۸} زیرا یهودی آن نیست که به ظاهر یهودی باشد، و ختنه نیز امری جسمانی و ظاهری نیست. ^{۲۹} بلکه یهودی آن است که در باطن یهودی باشد و ختنه امری است قلبی که به دست «روح» انجام می شود، نه به وسیله اجرای تحت اللفظی شریعت. و تحسین او از طرف مردم نیست، بلکه از خداست، ^۲ بسیار از هر لحاظ. نخست آنکه کلام خدا بدیشان به امانت سپرده شد.

۲: ۲۵ "ختنه" پولس هنوز از «گفتار اعتراض آمیز diatribe» استفاده می کند. شخصی ممکن است این ادعا را مطرح کند که، "خوب، حداقل ما ختنه شده هستیم" (ر.ک. ۱۷: ۱۰-۱۱). ما از نسل ابراهیم هستیم. پولس این امید دلبد یهودیان را به صراحت و جسورانه فرو می پاشد (ر.ک. متی ۳: ۷-۱۰؛ یوحنا ۸: ۳۱-۵۹).

تمامی اقوام همسایه قوم اسرائیل، بغیر از فلسطینی ها، ختنه را انجام میدادند. خود این عمل نبود که اهمیت داشت، بلکه ایمان پایدار شخص ختنه شده مهم بود (ر.ک. آیات ۲۶-۲۷). این در مورد تمامی مراسم مذهبی مصداق دارد. مردم مذهبی اغلب خواستار برکات معاهده خدا هستند، اما نمی خواهند مسئولیت هایی [را که معاهده به آنها محول کرده است به عهده بگیرند].

۲: ۲۵-۲۶ "اگر...اگر...اگر" اینها سه «جمله شرطی نوع سوم» هستند که به عمل احتمالی در آینده اشاره دارند. اطاعت (ر.ک. تثنیه ۲۷-۳۰) در استدلال پولس در باب ۲ کلیدی است، اما نه در ۳: ۲۱-۳۱ (ر.ک. غلا ۳).

۲: ۲۶-۲۷ این آیات امیدی را زنده نگاه می دارد که بعضی غیر یهودیان نوری را که بر آنها تابیده است پذیرفته اند. تنها نمونه کتاب مقدسی ممکنه درین مورد، کرنلیوس در اعمال باب ۱۰ است. در عین حال کرنلیوس با این آیه کاملاً مطابقت ندارد زیرا او خدا ترس بود و در کنیسه محلی عبادت می کرد. این آیات، در حقیقت، نقطه مقابل استدلال پولس در باره نیاز یهود به نجات هستند. رومیان ۳: ۲۳ خلاصه این موضوع است که همه انسان ها بدون مسیح هلاکت روحانی نصیبشان می شود. اگر غیر یهودیانی وجود دارند که خلقت، و آگاهی درونی آنها از اخلاقیات، دلهاشان را روشن کرده است و طبق آن زندگی می کنند، خدا بنوعی، از یک راهی و در یک زمانی، فرصتی برایشان ایجاد خواهد کرد تا مسیح را بپذیرند.

۲: ۲۸-۲۹ "زیرا یهودی آن نیست...یهودی آن است" این بحث بسیار مهمی است زیرا بسط جدید الهیات در خصوص «دوران های مختلف کتاب مقدس یا dispensationalism» سعی دارد قوم خدا را در عهد عتیق، از قوم خدا در عهد جدید متمایز ساخته یا محدود به دوره های خاصی نماید. تنها یک معاهده و یک قوم وجود دارد (ر.ک. رومیان ۹: ۶؛ غلا ۳: ۷-۹، ۲۹؛ ۶: ۱۶؛ ۱ پتر ۳: ۶). معاهده جدید، تکمیل و تحقق معاهده قدیم است. قوم خدا همیشه بوسیله ایمان، قوم او بوده اند نه بخاطر اصل و نسب شان. آنها "قومی از روی دل و جان" هستند نه از روی مراسم دینی یا نژادشان. ایمان کلید است، نه والدین. ذهنیت معاهده گرا، نه علامت معاهده، نشانگر موضوع است.

□ "جسم" به عنوان خاص در ۱: ۳ رجوع کنید.

۲: ۲۹ ختنه به عنوان نشانه معاهده، (ر.ک. پیدا ۱۷: ۱۴) استعاره ای در عهد عتیق برای پذیرا بودن شخص نسبت به خدا بود. آن بصورت استعاره صورت های جدید و مختلفی بخود گرفت: (۱) ختنه قلبی (ر.ک. تثنیه ۱۰: ۱۶؛ ار ۴: ۴)؛ (۲) ختنه گوش (ر.ک. ار ۶: ۱۰)؛ و (۳) ختنه لب (ر.ک. خروج ۶: ۱۲، ۳۰). هرگز مقصود از شریعت چنین نبوده که یک قانون مدون خارجی و ظاهری باشد، بلکه تا اصولی باشد که زندگی ها را تحول بخشد. به عنوان خاص «دیدگاه های پولس از شریعت» در ۱۳: ۹ رجوع کنید.

□

"امری است قلبی که به دست «روح» انجام میشود، نه به وسیله اجرای تحت اللفظی شریعت"	NASB
"امری است قلبی، در «روح»، و نه در اجرای تحت اللفظی شریعت"	NKJV
"موضوعی است قلبی - روحانی است نه تحت اللفظی"	NRSV
"که کار روح خداست، نه شریعت نوشته شده"	TEV
"در قلب - چیزی که از [شریعت] تحت اللفظی نیست بلکه از روح است"	JB

این عبارت در یونانی مبهم است. بعضی ترجمه ها آنرا در اشاره به «روحانی» در تضاد با «تحت اللفظی» معنی میکنند (ر.ک. NRSV، «عهد جدید قرن بیستم»، ترجمه ناکس، ترجمه لمسا از پشیتا، ترجمه ویلیامز و «ترجمه جدید برکلی»). ترجمه های دیگر تضاد را بین روح القدس، (ر.ک. ۷: ۶؛ ۲ قرن ۳: ۶، در جاییکه ساختار مشابه ای وجود دارد) و متن نوشته شده می دانند (ر.ک. NASB، NKJV، NEB، NIV، و TEV).

پولس درین قسمت این واقعیت را مورد بحث قرار داده که بعضی غیر یهودیان، خارج از حیطه شریعت، می توانند خدا را با رفتارشان خشنود سازند. اگر چنین باشد، فرزندان خدا محدود به کسانی که صرفاً ختنه جسمانی داشتند، نمی شوند (ر.ک. غلاطیان). خانواده خدا، بعلاوه اشخاص یهودی نژاد، بسیاری دیگر را نیز شامل می گردد (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵)؛ ایوب، ملکصدق، پترون، کالیب، راحاب، و روت از نژاد یهود نبودند. حتی اقوام افراییم و منسه، دو رگه مصری/عبرانی بودند (ر.ک. پیدا ۴۱: ۵۰-۵۲).

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات برای یاری شما در بحث و گفتگو ارائه شده اند تا عمیقاً در مسائل مهم این قسمت کتاب تفکر کنید. مقصود از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قطعی و نهایی.

۱. بی وفایی یهودیان چه اثری بر وعده ی خدا دارد (۳: ۳-۴)
۲. آیا نزد خدا هیچگونه امتیازی برای یهودی بودن وجود دارد (۳: ۱-۸)
۳. «گفتار اعتراض آمیز [diatribe] چیست؟»
۴. مقصود از آنچه «گفتار اعتراض آمیز» انگار شده، در آیات ۵-۸ چیست؟
۵. آیا طرز زندگی شخص واقعاً به حساب می آید، اگر پارسا شمرده شدن، توسط فیض و بوسیله ایمان انجام میگیرد و ربطی به اعمال ندارد (۳: ۸)؟
۶. مفهوم الهیاتی شرارت کامل چیست (۳: ۱۰-۱۸)
۷. مقصود از شریعت موسی، یا قانون بطور عموم چیست (۳: ۲۰؛ غلا ۳: ۲۴-۲۵)؟
۸. چرا در باب های ۱-۳ که در مورد گناهان انسان است، اصلاً ذکری از شیطان نشده است؟
۹. آیا وعده های عهد عتیق شرطی هستند یا بلا شرط؟
۱۰. نقش و کاربرد شریعت موسی در زندگی های (۱) غیر یهودیان و (۲) یهودیان چیست؟
۱۱. به زبان خود طرح کلی از استدلال های پولس در ۱: ۱۸ - ۳: ۲۰ را، پاراگراف به پاراگراف تهیه کنید.

رومیان فصل ۳

تقسیمات پاراگراف‌ها در ترجمه‌های امروزی				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ⁴
وعده خدا آنها را نجات خواهد داد	یهودیان و شریعت (۲: ۱۷ - ۳: ۸)	مزیت یهودیان	دفاع از داوری خدا	یهودیان و شریعت (۲: ۱۷ - ۳: ۸)
۳: ۱-۸	۳: ۴-۱	۳: ۱-۸	۳: ۱-۸	۳: ۱-۸
	۳: ۶-۵			
	۳: ۸-۷			
همه مقصرند	هیچکس کاملاً نیکو نیست	همه مقصرند	همه گناه کرده اند	کسی نیست که کاملاً نیکو باشد
۳: ۱۸-۹	۳: ۱۸-۹	۳: ۱۸-۹	۳: ۲۰-۹	۳: ۲۰-۹
۳: ۲۰-۱۹	۳: ۲۰-۱۹	۳: ۲۰-۱۹		
مکشوف شدن عدالت خدا	خدا چگونه با انسان‌ها مصالحه کرد	نیکی کامل حقیقی	نیکی کامل خدا توسط ایمان	کاملاً نیک شمرده شدن توسط ایمان
۳: ۲۶-۲۱	۳: ۲۶-۲۱	۳: ۲۶-۲۱	۳: ۲۶-۲۱	۳: ۲۶-۲۱
آنچه ایمان میکند		فخر فروختن جایی ندارد	فخر فروختن جایی ندارد	
۳: ۳۱-۲۷	۳: ۳۱-۲۷	۳: ۳۱-۲۷	۳: ۳۱-۲۷	۳: ۳۱-۲۷

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید) پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف‌ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می‌باشید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را منور ساخته است. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع‌ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع‌ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف بندی، وحی نشده است اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، کلیدی است و کار تفسیر درینجاست. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

مفاهیم استنباط شده در متن

- الف. آیات ۱-۸، یک متن مربوط می باشند، اما درک منطق پولس مشکل است زیرا او از روشی فنی به اسم «گفتارِ اعتراض آمیز» (معارضِ فرضی) استفاده می کند.
- ب. بنظر می رسد که پولس عکس العمل یهودیان را به ۲: ۱۷-۲۹ درینجا پیش بینی میکند، و ازین رو به اعتراضات آنها پاسخ می دهد (کُری، وان، «رومیان»، صفحات ۳۷-۳۹).
۱. سؤال اول. آیا حقیقتاً هیچگونه مزیت هایی برای یهودیان وجود ندارد؟ (آیات ۱-۲)
 ۲. سؤال دوم. آیا چون عده ای از یهودیان بی ایمان بودند، کلام خدا بی فایده بوده است؟ (آیات ۳-۴)
 ۳. سؤال سوم. اگر خدا از یهودیان برای نمایان ساختن شخصیت خود استفاده کرده است، آیا یهودیان هنوز از لحاظ قضایی مسئول و موظف می باشند؟ (آیات ۵-۸)
- ج. نتیجه گیری برمی گردد به ۲: ۱۱. خدا استثناء قائل نمی شود. همه مردم بخاطر پیروی نکردن از نوری که بر زندگی آنها تابیده است، جوابگو محسوب می شوند (مقصود از نور، مکاشفه طبیعی و/یا مکاشفه خاص است).
- د. آیات ۹-۱۸ یک سری نقل قول هایی از عهد عتیق است که گناهان یهودیان را مجسم می سازد.
- ه. آیات ۱۹-۲۰ وضعیت روحانی قوم اسرائیل و هدف عهد عتیق را خلاصه می کند (ر.ک. غلا ۳).
- و. آیات ۲۱-۳۱ خلاصه ۱: ۱۸ - ۳: ۲۰ است. آنها اولین نکته الهیاتی انجیل می باشند (به طرح کلی مختصر، صفحه ۲ رجوع نمایید).

مطالعه واژگان و عبارات

متن NASB (بروز آمده): ۳: ۱-۸

۱ پس مزیت یهودی بودن چیست؟ یا ختنه چه ارزشی دارد؟^۲ بسیار از هر لحاظ. نخست آنکه کلام خدا بدیشان به امانت سپرده شد.^۳ پس چه باید گفت؟ اگر بعضی ایمان نداشتند، بی ایمانی آنها وفاداری خدا را باطل نخواهد ساخت - آیا خواهد ساخت؟^۴ هرگز چنین مباد! بلکه باشد که خدا راستگو یافت شود، حتی اگر همه انسانها دروغگو یافت شوند، چنانکه نوشته شده است: "تا حقانیت «تو» در سخنان «تو» ثابت شود، و غالب آیی بهنگامی که «تو» داوری می شوی."^۵ اما اگر نادرستی ما نیکی مطلق خدا را نشان می دهد، چه باید بگوییم؟ خدایی که غضب را اعمال میکند، نادرست نیست - آیا هست؟ (به شیوه آدمیان سخن می گویم)^۶ هرگز چنین مباد! وگرنه چگونه خدا دنیا را داوری خواهد کرد؟^۷ اما اگر بوسیله دروغ من، راستی خدا وفور یافته، اورا جلال دهد، چرا من نیز هنوز به عنوان یک گناهکار داوری می شوم؟^۸ و چرا نگوییم: "بباید بدی کنیم تا از آن خوبی به بار آید!" - (آنطور که بما افترا زده، گفته اند و همانطور که بعضی ادعا کرده اند که ما میگوییم). محکومیت یافتن اینان منصفانه است.

۳: ۱ "مزیت یهودی بودن چیست؟" پولس درینجا نیز از روش فنی «گفتارِ اعتراض آمیز» یا «معارضِ فرضی» استفاده میکند تا پیام خود را بازگو نماید. برای فهرستی از امتیازات یهودیان به ۳: ۲ و ۹: ۴-۵ رجوع نمایید.

۳: ۲ "نخست" پولس "نخست" را در ۱: ۸ بکار می برد، اما بدون آنکه مورد دومی ذکر شود. اینکار را اینجا نیز میکند. نوشته های پولس آنقدر عمیق و پر احساس و نیز دیکته شده بودند که ساختار های دستوری او اغلب ناکامل اند.

□ "کلام خدا بدیشان به امانت سپرده شد" در دست داشتن مکاشفه خدا، مسئولیتی پُر هیبت و همچنین امتیاز عظیمی است (ر.ک. ۹: ۴-۵) آنان ناظرین و مسئولین عطیه خدا بودند (ماضی مطلق مجهول، ر.ک. ۱: ۲: ۴).

کلمه *logion* (وحی ها) در «ترجمه هفتاد» برای «بررسی واژه گان» که از خداست بکار رفته است (ر.ک. اعداد ۲۴: ۴، ۱۶؛ تث ۳۳: ۹؛ مزمور ۱۱۹: ۶۷؛ اشعیا ۵: ۲۴؛ ۲۸: ۱۳). این کلمه با همین مفهوم سازگار و پیوسته، در عهد جدید بکار گرفته شده است (ر.ک. اعا ۷: ۳۸؛ عبر ۵: ۱۲؛ ۱ پتر ۴: ۱۱).

۳: ۳ "اگر": این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده، یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته میشود. آیات ۵ و ۷ نیز «جملات شرطی نوع اول» هستند.



NKJV، NASB "بعضی ایمان نداشتند"

JB، NRSV "بعضی بی وفا بودند"

TEV "گیریم که بعضی از آنها بی وفا بوده اند"

این می تواند اشاره ای به (۱) بی وفایی یا (۲) عدم ایمان شخصی یهودیان به یهوه باشد. درک عقلانی وعده های بلاشرط خدا (به عبارت دیگر باز خرید بشریت سقوط کرده)، و حکم شرطی که [لازم میسازد] انسان ها آنرا قبول یا رد کنند، کار مشکلی است. با این وجود، این یک پارادوکس کتاب مقدسی است [دو اظهار که در ظاهر متناقض اما در واقع همخوان و یکسان هستند] (ر.ک. ۳: ۴-۵). خدا وفادار است با اینکه قوم او چنین نیستند (ر.ک. هوشع ۱، ۳).

□ "لغو کردن" به «عنوان خاص» ذیل رجوع کنید.

عنوان خاص: لغو و باطل کردن (KATARGEŌ)

این واژه (*katargeō*) یکی از کلمات مورد علاقه پولس بود. او حداقل بیست و پنج بار از آن استفاده کرده است، اما این واژه از لحاظ علم معنی شناسی، عرصه بسیار گسترده ای دارد.

الف. ریشه آن از لحاظ علم اشتقاق کلمات، از *argos* است که معانی ذیل را داشت:

۱. نا فعال

۲. از کار ایستاده

۳. استفاده نشده

۴. بی فایده

۵. آنچه در حال کارکردن نیست

ب. واژه ترکیبی با *kata* برای بیان مفاهیم ذیل بکار میرفت:

۱. عدم فعالیت

۲. بی فایده

۳. آنچه باطل شده است
۴. آنچه حذف و از معادله بیرون شده
۵. آنچه کاملاً از کار باز ایستاده شده است
- ج. این واژه یکبار در لوقا برای توصیف درختی بی ثمر، و در نتیجه بی فایده، استفاده شده است (ر.ک. لوقا ۱۳: ۷)
- د. پولس از آن با مفهوم تلویحی [در اشاره] بدو طریق اساسی استفاده میکند:
۱. خدا چیزهایی را که بر ضد انسان ها هستند، نا فعال و بی اثر میکند
 - ۱، ۱ طبیعت گناهکار بشر - روم ۶: ۶
 - ۱، ۲ شریعت موسی در ارتباط با وعده "ذریّت [نسل]" از طرف خدا - روم ۴: ۱۴، غلا ۳: ۱۷؛ ۵: ۴، ۱۱؛ افس ۲: ۱۵
 - ۱، ۳ نیروهای روحانی - ۱ قرن ۱۵: ۲۴
 - ۱، ۴ "شخص بی دین" - ۲ تسال ۲: ۸
 - ۱، ۵ مرگ جسمی - ۱ قرن ۱۵: ۲۶؛ ۲ تیمو ۱: ۱۶ (عبر ۲: ۱۴)
 ۲. خدا، نوین را جایگزین آنچه قدیمی است (معاهده، دوران) می سازد
 - ۲، ۱ مواردی که مرتبط به شریعت موسی می شدند - روم ۳: ۳، ۳۱؛ ۴: ۱۴؛ ۲ قرن ۳: ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴
 - ۲، ۲ «قیاس» ازدواج که نسبت به شریعت بکار رفته است - روم ۷: ۲، ۶
 - ۲، ۳ امور این دوره - ۱ قرن ۱۳: ۸، ۱۰، ۱۱
 - ۲، ۴ این بدن - ۱ قرن ۶: ۱۳
 - ۲، ۵ رهبران این دوره - ۱ قرن ۱: ۲۸؛ ۲: ۶
- این واژه بصورت های بسیار متفاوتی ترجمه شده اما معنی عمده اش این است که چیزی را به صورت بی فایده، باطل و بی اثر، از کار ایستاده و بی نفوذ در آورند، اما لزوماً معنی «آنچه وجود ندارد، یا از بین رفته، یا نابود شده» را ندارد.

۴: ۳

NASB "هرگز چنین مباد!"

TEV, NKJV "به هیچ روی!"

NRSV "به هیچ وجه!"

JB "چنین چیزی بی معنی است!"

این استفاده نادری است از «وجه تمنّایی»، که آرزو یا دعایی را بیان می کند و باید ترجمه شود "هرگز چنین مباد". پولس اغلب ازین عبارت حاوی ناباوری همراه با تعجب زدگی، استفاده می کرد چون او روش ادبی فنی «گفتار اعتراض آمیز» را بکار می گرفت (ر.ک. ۳: ۴، ۳۱، ۶: ۶، ۲: ۱۵؛ ۷: ۱۳، ۷: ۹؛ ۱۴: ۱۱؛ ۱ قرن ۶: ۱۵، غلا ۲: ۱۷؛ ۳: ۲۱؛ ۶: ۱۴). پولس برای رد ادعایی فرضی با تأکید، ازین روش استفاده میکرد.

شیوه های ادبی را ملاحظه کنید که پولس سئوالات و اظهارات «معترض فرضی» را با آنها رد میکند.

۱. "هرگز چنین مباد" آیات ۴، ۶

۲. "باشد که خدا راستگو یافت شود، حتی اگر همه انسانها دروغگو یافت شوند"، آیه ۴

۳. "(به شیوه آدمیان سخن می گویم)"، آیه ۵

۴. " (آنطور که بما افترا زده، گفته اند و همانطور که بعضی ادعا کرده اند که ما میگوییم) "، آیه ۸

□ "باشد که خدا راستگو یافت شود، حتی اگر همه انسانها دروغگو یافت شوند" این «حال انعکاسی [عملی که به خود فاعل بر میگردد] امری» است. تمرکز این ساختار بر وضعیتِ ادامه‌دارِ فاعل بود؛ خدا وفادار و حقیقت‌گو است، و انسان‌ها بی‌وفا و دروغگو هستند! این اشاره است به مزمو ۱۱۶: ۱۱ و مشابه آن چیزی است که ایوب در ۳۲: ۲؛ ۴۰: ۸ باید می‌آموخت. درین فصل به جنبه‌ی عالمگیر گناه کار بودن توجه داشته باشید، که پولس با استفاده از *pas* (همه، هر) در آیات ۴، ۹، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۳، و ۲۴ آن را نشان می‌دهد، اما خدا را شکر، نیز به دعوت عالمگیر نجات برای همگان توجه نمایید (ر.ک. ۳: ۲۲).

□ "چنانکه نوشته شده است" معنی آن بطور تحت‌اللفظی این است: "نوشته شده است و نگاشتن آن هنوز ادامه دارد". این "کامل مجهول اخباری" بصورت یک اصطلاح فنی درآمد در بیان اینکه کتاب مقدس از وحی خداست (ر.ک. متی ۵: ۱۷-۱۹). این نقلِ قولی از مزمو ۵۱: ۴ در «ترجمه هفتاد» (LXX) است.

۳: ۵-۶ استدلالی که پولس درین آیات میکند، مربوط به گزینه‌ی خاص قوم اسرائیل توسط خدا بود تا خدا از طریق آنها با جهان ارتباط برقرار کند (ر.ک. پیدا ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶). در عهد عتیق معنی "برگزیدن"، خدمت بود، نه امتیاز خاص. خدا با آنها پیمان بست. او وفادار بود؛ آنها بی‌وفا شدند (ر.ک. نمیا ۹). این امر که خدا قوم بی‌وفای اسرائیل را داوری کرد، گواه‌نیک‌ی کامل اوست. هدف از قوم اسرائیل این بود که آنها وسیله‌ای برای دسترسی به غیر یهودیان باشند. آنها قصور کردند (ر.ک. ۳: ۲۴)! در هدف خدا برای نجات عموم بشر، (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵) خدشه‌ای بخاطر قصور قوم اسرائیل وارد نشده است. در واقع، وفاداری خدا نسبت به معاهده اصلی خود، در رومیان ۹-۱۱ تصدیق می‌شود. اسرائیل بی‌ایمان، رد شده است اما ایمان داران قوم اسرائیل، نقشه خدا را برای بازخرید، به اوج خواهند رسانید. «بیان اعتراض آمیز» پولس در آیات ۵-۶ مشابه آیات ۷-۸ است.

۳: ۵ "اگر": این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته می‌شود. آیات ۳ و ۷ نیز «جملات شرطی نوع اول» می‌باشند.

□ "اگر نادرستی ما نیک‌ی مطلق خدا را نشان می‌دهد" «ضمیر» "ما" باید با مفهوم جمعی، اشاره به تمامی یهودیان باشد. به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع نمایید.

□ "چه باید بگوییم" پولس از روش «گفتار اعتراض آمیز» استفاده می‌کرد (ر.ک. ۳: ۵؛ ۷: ۷؛ ۷: ۸؛ ۳۱: ۹؛ ۱۴: ۳۹). پولس با استفاده از «معتراض فرضی»، اظهارات خود را تصریح و روشن می‌نمود (ر.ک. ملاکی ۱: ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳؛ ۲: ۱۴، ۱۷ {دو مرتبه}؛ ۳: ۷، ۱۳، ۱۴).

□	
"(به شیوه آدمیان سخن می‌گویم)"	NASB
"(به عنوان شخص سخن می‌گویم)"	NKJV
"(به طریق انسان سخن می‌گویم)"	NRSV
"(درینجا به مانند انسانها سخن می‌گویم)"	TEV
"(- با استفاده از تشبیه انسانی -)"	JB

پولس اغلب در استدلال های الهیاتی خود از منطق انسانی استفاده می کرد (ر.ک. ۶: ۱۹؛ ۱ قرن ۹: ۸؛ غلا ۳: ۱۵). نقش این روش درینجا، وسیله ای برای رد اظهارات «معترض فرضی» است.

۳: ۷-۸ همسانی آشکار بین آیات ۵ و ۷ وجود دارد. پولس (۱) یا هنوز دارد از شیوه ادبی «گفتار اعتراض آمیز» معترض فرضی، استفاده میکند (ر.ک. ۳: ۵، ۷؛ ۷: ۷؛ ۸: ۳۱؛ ۹: ۱۴، ۳۰) یا (۲) در برابر انتقادی که از او بخاطر موعظه هایش در باره «پارسا شدن کامل، تنها بوسیله ایمان» شده است، پاسخ می دهد (ر.ک. آیه ۸).

پولس مفصلاً اتهام را توضیح نمی دهد و جواب نمی گوید اما آن تهمت را قویاً محکوم می سازد. احتمال دارد اعتراض به «پارسا شدن از طریق ایمان برای نالایقان بدون هیچ بهایی»، این بوده که چنین چیزی، به بی قانونی یا حتی سرکشی خیانت آمیز بیشتری خواهد انجامید. پولس باور داشت نتیجه فیض رایگان، «شبیبه به مسیح شدن» است که بوسیله یک روح جدید و زندگی پراز قدردانی انجام میگیرد! یهودیان، اخلاق گراهای یونانی، و پولس، همه خواستار زندگی اخلاقی برای کسانی بودند که به کیش آنان گرویده بودند! لیکن این با رعایت ظاهری مقررات قانون بدست نمی آید، بلکه با قلبی تازه (ر.ک. ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حز ۳۶: ۲۲-۳۶).

۳: ۷ "اگر" این «جمله شرطی نوع اول» است (همچنین آیات ۳ و ۵) که از دیدگاه نویسنده یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت انگار می شود.

□ "وفور یافته" به «عنوان خاص» ۱۵: ۱۳ رجوع نمایید.

□ "او را جلال دهد" یادداشت مربوط به ۳: ۲۳ را ملاحظه نمایید.

متن NASB (بروز آمده): ۳: ۹-۱۸

۹ پس چه؟ آیا ما از آنها بهتر هستیم؟ به هیچ روی؛ زیرا پیشتر ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانی هر دو زیر سلطه گناهند. ۱۰ چنانکه نوشته شده است: "هیچ کس کاملاً نیک نیست، حتی یکنفر؛ ۱۱ کسی نیست که بفهمد، کسی نیست که در جستجوی خدا باشد؛ ۱۲ همه روگردانیده اند، همگی باطل گردیده اند؛ هیچکس نیست که نیکویی را به عمل می آورد، حتی یکی هم نیست." ۱۳ گلوی ایشان گوری گشاده است، با زبانشان پی در پی فریب می دهند، "زهر افعی ها زیر لبهای ایشان است؛" ۱۴ دهانشان پر از دشنام و تلخی است؛ ۱۵ پاهایشان با یکدیگر به ریختن خون شتابان است، ۱۶ ویرانی و تیره بختی در راه های آنان است، ۱۷ و راه صلح را آنان شناخته اند. ۱۸ "هیچ ترسی از «خدا» در مد نظر آنها نیست."

۳: ۹ "آیا ما از آنها بهتر هستیم؟" این قسمت از لحاظ دستوری مبهم است. آشکار است که واقعیت اصلی این بخش، نیاز همگی بشریت به فیض خداست (ر.ک. ۳: ۲۳، ۱۹، ۹؛ ۱۱: ۳۲؛ غلا ۳: ۲۲). اما، روشن نیست که اشاره خاص آیا به یهودیان است (پولس و قوم او، ر.ک. TEV، RSV) یا مسیحیان (پولس و هم ایمانان او، مجزا از فیض خدا). یهودیان تعدادی مزیت ها داشتند (ر.ک. آیات ۱-۲؛ ۹: ۴-۵)، اما این مزیت ها، آنها را حتی بیش از پیش مسئول می سازد! همه انسان ها از لحاظ روحانی گمراه می باشند و به فیض خدا نیاز دارند.

اقلیتی از دانشمندان، واژه "بهتر" را ترجیحاً «وجه مجهول» می‌پندارند تا «وجه متوسط» (به معنی "وضعیت بهتر")، و به این خاطر "برتری داشتن بر" ترجمه شده است. اغلب در مورد کتاب رومیان گفته اند که بی طرفانه ترین نامه پولس نسبت به محل مورد بحث است. اکثر نامه های پولس در مورد نیاز یا بحران محلی و به منظور برطرف ساختن آنها بوده اند (نوشته های رویدادی). لیکن، حسادت بین رهبران یهودی ایماندار و رهبران غیر یهودی ایماندار می تواند در پیش زمینه متن هایی مثل این و باب های ۹-۱۱ باشد.

□ **"تحت تسلط گناه"** پولس به "گناه" شخصیت بخشیده و آنرا بعنوان ارباب ظالمی برای بشر سقوط کرده می‌داند (ر.ک. ۶: ۱۶-۲۳).

۳: ۱۰-۱۸ **"چنانکه نوشته شده است"** این عبارت در آیه ۴ نیز آمده است. اظهارات ذیل یک سری نقل قول از عهد عتیق می‌باشند که با استفاده از استعاره‌ها از جسم انسان، وضعیت سقوط کرده بشریت را تأکید می‌نمایند: (۱) آیات ۱۰-۱۲، جامعه ۷: ۲۰ یا مزمور ۱۴: ۱-۳؛ (۲) آیه ۱۳، مزمور ۵: ۹ یا ۱۴۰: ۳؛ (۳) آیه ۱۴، مزمور ۱۰: ۷؛ (۴) آیات ۱۵-۱۷، اش ۵۹: ۷-۸ و امثلاً ۱: ۱۶، و (۵) آیه ۱۸، مزمور ۳۶: ۱. جای تعجب است که پولس از اش ۵۳: ۶ استفاده نکرد.

متن NASB (بروز آمده): ۳: ۱۹-۲۰
 ۱۹ اکنون می‌دانیم که هرچه شریعت می‌گوید، خطاب به کسانی است که زیر شریعت اند، تا هر دهانی بسته گردد و همه دنیا نسبت به خدا ملزم و مسئول شناخته شود؛ ۲۰ زیرا با اعمال شریعت، هیچ بشری در نظر او پارسا شمرده نخواهد شد؛ زیرا شناخت گناه از طریق شریعت حاصل می‌شود.

۳: ۱۹ **"می‌دانیم"** یادداشت در ۲: ۲ را ملاحظه نمایید

□ **"شریعت" [the Law]** بخاطر بخش هایی که در آیات ۱۰-۱۸ نقل قول شده اند، اشاره درین چارچوب باید به تمامی عهد عتیق باشد. پولس همانطور که به "گناه" شخصیتی نسبت داده بود، در مورد "شریعت" نیز در آیه ۹ چنین می‌کند (ر.ک. ۶: ۱۶-۲۳).

□ **"به کسانی که زیر شریعتند"** اشاره درین جا منحصرأً به یهودیان و غیر یهودیانی است که به مسیحیت گرویده اند. اگرچه باید متذکر شد که تعدادی از نقل قول های عهد عتیق اشاره به غیر یهودیان دارند.

□

NASB **"تا هر دهانی بسته گردد، و همه دنیا نسبت به خدا ملزم و مسئول شناخته شود"**
 NKJV **"تا هر دهانی باز ایستد، و دنیا به تمامی در پیشگاه خدا محکوم شناخته شود"**
 NRSV **"تا هر دهانی خاموش گردانیده شود، و تمامی دنیا نسبت به خدا ملزم و مسئول شناخته شود"**
 TEV **"به مقصود بازداشتن همه عذرها ی انسانی، و تمامی دنیا را تحت داوری خدا آوردن"**
 JB **"اما مقصود از آن اینست تا همگی را خاموش ساخته، تمامی دنیا را در معرض داوری خدا قرار دهد"**

این مضمون اصلی باب های ۱: ۱۸-۳: ۲۰ می‌باشد که در ۳: ۲۳ خلاصه شده است.

□ **"هر دهانی"** چند عبارت در آیات ۱۹-۲۰ هستند که منظور آنها همه بشریت است.

۱. "هر دهانی"، آیه ۱۹

۲. "همه دنیا"، آیه ۱۹
 ۳. "هیچ بشری"، آیه ۲۰

۳: ۲۰ " زیرا با اعمال شریعت، هیچ بشری در نظر او پارسا شمرده نخواهد شد" این اشاره است به مزمور ۱۴۳: ۲، اما با اضافه کردن یک عبارت. این یک جنبه بزرگ انجیل پولس بود (ر.ک. غلا ۲: ۱۶؛ ۳: ۱۱). پولس بعنوان یک «فریسی» سرسپرده، بطرزی منحصر به فرد، میدانست که غیرت مذهبی و انجام دقیق فرایض، نمی توانند آرامش درونی ببخشند.



NRSV, NASB "شناخت گناه از طریق شریعت حاصل می شود"
NKJV "زیرا شناخت گناه بوسیله شریعت است"
TEV "آنچه شریعت انجام می دهد اینست که انسان را آگاه میسازد که گناه کرده است"
JB "تنها کاری که شریعت میکند اینست که به ما بگوید چه چیزی گناه است"

این یکی از مقاصد عهد عتیق بود. «عنوان خاص» در ۱۳: ۹ را ملاحظه کنید. هدف از آن، هرگز رستگار کردن بشر سقوط کرده نبوده است. نقش آن آشکار کردن آلودگی به گناه بود و اینکه باعث شود همه انسان ها به فیض خدا روی آورند (ر.ک. ۴: ۱۵؛ ۵: ۱۳، ۲۰؛ ۷: ۷؛ غلا ۳: ۱۹-۲۲، ۲۳-۲۹).

سوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر، راهنمای مطالعه است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که ما را روشن ساخته است گام برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در کار تفسیر، اولویت دارید. نباید ازین حق خود صرف نظر کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. بی وفایی یهودیان چه اثری بر وعده های خدا دارد؟ (۳: ۳-۴)
۲. آیا در برابر خدا هیچ مزیتی برای یهودی بودن وجود دارد؟ (۳: ۱-۸)
۳. مقصود «اعتراض فرضی» (گفتار اعتراض آمیز) در آیات ۵-۸ چیست؟
۴. اگر پارسا شمرده شدن بوسیله فیض است و از طریق ایمان می باشد و ربطی به اعمال ندارد، پس آیا طرز زندگی شخص واقعاً اهمیتی دارد؟ (ر.ک. ۳: ۸)
۵. نظریه الهیاتی (کالوین) در مورد شرارت کامل را تعریف کنید (ر.ک. ۳: ۱۰-۱۸)
۶. مقصود از شریعت موسی، یا قانون بطور عمده چیست؟ (ر.ک. ۳: ۲۰؛ غلا ۳: ۲۴-۲۵)
۷. در باب های ۱-۳ که مبحث آنها گناهکار بودن بشر است، چرا اصلاً اشاره ای به شیطان نشده است؟

بیش های استنباط شده در متن رومیان ۳: ۲۱-۳۱

الف. رومیان ۳: ۲۱-۳۱

۱. خلاصه حاوی اوج مطلب ۱: ۱۸-۳: ۲۰

۲. تفصیل ۱: ۱۶-۱۷

۳. پیشگفتاری برای فصل های ۴-۸ (بویره ۳: ۲۸)

ب. «اصلاح گران»، مشخصه هایی برای این «خلاصه اوجی» آموزه «پارساشمردن توسط ایمان»، قائل شده بودند:

۱. مارتین لوتر: "نکته اعظم و آن محور اصلی نامه و تمام کتاب مقدس"؛

۲. جان کالوین: "در تمامی کتاب مقدس احتمالاً هیچ بخشی نیست که نیکویی کامل خدا را در مسیح، عمیق تر بیان کرده باشد."

ج. این اصل و ذات الهیات مسیحیت انجیلی [پروتستانت] است. با درک این متن، می توان مسیحیت را درک کرد. این خلاصه انجیل در دو پاراگراف است، همچنانکه یوحنا ۳: ۱۶ ارائه انجیل در یک آیه می باشد. نکات اصلی ارائه پولس از انجیل، درین جا است.

سه سوال کلیدی تفسیری به شرح ذیل می باشند:

۱. واژه "شریعت" چه معنی دارد؟

۲. عبارت "نیکی مطلق" خدا چه معنایی دارد؟

۳. واژه های "ایمان" و "باور" چه معنایی دارند؟

د. من خدا را برای کلمه "همه" در آیه ۲۲ شکر میکنم (ر.ک. ۲۹) و نیز کلمه "هدیه" در آیه ۲۴ (ر.ک. ۵: ۱۵، ۱۷؛ ۶: ۲۳).

مطالعه واژگان و عبارات

متن NASB (بروز آمده): ۳: ۲۱-۲۶

۲۱ اما اکنون جدا از «شریعت»، نیکی مطلق خدا آشکار شده است، چنانکه «شریعت» و «انبیاء» بر آن گواهی می دهند. ۲۲ آن نیکی مطلق خدا از راه ایمان به عیسی مسیح، برای همه کسانی که ایمان آورند. زیرا هیچ تفاوتی نیست. ۲۳ زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاه می آیند. ۲۴ بعنوان هدیه به فیض او پارسا شمرده می شوند، به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است، ۲۵ که خدا او را بعنوان کفاره با خون او، و از راه ایمان، در مقابل چشم همه قرار داد. این برای اثبات عدالت او بود، زیرا در تحمل الهی، او از گناهانی که بیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشید. ۲۶ برای اثبات نیکی مطلق او در زمان حاضر - من میگویم - تا ثابت شود که او عادل است و کسی را که به عیسی ایمان دارد، پارسا می شمارد.

۳: ۲۱ "اما اکنون" پولس دارد تضاد معاهده قدیم با معاهده جدید، و تضاد دوره قدیم سرپیچی را با دوره جدید «نیکی کامل محسوب شدن»، نشان می دهد. پس این قسمت همسان با "در زمان حاضر" خواهد بود (ر.ک. آیه ۲۶؛ "اما اکنون" ۶: ۲۲؛ ۷: ۶).

□ "اکنون جدا از «شریعت» درین باب های سرآغاز، اغلب مشکل است به یقین دانست که آیا پولس دارد به شریعت [قانون] موسی اشاره میکند (NASB) یا به قانون بطور کلی (NIV، NJB، TEV، NRSV).

درین متن «شریعت [قانون] یهود» بیشتر با استدلال پولس هماهنگ است. همه انسان ها از یکایک رهنمودهای اخلاقی و اجتماعی سرپیچی کرده اند، چه رهنمود های درونی، چه بیرونی. اشکال ما انسان های سقوط کرده اینست که اصلاً نمیخواهیم هیچگونه رهنمودهایی داشته باشیم، بجز خواسته های خودخواهانه و خودمحورمان (ر.ک. پیدا ۳).



NASB "آن نیکی مطلق خدا"
NRSV, NKJV "آن نیکی مطلق خدا"
TEV "روش خدا برای ایجاد رابطه درست مردم با خودش"
NJB "عدالت نجات بخش خدا"

«حرف تعریف معین» با "نیکی مطلق" نیامده است. درینجا منظور، شخصیت خدا نیست بلکه روش خدا برای افاضه بخشش و پذیرفتن مردم گناه کار است. همین عبارت عیناً در مضمون الهیاتی روم ۱: ۱۶-۱۷ بکار رفته بود. این فرایند که بروشنی آشکار گردیده است، ایمان به عیسی مسیح صلیب شده است (ر.ک. آیه ۲۲، ۲۴-۲۶).

استفاده پی در پی این واژه (*dikaioōnē*) و مشتقات آن (یادداشت در ۲: ۱۳ را ملاحظه نمایید) درین متن، اهمیت آنرا می رساند (ر.ک. ۱: ۱۷؛ ۳: ۵، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶؛ ۴: ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۳، ۲۲؛ ۵: ۱۷، ۲۱؛ ۶: ۱۳، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰؛ ۸: ۱۰؛ ۹: ۲۸، ۳۰، ۳۱؛ ۱۰: ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۷). این واژه یونانی، از ساختار استعاره ای عهد عتیق (*tsadak*) "محک" یا "نی برای اندازه گیری" می باشد. محک خود خدا است. این واژه، شخصیت خدا را نشان می دهد که به رایگان، از طریق مسیح، به انسان سقوط کرده داده شده است (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۲۱). برای انسان های مغرور و خودمحور، اعتراف به احتیاج خود و پذیرفتن هدیه خدا، بسیار تحقیرآمیز بوده و هنوز هم هست - بخصوص برای افراد قانون گرای مذهبی. به «عنوان خاص» در ۱: ۱۷ رجوع نمایید.

▣ "آشکار شده است" این عبارت بسیار شبیه ۱: ۱۷ است. اما فعل آن متفاوت است. این فعل درین جا می تواند چنین ترجمه شود: "به روشنی آشکار شده است و هنوز هم آشکار می شود". این «گذشته نقلی مجهول اخباری» است، در حالیکه مترادف آن در ۱: ۱۷ «حال مجهول اخباری» است. خدا به روشنی انجیل را هم در عهد عتیق (ر.ک. آیه ۴) و هم در عیسی آشکار ساخته است.

▣ "چنانکه «شریعت» و «انبیاء» بر آن گواهی می دهند" اشاره درینجا به دو بخش از سه بخش کلّ قانون شرع یهود است (شریعت، انبیاء و مکتوبات [تورات، نبییم، کتوبیم]). دو بخش اول در رجوع به تمامی آن بکار میرفتند (یادداشت را در ۳: ۱۹ ملاحظه کنید). این به روشنی نشان می داد که عهد عتیق، انجیل را به شکل مقدماتی آن در بر داشته است (ر.ک. لوقا ۲۴: ۲۷، ۴۴؛ اعمال ۱۰: ۴۳). انجیل موضوعی نبوده که بعدها به ذهن خدا خطور کرده باشد، یا نقشه دوم در صورت شکست نقشه اول، یا برنامه ای عجولانه و لحظه آخر نبوده است (ر.ک. ۱: ۲).

۳: ۲۲ "از راه ایمان به عیسی مسیح" معنی تحت اللفظی این عبارت اینست "از راه ایمان عیسی مسیح". این ساختار، «ملکی» است و در غلا ۲: ۱۶ و فیل ۳: ۹ تکرار شده است. بعلاوه نوع مشابه آن در روم ۳: ۲۶؛ غلا ۲: ۱۶، ۲۰؛ و ۳: ۲۲ آمده است. معنی آن میتواند اینها باشد: (۱) ایمان یا وفاداری عیسی (ملکی فاعلی) یا (۲) عیسی بعنوان آنچه بدان ایمان داریم (ملکی مفعولی). همان ساختار دستوری در غلا ۲: ۱۶، شماره دو را گزینه بهتری می سازد.

این جنبه اصلی پارسا شمردن خدا را نشان می دهد. نیکی کامل مسیح است که بوسیله هدیه رایگان خدا از طریق مسیح، در زندگی شخص عمل میکند (ر.ک. ۴: ۵؛ ۶: ۲۳)، و باید با ایمان/ باور/ توکل پذیرفته شود (ر.ک. افس ۲: ۸-۹) و در زندگی روزمره، اجرا و آنگونه زندگی شود (ر.ک. افس ۲: ۱۰).

□ **"برای همه"** انجیل برای همه انسان ها است (ر.ک. آیه ۲۴؛ اش ۵۳: ۶؛ حز ۱۸: ۲۳؛ یوحنا ۳: ۱۶-۱۷؛ ۴: ۴۲؛ ۱ تیمو ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیطس ۲: ۱۱؛ ۲ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یوحنا ۴: ۱۴). چه حقیقت عظیمی! این باید توازنی باشد برای واقعیت «برگزیدگی» در کتاب مقدس. «برگزیدگی» توسط خدا نباید به مفهوم اسلامی آن، جبر گرایی و تقدیر ادراک شود؛ نیز نباید مانند کالوینیسیم افراطی، آنرا بصورت «ترجیح داده شدن بعضی نسبت به بعضی دیگر» استنباط نمود، بلکه باید به مفهوم سنتی آن تلقی شود. برگزیدگی در عهد عتیق برای خدمت بود، نه برای مزیت! خدا وعده داد که انسان سقوط کرده را باز خرید کند (ر.ک. پیدای ۳: ۱۵) خدا، همگی بشر را بوسیله اسرائیل فرا خواند و برگزید (ر.ک. پیدای ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶) خدا از طریق ایمان به مسیح بر میگزیند و همیشه برای نجات، خود قدم اول را بر میدارد (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). افسسیان ۱ و رومیان ۹ قویترین قسمت های کتاب مقدس در مورد تعلیم «تقدیر ازلی» می باشند که آگوستین و کالوین آنرا از لحاظ الهیاتی تأکید میکردند.

خدا ایمانداران را نه تنها برای نجات انتخاب نمود (پارسا ساختن) بلکه برای تقدیس نیز (ر.ک. افس ۱: ۴؛ کولس ۱: ۱۲). این می تواند مربوط شود به (۱) مقام ما در مسیح (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۲۱) یا (۲) خواسته خدا برای تولید شخصیت خود در فرزندان (ر.ک. روم ۸: ۲۸-۲۹؛ غلا ۴: ۱۹؛ افس ۲: ۱۰). اراده خدا برای فرزندان او، هم آنست که روزی به حضور او بروند، و هم آنکه حال شبیه مسیح شوند!

هدف از «تقدیر ازلی» مقدس بودن است، نه مزیت! فراخوان خدا برای معدودی برگزیدگان از میان بنی آدم نبود، بلکه برای همگان بود! این فراخوانی به شخصیت خود خدا بود (ر.ک. ۱ تسال ۵: ۲۳؛ ۲ تسال ۲: ۱۳). اگر «تقدیر ازلی» بجای یک زندگی مقدس، تبدیل به یک اعتقاد الهیاتی گردد، فاجعه ای خواهد بود که نظام های الهیاتی انسان بیار آورده اند. اغلب چارچوب های الهیاتی ما، متن کتاب مقدس را به طرز نادرست ارائه میکنند!

به عنوان خاص: «برگزیدگی / تقدیر ازلی و نیاز به تعادل الهیاتی» در ۸: ۳۳ رجوع نمایید.

□ **"که ایمان آورند"** عیسی برای همگان مرد. از لحاظ ممکن بودن، همه می توانند نجات بیابند. اینکه آیا بشر شخصاً نجات را بپذیرد (زمان حال وصفی) است که در آن صورت نیکی کامل عیسی در زندگی آنها کاربرد پیدا می کند (ر.ک. ۱: ۱۶؛ یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ ۲۰: ۳۱؛ روم ۱۰: ۹-۱۳؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۳). کتاب مقدس برای نیکی کامل که به شخص دیگری نسبت داده شود، دو محک ارائه می کند: ایمان و توبه (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۳۱ و یادداشت را در ۱: ۵ ملاحظه کنید). این متن بروشنی، پهنه جهانی نجات را آشکار می کند، اما همه نجات نخواهند یافت.

□ **"زیرا هیچ تفاوتی نیست"** تنها یک راه و یک «شخص» است که بشر (یهودیان و غیر یهودیان) بدانوسیله می توانند نجات یابند (ر.ک. یوحنا ۱۰: ۱-۲، ۷؛ ۱۱: ۲۵؛ ۱۴: ۶) هر کس و همه کس بوسیله ایمان به مسیح می تواند نجات یابد (ر.ک. ۱: ۱۶؛ ۴: ۱۱ و ۱۶؛ ۱۰: ۴ و ۱۲؛ غلا ۳: ۲۸؛ کولس ۳: ۱۱).

۳: ۲۳-۲۶: این قسمت در یونانی یک جمله است.

"زیرا همه گناه کرده اند و از ... کوتاه می آیند"

"همه انسان ها گناه کرده اند و از... دورند"

"گناه کرده اند و حق خود را ساقط نموده اند"

این خلاصه ۱: ۱۸-۳: ۲۰ است. همه کس محتاج نجات توسط مسیح است (ر.ک. ۳: ۹، ۱۹؛ ۱۱: ۳۲؛ ۳: ۲۲؛ اش ۵۳: ۶). "گناه کرده اند"، «گذشته مطلق متعدی اخباری» Aorist active indicative است، در حالیکه "هنوز هم پیوسته کوتاه می آیند" «حال انعکاسی [عملی که به خود فاعل مب میگردد] اخباری» است. احتمالاً این عبارت هم به آدم که سقوط او به منزله سقوط جمعی بشر بود (ر.ک. ۵: ۱۲-۲۱) اشاره داشته و هم به سرکشی های فردی و دائمی انسان ها. هیچ کدام از ترجمه های امروزی انگلیسی، مشخص نمی کنند کدامیک از این دو حالت است.
این آیه از لحاظ الهیاتی به آیه ۲۱ مربوط می شود و بطور غیر مستقیم به آیه ۲۴.

□ **"جلال خدا"** در عهد عتیق، متداول ترین کلمه عبری برای "جلال" (*kbd*) در اصل یک کلمه بازرگانی بود (که به یک ترازوی دو کفه رجوع میکرد) به معنی "سنگین بودن". آنچه سنگین بود قیمتی بود و ارزش ذاتی داشت. اغلب مفهوم درخشندگی به این کلمه اضافه می شد تا ابهت و عظمت خدا را توصیف کند (ر.ک. خروج ۱۹: ۱۶-۱۸؛ ۲۴: ۱۷؛ اش ۶۰: ۱-۲). تنها او شایسته و قابل احترام است. نور او آنقدر تابناک است که انسان سقوط کرده نمیتواند بر آن نظاره کند (ر.ک. خروج ۳۳: ۱۷-۲۳؛ اش ۶: ۵) خدا را تنها از طریق مسیح می توان شناخت (ر.ک. ارمیا ۱: ۱۴؛ متی ۱۷: ۲؛ عبر ۱: ۳؛ یعقوب ۲: ۱).
واژه "جلال" تا حدی مبهم است: (۱) می تواند با مفهوم "نیکی مطلق خدا" همسان باشد (آیه ۲۱)؛ (۲) می تواند به تصدیق خدا اشاره داشته باشد (ر.ک. یوحنا ۱۲: ۴۳)؛ (۳) می تواند اشاره باشد به شباهت خدا که انسان مطابق آن آفریده شد (ر.ک. پیدای ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶)، اما بعداً بخاطر نافرمانی انسان، درین شباهت خدشه ایجاد گردید (ر.ک. پیدای ۳: ۱-۲۲)، لیکن بوسیله مسیح به وضعیت اولیه و کامل آن بازگردانیده شد (ر.ک. ۲ قرن ۳: ۱۸). این واژه اولین بار در عهد عتیق در مورد حضور یهوه با قوم او بکار رفت (ر.ک. خروج ۱۶: ۷، ۱۰؛ لاو ۹: ۲۳؛ اعداد ۱۴: ۱۰، که اکنون نیز هدف همان است).

عنوان خاص: جلال

تعریف مفهوم کتاب مقدسی "جلال"، مشکل است. جلال ایمانداران اینست که آنها انجیل را درک کنند و خدا را جلال دهند، نه خودشان را (ر.ک. ۱: ۲۹-۳۱؛ ارمیا ۹: ۲۳-۲۴).
در عهد عتیق رایج ترین کلمه عبری برای "جلال" (*kbd*)، در اصل یک واژه بازرگانی در ارتباط با ترازوی دو کفه بوده ("سنگین بودن"). هر چه سنگین بود قیمتی بود و ارزش ذاتی داشت. اغلب مفهوم درخشندگی به واژه اضافه می گردید تا ابهت و عظمت خدا را برساند (ر.ک. خروج ۱۹: ۱۶-۱۸؛ ۲۴: ۱۷؛ اشعیا ۶۰: ۱-۲). تنها اوست که شایسته و قابل احترام می باشد. او آنقدر تابناک است که انسان سقوط کرده نمی تواند او را نظاره کند (ر.ک. خروج ۳۳: ۱۷-۲۳؛ اشعیا ۶: ۵). یهوه را تنها از طریق مسیح می توان حقیقتاً شناخت (ر.ک. ارمیا ۱: ۱۴؛ متی ۱۷: ۲؛ عبر ۱: ۳؛ یعقوب ۲: ۱).
واژه "جلال" تا اندازه ای مبهم است: (۱) می تواند با "نیکی مطلق خدا" همسان باشد؛ (۲) می تواند به "قدوسیت" یا "کامل بودن" خدا رجوع کند؛ یا (۳) می تواند به شباهت خدا که انسان مطابق آن آفریده شد رجوع کند (ر.ک. پیدای ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶)، اما بعداً بخاطر سرکشی در این شباهت خدشه ایجاد شد

(ر.ک. پیدا ۳: ۱-۲۲). این کلمه برای اولین بار در مورد حضور یهوه با قوم خود در دوره آوارگی آنان در بیابان استفاده شد (خروج ۱۶: ۷، ۱۰؛ لاو ۹: ۲۳؛ و اعداد ۱۴: ۱۰).

۳: ۲۴ "بعنوان هدیه به فیض او پارسا شمرده می شوند" زمان این عبارت «حال وصفی مجهول» است. انجیل ازینجا شروع می شود - فیض خدا که نیکی کامل را عطا می دهد (ر.ک. ۵: ۱۵-۱۷؛ ۶: ۲۳). واژه یونانی "پارسا شمردن" (*dikaioō*) از همان ریشه "نیکی مطلق" است (*dikaiosunē*). خدا همیشه پیشقدم می شود (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵).

در آیات ۲۴-۲۵ سه استعاره برای توصیف نجات بکار رفته اند: (۱) "پارسا شمرده شده" که واژه حقوقی بود به معنی "هیچ مجازاتی داده نشده" یا «اعلام مقصر نبودن شخص» (۲) واژه "فدیه" که از بازار برده فروشی گرفته شده بود و معنی "باز خرید شده" یا "آزاد ساختن" را داشت؛ و (۳) "قربانی برای جلب رضایت" که از رسم قربانی کردن بر گرفته شده بود و به معنی محل پوشش یا «کفاره» بود. این کلمه اشاره داشت به «درصندوقچه پیمان» که خون قربانی در «روز کفاره» بر آن قرار می گرفت (ر.ک. لاو ۱۶؛ عبر ۹: ۵).

عنوان خاص: دلایل و شواهد عهد جدید برای نجات شخص

دلایل برین مبانی می باشند:

۱. شخصیت «پدر» (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶)، کار «پسر» (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۲۱)، و خدمت «روح» (ر.ک. روم ۸: ۱۴-۱۶)، نه بر مبنای اعمال شخص، یا دستمزدی که در ازای اطاعت باید پرداخت گردد، و یا صرفاً یک مسلک
۲. یک هدیه است (ر.ک. روم ۳: ۲۴؛ ۶: ۲۳؛ افس ۲: ۵، ۸-۹)
۳. یک زندگی جدید، و یک چشم انداز جدید از دنیا است (ر.ک. یعقوب و ۱ یوحنا)
۴. آگاهی است (انجیل)، و مشارکت (ایمان به مسیح و با مسیح)، و یک شیوه جدید زندگی (شباهت به مسیح توسط راهنمایی روح) - هر سه اینها است، نه صرفاً یکی ازین ها بخودی خود.

□ "هدیه" پولس با استفاده از واژه های متفاوت، ازین مفهوم چند بار استفاده می کند:

۱. *dōrean*، قید، "به رایگان"
۲. *dōrea*، اسم، "هدیه رایگان"
۳. *dōron*، اسم، "هدیه" (ر.ک. افس ۲: ۸)
۴. *charisma*، اسم، "بدهی رایگان" یا "مرحمت رایگان" (ر.ک. ۱: ۱۱؛ ۵: ۱۵، ۱۶؛ ۶: ۲۳؛ ۱۱: ۲۹؛ ۱۲: ۶)
۵. *charisomai*، فعل، "اهدا بعنوان مرحمت رایگان" (ر.ک. ۸: ۳۲)
۶. *charis*، اسم، "مرحمت رایگان" یا "هدیه رایگان" (ر.ک. ۴: ۴ و ۱۶؛ ۱۱: ۵ و ۶؛ افس ۲: ۵ و ۸)

□ "به واسطه آن بهای رهایی که در مسیح عیسی است" روند نجات ما، مرگ و رستاخیز عیسی به جای ما است. تمرکز کتاب مقدس بر این نیست که چه مقدار پرداخته شد یا به چه کسی بها پرداخت شد (آگوستین)، بلکه بر این واقعیت است که انسان ها توسط یک جانشین بی گناه، از مجرمیت گناه و مجازات آن رهایی یافته اند (ر.ک. یوحنا ۱: ۲۹، ۳۶؛ ۲ قرن ۵: ۲۱؛ ۱ پتر ۱: ۱۹).

این آیه همچنین نشان می دهد که پیدایش ۳: ۱۵ به چه قیمت گزافی تمام شد. عیسی، لعنت را خود متحمل گردید (ر.ک. غلا ۳: ۱۳) و به جای انسان سقوط کرده جان داد (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۲۱). درست است که نجات رایگان است، اما به هیچوجه کم بها نیست.

عنوان خاص: با بها رهایی دادن / فدیة

I. عهد عتیق

الف. اساساً دو واژه حقوقی عبری هستند که این مفهوم را می رسانند.

۱. *Gaal*، که کلاً معنی آن "آزاد ساختن" بوسیله پرداخت بهایی است. یکی از اشکال این واژه، *go'el*، یک واسطه شخصی، که معمولاً یک عضو خانواده است را به این مفهوم اضافه میکند (به عبارت دیگر، «خویشاوند فدیة کننده»). این جنبه فرهنگی «حق بازخرید اشیاء، احشام، ملک (ر.ک. لاو ۲۵، ۲۷)، یا خویشاوندان» (ر.ک. روت ۴: ۱۵؛ اش ۲۹: ۲۲) به رهایی دادن اسرائیل از مصر توسط یهوه، از لحاظ الهیاتی واکذار شده است (ر.ک. خروج ۶: ۶؛ ۱۵: ۱۳؛ مزمور ۷۴: ۲؛ ۷۷: ۱۵؛ ارمیا ۳۱: ۱۱). او "فدیة کننده" می شود (ر.ک. ایوب ۱۹: ۲۵؛ مزمور ۱۹: ۱۴؛ ۷۸: ۳۵؛ امثا ۲۳: ۱؛ اش ۴۱: ۱۴؛ ۴۳: ۱۴؛ ۴۴: ۶؛ ۴۷: ۴؛ ۴۸: ۱۷؛ ۴۹: ۷؛ ۲۶: ۵۴؛ ۵: ۸؛ ۵۹: ۲۰؛ ۶۰: ۱۶؛ ۶۳: ۱۶؛ ارمیا ۵۰: ۳۴).

۲. *Padah*، که معنی اساسی آن "رهانیدن" یا "نجات دادن" است

۲،۱ فدیة نخست زاده، خروج ۱۳: ۱۳، ۱۴ و اعد ۱۸: ۱۵-۱۷

۲،۲ فدیة جسمانی مقابله شده است با فدیة روحانی، مزمور ۴۹: ۷، ۸، ۱۵

۲،۳ یهوه قوم اسرائیل را از گناه و سرپیچی آنها فدیة [بازخرید] می کند، مزمور ۱۳۰: ۷-۸

ب. مفهوم الهیاتی آن، شامل سه مورد مرتبط است

۱. نیازی وجود دارد، نیز اسارتی، از دست دادن حقی، یا زندانی شدنی.

۱،۱ از لحاظ جسمانی

۱،۲ از لحاظ اجتماعی

۱،۳ از لحاظ روحانی (ر.ک. مزمور ۱۳۰: ۸)

۲. برای آزادی، رهایی، تجدید روابط حسنه، باید بهایی پرداخته شود.

۲،۱ برای ملت، قوم اسرائیل (ر.ک. تث ۷: ۸)

۲،۲ برای فرد (ر.ک. ایوب ۱۹: ۲۵-۲۷؛ ۳۳: ۲۸)

۳. کسی باید بعنوان واسطه و حامی عمل کند. در *gaal* چنین شخصی معمولاً یکی از اعضاء

خانواده یا خویشان نزدیک است (به عبارت دیگر، *go'el*)

۴. «یهوه» معمولاً خود را با واژه هایی که قرابت خانوادگی را میرسانند، توصیف می کند.

۴،۱ پدر

۴،۲ شوهر

۴،۳ خویشاوند نزدیک

فدیة توسط اقدام شخصی یهوه، بعنوان نماینده و عامل، تضمین گردید؛ بهایی پرداخت شد و فدیة

عملی گردید!

II. عهد جدید

الف. چندین واژه برای بیان این مفهوم الهیاتی بکار رفته اند.

۱. *Agorazō* (ر.ک. ۱ قرن ۶: ۲۰؛ ۷: ۲۳؛ ۲ پطرس ۲: ۱؛ مکا ۵: ۹؛ ۱۴: ۳۴). این یک واژه بازرگانی است که به معنی بهای پرداخت شده برای چیزی است. ما مردمانی هستیم که به بهای خون خریده شده ایم و کنترلی بر روی زندگی های خود نداریم. ما متعلق به مسیح هستیم.

۲. *Exagorazō* (ر.ک. غلا ۳: ۱۳؛ ۴: ۵؛ افس ۵: ۱۶؛ کولس ۴: ۵). این نیز یک واژه بازرگانی است. این واژه، مفهوم مرگ مسیح را به جای ما و بخاطر ما میسراند. عیسی "لعنت" آن شریعت را که بر پایه انجام اعمال بود، متحمل شد (به عبارت دیگر، شریعت موسی) - که انسان های گناهکار قادر نبودند آنرا به تمام و کمال انجام دهند. او برای همگی ما متحمل لعنت شد (ر.ک. تث ۲۱: ۲۳)! در عیسی، عدالت و محبت خدا با هم ادغام شده، کمال بخشش و پذیرش و دسترسی می گردند!

۳. *Luō*، "آزاد ساختن"

۳,۱ *Lutron* "بهای که پرداخت شده است" (ر.ک. متی ۲۰: ۲۸؛ مرقس ۱۰: ۴۵). این ها کلام پر قدرتی هستند بگفته خود عیسی، که در مورد هدف از آمدنش فرمود، تا با پرداخت بدهی گناه که خود مدیون نبود، نجات دهنده جهان باشد (ر.ک. یوحنا ۱: ۲۹).

۳,۲ *Lutroō* "رها کردن"

(۱) برای فدیة قوم اسرائیل، لوقا ۲۴: ۲۱

(۲) تا خود را برای فدیة و پاک ساختن یک ملت، تقدیم کند، تیطس ۲: ۱۴

(۳) تا یک جانشین بدون گناه باشد، ۱ پطرس ۱: ۱۸-۱۹

۳,۳ *Lutrōsis* "فدیة، نجات بخشیدن، یا آزاد سازی"

(۱) نبوت زکریا در باره عیسی، لوقا ۱: ۶۸

(۲) تمجید حنا به خدا برای عیسی، لوقا ۲: ۳۸

(۳) قربانی بهتر عیسی، که یکبار تقدیم شده، عبر ۹: ۱۲

۴. *Apolytrōsis*

۴,۱ فدیة در زمان «بازگشت ثانوی» (ر.ک. اعما ۳: ۱۹-۲۱)

(۱) لوقا ۲۱: ۲۸

(۲) رومیان ۸: ۲۳

(۳) افسسیان ۱: ۱۴؛ ۴: ۳۰

(۴) عبرانیان ۹: ۱۵

۴,۲ فدیة با مرگ مسیح

(۱) رومیان ۳: ۲۴

(۲) ۱ قرنتیان ۱: ۳۰

(۳) افسسیان ۱: ۷

(۴) کولسیان ۱: ۱۴

۵. *Antilytron* (ر.ک. ۱ تیمو ۲: ۶). این متن بسیار مهمی است (همانند متن تیطس ۲: ۱۴) که رهایی را با مرگ جانشین شونده عیسی بر صلیب، ارتباط می دهد. او قربانی یگانه و تنها قربانی قابل پذیرش است - آن قربانی که برای "همه" جان می دهد (ر.ک. یوحنا ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۶-۱۷؛ ۴: ۴۲؛ ۱ تیمو ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیطس ۲: ۱۱؛ ۲ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴).

ب. مفهوم الهیاتی در عهد جدید این معانی ضمنی را دارد:

۱. بشر برده گناه است (ر.ک. یوحنا ۸: ۳۴؛ روم ۳: ۱۰-۱۸؛ ۶: ۲۳).

۲. اسارت بشر در گناه بوسیله شریعت عهد عتیق موسی آشکار شده است (ر.ک. غلا ۳) و نیز در موعظه سر کوه عیسی (ر.ک. متی ۵-۷). طرز عمل انسان ها محکومیت مرگ را نتیجه داده است (ر.ک. کولس ۲: ۱۴).
۳. عیسی، بره بی گناه خدا آمده، بجای ما جان داده است (ر.ک. یوحنا ۱: ۲۹؛ ۲ قرن ۵: ۲۱). ما از گناه خریداری شده ایم تا آنکه خدا را خدمت نماییم (ر.ک. روم ۶).
۴. بطور ضمنی، یهوه و عیسی هر دو آن "خویشاوندان نزدیک" هستند که به جای ما عمل می کنند. این ادامه ای است از «استعاره های نسبت خانوادگی» - به بیان دیگر، پدر، شوهر، پسر، برادر یا خویشاوند نزدیک.
۵. فدیة، بهایی نبود که به شیطان پرداخته شد (به عبارت دیگر، الهیات قرون وسطایی)، بلکه مصالحه کلام خدا و عدالت خدا بود با محبت خدا و تأمین کامل در مسیح. در پای صلیب، صلح دوباره برقرار گردید، سرکشی انسان ها مورد عفو قرار گرفت، و اکنون شباهت خدا در انسان بطور کامل، در مشارکت نزدیک، در حال کار است!
۶. هنوز جنبه آینده ای برای فدیة وجود دارد (ر.ک. روم ۸: ۲۳؛ افس ۱: ۱۴؛ ۴: ۳۰)، که شامل بدن های پس از رستاخیز ما است و رابطه نزدیک جسمانی با «سه اقنوم خدا».

۲۵:۳

NASB "که خدا او را... در مقابل چشم همه قرار داد"

NKJV "که خدا او را ارائه نمود"

NRSV "که خدا او را پیشنهاد نمود"

TEV "خدا تقدیم کرد"

JB "که بوسیله خدا منصوب گردید"

این «گذشته غیرمعین انعکاسی [عملی که به خود فاعل بر میگردد] اخباری» است به این معنی که بوسیله مرگ مسیح، خود خدا اراده قلبی و مقصودش را آشکار نمود (ر.ک. افس ۱: ۹). نقشه ابدی و فدیة کننده خدا، قربانی شدن عیسی را در برداشت (ر.ک. اش ۵۳: ۱۰؛ مکا ۱۳: ۸). به یادداشت در ۹: ۱۱ رجوع نمایید.

این واژه یونانی *endeiknumai* (*endeixis* ر.ک. ۳: ۲۵، ۲۶) سه مرتبه در رومیان بکار رفته است (ر.ک. ۲: ۱۵؛ ۹: ۱۷، ۲۳؛ LXX [ترجمه هفتاد] خروج ۹: ۱۶). معنی اساسی آن آشکار کردن یا به نمایش گذاشتن است. خدا میخواست بشریت، هدف و نقشه و نیکویی کامل او را که فدیة کننده هستند، به روشنی درک کند. این چارچوب، دیدگاه جهانی را بر پایه کتاب مقدس ارائه می کند:

۱. در مورد شخصیت خدا

۲. در مورد کار مسیح

۳. در مورد احتیاج بشر

۴. در مورد هدف فدیة کردن

خدا میخواهد ما بفهمیم! این چارچوب برای درک صحیح «مسیحیت» اهمیت بسیار دارد. بعضی کلمات و عبارات آن ابهام انگیز هستند یا می توان آنها را به چند معنی مختلف گرفت، اما منظور کل آن بسیار واضح و ساده است. چارچوب این متن، از لحاظ علم الهی "ستاره شمال" [جهت یاب همیشگی] برای عهد جدید است.



NASB "بعنوان کفاره با خون او"

NKJV "تا بوسیله خونش کفاره باشد"
NRSV "بعنوان یک قربانی فدیة، بوسیله خون او"
TEV "تا بوسیله خونش، او وسیله بخشش گناهان مردمان گردد"
JB "جان خود را قربانی سازد تا مصالحه را حاصل کند"

در دنیای یونانی- رومی، این واژه مفهومی را به همراه داشت که دال بر تجدید رابطه مسالمت آمیز، از طریق پرداخت بهایی، با یکی از خدایان بود که قبلاً با او ترک رابطه شده بود، اما در «ترجمه هفتاد» به این معنی بکار نرفته است. کاربرد آن در «ترجمه هفتاد» و در عبر ۹: ۵ "تخت رحمت" ترجمه شده است، و آن سرپوش صندوقه پیمان بود که در «مقدس ترین مکان» قرار داشت - جایکه کفاره بخاطر ملت ها در «روز کفاره» فراهم میشد (ر.ک. لاو ۱۶).

این واژه را باید طوری بکار بگیریم که کاهشی در انزجار خدا نسبت به گناه قائل نشده باشیم، و در عین حال نگرش مثبت و فدیة کننده خدا در مورد گناه کاران، تأیید گردد. بحث خوبی در کتاب «یک انسان در مسیح» نوشته جیمز ستوارت، صفحات ۲۱۴-۲۲۴ دیده می شود. یکی از طرق انجام این امر، ترجمه واژه به گونه ای است که کار خدا را در مسیح نشان دهد: "قربانی ای غضب را فرو می نشاند" یا "با اختیار برای دادن قربانی ای که غضب را فرو می نشاند."

"با خون او"، طرز بیان عبرانی در مورد بره پاک خدا است که به جای دیگران قربانی شده است (ر.ک. یوحنا ۱: ۲۹). برای درک کامل این مفهوم، لایوان ۱-۷ و نیز «روز کفاره» در فصل ۱۶ بسیار اهمیت دارند. منظور از خون، زندگی عاری از گناهی است که بجای گناه کار، داده می شود (ر.ک. اش ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲).

□ "از راه ایمان" درینجا دوباره فرایند بهره مند شدن از مرگ جانشین شونده عیسی، که برای همه کس و هر کس در دسترس است، دیده می شود (ر.ک. ۱: ۱۷؛ ۳: ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰). این عبارت درین متون حذف شده است: «نسخه خطی باستانی الف» قرن پنجم که تماماً با حروف درشت نوشته شده است؛ (همچنین متن یونانی که کریسوستوم استفاده کرده است) و یک نسخه خطی قرن دوازدهم که تماماً با حروف درشت نوشته شده است - (MS ۲۱۲۷). این عبارت در بقیه نسخه های یونانی باستانی موجود است. بعضی از آنها در کنار "ایمان" «حرف تعریف معین» را استفاده کرده اند و بعضی نکرده اند، اما این تأثیری در معنی ندارد. UBS^۳ دخول آنرا در سطح B [درجه ثانی] محسوب می کند (با حدی تردید).

□ "برای اثبات عدالت او" خدا باید مطابق شخصیت و کلام خود عمل کند (ر.ک. ملا ۳: ۶). در عهد عتیق، کسی که گناه میکند باید بمیرد (ر.ک. حز ۱۸: ۴، ۲۰). خدا فرمود گناه کار را تبرئه نمی کند (ر.ک. خروج ۲۳: ۷). محبت خدا نسبت به انسان سقوط کرده آنقدر عظیم است که حاضر شد جسم انسان بیوشد، شریعت را به انجام رساند و بجای انسان سقوط کرده بمیرد. محبت و عدالت در مسیح ملاقات می کنند (ر.ک. آیه ۲۶).

□
NKJV،NASB
NRSV "او از گناهانی که پیشتر صورت گرفته بود، چشم پوشید"
TEV "در گذشته او برده بار بود و از گناهان مردم چشم پوشی کرد"
NJB "در گذشته، زمانیکه گناهان مجازات نمی شدند"

واژه "چشم پوشید" [passed over]، *pareisis* است، که تنها اینجا در عهد جدید بکار رفته است و هرگز در «ترجمه هفتاد» دیده نمی شود. آباء یونانی و «جروم» آنرا به معنای تحت اللفظی یونانی آن برای "بخشیدن بدهی" تلقی می کردند (ر.ک. «مولتون و میلیگان، ص. ۴۹۳). اما *pariēmi*، که فعل مأخذ آنست، به معنی "گذاشتن که چیزی از کنار بگذرد" یا "راحت گرفتن" [relax] است (ر.ک. لوقا ۱۱: ۴۲). پس سؤال این است که آیا خدا با در نظر داشتن کار آینده مسیح، گناهان را در گذشته می بخشید، یا آیا او صرفاً از آنها چشم پوشی می کرد چون می دانست مرگ مسیح مسئله گناه را حل می کند؟ نتیجه یکی است. اقدام لازم برای رفع گناهان گذشته، حال و آینده انسان، بوسیله قربانی مسیح انجام شده است. این کار فیض خدا در زمان گذشته بود، که چشم به راه عمل مسیح بود (ر.ک. اعمال ۱۷: ۳۰؛ روم ۴: ۱۵؛ ۵: ۱۳) و نیز کار کنونی و آینده فیض می باشد (ر.ک. آیه ۲۶). خدا گناه را کم اهمیت نگرفت و نمی گیرد، اما قربانی عیسی را بعنوان جبران کامل و نهایی سرکشی بشر، که مانع مشارکت ابدی با خود خداست، می پذیرد.

۳: ۲۶ کلمه "عدالت/نیکی مطلق/پارسایی" [righteousness] در آیه ۲۵ از لحاظ علم اشتقاق کلمات، مرتبط است با واژه های "پارسا" [just] و "پارسا کننده" [justifier] در آیه ۲۶. خواسته خدا اینست که شخصیت او بوسیله ایمان به مسیح در زندگی های ایمانداران آشکار شود. عیسی، نیکی کامل ما [righteousness] می شود (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۲۱) اما ایمانداران نیز باید به شکل نیکی کامل او و شباهت او تبدیل شوند (ر.ک. روم ۸: ۲۹). به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع کنید.

متن NASB (بروز آمده): ۳: ۲۷-۳۰

۲۷ پس جای بالیدن کجاست؟ جایی برای آن نیست. برطبق چه نوع شریعتی؟ شریعت اعمال؟ خیر، بلکه طبق شریعت ایمان. ۲۸ زیرا ما تأیید می کنیم که انسان به وسیله ایمان، جدا از اجرای اعمال شریعت، کاملاً نیک محسوب می شود. ۲۹ یا خدا فقط خدای یهودیان است؟ مگر خدای غیر یهودیان هم نیست؟ البته از آن غیر یهودیان نیز هست، ۳۰ زیرا حقیقتاً خدایی که مختونان را بر اساس ایمان، و نامختونان را از راه ایمان پارسا خواهد ساخت، یکی است.

۳: ۲۷ "پس جای بالیدن کجاست" همراه بودن «حرف تعریف» با "بالیدن" ممکن است گویای افتخار یهودیان باشد (ر.ک. ۲: ۱۷ و ۲۳). انجیل ما را فروتن می سازد. انسان سقوط کرده (یهودیان و غیر یهودیان) نمی توانند مشکل خود را حل کنند (ر.ک. افس ۲: ۸-۹). به عنوان خاص «بخود بالیدن» در ۲: ۱۷ رجوع کنید.

□ "جایی برای آن نیست" ["It is excluded"] این واژه (*ek* [بیرون] بعلاوه *kleiō* [بستن]) تنها در اینجا و در غلا ۴: ۱۷ بکار رفته است. معنی تحت اللفظی آن اینست: "در را قفل کردن بروی کسی یا چیزی که بیرون است".

□ "طبق شریعت ایمان" پیمان جدید خدا در ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ بر اساس اعمال نیست، بلکه توکل / ایمان / باور (*pistis*) نسبت به شخصیت و وعده های بزرگوارانه او. مقصود از هر دوی پیمان قدیم و پیمان جدید این بود که انسان سقوط کرده را به شخصیت خدا متبدل کنند (نیک کامل). پیمان قدیم بوسیله قانون ظاهری و بیرونی، پیمان جدید بوسیله قلب جدید (ر.ک. حز ۳۶: ۲۶-۲۷). هدف همان است!

۳: ۲۸ "ما به یقین می دانیم که انسان به وسیله ایمان، جدا از اجرای اعمال شریعت کاملاً نیک محسوب می شود." این خلاصه ۳: ۲۱-۲۶ است و اشاره ای پیشاپیش است به فصل های ۴-۸ (ر.ک. ۲ تیمو ۱: ۹؛ تیطس ۳: ۵). نجات، هدیه رایگانی است بوسیله ایمان به کار تکمیل شده عیسی (ر.ک. ۳: ۲۴؛ ۵: ۱۵، ۱۷؛ ۶: ۲۳؛ افس ۲: ۸-۹). اما بلوغ روحانی، زندگی ای است که با تقدیم همه چیز خود، مطیع است، خدمت می کند، و در پرستش است (غلا ۵: ۶، افس ۲: ۱۰؛ فیل ۲: ۱۲؛ و به یادداشت در ۱: ۵ رجوع نمایید).

۳: ۲۹ مقصود خدا همیشه این بوده که انسان ها را که به شباهت او ساخته شدند فدیة کند (پیدا ۱: ۲۶؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶). وعده فدیة کردن در پیدا ۳: ۱۵ برای همگان است. او ابراهیم را به این جهت انتخاب کرد تا دنیا را انتخاب کند (ر.ک. پیدا ۱۲: ۳۱؛ خرو ۱۹: ۴-۶؛ یوحنا ۳: ۱۶). این آیه، مانند ۳: ۹، ممکن است پرتوی باشد از تنش در کلیسای روم بین رهبران یهودی ایماندار، که شاید پس از فرمان نرون، روم را ترک کرده بودند، با رهبران غیر ایماندار نتیجه شده، که جانشین آنها شده بودند. فصل های ۹-۱۱ نیز ممکن است در مورد همین تنش باشند.

۳: ۳۰

NASB "زیرا حقیقتاً خدا یکی است"
 NKJV "زیرا یک خدا هست"
 NRSV "زیرا خدا یکی است"
 TEV "خدا یکی است"
 JB "زیرا تنها یک خدا هست"

این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسندگان یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته می شود. اگر یکتا پرستی واقعیت است، که هست، (ر.ک. خروج ۸: ۱۰؛ ۹: ۱۴؛ تث ۴: ۳۵، ۳۹؛ ۶: ۴؛ ۱ سمو ۲: ۲؛ ۲ سمو ۷: ۲۲؛ ۲۲: ۳۲؛ ۱ پاد ۸: ۲۳؛ مزمور ۸۶: ۸، ۱۰؛ اش ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸؛ ۴۵: ۶-۷، ۱۴، ۱۸، ۲۱-۲۲؛ ۴۶: ۵، ۹؛ ار ۲: ۱۱؛ ۵: ۷؛ ۱۰: ۶؛ ۱۶: ۲۰)، در آن صورت او باید خدای همه مردمان باشد.

□ "او مختونان را بر اساس ایمان... پارسا خواهد ساخت" کلمه یونانی "پارسا ساختن" [justify] از همان ریشه "نیکی مطلق" [righteousness] است. به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع نمایید. برای رابطه درست با خدا تنها یک راه وجود دارد (ر.ک. روم ۹: ۳۰-۳۲). ایمان و توبه، دو محک برای نجات می باشند (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱؛ به یادداشت در ۱: ۵ رجوع نمایید). این در مورد هر دو یهودیان و یونانیان مصداق دارد.

□ "بر اساس ایمان... از راه ایمان" عوامل مشابه آشکار بین این دو بند، وجود دارد. «حروف اضافه» *dia* و *ek* بطور مترادف اینجا استفاده شده اند. منظور، هیچگونه تفاوتی نبوده است.

متن NASB (بروز آمده): ۳: ۳۱
 آیا بدین سان شریعت را بوسیله ایمان، لغو میکنیم؟ هرگز چنین مباد! بالعکس، ما شریعت را استوار می سازیم.

۳: ۳۱

"آیا بدین سان شریعت را بوسیله ایمان، لغو میکنیم"	NASB
"آیا بدین سان شریعت را بوسیله ایمان، باطل می سازیم"	NKJV
"آیا بدین سان شریعت را بوسیله این ایمان، بی اعتبار می سازیم"	NRSV
"آیا این به آن معنی است که با این ایمان، شریعت را از میان برمیداریم"	TEV
"آیا مقصود ما اینست که ایمان، شریعت را بیهوده میسازد"	JB

عهد جدید، عهد عتیق را به دو صورت متفاوت ارائه می کند:

۱. مکاشفه وحی شده است از طرف خدا که هرگز زایل نخواهد شد (ر.ک. متی ۵: ۱۷-۱۹؛ روم ۷: ۱۲، ۱۴، ۱۶)

۲. کهنه و منسوخ شده است (ر.ک. عبر ۸: ۱۳).

پولس واژه "لغو کردن" [nullify] را حدا اقل بیست و پنج بار استفاده کرد. این کلمه به چنین عبارات ترجمه شده است: "لغو و باطل کردن"، "سلب اقتدار نمودن"، و "بی اثر گردانیدن". به عنوان خاص در ۳: رجوع کنید. برای پولس، شریعت یک نگهبان بود (ر.ک. غلا ۳: ۲۳) و یک آموختار (ر.ک. غلا ۳: ۲۴) بود، اما نمی توانست زندگی جاودان ببخشد (ر.ک. غلا ۲: ۱۶، ۱۹؛ ۳: ۱۹). بر پایه این، انسان محکوم می گردد (ر.ک. غلا ۳: ۱۳؛ کولس ۲: ۱۴). شریعت موسی هم بعنوان مکاشفه عمل میکرد، هم یک آزمون اخلاقی، همانطور که "درخت معرفت نیک و بد" چنین نقشی داشت.

روشن نیست منظور پولس از "شریعت" [the Law] چه بود:

۱. یک اسلوب اعمال کاملاً نیکو در یهودیت

۲. مرحله ای که ایمانداران غیر یهودی باید بگذرانند تا به نجات در مسیح برسند (یهودی گراها در غلاطیان)

۳. محکی که همه انسان ها طبق آن کوتاه آمده اند (ر.ک. روم ۱: ۱۸ - ۳: ۲۰؛ ۷: ۷-۲۵ غلا ۳: ۱-۲۹).

▣ "ما شریعت را استوار می سازیم" در پرتو عبارت قبل، این عبارت چه معنی دارد؟ می تواند نشانگر اینها باشد:

۱. شریعت راهی برای رستگاری نبود بلکه راهنمای ممتد اخلاقی بود

۲. به آموزه "پارسا شدن بوسیله ایمان" شهادت می داد ۳: ۲۱؛ ۴: ۳ (پیدا ۱۵: ۶؛ مزمور ۳۲: ۱-۲، ۱۰-۱۱)

۳. ضعف شریعت (سرکشی انسان، ر.ک. روم ۷؛ غلا ۳) کاملاً بوسیله مرگ مسیح جبران شد، ۸: ۳-۴

۴. مقصود مکاشفه، دو باره برقرار کردن شباهت خدا در انسان است

شریعت، پس از نیکو ساختن کامل از لحاظ حقوقی، راهنمایی برای نیکی حقیقی یا شباهت به مسیح می گردد. به «عنوان خاص»، دیدگاه های پولس از شریعت موسی در ۱۳: ۹ رجوع کنید.

پارادوکس [واقعیات در ظاهر مغایر و در واقع همخوان] شوکه کننده درین جا اینست که شریعت نتوانست نیکی مطلق خدا را [در بشر] برقرار کند، اما از طریق منسوخ شدن شریعت، بوسیله هدیه فیض خدا توسط ایمان، فرد مسیحی، زندگی نیکو و خدا پسندانه دارد. هدف شریعت انجام شده است - نه با اعمالی که انسان انجام داده، بلکه با هدیه رایگان فیض خدا در مسیح! برای "برقرار ساختن" به عنوان خاص "استواری" در ۵: ۲ مراجعه کنید.

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. رومیان ۳: ۲۱-۳۱ را با بیان خود بصورت رؤس مطالب در بیاورید.
۲. چرا خدا در زمان های گذشته از گناهان انسان چشم پوشی میکرد (آیه ۲۵)؟
۳. چگونه ایماندار در عهد عتیق نجات می یافت (۳: ۲۵)؟
۴. چگونه ایمان به مسیح شریعت را تأیید می کند (۳: ۳۱)؟

رومیان فصل ۴

تقسیم بندی پاراگراف هادر ترجمه های جدید

JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ⁴
ابراهیم توسط ایمان پارسا شمرده می شود	ابراهیم به عنوان نمونه	ابراهیم توسط ایمان پارسا شمرده می شود	ابراهیم توسط ایمان پارسا شمرده می شود	ابراهیم به عنوان نمونه
۸-۱:۴	۸-۱:۴	۸-۱:۴	۴-۱:۴	۱۲-۱:۴
پارسا شدن پیش از ختنه			داوود همان واقعیت را تجلیل می کند ۸-۵:۴	
			ابراهیم پیش از ختنه شدن پارسا شمرده شد	
۱۲-۹:۴	۱۲-۹:۴	۱۲-۹:۴	۱۲-۹:۴	۱۲-۹:۴
با اطاعت از شریعت پارسا نشده اند	وعده خدا دریافت شد	نسل حقیقی ابراهیم	تحقق وعده از طریق ایمان	تحقق وعده از طریق ایمان
۱۷-۱۳:۴	۱۵-۱۳:۴	۱۵-۱۳:۴	۲۵-۱۳:۴	۲۵-۱۳:۴
ایمان ابراهیم یک الگوی ایمان مسیحی است	۲۵-۱۶:۴	۲۵-۱۶:۴		
۲۵-۱۸:۴				

دوره مطالعه سوم (به صفحه xii رجوع نمایید)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این یک کتاب راهنمای تفسیر میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که داریم، گام برداریم. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس هر سه دارای اولویت هستید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص نمایید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف بندی امری الهامی نیست، اما برای درک مقصود

نویسنده اصلی نقش کلیدی دارد، و قلب کار تفسیر در همین نکته نهفته است. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

مفاهیم استنباط شده در متن

الف. الهیات تکان دهنده پولس در ۳: ۲۱-۳۱ اظهار می‌کند که انسان سقوط کرده، با خدا آشتی داده شده است و اینکه این هدیه‌ای رایگان و کاملاً مجزا از شریعت موسی است. اکنون پولس می‌خواهد ثابت کند این مطلب نوآوری نیست (ر.ک. ۳: ۲۱ ب) و از عهد عتیق، نمونه‌هایی از ابراهیم و داوود ارائه می‌کند (ر.ک. آیات ۶-۸).

ب. رومیان باب ۴ شواهدی برای تعلیم "کاملاً نیک شمرده شدن بوسیله ایمان" می‌آورد که از شریعت موسی در پیدایش تا تثبیت، برگرفته شده‌اند. خلاصه این در ۳: ۲۱-۳۱ است. برای یک یهودی، نقل قول از نوشته‌های موسی اهمیت بسیاری از لحاظ الهیاتی داشت، بخصوص اینکه در ارتباط با ابراهیم باشد، زیرا ابراهیم پدر ملت یهود به شمار می‌آمد. داوود به عنوان نمونه‌ای از ماشیح که قرار بود بیاید تلقی می‌شد (ر.ک. ۲ سمو ۷). دلیل این بحث می‌تواند تنش بین ایمانداران از زمینه‌های یهودی و غیر یهودی در روم باشد. امکان دارد رهبران مسیحی از زمینه یهود احساس می‌کردند «نرون» (که تمامی مراسم یهودی را تعطیل و باطل کرده بود) آنها را مجبور به ترک روم ساخته بود. درین فاصله رهبران مسیحی غیر یهودی جای آنها را گرفته بودند. بازگشت گروه اول این اختلاف نظر را ایجاد کرد که چه کسانی باید در مقام رهبری باشند.

ج. رومیان باب ۴ نشان می‌دهد که انسان سقوط کرده، همیشه بوسیله ایمان و توبه کردن در برابر خدا نجات یافته است و این به تناسب دید روحانی او است (پیدا ۱۵: ۶؛ روم ۴: ۳). در بسیاری موارد «معاهده جدید» (انجیل) تفاوت‌های عمده با «عهد قدیم» ندارد (ر.ک. ارمیا ۳۱: ۳۱ - ۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲ - ۳۸).

د. این راه بدست آوردن نیکی مطلق، تنها برای پطریارخ‌ها یا ملت اسرائیل نیست، بلکه به روی همگان باز است. پولس درینجا با استفاده از نمونه ابراهیم، دارد استدلال الهیاتی خود را که در باب ۳ غلاطیان آغاز کرده بود، تکمیل می‌کند و توسعه می‌بخشد.

متن NASB (به روز شده): ۴: ۱-۸

۱ پس بگوئیم ابراهیم چه چیز را یافته است - او که بر حسب جسم جد ما است؟^۲ زیرا اگر ابراهیم بوسیله اعمال، نیک شمرده شده بود، چیزی داشت که به آن فخر کند، اما نه در برابر خدا.^۳ زیرا کتاب مقدس چه می گوید؟ "ابراهیم خدا را باور داشت، و این برای او پارسایی شمرده شد."^۴ اما برای کسی که کار می کند، مزدش هدیه به حساب نمی آید، بلکه بعنوان آنچه حق اوست.^۵ اما برای آن که کاری نمی کند، بلکه به «او» ایمان دارد که افراد خدا ناشناس را کاملاً نیک می گرداند، ایمان او بعنوان پارسایی به شمار می آید.^۶ همانطور که داوود نیز از برکت بر کسی سخن می گوید که خدا، مجزا از اعمال، نیکی کامل را به حساب او می گذارد:^۷ "مبارک هستند کسانی که نافرمانی آنها از قانون بخشیده شده، و گناهان آنها پوشیده گردیده است."^۸ "خوشا به حال کسی که خداوند گناه او را به حساب نیاورد."

۴: ۱ "پس بگوئیم ابراهیم چه چیز را یافته است - او که بر حسب جسم جد ما است" نام ابراهیم به معنی "پدر جمعیت کثیر" است (ر.ک. آیات ۱۶ - ۱۸). نام اولیه او به معنای "پدر تجلیل داده شده" بود. فن ادبی که درین جا بکار رفته است "سخن اعتراض آمیز" خوانده می شود (ر.ک. ۴: ۱؛ ۶: ۱؛ ۷: ۷؛ ۸: ۳۱؛ ۹: ۱۴، ۳۰). دلیل ذکر ابراهیم بعنوان نمونه (پیدا ۱۱: ۲۷ - ۲۵: ۱۱)، می تواند یکی ازین حالات باشد (۱) از آنجا که یهودیان اصلیت نژادی خود را بسیار شایسته می دانستند (ر.ک. متی ۳: ۹؛ یوحنا ۸: ۳۳، ۳۷، ۳۹)؛ (۲) از آنجا که ایمان شخصی او نمونه ای است از الگوی معاهده (پیدا ۱۵: ۶)؛ (۳) ایمان او بر اعطای شریعت به موسی تقدم داشت (ر.ک. خروج ۱۹ - ۲۰)؛ یا (۴) معملین دروغین از او استفاده می کردند (بعنوان مثال یهودی گراها، ر.ک. غلاطیان).

□ "جسم" به عنوان خاص در ۱: ۳ رجوع کنید.

۴: ۲ "اگر" این یک «جمله شرطی نوع اول» است (ر.ک. آ. ت. رابرتسون، «تصاویر و اثره ای» جلد ۴، ص ۳۵۰) که نویسنده، آنرا از دیدگاه خود یا برای مقصود ادبی خویش، واقعیت فرض می گیرد. این نمونه خوبی از «جمله شرطی نوع اول» است زیرا در واقع نادرست است، اما برای خاطر نشان کردن یک نکته الهیاتی استفاده شده است.

جوزف آ. فیتزمایر، در کتاب مقدس آنکر، جلد ۳۳، ص ۳۷۲، می گوید که این می تواند «جمله شرطی آمیخته» باشد و قسمت اول آن «نوع دوم» و قسمت ثانی آن «نوع اول» باشد.

□ "بوسیله اعمال، نیک شمرده شده بود" این نقطه متضاد "نیک شمرده شدن" بوسیله ایمان به مسیح است. اگر این راه نجات بوسیله کوشش انسانی (۴: ۴) امکان میداشت، خدمت مسیح را غیر لازم می ساخت. اما، عهد عتیق به وضوح نشان می دهد که انسان سقوط کرده، قادر نیست اعمالی را که در معاهده او با خدا است، انجام دهد. بنا براین، عهد عتیق تبدیل به لعنت و حکم مجازات مرگ می گردد (ر.ک. غلا ۳: ۱۳؛ کولس ۲: ۱۴).

دانشمندان الهیات یهود می دانستند که ابراهیم بر شریعت موسی مقدم بوده است، اما اعتقاد آنان بر این بود که ابراهیم شریعت را پیش بینی کرده، آنرا رعایت می نموده است (ر.ک. Ecclesiasticus ۴۴: ۲۰ و Jubilees ۶: ۱۹؛ ۱۵: ۱-۲)

□ "چیزی داشت که به آن فخر کند" این تم در نوشته های پولس اغلب دیده می شود. زمینه او بعنوان یک فریسی او را نسبت به این مسئله حساس کرده بود (ر.ک. ۳: ۲۷؛ ۱ قرن ۱: ۲۹؛ افس ۲: ۸ - ۹). به عنوان خاص «به خود بالیدن» در ۲: ۱۷ رجوع نمایید.

۳: ۴

،NKJV،NASB

TEV،NRSV "ابراهیم خدا را باور داشت"

JB "ابراهیم به خدا ایمان آورد"

این نقل قولی است از پيدا ۱۵: ۶. پولس سه بار درین باب از آن استفاده می کند (ر.ک. ۴: ۳، ۹، ۲۲)، که اهمیت اش را در برداشت الهیاتی که پولس از نجات داشت، نمایانگر می سازد. کلمه "ایمان" در عهد عتیق به معانی "وفاداری، پایبندی، یا قابل اعتماد بودن" می بوده است، و توصیفی از طبیعت خدا بوده، نه طبیعت ما. "ایمان" از کلمه عبری (*emun, emunah*) مشتق شده است که به معنی "مطمئن بودن یا در حال ثبات" است. ایمان نجات بخش، شامل رضایت ذهنی (یک سری واقعیت ها)، سرسپردگی ارادی (تصمیم)، زندگی اخلاقی (شیوه زندگی)، و از همه مهمتر در ارتباطی است که فرد با دیگری دارد (پذیرش یک شخص). باید تأکید شود که ایمان ابراهیم به یک ماشیح آینده نبود بلکه به وعده خدا بود که فرزند و نسلی خواهد یافت (ر.ک. پيدا ۱۲: ۲؛ ۱۵: ۲ - ۵؛ ۱۷: ۴ - ۸؛ ۱۸: ۱۴). عکس العمل ابراهیم در برابر این وعده، اعتماد به خدا بود. او هنوز در مورد این وعده، شک و مسائلی در ذهن داشت، چون در واقع سیزده سال دیگر هم طول کشید تا این وعده به انجام برسد. ایمان ناکامل او، با اینحال، مورد قبول خدا قرار گرفت. خدا مایل است با انسان هایی کار کند که عیب هایی دارند ولی او و وعده هایش را با ایمان می پذیرند - هر چند که ایمانشان به اندازه یک دانه خردل باشد. (ر.ک. متی ۱۷: ۲۰)

۳: ۴، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴

NRSV،NASB "این برای او محسوب شد"

NKJV "این به حساب او گذاشته شد"

TEV "زیرا خدا او را پذیرفت"

JB "این ایمان مورد نظر قرار گرفت"

"این" به ایمان ابراهیم به وعده های خدا اشاره دارد.

"محسوب شد" (*logizomia*) یک واژه حسابداری است به این معنی: "نسبت داده شده یا به حساب کسی ریخته شده" (ر.ک. «ترجمه هفتاد» پيدا ۱۵: ۶؛ لاو ۷: ۱۸؛ ۱۷: ۴). همین واقعیت زیبا در ۲ قرن ۵: ۲۱ و غلا ۳: ۶ بیان شده است. امکان دارد که پولس، پیدایش ۱۵: ۶ و مزمو ۳۲: ۲ را آمیخت زیرا هر دوی آنها از واژه حسابداری "محسوب شد" استفاده کرده اند. آمیختن متون به این طرز، یکی از اصول علم تفسیر بود که عالمین دینی یهود به کار می بردند.

کاربردی که در عهد عتیق از این واژه در «ترجمه هفتاد» آمده است، به آن حد، واژه حسابداری نیست بلکه واژه دفتر داری است و احتمالاً با "دفتر ها" در دانیال ۷: ۱۰؛ ۱۲: ۱ ارتباط دارد. این دو کتاب استعاره ای (یاد خدا)، عبارتند از:

۱. «کتاب کارهای کرده شده یا یادگاری» (ر.ک. مزمو ۵۶: ۸؛ ۱۳۹: ۱۶؛ اش ۶۵: ۶؛ ملا ۳: ۱۶؛ مکا ۲۰: ۱۲ - ۱۳)
 ۲. «کتاب حیات» (ر.ک. خروج ۳۲: ۳۲؛ مزمو ۶۹: ۲۸؛ اش ۴: ۳؛ دان ۱۲: ۱؛ لو ۱۰: ۲۰؛ فیل ۴: ۳؛ عبر ۱۲: ۲۳؛ مکا ۳: ۵؛ ۱۳: ۸؛ ۱۷: ۸؛ ۲۰: ۱۵؛ ۲۱: ۲۷).
- کتابی که در آن خدا، ایمان ابراهیم را به عنوان پارسایی رقم زد، «کتاب حیات» می باشد.

۴: ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۲۲، ۲۵ "به عنوان پارسایی" این منعکس کننده واژه عهد عتیق " نی بوریا برای اندازه گیری" (*tsadak*) بود. این تشبیهی بود که از کارهای ساختمانی برگرفته شده بود، و در ارتباط با شخصیت خدا بکار میرفت. خدا راست و مستقیم است و تمامی انسان ها در مقایسه با او کج و نادرست هستند. در عهد جدید این در مفهوم جایگاهی و قانونی (حقوقی) استفاده می شد، با این امیدواری که پیشرفت انسان به سوی شیوه زندگی با مشخصات خدا پسندانه باشد. هدف خدا برای یکایک مسیحیان اینست که شخصیت او را داشته باشند، یا به عبارت دیگر، مثل مسیح باشند (ر.ک. ۸: ۲۸ - ۲۹؛ غلا ۴: ۱۹). به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع نمایید.

۴: ۵ ذات و ماهیت ایمان اینست که به آن خدایی لیبیک بگوئیم که خود را آشکار می سازد، بدون اینکه پایه اتکای ما بر کوشش شخصی مان یا شایستگی مان باشد. مقصود این نیست که وقتی نجات می یابیم و روح القدس در ما ساکن می شود، شیوه زندگی ما مهم نباشد. هدف مسیحیت تنها به بهشت رفتن در زمان فوت نیست، بلکه اینکه در زندگی کنونی خود به شباهت مسیح در آییم. به وسیله کارهامان نیست که نجات یافته ایم، و کاملاً نیک شمرده شده ایم یا جایگاه درست در برابر خدا یافته ایم، بلکه فدیة شده ایم تا اینکه کارهای نیک انجام دهیم (ر.ک. افس ۲: ۸ - ۹ و ۱۰؛ یعقوب و ۱ یوحنا). زندگی تغییر یافته و در حال تغییر، گواه بر این است که شخص نجات یافته است. نیک شمرده شدن باید به تقدیس شدن منتهی گردد!

□ "ایمان دارد" به عنوان خاص در ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: ایمان (*PISTIS* [اسم]، *PISTEUŌ* [فعل]، *PISTOS* [صفت])

الف. این واژه بسیار مهمی در کتاب مقدس است (ر.ک. عبر ۱: ۱۱، ۶). ایمان موضوع موعظه های اولیه عیسی مسیح می باشد (ر.ک. مر ۱: ۱۵). مطابق معاهده جدید، حداقل دو شرط دیگر الزامی است: توبه و ایمان (ر.ک. ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).
ب. ریشه شناسی آن

۱. واژه "ایمان" در عهد عتیق به معنی "وفاداری، پایبندی، یا قابل اعتماد بودن" می بوده است و توصیفی از طبیعت خدا بوده، نه طبیعت ما.
۲. این واژه از کلمه عبری (*emun, emunah*) مشتق شده است که به معنی "مطمئن بودن یا در حال ثبات" است. ایمان نجات بخش، شامل موافقت ذهنی (یک سری واقعیت ها)، زندگی اخلاقی (شیوه زندگی)، و مهمتر از همه، ارتباط فرد با دیگری (پذیرش یک شخص) و سرسپردگی ارادی نسبت به آن شخص است (تصمیم).

ج. کاربرد آن در عهد عتیق
باید تأکید شود که ایمان ابراهیم به یک ماشیح آینده نبود بلکه به وعده خدا بود که فرزند و نسلی خواهد یافت (ر.ک. پیدای ۱۲: ۲؛ ۱۵: ۲ - ۵؛ ۱۷: ۴ - ۸؛ ۱۸: ۱۴). عکس العمل ابراهیم در برابر این وعده، اعتماد به خدا بود. او هنوز در مورد این وعده، شک و مسائلی در ذهن داشت، که تحقق آن سیزده سال به طول کشید. ایمان ناکامل او، با اینحال، مورد قبول خدا قرار گرفت. خدا مایل است با انسان هایی کار کند که عیب هایی دارند اما به او و وعده های او، با ایمان پاسخ مثبت می دهند، هر چند که ایمانشان به اندازه یک دانه خردل باشد. (ر.ک. متی ۱۷: ۲۰)
د. کاربرد آن در عهد جدید

کلمه "باور داشت" از کلمه یونانی (*pisteuō*) مشتق شده است که ترجمه آن می تواند چنین باشد: "باور"، "ایمان"، یا "توکل". بعنوان مثال، این کلمه در وجه «اسم» در انجیل یوحنا نیامده است،

اما وجه «فعل» آن اغلب استفاده شده است. در یوحنا ۲: ۲۳ - ۲۵ یقین نیست که آیا سرسپردگی جمعیت نسبت به عیسی ناصری بعنوان مسیح، واقعی است یا خیر. نمونه های دیگر استفاده سطحی از این کلمه "باور" در یوحنا ۸: ۳۱ - ۵۹ و اعمال ۸: ۱۳، ۱۸ - ۲۴ می باشد. ایمان حقیقی کتاب مقدسی، فراتر از آن ایمان اولیه شخص است. پس از آن، مراحل شاگردسازی باید صورت گیرد (متی ۱۳: ۲۰ - ۲۲، ۳۱ - ۳۲).

کاربرد آن با «حروف اضافه»

۱. *eis* به معنی "در" [into] است. این ساختار دستوری منحصر به فرد، تأکید می کند ایمانداران، به مسیح توکل کرده اند / ایمان آورده اند.

۱-۱ در اسم او (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۳)

۱-۲ در او (یوحنا ۲: ۱۱؛ ۳: ۱۵، ۱۸؛ ۴: ۳۹؛ ۶: ۴۰؛ ۷: ۵، ۳۱، ۳۹، ۴۸؛

۸: ۳۰؛ ۹: ۳۶؛ ۱۰: ۴۲؛ ۱۱: ۴۵، ۴۸؛ ۱۷: ۳۷، ۴۲؛ متی ۱۸: ۶؛ اعما

۱۰: ۴۳؛ فیل ۱: ۲۹؛ ۱ پطرا ۱: ۸)

۳-۱ در «من» (یوحنا ۶: ۳۵؛ ۷: ۳۸؛ ۱۱: ۲۵، ۲۶؛ ۱۲: ۴۴، ۴۶؛ ۱۴: ۱، ۱۲؛

۱۶: ۹؛ ۱۷: ۲۰)

۴-۱ در «پسر» (یوحنا ۳: ۳۶؛ ۹: ۳۵؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۰)

۵-۱ در عیسی (یوحنا ۱۲: ۱۱؛ اعما ۱۹: ۴؛ غلا ۲: ۱۶)

۶-۱ در «نور» (یوحنا ۱۲: ۳۶)

۷-۱ در خدا (یوحنا ۱۴: ۱)

۲. *en* به معنی "در" [in] است، مثل یوحنا ۳: ۱۵؛ مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۵: ۱۴

۳. *epi* به معنی "در" [in] یا "بر" [upon] است، مثل متی ۲۷: ۴۲؛ اعمال ۹: ۴۲؛ ۱۱:

۱۷؛ ۱۶: ۳۱؛ ۲۲: ۱۹؛ روم ۴: ۵، ۲۴؛ ۹: ۳۳؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱ تیمو ۱: ۱۶؛ ۱ پتر ۲: ۶؛

۴. «مفعول غیر صحیح حقیقی» بدون «حرف اضافه» مثل غلا ۳: ۶؛ اعما ۱۸: ۸؛ ۲۷: ۲۵؛

ایوحنا ۳: ۲۳؛ ۵: ۱۰

۵. *hoti* به معنی "ایمان به اینکه" نشان می دهد ایمان در چه موردی است

۵-۱ عیسی، یگانه قدوس خدا است (یوحنا ۶: ۶۹)

۵-۲ عیسی، "من هستم" است (یوحنا ۸: ۲۴)

۵-۳ عیسی در پدر است و پدر در اوست (یوحنا ۱۰: ۳۸)

۵-۴ عیسی ماشیح است (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)

۵-۵ عیسی پسر خداست (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)

۵-۶ عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۸، ۲۱)

۵-۷ عیسی با پدر یک است (یوحنا ۱۴: ۱۰-۱۱)

۵-۸ عیسی از جانب پدر آمد (یوحنا ۱۶: ۲۷، ۳۰)

۵-۹ عیسی هویت خود را با نام "من هستم" که نام «پدر» در معاهده بود، شناسانید (یوحنا

۸: ۲۴؛ ۱۳: ۱۹)

۵-۱۰ ما با او خواهیم زیست (روم ۶: ۸)

۵-۱۱ عیسی مسیح مرد و از مردگان برخاست (۱ تسلا ۴: ۱۴)



NKJV، NASB
"ایمان او"
NRSV
"چنین ایمانی"
JNB، TEV
"این ایمان است"

ایمان ابراهیم برای او نیکی مطلق محسوب شد. این بر اساس اعمال ابراهیم نبود، بلکه به خاطر طرز برخورد او بود.

کلمه "محسوب شد" همچنین در مورد «فینحاس» در LXX [ترجمه هفتاد] در مزمور ۱۰۶: ۳۱ بکار برده شده است که به اعداد ۲۵: ۱۱ - ۱۳ رجوع دارد. در این مورد، محسوب شدن بر پایه اعمال فینحاس بود، اما در پیدای ۱۵: ۶ در مورد ابراهیم اینطور نبود!

□ " بلکه به « او » ایمان دارد که افراد خدا ناشناس را کاملاً نیک می گرداند، ایمان او بعنوان پارسایی محسوب می گردد" این واضحاً با ابراهیم در آیه ۳ همسان است (پیدا ۱۵: ۶). نیکی مطلق، هدیه خدا است، نه نتیجه انجام فرایض توسط انسان. به عنوان خاص در ۱: ۱۷ مراجعه کنید.

□ "داوود" همانند ابراهیم که شخص کاملی نبود، اما بوسیله ایمان وارد رابطه درست با خدا شده بود، داوود گناه کار نیز چنین بود (ر.ک. مزمور ۳۲ و ۵۱). خدا انسان سقوط کرده را دوست دارد و وقتی انسان ایمان خود را در عمل به او نشان دهد (عهد عتیق)، یا نسبت به پسر او نشان دهد (عهد جدید)، با انسان کار میکند (پیدا ۳)

۴: ۶ " مجزا از اعمال" پولس با قرار دادن این عبارت درست پیش از نقل قولش از عهد عتیق، آنرا تأکید می کند (ر.ک. مزمور ۳۲: ۱ - ۲). بوسیله فیض خدا و با وساطت مسیح و بوسیله ایمان شخصی فرد، انسان از رابطه صحیح با خدا برخوردار میگردد، اما این امر با انجام فرایض دینی امکان ندارد.

۴: ۷-۸ این نقل قولس است از مزمور ۳۲: ۱ - ۲. هر دو فعل در آیه ۷، "بخشیده شده" و "پوشیده شده"، «گذشته غیرمعین مجهول» هستند. خدا به طور ضمنی عامل است. آیه ۸ شامل "منفی در منفی" با تأکید است و میگوید "تحت هیچ شرایطی" نسبت نمی دهد، محسوب نمی کند و در نظر گرفته نمی شود. به سه «فعل» در این نقل قول توجه کنید؛ همه آنها به تیرئه گناه اشاره دارند.

۴: ۷ " گناهان آنها پوشیده گردیده است" این نقل قولی است از مزمور ۳۲: ۱. مفهوم "پوشاندن"، در جنبه قربانی در کیش اسرائیل، محوری و اساسی بود. خدا با پوشاندن گناه، چشمش به آن نمی افتاد (براون، در ایور، بریگز، ص ۴۹۱). همین مفهوم، اگرچه کلمه دیگر عبری برای "پوشش" (*caphar*) است، در مراسم روز فدیة (پوشاندن) استفاده میشد، و خونی که بر "تخت رحمت" پاشیده میشد، گناهان قوم اسرائیل را می پوشانید. یک استعاره کتاب مقدسی مربوط به این، پاک کردن یا برداشتن لکه گناه خود است.

۴: ۸ "خوشا به حال کسی که خداوند گناه او را به حساب نیاورد" این نقل قولی از مزمور ۳۲: ۲ است. درینجا عبارات "محسوب کردن"، "چیزی را به کسی نسبت دادن" یا "واریز به حساب شخص دیگر" به صورت منفی به کار برده شده اند. خدا گناه را (منفی در منفی) به حساب بانکی روحانی ایماندار نمی گذارد و برایش آنطور محسوب نمی کند؛ او نیکی کامل را به حساب او می گذارد. این بر اساس شخصیت پر فیض خدا و هدیه و آن حکمی است که اعلام نموده است، نه بر اساس شایستگی، دستاوردها، یا ارزش انسان!

۹ آیا این برکت تنها برای ختنه شدگان است یا برای ختنه ناشدگان نیز؟ زیرا می‌گوییم، "ایمان برای ابراهیم به عنوان پارسایی به شمار آمد." ۱۰ "پس چگونه به شمار آمد؟ آیا در زمانی که او ختنه شده بود، یا ختنه نشده بود؟ بعد از ختنه شدن نبود، بلکه پیش از ختنه؛ ۱۱ و او نشانه ختنه را یافت - مهر نیکی کامل بخاطر ایمانی که پیش از ختنه داشت - تا او پدر همه کسانی باشد که بدون ختنه شدن ایمان دارند، تا نیکی کامل به حساب آنها گذاشته شود، ۱۲ و پدرِ ختنه شدگان باشد، برای آنانی که نه تنها ختنه شده اند بلکه در اثر گام‌های ایمان پدر ما ابراهیم پیروی می‌کنند، ایمانی که او پیش از ختنه شدن داشت.

۴: ۹-۱۲ پولس احتمالاً این بحث ختنه را درینجا مطرح کرده زیرا یهودی‌گراها لزوم ختنه را برای نجات تأکید می‌کردند (ر.ک. کتاب غلاطیان و انجمن اورشلیم در اعمال ۱۵). پولس که در مدارس علمای دینی یهود به فراگیری تفسیرمتون مذهبی آنان از لحاظ فقهی و شرعی و قضایی و ادبی پرداخته بود، میدانست که در پیدای ۱۵: ۶ و مزمو ۳۲: ۲ همان «فعل» دیده می‌شود (هر دو در عبری و یونانی). این موضوع، آیات مذکور کتاب مقدس را برای منظورهای الهیاتی، با هم یکی می‌ساخته است.

۴: ۹ سؤال در آیه ۹ انتظار دارد پاسخ آن "خیر" باشد. خدا همه مردم، حتی غیر یهودیان را از طریق ایمان می‌پذیرد. پیدای ۱۵: ۶ مجدداً نقل قول شده است. ابراهیم، پدر ملت یهود، پیش از آنکه ختنه شود کاملاً نیک محسوب شد.

۱۰: ۴-۱۱ "نشانه ختنه، مهر نیکی کامل بخاطر ایمان" پس از آنکه ابراهیم فراخوانده شد و کاملاً نیک محسوب گشت، خدا ختنه را بعنوان علامتِ معاهده به او داد (پیدای ۱۷: ۹ - ۱۴). تمامی اقوام باستان در خاور نزدیک، ختنه می‌شدند - به غیر از فلسطینی‌ها که یونانی الاصل و اهل جزایر دریای اژه بودند. برای آنها ختنه، مراسم پشت سر گذاشتن دوران پسر بچگی و فرارسیدن به سن مردانگی بود. برای یهودیان، این نماد مذهبی نشانگر عضویت در معاهده بود که در مورد فرزندان ذکور در روز هشتم پس از تولد، انجام می‌شد. "علامت" و "مهر" در این آیه همسان هستند و هر دوی آنها به ایمان ابراهیم اشاره دارند. ختنه علامت قابل رؤیت و بازگو کننده آن کسی بود که ایمان به خدا را به عمل می‌رسانید. «عبارت ملکی» "مهر نیکی کامل بخاطر ایمان" در آیه ۱۳ تکرار شده است. ایمان، نه ختنه، کلیدی بود تا خدای قدوس شخص را نیک اعلام کند.

۱۱: ۴ "تا او پدر همه کسانی باشد که بدون ختنه شدن ایمان دارند" کتاب رومیان پس از کتاب غلاطیان نوشته شد. پولس کاملاً آگاه بود که یهودیان بیشتر به این موضوع ها توکل می‌کردند: (۱) اصل و نسب نژادی شان (ر.ک. متی ۳: ۹؛ یوحنا ۸: ۳۳، ۳۷، ۳۹) و (۲) انجام تفاسیر معاصر یهود از معاهده موسی («سنت شفاهی» یا سنت رهبران که بعد ها نگاشته شد و «تلمود» نام گرفت). بنابراین، او از ابراهیم بعنوان پارادایم [نمونه] همه کسانی استفاده کرد که باور آنها از روی ایمان است (پدر ایماندارانِ ختنه نشده، ر.ک. غلا ۳: ۲۹).

□ "مهر" به عنوان خاص ذیل رجوع کنید.

عنوان خاص: مهر

مهر خدا در مکاشفه ۹: ۴ و ۱۴: ۱ و احتمالاً ۲۲: ۴ اشاره شده است. مهر شیطان در ۱۳: ۱۶؛ ۱۴: ۹ و ۲۰: ۴ ذکر شده است. مهر ممکن است روشی باستانی نشانگر این موارد باشد:

۱. حقیقت (ر.ک. یوحنا ۳: ۳۳)
۲. مالکیت (ر.ک. یوحنا ۶: ۲۷؛ ۲ تیمو ۲: ۱۹؛ مکا ۷: ۲ - ۳)
۳. امنیت یا حمایت و محافظت (ر.ک. پیدا ۴: ۱۵؛ متی ۲۷: ۶۶؛ روم ۱۵: ۲۸؛ ۲ قرن ۱: ۲۲؛ افس ۱۳: ۱؛ ۴: ۳۰)
۴. ممکن است نیز نشانه واقیعت و عده خدا در مورد یک هدیه باشد (ر.ک. روم ۴: ۱۱ و ۱ قرن ۹: ۲). هدف از این مهر، شناسایی کردن قوم خداست تا آنکه غضب خدا دامنگیر آنها نشود. مهر شیطان قوم او را شناسایی می کند، که مورد غضب خدا هستند. در کتاب مکاشفه "جفا" (به عبارت دیگر *thlipsis*) همیشه از بی ایمانان است که ایمانداران را آزار و اذیت می رسانند، در حالیکه غضب/خشم (به عبارت دیگر *orgē*) یا *thumos*) همیشه داوری خدا در مورد بی ایمانان است تا توبه کنند و به ایمان به مسیح روی آورند. این هدف مثبت داوری، در لعنت ها و برکت های معاهده در تثبیه ۲۷ - ۲۸ دیده می شود.

عبارت "خدای زنده"، آرایه ادبی در مورد عنوان «یهوه» است (ر.ک. خروج ۳: ۱۴؛ مزمو ۴۲: ۲؛ ۸۴: ۲؛ متی ۱۶: ۱۶). همین آرایه ادبی اغلب در سوگندهای کتاب مقدس دیده میشود: "همانطور که خداوند زنده است."

۴: ۱۲ "در اثر گام ها... پیرو" این یک واژه نظامی بود (*stoicheō*) و منظور از آن رژه سربازان در یک صف بود (ر.ک. اعمال ۲۱: ۲۴؛ غلا ۵: ۲۵؛ ۶: ۱۶؛ فیل ۳: ۱۶). پولس در این آیه اشاره به یهودیانی دارد که ایمان دارند ("پدر ختنه"). ابراهیم پدر تمامی آنانی است که در عمل، به خدا و وعده های او ایمان دارند.

به خاطر «حرف تعریف» دوگانه (*tois*) امکان دارد که این جنبه دوم ("در اثر گام ها... پیرو") این مفهوم را اضافه می کند که ایمان باید شیوه زندگی باشد (حال وصفی مجهول و در معنی معلوم) و نباید تنها یکبار ایمان آوردن باشد. نجات، رابطه دائمی است نه صرفاً یک تصمیم یا قصد آبی.

متن NASB (به روز شده): ۴: ۱۳-۱۵

۱۳ زیرا وعده به ابراهیم یا به نسل او - که او وارث جهان خواهد شد - از راه شریعت نبود بلکه از راه نیکی کاملی بود که نتیجه ایمان است. ۱۴ زیرا اگر آنانیکه شریعتی هستند وارثین باشند، ایمان باطل می گردد و وعده بی اعتبار؛ ۱۵ زیرا شریعت به غضب می انجامد، لکن جاییکه قانون نیست تجاوز از آن نیز وجود ندارد.

۴: ۱۳ "و وعده به ابراهیم یا به نسل او" خدا به ابراهیم وعده "سرزمین و ذریت" را داد (ر.ک. ۱۲: ۱ - ۳؛ ۱۵: ۱ - ۶؛ ۱۷: ۱ - ۸؛ ۲۲: ۱۷ - ۱۸). تمرکز عهد عتیق بر روی سرزمین (فلسطین) بود، اما تمرکز عهد جدید بر روی "ذریت" بود (عیسی ماشیح، ر.ک. غلا ۳: ۱۶، ۱۹)، اما اینجا "ذریت" به قوم ایمان اشاره دارد (ر.ک. غلا ۳: ۲۹). وعده های خدا، پایه ایمان همه ایمانداران می باشند (ر.ک. غلا ۳: ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۹؛ ۴: ۲۸؛ عبر ۵: ۱۳ - ۱۸).

□ **"که او وارث جهان خواهد شد"** این گفتار که برای همگان است، در پرتو پیدا ۱۲: ۳؛ ۱۸: ۱۸؛ ۲۲: ۱۸ و خروج ۱۹: ۵ - ۶ بسیار مهم می باشد. خدا ابراهیم را فرا خواند تا او همه آدمیان را فرا بخواند (ر.ک. پیدا ۱: ۲۶ - ۲۷؛ ۳: ۱۵) ! ابراهیم و نسل او مأموریت یافته بودند تا وسیله ای برای مکشوف شدن خدا به تمام جهان باشند. این شیوه دیگر اشاره به ملکوت خدا بر زمین است (ر.ک. متی ۶: ۱۰).

□ **"از راه شریعت نبود"** شریعت موسی هنوز آشکار نشده بود. این عبارت ابتدا به صورت جمله یونانی ارائه شد تا اهمیت آن خاطر نشان گردد. این نکته بسیار مهمی بود که تفاوت بین کوشش انسان و فیض الهی را تأکید می کند (ر.ک. ۳: ۲۱ - ۳۱). فیض، شریعت را بعنوان راه نجات، منسوخ کرده است (ر.ک. عبر ۸: ۷، ۱۳). به عنوان خاص «دیدگاه های پولس از شریعت موسی» در ۱۳: ۹ رجوع نمایید.

۴: ۱۴ **"اگر"** این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده، یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته می شود. پولس ازین اظهار تکان دهنده برای استدلال منطقی خود استفاده می کرد. این نمونه خوبی از «جمله شرطی نوع اول» است که برای تأکید امر بدیهی بکار رفته است. اعتقاد او بر واقعیت این مطلب نبود، اما از آن استفاده می کرد تا استدلال غلط و آشکار آن را نشان دهد (ر.ک. آیه ۲). اشخاصی که از نژاد یهود هستند و نشان قابل رؤیت ختنه را دارند قرار است وارثین جهان باشند، اما آنانی که به اراده و کلام خدا عملاً ایمان دارند وارثین هستند. ایمان، نشان حقیقی است نه ختنه جسمانی (ر.ک. ۲: ۲۸ - ۲۹).



"ایمان باطل می گردد" NKJV, NASB
"ایمان بی اعتبار شده است" NRSV
"ایمان انسان بی معنی است" TEV
"ایمان بی مورد می گردد" JB

این «گذشته نقلی مجهول اخباری» کلمه *kenoō* است، که وضعیت پایدار «فعل» یونانی قوی را تأکید می کند با این معانی: "خالی کردن"، "اثبات بی اساس بودن"، و حتی "جعل کردن و تقلب" (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۱۷). این کلمه را نیز پولس درین آیات بکار می برد: ۱ قرن ۱: ۱۷؛ ۹: ۱۵؛ ۲ قرن ۲: ۹؛ ۳ و فیل ۲: ۷.



"و عده بی اعتبار [می شود]" NASB
"و عده بی اثر می شود" NKJV
"و عده باطل است" NRSV
"و عده خدا بی ارزش است" TEV
"و عده به هیچ می ارزد" JB

این نیز «گذشته نقلی مجهول اخباری» است، و وضعیت پایدار «فعل» یونانی قوی را تأکید می کند با این معانی: "خالی کردن"، "منسوخ کردن"، "به پایان آوردن"، و حتی "ویران و نابود کردن". این کلمه را پولس در آیات ذیل به کار می برد: روم ۳: ۳، ۳۱؛ ۶: ۶؛ ۷: ۲، ۶؛ ۱ قرن ۲: ۶؛ ۱۳: ۸؛ ۱۵: ۲۴، ۲۶؛ ۲ قرن ۳: ۷؛ ۵: ۴؛ ۲ تسالونی ۲: ۸. درین آیه، همسانی واضح است. برای نجات، دو راه وجود ندارد. معاهده جدید که بر پایه فیض است، معاهده قدیم مبنی بر اعمال را باطل و بی اثر ساخته است! به عنوان مخصوص: «باطل و بی اثر» در ۳: ۳ مراجعه نمایید.

۴: ۱۵ "شریعت...قانون" کاربرد اول این کلمه، «حرف تعریف» یونانی با خود دارد در حالیکه کاربرد دوم آن ندارد. اگرچه جلب توجه بیش از حد به وقوع یا عدم وقوع «حرف تعریف» یونانی مسئله ساز است، به نظر می رسد درین مورد مؤثر بوده، نشان دهد پولس این واژه را به دو مفهوم استفاده کرده بود: (۱) شریعت موسی با «سنت شفاهی» آن، که بعضی یهودیان برای نجات خود به آن متکی بودند و (۲) مفهوم قانون بطور عام. این مفهوم وسیعتر، شامل غیریهودیان "خودپارسا نگر" میشد که پیرو این و آن قوانین اخلاقی یا مراسم مذهبی از فرهنگ های مختلف بودند و احساس می کردند بر مبنای کردارشان مورد قبول الوهیت هستند.

□ "شریعت به غضب می انجامد" این جمله شوکه کننده ای است (ر.ک. ۳: ۲۰؛ غلا ۳: ۱۰ - ۱۳؛ کولس ۲: ۱۴). مقصود از شریعت موسی هرگز این نبود که راه نجات باشد (ر.ک. غلا ۳: ۲۳ - ۲۹). درک یا پذیرش این موضوع می توانست برای هر یهودی (یا قانون گرا) واقعیت بسیار مشکلی باشد، اما مبنای استدلال پولس همین است. به عنوان خاص ۱۳: ۹ مراجعه کنید.

□ "لکن جاییکه قانون نیست تجاوز از آن نیز وجود ندارد" خدا آدمیان را برای تنویر و درکی که به آنها داده شده، جوابگو محسوب می کند. غیریهودیان طبق شریعت موسی که هرگز از آن خبر نداشته اند، داوری نخواهند شد. آنها نسبت به مکاشفه طبیعی جوابگو بودند (ر.ک. ۱: ۱۹ - ۲۰؛ ۲: ۱۴ - ۱۵). این واقعیت در استدلال پولس در این جا مورد بحث بیشتری قرار گرفته است. پیش از آنکه شریعت موسی، خدا را به وضوح آشکار سازد، خدا نافرمانی های آدمیان را به حساب نمی آورد (ر.ک. ۳: ۲۰، ۲۵؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۱۳، ۲۰؛ ۷: ۵، ۷-۸؛ اعمال ۱۷: ۳۰؛ ۱ قرن ۱۵: ۵۶).

متن NASB (به روز شده): ۴: ۱۶-۲۵

^{۱۶} از این رو [و عده] بر اساس ایمان است، تا مطابق فیض بوده، برای تمامی نسل [ابراهیم] تضمین گردد - نه تنها برای پیروان شریعت، بلکه برای آنان نیز که پیرو ایمان ابراهیم اند که پدر همگی ما است - ^{۱۷} (چنانکه نوشته شده است، "تو را پدر ملل بسیار ساخته ام") در برابر آن خدایی که به او ایمان آورد، که مردگان را زنده می کند و آنچه وجود ندارد را به وجود فرا می خواند. ^{۱۸} با اینکه هیچ جایی برای امید نبود، او ایمان آورد تا آنکه پدر ملل بسیار گردد، مطابق آنچه گفته شده بود: "نسل تو چنین خواهند بود." ^{۱۹} بدون آنکه در ایمان سست گردد بدن خود را در نظر گرفت - که در آن زمان مرده به حساب می آمد زیرا او حدوداً صد ساله بود - و نیز مردگی رحم سارا را؛ ^{۲۰} ولی نسبت به وعده خدا در بی ایمانی متزلزل نشد بلکه در ایمان قوی گشت و خدا را تجلیل کرد، ^{۲۱} و کاملاً اطمینان داشت آنچه خدا وعده داده بود، قادر به انجام آن نیز بود. ^{۲۲} در نتیجه این نیز برای او نیکی کامل شمرده شد. ^{۲۳} اما نه تنها به خاطر او نوشته شد که این برای او محسوب گردید، ^{۲۴} بلکه بخاطر ما نیز که برای مان محسوب خواهد گردید - به عنوان آنانیکه به «او» ایمان آورده ایم که عیسی خداوند ما را از مردگان برخیزانید، ^{۲۵} [او] که به دلیل گناهان ما تسلیم گردید، و برای نیک شمرده شدن ما برخیزانیده شد.

۴: ۱۶ این خلاصه زیبایی از استدلال پولس از آیه ۱۴ می باشد: (۱) انسان ها باید از طریق ایمان پاسخ دهند؛ (۲) این پاسخ در برابر فیض خدا و وعده اوست؛ (۳) وعده برای تمامی نسل ابراهیم (یهودی و غیر یهود) که به ایمان خود عمل می کردند، حتمی بود؛ و (۴) ابراهیم «پارادایم» و نمونه همه اشخاص اهل ایمان بود.

□ "تضمین گردد" به عنوان خاص ذیل رجوع کنید.

عنوان خاص: تضمین

این واژه یونانی *bebaios* است که سه معنی ضمنی دارد.

۱. آنچه یقین و قطعی است، یا می توان به آن اتکاء کرد (ر.ک. روم ۴: ۱۶؛ ۲ قرن ۱: ۷؛ عبر ۲: ۲۰؛ ۳: ۶، ۱۴؛ ۶: ۱۹؛ ۲ پطرس ۱: ۱۰، ۱۹).
۲. فرایندی که توسط آن شایستگی مورد اعتماد بودن چیزی، مشخص یا اثبات می شود (ر.ک. روم ۱۵: ۸؛ عبر ۲: ۲، ر.ک. لواو و نیدا، «لغت نامه عهد جدید یونانی - انگلیسی»، جلد ۱، صفحات ۳۴۰، ۳۷۷، ۶۷۰).
۳. در پاپیروس ها [نسخه های خطی روی پوست درخت] این کلمه تبدیل به واژه فنی برای ضمانت قانونی گردید (ر.ک. مولتون و میلیگان، لغات عهد جدید یونانی، صص ۱۰۷ - ۱۰۸) این نقطه مقابل آیه ۱۴ است. وعده های خدا قطعی هستند!

□ "همه... همه" اشاره به تمامی ایمانداران است (یهودی و غیر یهود).

۴: ۱۷-۲۳ پولس مجدداً از ابراهیم برای نشان دادن اولویت ها استفاده می کند (۱) پیشقدم شدن خدا در وعده های فیض (معاهده)؛ و (۲) ملزوم بودن ایمان اولیه بشر و لبیک ایمان او بطور همیشگی و مستمر (معاهده). (به یادداشت در ۱: ۵ رجوع کنید). معاهدات همیشه در مورد کردار دو طرف متفاوت می باشند.

۴: ۱۷ "چنانکه نوشته شده است، "پدر مثل بسیار" این نقل قولی از پیدایش ۱۷: ۵ است. ترجمه هفتاد (LXX) کلمه "غیر یهودیان" را دارد. خدا همیشه خواستار فدیة کردن تمامی فرزندان آدم بوده است (ر.ک. پیدایش ۳: ۱۵) - نه صرفاً فرزندان ابراهیم. نام جدید ابرام که ابراهیم بود، به معنی "پدر جمعیت کثیر" است. اکنون می دانیم این نه تنها شامل نسل جسمانی می شود، بلکه نسل روحانی نیز.

□ "که مردگان را زنده می کند" در متن، این اشاره ای است به نیروی جنسی احیا شده ابراهیم و سارا (ر.ک. آیه ۱۹).

□ "آنچه وجود ندارد را به وجود فرا می خواند" در متن، رجوع به بارداری سارا سر اسحاق است، اما نشانگر جنبه مهم ایمانی نیز می باشد (ر.ک. عبر ۱۱: ۱).

۴: ۱۸

NASB "با اینکه هیچ جایی برای امید نبود، او ایمان آورد"

NKJV "او هنگامی که امیدی نبود، با امیدواری ایمان آورد"

NRSV "با اینکه دلیلی برای امید نبود، او ایمان آورد"

TEV "ابراهیم ایمان آورد و امیدوار شد، حتی زمانی که دلیلی برای امید داشتن نبود"

NJB "اگرچه امیدی به نظر نمی رسید، او امیدوار شد و ایمان آورد"

عنوان خاص "امید" در ۱۲: ۱۲ است. این واژه حوزه معنایی وسیعی دارد. هارولد کی. مولتون در «واژه نامه تحلیلی ویرایش شده یونانی»، ص ۱۳۳، چند کاربرد را فهرست می کند.

۱. معنی اساسی، امید (روم ۵: ۴؛ اعمال ۲۴: ۱۵)
 ۲. آنچه امید بدان داشته شده (ر.ک. روم ۸: ۲۴؛ غلا ۵: ۵)
 ۳. بنیانگذار یا منبع (ر.ک. کولس ۱: ۲۷؛ ۱ تیمو ۱: ۱)
 ۴. اعتماد، اطمینان (ر.ک. ۱ پطر ۱: ۲۱)
 ۵. در امنیت به همراه یک تضمین (ر.ک. اعمال ۲: ۲۶؛ روم ۸: ۲۰)
- در این متن امید به دو معنی مختلف به کار رفته است. امید به توانمندی و قدرت انسان (ر.ک. آیات ۱۹ – ۲۱) در تضاد با امید به وعده خدا (ر.ک. آیه ۱۷).



"نسل تو چنین خواهند بود" NKJV، NASB
 "نسل تو به این اندازه کثیر خواهند بود" NRSV
 "نسل تو بسیار خواهند بود" TEV
 "نسل تو به کثرت ستارگان خواهند بود" JB

این نقل قولی از پیدای ۱۵: ۵ است که یقین بودن وعده خدا را به ابراهیم در مورد صاحب پسر شدن تأکید می کند (ر.ک. آیات ۱۹ – ۲۲). این نکات را بیاد داشته باشید:

۱. اسحاق سیزده سال بعد از وعده به دنیا آمد
۲. اسحاق پس از آنکه ابراهیم سعی کرد سارا را به دیگران بدهد متولد شد (دوبار ر.ک. پیدای ۱۲: ۱۰ – ۱۹؛ ۲۰: ۱ – ۷)
۳. اسحاق پس از زمانی بدنیای آمد که ابراهیم صاحب پسری از حاجر، کنیز مصری سارا، شده بود (ر.ک. پیدای ۱۶: ۱ – ۱۶).
۴. او بعد از آن به دنیا آمد که هم سارا (ر.ک. پیدای ۱۸: ۱۲) و هم ابراهیم، (ر.ک. پیدای ۱۷: ۱۷) به وعده خندیده بودند.

آنها ایمان کامل نداشتند! خدا را شکر که لازمه نجات، ایمان کامل نیست بلکه صرفاً ایمان داشتن به شخص درست (به شخص خدا، در عهد عتیق و به پسر او، در عهد جدید).

۴: ۲۰ در ابتدا، ابراهیم وعده را کاملاً متوجه نشد - که فرزندش از سارا خواهد بود. حتی ایمان ابراهیم کامل نبود. خدا ایمان ناکامل را می پذیرد و آنرا کامل می گرداند زیرا مردم ناکامل را دوست دارد!

▣ "در بی ایمانی متزلزل نشد" همین «فعل» *diakrinō* توسط عیسی در متی ۲۱: ۲۱ و مرقس ۱۱: ۲۳ بکار رفته است. علیرغم همه دلایل جسمانی برای زیر سؤال بردن سخن خدا (ر.ک. آیه ۱۹)، ابراهیم در مقابل قوی گردید.

دو «فعل» در آیه ۲۰، هر دو «گذشته غیرمعیّن مجهول اخباری» می باشند. «وجه مجهول» گویای اینست که خدا عامل می باشد، اما ابراهیم باید اجازه میداد قدرت خدا به او نیرو بخشد!

▣ "خدا را تجلیل کرد" به عنوان خاص در ۳: ۲۳ رجوع کنید.

۲۱: ۴
 "کاملاً اطمینان داشت" NASB
 "کاملاً یقین داشت" NRSV، NKJV
 "کاملاً مطمئن بود" TEV

این «گذشته غیرمعین مجهول وصفی» می باشد، و اطمینان کامل به چیزی (ر.ک. لوقا ۱: ۱؛ کولس ۴: ۱۲) یا به کسی (ر.ک. ۲۱: ۴؛ ۱۴: ۵) را می رساند. «اسم» در مورد اطمینان کامل در کولس ۲: ۲ و ۱: ۵ آمده است. این اعتماد به اراده، کلام و قدرت خدا، به انسان توانایی می دهد مطابق ایمان عمل کند.

□ " آنچه خدا وعده داده بود، قادر به انجام آن نیز بود" این «کامل انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] متوسط [در ظاهر مجهول و در معنی معلوم] اخباری» است، به این معنی که عملی از گذشته تکمیل یافته و به حالت بودن [در حال حاضر] درآمده است. ذات و ماهیت ایمان اینست که انسان به وعده های خدا و شخصیت او اعتماد کند (ر.ک. ۱۶: ۲۵؛ افس ۳: ۲۰؛ یهودا ۲۴) نه به کوشش انسانی (ر.ک. اشعیا ۵۵: ۱۱). ایمان، به خدای وعده ها اعتماد میکند (ر.ک. اشعیا ۵۵: ۱۱) وعده هایی که او به انجام می رساند (پیدا ۱: ۱۲ و ۳-۱؛ ۱۵: ۶، ۱۲-۲۱؛ حز ۳۶: ۲۲-۳۶).

۴: ۲۲ این «کنایه ای» است به پیدا ۱۵: ۶ (ر.ک. آیه ۳)، و نکته کلیدی الهیاتی در استدلال پولس است که خدا چگونه نیکی مطلق خود را به انسان های گناهکار می دهد.

۴: ۲۳-۲۵ این آیات در یونانی یک جمله هستند. به سیر پیشرونده آنها توجه نمایید:

۱. به خاطر ابراهیم، آیه ۲۳
۲. به خاطر همه ایمانداران، آیه ۲۴
۳. به وسیله برخیزانیدن عیسی توسط خدا، آیه ۲۴
۴. عیسی برای گناه ما داده شد (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶)، عیسی برای گناهان ما برخیزانیده شد تا ما بخشیده شویم (پارسا شمرده شدن)، آیه ۲۵

۴: ۲۴ ایمان ابراهیم، الگو و سرمشق همه نسل های حقیقی او شد. ابراهیم گفته خدا را در باره پسر و نسلی که خدا وعده داده بود، باور داشت (به عنوان خاص در ۴: ۵ رجوع کنید). ایمانداران معاهده جدید، باور دارند که عیسی ماشیح، محقق شدن تمامی وعده های خدا به انسان سقوط کرده است. کلمه "ذریه" هم مفرد و هم جمع است (پسری، قومی).

□ برای "برخیزانید" به یادداشت در ۸: ۱۱ مراجعه نمایید.

۴: ۲۵ " [عیسی] که به دلیل گناهان ما تسلیم گردید" این واژه حقوقی بود به معنی "تسلیم کردن برای مجازات". آیه ۲۵، بیان شگرف «مسیح شناسی» از ترجمه هفتاد (LXX) است که از اشعیا ۵۳: ۱۱-۱۲ بر گرفته شده است.

□ "برای نیک شمرده شدن ما برخیزانیده شد" دو عبارت آیه ۲۵ همسان هستند (همان «حرف اضافه» و هر دو «گذشته غیر معین مجهول اخباری» هستند). ترجمه فرانک استاگ (الهیات عهد جدید، ص ۹۷) "به دلیل گناهان ما تسلیم گردید و برخیزانید شد تا آنکه ما پارسا شمرده شویم" بسیار قابل تقدیر است. این تفسیر، آن دو جنبه کاربرد پولس از عبارت "پارسا شمردن" را در بر دارد: (۱) جایگاه استدلال (حقوقی) و (۲) یک زندگی خدا پسندانه و همانند زندگی عیسی مسیح! به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع نمایید.

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. چرا این بخش رومیان اینقدر حائز اهمیت است؟
۲. چرا پولس از ابراهیم و داوود بعنوان مثال استفاده کرد؟
۳. طبق کاربرد پولس، کلمات کلیدی ذیل را تعریف کنید (نه طبق تعریف خودتان)
الف. "نیکی مطلق/ پارسایی" "righteousness"
ب. "محسوب شد" "reckoned"
ج. "ایمان" "faith"
د. "وعده" "promise"
۴. چرا ختنه اینقدر برای یهودیان مهم بود (آیات ۹ - ۱۲)؟
۵. "ذریت" در آیات ۱۳ و ۱۶ به چه کسی اشاره میکند؟

رومیان فصل ۵

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید

JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ⁴
ایمان تضمین نجات است	آشتی با خدا	پی آمدِ پارسا شمردن	ایمان در مشکلات پیروز میشود	نتایج پارسا شمردن
۱۱ - ۱ : ۵	۵ - ۱ : ۵	۵ - ۱ : ۵	۵ - ۱ : ۵	۱۱ - ۱ : ۵
			مسیح به جای ما	
	۱۱ - ۶ : ۵	۱۱ - ۶ : ۵	۱۱ - ۶ : ۵	
آدم و عیسی مسیح	آدم و مسیح	آدم و مسیح، قیاس و تضاد	مرگ از آدم، حیات از مسیح	آدم و مسیح
۱۴ - ۱۲ : ۵	۱۴ - ۱۲ : ۵ ب	۱۴ - ۱۲ : ۵	۲۱ - ۱۲ : ۵	۱۴ - ۱۲ : ۵
	۱۴ : ۵ ج تا ۱۷			
۲۱ - ۱۵ : ۵		۱۷ - ۱۵ : ۵		۲۱ - ۱۵ : ۵
	۱۹ - ۱۸ : ۵	۲۱ - ۱۸ : ۵		
	۲۱ - ۲۰ : ۵			

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را منور ساخته است. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی، وحی نشده است اما کلیدی است برای درک مقصود نویسنده اصلی، و قلب تفسیر درین امر است. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

مفاهیم استنباط شده در متن

الف. آیات ۱ - ۱۱ در یونانی یک جمله هستند. این آیات، مفهوم محوری پولس در "پارسا شدن توسط ایمان" را توسعه می دهند (ر.ک. ۳: ۲۱ - ۴: ۲۵).

ب. عنوان بندی های ممکنه برای آیات ۱ - ۱۱

آیات ۱ - ۹	آیات ۶ - ۸	آیات ۱ - ۵
یقین از نجات در آینده	مبنای نجات	مزایای نجات
یقین از پارسا شمرده شدن در آینده	واقعیات عقلانی پارسا شمرده شدن	تجربیات ذهنی واحساسی پارسا شدن
جلال یافتن	سیر پیشرونده تقدیس شدن	پارسا شمرده شدن
آخرت شناسی	خدانشناسی	مردم شناسی

ج. آیات ۱۲ - ۲۱ بحثی است در مورد عیسی بعنوان آدم ثانی (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۲۱ - ۲۲، ۴۵ - ۴۹؛ فیل ۲: ۶ - ۸) و تأکیدی است بر عقاید الهیاتی در مورد گناه انفرادی و گناهکار بودن جمعی و شراکتی. شیوه پولس در پروراندن موضوع سقوط انسان (و سقوط خلقت) بخاطر آدم، بسیار منحصر به فرد بود و با عقاید رابی ها [عالمین دینی یهود] تفاوت عمده داشت، در حالیکه چشم انداز او در اینکه گناهکار بودن، همگان را در بر می گیرد، با آموزه های رابی ها مطابقت بسیار داشت. این نشان می داد پولس به هنگام وحی، قادر به کاربرد یا ضمیمه ساختن حقایقی بود که از عمالاتیل در زمان تحصیلاتش در اورشلیم آموخته بود (ر.ک. اعما ۲۲: ۳).

آموزه اصلاح گرانه انجیلی پروتستان در مورد گناه اولیه در باب ۳ پیدایش، بوسیله آگوستین و کالوین پرورش و توسعه یافت. این آموزه اساساً می گوید انسان ها گناهکار زاده شده اند (شرارت کامل). مزمور ۵۱: ۵؛ ۵۸: ۳ و ایوب ۱۵: ۱۴؛ ۲۵: ۴ معمولاً بعنوان آیات استنادی از عهد عتیق ذکر می شوند. جایگاه الهیاتی مقابل آن - که انسان ها از لحاظ اخلاقی و روحانی، مسئولیت فزاینده ای برای گزینه ها و سرنوشت خود دارند - توسط پلاجیوس و آرمینیوس پرورش و توسعه یافت. شواهدی برای دیدگاه آنها در تثنیه ۱: ۳۹، اشعیا ۷: ۱۵، یونس ۴: ۱۱، یوحنا ۹: ۴۱، ۱۵: ۲۲، ۲۴، اعمال ۱۷: ۳۰ و روم ۴: ۱۵ وجود دارد. نکته اصلی این جایگاه الهیاتی آنست که کودکان تا سن مسئولیت اخلاقی، بی گناه هستند (رابی ها این سن را برای پسران، ۱۳ ساله و برای دختران ۱۲ ساله تعیین کرده بودند).

جایگاه میانجیگرانه ای هم هست که میگوید گرایش غریزی برای انجام شرارت، و سن مسئولیت اخلاقی، هردو واقعیت دارند! شرارت نه تنها همه را در بر می گیرد، بلکه شرارت ذاتی فرد است که شاخ و برگ می گیرد و منجر به گناه می شود، (زندگی که بیش از پیش از خدا دور می گردد). مسئله، شرارت انسان نیست (ر.ک. پیدا ۶: ۵، ۱۱-۱۲، ۱۳؛ روم ۳: ۹-۱۸، ۲۳)، بلکه زمان ظهور آن - که آیا در بدو تولد است یا سالها بعد.

- د. در مورد نتایج آیه ۱۲ چند تئوری بوده است
۱. همه مردم می میرند زیرا همگی به خواست خود، گناه می کنند (پلاجیوس)
 ۲. گناه آدم بر روی تمامی خلقت اثر گذاشت و در نتیجه همه می میرند (آیات ۱۸-۱۹، آگوستین)
 ۳. در واقع این احتمالاً ترکیبی است از گناه اولیه و گناه عمدی
- ه. مقایسه پولس در عبارت "همان گونه" که با آیه ۱۲ آغاز شد تا آیه ۱۸ پایان نمی گیرد. آیات ۱۳ - ۱۷ توضیحات توجیهی هستند که مشخصه معمول نوشته های پولس است.
- و. ارائه پولس از انجیل را بیاد داشته باشید که ۱: ۱۸ - ۸: ۳۹ یک استدلال جامع و پیوسته است. برای تفسیر و درک بخش های آن، باید تمامی آن را در نظر گرفت.
- ح. مارتین لوتر در مورد فصل ۵ چنین گفته است: "در سراسر کتاب مقدس به سختی می توان فصل دیگری را یافت که بتواند با این متن پیروزمندانه برابری کند."

مطالعه واژگان و عبارات

متن NASB (به روز شده): ۵: ۱ - ۵

۱ بنابراین، چون بوسیله ایمان کاملاً نیک شمرده شده ایم، از طریق خداوندان عیسی مسیح با خدا رابطه صلح آمیز داریم^۲ ما همچنین توسط او، و از راه ایمان، به فیضی دسترسی یافته ایم که در آن پایداریم، و به امید جلال خدا فخر میکنیم.^۳ و نه تنها این، بلکه در سختی هامان نیز فخر میکنیم، چون میدانیم سختی ها بردباری به ثمر می آورد^۴ و بردباری، شخصیت اثبات شده را، و شخصیت اثبات شده، امید را؛^۵ و امید، مایوس نمی سازد، زیرا محبت خدا به وسیله روح القدس که به ما داده شد، در دل های ما ریخته شده است.

۵: ۱ "بنابراین" این کلمه معمولاً نشانه ای بود برای (۱) اختصاری از استدلال الهیاتی تا این مرحله؛ (۲) نتایج بر مبنای این ارائه الهیاتی؛ و (۳) ارائه یک واقعیت جدید (ر.ک. ۵: ۱؛ ۸: ۱؛ ۱۲: ۱).

□ "چون بوسیله ایمان کاملاً نیک شمرده شده ایم" این «گذشته غیرمعین مجهول وصفی» است؛ خدا ایمانداران را کاملاً نیک شناخته است. برای تأکید، آن در مبدأ جمله یونانی قرار گرفته است (آیات ۱-۲). به نظر می رسد در آیات ۱-۱۱ ترتیب زمانی وجود دارد: (۱) آیات ۱ - ۵، تجربه کنونی ما از فیض؛ (۲) آیات ۶-۸، کار تکمیل شده مسیح به جای ما؛ و (۳) آیات ۹-۱۱، امید آینده ما و اطمینان نجات. به عنوان بندی "ب" در «مفاهیم استنباط شده در متن» رجوع کنید.

زمینه عبارت "پارسا شده" در عهد عتیق (*dikaioō*) ، "کناره و لبه راست" یا "نی بوریا برای اندازه گیری" بود. کاربرد این کلمه بعد ها بطور استعاره برای خود خدا بود. به عنوان خاص "نیکی مطلق در ۱: رجوع نمایید. شخصیت خدا یعنی قدوسیت، تنها محک داوری است (ر.ک. LXX [ترجمه هفتاد] لاویان ۲۴: ۲۲ ؛ و به لحاظ الهیاتی در متی ۵: ۴۸). به دلیل مرگ قربانی وار و جانشین شونده عیسی، ایمانداران، جایگاه حقوقی (استدلالی و منطقی) استواری در برابر خدا دارند (به یادداشت در ۵: ۲ رجوع کنید). منظور در اینجا بی تقصیری ایماندار نیست، بلکه وضعیتی همانند عفو عمومی است. شخص دیگری توان و جریمه را پرداخته است (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۲۱). ایمانداران بخشوده اعلام شده اند (ر.ک. آیات ۹ و ۱۰).

□ **"بوسیله ایمان"** ایمان آن دستی است که هدیه خدا را می پذیرد (ر.ک. آیه ۲؛ روم ۴: ۱ به بعد). ایمان به درجه سرسپردگی یا عزم ایماندار توجهی ندارد (ر.ک. متی ۱۷: ۲۰)، بلکه به شخصیت و وعده های خدا چشم دوخته است (ر.ک. افس ۲: ۸-۹). کلمه عهد عتیق برای "ایمان" در اصل به کسی اشاره میکرد که به حالت استوار ایستاده است. بعد ها در استعاره به کسی اطلاق می شد که وفادار و قابل اعتماد بود و می شد رویش حساب کرد. تمرکز ایمان، بر روی وفاداری یا قابل اعتماد بودن ما نیست، بلکه بر روی همین صفات در خدا است. به عنوان خاص ایمان در ۴: ۵ رجوع نمایید.

□ **"رابطه صلح آمیز داریم"** تفاوتی در میان نسخه های خطی یونانی درین جا وجود دارد. این «فعل» یا «حال متعدی التزامی» (*echōmen*) ، یا «حال متعدی اخباری» (*echomen*) است. همین ابهام دستوری در آیات ۱، ۲ و ۳ دیده می شود. به نظر می رسد نسخه های خطی باستانی یونانی از «وجه التزامی» حمایت کنند (ر.ک. نسخه های خطی α^* ، A ، B* ، C ، D). اگر «وجه التزامی» باشد، باید اینطور ترجمه شود: "بیباید در برخورداری از صلح ادامه دهیم" یا "به برخورداری از صلح ادامه دهیم". اگر «اخباری» است، ترجمه اش در آنصورت "صلح داریم" می باشد. چارچوب آیات ۱-۱۱ تشویق برای کاری نیست، بلکه اعلام آنچه است که ایمانداران هستند و بوسیله مسیح دارند. ازین رو، احتمالاً این فعل «حال متعدی اخباری» "صلح داریم" است. ⁴UBS این گزینه را در درجه "الف" (یقین) قرار میدهد. بسیاری از نسخه های یونانی باستانی ما به این طریق نوشته شدند که یک نفر متن را می خوانده است و چند نفر دیگر می نوشتند (نسخه برداری). کلماتی که یکسان تلفظ می شدند اغلب اشتباه گرفته می شدند. درین جا است که چارچوب متن، و گاه شیوه نوشتار و واژه های معمول نویسنده، به گزینه ها در ترجمه یاری می دهند.

□ **"صلح"** به عنوان خاص ذیل رجوع کنید.

عنوان خاص: صلح [آرامش]

این کلمه یونانی در اصل معنی اش این بود: "به هم بستن چیزی که شکسته بوده" (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۲۷ ؛ ۱۶: ۳۳ ؛ فیل ۴: ۷). عهد جدید به سه نوع در مورد صلح صحبت می کند:

۱. جنبه منطقی صلح ما با خدا بوسیله مسیح (ر.ک. کولس ۱: ۲۰)
۲. جنبه ذهنی و احساسی رابطه درست ما با خدا (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۲۷ ؛ ۱۶: ۳۳ ؛ فیل ۴: ۷)
۳. اینکه خدا، توسط مسیح، ایمانداران یهودی و غیر یهودی را با یکدیگر در بدنی جدید متحد ساخته است (ر.ک. افس ۲: ۱۴ - ۱۷ ؛ کولس ۳: ۱۵). هنگامی که با خدا وارد صلح می شویم، این رابطه باید به صلح با دیگران بیانجامد! رابطه عمودی (با خدا) باید افقی (با مردم) نیز باشد.

«کتاب راهنمای مترجم در مورد نامه پولس به رومیان»، اثر نیومن و نیدا ، ص ۹۲، اشاره قابل توجهی در مورد "صلح" دارد:

"هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید، کلمه صلح [آرامش] دارای معنی بسیار گسترده است. اساساً معنی آن، وضع خوب و مطلوب زندگی شخص است؛ این کلمه را یهودیان حتی برای سلام گفتن استفاده می کردند، و دارای معنی چنان عمیقی بود که یهودیان آنرا برای توصیف نجات بوسیله ماشیح نیز به کار می بردند. به این دلیل، اوقاتی هست که آن تقریباً مترادف با عبارتی استفاده می شود که گویای "در ارتباط درست با خدا بودن" است. درینجا به نظر می رسد کاربرد این واژه در توصیف رابطه هماهنگی که بین خدا و انسان برقرار شده است می باشد، براین مبنا که خدا رابطه انسان را با خود تصحیح و درست کرده است" (ص ۹۲)

□ "از طریق خداوندان عیسی مسیح با خدا" عیسی عاملی است که صلح را با خدا به همراه می آورد. عیسی تنها راه صلح با خدا است (ر.ک. یوحنا ۱۰: ۷-۸؛ ۱۴: ۶؛ اعم ۴: ۱۲؛ ۱ تیمو ۲: ۵). برای واژه ها در عنوان عیسی مسیح، به یادداشت ها در ۱: ۴ رجوع کنید.

۵: ۲ "دسترسی یافته ایم" این «کامل متعدی اخباری» است؛ به عملی در گذشته رجوع دارد که به انجام رسیده است و نتیجه کنونی آن "وضعیت بودن" است. کلمه "دسترسی" به صورت تحت اللفظی به معنی "دسترسی و دستیابی" یا "پذیرفته شدن" (*prosagōge* ر.ک. افس ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۲) بود. بعدها در استعاره، این کاربردها را داشت: (۱) شخصاً به درباریان معرفی شدن یا (۲) به سلامت به بندرگاه آورده شدن.

این عبارت در نسخه های خطی یونانی تفاوت هایی دارد. بعضی نسخه های باستانی "بوسیله ایمان" را اضافه می کردند (ر.ک. \aleph^2 ، C، و بعضی نسخه های لاتینی قدیم، ولگیت، سریانی و قبطی). نسخه های خطی دیگر «حرف اضافه ای» به "بوسیله ایمان" اضافه میکنند (ر.ک. \aleph^1 ، A، و بعضی نسخه های ولگیت). اما نسخه های خطی آنشیل [تنها با حروف درشت] B، D، F، و G، آنرا کاملاً حذف کرده اند. به نظر می رسد کاتبان صرفاً تشابهات ۵: ۱ و ۴: ۱۶ (دو بار)، ۱۹، و ۲۰ را گنجانده و پُر کرده اند. "بوسیله ایمان"، مضمونی است که پولس مکرراً بکار می برد!

□ "به فیضی" این کلمه (*charis*) به معنی آن محبت خداست که مستحق اش نیستیم، از ما هیچ انتظاری در مقابل ندارد، و شایسته آن نمی باشیم (ر.ک. افس ۲: ۴-۹). این محبت به وضوح در مرگ مسیح به جای انسان های گناهکار، دیده می شود (ر.ک. آیه ۸).

□ "که در آن پایداریم" این یک «کامل متعدی اخباری» دیگر است، با این معنی تحت اللفظی: "پایداریم و به پایداری ادامه خواهیم داد". این جایگاه الهیاتی ایمانداران را در مسیح، و تعهد آنها را به باقی ماندن در ایمان نشان می دهد، که ترکیبی است از پارادوکس الهیاتی [دو واقعیت ظاهراً متضاد و در واقع همخوان و یگانه]: ۱- حاکمیت خدا (ر.ک. ۱ قرن ۱۵) و ۲- اراده آزاد بشر (ر.ک. افس ۶: ۱۱، ۱۳، ۱۴).

عنوان خاص: ایستادن [پایداری] (HISTĒMI)

این کلمه معمول، در عهد جدید به چند معنی الهیاتی به کار رفته است

۱. برقرار ساختن

۱-۱ شریعت عهد عتیق، روم ۳: ۳۱

۲-۱ پارسایی خود شخص، روم ۱۰: ۳

۳-۱ معاهده جدید، عبر ۱۰: ۹

۴-۱ مأموریت، ۲ قرن ۱۳: ۱

۵-۱ حقیقت خدا، ۲ تیمو ۲: ۱۹

۲. مقاومت در برابر روحانیت

۱-۲ شریر، افس ۶: ۱۱

۲-۲ روز داوری، مکا ۶: ۱۷

۳. مقاومت بوسیله ایستادگی و پابرجایی

۱-۳ استعاره نظامی، افس ۶: ۱۴

۲-۳ استعاره مدنی، روم ۱۴: ۴

۴. جایگاه در واقعیت، یوحنا ۸: ۴۴

۵. جایگاه در فیض

۱-۵ روم ۵: ۲

۲-۵ ۱ قرن ۱۵: ۱

۳-۵ ۱ پطر ۵: ۱۲

۶. جایگاه در ایمان

۱-۶ روم ۱۱: ۲۰

۲-۶ ۱ قرن ۷: ۳۷

۳-۶ ۱ قرن ۱۵: ۱

۴-۶ ۲ قرن ۱: ۲۴

۷. جایگاه خودبینی و تکبر، ۱ قرن ۱۰: ۱۲

این کلمه، هم تبیین فیض و رحمت خدای حاکم بر پایه معاهده است، و هم این واقعیت که ایمانداران باید به

آن لبیک بگویند و با ایمان به آن بچسبند! هر دو، حقایق کتب مقدسی هستند. باید به هر دوی آنها معتقد بود!

□ **"فخر می کنیم"** شکل دستوری عبارت مذکور می تواند این حالات باشد (۱) «حال انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] متوسط (در ظاهر مجهول و در معنی معلوم) اخباری» "فخر می کنیم" یا (۲) «حال انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] متوسط (در ظاهر مجهول و در معنی معلوم) التزامی» "ببایید فخر کنیم." دانشوران دو نظر مخالف در مورد این گزینه ها دارند. اگر کلمه "داریم" در آیه ۱ «اخباری» فرض شود، آن موقع ترجمه تا آیه ۳ باید همخوان باشد.

ریشه کلمه "فخر (exult)"، کلمه "فخر کردن" (boasting) است - JB، NRSV. به عنوان خاص در ۲: ۱۷ رجوع کنید. ایمانداران به خود فخر نمی کنند (ر.ک. ۳: ۲۷) بلکه به آنچه خداوند برایشان انجام داده است (ر.ک. ار. ۹: ۲۳ - ۲۴). همین ریشه یونانی در آیات ۳ و ۱۱ تکرار شده است.

□ "به امید" پولس اغلب این کلمه را به چند معنی مختلف اما مرتبط به کار می برد. به یادداشت در ۴: ۱۸ رجوع کنید. این اغلب در ارتباط با به انجام رسیدن باور ایماندار بود. تبیین این می تواند جلال، حیات جاودان، نجات نهایی، بازگشت دوباره یا غیره باشد. به انجام رسیدن آن امری یقین است، اما زمان آن در آینده است و مشخص نمی باشد. این کلمه اغلب به "ایمان" و "محبت" ارتباط داده شده است (ر.ک. ۱ قرن ۱۳: ۱۳؛ ۵: ۵ - ۶؛ افس ۴: ۲ - ۵؛ ۱ تسالونی ۳: ۱؛ ۵: ۸). فهرست ذیل تعدادی از کاربردهای پولس است.

۱. بازگشت دوباره، غلا ۵: ۵؛ افس ۱: ۱۸؛ تیطس ۲: ۱۳
۲. عیسی امید ما است، ۱ تیمو ۱: ۱
۳. ایماندار در حضور خدا ارائه خواهد شد، کولس ۱: ۲۲-۲۳؛ ۱ تسالونی ۲: ۱۹
۴. امید در آسمان نهاده خواهد شد، کولس ۱: ۵
۵. نجات نهایی، کولس ۴: ۱۳
۶. جلال خدا، روم ۵: ۲؛ ۲ قرن ۳: ۱۲؛ کولس ۱: ۲۷
۷. اطمینان از نجات، ۱ تسالونی ۵: ۸ - ۹
۸. حیات جاودان، تیطس ۱: ۲؛ ۳: ۷
۹. نتایج بالغ شدن در مسیحیت، روم ۵: ۲ - ۵
۱۰. فدیة تمامی خلقت، روم ۸: ۲۰ - ۲۲
۱۱. عنوانی برای خدا، ۱۵: ۱۳
۱۲. به انجام رسیدن فرزند خواندگی، روم ۸: ۲۳ - ۲۵
۱۳. عهد عتیق بعنوان راهنمای ایمانداران عهد جدید، روم ۱۵: ۴

□ "جلال خدا" این عبارت یک اصطلاح عهد عتیق برای حضور شخصی خدا است. این اشاره بود به جایگاه ایماندار در برابر خدا، با نیکی کامل حاصله از ایمان - نیکی کاملی که عیسی در «روز قیامت» فراهم خواهد کرد (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۲۱). کلمه الهیاتی "جلال یافتن" اغلب به این موضوع اطلاق می شود (ر.ک. آیات ۹ - ۱۰؛ ۸: ۳۰). ایمانداران در شباهت عیسی، شریک می گردند (ر.ک. ۱ یوحنا ۳: ۲؛ ۲ پطرس ۱: ۴). به عنوان خاص «جلال» در ۳: ۲۳ رجوع نمایید.

۳: ۵

NASB "و نه تنها این، بلکه"

NKJV "و نه تنها آن، بلکه"

NRSV "و نه تنها آن، بلکه"

TEV - حذف شده -

NJB "نه تنها آن"

پولس این ترکیب کلمات را چند بار به کار می برد (ر.ک. ۵: ۳، ۱۱؛ ۸: ۲۳؛ ۹: ۱۰ و ۲ قرن ۸: ۱۹)

□

NASB "در سختی هاما نیز فخر می کنیم"

NKJV "در سختی ها نیز فخر می کنیم"

NRSV "در رنجها مان نیز مباحثات می کنیم"

TEV "در زحمات مان نیز مباحثات می کنیم"

NJB "بیانید تا در مشقات مان نیز فخر کنیم"

اگر جهان از عیسی تنفر داشته است، از پیروان او نیز تنفر خواهد داشت (ر.ک. متی ۱۰: ۲۲؛ ۲۴: ۹؛ یو ۱۵: ۱۸ - ۲۱). عیسی از لحاظ انسانی، بوسیله مشقات خود بلوغ یافت (ر.ک. عبر ۵: ۸). رنج کشیدن، نیکی کامل را ایجاد میکند که نقشه خدا برای هر یک از ایمانداران است (ر.ک. ۸: ۱۷ - ۱۹؛ اعا ۱۴: ۲۲؛ یعقو ۱: ۲ - ۴؛ ۱ پتر ۴: ۱۲ - ۱۹).

□ "می دانیم" این «کامل وصفی» از "oida" است که در شکل، «کامل» است، اما به عنوان «زمان حال» عمل می کند. درک ایمانداران از حقایق انجیل در تعامل شان با رنج و مشقات، به آنها اجازه میدهد با شادی و اطمینانی با زندگی روبرو شوند که دستخوش شرایط نیست - حتی در حین جفا دیدن (ر.ک. فیل ۴: ۴؛ ۱ تس ۵: ۱۶، ۱۸).

۵: ۳ "سختی ها" به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: "سختی ها"

تفاوت الهیاتی باید بین کاربرد پولس از این کلمه (*thlipsis*) و کاربرد یوحنا، قائل شد:

۱. کاربرد پولس (که پرتوی از کاربرد عیسی است)

الف. مشکلات، مشقات، شرارتی که در جهان سقوط کرده در کار است

۱-۱ متی ۱۳: ۲۱

۲-۱ روم ۵: ۳

۳-۱ ۱ قرن ۷: ۲۸

۴-۱ ۲ قرن ۷: ۴

۵-۱ افس ۳: ۱۳

ب. مشکلات، مشقات، شرارت ایجاد شده بوسیله بی ایمانان

۱-۱ روم ۵: ۳؛ ۸: ۳۵؛ ۱۲: ۱۲

۲-۱ ۲ قرن ۱: ۴، ۸؛ ۶: ۴؛ ۷: ۴؛ ۸: ۲، ۱۳

۳-۱ افس ۳: ۱۳

۴-۱ فیل ۴: ۱۴

۵-۱ ۱ تس ۱: ۶

۶-۱ ۲ تس ۱: ۴

ج. مشکلات، مشقات، شرارت زمان آخر

۱-۱ متی ۲۴: ۲۱، ۲۹

۲-۱ مرقس ۱۳: ۱۹، ۲۴

۳-۱ ۲ تس ۱: ۶ - ۹

۲. کاربرد یوحنا

الف. یوحنا در مکاشفه، تفاوت مشخصی بین *thlipsis* و *orgē* یا *wrath) thumos* قائل می شود.

Thlipsis آن چیزهایی است که بی ایمانان نسبت به ایمانداران انجام می دهند و *orgē* آن

چیزهایی است که خدا به بی ایمانان روا می دارد.

۱-۱ - *Thlipsis* - مکا: ۱: ۹؛ ۲: ۹-۱۰، ۲۲؛ ۷: ۱۴

۲-۱ - *orgē* - مکا: ۶: ۱۷-۱۶؛ ۱۱: ۱۸؛ ۱۶: ۱۹؛ ۱۹: ۱۵

۳-۱ - *thumos* - مکا: ۱۲: ۱۲؛ ۱۴: ۸، ۱۰، ۱۹؛ ۱۵: ۲، ۷؛ ۱۶: ۱؛ ۱۸: ۳

ب. کاربرد یوحنا از این کلمه در انجیل خود نیز در اشاره به مشکلاتی است که ایمانداران در هر عصر با آنها روبرو می‌شوند - یوحنا ۱۶: ۳۳.

۵: ۳، ۴ "بردباری" معنی این کلمه، "داوطلبانه"، "فعال"، "پایدار" و "استقامت" بود. این واژه ای در ارتباط با تحمل مردم، و نیز شرایط بود. به عنوان خاص در ۸: ۲۵ رجوع نمایید.

۴: ۵

NASB "شخصیت اثبات شده"

NRSV،NKJV "شخصیت"

TEV "تصویب خدا"

NJB "شخصیت آزمایش شده"

در [ترجمه هفتاد] LXX در پیدا ۲۳: ۱۶؛ ۱ پاد ۱۰: ۱۸؛ ۱ توا ۲۸: ۱۸ این کلمه برای تشخیص خالص بودن و اصلی بودن فلزات بکار برده می‌شد (۲ قرن ۲: ۹؛ ۸: ۲؛ ۹: ۱۳؛ ۱۳: ۳؛ فیل ۲: ۲۲؛ ۲ تیمو ۲: ۱۵؛ یعقوب ۱: ۱۲). آزمون های خدا همیشه به منظور قوی ساختن است (ر.ک. عبر ۱۲: ۱۰ - ۱۱)! به عنوان خاص "آزمودن" در ۲: ۱۸ رجوع نمایید.

۵: ۵ " زیرا محبت خدا در دل‌های ما ریخته شده است " این «کامل مجهول اخباری» با این معنی تحت اللفظی است: "محبت خدا ریخته شده است و به ریخته شدن ادامه می‌دهد". این فعل اغلب در مورد روح القدس به کار میرفت (ر.ک. اعا ۲: ۱۷، ۱۸، ۳۳؛ ۱۰: ۴۵ و تیطس ۳: ۶)، که ممکن است پرتوی از یوئیل ۲: ۲۸ - ۲۹ باشد.

«عبارت ملکی» "محبت خدا" از لحاظ دستوری می‌تواند اشاره باشد به (۱) محبت ما برای خدا؛ یا (۲) محبت خدا برای ما (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۴). تنها گزینه در این متن، دومین عبارت است.

□ " روح القدس که به ما داده شد " این «گذشته غیرمعین مجهول وصفی» است. کاربرد «وجه مجهول» اغلب برای تبیین خدا به عنوان عامل است. معنای ضمنی آن اینست که ایمانداران احتیاجی به مقدار بیشتری از روح [القدس] ندارند. آنها یا روح [القدس] را دارند، یا مسیحی نیستند (ر.ک. ۸: ۹). اعطای روح [القدس] نشانه «عصر جدید» (ر.ک. یوئیل ۲: ۲۸ - ۲۹)، و «معاهده جدید» بود (ر.ک. یو ۳۱: ۳۱ - ۳۴؛ حز ۳۶: ۲۲ - ۳۲).

□ به حضور سه اقنوم تثلیث در این پاراگراف توجه نمایید.

۱. خدا، آیات ۱، ۲، ۵، ۸، ۱۰

۲. عیسی، آیات ۱، ۶، ۸، ۹، ۱۰

۳. روح [القدس]، آیه ۵

به عنوان خاص: "تثلیث" در ۸: ۱۱ رجوع کنید.

۶ زیرا هنگامی که هنوز ناتوان بودیم ، مسیح در زمان مقتضی به خاطر خدانشناسان جان داد. ۷ حال آنکه به ندرت ممکن است کسی به خاطر انسانی پارسا از جان خود بگذرد، هر چند ممکن است کسی را این شهامت باشد که جان خود را برای انسانی نیک بدهد. ۸ اما خدا محبت خود را به ما ثابت می کند، به این صورت که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. ۹ پس چقدر بیشتر، اکنون که توسط خون او کاملاً نیک شمرده شده ایم، به واسطه او از غضب نجات خواهیم یافت. ۱۰ زیرا اگر هنگامی که دشمن بودیم، به واسطه مرگ پسرش با خدا آشتی داده شدیم، چقدر بیشتر اکنون که در آشتی هستیم، به وسیله حیات او نجات خواهیم یافت. ۱۱ نه تنها این، بلکه ما به واسطه خداوند مان عیسی مسیح، که اکنون توسط او آشتی را دریافت کرده ایم، در خدا نیز فخر می کنیم.

۵: ۶

NASB	"زیرا هنگامی که هنوز ناتوان بودیم"
NKJV	"زیرا هنگامی که هنوز بدون نیرو بودیم"
NRSV	"زیرا هنگامی که هنوز ضعیف بودیم"
TEV	"زیرا هنگامی که هنوز درمانده بودیم"
NJB	"هنگامی که هنوز درمانده بودیم"

این فعل «حال وصفی» است، و به ذات سقوط کرده بشری که خاستگاهش از آدم بود، رجوع داشت. انسان در برابر گناه نیرویی ندارد. ضمیر "ما" ، توضیحی است برای «اسم» توصیفی در قسمت دوم آیه ۶ "خدا ناشناسان" ، آیه ۸ "گناهکاران" ، و آیه ۱۰ "دشمنان" ، و همسان آن آمده است. آیات ۶ و ۸ از لحاظ الهیاتی و ساختاری همسان هستند.

□

NRSV،NASB	"در زمان مقتضی"
NKJV	"در زمان مقرر"
TEV	"در زمانی که خدا انتخاب نمود"
JB	"در زمان مقرر او"

از لحاظ تاریخی این می تواند اشاره باشد به (۱) صلح رومی که مسافرت را مجاز و آزاد ساخته بود؛ (۲) زبان یونانی که ارتباطات بین فرهنگی را ممکن می ساخت؛ و (۳) زوال خدایان یونانی و رومی، دنیایی را ایجاد کرده بود که در انتظار بود و تشنگی روحانی داشت (مر ۱: ۱۵؛ غلا ۴: ۴؛ افس ۱: ۱۰؛ تیطس ۱: ۳). از لحاظ الهیاتی، جسم پوشیدن، رویدادی برنامه ریزی شده و الهی بود (رک. لو ۲۲: ۲۲؛ اعما ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ افس ۱: ۱۱).

۵: ۶ ، ۸ ، ۱۰ "برای خدانشناسان جان داد" این «گذشته غیرمعین متعدی اخباری» است. این دیدگاه، زندگی و مرگ عیسی را بعنوان یک رویداد وحدت یافته تلقی می کرد. "عیسی بدهی ای را پرداخت که مدیون آن نبود و ما بدهی ای داشتیم که قادر به پرداخت آن نبودیم" (رک. غلا ۳: ۱۳؛ ۱ یو ۴: ۱۰). مرگ مسیح در نوشته های پولس مضمونی است که مکرراً دیده می شود. او از کلمات و عبارات مختلف در رجوع به مرگ جانشین شونده عیسی، استفاده کرده است:

۱. "خون" (ر.ک. ۳: ۲۵؛ ۵: ۹؛ ۱ قرن ۱۱: ۲۵، ۲۷؛ افس ۱: ۷؛ ۲: ۱۳؛ کولس ۱: ۲۰)
۲. "او خود را تسلیم نمود" (ر.ک. افس ۵: ۲، ۲۵)
۳. "تسلیم گردید" (ر.ک. روم ۴: ۲۵؛ ۸: ۳۲)
۴. "قربانی" (ر.ک. ۱ قرن ۵: ۷)
۵. "جان داد" (ر.ک. روم ۵: ۶؛ ۸: ۳۴؛ ۱۴: ۹، ۱۵؛ ۱ قرن ۸: ۱۱؛ ۱۵: ۳؛ ۲ قرن ۵: ۱۵؛ غلا ۵: ۲۱؛ ۱ تسالونی ۴: ۱۴؛ ۵: ۱۰)
۶. "صلیب" (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۱۷-۱۸؛ غلا ۵: ۱۱؛ ۶: ۱۲-۱۴؛ افس ۲: ۱۶؛ فیل ۲: ۸؛ کولس ۱: ۲۰؛ ۲: ۱۴)
۷. "به صلیب کشیدن" (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۲۳؛ ۲: ۲؛ ۲ قرن ۱۳: ۴؛ غلا ۳: ۱)

آیا «حرف اضافه» *huper* درین متن، به معانی ذیل است:

۱. نمایندگی، "از طرف ما"
۲. جانشینی، "به جای ما"

معمولاً مفهوم اساسی *huper* در همراهی با «وجه ملکی»، "از طرف" می باشد (لواو و نیدا). این کلمه امتیازی را تبیین می کند که به اشخاص تعلق می گیرد (فرهنگ نوین بین المللی الهیات عهد جدید، جلد ۳، ص ۱۱۹۶). اما، *huper* همان مفهوم *anti* را ندارد. "به جای" را می رساند؛ پس از لحاظ الهیاتی به "کفارہ نیابتی جانشین شونده" اشاره دارد (ر.ک. مر ۱۰: ۴۵؛ یوحنا ۱۱: ۵۰؛ ۱۸: ۱۴؛ ۲ قرن ۵: ۱۴؛ ۱ تیمو ۲: ۶). ا. ج. هریس (NIDOTTE، جلد ۳، ۲، ۱۱۹۷) می گوید، "چرا پولس هرگز نمی گوید که مسیح *anti hēmōn* جان داد؟ (۱ تیمو ۲: ۶ نزدیک ترین کاربرد اوست - *antilutron huper pantōn*) شاید به این خاطر است که حرف اضافه *huper*، برخلاف *anti*، می تواند به طور همزمان، تبیین نمایندگی و جانشین شدن باشد."

ام. آر. وینسنت، در بررسی واژه گان، جلد ۲، چنین می گوید:

"بحث های بسیاری صورت گرفته درین که آیا *huper* (از طرف) ، هیچگاه به همان معنی *anti* (در جای) است. نویسندگان کلاسیک روم و یونان باستان، مواردی را ارائه می کنند که این معانی با یکدیگر مبادله می شده اند ... لکن مفهوم این بخش به قدری نا مشخص است که نمی توان آن را انصافاً بعنوان شواهد متذکر شد. این حرف اضافه ممکن است معنی محلی داشته باشد - بفرز مردگان. هیچیک از این بخش های متن را نمی توان قطعی شمرد. آنچه می توان گفت اینست که *huper* به معنی *anti* بسیار نزدیک است. بر پایه الهیات نظری، "به جای" قویاً ارائه میشود. در اکثریت پرشمار بخش های متون، معنی واضحاً "به خاطر" و "از طرف" می باشد. به نظر می رسد توضیح واقعی اینست که بخش های متن که در درجه اول مورد سؤال هستند، بخصوص آنهایی که مرتبط با مرگ مسیح هستند، به مثال غلا ۳: ۱۳؛ روم ۱۴: ۱۵؛ ۱ پتر ۳: ۱۸، *huper* جنبه غیرمعین تر و عمومی تر را ارائه می کند - مسیح از طرف ... جان داد - و مفهوم خاص آنرا نامشخص برجا می گذارد، تا آنکه بوسیله بخش های دیگر متن مشخص گردد. معنی "به جای"، ممکن است در آن گنجانیده باشد، اما صرفاً استنتاجی است" (ص ۶۹۲).

۵: ۷ این آیه محبت انسانی را نشان می دهد، در حالیکه آیه ۸ محبت خدایی را!



NKJV، NASB

"به خاطر انسانی پارسا"

TEV

"به خاطر شخصی پارسا"

NRSV

این کلمه به همان معنی استفاده می شد که در مورد نوح و ایوب بعنوان مردان پارسا یا بی عیب مصداق داشت. آنان از فرایض دینی روزگار خود پیروی می کردند. این بی گناه بودن را نمی رساند. به عنوان خاص ۱: ۱۷ رجوع نمایید.

۵: ۸ "خدا محبت خود را ثابت می کند" این «حال متعدی اخباری» است (ر.ک. ۳: ۵). پدر، پسر را فرستاد (ر.ک. ۸: ۳، ۳۲؛ ۲ قرن ۵: ۱۹). محبت خدا احساسات نیست، بلکه عمل کننده است (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ ۱ یوحنا ۴: ۱۰) و پایدار می باشد.

۹: ۹ "چقدر بیشتر" این یکی از اصطلاحات مورد علاقه پولس بود (ر.ک. آیات ۱۰، ۱۵، ۱۷). اگر خدا ایمانداران را در حالیکه هنوز گناهکار بودند، آنقدر دوست داشت، چقدر بیشتر اکنون که فرزندان او هستند آنها را دوست می دارد (ر.ک. ۵: ۱۰؛ ۸: ۲۲).

□ "اکنون که کاملاً نیک شمرده شده ایم" این «گذشته غیرمعین مجهول وصفی» است که تأکید می کرد پارسا شمردن، عملی است تکمیل شده که خدا آنرا به انجام رسانیده است. پولس واقعیت آیه ۱ را دارد تکرار می کند. همچنین همسانی کلمات "پارسا شمرده شده" (آیه ۹) و "آشتی داده شده" (آیات ۱۰-۱۱) را در نظر بگیرید.

□ "توسط خون او" این رجوعی بود به مرگ قربانی دهنده مسیح (ر.ک. ۳: ۵؛ مرقس ۱۰: ۴۵؛ ۲ قرن ۵: ۲۱). این عقیده در مورد قربانی، بعنوان یک زندگی معصوم که به عوض زندگی یک گناهکار نثار شده، به لاویان ۱-۷ و احتمالاً به خروج ۱۲ برمیگردد (برّه فصح)، و از لحاظ الهیاتی در اشعیا ۵۳: ۴-۶ به عیسی کاربرد داده شده است. آن در کتاب عبرانیان از لحاظ «مسیح شناسی» پرورش و تکامل یافته است. عبرانیان در واقع به مقایسه چندین نکته در عهد عتیق و جدید پرداخته است.

□ "نجات خواهیم یافت" این «آینده مجهول اخباری» است (ر.ک. آیه ۱۰). اشاره آن به نجات نهایی ما است، که "جلال بخشیدن" خوانده شده است (ر.ک. آیه ۲؛ ۸: ۳۰؛ ۱ یوحنا ۳: ۲).

عهد جدید نجات را در تمامی زمان های «فعل» بیان می کند:

۱. یک عمل به اتمام رسیده (گذشته مطلق)، اعما ۱۵: ۱۱؛ روم ۸: ۲۴؛ ۲ تیمو ۱: ۹، تیطس ۳: ۵

۲. عملی در گذشته که به وضعیت کنونی انجامیده است (نقلی)، افس ۲: ۵، ۸

۳. فرایند پیشرونده («حال»)، ۱ قرن ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲؛ ۲ قرن ۲: ۱۵؛ ۱ تسلا ۴: ۱۴؛ ۱ پتر ۳: ۲۱

۴. به انجام و اتمام رسیدن در آینده («آینده»)، روم ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹.

به عنوان خاص در ۱۰: ۱۳ رجوع نمایید. نجات با یک تصمیم اولیه آغاز می شود اما به رابطه ای مبدل می گردد که روزی به نهایت کمال خود خواهد رسید. این مفهوم اغلب توسط سه واژه الهیاتی توصیف می شود: پارسا شمرده شدن، که معنی آن "رهایی یافتن از مجازات گناه" است؛ تقدیس، که به معنی "رهایی یافتن از قدرت گناه" است، و جلال بخشیده شدن، که معنی آن "رهایی یافتن از حضور گناه" است.

قابل توجه است که پارسا شمردن و تقدیس، هر دو اعمال فیض آمیز خدا می باشند که از طریق ایمان به مسیح، به ایماندار اعطا می شوند. اما عهد جدید، تقدیس را نیز بعنوان روندی ادامه دار به منظور "شبیه به مسیح" شدن ذکر می کند. ازین رو، دانشمندان الهیات از "تقدیس جایگاهی" و "تقدیس پیشرو" سخن می گویند. این رمز یک نجات رایگان می باشد که متصل و همگام با زندگی خدا پسندانه است!

□ "از غضب خدا /" چارچوب این متن مربوط به «آخرت» می باشد. کتاب مقدس از محبت عظیم خدا سخن می گوید که ما مستحق و شایسته آن نیستیم، اما در عین حال صریحاً مخالفت پابرجای خدا با گناه و نافرمانی را نیز اعلام می کند. خدا راه نجات و بخشش را توسط مسیح فراهم کرده است اما آنانی که «او» را رد کنند، مورد غضب هستند (ر.ک. ۱: ۱۸ - ۳: ۲۰). این عبارتی است که صفت انسانی را به خدا نسبت می دهد، لکن واقعیت را میگوید. امر هولناکی است که شخص به دست خدای غضبناک بیفتد (عبر ۱۰: ۳۱).

۵: ۱۰ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض شده است. انسان، اشرف مخلوقات خدا، مبدل به دشمن شد! انسان (ر.ک. پیدا ۳: ۵) و شیطان (ر.ک. اش ۱۴: ۱۴؛ حز ۲۸: ۲، ۱۲ - ۱۷) همان مشکل را داشتند، یعنی خواستار استقلال، کنترل، و مقام خدایی بودند.

□ "با خدا آشتی داده شدیم... در آشتی هستیم" این جمله، هم «گذشته غیرمعیّن مجهول اخباری» و هم «گذشته غیرمعیّن مجهول وصفی» است. «فعل» «در آشتی هستیم» در اصل به معنی "مبادله کردن" بود. خدا گناه ما را با نیکی مطلق عیسی مبادله کرده است (ر.ک. اشعیا ۵۳: ۴-۶). صلح دوباره برقرار شده است (ر.ک. آیه ۱)!

□ "به واسطه مرگ پسرش" انجیل حاوی بخشش، بر این مبانی استوار است (۱) محبت خدا؛ (۲) کار مسیح؛ (۳) مجذوب ساختن توسط روح [القدس] و (۴) ایمان / لیبیک توبه آمیز فرد. راه دیگری برای داشتن رابطه صحیح با خدا وجود ندارد (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۶). اطمینان نجات بر مبنی شخصیت خدای تثلیث است نه بر کارهایی که انسان انجام دهد! پارادوکس [تضاد در ظاهر و همخوانی در واقع] این است که کردار انسان پس از نجات او، دلیل بر نجات رایگان است (ر.ک. یعقوب و ۱ یوحنا).

□ "نجات خواهیم یافت" عهد جدید در مورد نجات به صورت گذشته، حال و آینده صحبت می کند. در اینجا، آینده در رجوع به نجات نهایی و کامل ما در زمان بازگشت ثانوی است. به یادداشت در آیه ۹ و عنوان خاص در ۱۰: ۱۳ رجوع نمایید.

□ "به وسیله حیات او" این کلمه یونانی برای حیات، *zoa* است. این واژه در نوشته های یوحنا همیشه به حیات پس از رستاخیز، حیات ابدی، یا حیات در پادشاهی [خدا] رجوع می کرد. پولس نیز آنرا با این مفهوم الهیاتی به کار می برد. نکته اصلی این متن این است: از آنجا که خدا چنین بهای گزافی برای بخشش ایمانداران پرداخت، مطمئناً به اعتبار آن نیز ادامه خواهد داد.

حیات می تواند یا به (۱) رستاخیز عیسی اشاره کند (ر.ک. ۸: ۳۴؛ ۱ قرن ۱۵)؛ یا به (۲) کار میانجیگرانه عیسی (ر.ک. ۸: ۳۴؛ عبر ۷: ۲۵؛ ۱ یوحنا ۲: ۱)؛ یا (۳) روح [القدس]، مسیح را در ما متشکل می سازد (ر.ک. روم ۸: ۲۹؛ غلا ۴: ۱۹). پولس اظهار کرد که زندگی و مرگ عیسی بر زمین، و زندگی پر تعالی او نیز، مبنای آشتی ما [با خدا] می باشد.

۵: ۱۱ "و نه تنها این، بلکه" به یادداشت آیه ۳ رجوع شود.

□ "نیز فخر می کنیم" به یادداشت ۵: ۲ رجوع شود. این کاربرد سوم "مباهات" (فخر) در این متن است.

۱. مباهات به امید جلال، آیه ۲

۲. مباهات به سختی ها، آیه ۳

۳. مباهات به آشتی، آیه ۱۱

جنبه منفی فخر فروختن در ۲: ۱۷ و ۲۳ دیده می شود!

□ «اکنون آشتی را دریافت کرده ایم» این «گذشته غیرمعین متعدی اخباری» و عملی تکمیل شده است. آشتی ایمانداران نیز در آیات ۱۰ و ۲ قرن ۵: ۱۸ - ۲۱؛ افس ۲: ۱۶ - ۲۲؛ کولس ۱: ۱۹ - ۲۳ مورد بحث قرار گرفته است. در این متن «آشتی» مترادف الهیاتی «پارسا شمرده شدن» است.

متن NASB (به روز شده): ۵: ۱۲ - ۱۴

۱۲ پس، همان گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین سان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند - ۱۳ زیرا قبل از شریعت، گناه در جهان وجود داشت، اما هرگاه قانون نباشد، خطا به کسی نسبت داده نمی شود. ۱۴ با این حال، از آدم تا موسی، مرگ بر همگان حاکم بود، حتی بر کسانی که به گونه سرپیچی آدم گناه نکرده بودند. آدم، نمونه «شخصی» بود که قرار بود بیاید.

۵: ۱۲ «بنابراین»: رومیان چند عبارت «بنابراین» را در جاهای خاص به طور استراتژیک به کار گرفته است (ر.ک. ۵: ۱؛ ۸: ۱؛ ۱۲: ۱). سؤال تفسیری این است که آنها با چه مرتبط هستند. این عبارات می توانند نحوه ای برای اشاره به تمامی استدلال پولس باشند. یقیناً این یک مورد، مرتبط با کتاب پیدایش و نتیجتاً بازگشتی به روم ۱: ۱۸ - ۳۲ است.

□ «همان گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد» هر سه فعل در آیه ۱۲، «گذشته غیرمعین» هستند. سقوط آدم مرگ را به همراه آورد (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۲۲). کتاب مقدس به خاستگاه گناه زیاد نمی پردازد. گناه در عرصه فرشتگان نیز بوقوع پیوست (ر.ک. پیدایش ۳ و مکا ۱۲: ۷ - ۹). چگونگی و زمان آن مشخص نیستند (ر.ک. اش ۱۴: ۱۲ - ۲۷؛ حز ۲۸: ۱۲ - ۱۹؛ ایوب ۴: ۱۸؛ متی ۲۵: ۴۱؛ لو ۱۰: ۱۸؛ یو ۱۲: ۳۱؛ مکا ۱۲: ۷ - ۹).

گناه آدم دو جنبه داشت (۱) نا فرمانی از حکم خاص (ر.ک. پیدایش ۲: ۱۶ - ۱۷) و (۲) غرور خودمحور (ر.ک. پیدایش ۳: ۵ - ۶). این موضوع، اشاره به کتاب پیدایش باب ۳ را که در روم ۱: ۱۸ - ۳۲ آغاز شد، ادامه می دهد.

دیدگاه الهیات درباره گناه است که پولس را از اندیشه رابی ها به وضوح متمایز می سازد. عالمین دینی یهود توجه خود را متمرکز بر پیدایش ۳ نمی نمودند؛ در عوض می گفتند که دو «قصد» در هر شخص موجود است. به گفته مشهور این رابی ها، «در قلب هر انسان یک سنگ سیاه و یک سنگ سفید وجود دارد. هر کدام را که بیشتر غذا دهید، بزرگتر خواهد شد.» پولس گناه را مانع بزرگی بین خدای قدوس و خلقت «او» می دید. پولس عالم الهیات نظام مند نبود (ر.ک. کتاب «یک انسان در مسیح»، اثر جیمز استوارت). او چند خاستگاه گناه را ارائه نمود (۱) سقوط آدم، (۲) وسوسه شیطان، و (۳) نافرمانی مداوم انسان.

در تضاد ها و همسانی های میان آدم و عیسی، دو مفهوم ممکنه وجود دارند:

۱. آدم یک شخص واقعی تاریخی بوده است.

۲. عیسی یک انسان واقعی بوده است.

در برابر تعالیم کاذب، هر دو این واقعیت ها کتاب مقدس را تأیید می کند. به کاربرد مکرر «یک انسان» یا «آن یک شخص» توجه نمایید. این دو نحوه رجوع به آدم و عیسی، یازده بار درین متن به کار رفته است.

□ "به واسطه گناه، مرگ" کتاب مقدس سه مرحله از مرگ را آشکار می سازد (۱) مرگ روحانی (ر.ک. پیدای ۲: ۱۷؛ ۳: ۱-۷؛ افس ۲: ۱)؛ (۲) مرگ جسمانی (ر.ک. پیدای ۵)؛ و (۳) مرگ ابدی (ر.ک. مکا ۲: ۱۱؛ ۲۰: ۶، ۱۴؛ ۲۱: ۸). نوعی که در این بخش ذکر شده مرگ روحانی آدم است (ر.ک. پیدای ۳: ۱۴ - ۱۹) که منتهی به مرگ جسمانی همه نسل های بشری گشت (ر.ک. پیدای ۵).

□ "مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید" نکته اصلی این پاراگراف، عالمگیر بودن گناه و مرگ است (ر.ک. آیات ۱۶ - ۱۹؛ ۱ قرن ۱۵: ۲۲؛ غلا ۱: ۱۰).

□ "از آنجا که همه گناه کردند" همه انسان ها در شراکت با آدم [اول]، گناه کرده اند (به عبارت دیگر آنها وضعیت گناه کار بودن و تمایل ذاتی به گناه را به ارث برده اند). به این دلیل، هر فرد به انتخاب خود، شخصاً و مکرراً گناه میکند. کتاب مقدس با تأکید می گوید همه انسان ها، هم به طور شراکتی و هم فردی گناهکار هستند (ر.ک. ۱ پاد ۸: ۴۶؛ ۲ تو ۶: ۳۶؛ مزور ۱۴: ۱-۲؛ ۱۳۰: ۳؛ ۱۴۳: ۲؛ امثا ۲۰: ۹؛ جامعه ۷: ۲۰؛ اش ۹: ۱۷؛ ۵۳: ۶؛ روم ۳: ۹-۱۸، ۲۳؛ ۵: ۱۸؛ ۱۱: ۳۲؛ غلا ۳: ۲۲؛ ۱ یوحنا ۱: ۸ - ۱۰).

با اینحال، باید متذکر شد که تأکید متن (ر.ک. آیات ۱۵ - ۱۹) اینست که یک عمل باعث مرگ شد (آدم) و یک عمل باعث حیات گردید (عیسی). اما، خدا رابطه خود را با بشریت چنان ساختار داده است که پاسخ بشر، جنبه مهم "هلاکت" و "پارسا شمرده شدن" است. بشر بوسیله اراده خویش در سرنوشت آینده خود دست دارد! او یا مداوماً گناه را انتخاب می کند یا مسیح را. بشر نمی تواند این دو گزینه را تغییر دهد، اما قادر است بطور ارادی نشان دهد به کدامیک تعلق دارد!

ترجمه "از آنجا که" متعارف است، اما معنی آن اغلب مورد بحث قرار می گیرد. پولس در ۲ قرن ۵: ۴؛ فیل ۳: ۱۲؛ و ۴: ۱۰ *eph' hō* را به معنی "از آنجا که" به کار می برد. به این ترتیب، یک یک افراد بشری به انتخاب خود در گناه و نافرمانی از خدا شرکت می کنند - بعضی با رد مکاشفه خاص، اما همه بوسیله رد مکاشفه طبیعی (ر.ک. ۱: ۱۸ - ۳: ۲۰).

۵: ۱۳ - ۱۴ همین واقعیت در روم ۴: ۱۵ و اعا ۱۷: ۳۰ تعلیم داده می شود. خدا منصف است. انسان ها تنها برای آنچه با آن مواجه بوده اند مسئولیت جوابگویی دارند. این آیه منحصرأ از مکاشفه خاص سخن می گوید (عهد عتیق، عیسی، عهد جدید)، نه مکاشفه طبیعی (مزور ۱۹؛ روم ۱: ۱۸ - ۲۳؛ ۲: ۱۱ - ۱۶). توجه داشته باشید که NKJV مقایسه آیه ۱۲ را به صورت پراانتزی طولانی (ر.ک. آیات ۱۳ - ۱۷) که از نتیجه گیری آن در آیات ۱۸ - ۲۱ جدا شده، تلقی می کند.

۱۴: ۵

NKJV, NASB

"مرگ حاکم بود"

JB

"مرگ حکمفرمایی کرد"

NRSV

"مرگ حکمرانی کرد"

TEV

مرگ همانند یک «پادشاه» حکمرانی کرد (ر.ک. آیات ۱۷ و ۲۱). این شخصیت دادن به گناه و مرگ بعنوان حاکمین ستمگر، در سراسر این فصل و فصل ۶ ادامه یافته است. تجربه عالمگیر مرگ، گناه عاملگیر بشر را تأیید می کند. در آیات ۱۷ و ۲۱، به فیض، شخصیت انسانی داده شده است. فیض سلطنت می کند! انسان ها گزینه هایی دارند (دوره عهد عتیق): مرگ یا حیات. در زندگی شما چه کسی سلطنت می کند؟

□ "حتی بر کسانی که به گونه سرپیچی آدم گناه نکرده بودند" آدم، از یک حکم اعلام شده خدا، سرپیچی کرد - که حتی حوا به این صورت گناه نکرد. او موضوع درخت را از آدم شنیده بود، نه مستقیماً از خدا. سرپیچی آدم بر وضعیت انسان ها، از آدم تا زمان موسی اثر گذاشت! آنها از حکم خاصی از خدا سرپیچی نکردند، اما ۱: ۱۸ - ۳۲، که یقیناً بخشی از این مضمون الهیاتی است، می گوید آنها از راهنمایی و تنویری که از طبیعت یافته بودند سرپیچی کردند، و در نتیجه بخاطر نافرمانی / گناه، باید به خدا جواب بدهند. تمایل ذاتی آدم به گناه، به همه نسل او سرایت نمود.

□

NKJV،NASB

NRSV

TEV

JB

"نمونه «شخصی» است که قرار بود بیاید"

"آدم، نشانه آن کسی بود که قرار بود بیاید"

"آدم، نشانه اولیه «آن شخص» آمدنی بود"

این تبیین بسیار قطعی از "نشانه شناسی" [نمونه های عهد عتیق بعنوان نشانه های پیشین عهد جدید] آدم و مسیح است. (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۲۱ - ۲۲؛ ۴۵ - ۴۹؛ فیل ۲: ۶ - ۸). هر دوی آنها بعنوان نخستین فرد در یک زنجیره، و خاستگاه یک نژاد (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۴۵ - ۴۹) محسوب می گردند. آدم تنها فردی در عهد عتیق است که عهد جدید او را به طور خاص به عنوان یک "نشانه" نامبرده است. به عنوان خاص «شکل» (Tupos) در ۶: ۱۷ رجوع کنید.

متن NASB (به روز شده): ۵: ۱۵ - ۱۷

۱۵ اما هدیه رایگان همانند نافرمانی نیست. زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک تن، بسیاری مردند چقدر بیشتر فیض خدا و هدیه از روی فیض یک «انسان»، یعنی عیسی مسیح، به فراوانی شامل حال بسیاری گردید. ۱۶ این هدیه همانند پیامد گناه آن یک تن نیست. زیرا از یک طرف، داوری از یک نافرمانی ناشی شد و به محکومیت منتهی گشت؛ اما از طرف دیگر، هدیه رایگان، ناشی از نافرمانیهای بسیار بود و نیک شمرده شدن را به ارمغان آورد. ۱۷ زیرا اگر به واسطه نافرمانی یک تن، مرگ از طریق او حکمرانی کرد، چقدر بیشتر آنان که فیض بیکران خدا و هدیه نیکویی کامل را دریافت کرده اند، توسط «آن شخص» دیگر یعنی عیسی مسیح، در حیات حکمرانی خواهند کرد.

۵: ۱۵ - ۱۹ این یک استدلال پایدار است که از عبارات همسان استفاده می کند. ترجمه های NASB، NRSV، و TEV پاراگراف را در آیه ۱۸ تقسیم می کنند. اما UBS⁴، NKJV، و JB آنرا بعنوان یک واحد ترجمه می کنند. بیاد داشته باشید کلید در تفسیر مقصود نویسنده اولیه این است که در هر پاراگراف یک واقعیت اساسی وجود دارد. توجه کنید کلمه "بسیاری"، در آیات ۱۵ و ۱۹، مترادف با "همه" در آیات ۱۲ و ۱۸ است. این در اشعیا ۵۳: ۱۱ - ۱۲ و آیه ۶ نیز مصداق دارد. هیچگونه تمایزات الهیاتی (برگزیده شدگان کالوین، در مقابل برگزیده نشده گان) را نباید بر مبنای این کلمات قائل شد.

۵: ۱۵ "هدیه رایگان" دو واژه یونانی متفاوت برای "هدیه" در این متن استفاده شده اند - *charisma* آیات ۱۵، ۱۶ (۶: ۲۳) و *dorea/dorama*، در آیات ۱۵، ۱۶، ۱۷ (به یادداشت در ۳: ۲۴ رجوع شود) - اما این کلمات مترادف هستند. «خبر خوش» درباره نجات، حقیقتاً همین است، زیرا هدیه ای است رایگان از طرف خدا، توسط عیسی مسیح (ر.ک. ۳: ۲۴؛ ۶: ۲۳؛ افس ۲: ۸، ۹) برای همه کسانی که به مسیح ایمان دارند.

□ **"اگر"** این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده، یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته میشود. گناه آدم منتهی به مرگ همه انسان ها شد. در آیه ۱۷، مشابه این مطلب آمده است.

□ **"به فراوانی"** به عنوان خاص در ۱۵: ۱۳ رجوع کنید.

۵: ۱۶ **"محکومیت.. نیک شمرده شدن"** هر دو این مفاهیم، کلمات دادگاهی و حقوقی هستند. عهد عتیق اغلب پیام انبیاء را بعنوان صحنه ای در دادگاه ارائه می داد. پولس از این شکل استفاده می کند (ر.ک. روم ۸: ۱، ۳۱ - ۳۴).

۵: ۱۷ **"اگر"** این نیز «جمله شرطی نوع اول» دیگری است که از دیدگاه نویسنده، یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض گرفته میشود. گناه آدم، حقیقتاً منتهی به مرگ همه انسان ها شد.

□ **"چقدر بیشتر آنان که... دریافت کرده اند"** آیات ۱۸ - ۱۹ از لحاظ الهیاتی، آنقدر متوازن نیستند. این عبارت را نباید از متن رومیان ۱ - ۸ جدا ساخت و برای اثبات عقاید خود توسط آیه آوردن، در مورد یونیورسالیسم (همه مردم در نهایت نجات خواهند یافت) بکار گرفت. انسان ها باید هدیه ای را که خدا توسط مسیح ارائه میکند بپذیرند (آیه ۱۷ب). نجات در دسترس همگان هست، اما باید بطور فردی پذیرفته شود (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ روم ۱۰: ۹ - ۱۳).

یک نافرمانی آدم، نافرمانی کامل همگی بشر را بیار آورد. یک عمل گناه آلود، آنقدر اهمیت داشت که جنبه جهانی پیدا کرد! اما در مسیح، یک قربانی از روی نیکی مطلق، آنقدر عظیم است که همه گناهان فردی مردم جهان، و همچنین اثر جمعی و شراکتی گناه را می پوشاند. **"چقدر بیشتر"** در مورد عمل مسیح تأکید شده است (ر.ک. آیات ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۷). فیض به فراوانی وجود دارد!

۵: ۱۷، ۱۸ **"هدیه نیکویی کامل... در حیات حکمرانی خواهند کرد... پارسا شمرده شدن و حیات"** عیسی هدیه خدا و برآورنده تمامی نیازهای روحانی انسان سقوط کرده است (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۳۰). معنی این عبارات مشابه می تواند چنین باشد (۱) انسان گناه گار، توسط کار تکمیل شده مسیح، با خدا آشتی داده شده است، و این یک "زندگی خدا پسندانه" را به ارمغان می آورد، یا (۲) این عبارت، مترادف "حیات ابدی" است. چارچوب متن، گزینه اول را حمایت می کند. برای مطالعه واژگان در خصوص «نیکی مطلق و پارسایی» به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع نمایید.

عنوان خاص: حکمروایی در پادشاهی خدا

موضوع حکمروایی با مسیح، قسمتی از عنوان بزرگتری در الهیات است که "پادشاهی خدا" خوانده می شود. این از مفهوم عهد عتیق در مورد خدا به عنوان پادشاه حقیقی اسرائیل برگرفته شده است (ر.ک. ۱ سمو ۸: ۷). سلطنت خدا، بطور نمادی و سمبلیک (۱ سمو ۸: ۷؛ ۱۰: ۱۷ - ۱۹)، از طریق شخصی از نسل قوم یهودا (ر.ک. پیدا ۴۹: ۱۰) و خانواده یسی بود (ر.ک. ۲ سمو ۷).

عیسی تحقق وعده ای در باره ماشیح است که در عهد عتیق پیشگویی شده بود. او با جسم پوشیدن در بیت اللحم، پادشاهی خدا را افتتاح نمود. پادشاهی خدا، به عنوان رکن اصلی موعظه های عیسی شد. پادشاهی، در «او» به طرز کامل فرارسیده بود (ر.ک. متی ۱۰: ۷؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۲: ۱۲؛ ۲۸: ۱۵؛ لوقا ۱۰: ۹، ۱۱؛ ۲۰: ۱۱؛ ۲۰: ۱۶؛ ۱۶: ۱۷؛ ۲۰: ۲۱).

لکن پادشاهی، آینده نیز بود (آخرت شناسی). پادشاهی موجود بود، اما به حد کمال فرا نرسیده بود (ر.ک. متی ۶: ۱۰؛ ۸: ۱۱؛ ۱۶: ۲۸؛ ۲۲: ۱-۱۴؛ ۲۶: ۲۶؛ لوقا ۹: ۲۷؛ ۱۱: ۲؛ ۱۳: ۲۹؛ ۱۴: ۱۰-۲۴؛ ۲۲: ۱۶، ۱۸). عیسی بار اول بعنوان خادمی آمد تا متحمل رنج ها شود (ر.ک. اش ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲)؛ با آن تواضع (ر.ک. زکریا ۹: ۹)، اما به عنوان پادشاه پادشاهان باز خواهد گشت (ر.ک. متی ۲: ۲؛ ۲۱: ۵؛ ۲۷: ۱۱-۱۴). موضوع "حکروایی"، مسلماً بخشی از این الهیات "پادشاهی" است. خدا، پادشاهی را به پیروان عیسی اعطا کرده است (به لوقا ۱۲: ۳۲ رجوع نمایید).

موضوع حکروایی با مسیح چند جنبه و سؤال به همراه دارد:

۱. آیا بخش های کتاب مقدس که می گویند خدا توسط مسیح، "پادشاهی" را به ایمانداران اعطا کرده است، اشاره بر "حکروایی کردن" دارند؟ (ر.ک. متی ۵: ۳، ۱۰؛ لوقا ۱۲: ۳۲)
۲. آیا سخنان عیسی به شاگردان اولیه در چارچوب یهودیت قرن اول، به همه ایمانداران مربوط می شود؟ (ر.ک. متی ۱۹: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۸-۳۰)
۳. آیا تأکید پولس بر حکروایی در این زندگی و در حال حاضر، با متن های مذکور تضاد یا توافق دارد؟ (ر.ک. روم ۵: ۱۷؛ ۱ قرن ۴: ۸)
۴. رنج کشیدن و حکروایی کردن چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ (ر.ک. روم ۸: ۱۷؛ ۲ تیمو ۲: ۱۱-۱۲؛ ۱ پتر ۴: ۱۳؛ مکا ۱: ۹)
۵. مضمونی که در مکاشفه تکرار می شود، شراکت در حکروایی مسیح جلال یافته است
الف. بر زمین
ب. در رابطه با سلطنت هزار ساله، ۲۰: ۵، ۶
ج. ابدی، ۲: ۲۶، ۳: ۲۱؛ ۲۲: ۵ و دانیال ۷: ۱۴، ۱۸، ۲۷

متن NASB (به روز شده): ۵: ۱۸ - ۲۱

۱۸ پس همان گونه که یک نافرمانی به محکومیت همه انسانها انجامید، یک عمل پارسایانه نیز به پارسا شمرده شدن و حیات همه انسانها منتهی گردید. ۱۹ زیرا همان گونه که به واسطه نافرمانی یک شخص، بسیاری گناهکار شدند، به واسطه اطاعت «یک شخص»، بسیاری کاملاً نیک خواهند گردید. ۲۰ شریعت آمد تا نافرمانی افزایش یابد؛ اما جایی که گناه افزایش یافت، فیض بمراتب بیشتر گردید. ۲۱ تا همان گونه که گناه در مرگ حکمرانی کرد، فیض نیز از طریق نیکی کامل براند و به واسطه خداوند ما عیسی مسیح، به حیات جاویدان رهنمون شود.

۱۸: ۵

NASB "همان گونه...یک عمل پارسایانه نیز، به پارسا شمرده شدن و حیات همه انسانها منتهی گردید"

NKJV "همان گونه...از طریق عمل پارسایانه یک «شخص»، هدیه رایگان نصیب همه انسانها گردید"

NRSV

"همان گونه، عمل پارسایانه یک انسان، به پارسا شمردن و حیات برای همه، رهنمون می گردد"

TEV

"به همین طریق، آن یک عمل پارسایانه، همه انسان ها را آزاد ساخت و به آنها حیات می بخشد"

JB

"همان گونه عمل نیکوی یک انسان، حیات را برای همه انسانها به همراه میآورد و آنها را پارسا شمرده شده می سازد"

مقصود این نیست که همه نجات می یابند (یونیورسالیسم). این آیه را نمی توان مجزا از پیام کتاب رومیان، و چارچوبی که آن را احاطه کرده، تفسیر نمود. مقصود در اینجا نجات امکان پذیر همه انسان ها، توسط زندگی / مرگ / و رستاخیز مسیح است. بشر به آنچه انجیل توصیه می کند، باید پاسخ مثبت دهد و توبه نموده، ایمان بیاورد (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱). خدا همیشه قدم اول را بر میدارد (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴؛ ۶۵)، اما مقرر فرموده است که هر فرد باید شخصاً پاسخ دهد (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ یوحنا ۱: ۱۲؛ و روم ۱۰: ۹ - ۱۳). خدا این را به تمامی جهان ارائه کرده است (ر.ک. ۱ تیمو ۲: ۴؛ ۲ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یو ۲: ۲)، اما معمای شرارت اینست که بسیاری به این هدیه، جواب رد می دهند.

"عمل پارسایانه" می تواند یکی از این دو حالت باشد: (۱) تمامی زندگی مطیعانه عیسی و مکاشفه «پدر»، یا (۲) خصوصاً مرگ او به جای انسان گناه کار. همان طور که زندگی یک نفر بر همه تأثیر گذاشت (درببرگرفتن همگی یهودیان، ر.ک. یوشع ۷)، به همین ترتیب، یک زندگی معصوم بر همه تأثیر گذاشت. این دو عمل، همسان اند، اما برابر نیستند. همه از گناه آدم تأثیر یافته اند، اما همه فقط ازین امکان بالفوه برخوردارند تا از زندگی عیسی تأثیر بگیرند؛ این تنها نصیب ایماندارانی می شود که هدیه نیکی مطلق را بپذیرند. کاری که عیسی انجام داد همچنین، برای آنانی که ایمان بیاورند و بپذیرند، بر روی تمام گناهان گذشته و حال و آینده انسان ها تأثیر می گذارد!

۵: ۱۸ - ۱۹ " محکومیت همه انسانها ... پارسا شمرده شدن و حیات همه انسانها ... بسیاری گناهکار شدند ... بسیاری کاملاً نیک خواهند گردید " این عبارات همسان هستند، که نشان میدهد کلمه "بسیاری"، محدود کننده نیست، بلکه دربرگیرنده است. همین مشابهت در اشعیا ۵۳: ۶ "همه"، و ۵۳: ۱۱، ۱۲ "بسیاری"، دیده می شود. کاربرد کلمه "بسیاری"، نباید با مفهوم انحصاری باشد تا هدیه نجات را که خدا برای تمام انسان ها ارائه کرده است، محدود سازد ("برگزیده شدگان" کالوین، در مقابل "برگزیده نشدگان"). به «وجه غیرمستقیم» این دو «فعل» توجه کنید. این افعال به فعالیت خدا اشاره می کنند - انسان ها در ارتباط با شخصیت خدا گناه می کنند و در ارتباط با شخصیت «او» نیک شمرده می شوند.

۵: ۱۹ " نافرمانی یک شخص ... اطاعت «یک شخص» " پولس در اینجا از موضوع الهیاتی " در بر گیری عهد عتیق " استفاده می کرد. اعمال یک شخص بر روی تمامی جامعه تأثیر می گذاشت (ر.ک. عخان در یوشع ۷). آدم و حوا با نافرمانی خود، داوری خدا را دامنگیر تمامی خلقت ساختند (ر.ک. پیدای ۳). همه خلقت از عواقب نافرمانی آدم، تأثیر گرفته است (ر.ک. ۸: ۱۸ - ۲۵). دنیا، همان دنیای اولیه نیست. مردمان، همان انسان های اولیه نیستند. مرگ، خاتمه همه نوع زندگی در این دنیا شد (ر.ک. پیدای ۵). این دنیا، آن دنیایی نیست که خدا منظور داشت!

به همین معنای دربرگیرنده، یک عمل مطیعانه عیسی در جلجتا، چنین نتایجی را به ارمغان آورد: (۱) عصر جدید، (۲) مردمان جدید، و (۳) معاهده جدید. این موضوع الهیاتی جانشینی و نمایندگی، "نشانه شناسی آدم - مسیح" خوانده می شود (فیل ۲: ۶). عیسی، آدم ثانی است. او آغازی جدید برای بشر سقوط کرده است.

□ "کاملاً نیک خواهند گردید" به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع نمایید.

۲۰:۵

NASB " اما شریعت آمد تا نافرمانی افزایش یابد "

NKJV " به علاوه، قانون، وارد شد تا قانون شکنی فراوان شود "

NRSV " اما قانون وارد شد، با این نتیجه؛ و تخلف، بسیار گردید "

TEV " شریعت آورده شد تا اعمال نادرست را مزید گرداند "

JB " زمانی که قانون آمد، برای آن بود که فرصت ها را برای سقوط، افزونی دهد "

مقصود از شریعت هرگز نجات بخشیدن انسان ها نبوده است، بلکه تا نیاز و درماندگی انسان سقوط کرده را نمایان سازد (ر.ک. افس ۲: ۱ - ۳) و بدینوسیله آنها را به سوی مسیح بیاورد (ر.ک. ۳: ۲۰؛ ۴: ۱۵؛ ۷: ۵؛ غلا ۳: ۱۹، ۲۳ - ۲۶). شریعت نیکو است، اما انسان گناه کار می باشد!

□ " فیض بمراتب بیشتر گردید " این نکته اصلی پولس در این قسمت بود. گناه، سهمگین و فراگیر است، اما فیض فراوان است و از تأثیر مرگبار گناه، فراتر و بیشتر است. این راهی برای تشویق کلیسای نوپای قرن اول بود. آنان در مسیح، غلبه کنندگان بود (ر.ک. ۵: ۹ - ۱۱؛ ۸: ۳۱ - ۳۹؛ ۱ یوحنا ۵: ۴). این مستمسکی برای بیشتر گناه کردن نیست! به عنوان خاص: «کاربرد پولس از ترکیب های *Huper*» در ۱:۳۰ رجوع نمایید.

۲۱:۵ هم "گناه" و هم "فیض" به منزله پادشاه شخصیت داده شده اند. گناه بوسیله قدرت همه گیر مرگ، حکمرانی می کرد (آیات ۱۴، ۱۷). فیض، از طریق قدرت نیکی مطلق، که بوسیله کار تکمیل شده عیسی مسیح به شخص نسبت داده می شود، و ایمان شخصی ایماندار، و نیز پاسخ همراه با توبه نسبت به انجیل، حکمروایی می کند.

به عنوان قوم جدید خدا، و «بدن مسیح»، مسیحیان نیز با مسیح حکمروایی می کنند (ر.ک. ۵: ۱۷؛ ۲ تیمو ۲: ۱۲؛ مکا ۲۲: ۵). این را می توان به عنوان حکمروایی زمینی یا مربوط به سلطنت هزار ساله دانست (ر.ک. مکا ۵: ۹ - ۱۰؛ ۲۰). بعلاوه، کتاب مقدس از همان حقیقت سخن می گوید، در اینکه می گوید «پادشاهی» به مقدسین اعطا شده است (ر.ک. متی ۵: ۳، ۱۰؛ لوقا ۱۲: ۳۲؛ افس ۲: ۵ - ۶). به عنوان خاص «حکمروایی در پادشاهی خدا» در ۵: ۱۷ رجوع کنید.

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. "نیکی کامل" خدا را تعریف کنید.
۲. تفاوت این دو آموزه الهیاتی "تقدیس جایگاه" و "دستیابی پیشرونده و تصاعدی" چیست؟
۳. آیا بوسیله فیض نجات می یابیم یا بوسیله ایمان (ر.ک. افس ۲: ۸ - ۹)؟
۴. چرا مسیحیان رنج و سختی می بینند؟
۵. آیا ما نجات یافته ایم یا در حال نجات یافتن هستیم یا نجات خواهیم یافت؟
۶. آیا ما گناهکاریم زیرا گناه می کنیم، یا گناه می کنیم زیرا گناهکار هستیم؟
۷. چگونه عبارات "پارسا شمرده شده"، "نجات یافته" و "مصالحه داده شده" با یکدیگر در این باب مرتبط هستند؟
۸. چرا خدا مرا به خاطر گناه شخص دیگری که هزاران سال پیش می زیسته مسئول می داند (آیات ۱۲ - ۲۱)؟
۹. چرا همگی مردم زمانهای بین آدم و موسی مردند، اگر گناه ضمن آن مدت به حساب نمی آمد (آیات ۱۳ - ۱۴)؟
۱۰. آیا کلمات "همه" و "بسیاری"، مترادف هستند (آیات ۱۸ - ۱۹؛ اشعیا ۵۳: ۶، ۱۱ - ۱۲)؟

رومیان فصل ۶

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید

JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۴
تعمید	نسبت به گناه مرده اما زنده در مسیح	مردن و برخاستن با مسیح	نسبت به گناه مرده ، نسبت به خدا، زنده	نسبت به گناه مرده اما زنده در مسیح
۷ - ۱ : ۶	۴ - ۱ : ۶	۴ - ۱ : ۶	۱۴ - ۱ : ۶	۱۱ - ۱ : ۶
	۱۱ - ۵ : ۶	۱۱ - ۵ : ۶		
۱۱ - ۸ : ۶				
تقدس، تا گناه ارباب نباشد				
۱۴ - ۱۲ : ۶	۱۴ - ۱۲ : ۶	۱۴ - ۱۲ : ۶		۱۴ - ۱۲ : ۶
مسیحی از بردگی گناه آزاد می شود	بردگانِ پارسایی	دو نوع بردگی	از بردگانِ گناه تا بردگانِ خدا	بردگانِ پارسایی
۱۹ - ۱۵ : ۶	۱۹ - ۱۵ : ۶	۱۹ - ۱۵ : ۶	۲۳ - ۱۵ : ۶	۲۳ - ۱۵ : ۶
مزد گناه و مزد تقدس				
۲۳ - ۲۰ : ۶	۲۳ - ۲۰ : ۶	۲۳ - ۲۰ : ۶		

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را متور ساخته است. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی، وحی نشده است اما کلیدی است برای درک مقصود نویسنده اصلی، و قلب تفسیر درین امر است. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

مفاهیم استنباط شده در متن

الف. باب های ۶: ۱ - ۸: ۳۹ یک واحد اندیشه (واحد ادبی) را تشکیل می دهند که درباره ارتباط مسیحی با گناه است. این موضوعی است بسیار مهم، زیرا انجیل بر پایه فیض رایگان خدا است که ما شایسته آن نیستیم و از طریق مسیح می باشد (۳: ۲۱ - ۵: ۲۱). بنابراین، گناه چه اثری بر ایماندار می گذارد؟ باب ۶ مبنی بر دو سؤال انگار شده می باشد: آیات ۱ و ۱۵. آیه ۱ به ۵: ۲۰ مرتبط است، در حالیکه آیه ۱۵ مربوط به ۶: ۱۴ است. اولین آیه، مربوط به گناه بعنوان شیوه زندگی است (زمان حال) و دومین، به یکایک اعمال گناه آلود (زمان گذشته مطلق). همچنین بدیهی است که آیات ۱ - ۱۴ در مورد آزادی ایمانداران از سلطه گناه می باشد، در حالیکه آیات ۱۵ - ۲۳ با آزادی ایمانداران برای خدمت کردن به خدا، همانطور که قبلاً گناه را خدمت کرده بودند، سروکار دارد - آن خدمتی که تمام و کمال و با دل و جان است.

ب. تقدیس شدن، هر دوی این ها می باشد:

۱. یک جایگاه (نسبت داده شده همانند نیک شمرده شدن در زمان نجات، ۳: ۲۱ - ۵: ۲۱)

۲. شبیه مسیح شدن به طرز فزاینده

(۱) ۶: ۱ - ۸: ۳۹ این واقعیت را از لحاظ الهیاتی بیان می کند

(۲) ۱۲: ۱ - ۱۵: ۱۳ تبیین عملی آن است (ر.ک. عنوان خاص در ۶: ۴)

ج. منقدین اغلب باید موضوع پارسا نمودن و تقدیس جایگاهی شخص را از لحاظ علم الهی تفکیک و مجزا کنند تا کمکی به استفهام معنی آنها در کتاب مقدس نمایند. در واقع، اینها اعمالی هستند که فیض در یک زمان توأم انجام می دهد (از لحاظ جایگاه، ۱ قرن ۱: ۳۰؛ ۶: ۱۱). فرایند انجام هر دو یکسان است - فیض خدا که زندگی و مرگ عیسی نشانگر آن بوده است، و بوسیله ایمان دریافت می شود (ر.ک. افس ۲: ۸ - ۹).

د. این فصل، بلوغ کامل روحانی را که فرزندان خدا می توانند در مسیح به آن دست پیدا کنند، تعلیم می دهد (بی گناهی، ر.ک. ۱ یوحنا ۳: ۶، ۹؛ ۵: ۱۸). باب ۷ و ۱ یوحنا ۱: ۸ - ۲: ۱ واقعیت مداوم گناهکار بودن ایمانداران را نشان می دهد.

بسیاری از اختلافات در باره عقیده پولس در مورد بخشش، مربوط به مسئله اخلاقیات بوده است. یهودیان می خواستند با وادار ساختن ایمانداران جدید به رعایت شریعت موسی، زندگی خداپسندانه را تضمین نمایند. باید اعتراف کرد بعضی افراد از عقاید پولس بعنوان مستمسک و مجوزی برای گناه کردن استفاده می کرده اند و می کنند (ر.ک. آیات ۱، ۱۵؛ ۲ پطرس ۳: ۱۵ - ۱۶). پولس ایمان داشت ساکن شدن روح القدس در انسان است که تولید پیروانی با زندگی خداپسندانه و مشابه به مسیح می کند، نه یک قانون خارج [از وجود انسان]. در واقع، این همان تفاوت بین «معاهده قدیم» (ر.ک. تث ۲۷ - ۲۸) و «معاهده جدید» است (ر.ک. ار ۳۱: ۳۱ - ۳۴؛ حز ۳۶: ۲۶ - ۲۷).

۵. تعمید صرفاً یک نمونه جسمانی از واقعیت روحانی پارسا شمرده شدن / تقدیس شدن است. در رومیان، هر دو آموزه تقدیس جایگاهی (پارسا شمرده شدن) و تقدیس تجربی (شباهت به مسیح) تأکید شده اند. دفن شدن با «او» (آیه ۴) به همسانی "مصلوب شدن با «او»" است (آیه ۶).
 ۶. نکات کلیدی غلبه بر وسوسه و گناه در زندگی مسیحی به شرح ذیل می باشد:
۱. بدانید در مسیح کی هستید. بدانید «او» برای شما چه کرده است. شما از گناه آزاد هستید! شما نسبت به گناه مرده اید!
 ۲. در موقعیت هایی که روزانه با آنها روبرو می شوید، جایگاه خود را در مسیح به حساب بیاورید و در نظر داشته باشید.
 ۳. ما متعلق به خود نیستیم! باید ارباب خود را خدمت / اطاعت نماییم. ما از روی قدردانی و محبت به «او» که ما را محبت نمود خدمت / اطاعت می کنیم.
 ۴. زندگی مسیحی زندگی ماوراء طبیعی است. این زندگی، همانند نجات، هدیه ای از خدا در مسیح است. او درین کار پیشقدم می شود و نیروی آنرا فراهم می سازد. در مقابل، ما باید توبه کنیم و ایمان بیاوریم - هم در آغاز کار و هم بطور مستمر.
 ۵. با گناه بازی نکنید. آنرا آنچه حقیقتاً هست بنامید. از آن روی بگردانید؛ از آن فرار کنید. خودتان را در موقعیتی که وسوسه انگیز است قرار ندهید.
 ۶. گناه، اعتیادی است که می توان آن را ترک نمود، اما نیاز به زمان، تلاش و اراده دارد.

مطالعه واژگان و عبارات

متن NASB (به روز شده): ۶: ۱ - ۷

۱ پس چه بگوئیم؟ آیا به گناه کردن ادامه دهیم تا فیض افزون شود؟^۲ هرگز چنین مباد! ما که نسبت به گناه مردیم، چگونه می توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟^۳ یا نمی دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافته ایم، در مرگ «او» تعمید یافته ایم؟^۴ پس با تعمید یافتن در مرگ، با «او» دفن شده ایم تا همان گونه که مسیح به وسیله جلال پدر، از مردگان برخیزانیده شد، ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم.^۵ پس اگر در شباهت مرگ «وی» با «او» یگانه شده ایم، به یقین به شباهت رستخیز «او» نیز خواهیم بود.^۶ این را میدانیم که ضمیر کهنه ما با «او» مصلوب شد تا پیکر گناه ما برکنار شود، و تا آنکه دیگر، بندگان گناه نباشیم؛^۷ چون آن که مرده است، از گناه آزاد شده است.

۱ : ۶

" آیا به گناه کردن ادامه دهیم تا فیض افزون شود" NASB

" آیا به گناه کردن ادامه دهیم تا فیض فراوان گردد" NKJV

" آیا باید به گناه کردن ادامه دهیم تا فیض فراوان گردد" NRSV

" که باید به زندگی در گناه ادامه دهیم تا آنکه فیض خدا افزون گردد" TEV

" درین صورت آیا باید در گناه باقی بمانیم تا بگذاریم فیض وسعت بیشتری یابد" JB

زمان این جمله «حال اخباری التزامی» است و عملاً این سؤال را مطرح می کند که آیا مسیحیان باید گناه را "تحمل" کنند یا آن را "بپذیرند"؟ این سؤال، عطفی است به ۵: ۲۰. پولس در آنجا یک معترض فرضی (diatribe) را به کار برده است تا مانع سوء استفاده ممکنه از فیض شود (ریک. ۱ یوحنا ۳: ۶، ۹؛ ۵: ۱۸). منظور از فیض و رحمت خدا این نیست که مجوزی برای زندگی نامطیعانه به دست دهند.

انجیل پولس در مورد نجات رایگان بعنوان هدیه فیض خدا توسط مسیح، (ر.ک. ۳: ۲۴؛ ۵: ۱۵، ۱۷؛ ۶: ۲۳) سئوالات بسیاری در مورد نیکی مطلق بعنوان شیوه زندگی برانگیخت. یک هدیه رایگان، چگونه باعث ایجاد نیکی کامل اخلاقی می گردد؟ پارسا ساختن و تقدیس کردن نباید از یکدیگر مجزا کرده شوند (ر.ک. متی ۷: ۲۴-۲۷؛ لوقا ۸: ۲۱؛ ۱۱: ۲۸؛ یوحنا ۱۳: ۱۷؛ روم ۲: ۱۳؛ یعقوب ۱: ۲۲-۲۵؛ ۲: ۱۴-۲۶).

درین مورد اجازه دهید نقل قولی از اف. اف. بروس در کتاب «پولس: رسول دلی آزاد شده» متذکر شوم: «تعمید مسیحیان، تشکل مرزی بود میان زیستن کهنه احیا نشده آنها، و زندگی نوین آنها در مسیح: تعمید، نشان مرگ آنها نسبت به قوانین قبلی بود، به طوری که اگر یک مسیحی تعمید یافته، به گناه کردن ادامه دهد اینکار همانقدر نامعقول و مهمل است که یک برده آزاد شده، در بردگی صاحب پیشین خود بماند (ر.ک. روم ۶: ۱-۴، ۱۵-۲۳) یا یک بیوه زن به "قوانین مورد شوهرش" مقید بماند» صص ۲۸۱-۸۲ (ر.ک. روم ۷: ۱-۶). جیمز اس. استوارت در کتاب خود به نام «یک انسان در مسیح» می گوید: "عبارات نمونه و کلاسیک که تمامی این جنبه دیدگاه حواریون را در بر دارد در رومیان ۶ دیده می شود. در آنجا پولس، با تلاش و اهتمام شکوهمندی، این آموزه را در قلب و وجدان مخاطب نقش می بندد که متحد شدن ایماندار با عیسی در مرگ او، به معنی ترک کردن گناه به طور کامل و جدی است (صص ۱۸۷-۸۸).

۶: ۲ "هرگز چنین مباد" این عبارت «شکل دعایی» نادری است که وجه یا حالت دستوری کاربردی در مورد دعا یا آرزو بوده است. پولس با این فن نگارش، پاسخ معترض فرضی را می دهد. این حاکی از شوک و بیزاری پولس نسبت به درک اشتباه و استفاده ناروای بی ایمانان از فیض است (ر.ک. ۳: ۴، ۶).

□ "ما که نسبت به گناه مردیم": این عبارت «گذشته غیرمعین متعدی اخباری» است و به معنی "ما مرده ایم" می باشد. "گناه" در «وجه مفرد» در سراسر این باب به دفعات استفاده شده است. به نظر می رسد اشاره آن به "ذات گناه کار" و مورثی ما از آدم است (ر.ک. روم ۵: ۱۲-۲۱؛ ۱ قرن ۱۵: ۲۱-۲۲). پولس اغلب موضوع مرگ را به عنوان یک استعاره به کار میگیرد تا رابطه نوین ایمان دار را با مسیح نشان دهد. ایمانداران دیگر تحت سلطه گناه نیستند.

□ "به زندگی در آن ادامه دهیم" به طور تحت اللفظی، "راه رفتن" در اینجا ذکر شده است. کاربرد این استعاره، یا برای تأکید شیوه زندگی مطابق ایمان (ر.ک. افس ۴: ۱؛ ۵: ۲، ۱۵) یا شیوه زندگی مطابق گناه است (ر.ک. آیه ۴). مسیحیان نمی توانند در گناه زندگی کنند و شادمان باشند!

۶: ۳ - ۴ "تعمید یافته ایم ... دفن شده ایم" هر دوی این ها «گذشته غیرمعین اخباری غیرمستقیم» هستند. این شکل دستوری، کار به اتمام رسیده ای را توسط یک عامل خارجی تأکید می کرد، که درینجا روح القدس است. درین متن، این دو عبارت همسان هستند.

عنوان خاص: تعمید

کرتیس وان در کتاب خود به نام "عمال"، پانوشت جالبی در صفحه ۲۸ دارد: "کلمه یونانی برای "تعمید یافته"، سوم شخص التزامی است؛ کلمه برای "توبه"، دوم شخص التزامی است. این تغییر فرمان به دوم شخص که مستقیم تر است، به سوم شخص "تعمید یافته" که آنقدر مستقیم نیست، بدان معنی است که آنچه پطرس اولاً و اساساً طلب می کند، توبه است."

این پیگیری است از تأکیداتِ موعظه‌های یحیی تعمید دهنده (ر.ک. متی ۳: ۲) و عیسی (ر.ک. متی ۴: ۱۷). توبه یک کلید روحانی به نظر می‌رسد، و تعمید بیان علنی این تغییر روحانی است. در عهد جدید خبری از ایمانداران تعمید نیافته نیست! در کلیسای اولیه، تعمید تنها راه اعتراف عمومی به ایمان بود. اینکار فرصتی است برای اعلام عمومی ایمان خود به مسیح، نه فرایندی برای نجات! باید بیاد داشت که تعمید در موعظه دوم پطرس ذکر نشده است، در حالیکه توبه ذکر شده است (ر.ک. ۳: ۱۹؛ لوقا ۲۴: ۱۷). تعمید نمونه‌ای بود که عیسی برای ما گذاشت (ر.ک. متی ۳: ۱۳ - ۱۸). تعمید، حکم عیسی بود (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹). سؤال امروزی لزوم تعمید برای نجات، در عهد جدید مطرح نشده است؛ از تمامی ایمانداران انتظار می‌رود تعمید بیابند. در عین حال، شخص باید از تشریفاتی شدن مراسم مقدس پرهیز کند! موضوع نجات به ایمان مربوط می‌شود، نه آنکه در محل درست، کلمات درست گفته شود و مراسم درست انجام گیرد!

□ "در مسیح عیسی" کاربرد *eis* ("در"، *into*) با مأموریت عظیم متی ۲۸: ۱۹ همسان است، که می‌گوید ایمانداران جدید *eis* (در) نام پدر و پسر و روح القدس تعمید می‌یابند. این «حرف اضافه» برای توصیف ایمانداران نیز در زمان تعمید بوسیله روح خدا در بدن مسیح در ۱ قرن ۱۲: ۱۳ به کار رفته است. درین چارچوب *eis* مترادف با *en* (در مسیح) در آیه ۱۱ است، که روش مورد علاقه پولس برای مشخص کردن ایمانداران می‌باشد. این حرف اضافه «مشخص کننده حدود محل فعالیت» است. زندگی، فعالیت، و وجود ایمانداران در مسیح است. این «حروف اضافه» چنین یکی شدن نزدیک، این محیط مشارکت، و این رابطه تاک و شاخه را بیان می‌کنند. ایمانداران خود را با مسیح در مرگ او (ر.ک. آیه ۶؛ ۸: ۱۷)، رستاخیز او، (ر.ک. آیه ۵)، در خدمت مطیعانه او به خدا، و در پادشاهی او متحد و ملحق می‌سازند!

□ "در مرگ او" «او» ... با «او» «دفن شده ایم» تعمید بوسیله غوطه ور ساختن در آب، مثالی است از مرگ و دفن شدن (ر.ک. آیه ۵ و کولس ۲: ۱۲). عیسی از تعمید بعنوان استعاره‌ای از مرگ خود استفاده نمود (ر.ک. مرقس ۱۰: ۳۸-۳۹؛ لوقا ۱۲: ۵۰). اینجا تأکید در مورد آموزه‌ای از تعمید نیست، بلکه رابطه جدید و نزدیک مسیحیان با مرگ و دفن مسیح است. ایمانداران با تعمید مسیح، با شخصیت او، با قربانی او، با مأموریت او خود را یکی می‌سازند. گناه هیچ نفوذی بر ایمانداران ندارد!

۶: ۴ "با تعمید یافتن در مرگ، با «او» «دفن شده ایم» در این باب، همانطور که مشخصه نوشته‌های پولس است، از ترکیب‌های *sun* (با)، مکرراً استفاده می‌کند (مانند افس ۲: ۵-۶)

۱. $sun + thaptō =$ با هم دفن شدن، آیه ۴؛ کولس ۲: ۱۲؛ نیز به آیه ۸ توجه کنید
۲. $sun + stauroō =$ با هم کاشته شدن، آیه ۵
۳. $sun + azō =$ با هم زیستن، آیه ۸؛ ۲ تیمو ۲: ۱۱ (نیز حاوی "با هم مردن" و "با هم حکمرانی کردن" است)

□ "همان گونه ... ما نیز در زندگی نوینی گام برداریم" این «گذشته غیرمعین متعدی التزامی» است. نتیجه‌ای که از نجات انتظار می‌رود، تقدیس شدن است. از آنجا که ایمانداران فیض خدا را به توسط مسیح می‌شناسند، زندگی‌شان باید متفاوت باشد. زندگی جدید ما، نجات را برای ما به همراه نمی‌آورد، بلکه نتیجه نجات است (ر.ک. آیات ۱۶، ۱۹؛ و افس ۲: ۸-۹، ۱۰؛ یعقوب ۲: ۱۴ - ۲۶). این سؤال در مورد "کدامیک ایمان یا اعمال" نیست، اما درینجا ترتیبی وجود دارد که حاکی از تابع و پیرو بودن یکی از این موضوعات نسبت به دیگری است.

عنوان خاص: تقدیس

عهد جدید تصریح میکند زمانی که گناهکاران با توبه و ایمان به عیسی روی می آورند، بلافاصله پارسا شناخته می شوند و تقدیس می گردند. این جایگاه نوین آنها در مسیح است. پارسایی او به حساب آنان گذاشته شده است (روم ۴). آنها نیک و مقدس اعلام می شوند (عمل خدا از لحاظ قانون).

اما عهد جدید همچنین ایمانداران را مصّرانه به مقدس بودن و تقدیس شدن وا میدارد. این از طرفی، یک جایگاه الهیاتی در کار پایان یافته عیسی مسیح است و از طرف دیگر یک فرا خوانی برای شبیه به مسیح شدن در طرز فکر و اعمال روزانه. همانطور که نجات یک هدیه رایگان است و بهای آنگونه زندگی کردن، همه چیز فرد است، تقدیس شدن نیز چنین است.

شباهت فزاینده به مسیح

پاسخ اولیه

رومیان ۶: ۱۹	اعمال ۲۰: ۲۳؛ ۲۶: ۱۸
۲ قرن تیان ۷: ۱	رومیان ۱۵: ۱۶
۱ تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۳ - ۴، ۷؛ ۵: ۲۳	۱ قرن تیان ۱: ۲-۳؛ ۶: ۱۱
۱ تیموتاؤس ۲: ۱۵	۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳
۲ تیموتاؤس ۲: ۲۱	عبرانیان ۲: ۱۱؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۴؛ ۱۳: ۱۲
عبرانیان ۱۲: ۱۴	۱ پطرس ۱: ۱
۱ پطرس ۱: ۱۵-۱۶	

□ "مسیح برخیزانیده شد" درین چارچوب، پذیرش و تصدیق « پدر » از سخنان و کارهای « پسر » در دو رویداد عظیم بیان شده اند.

۱. برخاستن عیسی از مردگان
۲. صعود عیسی به دست راست « پدر »

□ "جلال پدر" در مورد "جلال" به عنوان خاص در ۳: ۲۳ رجوع نمایید. در مورد « پدر » به عنوان خاص ۱: ۷ رجوع نمایید.

۶: ۵ "اگر" این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده، یا برای مقاصد ادبی او، واقعیت فرض شده است. فرض پولس بر این بود که خوانندگان او ایمانداران بودند.

□ "با «/و» یگانه شده ایم" این وجه « نقلی اخباری سببی » است که می شود آنرا اینطور ترجمه کرد: "به یکدیگر متصل شده ایم و متصل بودن ما ادامه می یابد،" یا "با یکدیگر کاشته شده ایم و کاشته شدن ما با یکدیگر ادامه می یابد." این واقعیت با "ماندن" در یوحنا ۱۵ متشابه است. اگر هویت ایمانداران با مرگ عیسی مشخص شده است (ر.ک. غلا ۲: ۱۹ - ۲۰؛ کولس ۲: ۲۰؛ ۳: ۳ - ۵)، از لحاظ الهیاتی، هویت آنها باید با زندگی رستاخیز یافته او مشخص شود (ر.ک. آیه ۱۰).

این جنبه استعاره ای تعمیم بعنوان مرگ، این ها را نشان می داده است: (۱) ما نسبت به زندگی گذشته و معاهده قدیمی مرده ایم، (۲) ما نسبت به روح خدا و معاهده جدید زنده ایم. از این رو تعمیم مسیحی همان تعمیم یحیی تعمیم دهنده نیست که آخرین نبی عهدعتیق بود. تعمیم در کلیسای اولیه فرصتی برای ایماندار جدید

محسوب می شد تا ایمان خود را به عموم اعتراف کند. اولین فرمول اعتقادی مراسم تعمید که درخواست کننده باید تکرار میکرد چنین بود، "من ایمان دارم عیسی خداوند است" (ر.ک. روم ۱۰: ۹ - ۱۳). این اعلامیه عمومی، عمل تشریفاتی و رسمی بود در مورد آنچه پیشتر در تجربه شخص انجام یافته بود. تعمید، فرایندی نبود برای انجام بخشش، نجات یا آمدن روح القدس، بلکه موقعیتی بود برای اعلام و اعتراف عمومی به این موارد (ر.ک. اعمال ۲: ۳۸). اما اینکار انتخابی نبود. عیسی آنرا حکم فرمود (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹ - ۲۰)، و خود در عمل آنرا نمونه شد، (ر.ک. متی ۳؛ مرقس ۱؛ لوقا ۳) و بخشی از موعظه های رسولان و روند ها در «اعمال رسولان» به آن اختصاص یافت.

۶:۶

NASB

" این را می دانیم، که ضمیر کهنه ما با « او » مصلوب شد "

NKJV

" این را می دانیم، که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد "

NRSV

" می دانیم که ضمیر کهنه ما با او مصلوب شد "

TEV

" و این را می دانیم: وجود کهنه ما، با مسیح بر صلیب او به مرگ سپرده شده است "

JB

" باید بدانیم که ضمیر پیشین ما با او مصلوب شده است "

این « گذشته غیرمعمول اخباری غیرمستقیم » است بدین معنی که " نفس کهنه ما یکبار و برای همیشه بوسیله روح خدا مصلوب گشته است. " این واقعیت برای زندگی پیروزمندان مسیحی اهمیت اساسی دارد. ایمانداران باید درک کنند رابطه جدید شان با گناه چیست (ر.ک. غلا ۲: ۲۰؛ ۶: ۱۴). نفس کهنه سقوط کرده انسان (طبیعت منسوب به آدم)، با مسیح مرده است (ر.ک. آیه ۷؛ افس ۴: ۲۲ و کولس ۳: ۹). ما اکنون بعنوان ایمانداران در مورد گناه حق انتخاب داریم - همانطور که آدم در اول داشت.

□

NKJV, NASB

" تا پیکر گناه ما، برکنار شود "

NRSV

" تا آنکه پیکر گناه، نابود گردد "

TEV

" برای آنکه قدرت نفس گناه کار، نابود گردد "

JB

" تا جسم گناهکار نابود گردد "

پولس کلمه "پیکر" (*soma*) را در چند عبارت «ملکی» به کار میگیرد.

۱. پیکر گناه، رومیان ۶: ۶

۲. پیکر این مرگ، رومیان ۷: ۲۴

۳. پیکر جسم، کولسیان ۲: ۱۱

پولس در باره زندگی جسمانی این عصر پرگناه و ارتداد سخن می گوید. پیکر جدید قیام کرده عیسی، پیکر دوره جدید پارسایی است (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۷). جسمانیت، مشکل کار نیست (فلسفه یونانی)، بلکه گناه و نافرمانی. بدن، شریر نیست. مسیحیت، باور به یک بدن جسمانی در ابدیت را تأیید می کند (ر.ک. ۱ قرن ۱۵). اما بدن جسمانی، میدان نبردی برای وسوسه، گناه و نفس است.

این «گذشته غیرمعمول غیرمستقیم التزامی» است. معنی عبارت "برکنار شود" چنین بوده: "غیر فعال شود" "قدرت از آن سلب شود" یا "بی اثر شود"، اما به معنی "نابود شده" نبوده است. این کلمه مورد علاقه پولس بود و بیش از بیست و پنج بار به کار گرفته شده است. به عنوان خاص ۳: ۳ رجوع نمایید. پیکر فیزیکی ما از لحاظ اخلاقی خنثی است، اما در عین حال، میدان کارزاری است برای جنگ همچنان برپای روحانی (ر.ک. آیات ۱۲ - ۱۳؛ ۵: ۱۲ - ۲۱؛ ۱۲: ۱ - ۲).

۶: ۷ "آن که مرده است از گناه آزاد شده است" این «گذشته غیرمعین متعدی وصفی» و «گذشته نقلی غیرمستقیم اخباری» است به این معنی: "آنکه مرده است از گناه آزاد گشته و آزادیش از گناه در حال ادامه است". از آنجا که ایمانداران، خلقت جدیدی در مسیح هستند، از بردگی گناه و نفسِ مورثی از سقوطِ آدم، آزاد شده اند و این آزاد شدن در حال ادامه می باشد (ر.ک. ۷: ۱ - ۶).

واژه یونانی که درین جا "آزاد شده" ترجمه شده است، واژه ای است که در دیگر جاها در باب های آغازین بعنوان "پارسا شده" ترجمه شده است (ASV). درین متن، "آزاد شده" بسیار بیشتر مصداق دارد (مشابه کاربرد آن در اعمال ۱۳: ۳۹). بیاد داشته باشید که متن، تعیین کننده معنی واژه است، نه یک فرهنگ لغات یا معانی فنی از پیش تعیین شده. کلمات، صرفاً در جملات معنی دارند و جملات تنها در پاراگراف ها معنی دارند.

متن NASB (به روز شده): ۶: ۸ - ۱۱

۸ حال اگر با مسیح مرده ایم، ایمان داریم که با «او» زندگی نیز خواهیم کرد. ^۹ می دانیم که مسیح، چون از مردگان برخیزانیده شده است، دیگر هرگز نخواهد مرد؛ مرگ دیگر ارباب «او» نیست ^{۱۰} زیرا آن مرگی که «او» مُرد، یک بار برای همیشه نسبت به گناه مُرد؛ اما زندگی ای که «او» زیست میکند، برای خدا زیست میکند. ^{۱۱} به همین سان، شما خود را نسبت به گناه مُرده محسوب کنید، اما در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده.

۶: ۸ "اگر" این «جمله نوع اول شرطی» است که از دیدگاه نویسنده، یا برای مقاصد ادبی او واقعیت فرض گرفته می شود. تمعید ایماندار، به طرزی قابل دید، نمودار مرگ شخص با مسیح است.

□ "با «او» زندگی نیز خواهیم کرد" برداشتی که این چارچوب طلب می کند، زندگی کنونی و درین دنیا است (ر.ک. ۱ یوحنا ۱: ۷)، و مختص زندگی آینده نیست. آیه ۵ از سهیم شدن ما در مرگ مسیح سخن می گوید، در حالیکه آیه ۸ گویای سهیم شدن ما در زندگی اوست. این همان تنش موجود در مفهوم "پادشاهی خدا" در کتاب مقدس است. هم در زندگی فعلی است و هم در این دنیا - و ضمناً در آینده نیز هست. ثمره فیض رایگان باید کنترل نفس باشد، نه یک مجوز.

۶: ۹ "چون از مردگان برخیزانیده شده است" این «گذشته غیرمعین وصفی غیرمستقیم» است (به ۶: ۴ رجوع شود، «گذشته غیرمعین اخباری غیرمستقیم»).

عهد جدید تأیید می نماید که هر سه اقنوم تثلیث در رستاخیز عیسی فعال بودند: (۱) روح خدا (ر.ک. روم ۸: ۱۱)؛ (۲) «پسر» (ر.ک. یوحنا ۲: ۱۹ - ۲۲؛ ۱۰: ۱۷ - ۱۸)؛ و بیشتر اوقات (۳) «پدر» (ر.ک. اعمال ۲: ۲۴، ۳۲؛ ۳: ۱۵، ۲۶؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷: ۳۱؛ روم ۶: ۴، ۹). اقدامات «پدر» تصدیق می کرد که او، زندگی و مرگ و آموزه های عیسی را قبول داشت. این بزرگترین موضوع در موعظه های اولیه رسولان بود. به عنوان خاص: «موعظه های اعلام کننده حقایق ایمان» در ۱: ۲ مراجعه کنید.



"مرگ دیگر ارباب «او» نیست"	NASB
"مرگ دیگر بر «او» تسلطی ندارد"	NRSV، NKJV
"مرگ دیگر بر «او» فرمان نخواهد راند"	TEV

«فعل» *kurieuō* از واژه *kurios* آمده است که به معنی "صاحب"، "ارباب"، "شوهر" یا "خداوند" است. اکنون عیسی بر مرگ، حکم خداوندی دارد (ر.ک. مکا ۱: ۱۸). عیسی اولین کسی است که قدرت مرگ را در هم شکسته است (ر.ک ۱ قرن ۱۵)!

۶: ۱۰ "آن مرگی که «او» مُرد، نسبت به گناه مُرد" عیسی در دنیایی پر گناه زندگی می کرد و اگرچه او هرگز گناه نکرد، دنیای گناهکار او را به صلیب کشید (ر.ک. عبر ۱۰: ۱۰). مرگ جانسین شونده عیسی، به جای مردم، تمامی الزامات شریعت و عواقب آن را نسبت به انسان ها، باطل ساخت (ر.ک. غلا ۳: ۱۳؛ کولس ۲: ۱۳ - ۱۴).

□ "یک بار برای همیشه" در این چارچوب، پولس دارد صلیب شدن عیسی را تأکید می کند. مرگ او که یک بار انجام شد و برای گناه بود، بر مرگ پیروان او نسبت به گناه، اثر بخش بوده است. کتاب عبرانیان نیز نهایی بودن مرگ قربانی شونده عیسی را، که یکبار داده شد، تأکید می کند. این نجات و بخششی که یکبار انجام شدند، برای همیشه به انجام رسیده اند (ر.ک. "یک بار" [ephapax]، ۷: ۲۷؛ ۹: ۱۲؛ ۱۰: ۱۰ و "یک بار برای همیشه" [hapax]، ۶: ۴؛ ۷: ۹، ۲۶، ۲۷، ۲۸؛ ۱۰: ۲؛ ۱۲: ۲۶، ۲۷). این تأیید مکرر قربانی ای است که به انجام رسیده است.

□ "اما زندگی ای که «او» زیست میکند، برای خدا زیست میکند" دو «گذشته غیرمعین» در قسمت اول آیه ۱۰، تضاد داده شده اند با «حال متعدی اخباری» در قسمت دوم آیه ۱۰. ایمانداران با مسیح مرده اند؛ ایمانداران توسط مسیح برای خدا زندگی می کنند. هدف انجیل صرفاً بخشش نیست (پارسا ساختن)، بلکه خدمت به خدا است (تقدیس شدن). ایمانداران نجات یافته اند تا خدمت کنند.

۶: ۱۱ "به همین سان، شما خود را نسبت به گناه، مُرده محسوب کنید" این «حال انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] متوسط (در ظاهر مجهول و در معنی معلوم) امری» است. این حکمی مداوم و دائمی برای ایمانداران است. آگاهی مسیحیان در مورد کاری که مسیح به جای آنها و به خاطر آنها کرده است، برای زندگی روزانه حیاتی است. کلمه "به حساب گذاشتن" (ر.ک. ۴: ۴، ۹)، واژه حسابداری بود به این معنی: "به دقت آن را جمع بزنید" و سپس بر مبنای آن آگاهی عمل کنید. آیات ۱ - ۱۱ جایگاه فرد را در مسیح تصدیق می کرد (تقدیس جایگاهی)، در حالیکه ۱۲ - ۱۳ در او راه رفتن را [زندگی کردن] تأکید می کرد (تقدیس فزاینده). به عنوان خاص در آیه ۴ رجوع نمایید.

متن NASB (به روز شده): ۶: ۱۲ - ۱۴

۱۲ پس مگذارید گناه در بدن فانی شما فرمان براند تا شهوات آنرا اطاعت کنید. ۱۳ و دیگر به این ادامه ندهید که اعضای بدن خود را به عنوان ابزار شرارت به گناه تقدیم کنید؛ بلکه خود را به خدا، همچون کسانی که از مردگان زنده شده اند، تقدیم کنید و اعضای بدن خود را بعنوان ابزار پارسائی به خدا. ۱۴ زیرا گناه ارباب شما نخواهد بود، چون تحت قانون نیستید بلکه تحت فیض.

۶: ۱۲ "پس مگذارید گناه در بدن فانی شما فرمان براند" این «حال متعدی امری» است با «تکواژ منفی»، که معمولاً معنی آن متوقف ساختن عملی در حال انجام بود. کلمه "فرمان راندن" مربوط می شود به ۵: ۱۷ - ۲۱ و ۶: ۲۳. پولس به چند مفهوم الهیاتی، شخصیت انسانی می بخشد: (۱) مرگ بعنوان یک

پادشاه فرمان می‌راند (ر.ک. ۵: ۱۴، ۱۷؛ ۶: ۲۳)؛ (۲) فیض بعنوان پادشاه فرمان می‌راند (ر.ک. ۵: ۲۱) ، و (۳) گناه بعنوان پادشاه فرمان می‌راند (ر.ک. ۶: ۱۲، ۱۴). سؤال واقعی اینست که چه کسی [اکنون] در زندگی شما فرمان می‌راند؟ ایماندار در مسیح قدرت این انتخاب را دارد! چه وضعیت تأسف باری برای شخص، کلیسای محلی، و پادشاهی خدا، که ایمانداران در حینی که ادعای فیض می‌کنند، نفس و گناه را انتخاب نمایند!

۶: ۱۳ "دیگر به این ادامه ندهید که اعضای بدن خود را به گناه تقدیم کنید" این «حال متعدی امری» است با «تکواژ منفی»، که معمولاً معنی آن متوقف ساختن عملی در حال انجام بود. این احتمال بالقوه گناه را در زندگی ایمانداران نشان می‌دهد (ر.ک. ۷: ۱ به بعد؛ ۱ یوحنا ۱: ۸ - ۲: ۱). اما لزوم گناه در رابطه ایماندار با مسیح از میان برداشته شده است، آیات ۱ - ۱۱.

□ "به عنوان ابزار" این کلمه به "اسلحه های یک سرباز" اشاره داشت. بدن جسمانی ما میدان کارزاری است برای وسوسه (ر.ک. آیات ۱۲ - ۱۳؛ ۱۲: ۱-۲؛ ۱ قرن ۶: ۲۰؛ فیل ۱: ۲۰). زندگی های ما انجیل را در معرض دید عموم قرار می‌دهند.

□ "بلکه... خود را به خدا تقدیم کنید" این «گذشته غیرمعین متعدی امری» است که فراخوانی بود برای عمل قاطع (ر.ک. ۱۲: ۱). ایمانداران این را در زمان نجات بوسیله ایمان انجام می‌دهند، اما باید به انجام آن در سراسر زندگی خود نیز ادامه دهند.

به همسانی های این آیه توجه کنید.

۱. همان «فعل» و هر دو «امر» هستند
۲. استعاره های رزمی
- ۲ - ۱ اسلحه های شرارت
- ۲ - ۲ اسلحه های نیکی مطلق

۳. ایمانداران می‌توانند یا بدن های خود را به گناه ارائه کنند یا خود را به خدا تسلیم نمایند

بیاد داشته باشید، این آیه درباره ایمانداران صحبت می‌کند - گزینه هنوز ادامه دارد؛ نبرد هنوز ادامه دارد!

۶: ۱۴ "زیرا گناه ارباب شما نخواهد بود" این «آینده متعدی اخباری» است (ر.ک. مزمور ۱۹: ۱۳) که بعنوان «امر» عمل می‌کند: "گناه نباید ارباب شما باشد!" گناه ارباب ایمانداران نیست زیرا آن ارباب مسیح نیست (ر.ک. آیه ۹؛ یوحنا ۱۶: ۳۳).

متن NASB (به روز شده): ۶: ۱۵ - ۱۹

۱۵ پس چه؟ آیا گناه کنیم چون زیر شریعت نیستیم، بلکه زیر فیضیم؟ هرگز چنین مباد! ۱۶ مگر نمی‌دانید که هرگاه شما خود را به عنوان بردگان، برای اطاعت، در اختیار کسی بگذارید، بردگان کسی هستید که از او اطاعت می‌کنید، خواه [بنده] گناه، که منجر به مرگ می‌شود، خواه [بنده] اطاعت، که به پارسایی می‌انجامد؟ ۱۷ اما خدارا شکر که هر چند بندگان گناه بودید، از دل، مطیع آن شکل تعلیم گشتید که بدان سپرده شدید. ۱۸ و با آزاد شدن از گناه، بندگان پارسایی شدید. ۱۹ من بر حسب انسان سخن می‌گویم، از آنجا که جسم شما ضعیف است. پس همان گونه که اعضای [بدن] خود را بعنوان بردگان، در اختیار ناپاکی و شرارت قرار دادید، که منتهی به شرارت بیشتر شد، اکنون نیز اعضای خود را بعنوان بردگان، در اختیار پارسایی قرار دهید، که نتیجه آن تقدیس شدن است.

۶: ۱۵ این دومین سؤال انگار شده (معترض فرضی)، بسیار شبیه به ۶: ۱ است. هر دو سؤالات مختلفی را در باره ارتباط مسیحی با گناه پاسخ می دهند. آیه اول در مورد فیض است که نباید بعنوان مجوز برای گناه به کار گرفته شود، در حالیکه آیه ۱۵ در مورد نیاز مسیحی به جنگیدن، یا مقاومت کردن در برابر تک تک اعمالی است که گناه می باشند. همچنین، ایماندار در عین حال باید خدا را با همان اشتیاقی اکنون خدمت کند که پیش ازین گناه را آنطور خدمت می نمود (ر.ک. ۶: ۱۴).



NKJV, NASB

TEV

NRSV

JB

" آیا گناه کنیم "

" آیا باید گناه کنیم "

" که از ادیم گناه کنیم "

ترجمه های « ویلیامز » و « فیلیپس » هر دو این «گذشته غیرمعین متعدی التزامی» را به صورت «حال متعدی التزامی» ترجمه می کنند، که مشابه آیه ۱ است. این تمرکز، صحیح نیست. به ترجمه های دیگر جانشین توجه نمایید (۱) NIV - ASV - KJV - «آیا گناه کنیم؟» ؛ (۲) «ترجمه یکصدمین سال» - «آیا مرتکب یک عمل گناه آلود شویم؟» ؛ (۳) RSV - «آیا باید گناه کنیم؟» در زبان یونانی این سؤال تأکیدی است و انتظار پاسخ "بلی" را دارد. پولس از این روش "معترض فرضی"، برای بیان حقیقت استفاده می کرد. اما این آیه، الهیات اشتباه را نقل می کند! پولس با "هرگز چنین مباد" که مشخصه اوست، پاسخ این را می دهد. بسیاری از معلمین کاذب، انجیل فیض رایگان خدا را که بنیادی و ریشه ای بود اشتباه درک کرده بودند و از آن به طرز ناروا استفاده می کردند.

۶: ۱۶ این سؤال، انتظار پاسخ "بلی" را دارد. انسان ها، یا چیزی را خدمت می کنند یا کسی را. در زندگی شما حکمرانی با کیست: گناه یا خدا؟ آنچه انسان ها از آن اطاعت می کنند نشان می دهد چه چیزی را خدمت می کنند (ر.ک. غلا ۶: ۷ - ۸).

۶: ۱۷ "اما خدا را شکر" پولس اغلب [در حین موضوع ها]، شروع به ستایش خدا می کند. نوشته های او از دعاهایش جریان می گیرد و دعاها و آگاهیش از انجیل. به عنوان خاص: «تمجید، دعا و شکر گذاری پولس به خدا» در ۷: ۲۵ رجوع کنید.

▣ "بودید...گشتید" این «گذشته استمراری» فعل "بودن" است که وضعیت آنها را در گذشته بیان می کرد (برندگان گناه) ؛ سپس «گذشته غیرمعین» آمده است که تأکیداً اظهار میکند دوره سرپیچی آنها پایان گرفته است.

▣ "از دل، مطیع آن شکل تعلیم گشتید" در چارچوب متن، گویای پارسا شمرده شدن آنها بوسیله ایمان است، که باید منتهی به مشابهت روزانه آنها به مسیح گردد. مقصود از کلمه "تعلیم"، آموزه های رسولان یا انجیل بود.

▣ "دل" به عنوان خاص: «قلب» در ۱: ۲۴ رجوع کنید.



NASB

NKJV

NIV، NRSV

TEV

NJB

" آن شکل تعلیم که بدان سپرده شدید "
 " آن شکل آموزه که بدان ارائه شدید "
 " به آن شکل تعلیمی که بدان به امانت سپرده شدید "
 " آن واقعیت که در تعلیمی یافت شد که به شما رسید "
 " به آن روش تعلیمی که با آن آشنایی داده شدید "

عنوان خاص: شکل (TUPOS)

مسئله، واژه *tupos* است که کاربردهای متعدد و مختلفی دارد.

۱. مولتون و میلیگان در کتاب «لغات عهد جدید یونانی»، صفحه ۶۴۵

۱-۱ الگو

۲-۱ نقشه

۳-۱ شکل یا طرز نوشتن

۴-۱ حکم یا فرمان رسمی / فتوی

۵-۱ حکم مجازات یا تصمیم قضایی

۶-۱ نمونه پیکر انسان بعنوان هدایای نذری به یکی از خدایان شفاعت

۷-۱ کاربرد فعل با مفهوم به اجرا گزاردن مقتضیات قانون

۲. لو او و نیدا، «لغت نامه یونانی - انگلیسی»، جلد ۲، صفحه ۲۴۹

۱-۲ جای زخم (ر.ک. یوحنا ۲۰: ۲۵)

۲-۲ تمثال (ر.ک. اعمال ۷: ۴۳)

۳-۲ الگو (ر.ک. عبر ۸: ۵)

۴-۲ سرمشق (ر.ک. ۱ قرن ۱۰: ۱۰؛ ۶: ۱۷)

۵-۲ نمونه اولیه و کهن (ر.ک. روم ۵: ۱۴)

۶-۲ نوع (ر.ک. اعمال ۲۳: ۲۵) ۷-۲ محتوی (ر.ک. اعمال ۲۳: ۲۵)

۳. هارولد کی. مولتون، واژه نامه تحلیلی ویرایش شده یونانی، ص ۴۱۱

۱-۳ یک ضربه، نشان فرورفتگی، علامت (ر.ک. یوحنا ۲۰: ۲۵)

۲-۳ یک تصویر تشریحی

۳-۳ تمثال (ر.ک. اعمال ۷: ۴۳)

۴-۳ یک اصل تعلیمی، ساختار اصول (ر.ک. روم ۶: ۱۷)

۵-۳ شکل، معنی و مقصود (ر.ک. اعمال ۲۳: ۲۵)

۶-۳ نمونه، همتا (ر.ک. ۱ قرن ۱۰: ۶)

۷-۳ نمونه آن کسی که قرار است بیاید، نمونه و نوع (ر.ک. روم ۵: ۱۴؛ ۱ قرن ۱۰: ۱۱)

۸-۳ الگوی نمونه (ر.ک. اعمال ۷: ۴۴؛ عبر ۸: ۵)

۹-۳ الگوی اخلاقی (ر.ک. فیل ۳: ۱۷؛ ۱: ۱؛ ۷: ۲؛ ۳: ۹؛ ۱ تیمو ۴: ۱۲؛ ۱ پتر ۵: ۳)

در این متن، شماره ۱ در فوق بهترین گزینه به نظر می رسد. انجیل، گویای آموزه است و نیز شیوه زندگی.

هدیه رایگان نجات در مسیح همچنین مستلزم زندگی ای شبیه به مسیح است!

۶: ۱۸ "با آزاد شدن از گناه" این گذشته نامعین وصفی غیرمستقیم است. انجیل به وسیله عاملیت و نمایندگی روح القدس، و توسط کار مسیح، ایمانداران را آزاد ساخته است. ایمانداران هم از مجازات گناه آزاد شده اند (پارسا شمرده شدن) و هم از حکومت ستمگرانه گناه (نیل به تقدس، ر.ک. آیات ۷ و ۲۲).

□ "بندگان پارسایی شدید" این گذشته نامعین غیرمستقیم اخباری است: "شما به بردگی پارسایی درآمدید." به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع کنید. ایمانداران از گناه آزاد شده اند تا خدا را خدمت کنند (ر.ک. آیات ۱۴، ۱۹، ۲۲؛ ۷: ۴؛ ۸: ۲)؛ هدف از فیض رایگان، زندگی خدایسندانه است. پارسا شمرده شدن هم اعلام قضایی و قانونی است، هم محرک برای نیکی کامل شخصی. خدا می خواهد ما را نجات دهد و تغییر دهد تا زندگی دیگران را نیز لمس کند. کار خدا با ما خاتمه نمی گیرد.

۶: ۱۹ "من بر حسب انسان سخن میگویم، از آنجا که جسم شما ضعیف است" پولس خطاب به ایمانداران روم صحبت می کند. آیا مخاطب او، یک مشکل محلی است که به استحضارش رسیده است (حسادت بین یهودیان ایماندار و غیر یهودیان ایماندار) یا آیا واقعیتی را در باره تمامی ایمانداران بیان می کند؟ پولس این عبارت را بیشتر در رومیان ۳: ۵ و نیز در غلاطیان ۳: ۱۵ بکار می برد. آیه ۱۹ همسان آیه ۱۶ است. پولس نکات آموزه های الهیاتی خود را برای تأکید تکرار می نماید. برخی ممکن است بگویند معنی این عبارت آن است که پولس کاربرد خود از استعاره ای در مورد بردگان را توجیه می کند. اما "از آنجا که جسم شما ضعیف است" با این تفسیر هماهنگ نیست. برده داری در جامعه قرن اول، شرارت انگار نمی شد - بخصوص در روم. اینکار جزو فرهنگ آن زمان بود.

□ "جسم" به عنوان خاص در ۱: ۳ رجوع نمایید.

□ "که نتیجه آن تقدیس شدن است" هدف پارسا شمردن این است (ر.ک. آیه ۲۲). عهد جدید این واژه را در دو مفهوم آموزه های الهیاتی مربوط به نجات بکار برده است (۱) تقدیس جایگاه شخص، که آن هدیه خداست (جنبه عین گرا و عقلانی) و در زمان نجات به همراه پارسایی از طریق ایمان به مسیح داده شده است (ر.ک. اعمال ۲۶: ۱۸؛ ۱ قرن ۱: ۲؛ ۶: ۱۱؛ افس ۵: ۲۶-۲۷؛ ۱ تسال ۵: ۲۳؛ ۲ تسال ۲: ۱۳؛ عبر ۱۰: ۱۰؛ ۱۳: ۱۲؛ ۱ پتر ۱: ۲) و (۲) تقدیس تصاعدی و پیشرو که نیز عمل خدا توسط روح القدس است و بدین وسیله زندگی ایماندار به شباهت صورت و بلوغ روحانی مسیح تبدیل می گردد (جنبه ذهنی، ر.ک. ۲ قرن ۷: ۱؛ ۱ تسال ۴: ۳، ۷؛ ۱ تیمو ۲: ۱۵؛ ۲ تیمو ۲: ۲۱؛ عبر ۱۲: ۱۰، ۱۴). به عنوان خاص: تقدیس در ۶: ۴ رجوع نمایید.

این یک هدیه و نیز حکم است. موضع و جایگاه است (عقلانی) و نیز فعالیت است (دیدگاه شخصی)؛ از لحاظ دستوری، وجه اخباری است (اظهار) و وجه التزامی است (حکم)؛ در ابتدا صورت می گیرد، اما تا آخر کار به کمال نمی رسد (ر.ک. فیل ۱: ۶؛ ۲: ۱۲-۱۳).

متن NASB (به روز شده): ۶: ۲۰-۲۳

۲۰ زیرا هنگامی که بندگان گناه بودید، از پارسایی آزاد بودید،^{۲۱} بنابراین از چیزهایی که بخاطر آنها اکنون شرمنده هستید، چه نفعی می بردید؟ زیرا عاقبت آن چیزها مرگ است.^{۲۲} اما حال که از گناه آزاد گشته و بندگان خدا شده اید، نفع خود را می برید که نتیجه آن تقدیس شدن است، و سرانجام اش، حیات جاویدان.^{۲۳} زیرا مزد گناه مرگ است، اما هدیه رایگان خدا، حیات جاویدان در خداوند ما مسیح عیسی است.

۶: ۲۰ - ۲۱ این قسمت عکس آیات ۱۸ و ۱۹ را بیان می کند. ایمانداران صرفاً یک ارباب را می توانند خدمت کنند (ر.ک. لوقا ۱۶: ۱۳).

۶: ۲۲ - ۲۳ این آیات، مراحل و عاقبت منطقی مزدی است که ارباب شخص به او می دهد. خدا را شکر که این مبحث گناه و ایماندار، به موضوع فیض ختم می شود! نخست، هدیه نجات با همکاری خود ما است، و سپس هدیه زندگی مسیحی است، که آنها از طریق همکاری ما است. هر دو هدایایی دریافتی هستند که توسط ایمان و توبه به دست آمده اند.

۶: ۲۲ "نفع خود را می برید که نتیجه آن تقدیس شدن است، و سرانجامش، حیات جاویدان" کلمه "نفع"، که تحت اللفظی درینجا "ثمر" می باشد، در آیه ۲۱ برای بیان عاقبت گناه بکار گرفته شده است، اما در آیه ۲۲ در باره پیامد خدمت کردن به خدا صحبت می کند. مزیتی که بلافاصله به ایماندار تعلق می گیرد شبیه به مسیح شدن است. مزیت نهایی آن، بودن ابدی با او و شبیه بودن ابدی به او است (ر.ک. ۱ یوحنا ۳: ۲). اگر از همان اول هیچ چیز حاصل نشود (زندگی شخص تغییر نکند، ر.ک. یعقوب ۲) نتیجه نهایی کار را نیز می توان بطور معقول تحت سؤال برد (زندگی ابدی، ر.ک. متی ۷). نبودن ثمر گویای نبودن ریشه است!

۶: ۲۳ این آیه خلاصه تمام باب است. پولس گزینه را کاملاً مشخص می سازد. انتخاب با ماست - یا گناه و مرگ، یا فیض رایگان توسط مسیح و حیات ابدی. این قسمت بسیار مشابه "دو طریق" در ادبیات حکیمانه عهد عتیق است (مزمور ۱؛ امثال ۴؛ ۱۰-۱۹؛ متی ۷: ۱۳-۱۴).

□ "مزد گناه" گناه به عنوان شخص ارائه شده است: (۱) برده دار (۲) فرمانده ارتشی (۳) یا پادشاهی که مزد می پردازد (ر.ک. ۳: ۹؛ ۵: ۲۱؛ ۶: ۹، ۱۴، ۱۷).

□ "هدیه رایگان خدا، حیات جاویدان ... است" این کلمه که "هدیه رایگان" ترجمه شده است (*charisma*) از ریشه کلمه برای فیض بود (*charis*)، ر.ک. ۳: ۲۴؛ ۵: ۱۵، ۱۶، ۱۷؛ افس ۲: ۸-۹). به یادداشت در ۳: ۲۴ رجوع کنید.

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

1. کارهای نیک چگونه به رستگاری ارتباط دارند؟
2. گناه پیوسته و ادامه دار، در زندگی ایماندار چگونه با رستگاری ارتباط پیدا می کند؟
3. آیا این فصل، "بی گناه بودن مطلق و کامل بودن" را تعلیم می دهد؟
4. فصل 6 چه ارتباطی با فصل 5 و 7 دارد؟
5. چرا تعمید در اینجا مورد بحث قرار گرفته است؟
6. آیا طبیعت کهنه در مسیحیان باقی می ماند؟ چرا؟
7. افعال «زمان حال» که حاکم بر 1-14 هستند و افعال زمان «گذشته غیر معین» در 15-23 گویای چه می باشند؟

رومیان فصل ۷

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید

JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^f
فرد مسیحی مقید به شریعت نیست	نمونه ای برگرفته از ازدواج	قیاسی برگرفته از ازدواج	آزاد از شریعت	قیاسی برگرفته از ازدواج
۶-۱ : ۷	۶-۱ : ۷	۳-۱ : ۷	۶-۱ : ۷	۶-۱ : ۷
		۶-۴ : ۷		
کار ویژه شریعت	شریعت و گناه	شریعت و گناه	فرصت برتر گناه در شریعت	مسئله گناه ساکن در درون
۸-۷ : ۷	۱۱-۷ : ۷	۱۲-۷ : ۷	۱۲-۷ : ۷	۱۲-۷ : ۷
۱۱- ۹ : ۷				
۱۳-۱۲ : ۷	۱۳-۱۲ : ۷		شریعت نمی تواند از گناه آزاد سازد	
		۱۳ : ۷	۲۵-۱۳ : ۷	۲۵-۱۳ : ۷
تلاش برای پاداش	کشمکش در انسان	کشمکش درونی		
۲۰-۱۴ : ۷	۲۰-۱۴ : ۷	۲۰-۱۴ : ۷		
۲۳-۲۱ : ۷	۲۵-۲۱ الف : ۷	۲۵-۲۱ الف : ۷		
۲۵-۲۴ الف : ۷				
ب ۲۵ : ۷	ب ۲۵ : ۷	ب ۲۵ : ۷		

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات میباشد، به این معنی که شما شخصاً مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را متور ساخته است. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی، از روی وحی نیست اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، که قلب کار تفسیر است، کلیدی می باشد. هر پاراگراف صرفاً و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

مفاهیم استنباط شده در مورد آیات ۱-۶

الف. باب ۷ باید (۱) با در نظر داشتن باب ۶ تفسیر گردد، مخصوصاً آیات ۱۲ - ۱۴ (نیز ۳: ۲۰، ۲۱ - ۳۱؛ ۴: ۱۳ - ۱۶؛ ۵: ۲۰)، اما، (۲) باید همچنین به تنشی که در کلیسای روم بین ایمانداران غیر یهودی و ایمانداران یهودی ارتباط داده شود که در باب های ۹ - ۱۱ مشاهده می گردد. ماهیت دقیق مسئله، مشخص نیست. احتمالاً یکی از موارد ذیل بوده است:

۱. شریعت گرائی مبنی بر شریعت موسی

۲. تأکید یهودی گراها بر اولیت موسی نسبت به مسیح

۳. سوء تفاهم در کاربرد انجیل برای یهودیان

۴. سوء تفاهم رابطه «معاهده قدیم» و «جدید»

۵. حسادت رهبران ایماندار یهودی ازینکه رهبران ایمانداران غیریهودی، در دوره حکم امپراطور، جانشین آنها شده بودند. در اثر آن حکم، همه گونه مراسم مذهبی یهود در روم منسوخ شده بود. بسیاری از ایمانداران یهودی نیز احتمالاً آنجا را ترک کرده بودند.

ب. رومیان ۷: ۱-۶ همان بیان تمثیلی باب ۶ را درباره رابطه شخص مسیحی با زندگی گذشته اش ادامه می دهد. استعاره های کاربردی اینها می باشند:

۱. مرگ و آزادی از بردگی ارباب دیگر (باب ۶)

۲. مرگ و آزادی از تعهدات ازدواج (باب ۷)

ج. سبک نگارش باب ۶ و ۷ همسان هستند؛ باب ۶ حل و فصل رابطه ایماندار با "گناه" است و باب ۷ در رابطه ایماندار با "قانون". "قیاس" مرگ در آزاد ساختن برده (۶: ۱۲-۲۳) همسان آزادی است که مرگ از قید ازدواج حاصل میکند.

باب ۷	باب ۶
۷: ۱ "قانون"	۶: ۱ "گناه"
۷: ۴ "نسبت به قانون مرده اید"	۶: ۲ "نسبت به گناه مُردیم"
۷: ۶ "تا در تازگی روح خدمت کنیم"	۶: ۴ "تا در زندگی نوینی گام برداریم"
۷: ۶ "اکنون با مردن نسبت به آنچه در قید آن بودیم، از قانون آزاد شده ایم"	۶: ۷ "آن که مرده است، از گناه آزاد شده است."

(برگرفته از «تفسیر رومیان» نوشته آندرس نای گرن، ترجمه کارل س. راسموسن، ص ٢٦٨)

د. شریعت با فرامین آن، حکم مرگ بود. همه انسانها طبق شریعت محکوم هستند (ر.ک. روم ٦: ١٤؛ ٧: ٤؛ غلا ٣: ١٣؛ افس ٢: ١٥؛ کولس ٢: ١٤). شریعت یک لعنت بود.

ه. چهار تئوری عمده درینکه چگونه باید باب ٧ را تفسیر کرد، وجود داشته اند

١. پولس دارد در مورد خود سخن می گوید (سبک «زندگی نامه»)
٢. پولس به نمایندگی از طرف همه انسان ها سخن می گوید (نماینده، کریسوستوم)
٣. پولس در مورد تجربه «آدم» سخن می گوید (تئودور اهل موپسوتیا)
٤. پولس دارد تجربه قوم اسرائیل را بیان می کند

و. از بسیاری لحاظ، باب ٧ رومیان نقشی همانند باب ٣ پیدایش دارد. این باب، نشانگر قدرت مخرب و سقوط دهنده نافرمانی است - حتی برای آنانی که خدا شناس هستند. دانش و آگاهی نمی تواند بشر گناه کار را آزاد سازد؛ تنها فیض خدا و قلبی تازه قادر به چنین کاری است ('معاهده جدید'، ر.ک. ارمیا ٣١: ٣١-٣٤؛ حز ٣٦: ٢٦ - ٢٧). و حتی آن زمان هم کشمکش دائمی برقرار است!

بررسی واژه ها و عبارات

متن NASB (به روز شده): ٧: ١-٣

١ یا ای برادران، آیا نمی دانید - زیرا با کسانی سخن میگویم که از قانون آگاهند - که قانون تا زمانی بر انسان دارای صلاحیت قضایی است که او زنده است؟^٢ زیرا زن شوهردار، تا زمان زنده بودن شوهرش بوسیله قانون به او بسته است؛ اما اگر شوهرش بمیرد او از قید قانون نسبت به آن شوهر آزاد می گردد.^٣ بنابراین، اگر در حالیکه شوهرش زنده است با مرد دیگری وصلت کند، زناکار خوانده میشود. اما اگر شوهرش بمیرد، از این قانون آزاد است و در نتیجه، اگر با مرد دیگری وصلت کند، زناکار نمی باشد.

٧: ١ " - زیرا با کسانی سخن میگویم که از قانون آگاهند - " این می تواند رجوع به موارد ذیل باشد: (١) صرفاً ایمانداران یهودی؛ (٢) مجادله بین ایمانداران یهودی و غیر یهودی در کلیسای روم؛ (٣) قانون بطور عموم در رابطه با تمامی بشر (ر.ک. ٢: ١٤-١٥)؛ یا (٤) به ایمانداران جدید غیر یهودی که در حال آموختن ایمان جدیدشان (تعالیم و فرایض) از کتاب مقدس عهد عتیق بودند.

□ "قانون" موضوع اصلی باب این است (ر.ک. آیات ١، ٢، ٤، ٥، ٦، و غیره). اما پولس این واژه را به معانی مختلفی به کار برده است. به نظر می رسد مسیب بحث پولس، ٦: ١٤ است. ارائه مطلب درین جا مشابه ساختار باب ٦ می باشد. به "مفاهیم استنباط شده" قسمت "ج" در فوق رجوع نمایید. شریعت و رابطه آن با "معاهده جدید" توسط مسیح نیز در ٣: ٢١-٣١ و ٤: ١٣-١٦ مورد بحث قرار گرفته است.



"که قانون تا زمانی بر انسان دارای صلاحیت قضایی است که او زنده است"	NASB
"که قانون تا زمانی بر فرد حاکمیت دارد که او زنده است"	NKJV
"که قانون صرفاً در زمان حیات شخص، برای او لازم الاجرا است"	NRSV
"قانون صرفاً تا زمانی که انسان زنده است بر او حاکم می باشد"	TEV
"که قوانین صرفاً در زمان حیات شخص شامل حال او می گردند"	JB

واژه تحت اللفظی درینجا "حاکمیت کردن" (*kurieuō*) است. شریعت موسی هم یک برکت بزرگ (ر.ک. مزمور ۱۹ ؛ ۱۱۹)، هم لعنتی دهشتناک بود (ر.ک. غلا ۳: ۱۳؛ افس ۲: ۱۵؛ کولس ۲: ۱۴). با مرگ جسمانی، الزامات نسبت به شریعت خاتمه می گیرند. این همان استعاره ای است که در باب ۶ در مورد مرگ ایماندار نسبت به گناه ذکر شده است.

۷: ۲ " زیرا زن شوهردار " این مثال اصلی پولس در آیات ۱-۶ است. در باب ۶ او نمونه فوت را ارائه کرده بود که تکلیف شخص را به بردگی پایان می داد. اینجا موضوع ازدواج و تعهدات آن مطرح شده اند. این مثال، عکس مسئله است چون در صورت فوت شوهر است که بیوه می تواند مجدداً ازدواج کند، در حالیکه در قیاس پولس، ایماندار است که مرده است و بنابراین، نسبت به خدا و برای او زنده است.

□ "او آزاد می گردد" این همان «فعل» در ۶: ۶ است؛ معنای آن "نافعال کردن" ، "از کار انداختن" یا "منسوخ کردن" است. در ۶: ۶ «ماضی غیرمعیّن غیرمستقیم» بود و اینجا «کامل غیرمستقیم» است با این مفهوم: "آزاد شده است و هنوز در حال آزاد شدن است". به عنوان خاص در ۳: ۳ رجوع نمایید.

۷: ۳ "زناکار خوانده می شود" این تمثیل در ارتباط به بحث یهودیان، بین مدارس دینی شمای (Shammai) و هیلل (Hillel) است که در مورد تثنیه ۲۴: ۱-۴ و خصوصاً عبارت "چیزی ناشایسته" برقرار بود. مکتب هیلل، گروه لیبرال (معتدل در شریعت) بودند که به هر دلیلی اجازه طلاق می دادند. مکتب شمای گروه محافظه کار بودند و تنها زمانی اجازه طلاق می دادند که زنا یا عمل جنسی نادرست دیگری صورت گرفته باشد (ر.ک. متی ۵: ۳۲؛ ۱۹: ۹).

متن NASB (به روز شده): ۷: ۴-۶

۴ بنابراین ای برادران من، شما نیز بواسطه بدن مسیح، نسبت به شریعت به مرگ سپرده شدید تا با شخص دیگری وصلت کنید، یعنی با "او" که از مردگان برخیزانیده شد، تا برای خدا ثمر آوریم. ۵ زیرا هنگامی که در جسم بودیم، امیال گناه آلود که شریعت آنها را برمی انگیزت، در اعضای بدن ما عمل می کرد تا برای مرگ ثمر آورد. ۶ اما اکنون با مردن نسبت به آنچه در قید آن بودیم، از شریعت آزاد شده ایم تا در تازگی «روح» خدمت کنیم و نه در کهنگی لفظ شریعت.

۷: ۴ "شما نیز ... به مرگ سپرده شدید" این مقصود اصلی پاراگراف (نیز باب ۶) است. ارتباط آن با قیاس در باب ۶ بود که مسیحیان نسبت به گناه مرده اند همانطور که مسیح مرد (ر.ک. ۲ تو ۵: ۱۴-۱۵؛ غلا ۲: ۲۰). ایمانداران، در این عصر جدید "روح"، خلقت جدیدی در مسیح می باشند (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۷).

□ **"به واسطه بدن مسیح"** منظور اینجا مفهوم الهیاتی کلیسا به عنوان بدن مسیح نیست (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۱۲، ۲۷)، بلکه بدن جسمانی مسیح است، نظیر ۶: ۳-۱۱ که هنگام مرگ مسیح، ایمانداران نیز از طریق همانند سازی خود با او در تعمید، با او مردند. مرگ او، مرگ آنان بود (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۴-۱۵؛ غلا ۲: ۲۰). زندگی رستاخیز یافته او آنان را آزاد ساخت تا خدا و دیگران را خدمت کنند.

□ **"تا برای خدا ثمر آوریم"** این مشابه فصل ۶، خصوصاً ۶: ۲۲ نیز بود. اکنون ایمانداران توسط مسیح آزادند تا خود را متعهد به مسیح سازند. این ادامه قیاس ازدواج است. همانطور که مسیح برای ایمانداران مرد، حال آنها باید نسبت به گناه بمیرند (۲ قرن ۵: ۱۳-۱۴؛ غلا ۲: ۲۰). همانطور که عیسی برخیزانیده شد، آنها نیز برخیزانیده شده اند تا زندگی جدید روحانی در خدمت به خدا داشته باشند (ر.ک. روم ۶: ۲۲؛ افس ۲: ۵-۶).

۵: ۷

NASB "زیرا هنگامی که در جسم بودیم"

NKJV "زیرا وقتی در جسم بودیم"

NRSV "هنگامی که در جسم زندگی می کردیم"

TEV "زیرا زمانی که طبق سرشت انسانی مان زندگی می کردیم"

JB "پیش از ایمان آوردن مان"

این آیه در مقابل آیه ۴ است. آیه ۴ و ۶ مربوط به تجربه ایماندار می شوند. آیه ۵ "ثمره" زندگی تهی از قدرت خدا را توضیح داد (غلا ۵: ۱۸-۲۴). شریعت، گناه ایمانداران را به آنها نشان می دهد (آیات ۷-۹؛ غلا ۳: ۲۳-۲۵)، اما نمی تواند قدرت غلبه بر آن را به آنها ببخشد.

در متن، این اشاره ای است به طبیعت سقوط کرده و گناه کار ایماندار، که مورثی «آدم» است (ر.ک. ۶: ۱۹). پولس به دو طریق از این واژه *sarx* مختلف استفاده می کند (۱) طبیعت گناه (انسان پیشین)، و (۲) بدن جسمانی (ر.ک. ۱: ۳؛ ۴: ۱؛ ۹: ۳؛ ۵). این واژه درینجا منفی است، اما به روم ۱: ۳؛ ۴: ۱؛ ۹: ۳، ۵؛ غلا ۲: ۲۰ توجه کنید. جسم / بدن (*soma / sarx*) به خودی خود، شریر نیستند لیکن مانند ذهن (*nous*)، محل کارزار و رویارویی نیروهای شریر این عصر، با روح القدس می باشند. کاربرد پولس از این واژه ها متابع "ترجمه هفتاد" است، نه ادبیات یونان.

□ **"که شریعت آنها را برمی انگیزت"** این جنبه طبیعت سرکش انسانی را که بر هر محدودیتی می تازد، می توان در باب سه پیدایش و در همه افراد آشکاراً دید. شریعت، مرز و حدود می گذارد (ر.ک. آیات ۷-۸). این حدود برای محافظت از بشر بود، اما انسان ها آنها را به چشم قید و بند می دیدند. روح گناه کار و خودفرمان بشر، با شریعت خدا برانگیخته شد. حدود، مشکل کار نبودند (قانون، ر.ک. آیات ۱۲-۱۳)، بلکه خودمختاری و خودرأیی انسان.

۷: ۶ **"اما اکنون"** کتاب راهنمای مترجم در مورد نامه پولس به رومیان، نوشته نیومن و نیدا، تفسیر جالبی دارد.

"مهم است به همسانی های آیات ۵ و ۶، و در عین حال به ارتباط شان با آنچه در پیش است، توجه کنیم. آیه ۵ تجربیات پیش از مسیحی شدن را بیان می کند، و ۷: ۷-۲۵ همسان آن است؛ آیه ۶، زندگی کنونی در ایمان را تحت رهبری روح خدا توصیف می نماید و ۸: ۱-۱۱ همسان آنست (ص ۱۳۰).

□ **"آزاد شده ایم"** این «گذشته غیرمعین اخباری غیرمستقیم» است و تضادی است با «گذشته استمراری انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] اخباری» در آیه ۵. شریعت آشکار می کند که ایمانداران، همواره در اسارت گناه بوده اند اما اکنون بوسیله «روح» از طریق مژده انجیل، آزادی یافته اند. همین واژه در مورد زنی آمده که در آیه ۲ شوهرش فوت شده است.

□ **"با مردن نسبت به آنچه در قید آن بودیم"** این «گذشته غیرمعین متعدی وصفی» است که به دنبال آن «گذشته استمراری اخباری غیرمستقیم» آمده است. خدا ایمانداران را بوسیله مرگ مسیح، از این ها رهایی داد: (۱) از لعنت عهد عتیق و (۲) از ضمیر گناهکار درونی شان. قبلاً آنها پیوسته اسیر گردنکشی خود از اراده مکشوف خدا بودند و نیز اسیر طبیعت گمراه، گناه شخصی، و وسوسه های عوامل ماوراء طبیعه (ر.ک. افس ۲: ۲-۳)!

□ **"تازگی ... کهنگی"** این راه تازه روحانی، احتمالاً اشاره به «معاهده جدید» است (ر.ک. ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حز ۳۶: ۲۲-۳۲). واژه یونانی "تازه" (*kainotēs, kainos*) را پولس در موارد ذیل به کار می برد:

۱. تازگی زندگی، روم ۶: ۴
۲. تازگی «روح»، روم ۷: ۶
۳. معاهده جدید، ۱ قرن ۱۱: ۲؛ ۲ قرن ۳: ۶
۴. خلقت تازه، ۲ قرن ۵: ۱۷؛ ۶: ۱۵
۵. شخص تازه، افس ۲: ۱۵؛ ۴: ۲۴

واژه "کهنه" در ارتباط با شریعت موسی است و معنی آن "کاملاً فرسوده" است. پولس دارد تباین و تفاوت های معاهده قدیم و جدید را، مانند نویسنده عبرانیان، در مقایسه نشان می دهد (ر.ک. ۸: ۶ و ۱۳).



"تا در تازگی «روح» خدمت کنیم"	NKJV, NASB
"تا آنکه بردگان باشیم، نه تابع قوانین مکتوب کهنه، بلکه در زندگی نوین «روح»"	NRSV
"بلکه در طریق جدید «روح»"	TEV
"آزاد برای خدمت در طریق جدید روحانی"	JB

معنی تحت اللفظی این عبارت، "در تازگی روح" است. روشن نیست که منظور، روح احیا شده انسان بوده یا روح القدس. اکثر ترجمه های انگلیسی کلمه روح را با حرف درشت می نویسند، که معنی روح القدس را پیدا میکند. این واژه نخستین بار در باب ۸ رومیان ۱۵ بار یاد شده است اما مشخص نیست کدامیک از این دو صورت می باشد. واژه "روح" می تواند اشاره به روح انسان باشد که توسط مژده انجیل و «روح» [روح خدا] احیا شده و نیرو یافته است: روم ۱: ۴، ۹؛ ۲: ۲۹؛ ۷: ۶؛ ۸: ۱۵؛ ۱۱: ۸؛ ۱۲: ۱۱؛ ۱۱: ۱۱؛ ۱۲: ۱۱؛ ۱۳: ۲؛ ۱۴: ۴؛ ۱۵: ۲؛ ۱۶: ۱۳؛ ۱۷: ۱۴؛ ۱۸: ۱۵؛ ۱۹: ۱۳؛ ۲۰: ۱۳؛ ۲۱: ۴؛ ۲۲: ۵؛ ۲۳: ۵؛ ۲۴: ۳؛ ۲۵: ۴؛ ۲۶: ۵؛ ۲۷: ۵؛ ۲۸: ۵؛ ۲۹: ۵؛ ۳۰: ۵؛ ۳۱: ۵؛ ۳۲: ۵؛ ۳۳: ۵؛ ۳۴: ۵؛ ۳۵: ۵؛ ۳۶: ۵؛ ۳۷: ۵؛ ۳۸: ۵؛ ۳۹: ۵؛ ۴۰: ۵؛ ۴۱: ۵؛ ۴۲: ۵؛ ۴۳: ۵؛ ۴۴: ۵؛ ۴۵: ۵؛ ۴۶: ۵؛ ۴۷: ۵؛ ۴۸: ۵؛ ۴۹: ۵؛ ۵۰: ۵؛ ۵۱: ۵؛ ۵۲: ۵؛ ۵۳: ۵؛ ۵۴: ۵؛ ۵۵: ۵؛ ۵۶: ۵؛ ۵۷: ۵؛ ۵۸: ۵؛ ۵۹: ۵؛ ۶۰: ۵؛ ۶۱: ۵؛ ۶۲: ۵؛ ۶۳: ۵؛ ۶۴: ۵؛ ۶۵: ۵؛ ۶۶: ۵؛ ۶۷: ۵؛ ۶۸: ۵؛ ۶۹: ۵؛ ۷۰: ۵؛ ۷۱: ۵؛ ۷۲: ۵؛ ۷۳: ۵؛ ۷۴: ۵؛ ۷۵: ۵؛ ۷۶: ۵؛ ۷۷: ۵؛ ۷۸: ۵؛ ۷۹: ۵؛ ۸۰: ۵؛ ۸۱: ۵؛ ۸۲: ۵؛ ۸۳: ۵؛ ۸۴: ۵؛ ۸۵: ۵؛ ۸۶: ۵؛ ۸۷: ۵؛ ۸۸: ۵؛ ۸۹: ۵؛ ۹۰: ۵؛ ۹۱: ۵؛ ۹۲: ۵؛ ۹۳: ۵؛ ۹۴: ۵؛ ۹۵: ۵؛ ۹۶: ۵؛ ۹۷: ۵؛ ۹۸: ۵؛ ۹۹: ۵؛ ۱۰۰: ۵.

در نوشته های پولس "جسم" و "روح" اغلب در تضاد با یکدیگر به عنوان دو شیوه کاملاً متفاوت تفکر و زندگی آمده اند (ر.ک. ۷: ۱۴؛ ۸: ۴؛ ۳: ۳؛ ۵: ۱۶، ۱۷، ۲۵؛ ۶: ۸). زندگی جسمانی بدون خدا "جسم" است، اما زندگی با خدا "روح" یا «روح» است. روح القدس ساکن در شخص (ر.ک. ۸: ۹، ۱۱) ایماندار را به خلقت جدیدی در مسیح مبدل می سازد (در جایگاه و در تجربه).

الف. رومیان ۷: ۲۵-۷ بیان واقعیتی انسانی است. همه افراد بشر، چه نجات یافته چه گمراه، تجربه آن تنش نیک و بد را در دنیای خود و در ذهن و دل شان داشته اند. علم تفسیر این سؤال را مطرح می کند: "پولس چه برداشتی را از این بخش انتظار داشت؟" موضوع متن آن باید مربوط به باب های ۱: ۱۸ - ۶: ۲۳ و ۸: ۱-۳۹ باشد. به نظر بعضی، مقصود آن همه انسان ها هستند و بنابراین، تجربه پولس را به عنوان یک الگوی عالی تلقی می کنند. این تفسیر، "نظریه خودزندگی نامه" خوانده شده است. کاربرد پولس از واژه "من" در ۱ قرن ۱۳: ۱-۳ کاربرد نوعی و غیر شخصی است. این گونه کاربرد نوعی "من" را می توان به معلمین دینی یهود استناد کرد. اگر درینجا چنین باشد، بخش یاد شده گویای مراحل تحول انسان از بی گناهی به ملزم شدن به گناه، و به نجات است - (باب ۸) "نظریه نماینده".

اما بعضی دیگر، این آیات را مربوط با جدال سهمناک یک ایماندار با طبع گناهکار انسانی دانسته اند. فریاد دلخراش آیه ۲۴ این تنش درون را آشکار می سازد. «گذشته غیرمعین و گذشته استمراری» در آیات ۷-۱۳ شاخص و حاکم هستند، در حالیکه در آیات ۱۴-۲۵ «زمان های حال و گذشته کامل» شاخص اند. این موضوع "نظریه خودزندگی نامه" را محتمل تر می سازد، که پولس دارد تجربه خود را از مراحل بی گناهی، به ملزم شدن، و به نیک محسوب شدن بازگو می کند، و مسیر پرکشمکش مقدس شدن فزاینده را وصف می نماید (ر.ک. *autos ego*، "من خود" ر.ک. آیه ۲۵).

این احتمال نیز وجود دارد که هر دو دیدگاه درست باشند. در آیات ۷-۱۳ و ۲۵ ب، پولس بر مبنای زندگینامه خود صحبت می کند، در حالیکه در آیات ۱۴-۲۵ الف او از تجربه کشمکش درونی خود با گناه، به عنوان نمونه ای از بشر فدی شده، سخن می گوید. لیکن باید به یاد داشت تمامی این قسمت نیز با در نظر گرفتن زمینه پولس باید نگریسته شود که پیش از ایمان به مسیح، پیرو سرسپرده و متعصب دین یهود بوده است. تجربه پولس منحصر به خود او بود.

ب. شریعت نیکو است. آن از جانب خداست. اهداف الهی از طریق آن انجام می شده و می شود (ر.ک. ۷: ۷، ۱۲، ۱۴، ۲۲، ۲۵). شریعت نمیتواند باعث صلح یا آرامش یا نجات گردد. جیمز استوارت در کتاب خود به نام "یک انسان در مسیح"، دیدگاه و نگارش پولس را که به سبک پارادوکس [عبارات متناقض نما] است نشان می دهد:

"شخصی که در صدد تشکیل یک نظام فکری و تعلیمی است، طبیعتاً از او انتظار می رود معانی واژه های کاربردی خود را مشخصاً و به طرز ثابت ارائه دهد. از او نیز انتظار می رود روش دقیقی برای نگارش ایده های اساسی اش بگزیند. همچنین واجب است زمانی که نویسنده کلمه ای را به یک معنی خاص به کار برده است، آن کلمه در سراسر نوشته به همان معنی باقی بماند. اما چنین انتظاری از پولس، بیهوده است. روش نگارش او اکثراً دگرگون پذیر است و ثابت نیست. او می نویسد: "قانون مقدس است ... باطناً از قوانین خدا لذت می برم" (ر.ک. روم ۷: ۱۲-۱۳) اما واضحاً جنبه دیگری از *nomos* است که او را بر این می دارد تا در جای دیگر بگوید: "مسیح ما را از لعنت قانون آزاد کرده است" (ص ۲۶).

پ. در مورد این سؤال که "آیا مقصود پولس در آیات ۱۴-۲۵ شخص نجات یافته است یا کسی است که نجات نیافته؟" شواهد متن به شرح ذیل است:

۱. شخص نجات نیافته
- الف) این تفسیر آباي اولیة یونانی زبان کلیسا بوده است
- ب) عبارات ذیل این دیدگاه را حمایت می کنند
- (۱) "من جسمانی هستم،" آیه ۱۴
- (۲) "به گناه به اسارت فروخته شده ام،" آیه ۱۴
- (۳) "هیچ نیکویی در من نیست،" آیه ۱۸
- (۴) "مرا اسیر می سازد به آن قانون گناه که در اعضای من است،" آیه ۲۳
- (۵) "چه آدم بدبختی هستم! چه کسی مرا از جسم این مرگ رهایی خواهد بخشید،" آیه ۲۴
- پ) مضمون مستقیم باب ۶ اینست که ما از حاکمیت گناه آزاد هستیم. مضمون باب ۸ با کلمه "پس" شروع می شود.
- ت) نبودن هیچ اشاره ای به «روح» یا «مسیح» تا پایان این مضمون (آیه ۲۵).

۲. شخص نجات یافته
- الف) این تفسیر آگوستین، کالوین و سنت اصلاح گرایان (Reformed tradition) بود.
- ب) عبارات زیر از این دیدگاه حمایت می کنند
- (۱) "ما می دانیم که شریعت روحانی است،" آیه ۱۴
- (۲) "با شریعت موافقم، و اعتراف میکنم نیکوست،" آیه ۱۶
- (۳) "آن عمل نیکو را که می خواهم، انجام نمی دهم ...،" آیه ۱۹
- (۴) "شادمانه با قانون خدا باطناً هم رأی می باشم،" آیه ۲۲
- پ) مضمون عمده تر رومیان، باب ۷ را در بخشی که به موضوع تقدیس می پردازد جای می دهد
- ت) تغییر آشکار زمان افعال، از گذشته استمراری و گذشته غیر معین در آیات ۱-۱۳، به کاربرد پیوسته زمان حال در آیات ۱۴-۲۴، بخش متفاوت و جدیدی از زندگی پولس را (یعنی ایمان آوردن او را) می رساند.

ت. هر چه ایماندار بیشتر می کوشد تا شبیه مسیح گردد، بیشتر طبیعت گناه آلود خود را تجربه می کند. این پارادوکس، با این مضمون و با شخصیت پولس، بسیار مصداق دارد - نیز با اکثر ایمانداران.

بیتی از یک سرود کلیسای لوتری که هنری تولز آن را سراییده است:

"و کسی، ای خداوند، آرامی را به کمال ندارد،

زیرا هیچکس کاملاً عاری از گناه نیست؛

و آنان که ضعیف می گردند و می افتند، بهترین خدمت را می توانند برای انجام

دهند

زیرا از خطای درون، بیشترین آگاهی را دارند." (شاعر و نام سرود نامعلوم است)

متن NASB (به روز شده): ۷:۷ - ۱۲

۷ پس چه گوئیم؟ آیا شریعت گناه است؟ هرگز چنین مباد! بر خلاف این، من گناه را نمی توانستم بشناسم مگر بوسیله شریعت؛ زیرا اگر شریعت نگفته بود "طمع مورز" نمی توانستم دریابم طمع ورزیدن چیست. ^۸ اما گناه، با استفاده ازین حکم، در من هر نوع طمع را پدید آورد؛ زیرا جدا از شریعت، گناه مرده

است. ^۹ زمانی من جدا از شریعت، زنده بودم؛ اما چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مُردم؛ ^{۱۰} و این حکم که می بایست به زندگی منجر شود، در عمل برای من به مرگ انجامید؛ ^{۱۱} زیرا گناه، با استفاده از آن حکم، مرا فریب داد و به واسطه آن مرا کشت. ^{۱۲} ازین رو، شریعت، مقدس است و آن حکم، مقدس و کاملاً عادلانه و نیکوست.

۷: ۷ "پس چه گوئیم" پولس مجدداً با "گفتار اعتراض آمیز" [diatribe] سخن می گوید (ر.ک. ۶: ۱، ۱۵؛ ۷: ۱، ۱۳).

□ "آیا شریعت گناه است؟" یکی از نکات متناقض نمای مکاشفه الهی این است که خدا از تقدس و نیکویی شریعت به عنوان آینه ای استفاده نمود تا گناه را آشکار سازد، و تا آنکه آدمیان گناهکار را به موضع توبه و ایمان رهنمون گردد (ر.ک. آیات ۱۲-۱۳؛ غلا ۳). نیز جای تعجب است که شریعت، نقش خود را در فرایند مقدس ساختن [sanctification] ادامه میدهد، اما نه در پارسا شمردگی شخص [justification]!

□ "هرگز چنین مباد" انکار مشخصه پولس در آنچه واقعیت ندارد (ر.ک. آیه ۱۳؛ ۳: ۴، ۶، ۳۱؛ ۶: ۲، ۱۵؛ ۹: ۱۴؛ ۱۱: ۱، ۱۱؛ غلا ۲: ۱۷؛ ۳: ۲۱).

□ "بر خلاف این" پولس در سبک نگارش رومیان، تضادهای قوی را برای ارائه نظراتش به کار می گیرد (ر.ک. ۳: ۴، ۶، ۳۱؛ ۶: ۲، ۱۵؛ ۷: ۱۳؛ ۹: ۱۴؛ ۱۱: ۱، ۱۱).

□ "من" در کتاب مقدس خود علامت بزنیید که در متن آیات ۷-۲۵، چند بار ضمیر شخصی "من" به صورت فاعل، مفعول و ملکی آمده است. تعجب خواهید کرد. بیشتر از چهل مرتبه است.

□ "گناه را نمی توانستم بشناسم مگر بوسیله شریعت" این یکی از بخش های کلیدی نشان دهنده این مفهوم است که شریعت موسی مانند آینه ای عمل می کند تا گناه شخصی را بنمایاند (ر.ک. ۳: ۲۰؛ ۴: ۶۵؛ ۵: ۲۰؛ غلا ۳: ۱۴-۲۹، بخصوص آیه ۲۴). یک بار نقض کردن شریعت، نقض آن «معاهده» بود، و ازین رو، متحمل عقوبت هایش شدن (ر.ک. آیه ۱۰ و یعقوب ۲: ۱۰)!

□ "مگر بوسیله شریعت" این «جمله شرطی نوع دوم» است که "مغایر با امر مسلم" خوانده می شود. پولس ملزم به گناه شده بود. این تنها نمونه این اصطلاح دستوری در رومیان است. پولس در غلا ۱: ۱۰؛ ۳: ۲۱ و ۱ قرن ۲: ۸؛ ۵: ۱۰؛ ۱۱: ۳۱؛ و ۲ قرن ۱۲: ۱۱ از آن استفاده می کند.

□ "طمع مورز" این نقل قولی است از آخرین حکم «ده فرمان» (ر.ک. خروج ۲۰: ۱۷؛ تث ۵: ۲۱). این حکم نهایی در مورد طرز فکر صحیح است، که در واقع خلاصه همگی آنهاست (ر.ک. متی ۵-۷). شریعت اغلب به عنوان "حکم" یاد شده است (ر.ک. آیات ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳). واژه "طمع" به معنی "چیزی را با تمام دل خواستن" یا "چیزی را قویاً خواستن" بوده است. خدا بوسیله خلقت، چیزهای بسیار به انسان (گناهکار و نجات یافته) عطا کرده است، اما انسان همیشه می خواهد هدایای خدا را به صورت هایی استفاده کند که خارج از محدوده های مقرر خدا است. شعار انسان اینست: "بیشتر و باز هم بیشتر می خواهم، به هر قیمتی که باشد!" نفس، حاکم بسیار ستمگری است! به عنوان خاص «یادداشت هایی در مورد خروج ۲۰: ۱۷» در ۱۳: ۸-۹ رجوع نمایید.

۸:۷

"با استفاده از" NKJV،NASB
"با ربودن فرصت" NRSV
"مجال یافت" TEV
"از فرصت استفاده نمود" JB

این اصطلاح ارتشی بود که در مورد جبهه ساحلی یا پایگاه عملیات به کار میرفت (ر.ک. آیات ۸ و ۱۱).
درین مضمون به آن شخصیت داده شده است (ر.ک. آیات ۹ ، ۱۱). گناه به صورت عملیات نظامی مشخص
شده است (ر.ک. آیه ۱۱) که رهبر ارتشی آن را هدایت می کند (ر.ک. آیات ۱۱ و ۱۷؛ ۶: ۱۲، ۱۴، ۱۶).

□ " زیرا جدا از شریعت، گناه مرده است " گناه سرکشی از اراده خداست (ر.ک. روم ۴: ۱۵؛ ۵: ۱۳؛ ۱
قرن ۱۵: ۵۶). درین عبارت فعل دیده نمی شود و باید در آن قرار داده شود. اگر فعل «زمان حال» به
آن اضافه شود، به طور ضمنی می رساند که این یک اصل جهانی است. اگر «گذشته غیرمعین» در آن
قرار گیرد، رجوع آن اختصاصاً به زندگی پولس می شود.

□ ۹:۷ "زمانی من ... زنده بودم" این می تواند اشاره به پولس در یکی از دو حالت ذیل باشد (۱) زمان
بچگی و دوران بی گناهی او؛ یا (۲) به عنوان فریسی تمام عیار، پیش از آنکه حقیقت انجیل قلب او را تسخیر
کند (ر.ک. اعم ۲۳: ۱؛ فیل ۳: ۶؛ ۲ تیمو ۱: ۳). حالت اول نشانگر تفسیر باب ۷ از دیدگاه "نظریه خود
زندگینامه" است و حالت دوم نشانگر تفسیر باب ۷ از دیدگاه "نظریه نماینده".

□ " چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مردم " روح سرکش انسان وقتی با ممنوعیت ها روبرو می شود،
جانی تازه می گیرد. "مکن" ها در شریعت خدا، غرور خودسرانه را در بشر گناه کار بیدار می کند (ر.ک.
پیدا ۲: ۱۶-۱۷؛ ۳: ۱-۶). توجه داشته باشید چگونه هنوز به گناه، شخصیت داده می شود، نظیر ۵: ۲۱ و
۸، ۱۱، ۱۷، ۲۰.

□ ۱۰:۷ " این حکم که می بایست به زندگی منجر شود، در عمل برای من به مرگ انجامید " احتمالاً این
رجوعی است به وعده لاویان ۱۸: ۵ یا شاید به روم ۲: ۱۳. شریعت آن چیزی را وعده داد که نمی توانست
محقق سازد، نه از آنجا که گناه آلود بود، بلکه از آنجا که انسان ها ضعیف و سرکش هستند. شریعت، حکم
اعدام شد (ر.ک. غلا ۳: ۱۳؛ افس ۲: ۱۵؛ کولس ۲: ۱۴).

□ ۱۱:۷ " مرا فریب داد و به واسطه آن مرا کشت " این دو عبارت «گذشته غیرمعین متعدی
اخباری» هستند. واژه "فریب داد" در ترجمه هفتاد (LLX) در پیدا ۳: ۱۳ آمده است. پولس از این واژه
چند بار استفاده می کند (ر.ک. روم ۱۶: ۱۸؛ ۱ قرن ۳: ۱۸؛ ۲ قرن ۱۱: ۳؛ ۲ تسلا ۲: ۳؛ ۱ تیمو ۲: ۱۴).
مشکل آدم و حوا طمع نیز بود (ر.ک. ۲ قرن ۱۱: ۳؛ ۱ تیمو ۲: ۱۴). آدم و حوا با نافرمانی از دستور خدا،
از لحاظ روحانی مردند. در مورد پولس و همه بشر نیز اینطور است (۱: ۱۸-۳: ۲۰).

□ ۱۲:۷ این تصدیق پولس از نیکویی شریعت است. مشکل کار، شریعت نیست. اما سبک پولس با ساختار
همسان او که از "گناه" در باب ۶ و "قانون" در باب ۷ استفاده کرده است، احتمالاً باعث ناراحتی ایمانداران
یهودی شریعت گرا در کلیسای روم شده بود (ضعیفان در ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳).

متن NASB (به روز شده): ۷: ۱۳

۱۳ پس آیا آنچه نیکوست برای من باعث مرگ شد؟ هرگز چنین مباد! بلکه گناه بود که بواسطه آنچه نیکوست مرگ را در من پدید آورد تا گناه بودنش مسلم شود، و تا به وسیله این حکم، گناه کاملاً گناه آلود گردد.

۷: ۱۳

NASB

"گناه، تا گناه بودنش مسلم شود ... گناه کاملاً گناه آلود گردد"

NKJV

"گناه، تا گناه بودنش نمایان شود ... به حدی زیاد گناه آلود گردد"

NRSV

"تا گناه بودن گناه مسلم شود ... بیش از حد گناه آلود"

TEV

"تا ماهیت واقعی آن به عنوان گناه آشکار شود"

JB

"گناه، تا آنکه چهره واقعی خود را نمایان سازد ... توانست همه قدرت گناه آلود خود را به کار گیرد"

ذات شریر گناه درین واقعیت به وضوح دیده می شود که چیزی خوب و سالم و خداپسندانه یعنی شریعت موسی را به دست گرفت (ر.ک. مزمو ۱۹، ۱۱۹) و آنرا پیچانید و به صورت وسیله ای برای محکوم ساختن و مرگ تبدیل کرد (ر.ک. افس ۲: ۱۵؛ کولس ۲: ۱۴). بشر گناه کار یکایک هدایای نیکوی خدا را خارج از محدوده های مقرر خدا، به کار زده است. به دو عبارت *hina* (منظور) توجه نمایید.

□ "کاملاً گناه آلود" به عنوان خاص «کاربرد پولس از *Huper*» در ۱: ۳۰ توجه نمایید.

متن NASB (به روز شده): ۷: ۱۴ - ۲۰

۱۴ زیرا می دانیم که شریعت، روحانی است، اما من از جسم هستم و به اسارت گناه فروخته شده ام. ۱۵ زیرا آنچه می کنم، درک نمی کنم؛ زیرا آنچه را که میخوام انجام دهم، به عمل نمی آورم، بلکه همان که از آن تنفر دارم را انجام می دهم. ۱۶ اما اگر همان را که نمی خواهم انجام دهم به عمل می آورم، با شریعت هم نظر می شوم، و اذعان می کنم که شریعت نیکوست. ۱۷ پس اکنون، دیگر من نیستم که این کارها را انجام می دهم، بلکه گناه که در من ساکن است. ۱۸ زیرا می دانم که هیچ نیکویی در من، یعنی در جسم من، ساکن نیست؛ زیرا مایل بودن در من هست، اما نه انجام عمل نیکو. ۱۹ زیرا نیکویی ای که می خواهم، انجام نمی دهم، اما همان شرارتی را که نمی خواهم به عمل می آورم. ۲۰ اما اگر همان چیزی را که نمی خواهم، انجام می دهم، دیگر من آن نیستم که آن را به عمل می آورم، بلکه گناه که در من سکونت دارد.

۷: ۱۴ "شریعت روحانی است" شریعت خدا نیکوست. مشکل کار، آن نیست (ر.ک. آیات ۱۲ و ۱۶ ب).

□ "از جسم هستم" این واژه را پولس به صورت (۱) مفهوم خنثی به معنی بدن جسمانی به کار برده است (ر.ک. ۱: ۳؛ ۲: ۲۸؛ ۴: ۱؛ ۹: ۳، ۵)؛ و (۲) نیز به صورت مفهوم منفی به معنی طبیعت گناه کار بشر در آدم (ر.ک. آیه ۵). مشخص نیست اینجا اشاره به کدامیک است.

□ **"به اسارت گناه فروخته شده ام"** این «کامل وصفی غیرمستقیم» است به معنی "به اسارت گناه فروخته شده ام و هنوز هم فروخته می شوم." در اینجا دوباره به «گناه» به عنوان برده دار شخصیت داده شده است. عامل «وجه غیرمستقیم» مشخص نیست. می تواند رجوع به شیطان، گناه، پولس یا خدا باشد. واژه عمده عهد عتیق، در مورد کار خدا برای بازآوردن بشر به سوی خود، "فدیه" یا "بازخرید" - و دیگر مترادف های آنها - بوده است. در اصل، معنی آن "پس خریدن" بوده (و مترادف های آن. به عنوان خاص در ۳: ۲۴ رجوع شود). عبارت کاربردی اینجا، مفهوم متضاد آن است: "به دست ... فروخت" (ر.ک. داوران ۴: ۲؛ ۱۰: ۷؛ ۱ سمو ۱۲: ۹).

۷: ۱۵-۲۴ فرزند خدا "طبیعت الهی" دارد (ر.ک. ۲ پطرس ۱: ۴)، اما طبیعت گناه کار را نیز دارد (ر.ک. غلا ۵: ۱۷). بالفعل، گناه غیر فعال شده است (ر.ک. روم ۶: ۶)، اما تجربه بشر همانست که در فصل ۷ بیان شد. یهودیان می گویند که در قلب هر انسانی یک سنگ سیاه و یک سنگ سفید وجود دارد. آن یکی را که بیشتر تغذیه کنند، بزرگتر خواهد شد.

در حالیکه این بخش را می خوانم، رنج پولس را که از کشمکش روزانه دو طبیعت ما سخن می گوید، در تجربه خود احساس می کنم. ایمانداران از طبیعت گناه کار خود آزاد شده اند، اما، خدا به ما رحم کند، زیرا ما هنوز هم تسلیم اغوای آن می شویم. برخلاف انتظار، اغلب اینطور است که پیکار شدید روحانی، بعد از نجات آغاز می گردد. رشد و بلوغ روحانی همان مشارکت روزانه پر تنش فرد با خدای یگانه تثلیث است و نبردی هرروزه با شریر (ر.ک. آیه ۵).

۷: ۱۶، ۲۰ **"اگر"** این ها هر دو «جملات نوع اول شرطی» هستند که از دیدگاه نویسنده، یا به منظور شیوایی سخن، واقعیت تلقی شده اند.

۷: ۱۸ **"زیرا می دانم که هیچ نیکویی در من، یعنی در جسم من، ساکن نیست"** پولس نمی گوید که بدن جسمانی شریر است، بلکه جسم، صحنه جنگ میان ذات گناهکار و روح خدا بوده است. به عقیده یونانی ها جسم و هر نوع ماده، شریر بودند. این به ارتدادِ دوخداپرستی گنوستیسیزم انجامید (ر.ک. افسسیان، کولسیان و نامه اول یوحنا). یونانی ها دلیل بروز مسائل روحانی را چیزهای عینی و جسمانی می دانستند. پولس جنگ روحانی را از این منظر نمی نگرد. پولس گناه را به عنوان شخصیت ارائه کرد و نافرمانی بشر از شریعت خدا را به عنوان فرصتی برای تهاجم شریر به طبیعت انسانی نام برد. واژه "جسم" در نوشته های پولس می تواند این معانی را داشته باشد: (۱) بدن جسمانی که از لحاظ اخلاقیات خنثی و بیرنگ است (ر.ک. ۱: ۳؛ ۲: ۲۸؛ ۴: ۱؛ ۹: ۳، ۵) و (۲) طبیعت گناه کار که از آدم به ارث رسیده است (ر.ک. آیه ۵).

۷: ۲۰ **"گناه که در من سکونت دارد"** حائز توجه می باشد که کتاب رومیان گناه بشر را به وضوح می نمایند، اما تا ۱۶: ۲۰ ذکری از شیطان نشده است. مردم نمی توانند برای مسئله گناه خود شیطان را مقصر بدانند چرا که حق انتخابی برای ما وجود دارد. شیطان به عنوان یک پادشاه و حاکم ستمگر و یک برده دار ارائه شده است. گناه ما را وسوسه و اغفال به کناره گیری از خدا می کند تا خود مختار شده، به اعمال خواسته های خود به هر قیمت پردازیم. شخصیتی که پولس به گناه نسبت داده و ارتباط آن با گزینه انسان، تصویری از پیدایش ۴: ۷ است.

پولس عبارت "سکونت دارد" را چند بار در این باب به کار می گیرد (ر.ک. آیات ۱۷، ۱۸، ۲۰). طبیعت گناه کار، در زمان نجات نابود یا ریشه کن نمی شود، بلکه بالفعل غیر فعال می گردد. شرط ناتوان ماندن آن، همکاری ما با روح القدس است که در ما سکونت دارد (ر.ک. ۸: ۹، ۱۱). خدا وسیله لازم نبرد با شریر را برای ایمانداران کاملاً فراهم ساخته است - چه شریری که شخصیت به آن نسبت داده شده

(عقلانی) و چه شخصیت شریر (شیطان و ارواح خبیث). آن وسیله، حضور و قدرت روح القدس است. همانطور که نجات رایگان را از خدا هدیه می گیریم، باید هدیه روح قدوس او را که بازدارنده مؤثر است، بپذیریم. نجات و زندگی مسیحی فرآیندهای روزانه ای هستند که کاملاً به تصمیمات روزانه ایماندار بستگی دارند. خدا تمامی آنچه درین راستا نیاز داریم فراهم کرده است یعنی: روح القدس (روم ۸)، زره روحانی (افس ۶: ۱۱)، مکاشفه (افس ۶: ۱۷)، و دعا (افس ۶: ۱۸). این نبردی است بزرگ و سخت (رومیان ۷)، اما درین نبرد، پیروزی حاصل شده است (رومیان ۸).

متن NASB (به روز شده): ۷: ۲۱ - ۲۵

۲۱ پس به این قانده کلی پی می برم که شرارت در من حاضر است، منی که میخواهم نیکویی کنم. ۲۲ زیرا در باطن، مسرورانه با قانون خدا موافقم، ۲۳ اما قانونی دیگر در اعضای خود می بینم، که با قانون ذهن من در ستیز است و مرا اسیر قانون گناه می سازد که در اعضای من است. ۲۴ آه که چه شخص نگونبختی هستم! کیست که مرا از پیکر این مرگ رهایی بخشد؟ ۲۵ خدا را سپاس باد - به واسطه خداوند ما عیسی مسیح! خلاصه، من خود از یک سو قانون خدا را با ذهن خویش بندگی می کنم، اما از سوی دیگر با جسم خود، قانون گناه را.

۲۲: ۷ "قانون خدا" برای یهودیان این به شریعت موسی اشاره می کرد. برای غیر یهودیان این نشانگر (۱) شهادت طبیعت (ر.ک. روم ۱: ۱۹ - ۲۰؛ مزمور ۱۹: ۱-۶)؛ (۲) وجدان درونی اخلاقی (ر.ک. روم ۲: ۱۴-۱۵)؛ و (۳) آداب یا معیار های اجتماعی بود.



NASB	"در باطن"
NKJV	"بر حسب انسانیت باطنی"
NJB, NRSV	"در عمق وجود خود"
TEV	"باطنم"

پولس تفاوت های انسان برونی (جسمی) را با انسان درونی (روحانی) در ۲ قرن ۴: ۱۶ نشان می دهد. در این مضمون عبارت فوق گویای آن عملکرد پولس یا بشریت نجات یافته است که قانون و خواست خدا را تأیید می کند.

۱. "شریعت روحانی است"، ۷: ۱۴
۲. "آنچه را که می خواهم انجام دهم" ۷: ۱۵
۳. "با شریعت هم نظر می شوم، و اذعان می کنم که شریعت نیکوست" ۷: ۱۶
۴. "مایل بودن در من هست" ۷: ۱۸
۵. "نیکویی که می خواهم" ۷: ۱۹
۶. "همان شرارتی را که نمی خواهم به عمل می آورم" ۷: ۱۹
۷. "همان چیزی را که نمی خواهم، انجام می دهم" ۷: ۲۰
۸. "منی که می خواهم نیکویی کنم" ۷: ۲۱
۹. "مسرورانه با قانون خدا موافقم" ۷: ۲۲
۱۰. "قانون ذهن من" ۷: ۲۳
۱۱. "من خود از یک سو قانون خدا را با ذهن خویش بندگی می کنم" ۷: ۲۵

باب ۷ نشان می دهد که آگاهی از خدا و کلام او کافی نیست. ایمانداران محتاج روح القدس هستند (باب ۸)!

۲۳: ۷ تضادی راستین میان ۲: ۶ ، ۸: ۲ و ۷: ۲۳ وجود دارد. این آیه به وضوح نشان می دهد که در کاربرد واژه "قانون" (*nomos*) مقصود پولس (۱) قانون گناه (ر.ک. آیات ۲۱، ۲۵) و (۲) قانون خدا است (ر.ک. آیات ۲۲، ۲۵). پیشتر در آیات ۴، ۵، ۶، ۷، ۹ و ۱۲ پولس این واژه را در مورد عهد عتیق به کار می برد. پولس، دانشمند الهیات نظام مند نبود. مفهوم "قانون" برای او مبحثی مشکل و پر تقلا بود. از یک لحاظ قانون را خدا مکشوف ساخته بود، که هدیه عالی به بشریت است، اما از لحاظ دیگر قانون، گناه را مشخص می کرد و به روشنی محدود هایی را تعیین می کرد که انسان گناهکار قادر به متابعت از آنها نبود. این محدوده ها و مرزهای اخلاقی صرفاً مکاشفه عهد عتیق نبودند، بلکه عموم رهنمود های اخلاقی بودند - مکاشفه از طریق طبیعت (ر.ک. مزمو ۱۹ ؛ روم ۱: ۱۸-۳: ۳۱) یا آداب و معیار های اجتماعی. انسان ها، شورشیانی هستند که در پی خود مختاری کامل در زندگی خود می باشند!

۲۴: ۷ آیا این می تواند گفته یک شخص نجات یافته باشد؟ بعضی می گویند خیر، و در نتیجه این باب نشانگر اشخاص پیرو اخلاقیات و مذهبی است که فدیة نشده اند. عده ای دیگر در پاسخ بله می گویند و اینکه اشاره آن به تنش انجیل است که در زندگی ایمانداران "صورت گرفته است لیکن هنوز باید فرا برسد". وقوع آن به لحاظ آخرت شناسی هنوز نمایان نشده است. ایمانداری که رشد روحانی دارد این تفاوت را شدیداً احساس می کند.



"پیکر این مرگ"	NASB
"این پیکر مرگ"	NRSV، NKJV
"این پیکر که مرا به سوی مرگ می برد"	TEV
"این پیکر که محکوم به مرگ است"	NJB

بدن جسمانی و ذهن بشر به خودی خود، شریر نیستند. خدا آنها را خلق کرد تا در جهان زندگی کنیم و با خدا مشارکت داشته باشیم. آنها "بسیار نیکو" خلق شدند (ر.ک. پیدا ۱: ۳۱). اما پیدایش ۳ بشر را تغییر داد و مقصود خدا را دگرگون ساخت. این آن جهانی نیست که خدا منظور داشت و ما آن مردمانی نیستیم که خدا در نظر داشت. گناه تأثیری اساسی بر خلقت گذاشته است. گناه، آنچه را نیکو بود مبدل به شرارت خود محور کرده است. جسم و ذهن، صحنه کارزار وسوسه و گناه شده اند. پولس از این نبرد به طرزی دردناک آگاه است! او بی صبرانه در انتظار عصر نوین، بدن نوین و مشارکت نوین با خدا است (ر.ک. ۸: ۲۳).

۲۵: ۷ این خلاصه ای و گذار و انتقالی است به سطح والاتر باب ۸ رومیان. لکن حتی در باب ۸ همین تنش در آیات ۵-۱۱ دیده می شود.

سئوالی که برای مفسر مطرح است اینست که پولس در مورد چه کسی صحبت می کند؟

۱. خود او و تجربه خود با یهودیت

۲. عموم مسیحیان

۳. آدم به عنوان نمونه ای از انسان ها

۴. قوم اسرائیل و آگاهی آنان از شریعت، لکن عدم اطاعت شان از آن

من شخصاً شماره ۱ را (آیات ۷-۱۳، ۲۵ ب) با شماره ۲ (آیات ۱۴-۲۵ الف) ادغام می کنم. به «مفاهیم استنباط شده» در رومیان ۷: ۷-۲۵ رجوع کنید. در برابر درد و عذاب باب ۷، به همان اندازه و فراتر از آن، علو و عظمت باب ۸ می باشد!

عنوان خاص: ستایش، دعا و شکرگذاری پولس به خدا

پولس مردی شکرگذار بود. او عهد عتیق را به خوبی می دانست. هر یک از چهار بخش (به عبارت دیگر، کتاب های) مزامیرنامه، با سرود های کوتاهی در ستایش و تجلیل خداوند خاتمه می یابند (ر.ک. مزمور ۴۱:۱۳؛ ۷۲:۱۹؛ ۸۹:۵۲؛ ۱۰۶:۴۸). او به چند طریق مختلف خدا را حمد می گوید و می ستاید.

۱. پاراگراف ها در شروع نامه هایش

الف. دعای برکت در شروع یا سلام ها (ر.ک. روم ۱:۷؛ ۱ قرن ۱:۳؛ ۲ قرن ۱:۲)

ب. طلبیدن برکت ها در شروع (*eulogētos*)، ر.ک. ۲ قرن ۱:۳-۴؛ افس ۱:۳-۱۴)

۲. ستایش های پر شور و کوتاه

الف. روم ۱:۲۵؛ ۹:۵

ب. ۲ قرن ۱۱:۳۱

۳. سرودهای کوتاه ستایش خداوند (که مشخصه آن ها کاربرد (۱) *doxa* (به عبارت دیگر: جلال) و (۲) "تا ابدالآباد"

الف. روم ۱۱:۳۶؛ ۱۶:۲۵-۲۷

ب. افس ۳:۲۰-۲۱

پ. فیل ۴:۲۰

ت. ۱ تیمو ۱:۱۷

ث. ۲ تیمو ۴:۱۸

۴. تقدیم تشکرات (به عبارت دیگر *eucharisteō*)

الف. سرآغاز نامه ها (ر.ک. روم ۱:۸؛ ۱ قرن ۱:۴؛ ۲ قرن ۱:۱۱؛ افس ۱:۱۶؛ فیل ۱:۳؛

کولس ۱:۳، ۱۲؛ ۱ تسلا ۱:۲؛ ۲ تسلا ۱:۳؛ فلیمون آیه ۴؛ ۱ تیمو ۱:۱۲؛ ۲ تیمو ۱:۳)

ب. دعوت به شکرگذاری (ر.ک. افس ۵:۴، ۲۰؛ فیل ۴:۶؛ کولس ۳:۱۵، ۱۷؛ ۴:۲؛ ۱

تسلا ۵:۱۸)

۵. شکرگذاری های کوتاه و پرشور

الف. روم ۶:۱۷؛ ۷:۲۵

ب. ۱ قرن ۱۵:۵۷

پ. ۲ قرن ۲:۱۴؛ ۸:۱۶؛ ۹:۱۵

ت. ۱ تسلا ۲:۱۳

ث. ۲ تسلا ۲:۱۳

۶. دعاهاى برکت در خاتمه

الف. روم ۱۶:۲۰، ۲۴ (؟)

ب. ۱ قرن ۱۶:۲۳-۲۴

پ. ۲ قرن ۱۳:۱۴

ت. غلا ۶:۱۸

ث. افس ۶:۲۴

پولس «خدای واحد دارای سه شخص» را به لحاظ علم الهیاتی و تجربی می شناخت. او نوشته های خود را با دعا و پرستش آغاز می کند. در میان کلام، با شور به پرستش و شکرگذاری می پردازد. در خاتمه نامه

ها، همواره بیاد دارد تا دعا کند، خدا را بستاید و شکرگذارد. نوشته های پولس آکنده از دعا، ستایش، و شکرگذاری است. او خدا را می شناخت، خود را می شناخت و انجیل را می شناخت.

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. ارتباط باب ۶ با باب ۷ چیست؟
۲. ارتباط شریعت عهد عتیق با ایمانداران عهد جدید چیست؟ (ر.ک. ۲ قرن ۳: ۱-۱۱؛ عبر ۸: ۷، ۱۳)
۳. دو مثال پولس در باب های ۶ و ۷ که برای توصیف رابطه ما با زندگی گذشته ما آمده اند، کدام هستند؟
۴. مسیحی چه رابطه ای با شریعت موسی دارد؟
۵. تفاوت میان تئوری ها در تفسیر رومیان ۷: ۷-۲۵ که آیا از دیدگاه خودزندگینامه بوده اند یا به نمایندگی از همه بشر هستند را با بیان خود توصیف نمایید.
۶. آیا رومیان ۷ توصیف شخصی گناهکار، یا یک ایماندار رشد نیافته و بی تجربه، یا همه ایمانداران است؟

رومیان فصل ۸

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۴
زندگی متعلق به روح القدس	زندگی در روح القدس	کار نجات بخش خدا	آزاد شده از گناه ساکن درون	زندگی در روح القدس
۴-۱ : ۸	۸-۱ : ۸	۴-۱ : ۸	۱۱-۱ : ۸	۱۱-۱ : ۸
		زندگی در جسم و در روح القدس		
۱۱-۵ : ۸		۸-۵ : ۸		
	۱۱-۹ : ۸	۱۱-۹ : ۸		
		روح القدس و فرزندخواندگی		
۱۳-۱۲ : ۸	۱۷-۱۲ : ۸	۱۷-۱۲ : ۸	۱۷-۱۲ : ۸	۱۷-۱۲ : ۸
فرزندان خدا				
۱۷-۱۴ : ۸				
جلال به عنوان سرنوشت ما	جلال آینده	امید به تحقق پیوستن	از زحمات تا جلال	جلالی که در پیش است
۲۵-۱۸ : ۸	۲۵-۱۸ : ۸	۲۵-۱۸ : ۸	۳۰-۱۸ : ۸	۲۵-۱۸ : ۸
		ضعف انسانی تداوم دارد		
۲۷-۲۶ : ۸	۲۷-۲۶ : ۸	۲۷-۲۶ : ۸		۳۰-۲۶ : ۸
خداوند ما را برای شراکت در جلال او فراخوانده است				
۳۰-۲۸ : ۸	۳۰-۲۸ : ۸	۳۰-۲۸ : ۸		
سرودی راجع محبت خدا	محبت خدا در مسیح عیسی	اعتماد ما به محبت خدا	محبت بی پایان خدا	محبت خدا
۳۴-۳۱ : ۸	۳۹-۳۱ : ۸	۳۹-۳۱ : ۸	۳۹-۳۱ : ۸	۳۹-۳۱ : ۸
۳۷-۳۵ : ۸				
۳۹-۳۸ : ۸				

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید) پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

این کتاب تفسیر برای راهنمایی در مطالعات میباشد، به این معنی که شما شخصاً مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را منور ساخته است. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی ها وحی نشده اند اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، که قلب کار تفسیر است، کلیدی می باشند. هر پاراگراف صرفاً و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

بیش های متنی

الف. این باب نقطه اوج بحث پولس است که در ۱: ۱۸ آغاز شده بود. شروع آن با "هیچ محکومیتی" است (جایگاه قانونی) و خاتمه آن با "هیچ جدایی" است (مشارکت شخصی). از لحاظ الهیاتی، سیر آن از پارسا کردن آغاز می گردد، مراحل تقدیس را می گذراند، و به جلال بخشیدن خاتمه می یابد (ر.ک. آیات ۲۹-۳۰).

ب. این ارائه کامل تر پولس در اینست که خدا «روح» خود را به ایمانداران می بخشد (ر.ک. ارائه یوحنا در انجیل یوحنا ۱۴: ۱۲-۳۱؛ ۱۶: ۷-۱۶). «روح» عامل «فعل غیرمستقیم» در آیه ۱۴ است، در ارتباط با این که انجیل در زندگی انسان های گناهکار فعال می گردد. «روح» با آنها می ماند و در آنها مسکن می گیرد و شروع می کند شکل مسیح را در آنها نقش بندد. باب ۸ از کلمه روح، *pneuma*، بیش از ۲۱ بار بهره می گیرد، در حالیکه این واژه در باب ۷ اصلاً نیامده است (همانند باب های ۳-۶؛ در باب های ۱-۲ صرفاً سه بار دیده می شود).

پ. در زندگی دو دیدگاه (دیدگاه های جهانی شخصی)، دو شیوه زندگی، دو اولویت، دو راه (راه وسیع و راه باریک) وجود دارند که انسان ها از آنها پیروی می کنند، و در اینجا این دو، جسم و «روح» می باشند. یکی منتهی به مرگ می شود و آن یکی به زندگی. در تاریخ مسیحیت، این مبحث، «دو طریق» کتاب های حکمت در کلام خدا خوانده شده اند (ر.ک. مزمور ۱ و امثال ۴: ۱۰-۱۹). زندگی ابدی، یا همان زندگی «روح»، مشخصه های قابل مشاهده دارد (به عنوان مثال "به دنبال جسم" در تقابل با "به دنبال «روح»").

توجه داشته باشید در سراسر این چارچوب الهیاتی، اشاره ای به ابلیس نشده است (ر.ک. روم ۸-۱). در رومیان، تا ۱۶: ۲۰ اشاره ای به او نیست. موضوع مورد نظر، طبع گناهکار است که از آدم به ارث رسیده است. با این روش پولس نشان می داد که عذر بشر گناهکار در این که وسوسه فوق طبیعی باعث سرپیچی او از خدا شده (به عبارت دیگر "شیطان مرا به این کار واداشت!") قابل پذیرش نیست.

ت. تهیه رؤس مطالب این باب بسیار مشکل است، زیرا روش بسط موضوع اینگونه است که چند جنبه واقعیت با هم در الگویی مکرر تنیده شده اند، لیکن فاقد واحد های متنی (contextual units) هستند.

ث. آیات ۱۲-۱۷ ایماندار را از اطمینانی پر یقین در ایمان با خبر می سازند.
 ۱. اول، دیدگاه جهانی و شیوه زندگی تغییر یافته است که دستاورد «روح» می باشد.
 ۲. دوم، توسط «روح»، یک حس محبت خانوادگی جانشین ترس ما از خدا شده است.
 ۳. سوم، روح القدس در درون ما تصدیق می کند فرزندان هستیم.
 ۴. چهارم، این تصدیق حتی در ضمن مشکلات و مواجهه با سختی ها، مطمئن و قطعی است.

ج. آیات ۳۱-۳۹ صحنه ای است از یک دادگاه، که سبک ادبی معمول انبیاء عهد عتیق می باشد. خدا قاضی است؛ شیطان دادستان است، عیسی وکیل مدافع (paraclete)، فرشتگان مشاهده کنندگان، و انسان های ایماندار مواجهه با اتهامات شیطانی هستند.

۱. واژه های حقوقی
 - (الف). علیه ما، آیه ۳۱
 - (ب). اتهام، آیه ۳۳
 - (پ). تبرئه می نماید، آیه ۳۳
 - (ت). محکوم می کند، آیه ۳۴
 - (ث). شفاعت می کند، آیه ۳۴
۲. دادرسی، "کیست" (آیات ۳۱، ۳۳، در ۳۴ سه بار، ۳۵)
۳. آنچه خدا در مسیح فراهم کرده است (آیات ۳۲، ۳۵ ب)
۴. هیچ جدایی از خدا نیست
 - (الف). شرایط این دنیا
 - (ب). نقلی از مزمور ۴۴: ۲۲ در عهد عتیق، آیه ۳۶
 - (پ). پیروزی (آیات ۳۷، ۳۹)
 - (ت). شرایط فوق طبیعی یا عاملین (آیات ۳۷-۳۹)

بررسی واژه ها و عبارات

متن NASB (به روز شده): ۸: ۱-۸

۱ پس اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست. ۲ زیرا قانون «روح» حیات در مسیح عیسی، شما را از قانون گناه و مرگ آزاد کرده است. ۳ چون آنچه شریعت قادر به انجامش نبود، از آن رو که به سبب جسم، ناتوان بود، خدا به انجام رسانید: با فرستادن «پسر خود» در شباهت جسم

گناهکار و به عنوان قربانی برای گناه، «او» گناه را در جسم محکوم ساخت،^۴ تا آنچه شریعت ملزم میکند در ما تحقق یابد، در ما که نه طبق جسم بلکه طبق «روح» رفتار می کنیم.^۵ زیرا آنائیکه طبق جسم می باشند افکارشان را به امور جسم می سپارند، اما آنائیکه طبق «روح» هستند، به امور «روح».^۶ چون ذهنی که در پی جسم است، موت می باشد، اما ذهن پیرو «روح»، حیات و آرامی است،^۷ زیرا ذهنی که در پی جسم است، با خدا دشمنی می کند؛ چون خود را تابع قانون خدا نمی سازد، از آنجا که حتی قادر به این کار نیست،^۸ و آنائیکه در جسم می باشند نمی توانند خدا را خشنود سازند.

۱ : ۸

NASB "پس اکنون ... نیست"
 NRSV، NKJV "پس اکنون ... نیست"
 TEV "نیست"
 JB "پس، به دلیل"

این بازگشتی است به موضوع قبلی. بعضی این را مربوط به ۷: ۲۴ - ۲۵ می دانند، اما صحیح تر است آنرا مربوط به پیش از آن، به ۳: ۲۱ - ۷: ۲۵ دانست.

□ "هیچ" "هیچ" در ابتدای جمله یونانی قرار گرفته است و با تأکید می گوید "هیچ محکومیتی" در مورد آنان که در مسیح هستند (ر.ک. آیات ۱-۳)، و آنانی که طبق «روح» سلوک می نمایند، نیست (ر.ک. آیات ۴-۱۱). درینجا هر دو جنبه معاهده جدید را می بینیم: (۱) هدیه رایگانی است در مسیح؛ و (۲) واکنش را در شیوه زندگی و با انجام معاهده با خدا لازم می سازد. پارسا شدن موضوعی است که هم عقلانی است (اخباری) و هم درونی و احساسی (التزامی). هم جایگاه است و هم شیوه زندگی.

□ "محکومیت" این واژه *katakrima* کاربرد چندانی در «ترجمه هفتاد» ندارد، لیکن پرتوی است از لعنت به لحاظ سرپیچی، که در تثنیه ۲۷: ۲۶ می بینیم. معنی آن "مجازات پس از حکم قضایی" است. این واژه ای است حقوقی و دادگاهی که متضاد تبرئه نمودن است. کاربرد آن در نوشته های پولس نادر است (ر.ک. ۵: ۱۶، ۱۸) و در دیگر بخش های عهد جدید نیامده است.

«ترجمه پادشاه جیمز» به آیه ۱ چنین اضافه کرده است، "که در پی جسم، سلوک نمی نمایند بلکه در پی «روح»". این عبارت در بسیاری از نسخه های خطی یونانی باستان دیده نمی شود. UBS^۴ مقیاس ارزیابی حذف آن را "الف" (قطعی) محسوب می کند. این عبارت در آیه ۴ آمده است. به لحاظ الهیاتی در آیه ۱ کاملاً نامتناسب است، اما با آیه ۴ کاملاً منطبق است. آیات ۱-۳ در خصوص تقدیس جایگاهی هستند (اخباری)، در حالیکه آیات ۴-۱۱ در مورد تقدیس یا شبیه به مسیح شدن به طور تجربی (التزامی) هستند. به زیرنگاشت صفحه ۲۸۹ در "کتاب رومیان، آیه به آیه" نوشته ویلیام ر. نیوول (مودی، ۱۹۳۸) توجه نمایید.

"«ترجمه تجدید نظر شده»، عبارت "که در پی جسم سلوک نمی نمایند بلکه در پی «روح»" را به درستی حذف نموده است. از عصر «ترجمه پادشاه جیمز» بیش از ۳۰۰ سال پیش، تا به امروز، بهترین و صحیح ترین نسخه های خطی یونانی باستان که داریم، به شمار بسیار کشف شده اند؛ و مردان دیندار و پر جدیت با تلاش مداوم، این مهم پررنج اما پر ثمر، یعنی تصحیح سهوهای که بعضی موارد در نسخه برداری، ناخودآگاه رخ داده بود، به انجام رسانیدند. زیرا همه می دانیم نسخه های اصلی کتابمقدس در دست نیست. رضای خدا این بوده است که از دسترسی مخلوق خود به آن ها جلوگیری کند چون انسان گرایش شدیدی به بت پرستی دارد.

ما آیه ۱ را باید به چهار دلیل، با عبارت "در مسیح عیسی" پایان دهیم: (۱) شواهد در نسخه های خطی یونانی به طور قاطع متمایل به حذف عبارت "که در پی جسم سلوک نمی نمایند بلکه در پی «روح»" از آیه ۱ می باشند، همانطور که شواهد از همه جوانب خواهان گنجانیدن این عبارت در آیه ۴ هستند. (۲) بینش روحانی نیز بر این است، زیرا وارد کردن این کلمات در آیه ۱، امنیت و اسقرار وضع ما را مشروط بر سلوک ما [طرز زندگی و کارهای ما] می سازد، نه بر روح خدا. لیکن همانطور که صریحاً در سراسر نامه های رسولان تعلیم داده شده است، همه در مسیح عیسی، امان از محکومیت هستند. در غیر این صورت، امن بودن وضع ما، مشروط بر سلوک ما می شود نه بر جایگاه ما در مسیح. (۳) این عبارت واضحاً در آخر آیه ۴، در جای مناسبی قرار دارد - که شیوه سلوک ایماندار توصیف شده است، نه در امان بودن او از محکومیت. (۴) این که عبارت مذکور در آخر آیه ۱ در «ترجمه پادشاه جیمز»، صرفاً یک «توضیح» است (حاشیه نویسی یک نسخه بردار) از این مسلم است که نه تنها نسخه های پر اهمیت خطی با حروف درشت Aleph، A، B، C، D، F، G؛ (اصحیحی) فاقد آن هستند - نیز چند نسخه با حروف متصل و ترجمه های باستانی حائز اهمیت (رجوع کنید به J.F. Alford، Meyer، Olshausen و توضیحات برجسته Darby در *Synopsis, in loc*)؛ اما از شباهت این حاشیه نویسی نیز، با اضافه های مشابه که به لحاظ ترس از شریعت در بخش های دیگر انجام شده اند، مسلم می گردد.

اینکه خدا مقدر فرمود تا کلام او ترجمه شود اما در عین حال دارای اقتدار باشد در این دیده می شود که ترجمه یونانی عهد عتیق از عبری - «ترجمه هفتاد» - در انجیل مورد استفاده قرار گرفته است.

ما باید از خدا برای افرادی سپاس گزاریم که با کوششی خستگی ناپذیر، تمام عمر خود را صرف بررسی عمیق نسخه های باستانی، که خدا برای ما محفوظ داشته است، نموده اند و دستاورد ایشان چنین ترجمه پر ارج و کاملی است که در دست داریم. ما باید چنین استادان و دانشمندانی را قطعاً و همواره، متمایز از "مُدرنیست های Modernists" بسیار خودبین (در روزگاران گذشته "منتقدین بلند مرتبه") بدانیم؛ آن "مُدرنیست ها" مصرأً به ما می گویند خدا بایستی در کتاب مقدس چه گفته باشد، تا آنکه با تواضع در پی دریافت این باشند که خدا چه فرموده است" (صفحه ۲۸۹).

□ "برای آنان که در مسیح عیسی هستند" این عبارت معمول پولس (به عبارت دیگر «نشانگر محیط فعالیت»)، برابر با عبارت امروزی "رابطه شخصی" است. پولس عیسی را شناخته بود، دوست می داشت، خدمت می کرد و در او شادمان بود. انجیل، هم پیامی است که باید به آن ایمان آورد، هم «آن شخص» است که باید با گرمی پذیرفت. نیرویی که به پولس زندگی می بخشید، از این رابطه با مسیح سرچشمه می گرفت - آن مسیحی که در راه دمشق ملاقات کرده بود. تجربه او با مسیح پیش از عقاید الهیاتی او در باره عیسی صورت گرفت. رویارویی او به عرفانی محدود به راهبان صومعه منجر نشد، بلکه باعث خدمات بسیار فعال بشارتی گردید. شناخت «او»، خدمت به «او» است. ایمان مسیحی که از بلوغ روحانی برخوردار است یک پیام است، یک «شخص» است و یک شیوه زندگی! (به یادداشت در باب ۱ آیه ۵ رجوع کنید)

۸: ۲ "قانون «روح» حیات ... قانون گناه و مرگ" این می تواند اشاره به این موارد باشد: (۱) تضاد بین قانون گناه (ر.ک. روم ۷: ۱۰، ۲۳، ۲۵) و قانون جدید خدا (ر.ک. روم ۷: ۶، ۲۲، ۲۵)؛ (۲) "قانون محبت" (ر.ک. یعقوب ۱: ۲۵؛ ۲: ۸، ۱۲) در تقابل با "شریعت موسی" (ر.ک. ۷: ۶-۱۲)؛ (۳) عصر قدیم در تقابل با عصر نوین؛ یا (۴) معاهده قدیم در برابر معاهده جدید (ر.ک. ارم ۳۱: ۳۱-۳۴)؛ کتاب عبرانیان در عهد جدید).

این روش مقایسه ای ادامه یافته است.

1. قانون «روح» حیات در مسیح، در مقابل قانون گناه و مرگ، آیه ۲
2. مطابق جسم، در تضاد با، مطابق «روح»، آیات ۴ و ۵
3. امور جسم، در مقابل امور روح
4. افکار متوجه امور جسم، در مقابل، افکار متوجه امور «روح»، آیه ۵
5. افکار متوجه جسم، در مقابل، افکار متوجه «روح»، آیه ۶
6. در جسم، در مقابل، در «روح»، آیه ۹
7. بدن، مرده است، در مقابل، روح، زنده است، آیه ۱۰
8. شما باید بمیرید، در مقابل، شما زندگی خواهید کرد، آیه ۱۳
9. نه روح بندگی، در مقابل، روح فرزند خواندگی، آیه ۱۵



JB, NRSV, NASB "شما را آزاد کرده است"
TEV, NKJV "مرا آزاد کرده است"

آیات ۲-۳ پیام الهیاتی باب ۶ است. چند ضمیر مختلف هستند که در نوشته های باستانی یونانی دیده می شوند: "مرا" در نسخه های خطی A, D, K, و P دیده می شود در حالیکه "شما" در نسخه های باستانی B, F, G و آمده است. ضمیر "ما"، بعدها در نسخه Ψ که با حروف درشت نوشته شده است دیده می شود. گردآورندگان UBS^۴، احتمال صحت "شما" را در حد "ب" می دانند (تقریباً یقین). UBS^۳ احتمال صحت آنرا درجه ۴ (rating "D") می داند.

"کتاب راهنمای مترجم در مورد نامه پولس به رومیان" نوشته نیومن و نیدا، می گوید: "نسخه یونانی UBS به طور ضمنی "مرا" را می رساند، اگرچه درجه صحت آن ۳ (rating "C") است و نشانگر اینست که احتمال زیاد شک در مورد قرآنت اصلی و اولیه وجود دارد". (صص ۱۴۵-۱۴۶).

این مسئله «ضمیر»های "ما را"، "شما" یا "مرا/ما" در متون یونانی نوشته های پولس مکرراً وجود دارد.

۸: ۳ "آنچه قانون قادر به انجامش نبود" شریعت موسی نیکو و مقدس است، اما بشر ضعیف و گناهکار می باشد (ر.ک. ۷: ۱۲، ۱۶). «فعل» این جا در واقع «صفت» *adunaton* است، که معمولاً معنی آن "غیر ممکن" است (ر.ک. عبر ۶: ۴، ۱۸؛ ۱۰: ۴؛ ۱۱: ۶)، اما می تواند "بی قدرت" معنی دهد (ر.ک. اعمال ۱۴: ۸؛ روم ۱۵: ۱). شریعت نمی توانست رهایی بخشد. برعکس، صرفاً محکومیت و مرگ و لعنت به همراه می آورد!

□ "از آن رو که به سبب جسم ناتوان بود" این استدلال اصلی پولس در باب ۷ است. شریعت خدا نیکو و مقدس است اما انسان گناهکار که سقوط کرده و نا مطیع است، نمی تواند از عهده تمامی الزامات و مطالبات آن برآید. پولس، برعکس معلمین یهود، عواقب باب ۳ پیدایش را تأکید می کرد.

□ "خدا به انجام رسانید: با فرستادن «پسر خود»" آنچه انسان گناهکار نمی توانست طبق «معاهده قدیم» انجام دهد، خدا در «معاهده جدید» توسط عیسی (ر.ک. اش ۵۳؛ یوحنا ۳: ۱۶) انجام داد (ر.ک. ار ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حز ۳۶: ۲۲-۳۶). به جای الزامات برونی، خدا «روح» [القدس] را در درون شخص و نیز

قلبی جدید فراهم ساخته است. این «معاهده جدید» بر مبنای توبه و ایمان به کار تمام شده مسیح است، نه بر مبنای کارهای انسان. اما، هر دو «معاهده ها» خواستار آن شیوه جدید زندگی خداپسندانه می باشند.

□ **"در شباهت جسم گناهکار"** همین واقعیت در فیل ۲: ۷-۸ ذکر شده است. عیسی بدنی حقیقتاً انسانی داشت (لیکن ذات گناه در او اصلاً نبود، ر.ک. فیلیپیان ۲: ۷-۸؛ عبر ۷: ۲۶). او در واقع با ما یکی است. عیسی با تمامی وسوسه هایی که ما روبرو می شویم وسوسه شد، اما هرگز گناهی نکرد (ر.ک. عبر ۴: ۱۵). او ما را درک می کند.

□ **"به عنوان قربانی برای گناه"** همین موضوع در ۲ قرن ۵: ۲۱ و ۱ پطرس ۲: ۲۴ بیان شده است. عیسی آمد تا بمیرد (ر.ک. اش ۵۳: ۴-۶؛ ۱۰-۱۲؛ مرقس ۱۰: ۴۵). جان بی گناه عیسی (ملامت ناشدنی) قربانی گناه شد (ر.ک. یوحنا ۱: ۲۹).

□ **"گناه را در جسم محکوم ساخت"** مرگ عیسی مسئله سرشت گناهکار بشر را تأکید و حل و فصل نمود، نه صرفاً موارد انجام گناه را (به روال شریعت موسی). زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی بود که اهداف خدا را برای فدیة ابدی محقق ساخت (ر.ک. اعما ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۳: ۲۹). نیز او به ما نشان داد انسان ها چه می توانند باشند و چه باید باشند (ر.ک. یوحنا ۱۳: ۱۵؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱).

۸: ۴ این آیه احتمالاً به «معاهده جدید» اشاره دارد (ر.ک. ار ۳۱: ۳۳ و حز ۳۶: ۲۶-۲۷) و در مورد دو جنبه نجات ما است. اول، عیسی الزامات «معاهده قدیم» را محقق ساخت و از طریق ایمان به او، این پارسایی به عنوان هدیه ای رایگان، بدون در نظر داشتن شایستگی افراد، به ایمانداران منتقل و واگذار می گردد. ما این را پارسا ساختن یا تقدیس جایگاهی می نامیم. خدا به ایمانداران، قلبی تازه و روحی تازه می بخشد. اکنون زندگی ما در همراهی با «روح» [القدس] است، نه یک زندگی نفسانی. این «تقدیس تصاعدی و پیشرونده» خوانده می شود. مسیحیت، معاهده جدیدی است که هم دارای حق و حقوق (هدیه نجات)، و هم مسئولیت ها است (شبهه مسیح بودن، ر.ک. ۶: ۱۳). چه فاجعه ای است که بعضی ایمانداران زندگی های جسمانی و نامتناسبی دارند (ر.ک. ۱ قرن ۳: ۱-۳).

□ **"در ما که نه طبق جسم بلکه طبق «روح» رفتار می کنیم"** همین مقایسه در غلا ۵: ۱۶-۲۵ دیده می شود. پارسا اعلام شدن شرعی، باید همراه با شیوه زندگی پارسا باشد. قلب و ذهن جدید در «معاهده جدید»، مبنای نجات ما نیستند بلکه نتیجه آن می باشند. زندگی ابدی، مشخصه های قابل دید و مشهود دارد!

۸: ۵ پولس تفاوت زندگی در "جسم" و در "روح" [القدس] را در آیات ۵-۸ بیان می کند (تفاوت "کارهای جسم" ر.ک. غلا ۵: ۱۹-۲۱ با "ثمره «روح» [القدس]" ر.ک. ۵: ۲۲-۲۵).

۸: ۶ **"ذهنی که در پی ..."** یهودیان آگاه بودند که چشم و گوش، پنجره هایی به درون روح هستند. گناه در تفکرات ما آغاز می گیرد. ما تبدیل به آن چیزی می شویم که به آن فکر می کنیم (ر.ک. روم ۱۲: ۱-۲؛ فیل ۸: ۴)!

پولس آنقدرها پیرو دیدگاه سنتی نبود که معلمین یهود راجع به دو "نیت" (*yetzers*) در انسان داشتند. به عقیده پولس، نیت خوب در مخلوقات گناهکار وجود نداشت، بلکه ثمره توبه بود. پولس بر این بود روح القدس که در شخص ساکن می شود، کشمکش روحانی را درون او آغاز می کند (ر.ک. یوحنا ۱۶: ۷-۱۴).

□ "حیات" این اشاره به زندگی جاودان - زندگی عصر جدید - است.

□ "آرامی" واژه مذکور در اصل، به این معنی بوده است: "به هم پیوستن آنچه شکسته بود" (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۲۷؛ ۱۶: ۳۳؛ فیل ۴: ۷). به عنوان خاص: صلح در ۵: ۱ رجوع کنید. عهد جدید به سه طریق در مورد آرامی و صلح صحبت می کند:

1. واقعیت عقلانی آشتی ما با خدا توسط مسیح (ر.ک. کولس ۱: ۲۰)
2. احساس ذهنی ما در باره داشتن رابطه درست با خدا (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۲۷؛ ۱۶: ۳۳؛ فیل ۴: ۷)
3. خدا، یهود و غیر یهود را در بدنی جدید توسط مسیح، متحد ساخته است (ر.ک. افس ۲: ۱۴-۱۷؛ کولس ۳: ۱۵).

۸: ۷-۱۱ پولس انسان های دور از خدا را به چند طریق توصیف نمود: (۱) دشمن خدا، آیه ۷؛ (۲) نامطیع نسبت به خدا، آیه ۷؛ (۳) ناتوان در خشنود کردن خدا، آیه ۸؛ و (۴) مرده از لحاظ روحانی، با عاقبت مرگ ابدی، آیات ۱۰-۱۱. به آیات مشابه در روم ۵: ۶، ۸ و ۱۰ رجوع نمایید.

۸: ۷

NRSV،NASB "ذهنی که در پی جسم است با خدا دشمنی می کند"

NKJV "ذهن جسمانی، دشمنی با خدا است"

TEV "انسان ها دشمنان خدا می گردند"

NJB "تفکر سرشت نافرمان بردار بشر، مخالف خداست"

توجه کنید این عبارت، مشابه با "ذهنی که در پی جسم است، موت می باشد" در آیه ۶ و "آنانیکه طبق جسم می باشند" در آیه ۵ است. نیز توجه داشته باشید سرشت گناهکار بشر، هم یک طرز فکر است (دیدگاه دنیوی) و هم شیوه زندگی (ر.ک. ۷: ۵).

□ "از آنجا که حتی قادر به این کار نیست" بشر گناهکار نه تنها نمی خواهد از خدا پیروی کند، بلکه قادر به پیروی از خدا نیست. انسان گناهکار بدون یاری روح القدس، نمی تواند واکنشی به امور روحانی داشته باشد (ر.ک. اش ۵۳: ۶؛ ۱ پتر ۲: ۲۴-۲۵). خدا همیشه قدم اول را بر می دارد (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵).

۸: ۸ "آنانیکه در جسم می باشند" پولس این عبارت را به دو طریق به کار می برد (۱) بدن جسمانی (ر.ک. روم ۱: ۳؛ ۲: ۲۸؛ ۴: ۱؛ ۹: ۳، ۵)؛ و (۲) کوشش بشر، جداگانه از خدا (ر.ک. روم ۷: ۵؛ ۸: ۴-۵). در اینجا حالت دوم است و گویای بشر نافرمان و بی ایمان می باشد.

متن NASB (به روز شده): ۸: ۹-۱۱

۹ اما شما در جسم نیستید بلکه در «روح»، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. اما اگر کسی «روح مسیح» را نداشته باشد، از آن «او» نیست. ۱۰ اگر مسیح در شماست، هر چند بدن به علت گناه مرده است، اما روح به خاطر پارسائی زنده است. ۱۱ اما اگر «روح او» که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، «او» که مسیح عیسی را از مردگان برخیزانید، به واسطه «روح خود» که در شما ساکن است، به بدنهای فانی شما نیز حیات خواهد بخشید.

۸: ۹ یک سری «جملات شرطی» در آیات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ (دو بار)، ۱۷ (دو بار) می باشند. همه آنها «جملات شرطی درجه اول» اند، که از دیدگاه نویسنده یا به خاطر مقاصد ادبی او، واقعیت فرض شده اند. فرض پولس بر این بود که خوانندگان نامه او در کلیسای روم، مسیحی بودند (ر.ک. آیه ۹ الف).

□ «روح مسیح» اشخاص، یا «روح» [القدس] را دارند و در نتیجه ایماندار هستند، یا «روح» در آنها نیست و به لحاظ روحانی در هلاکت هستند. ما در زمان نجات، تمامی روح القدس را می یابیم و نیازی به داشتن بیشتر از وجود او نداریم؛ او نیاز دارد بیشتر وجود ما را داشته باشد!
عبارات «روح» در ۹ الف، «روح خدا» در ۹ ب و «روح مسیح» در ۹ پ همه عبارات مترادف هستند.

عنوان خاص: عیسی و «روح»

بین کار «روح» و «پسر» اتحاد وجود دارد. ج. کمپبل مورگان می گوید بهترین نام برای «روح» «آن عیسی دیگر» است. رؤس مطالب در مقایسه کار و عناوین «پسر» و «روح» در ذیل می باشد.

۱. «روح»، «روح عیسی» یا به عنوان مشابه ای خوانده شده است (ر.ک. روم ۸: ۹؛ ۲ قرن ۳: ۱۷؛ غلا ۴: ۶؛ ۱ پطرس ۱: ۱۱).

۲. هر دو با همان واژه ها اطلاق شده اند

الف. "حقیقت"

(۱) عیسی (یوحنا ۱۴: ۶)

(۲) «روح» (یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۳)

ب. "شفیع"

(۱) عیسی (۱ یوحنا ۲: ۱)

(۲) «روح» (یوحنا ۱۴: ۱۶، ۲۶؛ ۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷)

پ. "مقدس"

(۱) عیسی (لوقا ۱: ۳۵؛ ۴: ۳۴)

(۲) «روح» (لوقا ۱: ۳۵)

۳. هر دو در ایمانداران ساکن می شوند

الف. عیسی (متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۴-۵؛ روم ۸: ۱۰؛ ۲ قرن ۱۳: ۵؛ غلا

۲: ۲۰؛ افسس ۳: ۱۷؛ کولس ۱: ۲۷)

ب. «روح» (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ روم ۸: ۹، ۱۱؛ ۱ قرن ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ ۲ تیمو ۱: ۱۴)

پ. و حتی «پدر» (یوحنا ۱۴: ۲۳؛ ۲ قرن ۶: ۱۶)

۸: ۱۰ «مسیح در شماسیت» "شما" از لحاظ دستوری «جمع» است. کلمه "مسیح" اشاره بود به «پسر» / «روح» که در درون ساکن می شوند (ر.ک. یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ کولس ۱: ۲۷). مردم یا باید «پسر» / «روح» را داشته باشند یا مسیحی نیستند (ر.ک. ۱ یوحنا ۵: ۱۲). به عقیده پولس، عبارت "در مسیح" از لحاظ الهیاتی، همان "در «روح»" است.

□ "هرچند بدن به علت گناه مرده است" حتی مسیحیان، به خاطر گناه آدم و دنیای گناهکار و نافرمانی شخصی، جسماً خواهند مرد (ر.ک. ۵: ۱۲-۲۱). گناه همیشه عواقب خود را دارد. مرگ روحانی (ر.ک. پیدایش ۳؛ افس ۲: ۱) باعث مرگ جسمانی شد (ر.ک. پیدایش ۵؛ عبر ۹: ۲۷). ایمانداران هم در عصر جدید «روح» زندگی می کنند (ر.ک. یوئیل ۲: ۲۸-۲۹؛ اعمال ۲: ۱۶) هم در عصر قدیم گناه و نافرمانی (ر.ک. آیات ۲۱، ۳۵).

□ "اما روح به خاطر پارسایی زنده است" تفاوت هایی میان ترجمه ها و مفسرین وجود دارد در اینکه منظور از «روح»، آیا روح انسان است (ر.ک. NASB، ASV، NIV، ویلیامز، کتاب مقدس اورشلیم)، یا روح القدس (ر.ک. KJV، TEV، REB، کارل بارت، س. ک. برت، جان موری، و اورت هریسون). چارچوب گسترده تر متن، درک بیشتری از این عبارت مختصر به ما می دهد. حتی کسانی که به مسیح توسل بسته اند، با این وجود خواهند مرد زیرا در دنیای گناهکار زندگی می کنند. اما به خاطر پارسایی که نتیجه ایمان به عیسی است، آنها از هم اکنون زندگی ابدی دارند (ر.ک. افس ۲: ۴-۶). این همان تنش "هم اکنون است لیکن هنوز باید فرا برسد" در ملکوت خدا است. عصر قدیم و عصر جدید مقداری اشتراک زمانی دارند.

□ "پارسایی" به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع نمایید.

۸: ۱۱ "اگر" به توضیح آیه ۹ توجه نمایید.

□ "«روح او» که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد" کدام یک از «شخص» های تثلیث در ایمانداران ساکن می شود؟ جواب اکثر مسیحیان، «روح» است. البته این درست است، اما در واقع هر سه «شخص» تثلیث در ایمانداران ساکن می شوند.

1. «روح»، یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷؛ روم ۸: ۱۱؛ ۱ قرن ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ ۲ تیمو ۱: ۱۴
2. «پسر»، متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۴-۵؛ روم ۸: ۱۰؛ ۲ قرن ۱۳: ۵؛ غلا ۲: ۲۰؛ افس ۳: ۱۷؛ کولس ۱: ۲۷
3. «پدر»، یوحنا ۱۴: ۲۳؛ ۲ قرن ۶: ۱۶

این عبارت فرصتی عالی برای اثبات اینست که عهد جدید اغلب امور فدییه و بازخرید [انسان] را به هر سه شخص تثلیث نسبت می دهد.

1. خدای پدر، عیسی را برخیزانید (ر.ک. اعمال ۲: ۲۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷: ۳۱؛ روم ۶: ۴، ۹؛ ۸: ۱۱؛ ۱۰: ۹؛ ۱ قرن ۶: ۱۴؛ ۲ قرن ۴: ۱۴؛ غلا ۱: ۱؛ افس ۱: ۲۰؛ کولس ۲: ۱۲؛ ۱ تسلا ۱: ۱۰)
2. خدای پسر، خود را برخیزانید (ر.ک. یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸)
3. خدای «روح»، عیسی را برخیزانید (ر.ک. روم ۸: ۱۱)

همین تأکید بر تثلیث را می توان در آیات ۹-۱۱ مشاهده نمود.

عنوان خاص: تثلیث

به کارهای هر سه «شخص» تثلیث توجه نمایید. واژه «تثلیث» ، که اولین کاربرد آن توسط «تِرتولین» بوده است، واژه کتاب مقدسی نیست، اما در همه بخش های آن وجود دارد.

۱. اناجیل

الف. متی ۳: ۱۶-۱۷؛ ۲۸: ۱۹ (و بخش های همسان آنها)

ب. یوحنا ۱۴: ۲۶

۲. اعمال - اعمال ۲: ۳۲-۳۳، ۳۸-۳۹

۳. پولس

الف. رومیان ۱: ۴-۵؛ ۵: ۱، ۵؛ ۸: ۱-۴، ۸-۱۰

ب. ۱ قرنتیان ۲: ۸-۱۰؛ ۱۲: ۴-۶

پ. ۲ قرنتیان ۱: ۲۱؛ ۱۳: ۱۴

ت. غلاطیان ۴: ۴-۶

ث. افسسیان ۱: ۳-۱۴، ۱۷؛ ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۴-۱۷؛ ۴: ۴-۶

ج. ۱ تسالونیکیان ۱: ۲-۵

چ. ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳

ح. تیطس ۳: ۴-۶

۴. پطرس - ۱ پطرس ۱: ۲

۵. یهودا - آیات ۲۰-۲۱

در عهد عتیق به طور غیر مستقیم به آن اشاره شده است

۱. کاربردهای دستوری «جمع» در مورد خدا

الف. نام الوهیم «جمع» است، اما در مورد خدا همیشه با «فعل مفرد» است

ب. "ما" در پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۳: ۲۲؛ ۱۱: ۷

۲. فرشته خداوند به عنوان نماینده قابل رؤیت الهی

الف. پیدایش ۱۶: ۷-۱۳؛ ۲۲: ۱۱-۱۵؛ ۳۱: ۱۱، ۱۳؛ ۴۸: ۱۵-۱۶

ب. خروج ۳: ۲، ۴؛ ۱۳: ۲۱؛ ۱۴: ۱۹

پ. داوران ۲: ۱؛ ۶: ۲۲-۲۳؛ ۱۳: ۳-۲۲

ت. زکریا ۳: ۱-۲

۳. خدا و «روح» مجزا هستند، پیدا ۱: ۱-۲؛ مزمور ۱۰۴: ۳۰؛ اش ۶۳: ۹-۱۱؛ حز ۳۷: ۱۳-۱۴

۴. خدا (YHWH) و ماشیح (Adon) مجزا هستند، مزمور ۴۵: ۶-۷، ۱۱۰: ۱؛ زکریا ۲: ۸-۱۱؛

۱۰: ۹-۱۲

۵، ماشیح و «روح» مجزا هستند، زکریا ۱۲: ۱۰

۶، هر سه در اشعیا ۴۸: ۱۶ و ۶۱: ۱ ذکر شده اند

الوهیت عیسی و شخصیت «روح»، مشکلاتی برای ایمانداران اولیه که یکتا پرست و در پیروی از

اصول، دقیق و سخت گیر بودند، ایجاد می کرد:

۱. تِرتولین - برای «پسر» مقامی پایین تر از «پدر» قائل بود

۲. اورِیجن - ذات الهی «پسر» و «روح» را در مقامی پایین تر می انگاشت

۳. آریوس – منکر الوهیت «پسر» و «روح» بود
 ۴. مونارکیانسم – بر این بود که خدا خود را در مراحل مختلف و پیشرونده می نمایاند
 تثلیث، قانده سازی [formulation] است که طبق متون کتاب مقدسی، در طول تاریخ تکامل یافته است
 ۱، الوهیت کامل عیسی، برابر با «پدر»، در ۳۲۵ میلادی توسط شورای نیقیه تصریح گردید
 ۲، شخصیت و الوهیت کامل «روح»، در مساوی بودن با «پدر» و «پسر»، توسط شورای قسطنطنیه (۳۸۱ میلادی) تصریح گردید
 ۳. آموزه تثلیث در کتاب اگوستین به نام *De Trinitate* مشروحاً بیان شده است
 این موضوع حقیقتاً یک راز است. لیکن به نظر می رسد عهد جدید، ذات الهی یکتایی را تصریح می نماید
 که در سه شخص ابدی آشکار شده است.

□ "به بدن های فانی شما نیز حیات خواهد بخشید" برخاستن عیسی و نیز پیروان او، آموزه ای بسیار مهم و اساسی است (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۱ به بعد؛ ۲ قرن ۴: ۱۴). مسیحیت می گوید در ابدیت، ایمانداران دارای بدن خواهند بود (ر.ک. ۱ یوحنا ۳: ۲). اگر مسیح بوسیله «روح» برخیزانیده شد، برای پیروان او نیز چنین خواهد بود (ر.ک. آیه ۲۳).

متن NASB (به روز شده): ۸: ۱۲-۱۷

۱۲ پس ای برادران در این صورت ما مدیونیم، اما نه به جسم، تا بر طبق جسم زندگی کنیم - ۱۳ زیرا اگر بر طبق جسم زندگی می کنید، باید بمیرید؛ اما اگر به واسطه «روح» اعمال بدن را بکشید، خواهید زیست.
 ۱۴ زیرا همه کسانی که به وسیله «روح خدا» هدایت می شوند، اینان پسران خدایند. ۱۵ زیرا شما روح بندگی را نیافته اید تا باز به ترس منجر شود، بلکه روح فرزند خواندگی را به عنوان پسران یافته اید که از آن طریق ندا در می دهیم: "آبا! «پدر»!". ۱۶ آن «روح»، خود با روح ما شهادت می دهد که فرزندان خداییم،
 ۱۷ و اگر فرزندان، وارثان نیز- وارثان خدا و هم ارث با مسیح - اگر عملاً به همراه «او» رنج به بینیم، تا آنکه با «او» نیز جلال یابیم.

۸: ۱۲ "پس ... در این صورت" پولس به بیان مشروح تر آنچه در آیات ۱-۱۱ آمده اند ادامه می دهد.

□ "ما مدیونیم" این جنبه دیگر آزادی مسیحی است (ر.ک. ۱۴: ۱ - ۱۵: ۱۳) و نتیجه گیری از مبحث تقدیس در آیات ۱-۱۱ است، که هم جایگاه می باشد (اخباری) و هم تصاعدی و پیشرونده (التزامی). نیز به صراحت نشان می دهد که ایمانداران هنوز باید با سرشت قدیمی گناهکارشان مبارزه کنند (ر.ک. روم ۷). انتخاب را باید انجام داد (ایمان آوردن اولیه) و انتخاب ها باید همواره انجام گیرند (شیوه زندگی از روی ایمان)!

۸: ۱۳ "اگر" یک سری «جملات شرطی» در آیات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ (دو بار)، ۱۷ (دو بار) می باشند. همه آنها «جملات شرطی درجه اول» اند، که از دیدگاه نویسنده یا به خاطر مقاصد ادبی او، واقعیت فرض شده اند. فرض پولس بر این بود که خوانندگان نامه او در کلیسای روم، مسیحیانی بودند که بر طبق «روح» زندگی می کردند (ر.ک. آیه ۹ الف).

□ **"بر طبق جسم زندگی می کنید، باید بمیرید"** هر دو فعل آیه ۱۳ «زمان حال» هستند که عمل استمراری و پی در پی را نشان می دهند. کتاب مقدس سه مرحله مرگ را مکشوف می سازد (۱) مرگ روحانی (ر.ک. پیدای ۲: ۱۷؛ ۳: ۱-۷؛ افس ۲: ۱)؛ (۲) مرگ جسمانی (ر.ک. پیدای ۵)؛ و (۳) مرگ ابدی (ر.ک. مکا ۲: ۱۱؛ ۲۰: ۶، ۱۴؛ ۲۱: ۸). آن که در این بخش ذکر شده مرگ روحانی آدم است (ر.ک. پیدای ۳: ۱۴-۱۹) که باعث مرگ جسمانی تمامی بشر گردید (ر.ک. پیدای ۵).
گناه آدم، مرگ را در تجربه انسانی ایجاد کرد (ر.ک. ۵: ۱۲-۲۱). هر یک از ما به خواست خود تصمیم گرفته ایم گناه کنیم. اگر عمداً به گناه ادامه دهیم، آن ما را "برای ابد" هلاک خواهد ساخت (ر.ک. مکا ۲۰: ۶، ۱۴، "مرگ ثانی"). ما که مسیحی هستیم، باید نسبت به گناه و نفس بمیریم و برای خدا زندگی کنیم (ر.ک. روم ۶).

□ **"اگر به واسطه «روح» اعمال بدن را بکشید، خواهید زیست"** اطمینان برای نجات ایمانداران، از روی شیوه زندگی مسیحی آنان نمودار می شود یا اعتبار می یابد (ر.ک. کتاب های عهد جدید یعقوب و ۱ یوحنا). ایمانداران، این زندگی جدید را به کوشش خود نمی کنند، بلکه بوسیله «روح» که عامل است (ر.ک. آیه ۱۴). لیکن هر روزه باید خودشان را تسلیم فرمان او سازند (ر.ک. افس ۵: ۱۷-۱۸).
در این متن مقصود از "اعمال بدن"، آن زندگی دوره گذشته خطاکارانه است. این انکار ابدیت زیستن در بدن نیست (ر.ک. ۸: ۲۳) بلکه مقایسه ای است بین «روح» [خدا] که در شخص ساکن می شود (عصر جدید)، و کشمکش با گناه (عصر قدیم).
۸: ۱۴ **"همه کسانی که به وسیله «روح خدا» هدایت می شوند"** این «حال وصفی غیرمستقیم» است که راهنمایی مداوم «روح» را می رساند. «روح» ما را مجذوب مسیح می سازد و سپس شکل مسیح را در ما نقش می بندد (ر.ک. ۲۹). مسیحیت، بسیار بیشتر از صرفاً یک تصمیم است. در واقع مسیحیت شاگرد سازی مداومی است که با یک تصمیم آغاز می گردد. این اشاره به موارد خاص یا زمان ها یا خدمات مشخصی نیست، بلکه به فعالیت های روزانه شخص.

□ **"پسران خدا"** این عبارت «جمع»، در عهد عتیق برای فرشتگان و در موارد نادر برای انسان ها به کار می رفت. «مفرد» آن برای آدم، قوم اسرائیل، «پادشاه او» و «ماشیح» به کار رفته است. در اینجا به تمامی ایمانداران اشاره می کند. در آیه ۱۴، واژه یونانی *huioi* (پسران) دیده می شود، و در آیه ۱۶، *tekna* (فرزندان). در این متن، این دو واژه مترادف اند.

۸: ۱۵ **"روح"** این آیه، همانند آیه ۱۰، می تواند مفاهیم مختلف داشته باشد. می تواند یا اشاره باشد به روح نوینی که در مسیح به انسان های فدیة شده در مسیح داده می شود، یا به روح القدس. هر دو در آیه ۱۶ دیده می شوند.

این ساخت دستوری در نوشته های پولس چندین کاربرد دارد و نشان می دهد روح القدس چه چیزهایی در زندگی فرد ایماندار ایجاد می کند.

1. اینجا "نه روح بندگی"، "روح فرزند خواندگی" آیه ۱۵
2. "روح ملایمت" ۱ قرن ۴: ۲۱
3. "روح ایمان" (وفاداری)، ۲ قرن ۴: ۱۳
4. "روح حکمت و مکاشفه"، افس ۱: ۱۷

در چند جا، به خصوص در ۱ قرنیتیان، پولس از واژه *pneuma* در مورد خود استفاده کرده است (۱ قرن ۲: ۱۱؛ ۳: ۵؛ ۱۴؛ ۷: ۳۴؛ ۱۶: ۸؛ و کولس ۲: ۵). در این چارچوب، آیات ۱۰ و ۱۵ با این مقوله یقیناً جور هستند.

□ **"بندگی ... تا باز به ترس منجر شود"** مشخصه سرشت کهنه، ترس است. مشخصه سرشت جدید در آیات ۱۴-۱۷ بیان شده است.

□ **"فرزند خواندگی به عنوان پسران"** قانون روم بسیار سخت اجازه می داد کسی فرزند خوانده بپذیرد، اما اگر این کار انجام می گرفت، دائمی محسوب می شد (ر.ک. غلا ۴: ۶-۴). استعاره فوق این واقعیت الهیاتی را حمایت می کند که جایگاه ایماندار محفوظ و ایمن است. فرزند طبیعی شخص را می توانستند از ارث محروم سازند، اما نه فرزند خوانده او را. این یکی از استعاره های مورد علاقه پولس در مورد خانواده بود که نجات را توصیف می کرد (ر.ک. آیات ۱۵، ۲۳). یوحنا و پطرس استعاره نظیر آن در مورد رابطه های خانوادگی، یعنی "تولد دوباره" را به کار می بردند (ر.ک. یوحنا ۳: ۳؛ ۱ پتر ۱: ۳، ۲۳).

□ **"آبا"** این واژه آرامی، کلمه ای بود که فرزندان در خانه پدر خود را با آن خطاب می کردند ("بابا"). عیسی و رسولان او به زبان آرامی سخن می گفتند. به وسیله خون مسیح و از طریق روح القدس که در درون شخص جای می گیرد، ایمانداران اکنون می توانند با ایمان مستحکم و اطمینان در رابطه ای خانوادگی به نزد خدای قدوس بیایند (ر.ک. مرقس ۱۴: ۳۶؛ غلا ۴: ۶). آیا این حیرت انگیز نیست که انسان گناه کار بتواند خدا را پدر خطاب کند، و یکتای قدوس ابدی چنین چیزی را بخواهد؟ به عنوان خاص: «پدر» در ۱: ۷ رجوع نمایید.

۸: ۱۶ **"«روح»، «خود»** واژه یونانی برای روح، «خنثی» است و بنابراین ترجمه پادشاه جیمز آن را به عنوان "«روح»، خود آن" ترجمه کرده است در حالیکه «روح» یک شخص است؛ «او» می تواند محزون گردد (ر.ک. افس ۴: ۳۰؛ ۱ تسلا ۵: ۱۹)، پس «خود» [«خود او»] ترجمه بهتری می باشد.

□ **"با روح ما شهادت می دهد که فرزندان خداییم"** همچنان که در آیه ۱۳ ذکر شد، یک جنبه اطمینان داشتن از ایمان، زندگی های تغییر یافته و در حال تغییر ایمانداران است (ر.ک. نامه های یهودا و ۱ یوحنا در عهد جدید). جنبه دیگر اطمینان، آن است که «روح» ساکن در شخص، محبت خانوادگی را جایگزین ترس از خدا ساخته است. به ترجمه های RSV و NRSV، و نشان گذاری در جملات آن ها توجه نمایید: «زمانی که ندا در می دهیم: آبا! پدر! این «خود روح» می باشد که با روح های ما شهادت می دهد ما فرزندان خدا هستیم" (ر.ک. غلا ۴: ۶). معنی ضمنی آن اینست که اطمینان زمانی حاصل می گردد که ایمانداران می توانند بوسیله «روح»، خدا را «پدر» خطاب کنند.

شهادتی که «روح» در قلب ما می گوید، قابل شنود نیست، بلکه عملی است.

1. احساس تقصیر در مورد گناه

2. تمایل به شبیه مسیح شدن

3. تمایل برای بودن با خانواده خدا

4. تشنگی برای کلام خدا

5. حس نیاز به بشارت دادن

6. حس نیاز به ایثار فداکارانه مسیحی

اینها آن نوع خواسته های قلبی هستند که نشانگر ایمان آوردن حقیقی می باشند.

تبدیل اطمینان از نجات به مسائل فرقه ای کلیسا:

1. الهیات کلیسای کاتولیک رومی، منکر چنین اطمینانی در این دنیا است، اما مبنای این اطمینان را بر عضویت در کلیسای "حقیقی" می داند

2. جان کالوین (سنت اصلاح گر) این اطمینان را بر پایه برگزیدگی دانسته (تعیین شدن از ازل (predestination)، اما این نیز که شخص نمی تواند تا پس از این دنیا و تاروز داوری، از آن مطمئن گردد
3. جان وسلی (سنت متودیست) این اطمینان را بر پایه محبت کامل دانست (زندگی در وراء گناهان شناخته شده)
4. اکثر بپتیست ها [Baptists] گرایش دارند چنین اطمینانی را بر پایه وعده های کتاب مقدس که در مورد فیض رایگان هستند قرار دهند (اما با نادیده گرفتن تمامی اخطار ها و هشدارها).

در ارائه عهد جدید از اطمینان مسیحی که پارادوکس است [ظاهراً متناقض می نماید اما عملاً واقعیتی واحد است] دو خطر وجود دارد:

1. تکیه بیش از حد بر این عقیده که "زمانی که شخص نجات یابد، همیشه نجات را خواهد داشت"
 2. تکیه بیش از حد بر این که انسان باید چه کارهایی را انجام دهد تا نجات خود را حفظ کند
- عبرانیان ۶ به صراحت می آموزد که اگر شخص از ایمان خارج شود، دیگر بازگشتی برای او نیست. کوشش انسانی (کارهای نیک) نجات ایمانداران را حفظ نمی نماید (ر.ک. غلا ۳: ۱-۱۴). اما کارهای نیک هدف زندگی مسیحی هستند (ر.ک. افس ۲: ۱۰). آنها نتیجه طبیعی ملاقات با خدا و داشتن «روح» [خدا] هستند که در درون فرد ساکن می شود. آنها نشانه های حقیقی ایمان آوردن شخص می باشند.
- هدف اطمینان [از نجات] این نیست که شخص، فراخوانی کتاب مقدس را برای زندگی مقدس جدی نگیرد! از دیدگاه الهیاتی، این اطمینان بر پایه شخصیت و کارهای «خدای یگانه دارای سه شخص» است.

1. محبت و رحم «پدر»
2. ایثار تکمیل شده «پسر»
3. مجذوب ساختن انسان به سوی مسیح توسط روح القدس، و سپس شکل دادن شباهت مسیح در ایماندار توبه کرده.

شواهد نشانگر این نجات، دیدگاهی تغییر یافته، قلبی عوض شده، شیوه زندگی دگرگون شده و امید تغییر یافته است! نجات نمی تواند بر مبنای یک تصمیم احساسی پیشین باشد که علّامی در شیوه زندگی ندارد (به عبارت دیگر، ثمر، ر.ک. متی ۷: ۱۵-۲۳؛ ۱۳: ۲۰-۲۲؛ یوحنا ۱۵). اطمینان از نجات، مانند نجات و همچون زندگی مسیحی، با لیبیک به رحمت خدا آغاز می گردد و آن لیبیک را در سراسر زندگی ادامه می دهد. آن یک زندگی تغییر یافته، و همیشه در حال دگرگونی، بر پایه ایمان است!

□ "شهادت می دهد" این مورد دیگری از ترکیب با تکواژ وابسته *syn* است. «روح» [خدا] شراکتاً با روح ایماندار شهادت می دهد. پولس از این واژه مرکب در ۲: ۱۵؛ ۸: ۱۶ و ۹: ۱ بهره می گیرد.

۸: ۱۷ "اگر" یک سری «جملات شرطی» در آیات ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ (دوبار) و ۱۷ (دوبار) آمده اند. همه آنها «جملات شرطی نوع اول» می باشند که از دیدگاه نویسنده یا به منظور شیوایی گفتار او، واقعیت تلقی شده اند. فرض پولس بر این بود که خوانندگان نامه او در کلیسای روم مسیحی بودند.

□ در این آیه سه واژه مرکب با کاربرد *syn* که به معنی "ملحق شدن در مشارکت با..." است، آمده اند. ایمانداران در وراثت با مسیح شراکت دارند؛ ایمانداران در رنج ها با مسیح شریک اند؛ ایمانداران جلال را با مسیح شریک خواهند بود. واژه های مرکب بیشتری با *syn* در آیات ۲۲ (دو بار)، ۲۶ و ۲۸ می باشند. افس ۲: ۵-۶ نیز دارای سه ترکیب *syn* است که زندگی ایماندار را در مسیح توصیف می کنند.

□ "وارثان" این استعاره دیگری از رابطه خانوادگی است که ایمانداران را توصیف می کند (ر.ک. ۴: ۱۳-۱۴؛ ۸: ۹؛ غلا ۳: ۲۹). به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: میراث ایمانداران

کتاب مقدس می گوید ایمانداران، به دلیل رابطه شان با عیسی که وارث همه چیز است، بسیاری چیزها را به ارث خواهند برد (ر.ک. عبر ۱: ۲)، و آنان هم ارثان می باشند (ر.ک. ۸: ۱۷؛ غلا ۴: ۷)

۱. در ملکوت (ر.ک. متی ۲۵: ۳۴، ۱ قرن ۶: ۹-۱۰؛ ۱۵: ۵۰)

۲. در زندگی ابدی (ر.ک. متی ۱۹: ۲۹)

۳. در وعده های خدا (ر.ک. عبر ۶: ۱۲)

۴. در حمایت خدا از وعده هایش (ر.ک. ۱ پتر ۱: ۴؛ ۵: ۱۰)



NKJV، NASB "اگر عملاً به همراه «او» رنج به بینیم"

NRSV "اگر، در واقع، به همراه او رنج به بینیم"

TEV "زیرا اگر در رنج های مسیح شریک شویم"

JB "شریک در رنج های او"

رنج و سختی ها، وضعیت عادی و هنجار ایمانداران در دنیای گناه آلود هستند (ر.ک. متی ۵: ۱۰-۱۲؛ یوحنا ۱۵: ۱۸-۲۱؛ ۱۶: ۱-۲؛ ۱۷: ۱۴؛ اعمال ۱۴: ۲۲؛ روم ۵: ۳-۴؛ ۸: ۱۷؛ ۲ قرن ۴: ۱۶-۱۸؛ فیل ۱: ۲۹؛ ۱ تسا ۳: ۳؛ ۲ تیمو ۳: ۱۲؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ ۱ پتر ۴: ۱۲-۱۹). عیسی نمونه شد (ر.ک. عبر ۵: ۸). بقیه این باب، این تم و مضمون را تکمیل می کند.

□ "با «او» ... جلال یابیم" در نوشته های یوحنا هر موقع عیسی از مرگ خود سخن می گفت، آن را "جلال یافتن" می نامید. عیسی با رنج هایی که متحمل شد، جلال یافت. ایمانداران، در جایگاه خود و اغلب به لحاظ تجربی در آنچه برای عیسی روی داد، سهیم می گردند (ر.ک. روم ۶). به عنوان خاص: «سلطنت در ملکوت خدا» در ۵: ۱۷-۱۸ رجوع نمایید.

متن NASB (به روز شده): ۸: ۱۸-۲۵

^{۱۸} زیرا به عقیده من رنج های زمان حاضر قابل مقایسه با جلالی که در آینده برای ما ظاهر می گردد، نیست. ^{۱۹} زیرا خلقت با اشتیاق تمام در انتظار ظهور پسران خدا است. ^{۲۰} زیرا خلقت تسلیم بیهودگی گشت، نه به خواست خود، بلکه به وسیله «او» که آن را تسلیم نمود، با امید ^{۲۱} که خلقت نیز خود از بندگی اش به فساد رها گشته، آزادی جلال فرزندان خدا را خواهد یافت. ^{۲۲} زیرا می دانیم که تا هم اکنون تمام خلقت ناله می کند و نیز از درد زایمان رنج می کشد ^{۲۳} و نه تنها این، بلکه خود ما نیز، که از نوبر «روح» برخورداریم، حتی خود ما در درون خویش ناله برمی آوریم، در حالی که مشتاقانه در انتظار فرزند خواندگی خود به عنوان پسران، و خلاصی بدن های خویش هستیم. ^{۲۴} زیرا با امید نجات یافته ایم، اما امیدی که به دست آمد، دیگر امید نیست؛ زیرا چه کسی به امید چیزی است که قبلاً آنرا یافته است؟ ^{۲۵} اما اگر به چیزی امیدواریم که هنوز ندیده ایم، با استقامت، مشتاقانه انتظارش را می کشیم.

۸: ۱۸ "عقیده" معنی تحت اللفظی این کلمه "رویهمرفته" است. در دستور زبان آن «حال انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] اخباری» محسوب می شود. پولس دارد پیامدهای رنج های مسیحی را ارزیابی می کند. این یک واژه حسابداری برای فرارسیدن به نتیجه پس از پژوهش های دقیق بود. این مضمونی است که در رومیان بارها دیده می شود (به یادداشت در ۲: ۳ رجوع نمایید). ایمانداران باید در پرتو حقایق روحانی که درک می کنند زندگی کنند.

□ "رنج ها" زحمات و رنج هایی را که در خدمت مسیح وجود دارند تا اندازه ای از این آیات می آموزیم: ۱ قرن ۴: ۹-۱۲؛ ۲ قرن ۴: ۷-۱۲؛ ۶: ۴-۱۰؛ ۱۱: ۲۴-۲۷؛ عبر ۱۱: ۳۵-۳۸.

□ "زمان حاضر" یهودیان بر این بودند که تاریخ جهان به دو بخش تقسیم شده بود، دوره کنونی شیرین، و دوره پارسایی که آمدنی بود (ر.ک. متی ۱۲: ۳۲؛ مرقس ۱۰: ۳۰). در عهد عتیق این انتظار بود که ماشیح آمدنی، این دوره نوین پارسایی و نیکی مطلق را برپا سازد. لیکن آمدن مسیح در دو بار مختلف، یک بار بعنوان نجات دهنده (جسم پوشیدن) و بار دوم بعنوان خداوند (بازگشت دوباره)، باعث شد پاره ای از زمان های این دو دوره مشترک گردند. ایمانداران در تنش بین "هم اکنون لیکن نه هنوز" زندگی می کنند. به عنوان خاص: «این عصر و عصر آینده» در ۱۲: ۲ مراجعه نمایید.

□ "قابل ... جلال" هر دو این واژه ها به مفهوم «وزن» انطور که در عهد عتیق است مربوط می باشند - آنچه سنگین بود ارزشمند بود. "قابل" از واژه ی تجاری گرفته شده بود که معنی آن "وزن داشتن به اندازه ی" بود. کلمه عبری "جلال" نیز از ریشه ی "سنگین بودن"، به مفهوم ارزشمند بودن، مثل طلا، گرفته شده بود. به یادداشت کامل در ۳: ۲۳ رجوع کنید.

واژه ی "جلال" در نوشته های پولس اشاره به اوضاع امور آخرت را داشت. این کلمه اشاره ای است به شکوه و قدرت مسیح در بازگشت او، پس از آنکه جلال و تعالی یافته است (ر.ک. کولس ۳: ۴). به عنوان خاص: «جلال» در ۳: ۲۳ رجوع نمایید.

□ "که در آینده برای ما ظاهر می گردد" این وجه غیرمستقیم (ساختار مجهول اما مفهوم معلوم) اشاره بود به عاملیت خدا یا «روح» (ر.ک. آیه ۲۰). ایمانداران این زندگی را با ایمان و نه با دید جسمانی، به سر می برند (ر.ک. آیه ۲۴ و ۱ قرن ۲: ۹؛ ۱۳: ۱۲؛ ۲ قرن ۵: ۷ و عبر ۱۱: ۱).

۸: ۱۹ "خلقت با اشتیاق تمام در انتظار" خلقت فیزیکی به عنوان شخصی تجسم شده است که گردن راست کرده تا با چشم انتظاری به افق بنگرد. هنگامی که آدم و حوا سرپیچی کردند، تأثیر منفی بر روی خلقت نیز گذاشتند (ر.ک. پیدا ۳: ۱۷-۱۹). تمام خلقت در آخر رهایی خواهد یافت (به جر فرشتگان نا فرمان، انسان های بی ایمان، و محل انزوای آماده شده برای آنها؛ ر.ک. بروس کُری و کرتیس وان، رومیان، ص ۹۵، زیر نوشت ۴۶ رجوع نمایید).

عنوان خاص: منابع طبیعی

I. پیشگفتار

الف. تمامی خلقت، زمینه و صحنه ای برای رابطه ی عاشقانه خدا با بشر است.

ب. خلقت نیز گرفتار نتایج گناه می باشد (ر.ک. پیدا ۳: ۱۷؛ ۶: ۱ به بعد؛ روم ۸: ۱۸-۲۰). نیز، در آخرت سهیم رستگاری و رهایی خواهد شد (ر.ک. اشع ۱۱: ۶-۹؛ روم ۸: ۱۰-۲۲؛ مکا ۲۱-۲۲).

پ. بشر گناهکار و سقوط کرده، با کرداری خودخواهانه و بی بند و بار، به محیط زیست طبیعی تجاوز کرده است. در ذیل نقل قولی از کتاب "اصول کلیسای وست مینستر" به قلم ادوارد کارپنتر آمده است:

"...حمله بدون وقفه انسان بر دنیای گرداگرد او در سطحی جهانی - در واقع نسبت

به خلقت خدا - حمله به هوایی که انسان آلوده می کند؛ رودخانه های طبیعی را که او چرکین می سازد، خاک را که سمی می کند، جنگل هایی که تمام درختانش را قطع می کند، بدون هیچگونه اعتنا به نتایج دراز مدت این نابودی گستاخانه. این حمله خرد خرد و ناهماهنگ است. توجهی ناچیز به هر گونه تعادل در طبیعت می گردد پس حس مسئولیت بسیار کمی در قبال آنچه یک نسل مدیون نسل دیگر است وجود دارد."

ت. پیامد آلوده سازی و استعمار کره زمین نه تنها گریبان گیر ما می شود، بلکه نسل های آینده ما با عواقب بسیار شدیدتر و غیر قابل برگشت آن روبرو خواهند بود.

موضوعات کتاب مقدسی

.II

الف. عهد عتیق

۱، پیدایش ۱-۳

الف) خلقت، جای عالی و بخصوصی است که خدا برای مشارکت با انسان آفریده است (ر.ک. پیدا ۱: ۱-۲۵).

ب) خلقت نیکو است (ر.ک. پیدا ۱: ۴، ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۲۵) بلی، بسیار نیکو است (ر.ک. پیدا ۱: ۳۱). مقصود از خلقت، آنست که بر خدا گواهی دهد.

پ) انسان، والاترین هدف خلقت می باشد (ر.ک. پیدا ۱: ۲۶-۲۷).

ت) در نخست، هدف از بشر، حکومت کردن او بود (واژه عبری "بر چیزی راه رفتن to tread") - به عنوان پیشکار و مباشر برای خدا (ر.ک. پیدا ۱: ۲۸-۳۰؛ مزمو ۸: ۳-۸؛ عبر ۲: ۶-۸). خدا، آفریدگار/نگاهدارنده/رهایی دهنده/ و خداوند خلقت هست و خواهد بود (ر.ک. خروج ۱۹: ۵؛ ایوب ۳۷-۴۱؛ مزمو ۲۴: ۱-۲؛ ۹۵: ۳-۵؛ ۱۰۲: ۲۵؛ ۱۱۵: ۱۵؛ ۱۲۱: ۲؛ ۱۲۴: ۸؛ ۱۳۴: ۳؛ ۱۴۶: ۶؛ اش ۳۷: ۱۶).

ث) پیشکار و مباشر بودن برای خلقت را در پیدایش ۲: ۱۵ می بینیم: "تا کار [باغ عدن] را بکند و آن را محافظت نماید" (ر.ک. لاو ۲۵: ۲۳؛ ۱ تووا ۲۹: ۱۴).

۲. خدا خلقت و بخصوص حیوانات را دوست می دارد.

الف) شریعت موسی در رفتار درست با حیوانات

ب) YHWH [یهوه] با لویاتان بازی می کند (ر.ک. مزمو ۱۰۴: ۲۶)

پ) خدا حیوانات را دوست می دارد (ر.ک. یونس ۴: ۱۱)

ت) وجود و حضور طبیعت در آخرت (ر.ک. اش ۱۱: ۶-۹؛ مکا ۲۱-۲۲)

۳. طبیعت، تا اندازه ای، خدا را جلال می دهد.

الف) مزمو ۱۹: ۱-۶

ب) مزمو ۲۹: ۱-۹

پ) ایوب ۳۷-۴۱

۴. طبیعت یکی از راه هایی است که خدا بدانوسیله محبت و وفاداری خود را نسبت به معاهده نشان می دهد.

الف) تثنیه ۲۷-۲۸؛ ۱ پادشاهان ۱۷

ب) در تمام کتب انبیاء

ب. عهد جدید

۱، خدا به عنوان آفریدگار تلقی شده است. تنها یک «آفریدگار» وجود دارد و آن خدای یگانه تثلیث می باشد (الوهیم، پیدا ۱: ۱؛ «روح»، پیدا ۱: ۲؛ و عیسی، عهد جدید). هر چه دیگر هست، آفریده شده است.

الف) اعمال ۱۷: ۲۴

ب) عبرانیان ۱۱: ۳

پ) مکاشفه ۴: ۱۱

۲. عیسی از طرف خدا، عامل خلقت می باشد

الف) یوحنا ۱: ۳، ۱۰

ب) ۱ قرننتیان ۸: ۶

پ) کولسیان ۱: ۱۶

ت) عبرانیان ۱: ۲

۳، عیسی در موعظه های خود به طور غیر مستقیم از علاقه خدا به طبیعت سخن می گوید
الف) متی ۶: ۲۶ و آیات ۲۸-۳۰؛ پرندگان آسمان و سوسن های صحرا

ب) متی ۱۰: ۲۹؛ گنجشک ها

۴، پولس یقیناً می گوید تمامی انسان ها در ازای آگاهی که توسط طبیعت از خدا دارند، مسئول می باشند (به عبارت دیگر، مکاشفه توسط طبیعت، ر.ک. روم ۱: ۱۹-۲۰؛ مکاشفه ۲۱-۲۲).

III نتیجه گیری

الف. ما نسبت به این ترتیب و تنظیم طبیعت متعهد هستیم!

ب. بشر گناه کار، نسبت به طبیعت که عطیه خداست، سوء رفتار کرده، آن را ضایع ساخت است، همان طور که به تمامی عطایای نیکوی دیگر خدا چنین کرده است.

پ. نظام طبیعت منحصر به این دنیا است و روزی از میان خواهد رفت (۲ پطرس ۳: ۷). خدا دنیای ما را به سوی رویداد هایی می برد که در آینده به مراتب واقع خواهند شد. گناه دوره خود را تمام خواهد ساخت، اما خدا حدود آن را معین ساخته است. خلقت رستگار خواهد شد (ر.ک. روم ۸: ۱۸-۲۵).

□ "در انتظار ظهور" معنی این واژه "پرده را به کنار کشیدن" برای افشا کردن یا آگاه ساختن است. نیز عنوان آخرین کتاب عهد جدید است - "مکاشفه". «بازگشت ثانوی» اغلب به عنوان یک مکاشفه یا آمدن بیان می شود (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۷-۸؛ ۱ پطرس ۱، ۱۷، ۱۳).

□ **"پسران خدا"** این استعاره خانوادگی متعارف در اشاره به مسیحیان بود (ر.ک. ۸: ۱۴؛ ۱۶). در مورد خدا به عنوان «پدر» و عیسی به عنوان پسر یگانه «او» صحبت می‌کند (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۸؛ ۳: ۱۶، ۱۸؛ عبر ۱: ۲؛ ۳: ۶؛ ۵: ۸؛ ۷: ۲۸؛ ۱ یوحنا ۴: ۹).

در عهد عتیق، قوم اسرائیل پسر خدا بود (ر.ک. هوشع ۱: ۱)، اما «پادشاه» نیز پسر خدا بود (ر.ک. ۲ سمو ۷). این مفهوم برای اولین بار در عهد جدید در متی ۵: ۹ اشاره شده است (نیز ر.ک. یوحنا ۱: ۱۲؛ ۲ قرن ۶: ۱۸؛ غلا ۳: ۲۶؛ ۱ یوحنا ۳: ۱، ۱۰؛ مکا ۲۱: ۷).

۲۰: ۸

،NKJV،NASB

NRSV

TEV

JB

"زیرا خلقت تسلیم بیهودگی گشت"

"زیرا خلقت محکومیت یافت تا بی ارزش گردد"

"این به خاطر هیچ تقصیری از خلقت نبود که از دستیابی به مقصودش ناتوان

گردانیده شد"

این می‌تواند به "بطالت و پوچی" ترجمه شود. در «ترجمه هفتاد» کاربرد آن به چند مفهوم است – بی مفهوم، بی ارزش، بی فایده، خدایان دروغین (بت‌ها)، و پوچی. تمامی خلقت دیگر برای مقاصدی که خدا در نظر داشت بی فایده گردید (ر.ک. پید ۳: ۱۷-۱۹)، لیکن یک روز خدا لعنت «سقوط» [گناه] را بر خواهد داشت (ر.ک. مکا ۲۲: ۳). این دنیا، دنیایی نیست که خدا در نظر داشت!

□ **"بلکه به وسیله «او» که آن را تسلیم نمود، با امید"** «فعل» در اینجا «ماضی غیرمعیّن

غیرمستقیم» است و در ظاهر به خدا اشاره دارد (ر.ک. TEV،NKJV،NASB). او خلقت مادی و فیزیکی را تسلیم بیهودگی گردانید

1. به دلیل سرکشی بشر

2. در این اقدام که بشر را به سوی خود باز آورد (ر.ک. تثنیه ۲۷-۲۹)

این بیهودگی هدفمند، صرفاً برای زمانی است. بشریت رستگار شده، وعده ی آینده ی فیزیکی دارد (بدن و دنیا).

خدا از پیش می‌دانست آدم سرکشی خواهد کرد. او این را اجازه داد و خواست تا با بشریت سقوط کرده و در دنیایی سقوط کرده، کار کند. این آن دنیایی نیست که خدا در نظر داشت. این آن دنیایی نیست که یک روز خواهد بود (ر.ک. ۲ پتر ۳: ۱۰؛ مکا ۲۱: ۱-۳). به یادداشت در مورد «امید» در ۵: ۲ رجوع نمایید.

۸: ۲۱ **"خلقت نیز خود از بندگی اش به فساد رها گشته"** طبیعت جزیی از ابدیت خواهد بود (ر.ک. اش

۱۱: ۶-۱۰). آسمان به زمین از نو آفریده شده، باز می‌گردد (ر.ک. متی ۵: ۱۸؛ ۲۴: ۳۵؛ ۲ پتر ۳: ۱۰؛

۱۰؛ مکا ۲۱: ۱). آینده می‌تواند بازگشتی به دوران پر سعادت بیاغ عدن باشد – مشارکت بین خدا و بشر،

افراد با یکدیگر، بشر و حیوانات، و بشر و زمین! آغاز کتاب مقدس با خدا، بشر، و حیوانات، در مشارکت و

هماهنگی در صحنه یک باغ است (ر.ک. پید ۱-۲) و کتاب مقدس بطریقی مشابه این پایان می‌پذیرد (ر.ک.

مکاشفه ۲۱-۲۲).

□ **"فساد"** به عنوان خاص در ۱: ۲۳ رجوع نمایید.

□ **"آزادی جلال فرزندان خدا"** در آیه ۱۴ ایمانداران "پسران خدا" خوانده شده اند؛ نیز در آیه ۱۶ "فرزندان خدا" و در آیه ۱۷ "وارثان خدا" نامیده شده اند. در آیه ۱۸، جلالی که خدا در آخرت دارد به ایمانداران نمایانده شده است. اکنون در ۱۹، آفرینش در انتظار نمایانده شدن پسران خدا است زیرا در جلال ایشان در آخرت شریک خواهد بود (ر.ک. آیه ۲۱). این بازگردانیدن آفرینش و به خصوص انسان ها، به وضع سعادت آمیز اول شان، اجازه می دهد هدف نخست آفرینش انجام شود - خدا و انسان ها که به شباهت او ساخته شدند، در مشارکت نزدیک باشند.

۸: ۲۲ **"تمام خلقت ناله می کند"** این یکی دیگر از ترکیبات *syn* پولس می باشد: "با یکدیگر ناله کردن". او حتماً بسیاری از این واژه ها را ابداع کرده بود. امکان دارد اشاره او به ارم ۱۲: ۴؛ ۱۱ (ر.ک. تث ۲۷-۲۹) بوده، در جایی که سرزمین اسرائیل سوگواری می کند چون گناه انسان باعث خرابی و ویرانی آن گشته است.

□ **"از درد زایمان رنج می کشد"** در میان یهودیان این مفهوم به عنوان "درد زایمان عصر جدید" نامیده می شد (ر.ک. مرقس ۱۳: ۸). فرارسیدن دوره ی نوین پارسایی بدون مشکل نمی باشد. شرایط اخلاقی و روحانی این کره ی خاکی سقوط کرده [گناه آلود]، بدتر و بدتر خواهد شد (ر.ک. ۲ تسالونی ۱: ۲-۱۲)؛ و نیز هفت مهر، شیپور ها، و کاسه ها در کتاب مکاشفه ۵ باب های ۵-۱۸).
سه "ناله" در این چارچوب وجود دارند: (۱) آفرینش (آیه ۲۲)؛ (۲) ایمانداران (آیه ۲۳)؛ و (۳) «روح» به عنوان شفاعت کننده (آیه ۲۶) - هر سه به خاطر پیدایش ۳ (استعاره از آیه ۱۶ برمی آید).

۸: ۲۳ **"خود ما ... خود ما ... خویش"** «ضمیرها» با تأکید و مکرر هستند.

□ **"نوبر «روح»"** کاربرد این واژه در یونانی جدید برای "حلقه نامزدی" است. این در قیاس با "مهر «روح»" در ۲ قرن ۱: ۲۲ و "بیعانه ی «روح»" در ۲ قرن ۵: ۵ و افس ۱: ۱۴ است.
نوبر میوه ها در عهد عتیق، وعده ی فرارسیدن حاصل در آینده بودند. نوبر، نماد و سمبل مالکیت خدا در مورد تمامی حاصل بود. «روح» نوبر عصر جدید است، همانطور که عیسی نوبر رستاخیز از مردگان بود (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۲۰). ایمانداران، به عنوان فرزندان خدا، حتی الان مقداری از خوشی های آسمانی را به وسیله ی روح القدس که با آنها و در آنها سکونت دارد، تجربه می کنند. این تنش مصادف بودن بخشی از دو عصر یهود است که "انجام یافته" است اما "نه هنوز". ایمانداران شهروندان آسمان و ساکنان زمین هستند!

□ **"خود ما در درون خویش ناله برمی آوریم"** این به نظر می آید اشاره به تنش «متناقض در وحدت» بین "انجام شده" و "لیکن نه هنوز" در مصادف بودن بخشی از دو عصر یهود باشد. پادشاهی خدا در حال است است اما هنوز کاملاً انجام نشده است. ایمانداران زندگی رستاخیز را دارند، اما با این وجود از لحاظ جسمی خواهند مُرد (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۲-۴). ما رستگار شده ایم اما هنوز گناه می کنیم (رومیان ۷).

□ **"مشتاقانه در انتظار فرزند خواندگی خود به عنوان پسران"** «فرزند خواندگی» استعاره ی مورد علاقه پولس برای نجات است (ر.ک. آیه ۱۵). نجات ایماندار فرآیندی است که با تصمیمی اولیه برای توبه و ایمان آغاز می گردد و سپس مراحل تکمیلی را در شبیه به مسیح شدن به گونه ی فزاینده طی می کند. ایمانداران تا «روز رستاخیز» به طرز کامل نجات نخواهند یافت (ر.ک. آیه ۳۰ و ۱ یوحنا ۳: ۲).

واژه ی "فرزند خواندگی" در بعضی نسخه های خطی یونانی حذف شده است (ر.ک. MSS P^{۴۶}، F، D، G و بعضی ترجمه های باستانی لاتین. لیکن در A، B، C و بعضی ترجمه های لاتین قدیمی، ولگیت [ترجمه ی اوایل قرن پنجم لاتین]، سریانی، قبطی و ارمنی دیده می شود. UBS^۴ احتمال گنجاندن آن را با "الف" (یقین) ارائه می کند.

□ **"خلاصی بدن های خویش"** این واژه به معنی "بازخرید" است. این مفهوم در عهد عتیق برای توصیف شخصی می آمد که به وسیله ی یکی از خویشاوندانش از بردگی آزاد می گردید (*go'el*). این واژه بعدها به عنوان استعاره، درینکه خدا انسان گناهکار را از بردگی گناه نجات داده است، به کار گرفته می شد. در این استعاره، بهای پرداخت شده، زندگی بی گناه «پسر» بود که جسم پوشید. به عنوان خاص در ۳: ۲۴ رجوع نمایید.

مسیحیت، نظیر یهودیت (ر.ک. ایو ۱۴: ۱۴-۱۵؛ ۱۹: ۲۵-۲۶؛ دان ۱۲: ۲)، می گوید تمامی ایمانداران در ابدیت، بدن های فیزیکی خواهند داشت (لیکن نه لزوماً شبیه انسان، ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۳۵-۴۹). بدن های روحانی ایمانداران، دارای آمادگی کامل برای زیستن در عصر جدید، یعنی زیستن در مشارکت نزدیک با خدا خواهند بود.

۸: ۲۴ **"با امید نجات یافته ایم"** این «گذشته غیرمعین اخباری غیرمستقیم» است. همان طور که آیه ۲۳ به نجات آینده ما اشاره می کند، آیه ۲۴ اشاره به نجات گذشته ما، توسط عامل بودن «روح» دارد. عهد جدید از چند «زمان های فعل» برای توصیف نجات استفاده کرده است.

1. «گذشته غیرمعین»، اعمال ۱۵: ۱۱ (روم ۸: ۲۴؛ ۲ تیمو ۱: ۹؛ تیط ۳: ۵؛ و روم ۱۳: ۱۱ «گذشته غیرمعین» را با گرایش به «آینده» می آمیزند)
 2. «کامل [گذشته نقلی]»، افس ۲: ۵ و ۸
 3. «زمان حال»، ۱ قرن ۱: ۱۸؛ ۲: ۱۵؛ ۲ قرن ۲: ۱۵؛ ۱ پطر ۳: ۲۱؛ ۴: ۱۸
 4. «زمان آینده» (با «زمان فعل» یا در نتیجه گیری از متن)، روم ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹؛ ۱ قرن ۳: ۱۵؛ فیل ۱: ۲۸؛ ۱ تسال ۵: ۸-۹؛ عبر ۱: ۱۴؛ ۹: ۲۸.
- بنابراین، نجات در آغاز تصمیمی برای ایمان آوردن است و سپس مراحل را ایجاد می کند که شیوه زندگی مطابق ایمان می شود و روزی فرارسیدن کامل آن به چشم دیده خواهد شد (ر.ک. ۱ یوحنا ۳: ۲).

۸: ۲۵ **"امید"** به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید

عنوان خاص: امید

پولس این واژه را به چند مفهوم مختلف اما مربوط، اغلب به کار می گرفت. اغلب در ارتباط با مرحله کمال و وصال ایمان شخص بود (به عنوان مثال، ۱ تیمو ۱: ۱). این می تواند در مفهوم جلال، زندگی جاودان، نجات نهایی، بازگشت دوباره، و غیره باشد. فرارسیدن کمال و وصال، امری قطعی است، اما زمان آن در آینده و مجهول است. اغلب معنی آن به "ایمان" و "محبت" ارتباط داده می شد (ر.ک. ۱ قرن ۱۳: ۱۳؛ ۱ تسال ۱: ۳؛ ۲ تسال ۲: ۱۶). فهرست چندی از کاربرد های پولس چنین می باشد:

- ۱، بازگشت دوباره، غلا ۵: ۵؛ افس ۱: ۱۸؛ ۴: ۴؛ تیطس ۲: ۱۳
- ۲، عیسی امید ما است، ۱ تیمو ۱: ۱
- ۳، ایماندار در آینده به حضور خدا آورده می شود، کولس ۱: ۲۲-۲۳؛ ۱ تسال ۲: ۱۹

۴. امید در آسمان گذاشته می شود، کولس ۱: ۵
۵. توکل به انجیل، کولس ۱: ۲۳؛ ۱ تسالونی ۲: ۱۹
۶. نجات نهایی، کولس ۱: ۵؛ ۱ تسالونی ۴: ۱۳؛ ۵: ۸
۷. جلال خدا، روم ۵: ۲؛ ۲ قرن ۳: ۱۲؛ کولس ۱: ۲۷
۸. نجات غیر یهودیان بوسیله مسیح، کولس ۱: ۲۷
۹. اطمینان از نجات، ۱ تسالونی ۵: ۸
۱۰. زندگی جاودان، تیطس ۱: ۲؛ ۳: ۷
۱۱. نتایج رشد کامل مسیحی، روم ۵: ۲-۵
۱۲. نجات تمامی آفرینش، روم ۸: ۲۰-۲۲
۱۳. سررسید کامل فرزندخواندگی، روم ۸: ۲۳-۲۵
۱۴. عنوان برای خدا، روم ۱۵: ۱۳
۱۵. اشتیاق پولس برای ایمانداران، ۲ قرن ۱: ۷
۱۶. عهد عتیق به عنوان راهنمای ایمانداران عهد جدید، روم ۱۵: ۴

"با استقامت" *hupomonē* نیز در ۳: ۵ و ۱۵: ۴-۵ استفاده شده است. نجات ایمانداران در طی مراحل رشد کامل است و روزی به حد کمال خود خواهد رسید. استقامت، (ر.ک. مکا ۲: ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۶؛ ۳: ۵، ۱۲، ۲۱؛ ۷: ۲۱) آن تعدیل مورد نیاز از کتاب مقدس در برابر تأکیدی است که فرقه باپتیست [تعمیدی] در این دارند که "زمانی که شخص نجات یافت، دیگر برای همیشه نجات یافته است". اکثر واقعیت های کتاب مقدسی، به صورت دو جنبه پرتنش در فرآیندی هستند که به روش دیالکتیکی که بحث منطقی برای حل و فصل جایگاه های متضاد است مطرح می گردند.

عنوان خاص: نیاز به استقامت

توضیح آموزه های کتاب مقدسی در مورد زندگی مسیحی مشکل است زیرا این آموزه ها به گونه دو جنبه پرتنش در فرآیندی ابراز شده اند که به روش دیالکتیکی خاص شوق که روشی برای بحث منطقی در حل و فصل جایگاه های متضاد است، می باشد. این دو جنبه، متضاد به نظر می رسند، اما با این حال هر دو کتاب مقدسی هستند. گرایش مسیحیان غرب چنین بوده که یکی را به عنوان واقعیت بپذیرند اما واقعیت متقابل آن را یا نادیده بگیرند یا در درجه کمتری قرار دهند. اجازه بدهید برایتان چند مثال بیاورم:

۱. آیا نجات، تصمیمی اولیه برای توکل به مسیح است یا سرسپردگی مادام العمر برای شاگردی؟
۲. آیا نجات، برگزیدگی از طریق فیض خدایی حاکم و مقتدر است، یا لیبیک پر ایمان و توبه کارانه بشر در برابر تأمین الهی؟
۳. آیا پس از دستیابی به نجات، امکان از دست دادن آن به هیچوجه وجود ندارد، یا نیازی به پشتکار دائمی هست؟

بحث استقامت، در سراسر تاریخ کلیسا، پرستیزه بوده است. مسئله با این آغاز می گردد که در عهد جدید آیاتی هستند که در ظاهر مغایر می باشند:

۱. آیه ها در مورد اطمینان
- الف. بیانات عیسی (یوحنا ۶: ۳۷؛ ۱۰: ۲۸-۲۹)

- ب. بیانات پولس (روم ۸: ۳۵-۳۹؛ افس ۱: ۱۳؛ ۲: ۵ و ۸-۹؛ فیل ۱: ۶؛ ۲: ۱۳؛ ۲ تسا ۳: ۳؛ ۲ تیمو ۱: ۱۲؛ ۴: ۱۸)
- پ. بیانات پطرس (۱ پطر ۱: ۴-۵)
۲. آیات در نیاز به استقامت
- الف. بیانات عیسی (متی ۱۰: ۲۲؛ ۱۳: ۱-۹، ۲۴-۳۰؛ ۲۴: ۱۳؛ مرقس ۱۳: ۱۳؛ یوحنا ۸: ۳۱؛ ۱۵: ۴-۱۰؛ مکا ۲: ۷، ۱۷، ۲۰؛ ۳: ۵، ۲۱، ۱۲)
- ب. بیانات پولس (روم ۱۱: ۲۲؛ ۱ قرن ۱۵: ۲؛ ۲ قرن ۱۳: ۵؛ غلا ۱: ۶؛ ۳: ۴؛ ۵: ۴؛ ۶: ۹؛ فیل ۲: ۱۲؛ ۳: ۱۸-۲۰؛ کولس ۱: ۲۳)
- پ. بیانات نویسندگان عبرانیان (۲: ۱؛ ۳: ۶، ۱۴؛ ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۱)
- ت. بیانات یوحنا (۱ یوحنا ۲: ۶؛ ۲ یوحنا ۹)
- ث. گفتار «پدر» (مکا ۲۱: ۷)

نجات در کتاب مقدس، از محبت و رحمت و فیض خدایی ناشی می‌گردد که یکتا در سه اقنوم و مقتدر و حکمروا است. هیچکس بدون مبادرت روح القدس برای وارد ساختن او به این میدان، نجات نمی‌یابد (ریک. یو ۶: ۴۴، ۶۵). اول، الوهیت در این کار پیشقدم می‌گردد و برنامه کار را تعیین می‌کند، اما طلب می‌کند که بشر، با ایمان و توبه لبیک بگوید - هم در آغازین و هم پیوسته. خدا در رابطه معاهده‌ای، با بشر کار می‌کند. در این رابطه، هم امتیازات و هم مسئولیت‌ها وجود دارند!

نجات به همه بشر عرضه شده است. مرگ عیسی، مسئله گناه آفرینش را که گناه کار و گناه آلوده است حل نمود. خدا راهی را فراهم کرده و می‌خواهد تمام آنانی که به شباهت او خلق شده‌اند، به محبت او و آنچه او به وسیله مسیح فراهم کرده است، لبیک بگویند.

اگر خواستار مطالعه بیشتر، از دیدگاهی غیر کالوینیستی، می‌باشید به کتاب‌های ذیل مراجعه نمایید:

۱. کتاب "کلام حقیقت"، نوشته دیل مودی، چاپ موسسه اردمنز، ۱۹۸۱ (صص ۳۴۸-۳۶۵)
 ۲. کتاب "محفوظ به وسیله قدرت خدا"، نوشته هاوارد مارشال، چاپ موسسه بنتی فلوشیپ، ۱۹۶۹
 ۳. کتاب "زندگی در «پسر»"، نوشته رابرت سنک، چاپ موسسه وست کات، ۱۹۶۱
- کتاب مقدس دو مسئله متفاوت در این مورد را پاسخ می‌دهد: (۱) گرفتن موضوع «اطمینان» به عنوان مجوز و مستمسکی برای زندگی بی‌ثمر و خودخواهانه (۲) تشویق کسانی که در حین خدمت مسیحی، با گناه شخصی در کشمکش هستند. مسئله در اینجا است که گروه‌های نادرست، دارند پیام نادرستی را دریافت می‌کنند و بر پایه بخش‌های معدودی از کتاب مقدس، نظام‌های الهیاتی بنا می‌کنند. بعضی مسیحیان نیاز مبرم به پیام «اطمینان» دارند، و در عین حال بعضی دیگر نیازمند هشدارهای شدید آن هستند! شما جزو کدامیک از این گروه‌ها هستید؟

متن NASB (به روز شده): ۸: ۲۶-۲۷

۲۶ به همین طریق «روح» نیز در ضعف ما به یاری مان می‌آید زیرا نمی‌دانیم چگونه آن طور که باید، دعا کنیم اما خود «روح» برای ما با ناله‌هایی بیان ناشدنی شفاعت می‌کند؛ ۲۷ و «او» که کاوشگر دلهاست می‌داند فکر «روح» چیست، زیرا «او» مطابق اراده خدا برای مقدسان شفاعت می‌کند.

۸: ۲۶ "به همین طریق" این خدمت شفاعت «روح» را با «نالها و امیدواری» مذکور در آیات ۲۳-۲۵ پیوند می‌داد.

□ «روح» نیز به یاری می‌آید" این «حال انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] متوسط [ساختار مجهول اما دارای معنی معلوم] اخباری» است. این کلمه با دو تکواژه وابسته، *syn* (ر.ک. آیه ۲۸) و *anti*، است. بهترین ترجمه آن می‌تواند «در دست گرفتن» باشد. این واژه صرفاً در اینجا و در لوقا ۱۰: ۴۰ دیده می‌شود. هر سه شخص خدای یکتا، طرفدار و حامی ایمانداران است. «پدر»، «پسر» را فرستاد تا به جای بشریت جان دهد، و «او» حال نیز برای ما شفاعت می‌کند (ر.ک. آیه ۳۴؛ ۱ یوحنا ۲: ۱). «روح» انسان گناهکار را به سوی مسیح می‌آورد و مسیح را در آن‌ها شکل می‌دهد (ر.ک. یوحنا ۱۶: ۳-۱۵). اما، واژه «یاری»، که معنی آن «در دست گرفتن با کسی» بود، به طور ضمنی می‌رساند که ایمانداران نقشی نیز در انجام یاری روح القدس (شفاعت) دارند.

□ "خود «روح» برای ما با ناله‌هایی بیان ناشدنی شفاعت می‌کند" ایمانداران در خطا کار بودن خود، و «روح» در شفاعت برای آنها، ناله می‌کنند. «روح» در درون نجات یافتگان برای آنها دعا می‌کند، و عیسی در دست راست خدا نیز برای آنها دعا می‌کند، (ر.ک. آیات ۲۷، ۳۴؛ عبر ۹: ۲۴؛ ۱ یوحنا ۲: ۱). این شفاعت، ایمانداران را برای دعا نیرو می‌بخشد (ر.ک. آیه ۱۵؛ غلا ۴: ۶). در متن، این بخش اشاره به عطیه روحانی سخن گفتن به زبان‌ها ندارد، بلکه به شفاعت «روح» در برابر «پدر» از طرف ایمانداران.

□ "شفاعت می‌کند" به عنوان خاص: کاربرد پولس از ترکیب های *huper* در ۱: ۳۰ رجوع کنید.

۸: ۲۷ "او" که کاوشگر دلهاست" در عهد عتیق این مضمون مکرری بود (ر.ک. ۱ سمو ۲: ۷؛ ۱۶: ۷؛ ۱ پاد ۸: ۳۹؛ ۱ تووا ۲۸: ۹؛ ۲ تووا ۶: ۳۰؛ مزمو ۷: ۹؛ ۳۴؛ ۲۱: ۴۴؛ امثال ۱۵: ۱۱؛ ۲۰: ۲۷؛ ۲۱: ۲۱؛ ارم ۱۱: ۲۰؛ ۱۷: ۹-۱۰؛ ۲۰: ۱۲؛ لوقا ۱۶: ۱۵؛ اعما ۱: ۲۴؛ ۸: ۱۵). خدا ما را آنطور که هستیم می‌شناسد و با این وجود دوستان دارد (ر.ک. مزمو ۱۳۹).

□ "او" ... برای مقدسان شفاعت می‌کند" نقش های «روح» در یوحنا ۱۶: ۲-۱۵ توضیح داده شده بودند. یکی از آنها شفاعت است.

واژه "مقدس" همیشه «جمع» بود، مگر در فیل ۴: ۲۱ که در آنجا نیز برای تمامی ایمانداران است. مسیحیان اعضای خانواده خدا و بدن مسیح، و پرستشگاه نوینی که از یکایک ایمانداران ساخته شده، می‌باشند. این، آن تعدیل الهیاتی است که باید در برابر فردگرایی غربی (آمریکایی) ارائه شود. به عنوان خاص: «مقدسین» در ۱: ۷ رجوع نمایید.

عنوان خاص: شخص بودن «روح» [روح خدا]

این اولین اشاره از شخص بودن «روح القدس» در رومیان است (نه اولین باری که نام آن آمده است، ر.ک. ۵: ۵؛ ۹: ۱؛ ۱۴: ۱۷؛ ۱۵: ۱۳، ۱۶). در عهد عتیق روح خدا (به عبارت دیگر *ruach*) نیرویی بود که مقاصد YHWH [یهوه] را به انجام می‌رسانید، اما کوچکترین اشاره ای به این نیست که شخص بوده است (به عبارت دیگر، یگانه پرستی عهد عتیق). لیکن در عهد جدید شخصیت کامل و شخص بودن «روح» تماماً ثبت شده است.

- ۱، نسبت به او کفر گفته شده است (ر.ک. متی ۱۲: ۳۱؛ مرقس ۳: ۲۹)
 ۲. او تعلیم می دهد (ر.ک. لوقا ۱۲: ۱۲؛ یوحنا ۱۴: ۲۶)
 - ۳، او گواه می دهد (ر.ک. یوحنا ۱۵: ۲۶)
 - ۴، او ملزم می سازد و رهنمایی می کند (ر.ک. یوحنا ۱۶: ۷-۱۵)
 ۵. او به عنوان «کسی» خوانده شده است (به عبارت دیگر *hos*) (ر.ک. افس ۱: ۱۴)
 - ۶، او می تواند محزون گردد (ر.ک. افس ۴: ۳۰)
 ۷. او را می توان مقید و محزون ساخت (ر.ک. ۱ تسالونی ۵: ۱۹)
- آیاتی که در مورد تثلیث هستند نیز از سه شخص صحبت می کنند

۱، متی ۲۸: ۱۹

۲، ۲ قرن ۱۳: ۱۴

۳، ۱ پطرس ۱: ۲

«روح»، با فعالیت انسانی پیوند دارد

۱، اعمال ۱۵: ۲۸

۲، روم ۸: ۲۶

۳، ۱ قرن ۱۲: ۱۱

۴، افس ۴: ۳۰

۵، ۱ تسالونی ۵: ۱۵

در همان ابتدای کتاب کارهای رسولان، نقش «روح» تأکید شده است. پنطیکاست شروع کار «روح» نبود، بلکه باب تازه ای از آن بود. عیسی همیشه «روح» را داشت. تعمید او، شروع کار «روح» نبود، بلکه باب نوینی از آن بود. لوقا کلیسا را برای فصل جدیدی از خدمت موثر، آماده می سازد. عیسی هنوز مرکز توجه است، «روح» هنوز وسیله موثر است، و هدف کار، محبت و بخشش «پدر» و آشتی دادن همه انسان ها، که به شباهت «او» آفریده شده اند، می باشد!

متن NASB (به روز شده): ۸: ۲۸-۳۰

^{۲۸} و می دانیم که خدا باعث می شود همه چیز برای خیریت آنانی که خدا را دوست می دارند، با هم در کار باشد - برای کسانی که مطابق اراده «او» فراخوانده شده اند. ^{۲۹} زیرا آنان را که «او» از پیش می شناخت، همچنین «او» از پیش معین فرمود تا به شکل «پسر او» درآیند، تا «او» فرزند ارشد از برادران بسیار باشد؛ ^{۳۰} و اینان را که «او» از پیش معین فرمود، «او» نیز فراخواند؛ و اینان را که «او» فراخواند، «او» نیز پارسا شمرد؛ و اینان را که «او» پارسا شمرد، همچنین «او» جلال بخشید.

۸: ۲۸ "همه چیز" نسخه های خطی یونانی باستانی A و B که با حروف درشت نوشته شده اند، در اینجا عبارت "خدا علت همه چیز است" را دارند. نسخه پاپیروس ^{۴۶}P "خدا" را به عنوان فاعل "با هم در کار باشد" ذکر می کند. به لحاظ دستور زبان، امکان دارد فاعل در آیه ۲۸ «روح» باشد (ر.ک. آیه ۲۷ و NEB و REB). این آیه همچنین به "رنج های" آیات ۱۷-۱۸ و "نالاه های" آیه ۲۳ مربوط می گردد. شانس، سرنوشت، یا اتفاق، موردی برای ایمانداران ندارند.

□ "برای خیریت ... با هم در کار باشد" این فعل «حال متعدی اخباری» است. این نیز ترکیبی است با "syn" (ر.ک. آیه ۲۶). بنابراین، معنی لفظی آن "همه چیز در همکاری با یکدیگر ادامه کار می دهند، برای خیریت." چنین مفهومی، در دنیای شریب و پر رنج، مشکل است (دو کتاب مفید در این موضوع در اینجا ذکر می شوند: "نیکویی خدا"، نوشته ونهام، و کتاب "رمز زندگی شادمانه مسیحی" نوشته حانا ویتال اسمیت). در آیه ۲۹ تعریف «خیریت» این است: "به شکل «پسر او» درآیند". شبیه به مسیح شدن - نه ثروتمندی، شهرت، یا سلامتی - نقشه تغییر ناپذیر خدا برای هر ایماندار است.

□ "برای... آنانی که خدا را دوست می دارند، برای کسانی که مطابق اراده «او» فراخوانده شده اند" این ها، دو «حال متعدی وصفی» می باشند. این ها دو شرطی هستند که به ایماندار همواره اجازه می دهند علی رغم اوضاع و موقعیت ها، زندگی را از دیدگاه مثبت نظاره کند (ر.ک. آیه ۱۵). باز هم به جنبه های دوگانه آزادی بشری ("محبت") و حاکمیت خدا ("فراخواند") توجه کنید.

۸: ۲۹-۳۰ افعال این آیات همگی «گذشته نامعین متعدی اخباری» هستند. آنها زنجیری را تشکیل می دهند که از ازل تا آنجا که دیگر زمانی نیست ادامه دارد. خدا ما را می شناسد و با این وجود هنوز از ما حمایت می کند و می خواهد با او باشیم. متن درینجا شراکتی و جمعی است، نه فردی. مرحله نهایی جلال یافتن هنوز در آینده خواهد بود، اما در این متن به عنوان رویدادی انجام یافته اظهار شده است.

۸: ۲۹ "از پیش می شناخت" پولس این عبارت را دو بار استفاده کرده است - در اینجا و در ۱۱: ۲. در ۱۱: ۲ این عبارت اشاره بود به محبت معاهده ای خدا که از ازل نسبت به قوم اسرائیل داشت. به یاد داشته باشید که واژه "شناختن" در زبان عبری، رابطه نزدیک و شخصی را می رساند، نه صرفاً داشتن اطلاعات در مورد فرد دیگر (ر.ک. پیدا ۴: ۱؛ ارم ۱: ۵). عبارت فوق در اینجا جزو مراحل انجام رویدادهایی گنجانیده شده است (ر.ک. آیات ۲۹-۳۰). این عبارت، با «تعیین ازلی سرنوشت» [predestination] ارتباط داده شده است. اما باید گفت که پیش دانی خدا، مبنای گزینش نیست زیرا اگر چنین بود، آن موقع گزینش بر پایه لیبیک آینده بشر گناه کار می بود - که در آن صورت مبنا اعمال انسانی می شود. این عبارت در اعما ۲۶: ۵، ۱ پط ۱: ۲ و ۲۰، و در ۲ پط ۳: ۱۷ نیز هست.

□ "از پیش معین فرمود" هر دو عبارت «از پیش شناختن» (*proginōskō*) یا «از پیش معین کردن» (*proorizō*)، ترکیب هایی با حرف اضافه (*pro*) یا «از پیش» هستند، و بنابراین ترجمه آنها باید چنین باشد: "از پیش دانستن"، "از پیش حدود کار را مقرر کردن"، "از پیش محدوده را علامت زدن".

بخش های قطعی عهد جدید در مورد «تعیین ازلی سرنوشت»، رومیان ۸: ۲۸-۳۰، افس ۱: ۳-۱۴، و روم ۹ می باشند. این بخش ها واضحاً تأکید می کنند خدا حاکم است. همه چیز تماماً در کنترل اوست - به شمول تاریخ بشریت. برنامه کنونی الهی جهت رستگاری، پیوسته در کار است. اما این برنامه دلخواهی یا تصادفی یا از روی برگزیدگی نیست. اساس این برنامه نیست که بر حاکمیت و پیش دانی خدا باشد، بلکه از روی شخصیت تغییر ناپذیر اوست، یعنی محبت، ترحم، و فیض اش در برابر ناشایستگی بشر.

ما باید مواظب فردگرایی غربی (آمریکایی) خود، یا غیرت فرقه انجیلی خود باشیم تا نکند که به این حقیقت عالی، رنگی دیگر دهند. همچنین باید از قطبی شدن و دو دستگی به لحاظ مجادله های تاریخی و الهیاتی بین آگوستین علیه پلجیوس، یا کالوین علیه آرمینیانسم، بپرهیزیم.

مقصود از «تعیین ازلی سرنوشت» آموزه ای نیست که محبت خدا و فیض و رحمت او را محدود نماید یا عده ای را از رستگاری انجیل محروم بداند. مقصود، توانمند ساختن ایمانداران با ایجاد دیدگاه جهانی آنها است. خدا حامی و جانبدار همه انسان ها است (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ ۱ تیمو ۲: ۴؛ ۲ پط ۳: ۹). خدا

همه چیز را کنترل می کند. چه کسی یا چه چیزی می تواند ما را از او جدا سازد (ر.ک. روم ۸: ۳۱-۳۹)؟ تعیین ازلی سرنوشت، یکی از دو دیدگاه را نسبت به زندگی تشکیل می دهد. خدا سراسر تاریخ را به صورت زمان حال می بیند. انسان ها محدود در زمان اند. دیدگاه ها و توانایی های ذهنی ما محدود هستند. تضادی بین حاکمیت خدا، و اراده آزاد بشر نیست. این موضوع بر مبنای معاهده و پیمان است. این نمونه دیگری از واقعیات کتاب مقدسی است که به صورت تنش بین جنبه های مختلف یک موضوع ارائه می شوند. آموزه های کتاب مقدسی معمولاً از دیدگاه های متفاوت بیان می گردند. اغلب، پارادوکس و متناقض نما به نظر می آیند. حقیقت، آن توازی است بین دوگانگی های متضاد نما. نباید ما این تنش را با انتخاب یکی از دو واقعیت، از میان برداریم. نباید هیچیک از واقعیات کتاب مقدسی را به خودی خود، در کناری مجزا و سوا کنیم. این مهم را نیز باید افزود که هدف گزینش، صرفاً رفتن به بهشت پس از مرگ نیست، بلکه شبیه مسیح بودن در امروز است (ر.ک. افس ۱: ۴؛ ۲: ۱۰) ! ما انتخاب شدیم تا "مقدس و بی عیب" باشیم. خدا می خواهد ما را تغییر دهد تا دیگران این تغییر را دیده، با ایمان آوردن به خدا در مسیح، به او لبیک بگویند. تعیین ازلی سرنوشت، مزیت شخصی نیست بلکه مسئولیتی است از روی معاهده!

□ "تا به شکل «پسر او» درآیند" واقعیت اعظم این قسمت اینست. این هدف مسیحیت می باشد (ر.ک. غلا ۴: ۱۹؛ افس ۴: ۱۳). مقدس بودن، اراده خدا برای هر ایماندار است. گزینشی که خدا انجام می دهد برای اینست که انسان شبیه به مسیح گردد (ر.ک. افس ۱: ۴)، نه آنکه مقام و جایگاه خاصی بیابد. شباهت به خدا که در زمان آفرینش به انسان اعطا شد (ر.ک. پیدا ۱: ۲۶؛ ۵: ۱، ۳؛ ۹: ۶) دو باره برقرار خواهد شد (ر.ک. کولس ۳: ۱۰). به یادداشت در ۸: ۲۱ و عنوان خاص «فرا خواندگی» در ۱: ۶ رجوع نمایید.

□ "تا «او» فرزند ارشد از برادران بسیار باشد" در مزمور ۸۹: ۲۷ "نخست زاده" عنوانی برای ماشیح است. در عهد عتیق پسر نخست زاده، برتری داشت. کاربرد این واژه در کولسیان ۱: ۱۵ برای نمودار ساختن برتری عیسی در آفرینش است و در کولسیان ۱: ۱۸ و مکاشفه ۱: ۵ برای نشان دادن برتری عیسی در رستاخیز است. در این متن ایمانداران از طریق «او»، به برتری «او» راه می یابند! منظور این عبارت، جسم پوشیدن عیسی نیست، بلکه «او» به عنوان سرور یک قوم و تبار جدید است (ر.ک. ۵: ۱۲-۲۱) – اولین فرد از یک سلسله، پیشگام ایمان ما، راه و وسیله برکات «پدر» به خانواده ایمان! به عنوان خاص زیر رجوع نمایید.

عنوان خاص: نخست زاده

این واژه "نخست زاده" (*prōtotokos*) در کتاب بمقدس به چند مفهوم متفاوت به کار رفته است.

۱. زمینه عهد عتیق آن به برتری پسر نخست زاده خانواده اشاره می کند (ر.ک. مزمور ۸۹: ۲۷؛ لو ۲: ۷؛ روم ۸: ۲۹؛ عبر ۱۱: ۲۸)

۲. کاربرد آن در کولسیان ۱: ۱۵، از عیسی به عنوان نخست زاده آفرینش سخن می گوید، که رجوع عهد عتیق است به امثا ۸: ۲۲-۳۱، یا به عامل خدا در آفرینش (ر.ک. یوحنا ۱: ۳؛ ۱ قرن ۸: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۵-۱۶؛ عبر ۱: ۲)

۳. کاربرد آن در کولسیان ۱: ۱۸، ۱ قرن ۱۵: ۲۰ (و اینجا) اشاره به عیسی به عنوان نخست زاده از مردگان دارد

۴. عنوانی از عهد عتیق است که در مورد ماشیح به کار می‌رفت (ر.ک. مزمو ۸۹: ۲۷؛ عبر ۱: ۶؛ ۱۲: ۲۳). این عنوانی بود که چند جنبهٔ مختلف برتری و مرکزیت عیسی را به هم می‌پیوندد. در این متن شماره ۳ یا شماره ۴ بهترین مصداق را دارند.

۸: ۳۰ "جلال بخشید" خدا اغلب در کتاب مقدس با واژه "جلال" توصیف شده است. این واژه از ریشهٔ یک کلمهٔ بازرگانی به معنی "سنگین" بود و ضمناً مفهوم پرارزش را می‌رسانید - مثل طلا. به عنوان خاص در ۳: ۲۳ رجوع نمایید. از دیدگاه الهیات، خدا بشر گناه کار را از طریق یک سلسله مراتب فهرست شده در آیات ۲۹-۳۰ رستگار می‌کند. مرحلهٔ آخر "جلال دادن" است. این رستگاری کامل ایماندار خواهد بود. این در روز رستاخیز، هنگامی که بدن های نو می‌یابند، تحقق می‌یابد (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۵۰-۵۸) و تماماً به خدای یکتا در سه اقنوم و به یکدیگر می‌پیوندند (ر.ک. ۱ تسال ۴: ۱۳-۱۸؛ ۱ یو ۳: ۲).

متن NASB (به روز شده): ۸: ۳۱-۳۹

۳۱ پس در برابر این چیزها چه بگوییم؟ اگر خدا با ما است، کیست به ضد ما؟ ۳۲ «او» که از «پسر خود» دریغ نکرد، بلکه «او» را در راه همهٔ ما تسلیم نمود، چگونه با «او» نیز همه چیز را با سخاوتمندی به ما نخواهد بخشید؟ ۳۳ کیست که برگزیدگان خدا را متهم کند؟ خداست که تبرئه می‌نماید؛ ۳۴ کیست که محکوم کند؟ عیسی مسیح «او» است که بلی مُرد - بهتر بگوییم او که برخیزانیده شد و به دست راست خداست - او نیز برای ما شفاعت می‌کند. ۳۵ کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت، یا پریشانی، یا آزار، یا قحطی یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟ ۳۶ چنانکه نوشته شده است: "به خاطر تو در تمام روز گذشته می‌شویم؛ همچون گوسفندان گشتاری شمرده شدیم." ۳۷ اما در همهٔ اینها - به وسیلهٔ «او» که ما را محبت نمود - به طرزی قاطع پیروز می‌شویم. ۳۸ زیرا یقین داریم که نه موت و نه زندگی، نه فرشتگان و نه ریاست‌ها، نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده، نه قدرت‌ها، ۳۹ و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ آفریده دیگری، قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد.

۸: ۳۱ "پس در برابر این چیزها چه بگوییم" این عبارت مورد علاقهٔ پولس بود که در قالب «سخن اعتراض آمیز» مطالب را بیان می‌کرد (ر.ک. ۳: ۵؛ ۴: ۱؛ ۶: ۱؛ ۷: ۷؛ ۹: ۱۴، ۳۰). این سؤال مربوط به واقعیت‌هایی است که در پیش ذکر شده بودند، لیکن مشخص نیست اشاره به چقدر پیش از این است. رجوع می‌تواند به ۳: ۲۱-۳۱ یا ۸: ۱ یا ۸: ۱۸ باشد. از آنرو که "پس" در ۸: ۱ و در متن آمده است، احتمالاً ۸: ۱۸ می‌تواند حدس خوبی باشد.

□ "اگر" این «جملهٔ شرطی درجهٔ اول» است که از دیدگاه نویسنده، یا برای شیوایی سخن، واقعیت فرض شده است. چه حیرت‌انگیز است که در حین تمام کشمکش‌های ما با گناه، خدا طرفدار ما است!

□ "کیست به ضد ما" ضمیر "کیست" در آیات ۳۳، ۳۴ و ۳۵ تکرار شده است. این اشاره به شیطان است (که تا ۱۶: ۲۰ به اسم نام برده نشده است). این پاراگراف، از ۳۱-۳۹، سبک ادبی انبیاء را که صحنه‌ای در دادگاه است، به کار می‌گیرد (ر.ک. میکاه ۱ و ۶). یهوه قوم خود را به خاطر زناي روحانی به دادگاه می‌کشد. این کنایه‌ای است از اش ۵۰: ۸-۹.

به واژه های حقوقی توجه کنید: "علیه" [ضد] آیه ۳۱؛ "اتهام" آیه ۳۳، "تبرئه می کند" آیه ۳۳؛ "محکوم می کند" آیه ۳۴؛ و "شفاعت می کند" آیه ۳۴. خدا قاضی است. مسیح وکیل مدافع است. شیطان دادستان است (اما او خاموش است). فرشتگان اطاق دادگاه را به عنوان مشاهده کنندگان پر ساخته اند (ر.ک. ۱ قرن ۴: ۹؛ افس ۲: ۷؛ ۳: ۱۰).

۸: ۳۲ "او" که از «پسر خود» دریغ نکرد" خدای پدر، بهترین خود را به انسان گناهکار داده است. او ایمانداران را حال ترک نمی کند و به آنها کمتر نمی بخشد (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ روم ۵: ۸). چقدر دیدگاهی که خدای عهد عتیق را انتقام جو اما عیسی را مهربان انگار می کند دور از واقعیت است! این بزرگترین هدیه خدا در فرمایش او به ابراهیم در پیدای ۲۲: ۱۲ و ۱۶ منعکس شده است. معلمین دینی یهود این بخش عهد عتیق را برای حمایت از آموزه جانشینی و نیابت در کفاره دادن، برای نسل ابراهیم استفاده می کردند.

□ " بلکه «او» را در راه همه ما تسلیم نمود" کلمه "همه" در این متن مهم است. عیسی برای گناهان جهان مرد (ر.ک. لوقا ۲: ۱۰-۱۱؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ ۴: ۴۲؛ ۱۱: ۵۱؛ ۱ تیمو ۴: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴). این پرتوی است از نوع شناسی [typology] آدم و مسیح، در ۵: ۱۲-۲۱. مرگ عیسی مسئله گناه را حل نمود. اکنون مسئله "ایمان آور و دریافت کن" مطرح است.

□ "همه چیز را با سخاوتمندی به ما نخواهد بخشید" این فعل از ریشه یونانی برای فیض است. "همه چیز" به آیه ۱۷ اشاره دارد. به یادداشت در ۳: ۲۴ رجوع کنید.

۸: ۳۳-۳۴ "متهم کند ... تبرئه می نماید... محکوم کند ... شفاعت می کند" این ها همه واژه های حقوقی هستند. آیات ۳۱-۳۹ صحنه دادگاهی در آسمان است. این می تواند کنایه ای به اشعیا ۵۰: ۸-۹ باشد.

۸: ۳۳ "برگزیدگان خدا" عیسی انسان برگزیده خدا برای همه بشر است (بارت). واضح ترین و مشروح ترین بخش کتاب مقدس در باره این واقعیت در عهد جدید، در افس ۱: ۳-۴ و روم ۹: ۱۴-۲۶ است. «پدر» عیسی را برگزید تا تمامی بشر را برگزیند. عیسی، "بله" خدا در برابر جواب رد انسان گناه کار است!

عنوان خاص: برگزیدگی / تقدیر، و نیاز به توازن در علم الهی

برگزیدگی، آموزه ای عالی است. اما مقصود، طرفداری نیست، بلکه دعوتی است از ما تا وسیله و ابزار و طریقی برای رستگاری دیگران باشیم! در عهد عتیق واژه مذکور اصولاً برای خدمت به کار می رفت؛ در عهد جدید اصولاً برای رستگاری به کار رفته است که نتیجه آن خدمت است. کتاب مقدس هرگز تضادی را که بین حاکمیت خدا و اراده آزاد انسان ظاهراً وجود دارد برطرف نمی کند، بلکه هر دوی آن ها را تأیید می نماید! یک مثال خوب از تنشی که در کتاب مقدس وجود دارد، می تواند رومیان باب ۹ در مورد انتخاب حاکمانه خدا، و رومیان باب ۱۰ در مورد لیبیک لازم از طرف انسان باشد (ر.ک. ۱۰: ۱۱، ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را می توان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی، انسان برگزیده خدا است و همه در «او» بالقوه برگزیده هستند (کارل بارت). عیسی، پاسخ مثبت و بله خدا در برابر نیاز انسان گناه کار است (کارل بارت). افسسیان ۱: ۴ نیز در روشن کردن موضوع، با این تذکر یاری می دهد که هدف تقدیر، بهشت نیست بلکه مقدس بودن (شبیه به مسیح بودن) است. ما اغلب مجنوب مزایای انجیل می شویم و مسئولیت های آن را نادیده می گیریم! دعوت خدا (برگزیدن) هم در این دنیا است، هم در ابدیت!

آموزه ها را در ارتباط با واقعیت های دیگر می بینیم، نه به صورت واقعیت های منفرد و غیر مرتبط. یک قیاس خوب می تواند تفاوت بین مجموعه ای از ستارگان (صورت فلکی) و یک ستاره واحد باشد! خدا واقعیت را به روش شرقی، نه غربی، بیان می کند. ما نباید تنشی را که از «دوگانگی های متناقض نما» (پارادوکسی) ایجاد می شوند از میان برداریم:

۱. تقدیر، در برابر اراده آزاد انسان
 ۲. برجا بودن و امنیت وضع ایمانداران، در برابر نیاز به استقامت
 ۳. گناه اولیه بشر، در برابر گناه عمدی
 ۴. مطلقاً گناه نداشتن (کمال گرایی)، در برابر کمتر گناه کردن
 ۵. پارسا شمرده شدن و تقدیس که در همان اول و به یکباره انجام می گیرند، در برابر تقدیس تدریجی
 ۶. آزادی مسیحی، در برابر مسئولیت مسیحی
 ۷. برتری و تعالی خدا نسبت به آفرینش، در برابر حضور خدا در آفریده او
 ۸. اینکه نهایتاً خدا قابل شناخت نیست، در برابر قابل شناخت بودن خدا در کتاب مقدس
 ۹. پادشاهی کنونی خدا، در برابر تحقق آینده آن
 ۱۰. توبه به عنوان هدیه خدا، در برابر توبه به عنوان لیبیک انسان که لازمه عهد است
 ۱۱. الوهیت عیسی، در برابر انسانیت عیسی
 ۱۲. عیسی با «پدر» مقامی مساوی دارد، در برابر، عیسی به عنوان تابع «پدر» و کهنتر از او
- مفهوم الهیاتی "عهد"، پیوندی است بین حاکمیت خدا (که همواره پیشقدم است و برنامه کار را معین می کند) و آن ایمان الزامی انسان، که لیبیک بگوید و در آغاز و همواره با توبه همراه باشد. بر حذر باشید تا در ارتباط با پارادوکس ها [واقعیت هایی که به ظاهر ناهمخوان و در واقع سازگار می باشند] عقیده خود را در مورد یک طرف قضیه با استفاده از آیات موافق خودتان، به کرسی ننشانید و جنبه دیگر واقعیت را کوچک کنید! از اینکه تنها از تعالیم یا سیستم الهیاتی مورد علاقه خود دفاع کنید، بر حذر باشید!

۸: ۳۴ این آیه چند جنبه خدمت عیسی را فهرست می کند: (۱) او مرد، (۲) او از مردگان برخاست، (۳) او بر دست راست خداست، و (۴) برای ایمانداران شفاعت می کند.

مرگ عیسی جریمه گناهان ما را پرداخت (ر.ک. اشعیا ۵۳؛ مرقس ۱۰: ۴۵؛ ۲ قرن ۵: ۲۱). رستاخیز عیسی نشانگر پذیرش خدمت «پسر» توسط «پدر» است و در برابر سختی ها و مرگ، امید می بخشد. جلال یافتن عیسی در دست راست «پدر» و شفاعت او برای ایمانداران، به آنها شهادت می بخشد تا به جنگ نیکوی ایمان بپردازند.

□ "دست راست خدا" این استعاره، مشخصه های انسانی را به خدا نسبت می دهد. اما خدا بدن جسمانی ندارد. او «روح» است. این استعاره، جایگاه قدرت، اختیار و تعالی را نشان می دهد. پولس اغلب این اصطلاح را به کار نمی برد (ر.ک. افس ۱: ۲۰؛ کولس ۳: ۱). شاید او دارد نقل قولی می کند از اعتقادنامه اولیه مسیحی در آیه ۳۴ (ر.ک. فیلی ۲: ۶ به بعد؛ ۱ تیمو ۳: ۱۶).

□ "شفاعت می کند" خدمت عیسی ادامه دارد. او برای ما شفاعت می کند (ر.ک. عبر ۴: ۴-۱۶؛ ۷: ۲۵)، همان طور که «روح» چنین می کند (آیات ۲۶-۲۷). این از کلمه "paraclete" می آید که در یوحنا ۱۴: ۱۶ در مورد «روح» و در ۱ یوحنا ۲: ۱ در مورد «پسر» به کار رفته است، و اشاره ای دیگر به «سرود خادم رنج دیده» می باشد (ر.ک. اش ۵۳: ۱۲).

۸: ۳۵ "محبت مسیح" این یا «وجه ملکی مفعولی» یا «ملکی فاعلی» است. این عبارت می تواند یا (۱) محبت مسیح نسبت به ایمانداران باشد یا (۲) محبت ایمانداران به مسیح باشد. شماره ۱ با این متن بیشتر مصداق دارد (و ۲ قرن ۵: ۱۴) زیرا محبت ایمانداران نسبت به مسیح ممکن است یگروز باشد و یگروز نباشد، اما محبت مسیح نسبت به ما امری یقین و ثابت است.

در ارتباط با این عبارت، یک نسخه خطی یونانی با تفاوت های بسیار جزیی با دیگر نسخه ها، موجود است. یک نسخه باستانی خطی یونانی میگوید: "محبت خدا" (ر.ک. نسخه خطی MS X). نسخه خطی باستانی دیگر این دو را به هم می پیوند و می گوید "محبت خدا در مسیح" (ر.ک. MS B). گردآورندگان UBS^۴ "محبت مسیح" را احتمال "الف" (یقین) می دهند. این در نسخه های خطی C، D، F، G و اکثر ترجمه های لاتین و وُلگیت و پشیتا [Vulgate and Peshitta] دیده می شود.

□ "آیا مصیبت، یا پریشانی، یا آزار" مسیحیان در این دنیا مشکلات خواهند داشت، اما نه آن مشکلات و نه نیروهای شریر می توانند آنها را از خدا جدا سازند. به عنوان خاص: «جفا» در ۵: ۳ رجوع نمایید.

۸: ۳۶ این نقل قولی است از مزمور ۴۴: ۲۲. در این مزمور سراینده آن، رهایی قوم رنجدیده خدا را از او تقاضا کرده است.

۸: ۳۷

"اما در همه اینها ... به طرزی قاطع پیروز می شویم"	NASB
"با این وجود در همه اینها بیش از پیروزمندان هستیم"	NKJV
"خیر، در همه اینها بیش از پیروزمندان هستیم"	NRSV
"خیر، در همه اینها بوسیله او پیروزی کامل داریم"	TEV
"این ها رنج هایی است که بوسیله آنها چیرگی می یابیم"	JB

این شکلِ مشدد واژه "چیرگی" بود. احتمالاً پولس این واژه را ساخته است (*huper + nikaō*). این عبارت عالی از دو استعاره متناقض ترکیب یافته است - "گوسفندان چیره شونده". ایمانداران توسط مسیح پیروزمند هستند (ر.ک. یوحنا ۱۶: ۳۳؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۳-۱۴؛ ۴: ۴؛ ۵: ۴). به عنوان خاص: «کاربرد پولس از الفاظ مرکب "Huper"» در ۱: ۳۰ رجوع کنید.

□ "به وسیله «او» که ما را محبت نمود" این ضمیر می تواند رجوع به «پدر» یا «پسر» باشد.

۸: ۳۸ "یقین دارم" این «کامل غیرمستقیم اخباری»، و به معنی «یقین یافته ام و همواره یقین دارم» است.

□ "فرشتگان" تفکر معلمین دینی یهود این بود که فرشتگان به محبت و توجه خدا به بشر، حسادت می کردند و ازینرو با انسان ها خصومت داشته اند. معلمین کاذب «گنوستیک» بر این بودند رستگاری تنها با کلمات رمزی، از طریق جایگاههای آسمانی فرشتگان دشمن به دست می آمد (ر.ک. کولسیان و افسسیان). جرج الون لد، خلاصه مفیدی از واژه های کاربردی پولس برای فرشتگان در کتاب خود، الهیات عهد جدید، دارد.

"پولس نه تنها فرشتگان نیک و بد و شیطان و دیوها را ذکر می کند بلکه از تعداد دیگری واژه برای نامیدن رتبه های ارواح فرشته بهره می گیرد. این واژه گان به شرح زیر می باشند:

"ریاست" ، [arche] ۱ قرن ۱۵: ۲۴؛ افس ۱: ۲۱؛ کولس ۲: ۱۰
"ریاست ها" [archai] ، RSV ، "فرمانرواییها" ، افس ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲؛ کولس ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۵؛ روم ۸: ۳۸

"قدرت و اختیار" [exousia] ، ۱ قرن ۱۵: ۲۴؛ افس ۱: ۲۱؛ کولس ۲: ۱۰
"قدرت ها" [exousiai] ، RSV ، "قدرتها" ، افس ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲؛ کولس ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۵
"قدرت" [dynamis] ، ۱ قرن ۱۵: ۲۴؛ افس ۱: ۲۱

"قدرت ها" [dynameis] ، روم ۸: ۳۸
"تخت ها" [thronoi] ، کولس ۱: ۱۶

"حاکمیت و فرمانروایی" [kyriotes] ، RSV ، "فرمانروایی" ، افس ۱: ۲۱

"فرمانروایی ها" [kyriotetes] ، کولس ۱: ۱۶

"خداوندگاران این دنیای تاریک" ، افس ۶: ۱۲

"فوج های شریر در جایهای آسمانی" ، افس ۶: ۱۲

"قدرت تاریکی" ، کولس ۱: ۱۳

"هر نامی که از آن کسی شود" ، افس ۱: ۲۱

"در آسمان، بر زمین و در زیر زمین" ، فیل ۲: ۱۰ (ص ۴۰۱)

کتاب مقدس اطلاعات مستقیمی در چگونگی رابطه فرشتگان سقوط کرده عهد عتیق، با نیروهای اهریمنی در عهد جدید، نمی دهد. بسیاری آنها را عین هم فرض می گیرند. لیکن در کتاب های یهود که در باره آخر زمان هستند، نیروهای شریر همان روح های نفیلیم (Nephilim) در پیدایش باب ۶ می باشند که نیمی فرشته و نیمی انسان بوده اند. بدن های آنان در طوفان زمان نوح از میان رفت؛ ازینرو، آن ها در پی این هستند که جسم پیدا کنند! این صرفاً یک نظریه است. کتاب مقدس پاسخ همه پرسش های ما را در باره منبع و خاستگاه ها نمی دهد؛ مقصود کتاب مقدس رستگاری بشر است، نه کنجکاوی او!

■ "ریاست ها ... قدرت ها" این اشاره است به (۱) قدرت های فرشتگان یا شیطانی این زمان (ر.ک. افس ۲: ۲؛ ۶: ۱۲؛ ۱ قرن ۱۵: ۲۴؛ کولس ۱: ۱۶)، یا (۲) احتمالاً ساختارهای غیر شخصی دنیای سقوط کرده (دین، دولت، تحصیلات، پزشکی و دارو، غیره) که می گذارند انسان گناه کار، مستقل از خدا عمل کند (ر.ک. کتاب ریاست ها و قدرت ها، اثر هندریکوس پرکاف). به یادداشت در ۱۳: ۱ رجوع نمایید.

عنوان خاص: ARCHĒ

واژه "قلمرو" واژه یونانی *archē* است، که به معنی "آغاز" یا "خاستگاه" چیزی است.

۱. آغاز ترتیب آفرینش (ر.ک. یوحنا ۱: ۱؛ ۱ یوحنا ۱: ۱)

۲. آغاز انجیل (ر.ک. مرقس ۱: ۱؛ فیل ۴: ۱۵)

۳. اولین شاهدان عینی (ر.ک. لوقا ۱: ۲)

۴. اولین علائم (معجزات، ر.ک. یوحنا ۲: ۱۱)

۵. اولین اصول (ر.ک. عبر ۵: ۱۲)

۶. اولین ضمانت/اطمینان (ر.ک. عبر ۳: ۱۴)

بعد ها در مورد "حکمروایی" یا "مقام اختیار" به کار رفته است

۱. در مورد مقامات حکمروای بشری

- الف) لوقا ۱۲: ۱۱
 ب) لوقا ۲۰: ۲۰
 پ) رومیان ۱۳: ۳؛ تیطس ۳: ۱
 ۲. در مورد مقامات فرشتگان
 الف) روم ۸: ۳۸
 ب) ۱ قرن ۱۵: ۲۴
 پ) افس ۱: ۲۱؛ ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۰
 ت) کولس ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۰، ۱۵

این معلمین کاذب، همه مقامات را خوار می‌شمارند - چه زمینی، چه آسمانی. اینان افرادی افسارگسیخته و ناپایبند به ایمان هستند و مخالف مراعات اصول اخلاقی بوده، اعتقاد دارند که خدا در همه حال نسبت به مسیحیان لطف دارد. اینان خود و خواسته های خویش را برتر از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی، و رهبران کلیساها قرار می‌دهند.

۸: ۳۹ "بلندی و نه پستی" این واژه ها گویای اوج حرکات ستارگان (apogee) و قطعه ای از مدار سیارات که به زمین نزدیکتر می‌شد (perigee) بودند، و در ستاره بینی (astrology) ستارگان خدایانی بوده اند که زندگی مردم را کنترل می‌کردند. بعدها در مکتب منحرف گنوستیسیزم [فلسفه عرفانی] این واژه ها مبدل به واژه های فنی در مورد قرن های ازلی (eons)، یا رتبه های فرشتگان، بین خدای قدوس و خدای کهنتری که مادیات گناه آلود را ساخته بود، شدند.

□ "هیچ آفریده دیگری" این به صورت تحت اللفظی "مخلوقی از نوع دیگر" (heteros) است. متن طلب می‌کند این باز اشاره ای به فرشتگان مقتدر باشد. در یونانی کوینه Koine، تمایز بین حرف اضافه یونانی heteros (یکی دیگر از نوعی متفاوت) و allos (یکی دیگر از همان نوع) در حال منسوخ شدن بود، اما این متن هنوز این تمایز را قدری نشان می‌دهد.

□ "نه ... نه ... قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا ... جدا سازد" چه گفتار عظیم و اطمینان بخشی! آغاز این فصل می‌گوید "هیچ محکومیتی"، و پایان آن می‌گوید "هیچ جدایی". رستگاری ایماندار را هیچکس نمی‌تواند از او سلب کند. اما شخص باید هم در اول کار لبیک بگوید (ر.ک. ۳: ۲۱-۳۱) هم به طور مداوم (ر.ک. فصل های ۴-۸). «روح» کلید کار است، اما پاسخ شخص، لازم و شرط این عهد می‌باشد. توبه و ایمان الزامی هستند (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱)، همان طور که اطاعت و استقامت الزامی می‌باشند!

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما، کتاب مقدس، و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

1. فصل ۸ چه ارتباطی با فصل ۷ دارد؟
2. اگر محکومیتی نیست، گناه در زندگی ایماندار بر چه اثر می گذارد؟
3. آیا «روح» یا عیسی در ایمانداران ساکن می شوند (آیه ۹)؟
4. گناه انسان چه تأثیری بر طبیعت داشت (آیات ۱۹-۲۲)؟ آیا طبیعت در آسمان جایی خواهد داشت (ر.ک. اشعیا ۱۱: ۶-۱۰)؟
5. «روح» چگونه برای ما دعا می کند (آیات ۲۶-۲۷)؟ آیا این اشاره به "صحبت به زبان ها" است؟
6. در این دنیای شریر، کتاب مقدس چطور می تواند بگوید که همه چیز برای خیریت در کار است (آیه ۲۸)؟ "خیریت" را تعریف کنید (آیه ۲۹).
7. چرا تقدیس، جزو مراحل الهیاتی در آیه ۳۰ نیامده است؟
8. چرا گفته شده که آیات ۳۱-۳۹ صحنه ای از یک دادگاه است؟
9. فهرستی از چهار چیزی که آیه ۳۴ در مورد عیسی اظهار می کند، تهیه نمایید.

رومیان فصل ۹

تقسیم بندی پاراگراف هادر ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۶
امتيازات ویژه اسراییل	خدا و قوم او	مسئله بی ایمانی اسراییل	رد شدن مسیح توسط اسراییل	گزینش الهی
۵-۱ : ۹	۵-۱ : ۹	۵-۱ : ۹	۵-۱ : ۹	۵-۱ : ۹
خدا به وعده خود باقی است		وعده خدا به اسراییل بی اثر نگردیده است	رد نمودن توسط اسراییل و مقصود خدا	
۱۳-۶ : ۹	۹-۶ : ۹	۱۳-۶ : ۹	۱۳-۶ : ۹	۱۳-۶ : ۹
	۱۳-۱۰ : ۹			
خدا بی عدالتی نمی کند		حق خدا در انتخاب	رد اسراییل و عدالت خدا	
۱۸-۱۴ : ۹	۱۸-۱۴ : ۹	۱۸-۱۴ : ۹	۲۹-۱۴ : ۹	۱۸-۱۴ : ۹
	غضب و رحمانیت خدا			غضب و رحمانیت خدا
۲۱-۱۹ : ۹	۲۱-۱۹ : ۹	۲۶-۱۹ : ۹		۲۹-۱۹ : ۹
۲۴-۲۲ : ۹	۲۹-۲۲ : ۹			
همه چیز در عهد عتیق پیشگویی شده است				
۲۹-۲۵ : ۹		۲۹-۲۶ : ۹		
	اسراییل و انجیل	پارسایی راستین از طریق ایمان است	وضعیت کنونی اسراییل	اسراییل و انجیل
۳۳-۳۰ : ۹	۴ : ۱۰-۳۰ : ۹	۴ : ۱۰-۳۰ : ۹	۳۳-۳۰ : ۹	۴ : ۱۰-۳۰ : ۹

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

این کتاب تفسیر برای راهنمایی در مطالعات میباشد، به این معنی که شما شخصاً مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را منور ساخته است. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس، اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم کرده، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی ها وحی نشده اند اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، که قلب کار تفسیر است، کلیدی می باشند. هر پاراگراف صرفاً و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

ارتباط فصل های ۹-۱۱ با فصل های ۱-۸

الف. در مورد رابطه این واحد ادبی با فصل های ۱-۸ دو نظریه بوده است.

۱. عنوان کاملاً مجزایی است و جمله معترضه الهیاتی محسوب می شود

(الف) تفاوت بسیار و عدم ارتباط منطقی بین ۸: ۳۹ و ۹: ۱ وجود دارد

(ب) موضوع مستقیماً مربوط به تنش تاریخی در کلیسای روم، بین ایمانداران یهودی و ایمانداران غیریهودی است. احتمال دارد این در باره رهبری فزاینده غیریهودیان در کلیسا باشد.

(پ) در مورد موعظه های پولس در خصوص قوم اسرائیل (و شریعت) و رسالت او به غیر یهودیان (عرضه فیض رایگان)، سوء تفاهم رخ داده بود و در نتیجه پولس درین بخش، این مبحث را مورد بررسی قرار می دهد.

۲. این نقطه اوج و نتیجه گیری منطقی در ارائه انجیل توسط پولس می باشد

(الف) پولس باب ۸ را با وعده "هیچ جدایی از محبت خدا" خاتمه می دهد. پس بی ایمانی قومی که خدا با آنها پیمان بسته بود، چه می شود؟

(ب) رومیان ۹-۱۱ به پارادوکس [ناسازگاری ظاهری] انجیل در مورد بی ایمانی قوم اسرائیل پاسخ می دهد!

(پ) پولس به بررسی همین یک مسئله در تمام طول نامه پرداخته است (ر.ک. ۱: ۳، ۱۶؛ ۳: ۲۱؛ ۳۱ و ۴: ۱ به بعد).

(ت) پولس ادعا می کند که خدا به «کلام خود» امین است. پس وعده های عهد عتیق خدا به قوم اسرائیل چه می شوند؟ آیا تمامی آن عهد ها باطل و بی اثراند؟

ب. رئیس مطالب این واحد ادبی را به چند طریق می توان تهیه نمود

۱. به وسیله کاربرد پولس از یک معترض فرضی (سخن اعتراض آمیز)

(الف) ۶: ۹

(ب) ۱۴: ۹

(پ) ۱۹: ۹

(ت) ۳۰: ۹

(ث) ۱: ۱۱

(ج) ۱۱: ۱۱

۲. رومیان ۹-۱۱ یک واحد ادبی را تشکیل می دهد (تقسیمات باب ها و آیات وحی نشده اند و بعد ها انجام گرفته اند). این بخش باید به عنوان یک واحد تفسیر گردد. در عین حال، حداقل سه موضوع مجزا در آن دیده می شوند.

الف) ۹: ۱-۲۹ (تمرکز بر حاکمیت خدا است)

ب) ۹: ۳۰-۱۰: ۲۱ (تمرکز بر مسئولیت انسان ها است)

پ) ۱۱: ۱-۳۲ (هدف خدا که دربرگیرنده همه، و ابدی و فدیة دهنده است)

۳. طبق مبحث ها: رئیس مطالب جالب توجهی از این بخش رومیان، در تقسیمات پاراگراف های

NKJV توسط Thomas Nelson Publishers موجود است

الف) قوم اسرائیل مسیح را رد می کند، ۹: ۱-۵

ب) قوم اسرائیل، هدف خدا را رد می کند، ۹: ۶-۱۳

پ) قوم اسرائیل عدالت و داوری خدا را رد می کند، ۹: ۱۴-۲۹

ت) وضعیت کنونی قوم اسرائیل، ۹: ۳۰-۳۳

ث) قوم اسرائیل و انجیل، ۱۰: ۱-۱۳

ج) قوم اسرائیل انجیل را رد می کند، ۱۰: ۱۴-۲۱

چ) رد قوم اسرائیل، رد تمامی آنها نیست ۱۱: ۱-۱۰

ح) رد شدن قوم اسرائیل نهایی نیست ۱۱: ۱۱-۳۶

پ. این بخش، هم فریادی دردناک از نهاد است و هم بیان آنچه در پندار می گذرد (رئوس منطقی مطالب). احساسات عمیق آن، یادآور شکسته شدن قلب خدا به خاطر سرکشی اسرائیل در هوشع ۱۱: ۱-۴ و ۸-۹ است.

از بسیاری لحاظ، دردناک بودن و نیکویی شریعت در باب ۶، در باب های ۹-۱۰ نیز به طرز مشابه آمده اند. در هر دو قسمت، پولس دلی خونین و شکسته داشت از اینکه شریعتی الهی، فرجامی نامترقبه داشته و به جای زندگی، مرگ را با خود آورده بود!

ت. پولس با کاربرد بیش از ۲۵ نقل قول از عهد عتیق، نشان می دهد مایل است در مورد پارادوکس [متناقض نمای] قوم اسرائیل، از منابع عهد عتیق و نه صرفاً از تجربیات زمان خود استفاده کند، و این کار را در باب ۴ نیز انجام داده بود. اکثریت نسل های جسمانی ابراهیم، حتی در گذشته، خدا را رد کرده بودند (ر.ک. اعمال ۶؛ نحمیا ۹).

ث. این متن، مانند افس ۱: ۳-۱۴، اهداف ابدی خدا برای رستگاری کل بشر را بررسی می کند. در ابتدا به نظر می آید دارد می گوید خدا بعضی را انتخاب کرده و دیگران را رد کرده است (Supralapsarian Calvinism) [پنداری که می گوید به لحاظ منطق، حکم گزینش الهی پیش از حکم سقوط بشر بوده است] اما به نظر من، موضوع افراد نیستند، بلکه نقشه ابدی خدا است برای نجات (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵؛ اعمال ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ و ۱۳: ۲۹).

«تفسیر کتاب مقدس جروم»، جلد ۲ با عنوان «عهد جدید»، به ویرایش جوزف آ. فیتس مایر و ریموند ای. براون، می گوید:

"حائز اهمیت است از ابتدا بدانیم که دیدگاه پولس، جمعی است؛ مقصود او مسئولیت فردی نیست. اگر به نظر می رسد مبحث تقدیر الهی را به پیش می کشد، این هیچ ارتباطی با مقدر کردن افراد برای جلال، ندارد." (صفحه ۳۱۸).

بینش های متنی در فصل ۹

الف. چه تفاوت بزرگی از لحاظ دیدگاه، بین فصل ۸ و ۹ روی می دهد.

ب. واحد ادبی (۹-۱۱) از لحاظ الهیاتی به این موارد می پردازد (۱) مبنای رستگاری، (۲) هدف گزینش الهی، (۳) بی وفایی قوم اسرائیل بی ایمان، در مقابل وفاداری یهوه، و (۴) اینکه فدیۀ عیسی شامل حال تمامی انسان ها است.

پ. باب ۹ یکی از قوی ترین بخش های عهد جدید در مورد حاکمیت خدا است (بخش دیگر، افس ۱: ۳-۱۴ می باشد) در حالی که باب ۱۰ اراده آزاد انسان را به وضوح و مکرراً مطرح می کند (ر.ک. آیه ۴ "همه کسانی که"؛ آیات ۱۱، ۱۳ "هر که"؛ آیه ۱۲ {۲ بار} "همه"). پولس هرگز سعی ای در حل این تنش الهیاتی نمی کند. هر دوی اینها واقعیت دارند! اکثر آموزه های کتاب مقدس به صورت دوگانگی های متناقض نما یا مناظره ای ارائه شده اند. اکثر نظام های الهیاتی منطقی هستند، لیکن با استدلال از آیات، تنها یک جنبه واقعت کتاب مقدس را به اثبات می رسانند. هر دو نظام های «آگوستینیانسم و کالوینیسم»، در مقابله با «سیمی پلاجیانسم و آرمینیانسم»، دارای عناصری از حقیقت و اشتباه هستند. بهتر است تنش کتاب مقدس بین آموزه ها بر جا بماند، تا آنکه یک نظام الهیاتی دگم اندیش و عقلانی، که خود را با آیاتی اثبات می کند، کتاب مقدس را به زور در چارچوب تفسیری نظری، محدود سازد!

ث. ۹: ۳۰-۳۳ خلاصه ای از باب ۹ و مضمون باب ۱۰ است.

بررسی واژه ها و عبارات

متن NASB (به روز شده) ۹: ۱-۵

۱ در مسیح راست می گویم - دروغ نمی گویم - وجدانم با من در روح القدس شهادت می دهد،^۲ که در قلب خود غمی بزرگ و اندوهی بی پایان دارم. ^۳ زیرا آرزو می داشتم در راه برادرانم، یعنی همنژادانم از لحاظ جسم - خود من ملعون می شدم و از مسیح جدا می گردیدم. ^۴ آنان اسرائیلی هستند و فرزند خواندگی به عنوان پسران، متعلق به آنهاست - نیز جلال و عهد ها و اعطای شریعت و عبادت معبد و وعده ها،^۵ که پدران به ایشان تعلق دارند، و مسیح به لحاظ جسم از ایشان است، او که مافوق همه است، خدا که تا به ابد متبارک است. آمین.

۹: ۱-۲ آیات ۱ و ۲ در زبان یونانی، یک جمله را تشکیل می دهند. پولس دارد چند دلیل ارائه می کند که آنها (کلیسای روم) چگونه می توانند بدانند او راست می گوید: (۱) اتحاد او با مسیح، آیه ۱، (۲) وجدان او که تحت رهبری روح القدس بود، آیه ۱؛ و (۳) احساسات عمیق او نسبت به قوم اسرائیل، آیه ۲.

۹: ۱ "در مسیح راست می گویم - دروغ نمی گویم" پولس اغلب این جمله را به کار می برد (ر.ک. ۲ قرن ۱۱: ۱۰؛ غلا ۱: ۲۰؛ ۱ تیمو ۲: ۶) یا مشابه آنرا در مورد خدا که شاهد اوست (ر.ک. روم ۱: ۹؛ ۲ قرن ۱: ۲۳؛ ۱۱: ۳۱؛ فیل ۱: ۸؛ ۱ تسلا ۲: ۵، ۱۰). او از این روش برای اظهار واقعیت آموزه ها و موعظه ها استفاده می کرد.

□ **"وجدانم"** این اشاره به حس اخلاقی ایماندار که خدادای و تحت رهبری روح القدس است می باشد. در یک معنا، این یک منبع کلیدی موثق و اعتباردار، برای ایماندار است. این کلام خدا است، که روح خدا آن را برای اذهان ما قابل درک و کاربردی ساخته است (ر.ک. ۱ تیمو ۱: ۵، ۱۹). مسئله موقعی بروز می کند که ایمانداران - و نیز بی ایمانان - «کلام» و «روح» خدا را پیوسته رد کنند؛ آن موقع توجیه گناه برای شخص آسان تر می شود (ر.ک. ۱ تیمو ۴: ۲). وجدان های ما می توانند توسط فرهنگ و تجربه ها، شرطی شوند.

□

NKJV، NASB "با من در روح القدس شهادت می دهد"
NRSV "به وسیله روح القدس این را تأیید می کند"
TEV "تحت حاکمیت روح القدس"
JB "در اتحاد با روح القدس، مرا به عهده می گیرد"

پولس بر این باور بود که از طرف مسیح فراخواندگی و حکمی خاص داشت (ر.ک. اعمال ۹: ۱-۲۲؛ غلا ۱: ۱). او یک رسول بود و با اقتدار الهی سخن می گفت (ر.ک. ۱ قرن ۶: ۲۵، ۴۰). او در اندوه خدا به خاطر بی ایمانی و سرکشی ملت اسرائیل، شریک و همدرد بود (ر.ک. آیه ۲). آنها از چه مزیت های بسیاری برخوردار بودند (ر.ک. آیات ۴-۵).

۳: ۹

NKJV، NASB "زیرا آرزو می داشتم..."
NRSV
TEV "به خاطر آنان آرزو می داشتم"
JB "من حاضر می بودم..."

پولس احساسات چنان عمیقی نسبت به قوم خود، اسرائیل، داشت که اگر محروم شدنش باعث شامل گردیدن آنها می شد، او حاضر به این امر بود. این آیه، ساختار دستوری بسیار تأکیدی و با لحن محکمی دارد (ماضی استمراری اخباری، حاکی از عملی که به خود فاعل برمی گردد، همراه با هر دوی *ego* و *auto*، و مصدر حال). احساسات شدید و بار سنگین این دعا، مشابه با دعای شفاعتی موسی برای قوم اسرائیل گناهکار در خروج ۳۲: ۳۰-۳۵ است. معنی ای که به درستی از آن دریافت می شود، بیان یک خواهش است، نه واقعیت امر. این مشابه کاربرد ماضی استمراری در غلا ۴: ۲۰ است. به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: دعای شفاعت

I. مقدمه

الف. دعا بسیار مهم است، زیرا عیسی نمونه دعا است

۱. دعای شخصی، مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۳: ۲۱؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۹؛ ۲۲: ۲۹-۴۶

۲. پاکسازی معبد، متی ۲۱: ۱۳؛ مرقس ۱۱: ۱۶؛ لوقا ۱۹: ۴۶

۳. الگوی دعا، متی ۶: ۵-۱۳؛ لوقا ۱۱: ۲-۴

ب. دعا اینست که باورمان را نسبت به خدای شخصی و دلسوز، به طرزی محسوس به عمل بگذاریم - خدایی که با ما حضور دارد و مایل و قادر به عمل برای ما و دیگران می باشد

پ. خدا شخصاً خود را محدود ساخته است تا با دعای فرزندان خود در بسیاری موارد، عمل کند (ر.ک. یعقوب ۴: ۲)

- ت. هدف عمده دعا، مشارکت و بودن با خدای یکتای تثلیث است.
- ث. دعا می تواند برای هر کس و هر چیزی باشد که به ایماندار مربوط می شود. می توانیم یکبار دعا کنیم - با ایمان، یا آنکه بارها و هر موقع آن فکر یا دغدغه به ذهن ما برسد.
- ج. دعا می تواند چند بخش داشته باشد
۱. سپاس و پرستش خدای یکتا که دارای سه شخص می باشد
 ۲. تشکرات از خدا برای حضور او با ما، مشارکت با او، و آنچه فراهم کرده است
 ۳. اعتراف به گناه کار بودن خود، هم در گذشته و هم در حال حاضر
 ۴. تقاضا برای نیازها و خواسته همامان
 ۵. شفاعت، که در آن نیازهای دیگران را به حضور «پدر» می بریم
- چ. دعای شفاعت، یک سر است. خدا بسیار بیشتر از ما، آنانی را که برایشان دعا می کنیم دوست می دارد، اما دعا های ما اغلب نه تنها در خود ما، بلکه در آنها باعث ایجاد تغییر، پاسخ، یا برآوردن نیازهایی می گردد.

II

مندرجات کتاب مقدسی

الف. عهد عتیق

۱. چند نمونه از دعای شفاعتی
- الف) التماس ابراهیم برای سدوم، پیدای ۱۸: ۲۲ به بعد
- ب) دعای موسی برای اسرائیل
 - (۱) خروج ۵: ۲۲-۲۳
 - (۲) خروج ۳۲: ۳۱ به بعد
 - (۳) تثنیه ۵: ۵
 - (۴) تثنیه ۹: ۱۸، ۲۵ به بعد
- پ) دعای سموئیل برای اسرائیل
 - (۱) سموئیل ۶: ۵-۶، ۸-۹
 - (۲) سمو ۱: ۱۲-۱۶، ۲۳
 - (۳) سمو ۱: ۱۵-۱۱
- ت) داود برای فرزندش دعا کرد، ۲ سموئیل ۱۲: ۱۶-۱۸
۲. خداوند شفاعت کنندگان می خواهد، اشعیا ۵۹: ۱۶
۳. گناه دانسته و اعتراف نشده، یا عدم تمایل به توبه، بر دعاها ما اثر منفی می گذارند
- الف) مزمو ۶۶: ۱۸
- ب) امثال ۲۸: ۹
- پ) اشعیا ۵۹: ۱-۲؛ ۶۴: ۶

ب. عهد جدید

۱. خدمت شفاعت «پسر» و «روح»

الف) عیسی

- (۱) رومیان ۸: ۳۴
- (۲) عبرانیان ۶: ۲۵
- (۳) ۱ یوحنا ۲: ۱
- ب) روح القدس، رومیان ۸: ۲۶-۲۶
۲. خدمت شفاعتی پولس

الف) برای یهودیان دعا می کند

(۱) رومیان ۹: ۱ به بعد

(۲) رومیان ۱۰: ۱

ب) برای کلیساها دعا می کند

(۱) رومیان ۹: ۱

(۲) افسسیان ۱۶: ۱

(۳) فیلیپیان ۱: ۳-۴، ۹

(۴) کولسیان ۱: ۳، ۹

(۵) ۱ تسالونیکیان ۲: ۳-۲

(۶) ۲ تسالونیکیان ۱: ۱۱

(۶) ۲ تیموتاوس ۱: ۳

(۸) فلیمون، آیه ۴

پ) پولس از کلیساها خواست برای او دعا کنند

(۱) رومیان ۱۵: ۳۰

(۲) ۲ قرنتیان ۱: ۱۱

(۳) افسسیان ۶: ۱۹

(۴) کولسیان ۴: ۳

(۵) ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۵

(۶) ۲ تسالونیکیان ۳: ۱

۳. خدمت شفاعتی کلیسا

الف) دعا برای یکدیگر

(۱) افسسیان ۶: ۱۸

(۲) ۱ تیموتاوس ۲: ۱

(۳) یعقوب ۵: ۱۶

ب) دعای درخواستی برای گروه های خاص

(۱) دشمنان ما، متی ۵: ۴۴

(۲) کارکنان مسیحی، عبرانیان ۱۳: ۱۸

(۳) حاکمان، ۱ تیموتاوس ۲: ۲

(۴) بیماران، یعقوب ۵: ۱۳-۱۶

(۵) آنانی که از ایمان برگشته اند، ۱ یوحنا ۵: ۱۶

پ) دعا برای همه مردم، ۱ تیموتاوس ۲: ۱

III. شرایط جواب گرفتن برای دعا

الف. رابطه ما با مسیح و «روح»

۱، در او ماندن، یوحنا ۱۵: ۶

۲، در نام «او»، یوحنا ۱۴: ۱۳، ۱۴؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱۶: ۲۳-۲۴

۳، در «روح»، افسسیان ۶: ۱۸؛ یهودا ۲۰

۴، مطابق اراده خدا، متی ۶: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۳: ۲۲؛ ۵: ۱۴-۱۵

ب. محرک ها

- ۱، از مسیر خارج نشدن، متی ۲۱: ۲۲؛ یعقوب ۱: ۶-۶
۲، فروتنی و توبه، لوقا ۱۸: ۹-۱۴
۳، با نادرستی چیزی را خواستن، یعقوب ۴: ۳
۴، خودخواهی، یعقوب ۴: ۲-۳

پ. جنبه های دیگر

۱. استقامت

الف) لوقا ۱۸: ۱-۸

ب) کولسیان ۴: ۲

پ) یعقوب ۵: ۱۶

۲. پیوسته خواستار شدن

الف) متی ۶: ۶-۸

ب) لوقا ۱۱: ۵-۱۳

پ) یعقوب ۱: ۵

۳، اختلافات در منزل، ۱ پتر ۳: ۶

۴. آزاد شده از گناهان دانسته

الف) مزمو ۶۶: ۱۸

ب) امثال ۲۸: ۹

پ) اشعیا ۵۹: ۱-۲

ت) اشعیا ۶۴: ۶

IV. نتیجه گیری از دیدگاه الهیات

الف. چه امتیازی! چه فرصتی! چه وظیفه و مسئولیتی!

ب. عیسی نمونه ما است. «روح» راهنمای ما است. «پدر» با اشتیاق منتظر است.

پ. این می تواند شما، خانواده تان، دوستان تان، و جهان را تغییر دهد.



"ملعون می شدم و از مسیح جدا می گردیدم"

NASB

"از مسیح ملعون می گردیدم"

NKJV

"ملعون می شدم و از مسیح قطع می گردیدم"

NRSV

"زیر لعنت خدا فرار داشتم و از مسیح جدا می بودم"

TEV

"به میل خود محکوم شوم و از مسیح قطع گردم"

JB

معنی پایه ای "مقدس"، جدا شده برای خدا جهت استفاده او می باشد. همین موضوع در ارتباط با این واژه ها، در مورد "لعنت" نیز مصداق دارد. چیزی یا کسی برای خدا، جدا کرده می شود. این می تواند، یک تجربه مثبت (ر.ک. لاو ۲۶: ۲۸؛ لوقا ۲۱: ۵) یا تجربه منفی باشد، که این از متن مشخص می شود (ر.ک. یوشع ۶-۶؛ روم ۹: ۳).

عنوان خاص: لعنت (ANATHEMA)

در عبری چند کلمه برای "لعنت" وجود دارد. *Herem* در مورد چیزی که به خدا داده شده بود به کار می رفت (ر.ک. LXX به عنوان اناتیم، لاو ۲۶: ۲۸) - غالباً در مورد تخریب و ویرانی اطلاق می شد (ر.ک. تث ۶: ۲۶؛ یوشع ۶: ۱۶-۱۸؛ ۱۶: ۱۲). این واژه ای بود که به مفهوم "جنگ مقدس" به کار می رفت. خدا گفت که کنعان تخریب گردد و اریحا اولین فرصت و "نوبر" بود.

در عهد جدید، *اناتیما* و شکل های مرتبط به آن، به چند معنی مختلف به کار رفته اند.

۱. به عنوان هدیه یا آنچه به خدا وقف شده است (ر.ک. لوقا ۲۱: ۵)
۲. به عنوان سوگند برای مرگ خود (ر.ک. اعمال ۲۳: ۱۴)
۳. لعن کردن و قسم خوردن (ر.ک. مرقس ۱۴: ۶۱)
۴. ورد لعنت بار نسبت به عیسی (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۳)
۵. سپردن کسی با چیزی به داوری یا هلاکت توسط خدا (ر.ک. روم ۹: ۳؛ ۱ قرن ۱۶: ۲۲؛ غلا ۱: ۹-۸).

۹: ۴-۵ این شمار «عبارات اسمی»، مزایایی را با تفصیلات دقیق مشخص می کنند که خدا به قوم اسرائیل بخشیده بود. بی ایمانی آنها، با در نظر داشتن این مزیت ها، بسیار بدتر جلوه می یافت. هر که به او بیشتر داده شود، از او نیز بیشتر مطالبه خواهد شد (ر.ک. لوقا ۱۲: ۴۸)!

۹: ۴ "اسرائیلی" این نام نسل ابراهیم، طبق معاهده عهد عتیق بود. نام یعقوب پس از یک ملاقات پر اهمیت با خدا، به اسرائیل تغییر یافت (ر.ک. پیدای ۳۲: ۲۸). این نام، مبدل به عنوان جمعی برای ملت یهود گشت. ریشه واژه ای آن می تواند "EI (خدا) پاینده باد" باشد و در کنایه می رساند که حيله گری یعقوب پاینده نباشد.

□ "فرزند خواندگی به عنوان پسران، متعلق به آنهاست" در عهد عتیق، "پسران" که «جمع» است، معمولاً به فرشتگان اطلاق می شد (ر.ک. ایوب ۱: ۶؛ ۲: ۱؛ ۳۸: ۶؛ دان ۳: ۲۵؛ مزمور ۱: ۲۹؛ ۸۹: ۶-۶)، در حالیکه «مفرد» آن اشاره داشت به:

۱. پادشاه اسرائیلی (ر.ک. ۲ سمو ۶: ۱۴)

۲. ملت (ر.ک. خروج ۴: ۲۲، ۲۳؛ تث ۱۴: ۱؛ هوشع ۱۱: ۱)

۳. ماشیح (ر.ک. مزمور ۲: ۶)

۴. می تواند اشاره به انسان ها باشد (ر.ک. تث ۳۲: ۵؛ مزمور ۶۳: ۱۵؛ حز ۲: ۱؛ هوشع ۱: ۱۰). پیدایش ۶: ۲ مبهم است و می تواند یکی از این ها باشد. در عهد جدید اشاره به کسی است که متعلق به خانواده خدا است.

استعاره کاربردی پولس برای نجات، اکثراً "فرزند خواندگی" بود، اما پطرس و یوحنا از استعاره "تولد تازه" استفاده می کردند. هر دوی این استعاره ها، نسبت های خانوادگی بودند. این استعاره، یهودی نیست بلکه رومی می باشد. مطابق قانون روم، کسی را به فرزندی گرفتن کاری بسیار پرهزینه بود و انجام آن زمان بسیار می برد. شخصی که به فرزندی پذیرفته می شد، فرد جدیدی محسوب می گردید و دیگر کسی نمی توانست قانوناً، فرزند بودن را از او سلب کند، یا پدر خوانده چنین کسی نمی توانست او را بکشد.

□ "جلال" ریشه عبری آن به معنی "سنگین (گران) بودن" بود که استعاره ای برای چیزی گرانقیمت و ارزشمند بود. در این جا رجوع است به (۱) خدا که خود را در کوه سینا ظاهر ساخت (ر.ک. خروج ۱۹: ۱۸-۱۹)؛ یا (۲) ابر جلال *Shekinah* که قوم اسرائیل را در دوره سرگردانی آنها در بیابان هدایت می نمود (ر.ک. خروج ۴۰: ۳۴-۳۸). یهوه YHWH خود را به قوم اسرائیل به طرز منحصراً به فرد ظاهر ساخت. حضور یهوه، به عنوان «جلال او» ذکر شده است (ر.ک. ۱ پاد ۸: ۱۰-۱۱؛ حز ۱: ۲۸). به عنوان خاص در ۳: ۲۳ رجوع کنید.

□ "عهد ها" در نسخه های باستانی یونانی D, B, P^{۴۶} "عهد" به صورت «مفرد» به کار رفته است. اما جمع دستوری آن در MSS, C, و چند ترجمه قدیمی لاتین، ولگیت و قبطی دیده می شود. UBS^۴، میزان صحیح بودن «جمع» دستوری را "ب" (تقریباً قاطع) می داند. اما این «جمع» دستوری هرگز در عهد عتیق دیده نمی شود. چند معاهده خاص در عهد عتیق موجودند: آدم، نوح، ابراهیم، موسی، و داوود. چون اعطای شریعت، پس از آن ذکر شده است، اینجا احتمالاً رجوع به معاهده ابراهیم است و همانی است که پولس شالوده همه چیز می دانست (ر.ک. ۴: ۱-۲۵؛ غلا ۳: ۱۶-۱۶) و چند بار تکرار شده است (ر.ک. پیدایش ۱۲، ۱۵، ۱۶) و با یکایک پدران قوم بوده است.

عنوان خاص: عهد

مفهوم واژه *berith* را در عهد عتیق نمی توان بسادگی تعریف نمود. هیچگونه «فعل» مرتبط به آن در عبری وجود ندارد. تمامی سعی های به عمل آمده برای تعریف و مشخص ساختن ریشه آن، متقاعد کننده نبوده اند. اما از آنجا که موضوع آن مهم و محوری است، دانشوران و محققین بر آن شده اند تا کاربرد این واژه را بررسی نمایند، و از این راه سعی خود را برای مشخص نمودن مفهومی که در استفاده دارد، انجام دهند.

عهد، وسیله ای است که خدای یگانه حقیقی از طریق آن با انسان مخلوق خود سر و کار دارد. برای درک مکاشفه کتاب مقدسی، موضوع عهد و پیمان و توافقنامه اهمیت بسیار دارد. تنش بین حاکمیت خدا و اراده آزاد بشر در مفهوم عهد به وضوح دیده می شوند. بعضی عهد ها بر مبنای شخصیت، کارها، و مقاصد خدا می باشند.

۱. خود خلقت (ر.ک. پیدایش ۱-۲)

۲. فراخواندگی ابراهیم (ر.ک. پیدایش ۱۲)

۳. عهد با ابراهیم (ر.ک. پیدایش ۱۵)

۴. حفظ نمودن جان، و وعده به نوح (ر.ک. پیدایش ۶-۹)

اما خاصیت یک عهد این است که پاسخ و عکس العمل طلب می کند

۱. توسط ایمان بود که آدم می بایست از خدا اطاعت می کرد و از خوردن میوه درختی که در وسط باغ

عدن بود خود داری می کرد (ر.ک. پیدایش ۲)

۲. توسط ایمان بود که ابراهیم می بایست خانواده خود را ترک کرده در پی خدا می رفت و باور می

داشت در آینده خدا به او نسل ها خواهد داد (ر.ک. پیدایش ۱۲، ۱۵)

۳. توسط ایمان بود که نوح می بایست کشتی عظیمی را دور از آب بسازد و حیوانات را جمع آوری کند

(ر.ک. پیدایش ۶-۹).

۴. توسط ایمان بود که موسی قوم اسرائیل را از مصر بیرون آورد و دستورات مشخصی برای زندگی

مذهبی و اجتماعی به او داده شدند که همراه با وعده های برکت و لعنت بودند (ر.ک. تثنیه ۲۶-۲۸).

همین تنش در مورد رابطه خدا با بشر، در "معاهده نوین" حل و فصل شده است. این تنش را به وضوح

می توان در مقایسه حزقیال ۱۸ با حزقیال ۳۶: ۲۶-۳۶ دید. آیا مبنای معاهده، اعمال پر فیض خدا است یا

کارهای متقابل بشر که فرمان یافته است؟ این مسئله داغ «معاهده قدیم» و «معاهده جدید» است. اهداف هر دو معاهده یکسان اند: (۱) برقراری دوباره مشارکتی که در پیدایش ۳ از میان رفت و (۲) ایجاد قومی پارسا که شخصیت خدا را منعکس می سازند.

معاهده نوین در ارمیاء ۳۱: ۳۱-۳۴ این تنش را برطرف می سازد، زیرا کارهای انسان را به عنوان وسیله برای پذیرفته شدن توسط خدا، منتفی می کند. آن موقع احکام خدا به جای اعمال ظاهری، خواسته قلب شخص می شوند. هدف در ایجاد یک قوم خداشناس و پارسا برجای خود هست، اما روش عوض می شود. انسان های گناه کار به ثبوت رسانیدند کفایت ندارند شباهت خدا در آنها منعکس شود (ر.ک. روم ۳: ۹-۱۸). مشکل، معاهده نبود بلکه گناهکار بودن و ضعف انسان ها (ر.ک. روم ۶؛ غلا ۳).

همین تنش که بین معاهده های غیر شرطی و شرطی در عهد عتیق هست، در عهد جدید نیز باقی است. نجات، در کار تکمیل شده عیسی مسیح، کاملاً رایگان است، اما لازمه آن توبه و ایمان می باشد (هم در ابتدا و هم به طور ادامه دار). این موضوع هم یک اعلام حقوقی است و هم یک فراخوانی برای شبیه به مسیح شدن - جمله ای است گویای پذیرفته شدن و فرمانی است برای مقدس بودن! ایمانداران به وسیله کارهایشان نجات نیافته اند، بلکه تا آنکه اطاعت کنند (ر.ک. افس ۲: ۸-۱۰). زندگی مقدس و خداپسندانه گواه بر نجات می شود، نه وسیله نجات.

□ "اعطای شریعت و عبادت معبد" این اشاره به (۱) موسی است که شریعت را در کوه سینا دریافت کرد (ر.ک. خروج ۱۹-۲۰) و به داوود که عبادت معبد را متشکل ساخت، یا (۲) احتمالاً «خیمه زمان سرگردانی در بیابان» می تواند باشد (ر.ک. خروج ۲۵-۴۰ و لاویان).

□ "وعده ها" خدا از طریق عهد عتیق برنامه های آینده خود را مکتشف ساخته است (ر.ک. ۱: ۲؛ اعمال ۱۳: ۳۲؛ تیطس ۱: ۲؛ عبرانیان ۱: ۱).

از آنجا که «معاهده ها» پیش از این ذکر شده اند، "وعده ها" احتمالاً اشاره به ماشیح است (ر.ک. آیه ۵، به عنوان مثال پیدا ۳: ۱۵؛ ۴۹: ۱۰؛ تث ۱۸: ۱۵، ۱۸-۱۹؛ ۲ سمو ۶؛ مزمو ۱۶: ۱۰؛ ۱۱۸: ۲۲؛ اش ۶: ۱۴؛ ۹: ۶؛ ۱۱: ۵-۱؛ دان ۶: ۱۳، ۲۶؛ میکا ۵: ۲-۵؛ زکر ۶: ۱۳؛ ۱۲: ۱۳؛ ۹: ۹؛ ۱۱: ۱۲).

این وعده ها (معاهده ها) هم غیر شرطی هستند و هم شرطی. از لحاظ کارهایی که خدا انجام می دهد، غیر شرطی هستند (ر.ک. پیدا ۱۵: ۱۲-۲۱)، اما مشروط به ایمان و اطاعت انسان ها می باشند (ر.ک. پیدا ۱۵: ۶ و روم ۴). تنها اسرائیل بود که آنچه خدا در باره خود مکتشف ساخته بود، پیش از آمدن مسیح در دست داشت.

۹: ۵ "پدران" این رجوع به ابراهیم، اسحق و یعقوب، که پاتریارخ ها و پدران قوم هستند در پیدایش ۱۲-۵۰ می باشد (ر.ک. روم ۱۱: ۲۸؛ تث ۶: ۸؛ ۱۰: ۱۵).

□ "و مسیح به لحاظ جسم از ایشان است" رجوع اینجا به نسب نامه جسمانی ماشیح است (ر.ک. ۱: ۳) - آن شخص که «تدهین شده» بود، و آن خادم خاص و منتخب خدا که می بایست وعده ها و نقشه های خدا را به انجام برساند، (ر.ک. ۱۰: ۶).

واژه «مسیح» ترجمه یونانی «تدهین شده» در زبان عبری می باشد. در عهد عتیق سه گروه رهبران، با روغن مخصوص و مقدس تدهین می شدند (۱) پادشاهان اسرائیل، (۲) کاهنان اعظم اسرائیل، و (۳) انبیاء اسرائیل. این کار نشان می داد که خدا آنها را برگزیده بود و برای خدمت خود تجهیز می نمود. عیسی هر سه این مقام های تدهین شده را خود به انجام رسانید (ر.ک. عبر ۱: ۲-۳). او تجلی کامل خدا است زیرا او خدا بود که جسم پوشید (ر.ک. اش ۶: ۱۴؛ ۹: ۶؛ میکا ۵: ۲-۵؛ الف؛ کولس ۱: ۱۳-۲۰).



<p>"مسیح به لحاظ جسم، او که مافوق همه است، خدا که تا به ابد متبارک است"</p> <p>"مسیح آمد - او که مافوق همه است، خدا که تا به ابد متبارک است"</p> <p>"مسیح می آید - او که مافوق همه است، خدا که تا به ابد متبارک است"</p> <p>"و مسیح به عنوان انسان، از آن نژاد است. خدا را که بر همه حاکم است، تا به ابد سپاس باد"</p>	<p>NASB</p> <p>NKJV</p> <p>NRSV</p> <p>TEV</p>
--	--



"مسیح آمد، او که مافوق همه است - خدا که تا به ابد متبارک است"

از لحاظ دستوری، این می تواند سرود ستایشی برای «پدر» باشد (TEV)، اما چارچوب متن بیشتر به این سوق دارد که پولس الوهیت عیسی را تأیید می کند. پولس *Theos* را در مورد عیسی معمولاً به کار نمی برد، اما در بعضی موارد چنین اطلاقی کرده است (ر.ک. اعمال ۲۰: ۲۸؛ تیطس ۲: ۱۳؛ فیل ۲: ۶). همگی پدران اولیه کلیسا این متن را در رجوع به عیسی تفسیر می کردند.

▣ "او که مافوق همه است" این همچنین می تواند عبارت توصیفی برای خدای پدر یا عیسی پسر باشد. در آن، پرتوی از سخن عیسی در متی ۲۸: ۱۹ و گفتار پولس در کولس ۱: ۱۵-۲۰ هست. چنین عبارت پرشکوه و ملوکانه ای، اوج جهالت قوم اسرائیل را به خاطر رد کردن عیسی ناصری نمایان می ساخت.

▣ "تا به ابد" این به طور تحت اللفظی، عبارت و اصطلاح یونانی "تا ابد" است (ر.ک. لوقا ۱: ۳۳؛ روم ۱: ۲۵؛ ۱۱: ۳۶؛ غلا ۱: ۵؛ ۱ تیمو ۱: ۱۶). این یکی از چند عبارات مربوطه است (۱) "تا دوره" (ر.ک. متی ۲۱: ۱۹؛ {مرقس ۱۱: ۱۴}؛ لوقا ۱: ۵۵؛ یوحنا ۶: ۵ و ۵۸؛ ۸: ۳۵؛ ۱۲: ۳۴؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۱۶؛ ۲ قرن ۹: ۹) یا (۲) "از دوره ادوار" (ر.ک. افس ۳: ۲۱). به نظر نمی رسد برای "تا به ابد"، هیچ تمایزی بین این اصطلاحات وجود داشته باشد. احتمال دارد واژه "ادوار"، در مفهوم مجازی ساختار دستوری معلمین یهود که "جمع ملوکانه" خوانده می شد، «جمع» باشد یا می تواند رجوعی به موضوع چندین "ادوار" طبق مفهوم یهودی "دوره معصومیت"، "دوره گناه"، "دوره آینده" یا "دوره نیکی مطلق" باشد.

▣ "آمین" به عنوان خاص در ۱: ۲۵ رجوع نمایند.

متن NASB (به روز شده): ۹: ۶-۱۳

۶ اما آنطور نیست که کلام خدا به انجام نرسیده باشد. زیرا کسانی که از نسل اسرائیل هستند، همه، قوم اسرائیل نیستند،^۶ و چون نسل ابراهیم اند، همه فرزندان نیستند، اما: "نسل تو، از طریق اسحق نامیده خواهند شد."^۸ به این معنی که فرزندان جسم آنانی نیستند که فرزندان خدا باشند، بلکه فرزندان آن وعده، نسل محسوب می گردند.^۹ زیرا اینست کلام وعده: "در این زمان خواهیم آمد، و سارا پسری خواهد آورد"^{۱۰} و نه تنها این، بلکه ربکا نیز بود، زماتی که فرزندان توأم را از یک شخص، یعنی از پدر ما اسحق، باردار

شد؛^{۱۱} چون گرچه هنوز فرزندان توأم متولد نشده بودند و هیچ کاری را، نیک یا بد، انجام نداده بودند – تا مقصود خدا مطابق انتخاب او برجا بماند – نه به خاطر اعمال، بلکه به خاطر او که فرا می خواند -^{۱۲} به آن زن گفته شد، "بزرگتر، کوچکتر را خدمت خواهد نمود." "همانطور که نوشته شده است،" یعقوب را دوست داشتم، اما از عیسو متنفر بودم."

۹: ۶ "کلام خدا" این عبارت در این متن به وعده های معاهدات عهد عتیق اشاره می کند. وعده های خدا یقین هستند (ر.ک. اعد ۲۳: ۱۹؛ اش ۴۰: ۸؛ ۵۵: ۱۱؛ ۵۹: ۲۱).



NRSV، NASB

JB، TEV

"به انجام نرسیده باشد"

"بی اثر بوده است"

NKJV

این واژه (*ekpiptō*) در «ترجمه هفتاد» چند بار برای چیزی (ر.ک. اش ۶: ۱۳) یا شخصی (ر.ک. اش ۱۴: ۱۲) به کار برده شده است که در حال افتادن هستند. در اینجا به صورت «متعدی کامل اخباری» است، که حالت بودن را با اثرات پایدار می رساند (که نفی شده است). به یادداشت فوق در مورد یقین بودن کلام خدا مراجعه نمایید.



"زیرا کسانی که از نسل اسرائیل هستند، همه، قوم اسرائیل نیستند"

NASB

"زیرا کسانی که از «اسرائیل» هستند، همه قوم اسرائیل نیستند"

NKJV

"زیرا نه همه اسرائیلی ها به قوم اسرائیل تعلق دارند"

NRSV

"زیرا نه همه قوم اسرائیل، قوم خدا هستند"

TEV

"زیرا نه همه آنها که از نسل اسرائیل هستند، قوم اسرائیل می باشند"

JB

معنی این پارادوکس و «گفتار متناقض نما»، با معانی مختلف کلمه "اسرائیل" در کتاب مقدس ارتباط دارد (۱) اسرائیل، به معنی نسل های یعقوب (ر.ک. پید ۳۲: ۲۲-۳۲)؛ (۲) اسرائیل، به معنی قوم برگزیده خدا (ر.ک. TEV)، یا (۳) اسرائیل روحانی - اسرائیل به معنی کلیسا، (ر.ک. غلا ۶: ۱۶؛ ۱ پتر ۲: ۸ و ۹؛ مکا ۱: ۶) در تقابل با آنانی است که از نسل اسرائیل هستند (ر.ک. آیات ۳-۶). تنها برخی از فرزندان ابراهیم، فرزندان وعده بودند (ر.ک. آیه ۶). حتی یهودیان، هرگز آن رابطه مطلوب را با خدا، صرفاً بر پایه اصل و نسب شان نداشتند (ر.ک. آیه ۶)، بلکه این بر پایه ایمان آنها بوده است (ر.ک. ۲: ۲۸-۲۹؛ ۴: ۱ به بعد؛ یو ۸: ۳۱-۵۹؛ غلا ۳: ۶-۹؛ ۴: ۲۳). آن باقیمانده ایماندار بودند که وعده خدا را دریافت می کردند و با ایمان در آنها سلوک می نمودند (ر.ک. ۹: ۲۶؛ ۱۱: ۵).

آیه ۶، شماری از اعتراضات انگار شده را آغاز می کند (ر.ک. ۹: ۱۴ و ۱۹ و ۳۰؛ ۱۱: ۱). این در ادامه قالب دستوری اعتراض آمیز پولس است. طرز بیان مذکور، واقعیت را از طریق یک معترض فرضی می رساند (ر.ک. ملا ۱: ۲، ۶، ۶ [دو بار]، ۱۲، ۱۳؛ ۲: ۱۴، ۱۶ [دو بار]؛ ۳: ۶، ۱۳، ۱۴).

۹: ۶ نیمه دوم این آیه، نقل قولی از پیدایش فصل ۲۱، قسمت آخر آیه ۱۲ است. همه فرزندان ابراهیم، در معاهده خدا فرزندان وعده نبودند (ر.ک. پید ۱۲: ۱-۳؛ ۱۵: ۱-۱۱؛ ۱۶: ۱-۲۱؛ ۱۸: ۱-۱۵؛ غلا ۴: ۲۳). این تمایز بین اسمائیل و اسحق را در آیات ۸-۹، و بین یعقوب و عیسو را در آیات ۱۰-۱۱ نشان می دهد.

۹: ۸ در اینجا پولس از واژه "جسم" برای رجوع به اصل و نسب قومی استفاده کرده است (ر.ک. ۱: ۳؛ ۴: ۱؛ ۹: ۳ و ۵). او تفاوت میان فرزندان که از نسل ابراهیم هستند (یهودیان در ۹: ۳) و فرزندان روحانی (فرزندان وعده) ابراهیم را مطرح می‌سازد (کسانی که توسط ایمان، به ماشیح موعود خدا توکل می‌کنند). این همان تفاوتی نیست که در ۸: ۴-۱۱ - بشر سقوط کرده در تقابل با بشر فدیة شده - آمده است.

۹: ۹ این نقل قولی از پیدایش ۱۸: ۱۰ و ۱۴ است. فرزند وعده، یا همان ("ذریه")، از نسل سارا بوسیله پیشقدم شدن خدا می‌آید. این نهایتاً به زاده شدن ماشیح می‌انجامد. اسحق، تحقق خاص وعده خدا به ابراهیم بود که سیزده سال پیش از آن در پیدایش ۱۲: ۱-۳ وعده داده شده بود.

۹: ۱۰ همسران ابراهیم و اسحق و یعقوب، نازا بودند و نمی‌تواند باردار شوند. بچه دار نشدن آنها، یکی از راه‌های الهی بود تا نشان دهد او در کنترل وعده‌های معاهده، و سلسله اجداد ماشیح است. راه دیگر آن بود که سلسله راستین اجداد ماشیح، هرگز از نسل پسران اول پاتریارخ‌ها [پدران اعظم قوم اسرائیل] نبودند (که فرهنگ این را ایجاب می‌کرد). کلید، گزینه خدا است (ر.ک. آیات ۱۱-۱۲).

۹: ۱۱-۱۲ آیات ۱۱-۱۲ در یونانی یک جمله هستند. این شرح از پیدایش ۲۵: ۱۹-۳۴ برگرفته شده است. از این نمونه استفاده شده تا ثابت گردد که آنچه مطرح است گزینه خدا است (ر.ک. آیه ۱۶)، نه (۱) اصل و نسب انسانی یا (۲) شایستگی یا دستاورد‌های افراد (ر.ک. آیه ۱۶). این مفهوم اصلی انجیل و پیمان جدید است (ر.ک. ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۶). اما باید بیاد داشت که مقصود از آنچه خدا انتخاب کرده بود این نبود که عده‌ای محروم گردند، بلکه تا شامل گردند! ماشیح از ذریه برگزیده‌ای زاده می‌شود، اما برای همگان خواهد آمد (آنانی که ایمان بیاورند، ر.ک. ۲: ۳۸-۲۹؛ ۴: ۳، ۲۲-۲۵؛ فصل ۱۰).

۹: ۱۱ "مقصود" این واژه مرکب *pro* به علاوه *tithēmi* است، که چند مفهوم دارد.

۱. در رومیان ۳: ۲۵

الف. ارائه به عموم

ب. هدیه برای فرونشاندن غضب خدا

۲. برنامه ریزی پیشاپیش

الف. توسط پولس، رومیان ۱: ۱۳

ب. توسط خدا، افسسیان ۱: ۹

قالب «اسم» برای (*prosthesis*)، در این متن، به معنی "قراردادن در برابر چیزی" است

۱. در مورد نان تقدیس شده در معبد به کار برده شده است، متی ۱۲: ۴؛ مرقس ۲: ۲۶؛ لوقا ۶: ۴

۲. در مورد مقصود خدا - که از قبل مقدر شده و فدیة کننده می‌باشد، به کار رفته است، روم ۸: ۲؛ ۸: ۹؛ افس ۱: ۵، ۱۱؛ ۳: ۱۰؛ ۲ تیمو ۱: ۹؛ ۳: ۱۰

پولس از چند واژه مرکب با «حرف اضافه» *pro* (پیش) در فصل ۸ و ۹ رومیان و فصل ۱ افسسیان

استفاده کرده است

۱. *proginōskō* (از پیش می‌شناخت)، روم ۸: ۲۹

۲. *proorizō* (از پیش طراحی کردن)، روم ۸: ۲۹ (افس ۱: ۵، ۱۱)، ۳۰ (افس ۱: ۹)

۳. *prosthesis* (هدف تعیین شده از پیش)، روم ۹: ۱۱

۴. *proetoimazō* (پیشاپیش آماده کردن)، روم ۹: ۲۳

۵. *prolegō* (در پیش گفته شده)، روم ۹: ۲۹

۶. *proelpizō* (از پیش امید داشته شده)، افس ۱: ۱۲

۹: ۱۲ این نقل قولی است از پیشگویی در پیدای ۲۵: ۲۳ راجع به عیسو و یعقوب. حاکی از این است که ربکا (رفقه) و یعقوب مطابق پیشگویی عمل کردند و بخاطر نفع شخصی نبوده است که برای دریافت برکت از اسحق با نیرنگ عمل کردند!

۹: ۱۳ "اما از عیسو متفر بودم" این نقل قولی از ملاکی ۱: ۲-۳ است. "نفرت"، یک اصطلاح مقایسه ای در زبان عبری است. معنی آن در انگلیسی سخت و ناگوار می نماید، اما این آیات را مقایسه نمایید: پیدای ۲۹: ۳۱-۳۳؛ تث ۲۱: ۱۵؛ متی ۱۰: ۳۶-۳۸؛ لو ۱۴: ۲۶؛ و یو ۱۲: ۲۵. واژه های "محبت" و "نفرت" که در اینجا خصایل انسانی را به غیر از انسان نسبت می دهند [anthropomorphic terms] ارتباطی با احساس خدا نسبت به این اشخاص ندارند، بلکه مربوط اند به سرسپردگی خدا به نسل هایی که ماشیح از آنها زاده می شد و همچنین به وعده آمدن ماشیح. یعقوب مطابق پیشگویی پیدای ۲۵: ۲۳، پسر وعده بود. عیسو، در ملاکی ۱: ۲-۳، اشاره به ملت ادوم (نسل های عیسو) بود.

متن NASB (به روز شده): ۹: ۱۴-۱۸

۱۴ پس چه بگوییم؟ در خدا که هیچ بی انصافی نیست - آیا هست؟ هرگز چنین مباد! ^{۱۵} زیرا «او» به موسی می فرماید، "رحم خواهم کرد بر هر که نسبت به او رحیم هستم، و شفقت خواهم کرد بر هر که نسبت به او شفقت دارم." ^{۱۶} بنابراین به آن که اراده میکند یا به آنکه می دود بستگی ندارد، بلکه به خدا که رحم می کند. ^{۱۷} زیرا کلام خدا به فرعون می گوید: "بهمین منظور ترا برانگیختم، تا در تو قدرت خود را نشان دهم، و اسم من در سراسر جهان اعلام گردد." ^{۱۸} بنابراین «او» نسبت به هر که بخواهد رحم می کند، و هر که را بخواهد سختدل می سازد.

۹: ۱۴ "پس چه بگوییم" پولس معمولاً از این قالب «سخن اعتراض آمیز» استفاده می کند (ر.ک. ۳: ۵؛ ۱: ۱؛ ۶: ۱؛ ۶: ۶؛ ۸: ۳۱؛ ۹: ۱۴، ۱۹، ۳۰).

□ "در خدا که هیچ بی انصافی نیست - آیا هست" اگر حاکمیت خداست که مقدر می سازد، چطور ممکن است خدا بشر را مسئول بشناسد (ر.ک. آیه ۱۹)؟ این رازِ گزینش [election] است. در این مضمون، تأکید اصلی بر اینست که خدا می تواند نسبت به بشر هر چه بخواهد انجام دهد (نسبت به انسان های سرکش)، لیکن خدا حاکمیت خود را با رحم کردن نشان می دهد، نه با زور و قدرت بالفطره.

این را نیز باید یاد آور شد که آنچه خدا در حاکمیت خود انتخاب می کند بر مبنای پیشدانی خدا از کارها و گزینه های بشر نیست. اگر چنین بود، نهایتاً گزینه ها و کارها و شایستگی های افراد، مبنای گزینه های الهی می شدند (ر.ک. آیه ۱۶؛ ۱ پتر ۱: ۲). در وراء این مطلب، دیدگاه سنتی یهودی است که معتقد به موفقیت و کامیابی پارسایان می باشند (ر.ک. تث ۲۶-۲۸؛ ایوب و مزور ۶۳). اما خدا اراده کرده است به وسیله ایمان، افراد نالایق را برکت دهد (نه به وسیله کارها، ر.ک. ۵: ۸). خدا عارف بر همه چیز است، اما اراده کرده است تا گزینه های خود را در این دو چارچوب محدود سازد: (۱) رحم کردن و (۲) وعده. پاسخ انسان، لازمه کار هست، اما در مرحله بعد از گزینش الهی صورت می گیرد، و تأییدی است از انتخاب الهی که زندگی را دگرگون می سازد و افراد را برمی گزیند.

□ "هرگز چنین مباد" این «قالب تمنایی» نادری است که پولس اغلب از آن برای نفی کردن قطعی استفاده می کرد - و معمولاً در جواب سئوالات اعتراض کننده فرضی او بود (ر.ک. ۳: ۴، ۶، ۳۱؛ ۶: ۲، ۱۵؛ ۶: ۱۳، ۱۱؛ ۱۱: ۱، ۱۱ نیز ۱ قرن ۱۵: ۶؛ ۱۶: ۲؛ ۲۱: ۳؛ ۶: ۱۴).

۹: ۱۵ این نقل قولی از خروج ۳۳: ۱۹ است. خدا مختار است تا مطابق مقاصد خود برای فدیة و رستگاری بشر عمل کند. حتی موسی شایسته برکت خدا نبود (ر.ک. خروج ۳۳: ۲۰). او مرتکب قتل شده بود (ر.ک. خروج ۲: ۱۱-۱۵). کلید در اینست که گزینش های الهی در چارچوب رحم کردن انجام می گیرند (ر.ک. آیات ۱۶، ۱۸، ۲۳؛ ۱۱: ۳۰، ۳۱، ۳۲).

۹: ۱۵-۱۶ "رحم" این واژه یونانی (*eleos*)، ر.ک. آیات ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳؛ ۱۱: ۳۰، ۳۱، ۳۲) در ترجمه هفتاد (LXX) برای ترجمه واژه خاص عبری *hesed* به کار گرفته شده است (بیاد داشته باشید که نگارندگان عهد جدید، تفکر عبرانی داشتند و به زبان عامی یونانی می نگاشتند)، و این واژه به معنای "وفاداری پا برجا و همراه با عهد" بود. رحم خدا و گزینش او، از لحاظ دستوری جمع و شراکتی می باشند (یهودیان [اسحق]، نه اعراب [اسماعیل]؛ اسراییل [یعقوب]، نه ادم [عیسوی]، بلکه یهودیان ایماندار و غیریهودیان ایماندار، ر.ک. آیه ۲۴) و به صورت فردی نیز می باشند. این واقعیت، یکی از کلیدها برای گشودن راز آموزه تقدیر [predestination] می باشد (رستگاری جهانی). کلید دیگر در مضمون فصل های ۹-۱۱، شخصیت تغییرناپذیر خدا است - رحم، نه کارهای انسان (۹: ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳؛ ۱۱: ۳۰، ۳۱، ۳۲). رحم الهی از طریق برگزیدن، نهایتاً مشمول همه آنانی می گردد که به مسیح ایمان می آورند. این یک، در ایمان را به روی همه می گشاید (ر.ک. ۵: ۱۸-۱۹).

۹: ۱۶-۱۸ آیه ۱۶ نقل قول جهانی و پر قدرتی از خروج ۹: ۱۶ می باشد؛ آیه ۱۸ نتیجه گیری از نقل قول مذکور است. در خروج ۸: ۱۵، ۳۲؛ ۹: ۳۴ گفته شده که فرعون قلب خود را سخت نمود. در خروج ۴: ۲۱؛ ۶: ۳؛ ۹: ۱۲؛ ۱۰: ۲۰، ۲۶؛ ۱۱: ۱۰ آمده که خدا قلب او را سخت نمود. از این نمونه برای نشان دادن حاکمیت خدا استفاده می گردد (ر.ک. آیه ۱۸). فرعون در برابر تصمیمات خود مسئول شناخته می شود. خدا از شخصیت فرعون که متکبر و گستاخ و لجوج بود به منظور انجام اراده خود برای قوم اسراییل استفاده می نماید (ر.ک. آیه ۱۸).

نیز توجه داشته باشید هدف از کارهایی که خدا نسبت به فرعون انجام داد، رستگار ساختن بود؛ و آن اعمال همه را در بر می گرفت. مقصود از کارهای او اینها بودند:

۱. تا قدرت خدا را آشکار سازند (در تضاد با خدایان مصری که نیروهای طبیعت و حیوانات را می پرستیدند، همانطور که پیدایش فصل ۱ به خدایان کیهانی بابلی ها چنان می کند)
۲. تا خدا را به مصر مکشوف سازند - و تلویحاً به تمامی جهان (ر.ک. آیه ۱۶).

تفکر غربی (آمریکایی) فرد را خیلی بزرگ می کند، اما تفکر شرقی متمرکز بر نیازهای گروه به طور جمعی است. خدا از فرعون استفاده کرد تا خود را به جهان نیازمند آشکار سازد. خدا با قوم اسراییل بی ایمان نیز همین کار را خواهد کرد (ر.ک. فصل ۱۱). در این چارچوب، حقوق فرد، تحت الشعاع نیازهای جمعی قرار می گیرد. نمونه های جمعی عهد عتیق را نیز در نظر داشته باشید:

۱. اولین فرزندان ایوب در نتیجه آنچه شیطان به خدا گفت، جان دادند (ر.ک. ایوب ۱-۲)
۲. سربازان اسراییل بخاطر گناه آخان هلاک شدند (ر.ک. یوشع ۶)
۳. فرزند اول داوود با بتشبع، بخاطر گناه داوود مرد (ر.ک. ۲ سمو ۱۲: ۱۵).

همه ما تحت تأثیر انتخاب ها و تصمیمات دیگران قرار می گیریم. این حالت مشارکتی بودن را می توان در عهد جدید در رومیان ۵: ۱۲-۲۱ مشاهده نمود.

متن NASB (به روز شده): ۹: ۱۹-۲۶

۱۹ آن موقع به من خواهید گفت: "چرا «او» هنوز ایراد می گیرد؟ زیرا چه کسی می تواند با اراده «او» مقاومت کند؟" ۲۰ نخیر، ای انسان، تو کیستی که به خدا جواب می دهی؟ مصنوع که نمی آید از صانع خود بپرسد "چرا مرا به این شکل ساختی" - آیا می پرسد؟ ۲۱ یا کوزه گر در مورد سفال حق ندارد از همان توده، یک ظرف را برای مصرف عالی و دیگری را برای مصرف معمولی بسازد؟ ۲۲ چه می شود اگر خدا، با اینکه مایل است غضب خود را نشان دهد و قدرت خود را بشناساند، با بردباری فراوان، متحمل ظروف غضب شده باشد که برای هلاکت آماده گردیده اند. ۲۳ و «او» چنین کرد تا فراوانی جلال خود را به ظروف رحمت بشناساند، که پیشاپیش برای جلال آماده کرده است. ۲۴ حتی ما، که «او» نیز فراخواند، نه صرفاً از میان یهودیان، بلکه از میان غیریهودیان نیز. ۲۵ چنانکه او در هوشع نیز می فرماید: "آنان را که قوم من نبودند، «قوم خویش» - و او را که محبوب نبود، «محبوب» خواهم خواند." ۲۶ "و چنین خواهد شد که در جایی که به ایشان گفته شد: "شما قوم من نیستید" در آنجا پسران خدای زنده خوانده خواهند شد."

۹: ۱۹ "چه کسی می تواند با اراده «او» مقاومت کند" این یک «متعددی کامل اخباری» است، که واقعیتهای اثبات شده را با نتایج مداوم تأکید می نمود (۲ توا ۲۰: ۶؛ ایوب ۹: ۱۲؛ مز ۱۳۵: ۶؛ دان ۴: ۳۵). گفتار اعتراض آمیز ادامه می یابد. از لحاظ منطقی، پی گیری گفتار اعتراض آمیز پولس، بهترین راه برای تهیه رؤس مطالب و درک تفکر پولس است. به پیشگفتار فصل، «ب ۱» رجوع نمایید. خواست و اراده خدا باید در دو سطح دیده شود. اول، برنامه های رستگار کننده او برای تمامی انسان ها است که در اثر گناه سقوط کرده اند (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵). انتخاب های فردی مردم، هیچ اثری بر روی این برنامه ها و نقشه ها ندارند. اما در سطحی دیگر، خدا اراده کرده است تا از دستگیری انسان استفاده نماید (ر.ک. خروج ۳: ۶-۹). خدا افراد را برمی گزیند تا نقشه های او را به انجام برسانند (هم به طرزی مثبت، مانند موسی، و هم به طرز منفی، مانند فرعون).

۹: ۲۰-۲۱ این تشبیه ادبی از اشعیا ۲۹: ۱۶؛ ۴۵: ۹-۱۳؛ ۶۴: ۸ و ارمیا ۱۸: ۱-۱۲ گرفته شده است. استعاره YHWH به عنوان کوزه گر، اغلب در مورد خدا به عنوان آفریننده به کار می رفت، با در نظر داشتن اینکه انسان از خاک ساخته شده است (ر.ک. پیدا ۲: ۶). پولس، با مطرح ساختن سه سؤال دیگر، نکته مورد بحث خود را در مورد حاکمیت خدا به ثبوت می رساند، که دو سؤال اول در آیه ۲۰ و سؤال سوم در آیه ۲۱ آمده اند. سؤال آخر بازگشتی است به مقایسه انتخاب مثبت خدا در گزینش موسی و انتخاب منفی او در گزینش فرعون. چنین مقابله تضادها را می توان در موارد ذیل مشاهده نمود: (۱) اسحق و اسماعیل، در آیات ۸-۹؛ (۲) یعقوب و عیسو در آیات ۱۰-۱۲؛ و (۳) ملت اسرائیل و ملت ادوم در آیه ۱۳. همین قیاس، بسط بیشتری یافته است تا مسئله آن زمان پولس را در مورد یهودیان ایماندار و بی ایمان نشان دهد. گزینش مثبت الهی، نهایتاً در پذیرش ایمانداران غیریهودی نمودار شده است (آیات ۲۴-۲۹ و ۳۰-۳۳)!

۹: ۲۲ "اگر" این قسمتی از یک «جمله شرطی نوع اول» می باشد که از دیدگاه نویسنده، واقعیت فرض شده است، لیکن از لحاظ دستوری نیمه تمام است. آیات ۲۲-۲۴ در یونانی یک جمله هستند. آیه ۲۲ شخصیت رستگار کننده خدا را نشان می دهد. خدا، خدای عدالت است. همه انسان ها روزی برای اعمالشان به خدا جوابگو خواهند بود. اما در عین حال او خدای رحیم است. همه انسان ها استحقاق دارند هلاک گردند (ر.ک. ۱: ۱۸-۳: ۲۱). عدالت، خبر خوش نیست! شخصیت خدا اصولاً رحم کننده است، نه غضب کننده (ر.ک. تث ۵: ۹-۱۰؛ ۶: ۹؛ هو ۱۱: ۸-۹). انتخاب های او برای رستگار ساختن است (ر.ک. حز ۳۶: ۲۲-۳۳). او نسبت به بشر گناهکار بردبار است (ر.ک. حز ۱۸). او حتی از شریر برای اهداف نجات بخش خود

استفاده می برد! (برای نمونه: شیطان، فرعون، جادوگر اِندُر، آشور، نبوکرنصر، کوروش، و در فصل ۱۱، اسرائیل بی ایمان)!



"مایل است غضب خود را نشان دهد"	NASB
"می خواهد غضب خود را نشان دهد"	NKJV
"خواهان نشان دادن غضب خود است"	NRSV
"می خواست غضب خود را نشان دهد"	TEV
"آماده است تا غضب خود را نشان دهد"	JB

خدا غضب خود را نمایان می کند تا قدرت خود (ر.ک. آیه ۲۲) و دولتمندی جلالش را بشناساند (ر.ک. آیه ۲۳). اعمال خدا همیشه به منظور رستگار کردن می باشند (به غیر از *Gehenna*، که محل نهایی است برای انزوا و جدا ساختن بی ایمانی سرسختانه و گناه).

□ "ظروف غضب" این واژه، استعاره گِل سفال را از آیات ۲۰ و ۲۱ ادامه می دهد. این اشاره مشخصاً به افراد بی ایمان است که خدا از آنها برای پیشبرد نقشه خود برای رستگاری استفاده می کند.



"آماده گردیده اند"	NKJV، NASB
"ساخته شده اند"	NRSV
"محکوم به سرنوشت بد شده اند"	TEV
"برای آن مقصود ساخته شده اند"	NJB

این وجه «وصفی غیرمستقیم کامل» است. در نسخه های پاپیروس، واژه مذکور در مورد چیزی کاربرده شده است که برای رسیدن به سرنوشت کامل خود تهیه گردیده است. بی ایمانی توأم با نافرمانی، روزی داوری خواهد شد و سزایش را خواهد دید. اما اراده خدا این است که از بی ایمانان برای انجام اهداف گسترده تر خود که شامل همگان و برای رستگاری شان هستند، استفاده نماید. در بررسی واژه گان، ام.آر. وینسنت می گوید "نه اینکه توسط خدا برای هلاکت ساخته و تجهیز شده باشند، بلکه در مفهوم صفت، رسیده و آماده هلاکت هستند، و وجه وصفی، حالت کنونی را می رساند که از پیش شکل یافته است، اما هیچ اشاره ای نمی کند که چگونه شکل یافته است" (صفحه ۶۱۶).

□ "هلاکت" به عنوان خاص در ۳: ۳ رجوع نمایید.

۹: ۲۳ "که پیشاپیش برای جلال آماده کرده است" همین واقعیت در رومیان ۸: ۲۹-۳۰ و افسسیان ۱: ۴ و ۱۱ اظهار شده است. این باب، قوی ترین بیان حاکمیت خدا در عهد جدید است. بحثی در این نمی تواند باشد که خدا کنترل تمامی آفرینش و رستگاری را در دست دارد! هرگز نباید اهمیت این واقعیت عظیم را کاهش داد یا آن را در لافه بیان کرد. در عین حال باید در نظر داشته باشیم که خدا، معاهده را به عنوان وسیله برقراری ارتباط با انسان - که به شباهت او ساخته شده - انتخاب نمود. یقیناً درست است که برخی معاهدات در عهد عتیق، مانند پیدا ۹: ۸-۱۶ و ۱۵: ۱۲-۲۱، بلا شرط هستند و هیچگونه بستگی به پاسخ بشر ندارند، اما شماری از پیمان های دیگر، مشروط بر عمل متقابل و پاسخ انسان می باشند (مانند باغ عدن، نوح، موسی و داوود). خدا برای خلقت خود نقشه رستگاری دارد و هیچ انسانی نمی تواند تغییری در این نقشه بدهد. خدا

اراده نموده است به افراد اجازه دهد در نقشه های او سهم خود را اجرا کنند. این فرصت برای شرکت داشتن، تنش الهیاتی است بین حاکمیت خدا (رومیان ۹) و اراده آزاد بشر (رومیان ۱۰).

مناسب نیست یکی از موضوع های مورد تأکید کتاب مقدس را گلچین کنیم و موضوع دیگری را نادیده بگیریم. میان آموزه ها تنش و کشمکش وجود دارد، زیرا شرقی ها واقعیت را در قالب دوگانگی پرتنش و دیالکتیکی بیان می کنند. آموزه ها باید در مقایسه با آموزه های دیگر در نظر گرفته شوند. حقیقت، متشکل از حقیقت هایی است که مانند تکه های موزاییک هنری، در کنار هم قرار می گیرند و یک تصویر را به وجود می آورند.

یقیناً اینجا سری وجود دارد! پولس نتیجه گیری منطقی نمی کند که (آیه ۲۲) بی ایمانان برای غضب (*kataptizō*) و (آیه ۲۳) ایمانداران برای جلال آماده شده باشند (*proetoimazō*). آیا انتخابی که خدا انجام می دهد تنها عامل است، یا انتخاب خدا بر مبنای رحم او به همگان است، اما بعضی هدیه او را رد می کنند؟ آیا انسان کنترلی یا نقشی برای آینده خود دارد (ر.ک. ۹: ۳۰ - ۱۰: ۲۱)؟ مبالغه هایی در هر دو نظریه ها وجود دارد (آگوستین - پلاجیوس). به عقیده من موضوع معاهده، این دو مسیر را به هم می پیوندد - با تأکید بر خدا. انسان، تنها می تواند در برابر آنچه خدا آغاز می کند و برای آن پیشقدم می شود، پاسخ دهد (به طور مثال یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). از دیدگاه من، شخصیت خدا مستبد و دمدمی مزاج نیست، بلکه رحم کننده است. او به هر یک از مخلوقات بشری و هوشیار خود که در شباهت به او ساخته شده اند، دست یاری دراز می کند (ر.ک. پیدا ۱: ۲۶، ۲۶). من با این متن در تقلا هستم. بسیار قدرتمند است، اما در عین حال بد و خوب را کاملاً مشخص می سازد. تمرکز آن بی ایمانی یهودیان است، که منجر شده است درهای پذیرش به سوی غیریهودیان باز شوند (فصل ۱۱)؛ اما این تنها یک متن در مورد شخصیت خدا نیست!

▣ "جلال" به یادداشت در ۳: ۲۳ رجوع نمایید.

۹: ۲۴ این آیه نشان می دهد دریافت کنندگان و عده خدا صرفاً یهودی نژادان نمی باشند. خدا بر پایه گزینش خود به انسان ها رحم کرده است. وعده پیدایش ۳: ۱۵ در ارتباط با تمامی بشر است (زیرا تا فصل ۱۲ یهودیان هنوز وجود نداشتند). فراخوانی ابراهیم در ارتباط با همگی بشر بود - پیدایش ۱۲: ۳. فراخواندگی اسرائیل به عنوان قلمرو ملوکانه کاهنان در ارتباط به همگی بشر بود (ر.ک. خروج ۱۹: ۵-۶)؛ این سری خداست که زمانی مخفی بود، اما اکنون کاملاً عیان شده است (ر.ک. افس ۲: ۱۱ - ۳: ۱۳؛ غلا ۳: ۲۸؛ کولس ۳: ۱۱).

نمونه هایی برای گفتار پولس در آیه ۲۴ را می توان در یک سری نقل قول از عهد عتیق مشاهده نمود (آیات ۲۵-۲۹).

- ۱، آیه ۲۵، هوشع ۲: ۲۳
- ۲، آیه ۲۶، هوشع ۱: ۱۰ ب
- ۳، آیه ۲۶، اشعیا ۱۰: ۲۲ و/یا هوشع ۱: ۱۰ الف
- ۴، آیه ۲۸، اشعیا ۱۰: ۲۳
- ۵، آیه ۲۹، اشعیا ۱: ۹

۹: ۲۵-۲۶ در چارچوب متن، این آیات از «ترجمه هفتاد» (LXX) هوشع ۲: ۲۳ (با بعضی تعدیلات) و از ۱: ۱۰ می باشند - در جایی که به «ده قوم شمالی» اشاره می کرد - اما اینجا پولس در مورد غیریهودیان صحبت می کند. این روش معمول کاربرد عهد عتیق توسط نگارندگان عهد جدید بود. کلیسا از دیدگاه آنان، تحقق وعده هایی بود که به قوم اسرائیل داده شده بودند (ر.ک. ۲ قرن ۶: ۱۶؛ تیطس ۲: ۱۴؛ ۱ پتر ۲: ۹-۵). در این مورد، آیات کتاب هوشع، اشاره به قوم بی وفای اسرائیل داشتند. اگر خدا می توانست «ده قوم

شمالی» بت پرست را به سوی خود بازگرداند، پولس این را گواه بر محبت و عفو الهی می دانست که یک روز حتی شامل بی ایمانان بت پرست (غیریهودیان) می گردید.

متن NASB (به روز شده): ۹: ۲۷-۲۹

۲۷ اشعیاء در باره اسراییل ندا در می دهد که: "حتی اگر شمار پسران اسراییل مانند شن دریا باشد، باقیمانندگان هستند که نجات خواهند یافت؛^{۲۸} زیرا خداوند کلام خود را بر زمین، به طور کامل و سریع به اجرا خواهد آورد." ۲۹ و همانطور که اشعیاء پیشگویی نمود: "اگر «خداوند صباوت» نسلی برای ما باقی نمی گذاشت مانند سدوم می شدیم و شبیه به عموره می گشتیم."

۹: ۲۷

NKJV، NASB

"حتی اگر"

NJB، NRSV

"اگر چه"

TEV

این «جمله شرطی نوع سوم» است (ean به اضافه «وجه التزامی») که عمل بالقوه را می رساند.

۹: ۲۷-۲۸ این نقل غیر دقیقی از «ترجمه هفتاد» (LXX) از اشعیاء ۱۰: ۲۲-۲۳ است. «متن دریافتی» [Textus Receptus]، یک عبارت پایانی از «ترجمه هفتاد» را از اشعیاء ۱۰: ۲۳ به آن اضافه کرده است. اما آن، در نسخه های باستانی یونانی^{۳۱} P، ۴، A و B نیامده است، و نشان می دهد که بعدها توسط یک نسخه بردار اضافه گردیده است. UBS^۴ احتمال حذف بودن آن را "یقین" محسوب می کند.

□ "مانند شن دریا" این بخشی از گفتار استعاره ای در مورد نتایج پر شمار و عده خدا به ابراهیم است (ر.ک. پیدا ۱۵: ۵؛ ۲۲: ۱۶؛ ۲۶: ۴).

□ "باقیمانندگان هستند که نجات خواهند یافت" عبارت "باقیمانندگان" در کتب انبیای عهد عتیق، کاربرد بسیار دارد و در رجوع به تبعید برده شدگان قوم اسراییل است که قرار بود خدا به سرزمین وعده بازشان آورد. وقتی پولس این واژه را ذکر می کند، منظورش یهودیانی است که رابطه شان با خدا بر اساس ایمان بود و/یا آنانی که خبر خوش انجیل را شنیدند و بوسیله ایمان به مسیح لبیک گفتند.

حتی در میان اسرایلیانی که با خدا عهد بسته بودند، جدایی روحانی رخ داد - تنها بعضی رابطه صحیح با خدا داشتند. برگزیده شدن قوم اسراییل، باعث نشد تا دیگر نیازی به لبیک هر فرد از روی ایمان نباشد (ر.ک. اشعیاء ۱: ۱۶-۲۰).

پولس از عبارتی در عهد عتیق استفاده می کند که ابتدا به تبعید برده شدگان یهود اطلاق می شده، و تنها شمار اندکی از آنان به فلسطین بازگشتند. او این عبارت را در رجوع به کسانی استفاده کرده است که انجیل را شنیدند، اما بسیاری از آنان ایمان نیاوردند و مسیح را نپذیرفتند. از آنانی که در قرن اول (یهودی و غیریهود) این را شنیدند، صرفاً درصد کمی پیام انجیل را پذیرفتند. پولس افرادی را که ایمان آوردند «باقیمانندگان» خطاب می کند.

عنوان خاص: باقیماندگان، سه مفهوم

موضوع "باقیماندگان با وفا" در عهد عتیق، مضمون مکرر کتب انبیاء است (بیشتر در کتب انبیاء قرن هشتم و ارمیا). این به سه مفهوم به کار رفته است:

۱. آنانی که از «تبعید» جان سالم به در بردند (به عنوان مثال، اش ۱۰: ۲۰-۲۳؛ ۱۶: ۴-۶؛ ۳۶: ۳۱-۳۲؛ ارم ۴۲: ۱۵ و ۱۹؛ ۴۴: ۱۲، ۱۴، ۲۸؛ عاموس ۱: ۸)

۲. آنانی که به YHWH [یهوه] وفادار بمانند (به عنوان مثال، اش ۴: ۱-۵؛ ۱۱: ۱۱، ۱۶؛ ۲۸: ۵؛ یوییل ۲: ۳۲؛ عاموس ۵: ۱۴-۱۵؛ میکاه ۲: ۱۲-۱۳؛ ۴: ۶-۶؛ ۵: ۶-۹؛ ۶: ۱۸-۲۰)

۳. آنانی که در آخرت، در زندگی نو و آفرینش نو سهیم هستند (به عنوان مثال عاموس ۹: ۱۱-۱۵)

در این متن خدا صرفاً برخی (وفاداران غیور) از باقیماندگان را (آنانی که از تبعید جان سالم به در برده اند) انتخاب می کند تا به سرزمین یهودا بازگردند. چنانکه پیشتر در این فصل دیدیم، مضمون هایی از تاریخ اسرائیل، بار دیگر رخ می دهند (آیه ۶). خدا دارد تعداد را کاهش می دهد تا بتواند قدرت، تأمین، و محبت خود را نشان دهد (به عنوان مثال، جدعون، داو ۶-۶).

۹: ۲۹ این نقلی از LXX از اشعیا ۱: ۹ است، که گناه کار بودن ملت اسرائیل را تقبیح می نماید.

□ "خداوند صابوت" این عنوانی در عهد عتیق برای YAWH [یهوه] بود و معمولاً «خداوند لشکرها» ترجمه شده است (ر.ک. یعقوب ۵: ۴). به اقتضای متن، این یا رجوع به خدا در مفهومی ارتشی بوده است – "سردار لشکر آسمان" (ر.ک. یوشع ۵: ۱۳-۱۵)، یا به معنای ریاست امور بوده است که در چارچوب باور مردمان بابل به چند خدایی و به ستارگان، در ارتباط با اجرام آسمانی بوده است – "خداوند اجرام آسمانی". ستارگان آفریده شده اند و خدایان نیستند؛ ستارگان در کنترل امور نمی باشند و تأثیری بر رویدادها ندارند (ر.ک. پیدا ۱: ۱۶؛ مز ۸: ۳؛ ۱۴۶: ۴؛ اش ۴۰: ۲۶).



NASB	"اگر ... نسلی برای ما باقی نمی گذاشت"
NKJV	"اگر ... ذریتی برای ما باقی نمی گذاشت"
NRSV	"اگر بازماندگانی باقی نمی گذاشت"
TEV	"برای ما تعدادی نسل باقی نمی گذاشت"
NJB	"برای ما عده کمی بازمانده باقی نمی گذاشت"

در متن عبری اشعیا ۱: ۹ "باقیماندگان" آمده است اما ترجمه هفتاد آن را "ذریت" ترجمه کرده است (NKJV). در داوری خدا از اسرائیل، جان افراد ذیل همیشه حفظ می شد: (۱) باقیماندگان ایماندار یا (۲) آنانی که مسیح از نسل آنها آمد. خدا جان عده کمی را حفظ نمود تا بسیاری را یاری دهد.

□ "سدوم ... غموره" آیه ۲۸ مربوط به داوری خدا بود. این آیات خصوصاً در مورد دو شهر بی دین هستند که خدا آنها را در پیدا ۱۹: ۲۴-۲۶ نابود ساخت، اما نام آنها کنایه ای از داوری خدا شد (ر.ک. تث ۲۹: ۳۴؛ اش ۱۳: ۱۹؛ ارم ۲۰: ۱۶؛ ۴۹: ۱۸؛ ۵۰: ۴۰؛ عاموس ۴: ۱۱).

متن NASB (به روز شده): ۹: ۳۰-۳۳

۳۰ پس چه گوئیم؟ که غیریهودیان که در پی پارسایی نبودند، پارسایی را به دست آوردند، یعنی آن پارسایی که توسط ایمان است؛^{۳۱} اما قوم اسرائیل، که در پی شریعت پارسایی بودند، به آن شریعت دست نیافتند.^{۳۲} چرا؟ زیرا آن را با ایمان پیگیری نکردند، بلکه انگار که از طریق اعمال می بود. آنها از سنگ لغزش، لغزش خوردند،^{۳۳} همانطور که نوشته شده است "بنگرید، در صهیون سنگ لغزش دهنده و صخره سقوط دهنده می نهم؛ و آن که به «او» ایمان آورد، نا امید نخواهد شد."

۹: ۳۰-۳۱ این فرجام غیر منتظره اهداف خدا در گزینش است. آیات ۳۰-۳۳ چکیده فصل ۹ و پیشگفتار فصل ۱۰ می باشند. ایمانداران غیریهودی با خدا صلح می یابند، اما نه همه یهود! خدا با تمامی بشر از طریق معاهده عمل می کند. اوست که همیشه پیشقدم می شود و شرایط را تعیین می کند. اشخاص باید متقابلاً توبه کنند، ایمان بیاورند، اطاعت کنند و با استقامت به پیش روند. آیا نجات انسان بوسیله (۱) حاکمیت خداست یا (۲) رحم خدا از طریق ایمان به کار تمام شده ماشیح یا (۳) به وسیله عمل شخص از روی ایمان؟ بلی! راجع به "در پی بودن" به یادداشت در ۱۴: ۱۹ مراجعه نمایید.

□ "پارسایی" به عنوان خاص در ۱: ۱۶ رجوع نمایید.

۹: ۳۲ "از طریق اعمال" «شریعت» [of the law] در «متن دریافتی Textus Receptus» اضافه گردیده است. این را بعد ها یک نسخه بردار اضافه کرده است. پولس این عبارت «اعمال شریعت» را غالباً به کار می برد (ر.ب. ۳: ۲۰ و ۲۸؛ غلا ۲: ۱۶؛ ۳: ۲، ۵، ۱۰). اما نسخه های خطی باستانی یونانی P^{۴۶}، B، A، F، G و این واژه را در این آیه حذف کرده اند. نسخه^۴ UBS صحیح بودن متن کوتاه تر را با احتمال "ب" (تقریباً قطعی) ارزیابی می کند.

کلید پارسایی الهی، اعمال انسانی نیست بلکه شخصیت و هدیه خدا توسط مسیح است. برای انسان گناهکار، دستیابی به پارسایی امری محال است، لیکن این یک هدیه است که بوسیله ایمان به مسیح مجاناً ارائه شده است (ر.ب. ۳: ۲۱-۳۱). اما هدیه خدا را باید پذیرفت (ر.ب. آیه ۳۳؛ یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ روم ۴: ۱ به بعد؛ ۱۰: ۹-۱۳؛ افس ۲: ۸-۹). این همان واقعیتی است که یهودیان صمیمی و مذهبی و پیرو اخلاقیات (و تمامی شریعت گرایان)، متوجه آن نمی گردند!

جرج دون لد در کتاب خود «الهیات عهد جدید» نکته مهمی را مطرح می کند:

"آموزه پولس در مورد شریعت، اغلب با رویکردی از دیدگاه تجربه تاریخی است - و آن یا تجربه تاریخی خود پولس به عنوان عالم دینی یهودی است، یا تجربه تاریخی یک یهودی عادی قرن اول که تحت شریعت بوده است. اما، پندار پولس را نباید اذعان زندگینامه روحانی او تلقی کرد، یا شرحی از شریعت گرایی فریسیان قرن اول، بلکه به عنوان تفسیر الهیاتی توسط یک متفکر مسیحی، در مورد دو طریقه پارسایی: شریعت گرایی و ایمان." (ص ۴۹۵)

۹: ۳۳ این از اشعیاء ۲۸: ۱۶ با الحاق با ۸: ۱۴ برگرفته شده است.

"بنگرید، در صهیون سنگی می نهم،" ۲۸: ۱۶ الف

"لغزش دهنده و یک صخره سقوط دهنده" ۸: ۱۴ ب

"و آن که به «او» ایمان آورد نا امید نخواهد شد" ۲۸: ۱۶ اب

با الحاق این دو آیه به این صورت (روش عالمین یهود) او مفهوم اشعیاء ۲۸: ۱۶ را از مثبت به منفی تبدیل می‌کند. پولس، عهد عتیق را برای منظورات خود تعدیل می‌کند.

۱. از متون ترجمه شده، بعضی را انتخاب می‌کند (MT، LLX، یا ترجمه خود او)

۲. اشارات را تغییر می‌دهد (از تبعید به غیر یهودیان)

۳. متن‌ها را با یکدیگر ملحق می‌سازد

۴. عناوین و ضمیرها را تغییر می‌دهد، پس یهوه YHWH به عیسی اطلاق می‌شود

□ "آن که به «او» ایمان آورد نا امید نخواهد شد" این از اشعیاء ۲۸: ۱۶ برگرفته شده است. همچنین در روم ۱۰: ۱۱ نقل قول شده است و مشابه با یوئیل ۲: ۳۲ است که در روم ۱۰: ۱۳ نقل قول شده است. کلید رستگاری، هر دو آنهاست (۱) هدف (سنگ زاویه) و (۲) اینکه فرد، شخصاً بپذیرد (به او ایمان بیاورد). به عنوان خاص: "باور" در ۴: ۵ مراجعه نمایید.

□ "سنگ" در اصل این عنوانی برای خدا بود (ر.ک. مزمور ۱۸: ۱-۲، ۳۱، ۴۶؛ تث ۳۲: ۱۸؛ ۱ سمو ۲: ۲؛ مزمور ۲۸: ۱؛ ۳۱: ۳؛ ۴۲: ۹؛ ۶۱: ۳؛ ۶۸: ۳۵)، اما مبدل به عنوانی برای ماشیح گردید (ر.ک. پیدا ۴۹: ۲۴؛ مزمور ۱۱۸: ۲۲؛ اش ۸: ۱۴؛ ۲۸: ۱۶؛ دان ۲: ۳۴-۳۵، ۴۴-۴۵؛ متی ۲۱: ۴۲-۴۴). موضوع کلیدی و عده خدا در معاهده او (ماشیح) مورد سوء تفاهم قرار گرفت و مردود گردید (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۲۳). یهودیان نه تنها برداشت نادرستی از هدف ماشیح داشتند، بلکه الزام‌های پایه‌ای معاهده خدا را نیز اشتباه متوجه شده بودند. مسیح برای یهودیان علتی برای لغزش شد (ر.ک. اش ۸: ۱۴؛ لوقا ۲: ۳۴)، اما برای ایمانداران، هم یهودی و هم غیریهودی، او سنگ شالوده گردید (ر.ک. اش ۲۸: ۱۶؛ ۱ پتر ۲: ۶-۱۰).

عنوان خاص: سنگ زاویه

I. کاربردهای عهد عتیق

الف. مفهوم یک سنگ، به عنوان شیئی محکم و پردوام که شالوده مناسبی ایجاد می‌کرد در توصیف یهوه YHWH به کار می‌رفت (ر.ک. مزمور ۱۸: ۱).

ب. بعد این تبدیل به عنوانی برای ماشیح گردید (ر.ک. پیدا ۴۹: ۲۴؛ مزمور ۱۱۸: ۲۲؛ اش ۲۸: ۱۶).

پ. با گذشت زمان، به معنی حکمی از یهوه YHWH شد که توسط ماشیح بوده است (ر.ک. اش ۸: ۱۴؛ دان ۲: ۳۴-۳۵، ۴۴-۴۵).

ت. این عبارت تبدیل به استعاره‌ای از ساختمان شد.

۱. سنگ شالوده، آن که اول نهاده می‌شد، پا برجا بود و زاویه‌ها را برای بقیه ساختمان تعیین می‌کرد و به آن "سنگ زاویه" می‌گفتند

۲. این می‌توانست نیز اشاره به آخرین سنگی باشد که در جایش نهاده می‌شد، و دیوارها را با هم نگاه می‌دارد (ر.ک. زکریا ۴: ۶؛ افس ۲: ۲۰، ۲۱)، با عنوان "سنگ بالا [سنگ قرنیز]" از اصل عبری *rush* (به عبارت دیگر، سر)

۳. می‌توانست اشاره به "سنگ سر طاق" باشد، که در وسط طاق درگاه است و سنگینی تمام دیوار روی آن قرار می‌گیرد

II. کاربردهای عهد جدید

الف. عیسی، مزبور ۱۱۸ را چند بار در اشاره به خود نقل قول کرد (ر.ک. متی ۲۱: ۴۱-۴۶؛ مرقس ۱۲: ۱۰-۱۱؛ لوقا ۲۰: ۱۶)

ب. پولس مزبور ۱۱۸ را در این به کار می برد که یهوه YHWH، قوم اسرائیل بی ایمان و سرکش را رد نموده است (ر.ک. ۹: ۳۳)

پ. پولس از مفهوم "سنگ بالا" در افس ۲: ۲۰-۲۲، در اشاره به مسیح استفاده می کند
ت. پطرس از این مفهوم در مورد عیسی در ۱ پطرس ۲: ۱-۱۰ استفاده می کند. عیسی، سنگ زاویه است و ایمانداران سنگ های زنده می باشند (به عبارت دیگر، ایمانداران به عنوان معبدها، ر.ک. ۱ قرن ۶: ۱۹)، که بر «او» ساخته شده اند (عیسی معبد نوین است، ر.ک. مرقس ۱۴: ۵۸؛ متی ۱۲: ۶؛ یوحنا ۲: ۱۹-۲۰).

یهودیان با رد کردن عیسی به عنوان ماشیح، شالوده امید خود را رد کردند

III. اظهارات الهیاتی

الف. یهوه YHWH به داوود/سلیمان اجازه داد تا معبد را بسازند. او به آنها فرمود که اگر به معاهده پایبند بمانند، او آنها را برکت خواهد داد و با آنها خواهد بود، اما اگر چنین نکنند، معبد خراب خواهد شد (ر.ک. ۱ پاد ۹: ۱-۹)!

ب. یهودیت عالمین یهود، متمرکز بر قالب ها و مراسم بود و جنبه شخصی ایمان را نادیده می گرفت (این در مورد همگی آنها نیست؛ عالمین یهودی خدانشناس هم بوده اند). خدا خواستار رابطه روزانه و شخصی و خدایسندانه با کسانی است که به شباهت «او» آفریده شده اند (ر.ک. پیدای ۱: ۲۶-۲۶). در لوقا ۲۰: ۱۶-۱۸ کلمات ترسناکی در باره داوری آمده است.

پ. عیسی گفت که معبد یهود، در حکم بدن جسمانی او است. این موضوع، شخصی بودن را ادامه و بسط می دهد. ایمان به عیسی به عنوان ماشیح، کلید رابطه با یهوه YHWH است.

ت. مقصود از رستگاری این است که شباهت خدا را در انسان ها، به وضع اصلی و اولیة آن بازگرداند، تا آنکه مشارکت با خدا ممکن گردد. هدف مسیحیت این است که اکنون شخص شبیه به مسیح باشد. ایمانداران باید مبدل به سنگ های زنده ای گردند که بر مسیح، و مطابق نمونه او ساخته شده اند (معبد نوین).

ث. عیسی شالوده ایمان ما است و "سنگ بالای" ایمان ما است (به عبارت دیگر، الف و یا). اما در عین حال سنگ لغزش و صخره سقوط دهنده است. اگر «او» را نپذیریم، همه چیز را از دست داده ایم. در این مورد هیچ گزینه دیگری وجود ندارد!

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر، جهت راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. فصل ۹ (تعیین سرنوشت از ازل) چگونه با فصل ۱۰ (اراده آزاد انسان) مرتبط است؟
۲. مضمون اصلی فصل ۹: ۱-۲۹ چیست؟
۳. آیا خدا عهد خود را با قوم اسرائیل نقض کرده است؟
۴. مزایایی را که ملت اسرائیل از آنها برخوردار بود فهرست وار بنویسید (۹: ۴-۵).
۵. آیا رابطه یکایک قوم اسرائیل با خدا درست بود؟ به چه دلیل، یا چرا اینطور نبود (۹: ۶)؟
۶. اگر انسان به زور مجبور شده است اراده خدا را انجام می دهد، آیا از لحاظ اخلاقی مسئول است؟
۷. چگونه «رحم کردن mercy» کلید «تعیین سرنوشت از ازل» predestination می باشد (ر.ک. ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳؛ ۱۱: ۳۰-۳۲)؟

رومیان فصل ۱۰

تقسیم بندی پاراگراف هادر ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۴
قوم اسرائیل نمی بیند که این خدا است که قدوس است	قوم اسرائیل و انجیل	پارسایی راستین به وسیله ایمان است	قوم اسرائیلی به انجیل نیاز دارد	قوم اسرائیل و انجیل
	۴:۱۰-۳۰:۹	۴:۱۰-۳۰:۹		۴:۱۰-۳۰:۹
۴-۱:۱۰			۱۳-۱:۱۰	
	نجات برای همگان است			نجات برای همگان است
۱۳-۵:۱۰	۱۳-۵:۱۰	۱۳-۵:۱۰		۱۳-۵:۱۰
شهادت موسی		قوم اسرائیل مسنول قصورهای خود است	قوم اسرائیل انجیل را رد می کند	
۱۷-۱۴:۱۰	۱۷-۱۴:۱۰	۱۷-۱۴:۱۰	۲۱-۱۴:۱۰	۲۱-۱۴:۱۰
۲۱-۱۸:۱۰	۲۱-۱۸:۱۰	۲۱-۱۸:۱۰		

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)

پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی در مطالعات میباشد، به این معنی که شما شخصاً مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را متور ساخته است. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس، اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی ها وحی نشده اند اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، که قلب کار تفسیر است، کلیدی می باشند. هر پاراگراف صرفاً و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

بینش های متنی

الف. توجه اصلی فصل ۱۰ بر روی فرصت های قوم اسرائیل است تا در برابر هدیه پر فیض و نجات بخش یهوه [YHWH]، لیبیک بگوید. فصل ۹ این بحث را مطرح ساخت که منظور خدا از گزینش یهود، گزینش جهان بود، اما یهودیان حاضر نشدند گزینه «او» را بپذیرند (به عبارت دیگر، اطاعت از معاهده).

ب. پولس به نقل از عهد عتیق ادامه می دهد تا استدلال خود را در حقانیت انجیل به ثبات برساند. این مشخصه موعظه های رسولان در کتاب اعمال است، که به عنوان *kerygma* (به عبارت دیگر، آنچه اعلام شد) شناخته شده اند. منظور از *kerygma* موعظه های کلیسای اولیه در اعلام اصول مسیحیت می باشد. به عنوان خاص *kerygma* در ۱: ۲ رجوع نمایید.

پ. واقعیت های محوری ۹: ۳۰ - ۱۰: ۴ بدین ترتیب اند:

۱. غیر یهودیان توسط ایمان به مسیح از نیکی مطلق خدا بهره مند هستند
۲. یهودیان، نیکی مطلق خدا را ندارند زیرا به مسیح ایمان نیاورده اند
۳. شریعت نمی توانست نیکی مطلق را به کسی بدهد. آن هدیه خدا بوسیله ایمان به مسیح بود و نمی شد آنرا با کارهای انسانی کسب کرد (ر.ک. ۳: ۲۱-۳۱)

ت. بروس گرلی و کرتیس وان در کتاب «راهنمای مطالعاتی تفسیری، رومیان» چاپ زاندرون، صفحات ۱۱۵-۱۱۶، رئوس مطالب مفیدی را از گناهان یهودیان نگاشته اند.

۱. غرور دینی، ۱۰: ۲ الف

۲. نابینایی روحانی، ۱۰: ۲ ب، ۳ الف

۳. خود پارسا انگاری، ۱۰: ۳ ب

۴. گردنکشی نامطیعانه، ۱۰: ۴ الف

آنان نظرات خوبی را راجع به فصل ۱۰ در خاتمه فصل ۹ یادآور می شوند: "گزینش الهی، هنگام موعظه صلیب صورت می گیرد (ر.ک. ۱ تسا ۱: ۴-۱۰)، و این نکته روشن می سازد چرا چشمگیرترین آیات نامه های پولس در خصوص بشارت جهانی، پس از استدلال و دفاع کلاسیک از حاکمیت الهی (۹: ۶-۲۹) مطرح شده اند (۱۰: ۱-۲۱). والاترین دستور برای موعظه انجیل، این آگاهی است که با اینکار، خدا وفادارانه مقصود خود را برای گزینش توسط مسیح، انجام می دهد." (ص ۱۱۴).

بررسی واژه ها و عبارات

متن NASB (به روز شده) ۱۰: ۱-۴

۱ ای برادران، خواسته قلبی من و دعایم به خدا برای آنان، جهت نجات آنهاست. ۲ زیرا در مورد آنان شهادت می دهم که برای خدا غیرت دارند، اما نه از روی معرفت. ۳ زیرا با نا آگاهی درباره پارسائی خدا و از آنرو که در پی اثبات پارسائی خود بودند، خود را تابع پارسائی خدا نساختند. ۴ زیرا مسیح، غایت شریعت است، جهت هر کس که ایمان آورد.

۱۰: ۱ "برادران" پولس اغلب از این واژه در معرفی یک موضوع جدید استفاده می کند. (ر.ک. ۱: ۱۳ ؛ ۱: ۷ و ۴؛ ۸: ۱۲)

□ "خواستۀ قلبی من و دعایم به خدا برای آنان، جهت نجات آنهاست" پولس ایمان داشت یهودیان می توانند نجات یابند و اینکه دعاهای او برای آنان مؤثر بود. این نقطه مقابل و غیرمنتظره ای در برابر موضوع «سرنوشت» است! به عنوان خاص «دعای شفاعت» در ۹: ۳ رجوع نمایید.

یکی از نسخه های خطی یونانی، عبارت متفاوت «برای آنان» را دارد. نسخه دریافتی [Textus Receptus] «برای اسرائیل» را جایگزین آن کرده است. اما شواهد نسخه های خطی، عبارت «برای آنان» را ترجیح می دهد (متون خطی MSS P^{۴۶}، *، B، C، D*، F، G). UBS^۴ برای آن درجه "الف" (قطعی) را قائل می شود.

۱۰: ۲ "برای خدا غیرت دارند" صمیمیت و اشتیاق کافی نیستند (ر.ک. آیات ۳-۴). پولس این را به خوبی می دانست (ر.ک. اعمال ۹: ۱ ؛ غلا ۱: ۱۴ ؛ فیل ۳: ۶) !

۱۰: ۲-۳ "اما نه از روی معرفت. زیرا با نا آگاهی درباره پارسائی خدا" واژه «معرفت» know (آیه ۲، epiginōskō) می تواند دو کاربرد داشته باشد: (۱) یهودیان رایگان بودن مژده انجیل را درک نمی کردند (مفهوم یونانی واژه "know") ؛ یا (۲) یهودیان با خدا رابطه ایمان نداشتند (مفهوم عبری "know") ، ر.ک. پیدایش ۴: ۱ ؛ ارمیاء ۱: ۵). یهودیان از نیاز پاسخ دادن به خدا، بی اطلاع نبودند (آیات ۱۶، ۱۸، ۱۹)، اما آنان اعمال انسانی را جانشین ایمان ساخته بودند که منجر به غرور، خودبینی، و راه ندادن گروههای خاصی به حلقه خود [exclusivism] می شد! (آیه ۳ الف)

۱۰: ۳ "پارسائی خدا" در چارچوب فصل های ۹-۱۱، این عبارت در مورد جایگاه پسندیده انسان در برابر خدا، که خدا برایش قائل شده و به او بخشیده است می باشد (رومیان ۴)، و این تنها بخاطر رحم الهی، کار تکمیل شده مسیح، دعوت محبتانه روح القدس و لیبیک توبه کارانه و پر ایمان انسان، و اطاعت و استقامت مداوم اوست.

یقیناً می توان درک کرد چطور یهودیان درک اشتباهی از نیکی مطلق خدا داشتند. عهد عتیق، اطاعت از شریعت را تأکید می کرد (ر.ک. تث ۴: ۲۸ - ۶: ۳، ۱۷، ۲۴-۲۵). آنچه از درک اش غافل ماندند، شرایط لازم دیگر یعنی ایمان و توبه بوند که به همان اندازه اهمیت داشتند (ر.ک. تث ۵: ۲۹ - ۳۰ ؛ ۶: ۵). کتاب تثنیه صریحاً می گوید که خدا از جانب قوم اسرائیل وکالتاً عمل نمود، نه بخاطر پارسائی آنها، بلکه به خاطر سیرت خویش (ر.ک. ۹: ۶، ۷، ۱۳، ۲۴، ۲۷ ؛ ۱۰: ۱۲ - ۲۲ ؛ حز ۳۶: ۲۲ - ۳۸). حتی سلب مالکیت منطقه از کنعانی ها به این دلیل نبود که قوم اسرائیل پارسا بودند، بلکه به خاطر گناهان خود کنعانی ها بود (ر.ک. ۹: ۴-۶ ؛ پیدای ۱۵: ۱۶). به عنوان خاص در ۱: ۱۷ رجوع کنید.

□ "خود را تابع پارسائی خدا نساختند" فعل اینجا «گذشته غیرمعیّن اخباری غیرمستقیم» است، اما به عنوان «وجه میانه انعکاسی» ترجمه شده است [گویای عمل توسط فاعل است که به خود او منعکس می گردد] (ر.ک. کتاب مقدس ترجمه TEV). نقش «وجه مجهول» در زبان «کوینه» یونانی، جایگزین «وجه میانه» شده است. متن، مشخص کننده این گزینه است.

به طور تحت اللفظی، این کلمه "تسلیم" است که واژه نظامی در سلسله مراتب فرماندهی می باشد. یهودیان می خواستند با سعی خود پارسائی خدا را کسب کنند، اما آن یک هدیه بود (ر.ک. ۳: ۲۴ ؛ ۵: ۱۵ ؛ ۶: ۲۳ ؛ افس ۲: ۸-۹). پولس در راه دمشق این واقعیت را به وضوح دید.

عنوان خاص: تسلیم شدن (HUPOTASSŌ)

«ترجمه هفتاد» برای ترجمه ده واژه مختلف عبری، از این یک واژه استفاده می کند. معنی اساسی آن در عهد عتیق، "دستور دادن" یا "حق فرمان دادن" بود. این در LXX به کار گرفته شده است.

۱. خدا فرمان می دهد (ر.ک. لاویان ۱۰: ۱؛ یونس ۲: ۱؛ ۴: ۶-۸)

۲. موسی فرمان می دهد (ر.ک. خروج ۳۶: ۶؛ تثنیه ۲۷: ۱)

۳. پادشاهان فرمان می دهند (ر.ک. ۲ تواریخ ۳۱: ۱۳)

در عهد جدید این مفهوم ادامه می یابد، مانند اعمال ۱۰: ۴۸ که یک حواری فرمان می دهد. اما در عهد جدید، مفاهیم ضمنی تازه ای بسط می یابند.

۱. یک جنبه داوطلبانه بسط می یابد (اغلب وجه میانه)

۲. این عمل را، که شخص خود را با آن محدود می سازد، می توان در تسلیم عیسی نسبت به "پدر" مشاهده نمود (ر.ک. لوقا ۲: ۵۱)

۳. ایمانداران، تسلیم جنبه هایی از فرهنگ می شوند تا اثر منفی برانجیل وارد نشود

الف. همه ایمانداران (ر.ک. افسسیان ۵: ۲۱)

ب. بانوان ایماندار (ر.ک. کولسیان ۳: ۱۸؛ افسسیان ۵: ۲۲-۲۴؛ تیطس ۲: ۵؛ ۱ پطرس ۳: ۱)

پ. ایمانداران نسبت به دولت های بی دین (ر.ک. رومیان ۱۳: ۱-۷؛ ۱ پطرس ۲: ۱۳)

ایمانداران از روی محبتی عمل می کنند که نسبت به خدا، به مسیح، به ملکوت و برای خیریت دیگران دارند.

همانند *agapaō*، کلیسا این کلمه را با مفاهیم جدیدی پر ساخت که بر مبنای نیازهای پادشاهی خدا و نیازهای دیگران بودند. این واژه، جنبه جدیدی از بزرگ منشی از خود گذشتگی را نشان می دهد - نه به خاطر یک فرمان - بلکه به خاطر رابطه نوینی با آن خدا و «ماشیح» که جان نثار می کند. ایمانداران، اطاعت و تسلیم را برای خیریت تمامیت و برکت خانواده الهی انجام می دهند.

۴: ۱۰

NKJV, NASB

"زیرا مسیح، غایت شریعت است"

NRSV

"زیرا مسیح شریعت را به غایت رسانیده است"

TEV

"اما اکنون شریعت با مسیح به غایت رسیده است"

JB

این عبارت مشابه متی ۵: ۱۷-۴۸ است. منظور یا هدف یا غایت (*telos*) شریعت، رستگاری نبود بلکه محکوم ساختن بود، و آن هدف هنوز ادامه دارد (ر.ک. غلا ۳: ۲۴ - ۲۵). متن کلاسیک عهد جدید در این مورد، غلاطیان ۳: ۱ - ۲۹ است.

هنگام گفتگو در این بحث، چارچوب متن بسیار مهم می باشد. پولس از عهد عتیق به چند طریق متفاوت بهره می گیرد. زمانی که زندگی مسیحی مورد بحث است، عهد عتیق، مکاشفه الهی است (ر.ک. روم ۱۵: ۴؛ ۱ قرن ۱۰: ۶ و ۱۱)، اما زمانی که موضوع نجات مطرح می شود، عهد عتیق بی اثر است و دوره آن به پایان رسیده است (ر.ک. عبر ۸: ۱۳). دلیل این است که آن استعاره ای برای عصر قدیم است. انجیل ایمان به مسیح، عصر نوین «روح[القدس]» می باشد. مهلت شریعت تمام شده است! به عنوان خاص: «دیدگاه های پولس در مورد شریعت موسی» در ۱۳: ۹ رجوع نمایید.



NKJV ،NASB
NRSV
TEV
NJB

"برای نیکی مطلق است، جهت هر کس که ایمان آورد"
"تا آنکه برای هر کس که ایمان آورد، نیکی مطلق باشد"
"تا آنکه هر کس ایمان آورد رابطه اش با خدا درست گردد"
"تا آنکه تمام کسانی که ایمان دارند پارسا محسوب گردند"

فصل های ۹ - ۱۱ باید یکجا تفسیر گردند. تأکید بر حاکمیت خدا که قویاً در فصل ۹ آمده، باید در توازن با دعوت همگان به ایمان در فصل ۱۰ قرار گیرد (ر.ک. آیات ۴، ۹، ۱۱، ۱۳؛ ۳: ۲۲؛ ۴: ۱۱، ۱۶). عالمگیر بودن محبت خدا و هدف او برای نجات، در پیدایش ۳: ۱۵ گفته شد و قویاً در پیدایش ۱۲: ۳ و خروج ۱۹: ۵-۶ اشاره شد. انبیاء اغلب از محبت عالمگیر خدا و نقشه او برای متحد ساختن تمامی بشر صحبت می کردند. این واقعیت که خدا یکی است و همه انسانها را به شباهت خود آفریده است، دعوتی است برای عموم جهانیان تا نجات یابند. اما راز در این است که هیچکس نمی تواند بدون وساطت و کار روح القدس، به خدا لیبیک بگوید (ر.ک. یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). آن موقع سؤال این می شود: "آیا خدا همه بشر را به سوی نجات جلب می کند؟" پاسخ باید "بله!" باشد (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۶؛ ۴: ۴۲؛ ۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴؛ ۱ تیمو ۲: ۴؛ ۲ پطرس ۳: ۹). باقی بودن پارادوکس [متناقض نمای] گناه، سقوط بشر، و شیطان، این است که بعضی جواب رد می دهند! وقتی پولس موعظه می کرد، بعضی یهودیان می پذیرفتند و بعضی خیر؛ بعضی غیر یهودیان می پذیرفتند، و دیگران خیر!

کلمه "ایمان آوردن" (*pisteuō*) با سه کلمه انگلیسی ترجمه شده است: "believe" ایمان آوردن، "faith" ایمان، و "trust" توکل. زمان آن «حال» است که ایمان مداوم را می رساند. با قبول داشتن تعدادی واقعیات نیست (الهیات، اطلاعات دقیق تاریخی، آگاهی ها از انجیل) که شخص هدیه فیض خدا را توسط مسیح دریافت می کند. عهد جدید یک معاهده است؛ خدا برنامه کار را تعیین می کند و پاسخ لازم را "سر می اندازد"، اما شخص باید با ایمان و توبه اولین، و ایمان و توبه مداوم پاسخ دهد. اطاعت و استقامت بسیار مهم اند. هدف، شبیه به مسیح بودن و خدمت است!

عنوان خاص: زمان های افعال یونانی که برای نجات به کار برده شده اند

نجات، یک محصول نیست بلکه یک رابطه است. زمانی که فرد به مسیح توکل می نماید، کار تمام نشده است بلکه تازه شروع شده است! نجات، بیمه آتش سوزی یا بلیط بهشت نیست، بلکه زندگی فرد است که برای شبیه به مسیح شدن رشد می کند.

نجات به عنوان عمل تکمیل شده (ماضی مطلق)

- اعمال ۱۵: ۱۱
- رومیان ۸: ۲۴
- تیموتاوس ۱: ۹
- تیطس ۳: ۵
- رومیان ۱۳: ۱۱ (ماضی غیر معین را با حالت آینده می پیوندد)

نجات به عنوان حالتی از بودن (وجه نقلی)

- افسسیان ۲: ۵ و ۸

نجات به عنوان فرایندی مداوم (زمان حال)

- ۱ قرن ۱: ۱۸؛ ۲: ۱۵

- ۲ قرن ۲: ۱۵

نجات به عنوان آنچه در آینده به کمال می رسد («آینده» از لحاظ «زمان فعل» یا در متن)

- رومیان ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹، ۱۳

- ۱ قرن ۳: ۱۵؛ ۵: ۵

- فیلیپیان ۱: ۲۸؛ ۱ تسالونی ۵: ۸-۹

- عبرانیان ۱: ۱۴؛ ۹: ۲۸

- (اشاره ضمنی در متی ۱۰: ۲۲، ۲۴: ۱۳؛ مرقس ۱۳: ۱۳)

متن NASB (به روز شده) ۱۰: ۵-۱۳

^۵ زیرا موسی می نویسد کسی که آن پارسایی را که بر مبنای شریعت است به عمل آورد، به وسیله آن پارسایی، خواهد زیست. ^۶ اما آن پارسایی که بر مبنای ایمان است چنین می گوید: "در دل خود مگو کیست که به آسمان صعود کند؟" (یعنی، تا مسیح را به پائین آورد)، ^۷ یا "کیست که به جهان زیرین نزول کند؟" (یعنی، تا مسیح را از مردگان باز آورد). ^۸ "لکن چه می گوید؟" این کلام، نزدیک تو، در دهان تو و در دل توست" - این همان کلام ایمان است که ما وعظ می کنیم، ^۹ که اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت؛ ^{۱۰} زیرا انسان با قلب ایمان می آورد که نتیجه آن پارسایی است، و به زبان اعتراف می کند که نتیجه آن نجات است. ^{۱۱} چنانکه کتاب مقدس می گوید: «هر که به او ایمان آورد مایوس نخواهد شد.» ^{۱۲} زیرا تفاوتی میان یهود و یونانی نیست؛ چرا که همان خداوند، خداوند همه است، و برای کسانی که او را می خوانند سرشار از دولت مندی است، ^{۱۳} زیرا «هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت».

۱۰: ۵ این آیه اشاره ای به لاو ۵: ۱۸ است. وعده آن حقیقی است. اگر کسی بتواند مطابق شریعت عمل کند، مورد قبول خدا قرار می گیرد (ر.ک. لوقا ۱۰: ۲۸؛ غلا ۳: ۱۲). مسئله اینجاست که روم ۳: ۹، ۱۰-۱۸، ۱۹، ۲۳؛ ۵: ۱۸؛ ۱۱: ۳۲ واقعیت را مطرح می کنند. همه گناه کرده اند. هر که گناه ورزد هلاک خواهد شد (ر.ک. پیدا ۲: ۱۷؛ تث ۳۰: ۱۸؛ حز ۱۸: ۴، ۲۰). این راه معاهده قدیم، بسته شده است و مبدل به حکم مرگ و یک لعنت گردیده است (ر.ک. ۷: ۱۰؛ غلا ۳: ۱۳؛ کولس ۲: ۱۴).

۱۰: ۶-۸ این اشاره ای به تث ۳۰: ۱۱-۱۴ در «ترجمه هفتاد» (LXX) است، که پولس برای رسانیدن منظور خود آن را تعدیل نموده است. این متن در اصل، سخنان موسی در باره شریعت است، اما در اینجا به جسم پوشیدن عیسی و مرگ و رستائیز او ارتباط داده شده است (ر.ک. آیه ۹؛ افس ۴: ۹-۱۰). مقصود پولس این است که نجات، در مسیح بوسیله ایمان مهیا است (ر.ک. تث ۳۰: ۱۵-۲۰). نجات امری آسان و مهیا است؛ و برای همگان است. این نکته با قوانین شریعت موسی بسیار متفاوت بود.

□ " اما آن پارسایی که بر مبنای ایمان است چنین می گوید " پولس قبلاً به "گناه" و "فیض"، شخصیت فردی بخشیده بود. در اینجا به "پارسایی بوسیله ایمان" شخصیت می دهد. این در آیات نقل شده از عهد عتیق در آیات ۶، ۷، و ۸ چنین می گوید.

□ "صعود... نزول" لازم نیست انسان ها به جستجوی مسیح بروند؛ خدا او را بین عموم و برای همگان فرستاده است. جستجوی بشری لزومی ندارد.

□ "دل" دل نشانه نفس متفکر است. به عنوان خاص در ۱: ۲۴ رجوع نمایید.

۱۰: ۹ "اگر" این «وجه شرطی نوع سوم» می باشد که به معنی عمل بالقوه (احتمالی) در آینده بود. آیه ۹، محتوای (hoti) پیام ایمان است.

□ "اعتراف" این واژه مرکب، *homologeō*، در لفظ به معنی "گفتن" و "همان" است، و مفهوم آن "موافقت کردن در برابر عموم" بوده است (با صدای بلند صحبت کردن تا دیگران بتوانند بشنوند). بسیار مهم است که شخص ایمان خود را به مسیح در برابر عموم اعتراف نماید (ر.ک. متی ۱۰: ۳۲؛ لو ۱۲: ۸؛ یو ۹: ۲۲؛ ۱۲: ۴۲؛ ۱ تیمو ۶: ۱۲؛ ۱ یو ۲: ۲۳؛ ۴: ۱۵). در کلیسای اولیه، تعمیم به منزله اعتراف عمومی بود. شخصی که کاندید تعمیم بود، ایمان خود را به مسیح با جمله "ایمان دارم عیسی خداوند است" بیان می کرد. به «عنوان خاص» ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: اعتراف

الف. دو شکل برای همان ریشه یونانی هست که در مورد «اعتراف» یا «اعلام» به کار گرفته شده اند: *homolegeō* و *exomologeō*. واژه مرکبی که یعقوب به کار برده است از *homo*، به معنی «همان»، گرفته شده است؛ *legō* «صحبت کردن»؛ و *ex*، «بیرون از». مفهوم اساسی آن «همان چیز را گفتن» و «موافقت کردن» است. پیشوند *ex* مفهوم «اعلام کردن در برابر عموم» را می افزاید.

ب. ترجمه انگلیسی این گروه واژه ها چنین می باشند:

۱. ستایش *praise*

۲. موافقت *agree*

۳. اعلام *declare*

۴. ابراز ایمان *profess*

۵. اعتراف *confess*

پ. این گروه واژه ها دو کاربرد در ظاهر متناقض داشتند:

۱. ستایش (خدا)

۲. اعتراف به گناه

این ها ممکن است در اثر حسی که بشر از قدوسیت خدا و گناهکار بودن خود دارد ایجاد شده باشند.

اگر بخواهیم یکی از این حقایق را تأیید کنیم، باید آن یکی را نیز تأیید نماییم.

ت. کاربردهای عهد جدید از این گروه واژه‌ها چنین می‌باشد:
۱. وعده دادن (ر.ک. متی ۱۴:۷؛ اعمال ۷:۱۷)

۲. موافقت یا رضایت دادن برای چیزی (ر.ک. یوحنا ۱:۲۰؛ لوقا ۲۲:۶؛ اعمال ۲۴:۱۴؛ عبرانیان ۱۱:۱۳)

۳. ستایش (ر.ک. متی ۱۱:۲۵؛ لوقا ۱۰:۲۱؛ روم ۱۴:۱۱؛ ۱۵:۹)

۴. قبول داشتن
الف. قبول داشتن یک شخص (ر.ک. متی ۱۰:۳۲؛ لوقا ۱۲:۸؛ یوحنا ۹:۲۲؛ ۱۲:۲۴؛ روم ۱۰:۹؛ فیلی ۲:۱۱؛ ۱ یوحنا ۲:۲۳؛ مکا ۳:۵)

ب. قبول داشتن یک واقعیت (ر.ک. اعمال ۲۳:۸؛ ۲ قرن ۱۱:۱۳؛ ۱ یوحنا ۴:۲)

۵. اعلام چیزی در برابر عموم (در تأیید مذهبی، مفهوم حقوقی نیز گنجانیده شده است، ر.ک. اعمال ۲۴:۱۴؛ ۱ تیمو ۶:۱۳)

الف. بدون اقرار به مقصر بودن (ر.ک. ۱ تیمو ۶:۱۲؛ عبر ۱۰:۲۳)

ب. با اقرار به مقصر بودن (ر.ک. متی ۳:۶؛ اعمال ۱۹:۱۸؛ عبر ۴:۱۴؛ یعقوب ۵:۱۶؛ ۱ یوحنا ۱:۹)



"عیسی به عنوان خداوند"

NASB

"خداوند عیسی"

NKJV

"عیسی خداوند است"

JB، TEV، NRSV

از لحاظ الهیات، این محتوای اقرار ایمان در کلیسای اولیه و آیین تعمید آنان بود. کاربرد "خداوند"، الوهیت عیسی را تأیید می‌نمود (ر.ک. یونیل ۲:۳۲؛ اعمال ۲:۳۲-۳۳؛ ۳۶؛ فیلی ۲:۶-۱۱) در حالیکه نامی که بر او نهاده بودند، یعنی "عیسی"، انسانیت تاریخی او را تأیید می‌کرد (ر.ک. ۱ یوحنا ۴:۱-۶)

عنوان خاص: نام خداوند

این عبارتی معمول در عهد جدید برای حضور شخصی و قدرت عمل کننده «خدای یکتا در سه شخص» در کلیسا بود. این یک ورد جادویی نبود، بلکه توسل به سیرت و شخصیت الهی بود.

اغلب این عبارت عیسی را خداوند خطاب می‌کند (ر.ک. فیلی ۲:۱۱)

۱. هنگام ابراز ایمان شخص به مسیح در زمان تعمید (ر.ک. روم ۱۰:۹-۱۳؛ اعمال ۲:۳۸؛ ۸:۱۲، ۱۶؛ ۱۰:۴۸؛ ۱۹:۵؛ ۲۲:۱۶؛ ۱ قرن ۱:۱۳، ۱۵؛ یعقوب ۲:۷)

۲. هنگام بیرون راندن روح پلید (ر.ک. متی ۷:۲۲؛ مرقس ۹:۳۸؛ لوقا ۹:۴۹؛ ۱۰:۱۷؛ اعمال ۱۹:۱۳)

۳. هنگام شفا (ر.ک. اعمال ۳:۶، ۱۶؛ ۴:۱۰؛ ۹:۳۴؛ یعقوب ۵:۱۴)

۴. هنگام انجام خدمت (ر.ک. متی ۱۰:۴۲؛ ۱۸:۵؛ لوقا ۹:۴۵)

۵. هنگام تأدیب کلیسا (ر.ک. متی ۱۸:۱۵-۲۰)

۶. هنگام موعظه به غیریهودیان (ر.ک. لوقا ۲۴:۴۷؛ اعمال ۹:۱۵؛ ۱۵:۱۷؛ روم ۱:۵)

۷. در دعا (ر.ک. یوحنا ۱۴:۱۳-۱۴؛ ۱۵:۲، ۱۶؛ ۱۶:۱۶؛ ۱ قرن ۱:۲)

۸. یکی از راه‌های اشاره به مسیحیت (ر.ک. لوقا ۲۶:۹؛ ۱ قرن ۱:۱۰؛ ۲ تیمو ۲:۱۹؛ یعقوب ۲:۷؛ ۱ پطرس ۴:۱۴)

هر کاری که به عنوان اعلام کنندگان، خادمین، یاری دهندگان، شفا دهندگان، اخراج کنندگان ارواح پلید، و غیره انجام می دهیم، آن ها را مطابق سیرت او، با قدرت و عطایای او، و به نام او انجام می دهیم.

□ "در دل خود ایمان داشته باشی" این عبارت همسان کلمه «اعتراف» است، و بدان وسیله دو جنبه توأم ایمان را ارائه می کند. واژه کتاب مقدسی "ایمان" (*pistis*) شامل این ها بود (۱) توکل شخصی (عبری)، (۲) محتوای عقلانی (یونانی)، و (۳) یک سرسپردگی پیوسته ارادی (ر.ک. تث ۳۰: ۲۰). کلمه "دل" به آن مفهومی که در عهد عتیق داشته و «تمامی وجود شخص» معنی می داده، به کار رفته است. پولس، "زبان" و «دل» را در این چارچوب ذکر کرده، زیرا در آیه ۸ از تثنیه ۳۰: ۱۴ نقل قول نموده است. منظور از این کار، این نبوده که قوائد سفت و سختی ایجاد شوند که شخص باید حتماً با صدای بلند دعا کند تا نجات یابد.

۱۰: ۱۰ "که نتیجه آن پارسایی است" هدف خدا برای هر ایماندار صرفاً این نیست که روزی به بهشت برسد، بلکه تا همین حالا شبیه عیسی باشد! بخش دیگری که قویاً در مورد تقدیر است [predestination] – افس ۱: ۳-۱۴ – این واقعیت را در آیه ۴ به طرزی نیرومندان بیان می کند. ایمانداران برگزیده شده اند تا مقدس و بی عیب باشند! برگزیده شدن صرفاً یک آموزه نیست، بلکه شیوه زندگی است (ر.ک. تث ۳۰: ۱۵-۲۰).

آیه ۱۰ پرتوی از تأکید «مأموریت عظیم» در دو مورد است (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹-۲۰): رستگاری (شاگرد سازید) و پارسایی (تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند). همین تعادل در افس ۲: ۸-۹ دیده می شود (نجات رایگان توسط فیض خدا از طریق مسیح) و نیز فراخواندگی به "کارهای نیک" در افس ۲: ۱۰. مردمانی که به شباهت خود «او» باشند همواره خواسته خدا بوده است.

۱۱: ۱۰ این نقل قول از اشعیا ۲۸: ۱۶ است که پولس کلمه "هر که" را بدان اضافه نموده است. مقصود آن در اشعیا، ایمان به ماشیح (سنگ زاویه خدا) بود (ر.ک. ۹: ۳۲-۳۳). همانطور که فصل ۹ رومیان، حاکمیت خدا را تأکید می کند، فصل ۱۰ نیاز مردم را، فرداً و جمعاً، برای لبیک گفتن به مسیح تأکید می نماید. عرضه همگانی آن آشکاراً در عبارات "هر کس" در آیه ۴ و "هر که" در آیات ۱۱، ۱۳ و "همه" در آیه ۱۲ (دو بار)، دیده می شود. در برابر تأکید گزینش (تقدیر) در فصل ۹، این توازن الهیاتی آن است.

□ "به او ایمان آورد" این «حال متعدی وصفی» کلمه *eipi* است (ر.ک. ۴: ۲۴؛ ۹: ۳۳؛ ۱ تیمو ۱: ۱۶). ایمان داشتن نه تنها لبیک اول است، بلکه لازمه پی در پی برای نجات است! تنها اعتقاد به الهیات صحیح (حقایق انجیل) نیست که نجات می بخشد، بلکه رابطه شخصی (پیرو انجیل) است که منتهی به زندگی خداپسندانه (زندگی مطابق انجیل) می شود. از تعلیم «اعتقاد آسان» [easy believism] که حقیقت را از زندگی جدا می کند پرهیز نمایید. ایمانی که نجات می بخشد ایمانی است که استوار می ماند و تغییر می دهد. مشخصه های زندگی ابدی، قابل دید هستند! به عنوان خاص «ایمان» در ۴: ۵ رجوع نمایید.

□

TEV, NASB "مایوس نخواهد شد"
NRSV, NKJV "سرافکنده نخواهد شد"
JB "دلیلی برای سرافکنده نخواهد داشت"

آنانی که به مسیح توکل ("ایمان") دارند، مایوس نمی گردند. این نقل قولی از اشعیا ۲۸: ۱۶ است که آیه کلیدی اظهارات پولس در ۹: ۳۳ بود.

۱۰: ۱۲ "زیرا تفاوتی میان یهود و یونانی نیست" این سوق اصلی «معاهده جدید» است (ر.ک. روم ۳: ۲۹، ۲۸: ۳؛ غلا ۳: ۲۸؛ افس ۲: ۱۱ - ۳: ۱۳؛ کولس ۳: ۱۱). خدای یکتا، مخلوقات خود را که به سوی هلاکت می روند، با اقدامات خود و پرداخت بها، رهایی بخشیده است. او خواستار این است تا همه انسان ها - که به شباهت او ساخته شده اند - به سوی او بیایند و مانند او باشند! همه می توانند به سوی او بیایند! از آنجا که انجیل در مورد تمامی جهان است ("همه" در آیه ۱۲ دو بار ذکر شده است)، از هر دو جانب مصداق دارد: (۱) هیچ تفاوتی بین یهود و غیر یهود نیست؛ همه بسوی هلاکت می روند (ر.ک. ۳: ۹، ۱۹، ۲۲-۲۳) و (۲) هیچ تفاوتی بین یهود و غیر یهود نیست؛ همه می توانند نجات یابند. انجیل، حداقل در زمینه نجات، تمامی موانع بشری را برمی دارد (ر.ک. یونیل ۲: ۲۸-۲۹؛ ۱ قرن ۱۲: ۱۳؛ غلا ۳: ۲۸؛ کولس ۳: ۱۱).

□ "سرشار از دولتمندی است" هنگامی که پولس از فیض خدا در مسیح یاد می کند، اغلب کلمه "دولتمندی" را به کار می گیرد (ر.ک. ۲: ۴؛ ۹: ۲۳؛ ۱۱: ۱۲ [دو بار]، ۳۳؛ ۱ قرن ۱: ۵؛ ۲ قرن ۸: ۹؛ افس ۱: ۷، ۱۸؛ ۲: ۷؛ ۳: ۸، ۱۶؛ فیل ۴: ۱۹؛ کولس ۱: ۲۷؛ ۲: ۲).

۱۰: ۱۳ این نقل قول معروف از یونیل ۲: ۳۲، در کاربرد پولس، دو تأکید جدید دارد (۱) در یونیل نام یهوه [YHWH] استفاده شده است؛ پولس در رومیان و پطرس در اعمال ۲: ۲۱ نام عیسی را جایگزین آن ساخته اند (همچنین توجه نمایید به: یوحنا ۱۲: ۴۱ و اشعیا ۶: ۹-۱۰؛ فیلیپیان ۲: ۹ و اشعیا ۴۵: ۲۲-۲۵؛ رومیان ۹: ۳۳ و اشعیا ۸: ۱۳-۱۴)؛ و (۲) در یونیل "نجات داد" به معنی رهایی جسمانی بود؛ در رومیان منظور بخشش روحانی و نجات ابدی بود.

در عهد عتیق، موضوع "خواندن نام" به معنی اعلام عمومی ایمان در زمان پرستش بود. همین موضوع در این آیات دیده می شود: اعمال ۷: ۵۹؛ ۹: ۱۴، ۲۱؛ ۲۲: ۱۶؛ ۱ قرن ۱: ۲؛ ۲ تیمو ۲: ۲۲. به عنوان خاص «فرا خوانده شده» در ۱: ۶ رجوع نمایید.

عنوان خاص: عیسی ناصری

چند واژه مختلف یونانی هستند که آنها را عهد جدید برای مشخص کردن دقیق اینکه کدام عیسی مورد بحث است، به کار می گیرد.

الف. واژه های عهد جدید

۱. ناصره - شهر در جلیل (ر.ک. لوقا ۱: ۲۶؛ ۲: ۴، ۳۹؛ ۵۱؛ ۴: ۱۶؛ اعمال ۱۰: ۳۸).

این شهر در منابع هم عصر ذکر نشده است، اما در کتیبه ها و نسخه های خطی زمان های بعد یافت شده است

اینکه عیسی اهل سامره بود تعریف خوشایندی از او نبود (ر.ک. یوحنا ۱: ۴۶). نوشته ای که در بالای صلیب عیسی نصب شد و این محل را در آن قید کرده بودند، گویای نظر تحقیرآمیز یهودیان بود.

۲. *Nazarēnos* - به نظر می رسد در اشاره به محلی جغرافیایی است (ر.ک. لوقا ۴: ۳۴؛ ۲۴:

۱۹).

۳. *Nazōraios* - منظور می تواند یک شهر باشد، اما همچنین می تواند صنعت واژه ای از کلمه عبری «شاخه» در مورد ماشیح باشد (*netzer*، ر.ک. اشعیا ۴: ۲؛ ۱۱: ۱؛ ۵۳: ۲؛ ارم ۲۳: ۵؛ ۳۳: ۱۵؛ زکر ۳: ۸؛ ۶: ۱۲). لوقا این را در مورد عیسی در ۱۸: ۳۷ و اعمال ۲: ۲۲؛ ۳: ۶؛ ۴: ۱۰؛ ۶: ۱۴؛ ۸: ۲۲؛ ۵: ۲۴؛ ۹: ۲۶ بهره می گیرد.
- ب. کاربردهای تاریخی خارج از عهد جدید. این نام کاربردهای دیگر تاریخی دارد.
۱. اشاره به یک گروه بدعت یهودی (پیش از زمان مسیح).
 ۲. در بین یهودیان برای اطلاق به ایمانداران مسیح استفاده می شد (ر.ک. اعمال ۲۴: ۵، ۱۴؛ ۲۸: ۲۲).
 ۳. تبدیل به واژه معمول برای ایمانداران کلیساهای سوریه (آرامی) شد. لقب "مسیحی" در کلیساهای یونانی در اشاره به ایمانداران استفاده می شد.
 ۴. مدتی پس از سقوط اورشلیم، فریسیان در «جَم نیا»، با سازمان دهی جدید و تحریک، جدایی بین عبادتگاه یهود و کلیسا را رسماً ایجاد کردند. نمونه ای از انواع وردهای لعنت آمیز علیه مسیحیان در "هجده دعای اختتامی برکت" ["the Eighteen Benedictions"] نوشته براکوت [*Berakoth*] ۲۸ب-۲۹الف دیده می شود، که در آن ایمانداران را "ناصریان" [*Nazarenes*] خوانده است:
- "باشد که ناصریان و مرتدان در یک آن ناپدید شوند؛ آنان از کتاب حیات حذف خواهند شد و نامشان با اهل ایمان نوشته نخواهد شد."
- ب. نظریه نویسنده کتاب

هجی های مختلف این واژه برای من تعجب آور است، اگرچه این موضوع در عهد عتیق بی سابقه نیست چنانکه نام یوشع نیز چندین هجی مختلف عبری دارد. اما از آنجا که (۱) وابستگی نزدیک با واژه «شاخه» که مربوط به ماشیح است دارد و (۲) به همراه معنی ضمنی منفی آن و (۳) گواه هم عصران در مورد وجود شهر ناصره جلیل نادر بوده یا اصلاً ذکر نیامده است، این عوامل باعث می گردند در مورد معنی دقیق آن مطمئن نباشم؛ همچنین (۴) از زبان یک دیو در اشاره به آخر زمان ذکر شده است (به عبارت دیگر: "آیا آمده ای تا ما را هلاک سازی؟").

برای کتاب شناسی کامل توسط کارشناسان در مطالعه این مجموعه واژه ها، به فرهنگ *بین المللی نوین الهیات* عهد جدید، تألیف کالین براون، جلد ۲، صفحه ۳۴۶ رجوع نمایید.

متن NASB (به روز شده) ۱۰: ۱۴-۱۵

۱۴ پس چگونه «او» را بخوانند، کسی که به او ایمان نیاورده اند؟ چگونه به «او» ایمان آورند، به کسی که در باره «او» چیزی نشنیده اند؟ و چگونه بشنوند بدون اینکه کسی موعظه کند؟ ۱۵ چگونه موعظه کنند، مگر آنکه فرستاده شوند؟ همانطور که نوشته شده است، "چه زیباست پاهای کسانی که مژده چیزهای نیکو را می آورند!"

۱۰: ۱۴-۱۵ یک سری سئوالات و سپس نقل قول هایی از عهد عتیق هستند و این نکته را می رسانند که قوم اسرائیل هرگز به پیام ها و پیام آوران یهوه [YHWH] گوش فرا نداده اند (ر.ک. نحμία ۹، اعمال ۷). خداوند پیام آوران (انبیاء، رسولان، معلمین، مبشرین) را می فرستد. این پیام آوران برای دنیای پر نیاز، برکت خدا هستند. همانطور که خدا از روی فیض خود پیام آوران انجیل را می فرستد، شنوندگان باید به طرز مناسب به پیام آنان پاسخ دهند. پولس با نقل از اشعیا ۵۲: ۷، به این موضوع قاطعیت می بخشد. پولس این آیه عهد عتیق را بسط داده، آن را مشمول واعظین انجیل می سازد.

ایمان نجات بخش دارای چند عنصر است: (۱) پیامی که باید به آن ایمان آورد؛ (۲) شخصی که باید او را پذیرفت؛ (۳) لیبیک توأم با توبه و ایمان در ابتدا و نیز به طور مداوم؛ (۴) زندگی مطیعانه؛ و (۵) استقامت (به یادداشت در ۱: ۵ رجوع نمایید).

۱۰: ۱۵ این مأموریت عظیم کتاب رومیان است. نجات توسط شنیدن انجیل و پذیرفتن انجیل انجام می شود. واعظین فرستاده می شوند تا "همه" نجات یابند!

متن NASB (به روز شده) ۱۰: ۱۶-۱۷
 ۱۶ اما همه آنان بشارت را گوش نگرفتند، زیرا اشعیا می گوید: "ای خداوند، چه کسی گزارش ما را باور کرده است؟" ۱۷ پس ایمان، پیام شنیدن است، و شنیدن به وسیله کلام مسیح میسر می شود.

۱۰: ۱۶ یکبار دیگر پولس، نبوت های عهد عتیق را که در ابتدا پیام یهوه [YHWH] به قوم اسرائیل بوده اند، در اشاره به انجیل عیسی ماشیح به کار می برد. همان طور که یهودیان زمان عهد عتیق پیام خدا را رد کردند، یهودیان زمان پولس نیز آن را رد نمودند. این نقلی از اشعیا ۵۳: ۱ است، اما از لحاظ الهیاتی، با رد پیام خدا توسط قوم اسرائیل، در اشعیا ۶: ۹-۱۳ ارتباط دارد.

۱۰: ۱۷ انجیل نخست یک پیام است (ر.ک. غلا ۳: ۲). اما این پیام به کلامی شخصی – "کلام مسیح" – تبدیل می گردد (ر.ک. کولس ۳: ۱۵-۱۶).

□ "کلام مسیح" به دلیل چارچوب متن، این باید اشاره به پیامی که در مورد مسیح موعظه می گردید باشد. موعظه انجیل، روش خداست تا آنچه را که در عیسی مسیح عرضه می کند، به جهانیان اعلام دارد.

در این نقطه، نسخه های خطی یونان باستانی یک کلمه متفاوت دارند: (۱) در MSS P⁴⁶، B، C، D* عبارت "کلام مسیح" آمده است در حالیکه (۲) در MSS A، D^c، K، P "کلام خدا" ذکر شده است. عبارت اول، غیرمعمولترین می باشد (ر.ک. کولس ۳: ۱۶) و ازین رو احتمالاً اصیل است (این یکی از پایه های تعلیمی نقد متون است). UBS⁴ به آن درجه "الف" (یقین) می دهد. این تنها جای دیگر در عهد جدید است که این عبارت دیده می شود. عبارت دوم، "کلام خدا"، چند بار دیده می شود (ر.ک. لوقا ۳: ۲؛ یوحنا ۳: ۳۴؛ افس ۶: ۱۷؛ عبر ۶: ۵ و ۱۱: ۳).

متن NASB (به روز شده) ۱۰: ۱۸-۲۱

۱۸ اما من می گویم یقیناً هرگز نشنیده اند. آیا شنیده اند؟ البته شنیده اند؛ "صدای آنان به تمامی زمین رسیده، و کلامشان به کرانه های جهان." ۱۹ اما می گویم، یقیناً اسرائیل آگاه نبوده اند. آیا بوده اند؟ نخست موسی می گوید: "من به وسیله آنها که ملتی نمی باشند، حسادت شما را بر خواهم انگیزم؛ توسط ملتی که درک و فهم ندارند شما را به خشم خواهم آورد." ۲۰ و اشعیا بسیار دلیر است و می گوید: "توسط آنانی که «مرا» جستجو نکردند یافت شدم، بر آنانی آشکار شدم که «مرا» نطلبیدند." ۲۱ اما درباره اسرائیل می گوید: "همه روز دستهای خود را به سوی قومی نافرمان و گردنکش به یاری دراز کردم."

۱۰: ۱۸ این آیه می گوید که اکثر یهودیان پیام را شنیده بودند و اینکه بخاطر رد آن مقصر بودند (عبارت یونانی منفی در منفی به منظور تأکید). مسئله، عدم آگاهی نبود بلکه بی ایمانی بود! پولس از مزمور ۱۹: ۴ نقل می کند. در این مزمور، آیات ۱-۶ از مکاشفه خدا در جهان طبیعت حکایت دارند، که سخن گویی خدا از طریق طبیعت می باشد (ر.ک. رومیان ۱-۲). تغییری که پولس وارد می کند بدین شرح می باشد (۱) گواه به سراسر جهان ("به تمامی جهان") و (۲) وسیله رسانیدن پیام، به جای صدای خاموش طبیعت، از طریق موعظه کنندگان انجیل است (رسولان، انبیاء، مبشرین، کشیشان، و معلمین، ر.ک. افس ۴: ۱۱)، که حاکی از مکاشفه خاص می باشد (ر.ک. مزمور ۱۹: ۸-۱۴). موضوع اصلی این است که پیام انجیل به جهان شناخته شده زمان پولس رسیده بود (جهان یونانی - رومی). پولس در اینجا با بهره گیری از علم تفسیر معلمین یهود، چارچوب اصلی عهد عتیق را برای مقاصد الهیاتی و جدلی خود [polemic] تعدیل نموده است. این باید صریحاً تأکید شود که کاربرد پولس از عهد عتیق، مانند دیگر رسولان، تحت رهبری منحصر به فرد روح القدس انجام شده است (ر.ک. ۲ پطرس ۱: ۲۰-۲۱). ایمانداران امروز، با نوری که روح القدس ذهن آنان را روشن می سازد، قادر نیستند همان روش های تفسیری نویسندگان عهد جدید را دوباره بوجود آورند.

۱۰: ۱۹-۲۰ یهودیان پیام را شنیده اند. موسی آن را بدیشان نقل کرده است. یهودیان به گوش شنیدند و متوجه هم شدند که مردمان همه می توانند با خدا مصالحه کنند. در این آیات، خدا با قوم عهد خود در این مورد صحبت کرد که غیریهودیان را شامل می سازد. این با نقل قول از تثنیه ۳۲: ۲۱ در آیه ۱۹ و اشعیا ۶۵: ۱-۲ در آیات ۲۰-۲۱ انجام شده است. این ادغام شوکه کننده غیریهودیان به منظور انگیزه دادن به یهودیان بود تا ایمان آورند (ر.ک. ۱۱: ۱۱، ۱۴).

۱۰: ۲۱ این گفتار، نقل از اشعیا ۶۵: ۲ در «ترجمه هفتاد» می باشد و حاکی از این است که قوم عهد، یهوه [YHWH] را نپذیرفته اند (ر.ک. اش ۶۵: ۱-۷). خدا وفادار بوده اما قوم اسرائیل بی وفایی کرده است. بی وفایی و خیانت آنان در گذشته منجر به داوری دنیوی ملت و افرادشان بود، اما رد پارسایی خدا بوسیله ایمان به مسیح، به داوری ابدی می انجامد!

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر، جهت راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. اگر گزینشی که خدا انجام می دهد اینقدر پر اهمیت است، چرا پولس در ۱۰: ۱ برای اسراییل دعا می

کند؟ چرا ۹: ۱۳-۹ اینقدر بر روی پاسخ انسانی تأکید می کند؟

۲. معنی آیه ۴ چیست؟ "آیا مسیح شریعت را برکنار کرده است؟"

۳. عناصر ایمان را در ۱۰: ۹-۱۰ به صورت فهرست درآورید.

۴. چرا پولس اینقدر از عهد عتیق نقل قول می کند؟ این با کلیسای روم که کلاً غیریهودی است چه ربطی دارد؟

۵. آیات ۱۱-۱۳ چگونه به فصل ۹ مربوط می شوند؟

۶. آیات ۱۴-۱۵ چگونه به بشارت جهانی مربوط اند؟

۷. چگونه در فصل ۱۰ نشان داده شده است که اراده آزاد انسان، جزوی از نجات انسان است؟

رومیان فصل ۱۱

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۴
باقیمانندگان قوم اسرائیل	رحم خدا نسبت به قوم اسرائیل	رد شدن قوم اسرائیل نهایی نیست	تمامی قوم اسرائیل رد نشده اند	باقیمانندگان قوم اسرائیل
۱۰-۱:۱۱	۶-۱:۱۱ ۱۰-۷:۱۱	۱۰-۱:۱۱	۱۰-۱:۱۱	۱۰-۱:۱۱
یهودیان در آینده با خدا مصالحه خواهند نمود			رد شدن قوم اسرائیل نهایی نیست	نجات غیریهودیان
۱۵-۱۱:۱۱	۱۲-۱۱:۱۱ نجات غیریهودیان	۱۲-۱۱:۱۱	۳۶-۱۱:۱۱	۱۲-۱۱:۱۱
یهودیان هنوز قوم برگزیده هستند	۱۵-۱۳:۱۱	۱۶-۱۳:۱۱		۱۶-۱۳:۱۱
۲۴-۱۶:۱۱	۱۸-۱۶:۱۱	استعاره درخت زیتون		
		۲۴-۱۷:۱۱		۲۴-۱۷:۱۱
	۲۴-۱۹:۱۱			
ایمان آوردن یهودیان	رحم خدا بر همگان	تمامی قوم اسرائیل نجات خواهند یافت		مصالحه قوم اسرائیل با خدا
۲۷-۲۵:۱۱	۳۲-۲۵:۱۱	۳۲-۲۵:۱۱		۳۲-۲۵:۱۱
۲۹-۲۸:۱۱				
۳۲-۳۰:۱۱				
سرود پرستشی برای رحمت و حکمت خدا	ستایش خدا			
۳۶-۳۳:۱۱	۳۶-۳۳:۱۱	۳۶-۳۳:۱۱		۳۶-۳۳:۱۱

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)

پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی در مطالعات میباشد، به این معنی که شما شخصاً مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را متور ساخته است. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس، اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی ها وحی نشده اند اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، که قلب کار تفسیر است، کلیدی می باشند. هر پاراگراف صرفاً و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

بینش های متنی

الف. فصل ۱۱، رابطه پارادوکس موجود را [دو موضوع ظاهراً ناساز که در عمل حقیقتی واحد هستند] بین برگزیدگی و خبر خوش انجیل، بیشتر توضیح می دهد. در عهد عتیق، برگزیدگی جهت خدمت بود، در حالیکه در عهد جدید، برگزیدگی جهت رستگاری است (به کتاب کشف الآیات خود رجوع نمایید!). از یک لحاظ، ایمانداران فرا خوانده شده اند تا خانواده خدا باشند (عهد جدید) و در عین حال خادمان او نیز باشند (عهد عتیق). برگزیدگی، شراکتی و در عین حال فردی است - هم مثبت است و هم منفی (یعقوب / اسرائیل - عیسو / ادم ؛ موسی / فرعون). اساساً این تنش نه تنها بین حاکمیت خدا و اراده آزاد بشر برقرار است، بلکه در خود ذات خدا است. فصل های ۹- ۱۱، بارها رحم خدا و نافرمانی بشر گناهکار را تأکید می کنند. خدا وفادار است اما انسان بی وفاست. برگزیدگی، آموزه ای برای محروم ساختن برخی نیست، بلکه برای کسانی که وعده ها و پسر خدای معاهده کننده را پذیرفته اند، شالوده امید، امنیت و اطمینان است.

ب. در فصل ۹، پولس حاکمیت خدا و آزادی عمل الهی را تأکید می کند. حتی در رابطه معاهده ای، خدا آزادی عمل دارد. در فصل ۱۰ پولس تأکید کرد که یهودیان در قبول یا رد وعده ها و معاهدات خدا، آزاد بودند. از آنجایی که بی وفایی آنان به ثبوت رسید و آنها وعده ها و معاهده خدا را رد کردند، از یک لحاظ خدا نیز آنها را رد نمود. لیکن، در فصل ۱۱، پولس وفاداری خدا را تصدیق خواهد کرد - حتی در برابر بی وفایی قوم اسرائیل (ربک تثنیه ۸).

پ. در گذشته، مانند امروز، باقیماندگان یهودی به ماشیح خدا ایمان داشتند و ایمانشان را به عمل می گذاردند. خود پولس نمونه ای از این بود. رد شدن برخی از یهود بخاطر بی ایمانی شان، راه را برای مشمول ساختن ایمانداران غیر یهودی باز کرد. مشمول ساختن غیر یهودیان دو نتیجه خواهد داشت: (۱) قوم تکمیل شده خدا، یا (۲) شمار تکمیل شده برگزیدگان خدا، از یهود و غیر یهود. این شامل شدن غیر یهودیان، قوم اسرائیل را برمی انگیزد تا به عیسی ماشیح خدا، ایمان آورند.

متن NASB (به روز شده) ۱۱: ۱-۶

۱ پس می گویم: آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ هرگز چنین مباد! زیرا من نیز اسرائیلی ام، از نسل ابراهیم و از قبیله بنیامین. ۲ خدا قوم خود را که از پیش شناخت، رد نکرده است. یا نمی دانید کتاب مقدس در بخش راجع به الیاس چه می گوید، که او چگونه به خدا علیه قوم اسرائیل شکایت می کند؟ ۳ "خداوند، ایشان انبیاء تو را کشته اند؛ آنها مذبوح های تو را ویران کرده اند و تنها من باقی مانده ام و اکنون قصد جان مرا دارند." ۴ اما پاسخ الهی به او چه بود؟ اینکه "من برای خود هفت هزار مرد را نگاه داشته ام که در برابر «بعل» زانو نزده اند." ۵ پس به همین سان، در زمان حاضر نیز باقیماندگانی، مطابق گزینه پر فیض خدا، وجود دارند. ۶ اما اگر از راه فیض باشد، دیگر بر پایه اعمال نیست؛ و گرنه فیض دیگر فیض نیست.

۱۱: ۱ "آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟" با چنین سئوالی انتظار می رود پاسخ "نخیر" باشد. پولس در آیات ۱-۱۰ به این سئوال پاسخ می دهد. این قسمت باید مربوط به استدلال قبلی پولس باشد. فصل های ۹-۱۱ واحد ادبی یگانه ای هستند، و یک استدلال بی وقفه را تشکیل می دهند. جالب توجه است که نسخه یونانی باستانی پاپیروس P⁴⁶ و نسخه های خطی F و G که صرفاً با حروف درشت نوشته شده اند، به جای کلمه «قوم»، دارای کلمه «ارث» هستند، که می تواند برگرفته از مزمو ۹۴: ۱۴ در LXX [ترجمه هفتاد] باشد.

□ "هرگز چنین مباد" این روش مشخصه پولس برای رد سئوالات یک معترض فرضی است (گفتار اعتراض آمیز، ر.ک. ۳: ۴، ۶، ۳۱؛ ۶: ۲، ۱۵؛ ۷: ۷، ۱۳؛ ۹: ۱۴؛ ۱۱: ۱، ۱۱).

□ "من نیز اسرائیلی ام" پولس خود را به عنوان نمونه می آورد تا ثابت کند باقیماندگانی از ایمانداران یهودی وجود دارند. برای شرح بیشتر زمینه یهودی پولس به فیلیپیان ۳: ۵ رجوع نمایید.

□ ۱۱: ۲ "خدا قوم خود را رد نکرده است" این می تواند اشاره به مزمو ۹۴: ۱۴ باشد (ر.ک. تث ۳۱: ۶؛ ۱ سمو ۱۲: ۲۲؛ ۱ پاد ۶: ۱۳؛ مراثی ۳: ۳۱-۳۲). این جواب مستقیم به سئوال آیه ۱ است.

□ "که از پیش شناخت" این اشاره واضح به برگزیدن قوم اسرائیل توسط خدا است. به یادداشت در ۸: ۲۹ رجوع نمایید. در اینجا و در آیات ۴-۶، استدلال به فصل ۹ بر میگردد. موضوع کلیدی، اعمال قوم اسرائیل در مراعات احکام خدا نبود، بلکه گزینش خدا بود. خدا به وعده های خود وفادار است - نه به خاطر اعمال قوم اسرائیل، بلکه به خاطر ذات خود (ر.ک. حز ۳۶: ۲۲-۳۲).

□ "کتاب مقدس می گوید" این اشاره به شرح فرار ایلای نبی از ایزابل، در ۱ پادشاهان ۱۹: ۱۰ است که در آیه ۳ نقل شده است.

۱۱: ۴ "من برای خود هفت هزار مرد را نگاه داشته ام": "برای خود" در متن عبری ماسورتیک [یک متن عبری کتاب مقدس] در آیات ۱ پاد ۱۹: ۱۸ دیده نمی شود (پولس از متن ماسورتیک [MT] یا ترجمه هفتاد [LXX] نقل قول نکرده است) اما در اینجا آنرا اضافه کرده است تا گزینش خدا را تأکید نماید.

باقیمانگان وفادار در ۱ پادشاهان ۱۹: ۱۸ از دیدگاه گزینۀ خدا نظاره شده است، نه از دیدگاه رد شدن آنها بخاطر پرستش «بعل».

مقصود پولس این است که حتی در میان اسرائیلیان بی‌وفا و بت‌پرست زمان ایلیا، گروه کوچکی از ایمانداران وجود داشته‌اند. در زمان خود پولس نیز باقیمانگان ایمان‌داری میان یهودیان بودند. در تمامی اعصار، بعضی از یهود، از طریق ایمان و نه با کوشش شخصی، به خدا لیبیک گفته‌اند. تأکید پولس بر این است که این ایمانداران یهودی از فیض و رحم خدا نیرو می‌گیرند (آیات ۵-۶).

□ "در برابر «بعل»" این «حرف تعریف مؤنث» برای یک «اسم مذکر» است. دلیل این بوده که یهودیان همیشه «حروف صدا داری» را از واژه مؤنث عبری «خجالت» (*bosheth*) در میان «حروف بی صدای» اسامی خدایان بی‌دینان، برای مسخره آن خدایان می‌نوشتند.

۱۱: ۵-۶ اینها آیات کلیدی هستند، زیرا کارهای پیشین خدا را در عهد عتیق به شرایط کنونی ربط می‌دهند. این ارتباط، همان گزینش خدا توسط رحم اوست (ر.ک. ۹: ۱۵، ۱۶، ۱۸؛ ۱۱: ۳۰، ۳۱، ۳۲). فیض خدا اولویت دارد، اما ایمان انسان لازم است (ر.ک. مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱)، لکن به هیچوجه این برپایه شایستگی انسان نیست (ر.ک. افس ۲: ۸-۹؛ ۲ تیمو ۱: ۹؛ تیطس ۳: ۵). این حقایق در استدلال‌های پولس در سراسر فصل‌های ۹-۱۱، نقش بسیار مهم دارند.

۱۱: ۶ "اگر" این «جمله درجه اول شرطی» می‌باشد که از دیدگاه نویسنده یا جهت سبک ادبی او، واقعیت فرض گرفته شده است. رستگاری، توسط فیض خدا است (به یادداشت در ۳: ۲۴ رجوع نمایید، ر.ک. ۶: ۲۳؛ افس ۲: ۸-۹).

□ کتاب مقدس KJV، عبارتی را به این ترتیب در خاتمه آیه ۶ اضافه می‌کند: "اما اگر از راه اعمال باشد، دیگر بر پایه فیض نیست؛ و گرنه عمل دیگر عمل نیست." این عبارت در اکثر نسخه‌های خطی یونانی باستانی P⁴⁶، P⁶⁷، A، C، D، G، یا P، یا ترجمه‌های کهن لاتین، نیامده است؛ اما دو شکل مختلف این عبارت در نسخه‌های خطی B و C دیده می‌شوند. ترجمه کتاب مقدس UBS⁴ حذف آن‌ها را با احتمال یقین "الف"، مشخص می‌سازد.

متن NASB (به روز شده) ۱۱: ۷-۱۰

^۷ پس چه نتیجه می‌گیریم؟ اینکه اسرائیل آنچه را مشتاقانه در پی کسبش است، به دست نیاورده است، اما آنانی که برگزیده شدند آن را به دست آوردند و بقیه به سختی دچار شدند. ^۸ چنانکه نوشته شده است: "تا به امروز خدا روح رخوت به آنان داد، و چشمانی که نتوانند ببینند، و گوشهایی که نتوانند بشنوند." ^۹ و داوود می‌گوید: "سفره ایشان بر ایشان دام و تله باشد، و به سنگ لغزش و مکافات بدل گردد. ^{۱۰} چشمانشان تار شود تا نتوانند ببینند و پشت ایشان زیر بار ابدی خم شود."

۱۱: ۷ "اسرائیل آنچه را مشتاقانه در پی کسبش است، به دست نیاورده است" این در ابتدای جمله یونانی قرار گرفته است تا نظر پولس را تأکیداً بیان کند. بسیاری از یهودیان در صدد رابطه درست با خدا بودند و در این راستا، تشریفات مذهبی، امتیاز نژادی، و کوشش شخصی را به شدت دنبال می‌کردند. اما آنان به هدف خود نرسیدند! هیچ انسانی نمی‌تواند در برابر خدا، به خود ببالد (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۲۹؛ افس ۲: ۹).



"اما آنانی که برگزیده شدند آن را به دست آوردند"	NASB
"اما منتخبین آن را به دست آورده اند"	NKJV
"منتخبین آن را به دست آوردند"	NRSV
"صرفاً گروه کوچکی که خدا انتخاب نمود آن را یافت"	TEV
"اما صرفاً معدودی برگزیدگان"	JB

این مفهوم "باقیمانندگان" در عهد عتیق است که به ۷۰۰۰ نفر در ۱ پاد ۱۹: ۱۸ اشاره می کند. موضوع کلیدی، کوشش انسانی، یا نژاد، یا مذهبی بودن نیست (آیه ۶)، بلکه فیض خدا در برگزیدن افراد (ر.ک. افس ۱: ۳-۱۴).

▣ "بقیه به سختلی دچار شدند" این «گذشته غیر معین اخباری غیرمستقیم» است (ر.ک. ۲ قرن ۳: ۱۴). معنی ضمنی آن اینست که خدا ایشان را سختدل ساخته است (ر.ک. آیات ۸ - ۱۰). شریر، عامل این سختدل سازی است (ر.ک. ۲ قرن ۴: ۴). "سختدل شده" (*pōroō*) واژه پزشکی برای پینه گرفتگی یا کوری است (ر.ک. روم ۱۱: ۲۵؛ ۲ قرن ۳: ۱۴؛ افس ۴: ۱۸). همین واژه در مرقس ۶: ۵۲ در مورد رسولان به کار رفته است. این واژه یونانی با کلمه ای که در ۹: ۱۸ آمده (*sklērunō*) فرق دارد، که متضاد رحم و شفقت می باشد (ر.ک. عبر ۳: ۸، ۱۵؛ ۴: ۷).

این آیه بسیار واضح است و خلاصه ۱۱: ۱-۶ می باشد. بعضی که انتخاب شدند، ایمان داشتند و بعضی که انتخاب نشدند، سختدل بودند. اما این آیه، جدا از بقیه نوشته نشده است و یک شعار الهیاتی نیست. این جزئی از یک استدلال بهم پیوسته الهیاتی است. تنشی میان واقعیتی که به صراحت در این آیه بیان شده، و دعوت های همگانی در فصل ۱۰، وجود دارد. اینجا رازی هست. اما برای حل موضوع، نمی توان با انکار یا کم اهمیت جلوه دادن هیچیک از جوانب مسئله پیچیده، و هیچیک از دو رکن پارادوکس [در ظاهر متناقض و عملاً یک حقیقت واحد] عمل نمود.

۱۱: ۸ - ۱۰ این آیات، نقل قول از اش ۲۹: ۱۰ (آیه ۸ الف)، تث ۲۹: ۴ (آیه ۸ ب، اما نه از MT یا LXX) و مزمور ۶۹: ۲۲-۲۳ (آیات ۹ - ۱۰) می باشند. آنها حقیقتاً نشانگر مأموریت و دعوتی هستند که اشعیا در ۶: ۹-۱۳ در مورد قوم نافرمان اسرائیل، یافته بود. اشعیا کلام خدا را اعلام می کرد، اما قوم خدا نتوانستند و نمی خواستند جوابی بدهند. پولس بدین ترتیب دارد از عهد عتیق شاهد می آورد که خدا برخی را همچون ۹: ۱۳، ۱۵ و ۱۷، سختدل می سازد.

۱۱: ۸

"خدا روح رخوت به آنان داد"	NKJV, NASB
"خدا روح فرسودگی به آنان داد"	JB, NRSV
"خدا اذهان و دل های آنان را کند ساخت"	TEV

واژه یونانی (*Katanuxis*) که تنها این یکبار در عهد جدید آمده، در مورد گزش حشره ای به کار رفته است که با ایجاد یک حس شدید، حواس عمده را کند می سازد.

۱۱: ۱۰ "چشمانشان تار شود تا نتوانند ببینند و پشت ایشان زیر بار ابدی خم شود" فعل اول درینجا «گذشته غیرمعین امری غیرمستقیم» است که پس از آن فعل «گذشته غیرمعین متعدی امری» آمده است. این راز حاکمیت خدا، و جواب لازم انسان ها می باشد. خدا منبع همه چیز است، و همه

چیز را او ایجاد و شروع می کند، اما در حاکمیت خود اینطور اراده فرموده است که انسان ها، که اشرف مخلوقات او هستند، بتوانند با آزادی از او اطاعت کنند و به او پاسخ دهند. آنانیکه با ایمان به او پاسخ نمی دهند، در بی ایمانی خود سختدل می گردند.

در این چارچوب، پولس نقشه ابدی خدا را برای رستگاری نسل آدم بیان می کند. بی ایمانی یهودیان، راه ایمان را برای غیریهودیان باز می کند و توسط حسادت، باعث بازگرداندن قوم اسرائیل میگردد! این نقشه برای شامل کردن است (ر.ک. افس ۲: ۱۱ - ۳: ۱۳)، نه برای محروم ساختن! سختدل ساختن، باعث بیشتر شدن حاصل می گردد!

متن NASB (به روز شده): ۱۱: ۱۱ - ۱۶

۱۱ باز می پرسم: آیا لغزش یهودیان برای سقوط آنها بود؟ هرگز چنین مباد! بلکه در اثر خطای آنان، نجات به غیریهودیان رسیده است، تا باعث حسادت آنان گردد. ۱۲ اما اگر خطای آنها، غنای جهان است و شکست شان، غنای غیر یهودیان، چقدر بیش از این، کامل شدن تعدادشان خواهد بود؟ ۱۳ اما روی سخنم با شما غیر یهودیان است. از آنجا که من رسول غیر یهودیانم، به خدمت خود می بالم، ۱۴ شاید به نوعی حسادت هم میهنان خود را برانگیزم و برخی از آنان را نجات بخشم. ۱۵ زیرا اگر رد شدن ایشان به معنی مصالحه جهان با خدا است، پذیرفته شدن شان چه خواهد بود، جز حیات از مردگان؟ ۱۶ اگر تکه اول خمیر، تقدیس شده است، تمامی آن خمیر مقدس است؛ و اگر ریشه مقدس باشد، شاخه ها نیز مقدسند.

۱۱: ۱۱ "باز می گویم" این همان عبارت بدیهی و مسلم در ۱: ۱۱ می باشد. آن عبارت، بحث و استدلال الهیاتی پولس را به طرز دیگری ادامه می دهد. در آیات ۱ - ۱۰، خدا تمامی قوم اسرائیل را رد ننموده است؛ در آیات ۱۱ - ۲۴ رد شدن قوم اسرائیل همیشگی نیست بلکه بدینوسیله منظور انجام می شود. از طریق آن، غیریهودیان بهره مند گردیده اند.



"آیا لغزش یهودیان برای سقوط آنها بود؟"	NASB
"آیا لغزیده اند تا سقوط کنند"	NRSV, NKJV
"هنگامی که یهودیان لغزش خوردند، آیا سقوطی منتهی به نابودی شان داشتند"	TEV
"آیا یهودیان برای همیشه سقوط کرده اند، یا صرفاً لغزش خورده اند"	JB

در برابر این سؤال انتظار می رفت پاسخ "نخیر" باشد. بی ایمانی قوم اسرائیل، یک وضعیت همیشگی نیست.



"در اثر خطای آنان"	NASB
"بوسیله سقوط شان"	NKJV
"بوسیله لغزش آنها"	NRSV
"از آنجا که گناه کردند"	TEV
"سقوط آنها"	JB

در چارچوب متن، منظور این عبارت، رد کردن عیسی به عنوان ماشیح، توسط یهودیان است (ر.ک. آیه ۱۲).

□ **"نجات به غیریهودیان رسیده است"** این چه گفته شوکه آوری برای یهودیان قرن اول می بوده است (ر.ک. آیه ۱۲؛ اعمال ۱۳: ۴۶؛ ۱۸: ۶؛ ۲۲: ۲۱؛ ۲۸: ۲۸).

□ **"تا باعث حسادت آنان گردد"** نقشه خدا برای شامل ساختن غیر یهودیان این دو مقصود را به نتیجه می رساند: (۱) خدا نجات را به همگی بشر عرضه می کند؛ و (۲) خدا، باقیماندگانی از قوم اسرائیل را باز می گرداند و آنها ایمان شخصی خواهند داشت. من شخصاً مطمئن نیستم که مورد دوم، درقبال بیداری روحانی یهودیان در زمان های آخر باشد (ر.ک. زکریا ۱۲: ۱۰)، یا آنکه عبادتگاههای امروزی یهودیان مسیحی [Messianic synagogues] می توانند تحقق این وعده باشند.

۱۱: ۱۲-۱۴ در این آیات یک سری ده تایی از «جملات شرطی» است که مربوط به بی ایمانی یهودیان، در ارتباط با ایمان داشتن غیر یهودیان هستند. آیات ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۴ «جملات شرطی نوع اول» هستند که از دیدگاه نویسنده، یا به منظور شیوایی سخن، واقعیت تلقی شده اند، در حالیکه آیات ۲۲ و ۲۳ «جملات شرطی نوع سوم» هستند که حاکی از عمل بالقوه در آینده می باشند.

۱۲: ۱۱	NASB
"چقدر بیش از این، کامل شدن تعدادشان خواهد بود"	NKJV
"چقدر بیش از این، کاملیت آنها"	NRSV
"چقدر بیش از این، گنجائیدن کامل آنها خواهد بود"	TEV
"آنگاه، برکات چقدر بیشتر خواهند بود - زمانی که تعداد کامل یهودیان شامل گردند"	JB
"آنگاه تصور کن در اثر ایمان آوردن همگی آنان، چه مزایای بیشتری درین حاصل می گردد"	

نکته اصلی در تفسیر این قسمت، معنی عبارت "کاملیت آنها" است. آیا در مورد (۱) نجات یافتن یهودیان است، آیات ۱۴ ب، ۲۶ الف، یا (۲) شمار نهایی ایمانداران برگزیده یهودی و غیر یهودی؟

۱۱: ۱۳ **"روی سختم با شما غیر یهودیان است"** فصل های ۹ - ۱۱ یک واحد ادبی را تشکیل می دهند که پاسخ این سؤال می باشند: "چرا ماشیح یهود، مورد رد یهودیان قرار گرفته است؟" اما، این پرسش باقی می ماند که چرا پولس چنین نیازی را در این نامه، و در این مقطع اظهارات خود حس کرده که به این سؤال بپردازد.

به نظر می رسد آیات ۱۳ - ۲۴، و قسمت سوم آیه ۲۵، انعکاسی از مسئله ای در کلیسای شهر روم بین یهودیان نژاد گرا و غیریهودیان باشد. حال آیا این مسئله بین ایمانداران یهودی و ایمانداران غیر یهودی وجود داشته، یا بین غیریهودیان ایماندار و یهودیان بی ایمان (کنیسه یهودیان)، مشخص نیست.

□ **"من رسول غیر یهودیانم"** پولس به طرزی منحصر به فرد، احساس خواندگی می کرد تا خدمت انجیل را برای دنیای غیریهودی به انجام برساند (ر.ک. اعمال ۹: ۱۵؛ ۲۲: ۲۱؛ ۲۶: ۱۷؛ روم ۱: ۵؛ ۱۵: ۱۶؛ غلا ۱: ۱۶؛ ۲: ۷، ۹؛ ۱ تیمو ۲: ۷؛ ۲ تیمو ۴: ۱۷).

□

"به خدمت خود می بالم"	NKJV، NASB
"از خدمت خود تجلیل می کنم"	NRSV
"به کار خود افتخار می کنم"	TEV
"افتخار می کنم که فرستاده شده ام"	JB

کلمه "می بالم" می تواند این معانی را داشته باشد: (۱) شکرگذار بودن؛ (۲) افتخار داشتن به؛ یا (۳) بهترین استفاده را از چیزی بردن. این نیز می تواند انعکاسی از مسئله ای در کلیسای شهر روم بوده باشد! پولس (۱) از خدمت به غیریهودیان خرسند است، یا (۲) مشاهده می کرد که خدمتش، یهودیان را به حسادت بر می انگیزد، که منتهی به نجات آنان می گردید (ر.ک. آیات ۱۱، ۱۴ و ۹: ۱-۳).

۱۱: ۱۴ "برخی از آنان را نجات بخشم" این خوانندگی پولس برای بشارت است. او می دانست که بعضی به موعظه انجیل لبیک می گویند (ر.ک. ۱ قرن ۱: ۲۱) در حالیکه دیگران ایمان نخواهند آورد (ر.ک. ۱ قرن ۹: ۲۲). این راز برگزیدگی است (عهد عتیق و عهد جدید)!

۱۱: ۱۵ رد شدن قوم اسرائیل که در عهد عتیق برگزیده شده بودند، بخشی از نقشه خدا برای رستگاری تمامی بشر بود (*cosmos*). تکبر یهودیان در خود پارسا انگاری و نژادگرایی و شریعت گرایی، البته نیاز به ایمان را تأکید می نمود (ر.ک. ۹: ۳۰-۳۳). ایمان به یهوه و ماشیح او، کلید بر خورداری از جایگاه درست در برابر خدا است، نه انجام فرایض مذهبی توسط انسان. اما باید در نظر داشت که رد شدن قوم اسرائیل، به منظور رستگار کردن همه مردم دنیا بود. جایی برای غرور بشر نیست - چه یهودی یا غیریهودی. ظاهراً این پیامی بود که کلیسای رومی نیاز به شنیدن آن داشت!

□ "مصالحه جهان با خدا" این از لحاظ الهیاتی قابل مقایسه با "نیکی مطلق خدا" است. کلمات آن از *kata* به همراه *alassō* برگرفته شده اند (عوض کردن، تغییر دادن، تبدیل کردن). منظور اینجا جانشین ساختن آرامش در عوض دشمنی، و برقراری دوباره لطف است (ر.ک. روم ۵: ۱۱؛ ۱۱: ۱۵؛ ۲ قرن ۵: ۱۸ و ۱۹). خدا خواستار تجدید رابطه ای است که در باغ عدن وجود داشت. گناه، آن رابطه را از میان برداشت، اما مسیح، شباهت خدا را در انسان های خاطی که ایمان آورده، به آن عمل می کنند، احیا ساخته است. اینان با خدا آشتی یافته و پذیرفته شده اند (همسان آیه ۱۵). انسان قادر به تجدید این رابطه نزدیک نبود، اما خدا می تواند چنین کند و آن را انجام است!

۱۱: ۱۶ "اگر تکه اول خمیر، تقدیس شده است" این «جمله شرطی نوع اول» است که از دیدگاه نویسنده، یا به منظور شیوایی سخن، واقعیت تلقی شده است. اشاره آن به اعداد ۱۵: ۱۷-۲۱ است. این عبارت، یک استعاره است، و مشابه مفهوم عهد عتیق "محصول نخست" می باشد که مردم به خدا تقدیم می کردند تا نشان دهند تمامی محصول متعلق به خداوند است.

در باستان، باقیمانندگان ایماندار یهودی، هنوز بر بقیه ملت اثرگذار بودند (ر.ک. پیدای ۱۸: ۲۷-۳۳؛ ۲ تو ۷: ۱۴). استعاره "تکه اول" همسان "ریشه" است (ر.ک. ارم ۱۱: ۱۶-۱۷)، که هر دوی آنها به افراد وفادار در قوم اسرائیل، بخصوص به پاتریارخ های عهد عتیق، اشاره می کنند (ر.ک. آیه ۲۸).

متن NASB (به روز شده): ۱۱: ۱۷-۲۴

۱۷ اما اگر برخی از شاخه ها قطع شدند و تو، که زیتون وحشی بودی، در میان آنان پیوند شدی و در تغذیه از ریشه مقوی آن درخت زیتون با آنان سهیم گشتی،^{۱۸} بر آن شاخه ها فخر مفروش؛ اما اگر فخر بفروشی، به یاد داشته باش که تو نیستی که حامل ریشه هستی، بلکه ریشه حامل توست.^{۱۹} پس در جواب می گویی: "شاخ ها قطع شدند تا من پیوند شوم."^{۲۰} کاملاً درست است، آنها به علت بی ایمانی شان قطع شدند اما تو به وسیله ایمانت استواری. مغرور مباش بلکه بترس؛^{۲۱} زیرا اگر خدا بر شاخه های طبیعی شفقت نکرد، بر تو نیز شفقت نخواهد کرد.^{۲۲} پس مهربانی و سختگیری خدا را در نظر داشته باش:

سختگیری نسبت به کسانی که سقوط کرده اند، اما مهربانی خدا به تو - البته به این شرط که در مهربانی او باقی بمانی، و گرنه تو نیز بریده خواهی شد. ^{۲۳} و آنان نیز، اگر در بی ایمانی خود باقی نمانند، پیوند خواهند شد، زیرا خدا قادر است آنها را بار دیگر پیوند بزند. ^{۲۴} زیرا اگر تو از آنچه مطابق طبیعت درخت زیتون وحشی است بریده شوی، و برخلاف طبیعت به درخت زیتون آزاد پیوند گشتی، پس چقدر بیشتر اینها که شاخه های طبیعی هستند می توانند به درخت زیتون خود شان پیوند شوند.

۱۱: ۱۷ "اگر" به یادداشت در ۱۱: ۱۲-۲۴ رجوع نمایید.

□ "شاخه ها قطع شدند" منظور افراد بی ایمان قوم اسرائیل هستند (ر.ک. آیات ۱۸، ۱۹، "شاخه های طبیعی"، آیه ۲۱).

□ "زیتون وحشی" منظور غیریهودیان ایماندار هستند که در اثر موعظه انجیل ایمان می آورند.

□ "پیوند" پولس این استعاره کشاورزی را که در آیه ۱۶ آغاز نموده، ادامه می دهد. پیوند زدن شاخه های زیتون وحشی به درخت اصلی، به حاصل آن درخت می افزود (ر.ک. آیه ۲۴).

□ "درخت زیتون" این سمبل ملت اسرائیل است (ر.ک. آیه ۲۴؛ مزمور ۵۲: ۸؛ ۱۲۸: ۳؛ ارم ۱۱: ۱۶؛ هوشع ۱۴: ۶). این استعاره دوم پولس از عهد عتیق برای توصیف ارتباط بین یهودیان و غیر یهودیان است.

۱۱: ۱۸ "بر آن شاخه ها فخر مفروش" این «حال امری» به همراه «تکواژ منفی وابسته» است که معمولاً به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است. آیه مذکور، به همراه آیات ۱۳، ۲۰ و ۲۵، نشانگر وجود مسئله ای بین یهودیان و غیریهودیان در کلیسای روم است.

۱۱: ۱۹-۲۰ آیه ۱۹، یک سخن اعتراض آمیز دیگر است (معترض فرضی). پولس دلیل رد شدن یهودیان را توضیح می دهد. این بخاطر بی ایمانی خود آنها بود، نه به خاطر آنکه غیریهودیان مورد محبت بیشتری بوده اند! غیریهودیان صرفاً بخاطر محبت خدا مشمول شدند (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵) و نیز بخاطر ایمانشان! بعلاوه آنان می توانستند با برانگیختن حسادت یهودیان، سبب بازگشت آنان به سوی خدا گردند (ر.ک. آیات ۱۱، ۱۴).

۱۱: ۲۰

"تو به وسیله ایمانت استواری"

NASB

"تو به وسیله ایمان استواری"

NKJV

"اما صرفاً بوسیله ایمان استواری"

NRSV

"برجا استواری زیرا ایمان داری"

TEV

"اگر هنوز استوار برجا هستی، صرفاً بخاطر ایمانت است"

JB

این «کامل متعدی اخباری» است. اما در چارچوب ده «جمله شرطی» قرار دارد. جایگاه ما در برابر خدا، توسط ایمان است و همیشه با ایمان ادامه می یابد. اگر ایمان نباشد، جایگاه ما نیز دیگر برجا نخواهد بود. رستگار شدن به این معانی است: (۱) در ابتدا ایمان آوردن (۲) حالت بودن در ایمان (۳)

پیشرفت مداوم ایمان ؛ و (۴) تکمیل نهایی ایمان. در مورد نظام های الهیاتی که تمام توجهشان صرفاً به یکی از این واقعیت های کتاب مقدسی است، احتیاط کنید. به عنوان خاص در ۱۰: ۴ رجوع نمایید. خدا ایجاد کننده، پیشقدم، حفظ کننده، و کامل کننده نجات است - اما در قالب معاهده. مشی الهی او چنین است که انسانِ خاطی باید در یکایک این مراحل و به طور مداوم توبه کند و ایمان داشته باشد.



"مغرور مباش بلکه بترس"	NASB
"متکبر مباش، بلکه بترس"	NKJV
"پس مغرور مشو، بلکه هیبت او را در دل داشته باش"	NRSV
"اما از این مغرور مباش؛ بلکه بترس"	TEV
"بجای اینکه تو را مغرور سازد، باید تو را بترساند"	JB

هر دوی این جملات، «حال امری» هستند. جمله اول دارای «تکواژ وابسته منفی» است، که به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است. آن حاکی از مسئله ای در کلیسای روم بود. دلیل ترس در آیه ۲۱ ذکر شده است.

۱۱: ۲۱ "بر تو نیز شفقت نخواهد کرد" همانطور که قوم اسرائیل مرتد شد و در ایمان پر نخوت خود، از یهوه دوری جست و قطع گردید، کلیسا نیز اگر با پارسا انگاشتن مغرورانۀ خود از ایمان به مسیح برگردد، قطع خواهد شد. پس از ایمان نخستین، باید به طور مداوم شیوه زندگی پر ایمان داشت (ر.ک. متی ۱۳: ۱-۲۳؛ مرقس ۴: ۱-۱۲؛ لوقا ۸: ۴-۱۰). باید همیشه در برابر غرور مقاومت ورزید. ما آنچه هستیم، در اثر فیض خدا هستیم، و تمام کسانی که به مسیح توکل دارند برادران ما هستند!

۱۱: ۲۲ "مهربانی و سختگیری خدا" روش های خدا همیشه به نظر انسان های گناهکار، متناقض می نمایند (ر.ک. اش ۵۵: ۸-۱۱). ما نتیجه گزینۀ های خود را خواهیم دید. برگزیدگی الهی، به این معنی نیست که انسان دیگر مسئولیتی نداشته باشد. برگزیدن ملت اسرائیل، رستگاری یکایک یهودیان را تضمین نکرد.

▣ "به این شرط که در مهربانی او باقی بمانی" این «جمله شرطی نوع سوم»، با «زمان حال شرطی» است. این ساختار دستوری به این معنی بود که ادامه وضعیت ایمانداران غیریهودی، شرطی است (این جنبه دیگر حاکمیت خدا در رومیان ۹ است)؛ باید در حفظ ایمان خود، کوشا باشیم (ر.ک. فیل ۲: ۱۲-۱۳). اینجا اشاره، هم به پایداری جمعی و هم فردی است (ر.ک. غلا ۶: ۹؛ مکا ۷: ۷، ۱۷؛ ۳: ۶، ۱۳، ۲۲). این همان راز و تنش میان جنبه های شراکتی و انفرادی در کتاب مقدس است. هم وعده ها وجود دارند (بر پایه ذات و شخصیت خدا) و هم تعهدهای شرطی (بر پایه پاسخ انسان). به عنوان خاص: نیاز به استقامت، در ۸: ۲۵ رجوع نمایید.

۱۱: ۲۳ این آیه، از الگوی دستوری و الهیاتی آیه ۲۲ پیروی می کند. اگر یهودیان توبه کنند و ایمان آورند، شامل خواهند شد. اگر غیر یهودیان از ایمان باز ایستند، رد خواهند شد (ر.ک. آیه ۲۰). ایمان نخستین به مسیح، و ایمان مداوم به او، برای هر دو گروه ضروری و حیاتی است.

متن NASB (به روز شده): ۱۱: ۲۵-۳۲

^{۲۵} ای برادران، نمی خواهم از این راز بی اطلاع باشید - مبادا خود را دانا بیندازید - که سختدلی بر بخشی از اسرائیل حکمفرما شده است، تا وقتی که شمار کامل غیر یهودیان داخل گردند. ^{۲۶} و اینچنین تمامی اسرائیل نجات خواهد یافت. چنانکه نوشته شده است: "رهانده ای از صهیون خواهد آمد و بی دینی را از یعقوب بر خواهد انداخت." ^{۲۷} "این عهد من با ایشان خواهد بود هنگامی که گناهانشان را از میان بردارم." ^{۲۸} به لحاظ انجیل، به خاطر شما، دشمن اند؛ اما به لحاظ گزینش خدا، به خاطر پدران، محبوب اند. ^{۲۹} زیرا عطایا و دعوت خدا غیر قابل فسخ هستند. ^{۳۰} درست همان گونه که شما زمانی نسبت به خدا نافرمان بودید، اما اکنون در نتیجه نافرمانی ایشان رحمت یافته اید، ^{۳۱} ایشان نیز اکنون نافرمان شده اند تا در نتیجه رحمت خدا بر شما، [اکنون] بر ایشان نیز رحم شود. ^{۳۲} زیرا خدا همه را در بند نافرمانی نهاده، تا بر همگان رحمت کند.

۱۱: ۲۵ "ای برادران، نمی خواهم از این راز بی اطلاع باشید" این یکی از اصطلاحات مشخصه پولس است (ر.ک. ۱: ۱۳؛ ۱ قرن ۱۰: ۱؛ ۱۲: ۱؛ ۲ قرن ۱: ۸؛ ۱ تسالونی ۴: ۱۳). این معمولاً بحث مهمی را معرفی می کند. کاربرد آن همانند "آمین، آمین" است که عیسی در ابتدای سخنان خود می فرمود. پولس از آن در ارائه موضوع جدید استفاده می کند.



،NKJV ،NASB

NRSV

TEV

JB

"راز"

"حقیقت مخفی"

"دلیل پنهان برای همه اینها"

عنوان خاص: راز

خدا مقصود یگانه شده ای برای نجات بشر دارد که حتی مقدم بر زمان گناه انسان بوده است (ر.ک. پیدای ۳). اشارات مختصری از این برنامه در عهدعتیق، نمایانگر آن هستند (ر.ک. پیدای ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶؛ و مجموعه آیات عالمگیر در انبیاء). اما تمامی این برنامه کار، روشن نبود (ر.ک. ۱ قرن ۲: ۶-۸). آمدن عیسی و روح القدس، آغازی برای بیشتر روشنتر شدن آنست. پولس از واژه "راز" برای توصیف نقشه کامل رستگاری، استفاده می کند (ر.ک. ۱ قرن ۴: ۱؛ افس ۶: ۱۹؛ کولس ۴: ۳؛ ۱ تیمو ۱: ۹). اما آن را به چند مفهوم مختلف بکار می برد:

۱. سختدلی بخشی از قوم اسرائیل، تا غیریهودیان بتوانند مشمول گردند. این رخنه غیر یهودیان، روندی است با این هدف که یهودیان، عیسی را به عنوان آن مسیح که در نبوت ها ذکر شده است، بپذیرند (ر.ک. روم ۱۱: ۲۵-۳۲).
۲. انجیل به ملت های غیریهودی اعلام شد، که همگی در مسیح و توسط مسیح، شامل شده اند (ر.ک. روم ۱۶: ۲۵-۲۷؛ کولس ۲: ۲).
۳. بدن های جدید ایمان داران در زمان بازگشت ثانوی مسیح (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۵-۵۷؛ ۱ تسالونی ۴: ۱۳-۱۸).
۴. با هم جمع ساختن همه چیز در مسیح (ر.ک. افس ۱: ۸-۱۱).

۵. غیریهودیان و یهودیان هم ارث می باشند (ر.ک. افس ۲: ۱۱ - ۳: ۱۳).
۶. نزدیکی رابطه بین مسیح و کلیسا به عنوان ازدواج بیان شده است (ر.ک. افس ۵: ۲۲ - ۳۳).
۷. غیریهودیان به قوم عهد، راه یافته اند و روح مسیح در آنها قرار گرفته است تا رشد روحانی یافته، شبیه مسیح شوند - یعنی بازگرداندن شباهت خدا در انسان، که در اثر گناه او خدشه یافته بود (ر.ک. پید ۶: ۵، ۱۱ - ۱۳؛ ۸: ۲۱) و نیز خدا در انسان (ر.ک. پید ۱: ۲۶ - ۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶؛ کولس ۱: ۲۶ - ۲۸).
۸. جَدَال [ضد مسیح] زمان آخر (ر.ک. ۲ تس ۲: ۱ - ۱۱).
۹. خلاصه ای از این راز توسط کلیسای اولیه، در ۱ تیمو ۳: ۱۶ دیده می شود.

▣ "مبادا خود را دانا بپندارید" در اینجا اشاره دیگری به تنش در کلیسا/های روم است (ر.ک. آیه ۱۸).

▣

"که سختدلی بر بخشی از اسرائیل حکمفرما شده است"	NASB
"که تا اندازه ای سختدلی بر اسرائیل حکمفرما شده است"	NKJV
"سختدلی بر بخشی از اسرائیل حکمفرما شده است"	NRSV
"که گردنکشی قوم اسرائیل همیشگی نخواهد بود"	TEV
"یک بخش اسرائیل کور شده است"	JB

این اظهار باید به همه فصل ۱۱ مرتبط باشد. همواره عده ای از یهودیان ایماندار بوده اند و در آینده نیز خواهند بود. این نابینایی عده ای از آنها - که خدا آن را ایجاد کرده است (آیات ۸ - ۱۰) زیرا یهودیان عیسی را رد کرده بودند - با نقشه خدا در رستگاری همگان، جور است. خدا نجات را به همه وعده داده است (ر.ک. پید ۳: ۱۵). او ابراهیم را برگزید تا پیام خود را به همه برساند (ر.ک. پید ۱۲: ۳). او قوم اسرائیل را برگزید تا پیام خود را به همه برساند (ر.ک. خروج ۱۹: ۵ - ۶). قوم اسرائیل با غرور، بی وفایی و بی ایمانی خود، از کوشش برای انجام مأموریت خود قصور ورزیدند. خدا می خواست از راه برکت دادن قوم اسرائیل، پیام خود را به غیریهودیان جهان برساند (ر.ک. تث ۲۷ - ۲۹). قوم اسرائیل نتوانست به «معاهده» عمل کند و در نتیجه، خدا او را داوری کرده، دچار عقوبت دنیوی ساخت. اکنون خدا همین داوری را گرفته است و آن را برای محقق ساختن مقصود اولیه خود برای رستگاری بشر توسط ایمان، به کار برده است (ر.ک. آیات ۳۰ - ۳۱؛ حز ۳۶: ۲۲ - ۳۸).

▣ "تا وقتی که شمار کامل غیر یهودیان داخل گردند" همین واژه (*pleroma*) در آیه ۱۲ برای یهودیان به کار رفته است. هر دو آیه در مورد پیش دانی و برگزیدگی الهی سخن می گویند. عبارت "تا وقتی که"، حاکی از محدودیت زمان برای این دوره غیریهودیان می باشد (ر.ک. لوقا ۲۱: ۲۴).

۱۱: ۲۶ "تمامی اسرائیل نجات خواهد یافت" این را به دو صورت می توان تفسیر نمود: (۱) این اشاره به ملت اسرائیل باشد - نه به یکایک افراد یهودی، بلکه به اکثریت آنها در یک مقطع خاص تاریخ. (۲) از یک لحاظ به قوم اسرائیل روحانی، یعنی کلیسا اشاره دارد. پولس این مفهوم را در روم ۲: ۲۸ - ۲۹، غلا ۶: ۱۶؛ ۱ پتر ۲: ۵، ۹؛ مکا ۱: ۶ به کار می برد. "سهمیة کامل یهودیان" در آیه ۱۲ و "سهمیة کامل غیریهودیان" در آیه ۲۵، همسان می باشند. "تمامی" از لحاظ برگزیدگی الهی است، نه تمامی، به معنای یکایک افراد. درخت زیتون وعده، روزی تکمیل خواهد شد.

بعضی تفسیر کنندگان می گویند که این باید صرفاً اشاره به ملت اسرائیل به این دلایل باشد: (۱) چارچوب فصل های ۹-۱۱؛ (۲) نقل قول ها از عهد عتیق در آیات ۲۶-۲۷؛ و (۳) اظهار صریح در آیه ۲۸. خدا هنوز نسل طبیعی ابراهیم را دوست می دارد و می خواهد آنها نجات یابند! آنها باید از طریق ایمان به مسیح وارد شوند (زکر ۱۲: ۱۰)

این سؤال را که آیا آن یهودیانی که "سختدل" شده بودند، فرصتی در زمان آخر برای ایمان آوردن خواهند داشت، نمی توان از این متن یا هیچ متن دیگری پاسخ داد. مسیحیان آمریکایی بخاطر فرهنگ خود عادت دارند سئوالات فردی بپرسند، اما کتاب مقدس با تمامی گروه به طور شراکتی کار دارد. اینگونه سئوالات را باید به خدا سپرد. او نسبت به مخلوقات خود که محبوب او هستند، منصفانه عمل خواهد کرد!

□ **"چنانکه نوشته شده است"** این به دو نقل قول از ترجمه هفتاد از اش ۵۹: ۲۰-۲۱ (آیه ۲۶) و ۲۷: ۹ (آیه ۲۷) رجوع می کند. ساز و کار رستگاری، ایمان به عیسی ماشیح خواهد بود. نقشه دومی وجود ندارد. نقشه خدا همین است. تنها یک راه برای رستگاری وجود دارد (ر.ک. یوحنا ۱۰: ۷-۱۸؛ ۱۱: ۲۵-۲۹؛ ۱۴: ۶).

۱۱: ۲۷ اشعیا ۲۷: ۹، که در آیه ۲۷ نقل شده است، بازگشت قوم اسرائیل به سرزمین وعده را (آیات ۱-۱۱) با دعوت از دشمنان عرفی (ملل غیریهودی) برای مشمول شدن (ر.ک. آیات ۱۲-۱۳) ترکیب می کند. اگر این بازگشت تحت اللفظی باشد، پس سلطنت هزارساله می تواند تحقق این نبوت باشد. اگر تلویحی باشد، آن موقع معاهده جدید - آن راز انجیل - که در آن یهود و غیریهود به وسیله ایمان به ماشیح خدا به هم پیوسته اند، هدف خواهد بود (ر.ک. افس ۲: ۱۱-۱۳). تصمیم گیری بین این دو مشکل است. بعضی نبوت های عهدعتیق شامل کلیسای «معاهده جدید» می شوند. با این وجود، خدا به وعده های خود وفادار است، حتی زمانی که انسان ها وفا نمی کنند (ر.ک. حز ۳۶: ۲۲-۳۶).

۱۱: ۲۸ این آیه دو جنبه توأم برگزیدگی را نشان می دهد (۱) در عهد عتیق، برگزیدگی برای خدمت بود. خدا مشیت فرمود انسان را وسیله قرار داده، از او برای رستگاری بشر استفاده نماید؛ (۲) در عهد جدید، برگزیدگی، با انجیل و رستگاری ابدی ارتباط داده شده است. این رستگاری عموم بشر، که به شباهت خدا ساخته شده اند، هدف همیشگی بوده است (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵).

خدا به وعده های خود وفادار است. ایمانداران عهدعتیق و مقدسین عهد جدید نیز اینطور هستند. کلید موضوع، وفاداری خداست، نه وفاداری انسان، و رحم خداست، نه انجام فرایض توسط مردم. گزینش الهی به منظور برکت دادن است، نه محروم ساختن!

□ **"به خاطر پدران، محبوب اند"** این وعده خروج ۲۰: ۵-۶ و تث ۵: ۹-۱۰ و ۹: ۷ است. خانواده ها در اثر ایمان نسل های قبلی برکت می یابند. قوم اسرائیل بخاطر پاتریارخ های وفادار برکت یافت (ر.ک. تث ۴: ۳۷؛ ۷: ۸؛ ۱۰: ۱۵). اینکه ماشیح باید از سبط یهودا می آمد، نیز وعده ای به داوود بود (ر.ک. ۲ سمو ۷). اما این را باید تذکر داد که حتی "اشخاص وفادار" قادر به نگاهداشتن کامل شریعت نبودند (ر.ک. حز ۳۶: ۲۲-۳۶). ایمان - ایمان شخصی و خانوادگی، اما نه ایمان کامل - مورد قبول خدا است و می تواند بالقوه، از نسلی به نسل دیگر خانواده، منتقل گردد (ر.ک. ۱ قرن ۷: ۸-۱۶).

۲۹: ۱۱

،NKJV ،NASB

NRSV

"زیرا عطایا و دعوت خدا غیر قابل فسخ هستند"

"زیرا خدا در مورد کسانی که برمی‌گزینند و برکت می‌دهد تصمیم خود را تغییر نمی‌دهد"

"خدا هرگز عطایای خود را پس نمی‌گیرد یا گزینش خود را فسخ نمی‌کند"

مقصود، عطایای روحانی به اشخاص نیستند (ر.ک. ۱ قرن ۱۲)، بلکه وعده‌های خدا در عهد عتیق و عهد جدید، برای رستگاری می‌باشند. گزینش، مؤثر است. وفاداری خدا، امید ملت اسرائیل است (ر.ک. ملا ۳: ۶)!

۱۱: ۳۰-۳۲ این آیات خلاصه نقشه‌ها و مقاصد خدا هستند: (۱) آنها همیشه بر پایهٔ رحم او می‌باشند (به یادداشت در ۹: ۱۵-۱۶ رجوع نمایید)، نه تقدیر مستبدانه. واژه "رحم"، چهار بار در این چارچوب وسیع‌تر به کار رفته است (ر.ک. ۹: ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳). (۲) خدا همهٔ انسان‌ها را داوری کرده است. یهود و غیر یهود، همگی گناهکار می‌باشند (ر.ک. ۳: ۹، ۱۹، ۲۳؛ ۵: ۱۱). (۳) خدا، نیاز و قادر نبودن بشر را، فرصتی برای رحم کردن به همگی انسانها ساخته است (ر.ک. آیهٔ ۲۲). دوباره، در چارچوب، "همگی" باید در مقایسه با آیات ۱۲ و ۲۵-۲۶ در نظر گرفته شود. همهٔ افراد به هدیهٔ خدا پاسخ خواهند داد، اما رستگاری شامل همه است (ر.ک. ۵: ۱۲-۲۱؛ یوحنا ۳: ۱۶). ای خدا، اینطور باش!!

۱۱: ۳۰ و ۳۱ "اما اکنون" این قویاً ایمان آوردن روحانی ملت اسرائیل را به عیسی می‌رسانید. همانطور که رحم خدا بر "بی‌ایمانی" غیریهودیان غلبه کرده است، "بی‌ایمانی" یهودیان نیز همینطور خواهد بود.

متن NASB (به روز شده): ۱۱: ۳۳-۳۶

۳۳ و ه که چه ژرف است دولتِ حکمت خدا و نیز علم او؛ داوری‌های او کاوش ناپذیر است و راههایش درک ناشدنی! ۳۴ "زیرا کیست که از فکر خداوند آگاه بوده یا چه کسی مشاور او شده است؟ ۳۵ یا چه کسی تا کنون چیزی به خدا بخشیده تا آن به او برگردانیده شود؟" ۳۶ زیرا همه چیز از او، و به وسیلهٔ او، و به مقصد اوست. او را تا ابد جلال باد. آمین.

۱۱: ۳۳-۳۶ این آیات یکی از موارد بسیار عالی هستند که پولس بی مقدمه شروع به جلال دادن نام خدا و پرستش او می‌کند. پولس شدیداً تحت تأثیر راه‌های خدا قرار گرفته است: وفاداری در معاهده، شامل ساختن در معاهده، انجام کامل معاهده.

۱۱: ۳۳ "دولت" این اصطلاح مورد علاقهٔ پولس است (ر.ک. ۲: ۴؛ ۹: ۲۳؛ ۱۰: ۱۲؛ ۱۱: ۱۲، ۳۳؛ افس ۱: ۷، ۸؛ ۲: ۷؛ ۳: ۸، ۱۶؛ فیل ۴: ۱۹؛ کولس ۱: ۲۷). سوق انجیل و امید بشر، شخصیت و نقشهٔ پر رحمت و دولتمند خداست (ر.ک. اش ۵۵: ۱-۷).

□ "داوری‌های او کاوش ناپذیر است و راههایش درک ناشدنی" این ستایش متناسبی در ارتباط با حقایق ظاهراً متناقض و عملاً همخوان [پارادوکس] در فصل‌های ۹-۱۱ می‌باشند (ر.ک. اش ۵۵: ۸-۱۱).

۱۱: ۳۴ این نقلی است از ترجمهٔ هفتاد از اش ۴۰: ۱۳-۱۴، که خدا بوسیلهٔ بازگردانیدن قوم خود از تبعید، آنها را نجات می‌بخشد. در ۱ قرن ۲: ۱۶، پولس همین قسمت را نقل می‌کند، اما عنوان "خداوند" را به عیسی نسبت می‌دهد.

۱۱: ۳۵ این نقل غیر دقیقی از ایوب ۳۵: ۷ یا ۴۱: ۱۱ است.

۱۱: ۳۶ " زیرا همه چیز از او، و به وسیله او، و به مقصد اوست" در این چارچوب، این عبارات در مورد خدای پدر می باشند (ر.ک. ۱ قرن ۱۱: ۱۲)، اما بسیار شبیه دیگر آیات در عهد جدید می باشند که به خدای پسر رجوع می کنند (ر.ک. ۱ قرن ۸: ۶؛ کولس ۱: ۱۶؛ عبر ۲: ۱۰). پولس تأیید می کند که همه چیز از خدا صادر شده است و به خدا بازمی گردد.

□ "او را تا ابد جلال باد" این متبارک خواندن وجود الهی، مشخصه عهد جدید است. رجوع آن (۱) گاهی به «پدر» بود (ر.ک. ۱۶: ۲۷؛ افس ۳: ۲۱؛ فیل ۴: ۲۰؛ ۱ پطرس ۴: ۱۱؛ ۵: ۱۱؛ یهودا ۲۵؛ مکا ۵: ۱۳؛ ۷: ۱۲) و (۲) گاهی به «پسر» (ر.ک. ۱ تیمو ۱: ۱۷؛ ۲ تیمو ۴: ۱۸؛ ۲ پطرس ۳: ۱۸؛ مکا ۱: ۱۶). به یادداشت کامل در ۳: ۲۳ رجوع نمایید.

□ "آمین" به عنوان خاص در ۱: ۲۵ رجوع نمایید.

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر، جهت راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. چگونه اسرائیل از راه رستگاری خدا غافل ماند؟
۲. دو دلیلی که پولس ارائه می کند تا ثابت نماید خدا اسرائیل را رد نکرده است، کدام می باشند؟
۳. چرا خدا یهودیان را سختدل ساخت؟ چگونه اینکار را انجام داد؟
۴. مقصود از "باقیمانندگان" یهود چیست؟ (آیات ۲-۵)
۵. واژه "راز" را در عهد جدید تعریف کنید.
۶. معنی ۱۱: ۲۶ چیست؟ چگونه به ۹: ۶ مربوط می گردد؟
۷. پولس چه هشدار می دهد به ایمانداران غیریهودی می دهد (آیات ۱۷-۲۴)؟

رومیان فصل ۱۲

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۴
عبادت روحانی	زندگی در خدمت خدا	زندگی تخصیص داده شده به مقدس بودن	قربانی های زنده برای خدا	آن زندگی نوین در مسیح
۲-۱:۱۲	۲-۱:۱۲	۲-۱:۱۲	۸-۱:۱۲	۲-۱:۱۲
فروتنی و محبت				
۸-۳:۱۲	۸-۳:۱۲	۸-۳:۱۲		۸-۳:۱۲
محبت به همگان که شامل دشمنان نیز هست		نصایح تشویق آمیز	مانند مسیحی رفتار نما	آیین زندگی مسیحی
۱۳-۹:۱۲	۱۳-۹:۱۲	۱۳-۹:۱۲	۲۱-۹:۱۲	۲۱-۹:۱۲
۲۱-۱۴:۱۲	۱۶-۱۴:۱۲	۲۱-۱۴:۱۲		
	۲۱-۱۷:۱۲			

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)

پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی در مطالعات میباشد، به این معنی که شما شخصاً مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را متور ساخته است. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس، اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی ها وحی نشده اند اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، که قلب کار تفسیر است، کلیدی می باشند. هر پاراگراف صرفاً و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

بینش های متنی در آیات ۱- ۸

الف. این فصل، آغاز بخش کاربردی نامه رومیان است (۱۲: ۱- ۱۵: ۱۳). اکثر نامه های پولس، متن هایی بودند که در باره موقعیت های خاص صحبت می کردند؛ بنابراین، هم دارای بخش های تعلیمی و هم کاربردی می باشند. منظور پولس از نامه های خود، حل مسئله یا بحران های محلی بوده است. از آنرو که فصل های ۱ تا ۸ نامه به رومیان، چنین خلاصه پر ارزشی از تعالیم است، بخش اخلاقی و کاربردی آن نیز به همان اندازه قوی می باشد.

ب. الهیات، بدون کاربرد در شیوه زندگی، از خدا نیست (ر.ک. متی ۷: ۲۴ - ۲۷؛ یوحنا ۱۳: ۱۷؛ روم ۲: ۱۳؛ یعقوب ۱: ۲۲، ۲۵؛ ۲: ۱۴ - ۲۶). پولس به روشنی، رستگاری رایگان را که توسط فیض خدا با ایمان به عیسی ممکن گشته است، تعلیم می دهد اما مقصود این هدیه رایگان آن است که زندگی های ما را کاملاً دگرگون سازد! رستگاری رایگان هست، اما پس از آن، شخص باید کاملاً تغییر کرده، به شباهت مسیح درآید.

پ. آیات ۱- ۲ مقدمه ای برای تمامی بخش کاربردی است. این مقدمه، گویای پایه زندگی است که تحت هدایت روح القدس می باشد (به عنوان مثال، فصل ۸).

ج. آیات ۳- ۸ بحثی در مورد داشتن عطایای روحانی است. تسلیم کامل بودن به اراده مسیح، باید منتهی به خدمت خدا گردد (ر.ک. تث ۶: ۴- ۵؛ متی ۲۲: ۳۷) و نیز به خدمت دیگران (ر.ک. لاو ۱۹: ۱۸؛ متی ۱۹: ۱۹). این عطایا، اتحادی را که در مسیح داریم و همچنین گوناگون بودن عطایای ما را (ر.ک. افس ۴: ۱- ۱۰) تأکید می کنند. ایمانداران باید در راستای اتحاد بکوشند، نه در یکسان و متحد الشکل بودن. خدا ما را تجهیز نموده تا یکدیگر را خدمت کنیم (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۷، ۱۱؛ افس ۴: ۱۱- ۱۳)!

مطالعه واژه ها و عبارات

متن NASB (به روز شده): ۱۲: ۱- ۲

۱ پس ای برادران، با توجه به رحمت های خدا، از شما استدعا می کنم که بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده و مقدس و پسندیده خدا، به او تقدیم کنید که خدمت روحانی شما در عبادت همین است. ۲ و همشکل این جهان مشوید، بلکه بوسیله نو شدن ذهن خود، دگرگون شوید، تا آنکه بتوانید تشخیص دهید اراده خدا چیست - آنچه نیکو، پسندیده و کامل است.

□ "پس" پولس این واژه را زمانی به کار می برد که در ارائه حقایق انجیل در کتاب رومیان، سخنانش از مطالب پیشین گذر کرده، مسیری کاملاً جدید در پیش می گیرد. در ۵: ۱ به بعد، این واژه، "پارسا سازی به وسیله ایمان" را خلاصه می کند؛ در ۸: ۱ به بعد، ارتباط ایمانداران با گناه را که به عنوان تقدیس ذکر شده است، خلاصه می کند؛ و در ۱۲: ۱ به بعد، در مورد به اجرا درآوردن «پارسا سازی» و «تقدیس نمودن» در زندگی روزانه ایمانداران است.

NASB "از شما استدعا می کنم"
 NKJV "از شما التماس می کنم"
 TEV, NRSV "از شما درخواست می کنم"
 JB "از شما استدعا می کنم"

این عبارت هم محبت آمیز، و هم دارای لحنی شدید است. این، فراخوانی برای زندگی درست و متناسب است. پولس اغلب از این عبارت بهره میگیرد (ر.ک. ۱۲: ۱؛ ۱۵: ۳۰؛ ۱۶: ۱۷؛ ۱ قرن ۱: ۱۰؛ ۴: ۱۶؛ ۱۶: ۱۵؛ ۲ قرن ۲: ۸؛ ۵: ۲۰؛ ۶: ۱؛ ۱۰: ۱؛ ۱۲: ۸؛ افس ۴: ۱؛ فیل ۴: ۲؛ ۱ تسال ۴: ۱۰؛ ۱ تیمو ۱: ۳؛ فلیمون آیات ۹ - ۱۰).

□ "ای برادران" پولس اغلب از این واژه برای مطرح ساختن موضوعی تازه استفاده می کند.

□ "با توجه به رحمت های خدا" در LXX [ترجمه هفتاد] این عبارت در توصیف ذات پر ترحم خدا است (ر.ک. خروج ۳۴: ۶). در اینجا، به سیر پیشرونده آموزه ها در فصل های ۱ - ۱۱ اشاره دارد. در کتاب رومیان، موضوع "رحم و شفقت" خدا واضحاً تأکید شده است (هم *oikēirō* و هم *eleeō*) درینکه خدا مسئله گناه انسان را چگونه فرجام داده است (ر.ک. ۹: ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳؛ ۱۱: ۳۰، ۳۱، ۳۲؛ ۱۲: ۸؛ ۱۵: ۹). از آنجا که فیض و رحم خدا به رایگان ارائه شده اند، ایمانداران باید زندگی های خداپسندانه داشته باشند (ر.ک. افس ۱: ۴؛ ۲: ۱۰) - و این باید از روی قدردانی باشد، نه بخاطر شایستگی خودشان (ر.ک. افس ۲: ۸ - ۹).

□ "تقدیم کنید" این «مصدر گذشته غیر معین» است. این یکی از چند واژه ای در مورد قربانی کردن بود که در این چارچوب به کار رفته است: قربانی، آیه ۱؛ مقدس، آیه ۱؛ پسندیده، آیه ۱. همین مفهوم در ۶: ۱۳، ۱۶، ۱۹ ابراز شده است. انسان ها یا خود را به خدا می سپارند، یا به شیطان. همانطور که مسیح خود را به طرزی منحصر به فرد، تقدیم نمود تا اراده پدر را انجام دهد - که حتی تا به مرگ صلیب بود - پیروان او نیز باید از زندگانی فداکارانه او الگو بگیرند و آنطور سلوک کنند (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۴ - ۱۵؛ غلا ۲: ۲۰؛ ۱ یوحنا ۳: ۱۶).

□ "بدنهای خود را" مسیحیت با بسیاری از جوانب فلسفه یونان، که بدن جسمانی را شریر می پنداشت، تفاوت دارد. بدن، صحنه و سوسه هاست، اما از لحاظ اخلاقی خنثی می باشد. واژه "بدن" به نظر می رسد همسان با "ذهن" در آیه ۲ باشد. ایمانداران باید تمامی وجود یا هستی خود را به خدا بسپارند (ر.ک. تث ۶: ۵؛ ۱ قرن ۶: ۲۰) همانطور که قبلاً آن را به گناه سپرده بودند (ر.ک. رومیان ۶).

□ "زنده" این با قربانی های مُرده ای که در عبادتگاه های یهودیان یا خداناشناسان تقدیم می شدند تفاوتی ریشه ای داشت (ر.ک. ۶: ۱۳؛ غلا ۲: ۲۰).

همچنین باید متوجه تفاوت این واژه، با اصل ریاضت بود (این اصل بر مبنای ریاضت دادن بدن فیزیکی، به مقاصد مذهبی است). درینجا طرفداری از انزوای جسمانی، مجازات بدن، یا تجرد نیست، بلکه زندگی است که فعالانه خدمت می کند و از خود محبت مسیحایی نشان می دهد.

□ "و قربانی مقدس" کلمه "مقدس" یعنی "اختصاص داده شده برای خدمت خدا". در این متن، این واژه در مورد تقدیس ایماندار و در دسترس بودن او است تا خدا از او برای مقاصد الهی استفاده نماید.

عنوان خاص: مقدس

I. کاربرد عهد عتیق

- الف. ریشه شناسی واژه (*kadosh*) به یقین نیست و احتمال دارد کنعانی باشد. امکان دارد جزئی از ریشه آن (یعنی *kd*) به معنی "جدا ساختن" باشد. این خاستگاه تعریف پر رواج آن است: "جدا شده (از فرهنگ کنعانی، ر.ک. تث ۷: ۶، ۱۴: ۲، ۲۱؛ ۲۶: ۱۹) جهت استفاده الهی".
- ب. در ارتباط با اشیاء، اماکن، زمانها و افراد فرقه های بدعت [کیش های منحرف] است. در کتاب پیدایش این واژه استفاده نشده است، اما در کتاب های خروج، لاویان و اعداد، به طور رایج دیده می شود.
- پ. در کتب «نبوتی» (بخصوص اشعیا و هوشع) جنبه شخصی که قبلاً وجود داشت اما تأکید نشده بود، در پیش قرار می گیرد. آن، راهی برای مشخص ساختن ذات و ماهیت خدا می گردد (ر.ک. اش ۶: ۳). خدا قدوس است. نام او که حاکی از شخصیت اوست، مقدس است. قوم او که می باید شخصیت الهی را به دنیای نیازمند مکتشف سازند، مقدس هستند (اگر با ایمان از معاهده الهی اطاعت نمایند).
- ت. رحم و محبت خدا، جدانشدنی از مفاهیم الهیاتی معاهدات، عدالت، و ذات شخصیت او هستند. در اینجا تنش در رابطه خدا با بشر نامقدس، گناه کار، و نافرمان وجود دارد. مقاله چشمگیری در مورد رابطه خدا به عنوان "رحیم" و خدا به عنوان "قدوس" در کتاب «الفاظ مترادف در عهد عتیق» به قلم رابرت ب. گریدل استون، صفحات ۱۱۲-۱۱۳، است.

II. عهد جدید

- الف. نویسندگان عهد جدید کسانی بودند که پندارشان در قالب زبان عبری بود (به غیر از لوقا)، اما از زبان یونانی «کوبنه» تأثیر گرفته بودند (به عبارت دیگر، کتابمقدس «ترجمه هفتاد»). ترجمه یونانی عهد عتیق است که در کنترل واژه های آنان است، نه ادبیات کلاسیک، یا تفکر یا دین یونان.
- ب. عیسی قدوس است زیرا از ذات خدا و مانند خداست (ر.ک. لوقا ۱: ۳۵؛ ۴: ۳۴؛ اعمال ۳: ۱۴؛ ۴: ۲۷، ۳۰). او آن «یگانه قدوس و نیک» است (ر.ک. اعمال ۳: ۱۴؛ ۲۲: ۱۴). عیسی قدوس است زیرا گناهی در او نیست (ر.ک. یوحنا ۸: ۴۶؛ ۲ قرن ۵: ۲۱؛ عبر ۴: ۱۵؛ ۷: ۲۶؛ ۱ پط ۱: ۱۹؛ ۲: ۲۲؛ ۱ یوحنا ۳: ۵).
- پ. از آنجا که خدا قدوس است، فرزندان او باید مقدس باشند (ر.ک. لوقا ۱۱: ۴۴-۴۵؛ ۱۹: ۲؛ ۲۰: ۷، ۲۶؛ متی ۵: ۴۸؛ ۱ پط ۱: ۱۶). از آنجا که عیسی قدوس است، پیروان او باید مقدس باشند (ر.ک. روم ۸: ۲۸-۲۹؛ ۲ قرن ۳: ۱۸؛ غلا ۴: ۱۹؛ افس ۱: ۴؛ ۱ تس ۳: ۱۳؛ ۴: ۳؛ ۱ پط ۱: ۱۵). مسیحیان رستگار شده اند تا در شباهت مسیح، خدمت کنند.

□ "پسندیده خدا" این در عهدعتیق رجوع به هدیه تقدیمی متناسب است (ر.ک. آیه ۲). در کاربرد آن برای افراد، مشابه مفهوم "ملامت ناشدنی" است (ر.ک. پید ۶: ۹؛ ۱۷: ۱؛ تث ۱۸: ۱۳؛ ایوب ۱: ۱).



"که خدمت روحانی شما در عبادت همین است"	NASB
"که خدمت معقول شما همین است"	NKJV
"که عبادت روحانی شما همین است"	NRSV
"که عبادت حقیقی که باید تقدیم دارید همین است"	TEV
"از یک لحاظ، آن شایسته وجودهای با فکر است"	JB

این واژه [logikos] از *logizomai* گرفته شده است، و معنی آن "دلیل و برهان آوردن" است (ر.ک. مرقس ۱۱: ۳۱؛ ۱ قرن ۱۳: ۱۱؛ فیل ۴: ۸) است. در این متن معنی آن می‌تواند «منطقی» یا «معقول» باشد. اما نظیر ۱ پطرس ۲: ۲، این واژه به معنی «روحانی» نیز به کار می‌رفت. اصل و ماهیت آن، به نظر می‌رسد تقدیم کردن ارادی وجود حقیقی خود باشد - تا آنچه که مرده است، یا تشریفات مذهبی برای تقدیم حیوانات قربانی شده و بیجان. خدا خواستار زندگی‌های ماست که در محبت و خدمت او باشند، نه آیین‌های تشریفاتی که تأثیری بر زندگی روزانه ندارند.

۱۲: ۲ "همشکل ... شوید" این «حال غیرمستقیم امری» (یا کامل انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمی‌گردد]) به همراه «تکواژ منفی و ابسته» است که معمولاً به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است. همانند فیل ۲: ۶-۸، هم سنجی درینجا با آیه ۲ برقرار است که بین «شکل بیرونی چیزی که در حال تغییر است» (*schema*، ۲: ۸) و «ماهیت درونی چیزی که تغییر نمی‌کند» (*morphe*، ۲: ۶-۷) می‌باشد. به ایمانداران نصیحت می‌شود که گرچه از لحاظ جسمی هنوز در دنیایی هستند که سیستم آن گناه آلود و ناپایدار است، دیگر به همشکل شدن به آن ادامه ندهند (دوره قدیم نافرمانی)؛ بلکه به طور ریشه‌ای متبدل گشته، به شباهت مسیح در آیند (عصر جدید روح خدا).

□ "این جهان" این واژه به طور تحت اللفظی «عصر» است. یهودیان به دو عصر معتقد بودند (ر.ک. متی ۱۲: ۳۲؛ مرقس ۱۰: ۳۰؛ لوقا ۲۰: ۳۴-۳۵)؛ عصر کنونی شریر (ر.ک. اش ۱: ۴؛ ۲ قرن ۴: ۴؛ افس ۲: ۲) و عصری که در آینده فرا می‌رسد (ر.ک. متی ۲۸: ۲۰؛ عبر ۱: ۳؛ ۱ یو ۲: ۱۵-۱۷). ایمانداران در زمانی پرتنش زندگی می‌کنند که این دو عصر، به طور غیرمنتظره، تا حدودی همزمان شده‌اند. از آنجا که آمدن مسیح دو بار است، ایمانداران در «زمانی که به انجام رسیده، اما هنوز تکمیل نشده» زندگی می‌کنند، و این تنشی است در پادشاهی خدا - که هم کنونی و هم آینده است.

عنوان خاص: این عصر و عصر آینده

انبیاء عهد عتیق، آینده را به صورت ادامه‌ای از زمان حال می‌دانستند. در نظر آنها، آینده برقراری جغرافیایی دوباره اسرائیل است. اما حتی آنان روز جدیدی را می‌دیدند (ر.ک. اش ۱۷: ۶۵؛ ۶۶: ۲۲). با ادامه نافرمانی خودسرانه نسل ابراهیم نسبت به یهوه (حتی پس از تبعید)، الگوواره [چارچوب طرز فکر] جدیدی در ادبیات یهودی مکاشفه‌ای در زمانی بین دو عهد، بسط یافت (به عبارت دیگر، اول خنوخ، چهارم عزرا، و دوم باروخ). این نوشته‌ها آغازی در تمایز دو عصر هستند: عصر کنونی شریر که تحت سلطه شیطان است، و عصر آینده نیکی مطلق، که تحت سلطه روح خدا است و مانشیح آن را افتتاح می‌نماید (مانشیح اغلب مبارزی پویا ارائه شده است).

در این حیطة الهیات (آخرت شناسی) بسط بدیهی وجود دارد. متخصصین الهیات به آن «مکاشفه تصاعدی» یا *progressive revelation* می‌گویند. عهد جدید، این واقعیت نوین کیهانی در خصوص دو عصر را تأیید می‌کند (به عبارت دیگر: دوگانه انگاری زمان یا *temporal dualism*).

عبرانیان

۲: ۱

۵: ۶

۳: ۱۱

یولس

رومیان ۱۲: ۲

۱ قرن ۱: ۲۰؛ ۲: ۶ و ۸؛ ۳: ۱۸

۲ قرن ۴: ۴

عیسی

متی ۱۲: ۳۲

متی ۱۳: ۲۲ و ۲۹

مرقس ۱۰: ۳۰

لوقا ۱۶: ۸
 لوقا ۱۸: ۳۰
 لوقا ۲۰: ۳۴-۳۵
 غلاطیان ۱: ۴
 افس ۱: ۲۱؛ ۲: ۱ و ۷؛ ۶: ۱۲
 ۱ تیموتائوس ۶: ۱۷
 ۲ تیموتائوس ۴: ۱۰
 تیطس ۲: ۱۲

الهیاتِ عهد جدید، این دو عصر یهودی را تا حدودی همزمان کرده است، از آنجا که پیشگویی های غیرمنتظره و نادیده گرفته شده ای جهت دو آمدن ماشیح، وجود داشته اند. جسم پوشیدن عیسی، پیشگویی های عهد عتیق را برای افتتاح دوره جدید، محقق ساخت. اما عهد عتیق، آمدن او را نیز به عنوان «داور» و «چیره شونده» می دید، در حالیکه او بار اول به عنوان «خادم رنج دیده» (ر.ک. اش ۵۳)، و ملایم و فروتن (ر.ک. زکریا ۹: ۹) آمد. بازگشت او در آینده، مطابق پیشگویی عهد عتیق، قدرتمندانه خواهد بود (ر.ک. مکا ۱۹). این محقق شدن در دو مرحله، باعث شد که «پادشاهی» خدا، هم کنونی (افتتاح شده) و هم آینده باشد (هنوز تکمیل پذیرفته باشد). این، آن تنش "صورت گرفته است لیکن هنوز باید فرا برسد" در عهد جدید است.

□ "دگرگون شوید" ایمانداران باید دگرگون شوند، نه اینکه صرفاً اطلاعات پیدا کنند! قالب دستوری این واژه می تواند «حال امری انعکاسی (عملی که به خود فاعل برمیگردد)» و به این معانی باشد: "به دگرگون ساختن خود ادامه دهید" یا «حال غیرمستقیم امری» به معنی «به دگرگون شدن ادامه دهید». این در مورد «همشکل شدن» در آیه ۲ الف نیز مصداق دارد. برای هم سنجی مشابه، حزقیال ۱۸: ۳۱ (سرسپردگی و عمل انسان) را با حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷ (هدیه الهی) مقایسه نمایید. ما به هر دو اینها نیاز داریم!

یک صورت از این واژه برای "شکل گرفت" در مورد عیسی در زمان «تبدیل هیئت» او به کار رفته است (متی ۱۷: ۲) که ذات حقیقی او مکشوف گشت. این ماهیت حقیقی الهی (ر.ک. ۲ پطرس ۱: ۳-۴) باید در هر ایماندار شکل گیرد (ر.ک. ۲ قرن ۳: ۱۸؛ افس ۴: ۱۳).

□ "بوسیله نو شدنِ ذهنِ خود" این از ریشه یونانی، به معنی نو بودن کیفیت است (*kainos*)، نه به معنی نو بودن زمان (*chronos*). یهودیان، حس های دیدن و شنیدن را دریچه های روح انسان می دانستند. هر چیزی که شخص به آن فکر کند، به آن تبدیل می گردد. از آنجا که روح خدا در درون اشخاص قرار می گیرد، ایمانداران پس از رستگاری، دیدگاه جدیدی پیدا می کنند (ر.ک. افس ۴: ۱۳، ۲۳؛ تیطس ۳: ۵). این دیدگاه کتاب مقدسی نوین، با روح القدس ساکن در شخص، آنچه ای است که ذهن و شیوه زندگی تازه ایمانان را دگرگون می سازد. ایمانداران، واقعیت ها را به طرز کاملاً متفاوت می نگرند، زیرا افکارشان توسط روح خدا احیا شده است. ذهن تازه ای که رستگار شده و تحت هدایت روح خداست، منتهی به شیوه زندگی نوین می گردد!

عنوان خاص: نو شدن (*ANAKAINŌSIS*)

این واژه یونانی با تشکل های مختلف (*anakainōō, anakainizō*) دو معنی اساسی دارد:

۱. "باعث تازگی و تبدیل چیزی شدن (به عبارت دیگر، بهتر ساختن)" - روم ۱۲: ۲؛ کولس ۳: ۱۰
 ۲. "باعث ایجاد تغییر در سوی وضعیت برتر پیشین" - ۲ قرن ۴: ۱۶؛ عبر ۶: ۴-۶
- (برگرفته از کتاب لغت نامه عهد جدید یونانی - انگلیسی، به قلم «لواو و نیدا»، جلد اول، صص ۱۵۷، ۵۹۴)

کتاب واژه های انجیل یونانی، نوشته مولتون و میلیگان، می گوید این واژه (به عبارت دیگر، *anakkainōsis*) را نمی توان در ادبیات یونانی پیش از زمان پولس یافت. امکان دارد پولس خود این واژه را ابداع کرده باشد (ص ۳۴).

فرانک استاگ در کتاب خود، الهیات عهد جدید، نکته جالبی را بیان کرده است:

"احیاء و نو ساختن، صرفاً کار خداست. *anakkainōsis* واژه «نو ساختن»، اسمِ حاکی از عمل است، و کاربرد آن در عهد جدید، به همراه شکل های افعال، گویای نو ساختن مداوم است، مانند رومیان ۱۲: ۲، «برحسب نوشدن ذهن خود، دگرگون شوید» و ۲ قرن ۴: ۱۶، «انسان درونی ما هر روزه نو ساخته می شود». کولسیان ۳: ۱۰ "انسان نوین" را به عنوان "کسی که به منظور یافتن معرفت کامل احیاء شده است - طبق شباهت آنکه او را آفریده است" توصیف می کند. پس آن را چه "انسان نوین"، یا نوبودن زندگی، یا احیاء، یا نو ساختن بنامیم، خاستگاه آن، کار آغازین و مداوم الهی، بعنوان عطا کننده و پایدار سازنده زندگی ابدی است" (ص ۱۱۸).

□ "تا آنکه بتوانید تشخیص دهید اراده خدا چیست" این «مصدر حال» است. کلمه (*dokimazō*) به معنی "امتحان به قصد تأیید" به کار رفته است. به عنوان خاص در ۲: ۱۸ رجوع نمایید. اراده خدا آنست که ما از طریق مسیح نجات بیابیم (ر.ک. یوحنا ۶: ۳۹ - ۴۰)، و سپس مانند مسیح زندگی کنیم (ر.ک. روم ۸: ۲۸ - ۲۹؛ غلا ۴: ۱۹، افس ۱: ۴؛ ۴: ۱۳، ۱۵؛ ۵: ۱۷ - ۱۸). اطمینان مسیحی بر این مبانی است:

۱. وعده های خدایی که شایسته اعتماد است
۲. روح القدس ساکن در شخص (ر.ک. روم ۸: ۱۴ - ۱۶)
۳. زندگی ایماندار که تغییر یافته و همواره در حال تغییر است (ر.ک. یعقوب و ۱ یوحنا) "اگر ثمری نیست، ریشه ای هم در کار نمی باشد" (ر.ک. متی ۱۳: ۱ - ۹، ۱۹ - ۲۳).

□ "اراده خدا چیست" به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: اراده (*thelēma*) خدا

انجیل یوحنا

- عیسی آمد تا اراده «پدر» را انجام دهد (ر.ک. ۴: ۳۴؛ ۵: ۳۰؛ ۶: ۳۸)
- تا در روز آخر، تمامی آنانی را که «پدر» به «پسر» داده است، از مرگ برخیزاند (ر.ک. ۶: ۳۹)
- تا همه به «پسر» ایمان آورند (ر.ک. ۶: ۲۹، ۴۰)
- دعای جواب یافته در ارتباط با انجام اراده خدا (ر.ک. ۹: ۳۱ و ۱ یوحنا ۵: ۱۴)

اناجیل همانظر

- انجام اراده خدا بسیار خطیر است (ر.ک. متی ۷: ۲۱)
- انجام اراده خدا، شخص را برادر و خواهر عیسی می سازد (ر.ک. متی ۱۲: ۵۰؛ مر ۳: ۳۵)
- این اراده خدا نیست که کسی هلاک گردد (ر.ک. متی ۱۸: ۱۴؛ ۱ تیمو ۲: ۴؛ ۲ پتر ۳: ۹)
- جلجتا اراده «پدر» برای عیسی بود (ر.ک. متی ۲۶: ۴۲؛ لو ۲۲: ۴۲)

نامه های پولس

- رشد روحانی و خدمت همه ایمانداران (ر.ک. روم ۱۲: ۱ - ۲)
- ایمانداران از این دوره شریک رهایی می یابند (ر.ک. غلا ۱: ۴)
- اراده خدا نقشه رستگار کننده او بود (ر.ک. افس ۱: ۵، ۹، ۱۱)

- ایمانداران زندگی پر از روح خدا را تجربه کنند و آنطور زندگی کنند (ر.ک. افس ۵: ۱۷-۱۸)
- ایمانداران پر از معرفت خدا گردند (ر.ک. کولس ۱: ۹)
- ایمانداران کامل و تکمیل شوند (ر.ک. کولس ۴: ۱۲)
- ایمانداران تقدیس گردند (ر.ک. ۱ تسالونی ۴: ۳)
- ایمانداران در همه چیز شکر گذار باشند (ر.ک. ۱ تسالونی ۵: ۱۸)

نامه های پطرس

- ایمانداران کار درست انجام دهند (به عنوان مثال، از مقامات مدنی اطاعت کنند) و با اینکار افراد نادان را خاموش سازند (ر.ک. ۱ پطرس ۲: ۱۵)
- رنج و سختی ایمانداران (ر.ک. ۱ پطرس ۳: ۱۷؛ ۴: ۱۹)
- ایمانداران زندگی خود محور ندارند (ر.ک. ۱ پطرس ۴: ۲)

نامه های یوحنا

- ایمانداران برای همیشه خواهند زیست (ر.ک. ۱ یوحنا ۲: ۱۷)
- کلید ایمانداران برای گرفتن جواب دعا (ر.ک. ۱ یوحنا ۵: ۱۴)

□ **"آنچه نیکو، پسندیده و کامل است"** اینها نمودار اراده خدا برای ایمانداران، پس از رستگاری است (ر.ک. فیل ۴: ۹-۴). قصد خدا برای هر ایماندار اینست که همین حالا از بلوغ روحانی مسیحایی برخوردار باشد (ر.ک. متی ۵: ۴۸).

□ **"کامل"** این کلمه به معنی "رشد کامل، تجهیز یافتن کامل برای انجام کار محول شده، جا افتاده و بالغ، و تکمیل شده" است. معنی آن "بدون گناه" نیست. کاربرد آن در این موارد بود: (۱) دست و پاهایی که شکسته بودند اما شفا یافته، و به وضعیت قابل استفاده برگشته بودند؛ (۲) تورهای ماهیگیری پاره شده ای که تعمیر گشته و دوباره برای ماهیگیری قابل استفاده بودند؛ (۳) جوجه مرغ هایی که رشد کافی کرده بودند تا بعنوان مرغ سرخ کردنی به بازار عرضه شوند؛ (۴) کشتی های آماده برافراشتن بادبان و به دریا رفتن.

متن NASB (به روز شده): ۱۲: ۳-۸

^۳ زیرا به واسطه فیضی که به من داده شده است، هر یک از شما را می گویم که کسی خود را بیش از آنچه می باید، میندارد، بلکه جهت داشتن قضاوت صحیح بیندیشد - فراخور میزان ایمانی که خدا به هر یک اختصاص داده است. ^۴ زیرا همان گونه که در یک بدن عضوهای بسیار داریم و کار همه این اعضا یکسان نیست، ^۵ ما نیز که بسیاریم، در مسیح یک بدن هستیم و هر کدام، اعضای یکدیگریم. ^۶ نظر به اینکه عطیای گوناگون داریم - بر حسب فیضی که به ما داده شده - هر یک از ما باید آنها را طبق این موضوع به کار گیرد: اگر نبوت، بر حسب میزان ایمانش؛ ^۷ اگر خدمت - در انجام خدمتش؛ یا کسی که تعلیم می دهد - در تعلیم دادنش؛ ^۸ یا کسی که تشویق می کند - در تشویق کردنش؛ کسی که دهنده است - با سخاوت؛ کسی که رهبری می کند - با جدیت؛ آنکه رحم نشان می دهد - با شادمانی.

۱۲: ۳ آیات ۱-۲ اهمیت "ذهنی تازه" داشتن را تأکید می کند. در آیه ۳، آرایه ادبی چهارگانه ای در مورد کلمه «فکر کردن» هست. در کتاب راهنمای مطالعاتی تفسیری زاندرسون، بروس گرلی و کرتیس وان چنین اظهار می کنند:

"طرز فکر اغراق آمیز . . . طرز فکر درست . . . طرز فکر مفید . . . طرز فکر هوشیارانه" (ص ۱۳۸). قائل شدن چنین صفاتی، مفید است.

این آیه، مانند ۱۱: ۱۳-۲۴، ممکن است حاکی از (۱) تنش در کلیسای شهر روم بین یهودیان ایماندار و غیریهودیان ایماندار بوده باشد یا (۲) این واقعیت که پولس از قرننس به رومیان نامه نوشت (در پایان سومین سفر بشارتی خود)، در جایی که با ایمانداران متکبر و لاف زن روبرو شد.

□ **"زیرا به واسطه فیضی که به من داده شده است"** این «گذشته غیر معین وصفی غیرمستقیم» است. فیض خدا با عملی که در گذشته انجام گرفت و کامل شد، اعطا گردید (ر.ک. ملاقات در راه دمشق). درین چارچوب، «فیض» در مورد داشتن عطایای روحانی بود، (ر.ک. ۱۵: ۱۵؛ ۱ قرن ۱۳: ۱۰؛ ۱۵: ۱۰؛ ۲: ۹؛ افس ۳: ۷-۸) نه عطای پارسایی (ر.ک. روم ۴). این اشاره به ایمان آوردن پولس و فراخواندگی برای رسالت به غیریهودیان است (ر.ک. اعمال ۹: ۱۵؛ روم ۱: ۱ و ۵؛ غلا ۱: ۱۵-۱۶؛ ۲: ۷-۸؛ افس ۳: ۱-۲، ۸؛ ۱ تیمو ۲: ۷؛ ۲ تیمو ۴: ۱۷).

□ **"هر یک از شما را می گویم"** هشدار آیه ۳ برای همه مسیحیان است، نه فقط برای رهبران آنها.

□ **"کسی خود را بیش از آنچه می باید، مپندارد"** به عنوان خاص: استفاده پولس از الفاظ مرکب *Huper* در ۱: ۳۰ رجوع نمایند.

□ **"که خدا به هر یک اختصاص داده است"** این «گذشته غیر معین متعدی اخباری» است. ایمانداران عطایای روحانی خود را انتخاب نمی کنند (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۱۱؛ افس ۴: ۷). آنها را روح القدس در زمان رستگاری، برای خیریت همگان اعطا می کند (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۷). عطایای روح خدا، نشانه های الصاق شده روی لباس برای بزرگ ساختن فرد نیستند، بلکه حوله های خادمین هستند تا هر یک از ایمانداران بدن مسیح، یعنی کلیسا را، خدمت کنند.

□ **"میزان ایمانی"** منظور این عبارت، این است که شخص بتواند با عطایایی که یافته است، به طرزی مؤثر نقش خود را انجام دهد (ر.ک. آیه ۶). برای صحت کار، عطیه داشتن را باید توسط ثمره روح القدس به اجرا گذاشت (ر.ک. آیات ۹-۱۲؛ غلا ۵: ۲۲-۲۳). عطایا، خدمات عیسی هستند که در میان پیروان او تقسیم گردیده اند، در حالیکه ثمر، ذهنیت [mind] مسیح است. هر دو برای خدمت مؤثر، لازم اند.

۱۲: ۴ این استعاره معمول در نوشته های پولس است. متکی بودن اعضای مختلف بدن به یکدیگر، مثال خوبی برای توصیف عطایایی است که به اعضای کلیسا داده شده اند (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۱۲-۲۷؛ افس ۱: ۲۳؛ ۴: ۴، ۱۲، ۱۶؛ ۵: ۳۰؛ کولس ۱: ۱۸، ۲۴؛ ۲: ۱۹). مسیحیت جمعی و فردی است!

۱۲: ۵ **"ما نیز که بسیاریم، در مسیح یک بدن هستیم"** این آیه تأکید بر اتحاد و گوناگونی ایمانداران است. این تنشی است که در کلیسا بخاطر داشتن عطایای روحانی وجود دارد. در فصل ۱ قرن ۱۳ که فصل محبت نام گرفته است، در مورد تنش به خاطر عطایای گوناگون، سخن می گوید (ر.ک. ۱ قرن ۱۲ و ۱۴). مسیحیان با هم مسابقه و رقابت ندارند، بلکه همکاری می کنند!

۱۲: ۶-۸ این آیات در یونانی، با دو «تکواژ وابسته»، اما بدون «فعل»، یک جمله را تشکیل می دهند. این معمولاً به عنوان «سوم شخص امری» «بیباید استفاده کنیم»، ترجمه می شود.

۱۲: ۶ **"عطایا ... فیض"** کلمات "عطایا" (*charisma*) و "فیض" (*charis*) از یک ریشه یونانی، به معنی "به رایگان داده شده" هستند. به یادداشت در ۳: ۲۴ رجوع نمایید. فهرست عطایای روح القدس، در ۱

قرن‌تین ۱۲، رومیان ۱۲، افسسیان ۴، و ۱ پطرس ۴ است. این فهرست‌ها، و ترتیب عطایا، یک شکل نیستند؛ بنابراین می‌بایست نمونه باشند، نه فهرست کامل. کتاب مقدس هرگز به ایمانداران نمی‌گوید چگونه عطیه (یا عطایای) روحانی خود را تشخیص دهند. بهترین حکمت مسیحی در مورد این مسئله - که از کتابی غیر از کتاب مقدس است - در اصولی یافت می‌شود که پال لیتل در جزوه خود «تأیید اراده خدا»، چاپ اینتروارسیتی، ذکر کرده است. همان رهنمودها برای شناخت اراده خدا، نیز می‌تواند به شخص کمک کند تا تشخیص دهد از کدام لحاظ‌ها خدمت مفید انجام دهد. ظاهراً دانستن اینکه ایمانداران عطایا دارند، مهمتر از آنست که مشخص کنند از چه لحاظ عطیه یافته‌اند، یا چه عطیه خاصی دارند.

□ "اگر" این *eite* است (ر.ک. آیات ۶، ۷ [دوبار]، ۸)، که به معنی "اگر ... اگر" یا "چه ... چه" ترجمه شده است. در این آیه «فعل» در پایان آن نیامده است (ر.ک. ۱ قرن ۳: ۲۲؛ ۸: ۵؛ ۲ قرن ۵: ۱۰)، اما اغلب پس از آن «حال اخباری» آمده است (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۲۶؛ ۲ قرن ۱: ۶) و بنابراین «جمله شرطی نوع اول» است که فرض می‌گیرد چنین عطایای روحانی وجود دارند.

□ "نبوت" این رابطه‌ای با نبوت‌های عهد عتیق به عنوان پیام‌های مکاشفه‌ای خدا (وحی شده) ندارد. در عهد عتیق، انبیاء، کتاب مقدس (وحی) را می‌نوشتند. در عهد جدید، نبوت، فعل اعلام کردن حقایق الهی است. آن می‌تواند شامل پیشگویی نیز باشد (ر.ک. اعمال ۱۱: ۲۷ - ۲۸؛ ۲۱: ۱۰ - ۱۱). تکیه بر این نیست که موضوع تازه‌ای مکشوف گردد، بلکه بر اینست که پیام انجیل بیان گردد، و اینکه چه ارتباطی با امروز می‌تواند داشته باشد. این واژه معانی مختلف دارد: می‌تواند اشاره به نقشی باشد که ایمانداران ایفاء می‌کنند (ر.ک. ۱ قرن ۱۴: ۱، ۳۹) و نیز می‌تواند یک عطیه خاص روحانی باشد (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۲۸؛ ۱۴: ۲۹؛ افس ۴: ۱۱). همین متنوع بودن معانی را می‌توان در نامه‌های پولس به قرن‌تین دید که حدوداً در همان زمان نوشت (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۱۰، ۱۲؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۱، ۵، ۲۹، ۳۹).

عنوان خاص: نبوت در عهد جدید

I. این به همان معنی نبوت در عهد عتیق نیست. آن گونه نبوت‌ها، به گفته معلمین یهود، مکاشفات نازل شده از جانب یهوه بودند (ر.ک. اعمال ۳: ۱۸، ۲۱؛ روم ۱۶: ۲۶). تنها انبیاء می‌توانستند کتاب مقدس را بنویسند.

الف. موسی نبی خوانده شد (ر.ک. تث ۱۸: ۱۵ - ۲۱).

ب. کتب تاریخ کتاب مقدس (از یوشع تا پادشاهان [غیر از روت]) "انبیاء پیشین" خوانده می‌شدند (ر.ک. اعمال ۳: ۲۴).

پ. انبیاء، جانشین «کاهن اعظم» به عنوان منبع آگاهی‌ها از جانب خدا شدند (ر.ک. از اشعیا تا ملاکی).

ت. بخش دوم کتب مقدسه یهود، کتاب‌های "انبیاء" است (ر.ک. متی ۵: ۱۷؛ ۲۲: ۴۰؛ لوقا ۱۶: ۱۶؛ ۲۴: ۲۵، ۲۷؛ روم ۳: ۲۱).

II. در عهد جدید، این موضوع به چند طرز مختلف استفاده شده است.

الف. اشاره به انبیاء عهد عتیق و پیام وحی شده آنها (ر.ک. متی ۲: ۲۳؛ ۵: ۱۲؛ ۱۱: ۱۳؛ ۱۳: ۱۴؛ روم ۱: ۲)

- ب. راجع به پیامی برای کسی، تا برای یک گروه شراکتی (انبیاء عهد عتیق اصولاً خطاب به قوم اسرائیل صحبت می کردند)
- پ. اشاره هم به یحیی تعمید دهنده (ر.ک. متی ۱۱: ۹، ۱۴: ۵؛ ۲۱: ۲۶؛ لوقا ۱: ۷۶) و هم به عیسی، به عنوان اعلام کنندگان پادشاهی خدا (ر.ک. متی ۱۳: ۵۷؛ ۲۱: ۱۱، ۴۶؛ لوقا ۴: ۲۴؛ ۷: ۱۶؛ ۱۳: ۳۳؛ ۲۴: ۱۹). همچنین عیسی ادعا می کرد که مقامی بزرگتر از انبیاء دارد (ر.ک. متی ۱۱: ۹؛ ۱۲: ۴۱؛ لوقا ۷: ۲۶)
- ت. سایر انبیاء در عهد جدید
۱. کودکی عیسی آنطور که در انجیل لوقا نوشته شده است (به عبارت دیگر، خاطرات مریم)
 - الف) الیزابت (ر.ک. لوقا ۱: ۴۱-۴۲)
 - ب) زکریا (ر.ک. لوقا ۱: ۶۷-۷۹)
 - پ) شمعون (ر.ک. لوقا ۲: ۲۵-۳۵)
 - ت) حَنَّا (ر.ک. لوقا ۲: ۳۶)
 ۲. پیش گویی ها با فرجام های غیر مترقبه (ر.ک. قیافا، یوحنا ۱۱: ۵۱)
- ث. اشاره به کسی که انجیل را اعلام می کند (فهرست های عطایای اعلامی در قرن ۱۲: ۲۸-۲۹؛ افس ۴: ۱۱)
- ج. اشاره به یک عطای مداوم در کلیسا (ر.ک. متی ۲۳: ۳۴؛ اعمال ۱۳: ۱؛ ۱۵: ۳۲؛ روم ۱۲: ۶؛ ۱ قرن ۱۲: ۱۰، ۲۸-۲۹؛ ۱۳: ۲؛ افس ۴: ۱۱). گاهاً این اشاره به زنان است (ر.ک. لوقا ۲: ۳۶؛ اعمال ۲: ۱۷؛ ۲۱: ۹؛ ۱ قرن ۱۱: ۴-۵).
- چ. اشاره به کتاب مکاشفه یوحنا که مکاشفات زمان آخر را در بر دارد (ر.ک. مکا ۱: ۳؛ ۲۲: ۷، ۱۰، ۱۸، ۱۹)

III. انبیاء عهد جدید

الف. آنها، به آن معنی ای که انبیاء عهد عتیق، مکاشفه وحی شده (یعنی کتاب مقدس) را ارائه می دادند، مکاشفه وحی شده را اعلام نمی کنند. این را می تواند اظهار کرد زیرا عبارت "آن ایمان" به کار رفته است (یعنی به مفهوم انجیل تکمیل شده) که در این آیات دیده می شود: اعمال ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلا ۱: ۲۳؛ ۳: ۲۳؛ ۶: ۱۰؛ فیل ۱: ۲۷؛ یهودا ۳ و ۲۰.

این موضوع از عبارت کاملی که در آیه ۳ نامه یهودا به کار رفته است، روشن می گردد: "ایمانی که خدا یک بار برای همیشه به مقدسین خود عطا کرده است." ایمان "یک بار برای همیشه" در مورد حقایق، آموزه ها، مفاهیم، و تعالیم مسیحیت در مورد دیدگاه از جهان است. این یک مورد تأکید، مبنای کتاب مقدسی برای مختص ساختن وحی به نوشته های عهد جدید است، و همچنین اجازه نمی دهد نوشته های زمان های بعد یا سایر نوشته ها، مکاشفه ای محسوب گردند. در عهد جدید چندین نکات مبهم، یا نامشخص، یا آنچه به یقین نمی دانیم، وجود دارند؛ اما ایمانداران از روی ایمان تأیید می کنند که آنچه برای ایمان و عمل لازم است در عهد جدید به صراحت کافی وجود دارد. این مفهوم با عنوان "مثلث مکاشفه ای" [the revelatory triangle] تعریف شده است.

۱. خدا خود را در ابعاد زمان و مکان در تاریخ نمایان ساخته است (مکاشفه)
۲. او نویسندگان خاصی را برگزیده تا اعمال او را نوشته و بیان کنند (وحی)

۳. خدا روح خود را افاضه فرموده است تا افکار و دلها را روشن سازد و تا مردم این کتب را درک کنند - نه به یقین، بلکه به طور بسنده جهت رستگار شدن و یک زندگی مسیحی مؤثر(تنویر)

نکته اینجا است که وحی صرفاً محدود به نویسندگان کتاب مقدس بود. پس از آن دیگر به طور مجاز هیچ نوشته ای، رؤیایی، یا مکاشفه ای وجود ندارد. متن رسمی کتاب مقدس [canon] کامل و محصور است. ما تمامی آن حقایق را که مورد نیاز ماست تا به خداوند به وجه متناسب لیبیک بگوییم، در دست داریم.

این واقعیت به بهترین صورت در توافق نویسندگان کتاب مقدس، در تقابل با اختلاف نظرهای ایمانداران صمیمی و خداشناس، مشاهده می گردد. هیچ یک از نویسندگان یا سخنگویان امروزی، هدایت الهی را به آن حدی که نویسندگان کتاب مقدس داشتند، ندارند.

ب. انبیاء عهد جدید از بعضی لحاظ مشابه انبیاء عهد عتیق هستند.

۱. پیشگویی اتفاقات آینده (ر.ک. پولس، اعمال ۲۷: ۲۲؛ آگابوس، اعمال ۱۱: ۲۷-۲۸؛ ۲۱: ۱۰-۱۱؛ انبیاء دیگر که نامبرده نشده اند، اعمال ۲۰: ۲۳)

۲. اعلام داوری (ر.ک. پولس، اعمال ۱۳: ۱۱؛ ۲۸-۲۵ ک)

۳. کارهای نمودی و سمبلیک، که رویدادی را به روشنی توصیف می کنند (ر.ک. آگابوس، اعمال ۲۱: ۱۱)

پ. آنها گاهی حقایق انجیل را با روش های پیشگویی اعلام می کنند (ر.ک. اعمال ۱۱: ۲۷-۲۸؛ ۲۰: ۲۳؛ ۲۱: ۱۰-۱۱)، اما این موضوع اصلی مورد توجه نیست. نبوت در کتاب ۱ قرنیتیان، اساساً بازگو کردن انجیل است (ر.ک. ۱۴: ۲۴، ۳۹).

ت. آنها وسیله معاصر روح القدس برای نشان دادن کاربردهای عملی و معاصر حقایق خدا، در هر شرایط، فرهنگ، یا هر زمانی جدید هستند (ر.ک. ۱ قرن ۱۴: ۳).

ث. آنان در کلیساهای اولیه تأسیس شده پولس، فعالیت داشتند (ر.ک. ۱ قرن ۱۱: ۴-۵؛ ۱۲: ۲۸، ۲۹؛ ۱۳: ۲۹؛ ۱۴: ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۲۲، ۲۴، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۳۹؛ افس ۲: ۲۰؛ ۳: ۵؛ ۴: ۱۱؛ ۱ تسا ۵: ۲۰) و در کتاب *Didache* ذکر شده اند (که نوشته اواخر قرن اول یا قرن دوم میلادی است و تاریخ دقیق نگارش آن مشخص نیست)؛ به آنها در Montanism قرون دوم و سوم در آفریقای شمالی نیز اشاره شده است.

IV. آیا عطایای عهد جدید دیگر وجود دارند؟

الف. پاسخ به این مشکل است. مشخص ساختن منظور از عطایا، به روشن ساختن این مسئله، یاری می دهد. آیا منظور از آنها، تصدیق موعظه اولیه انجیل بوده است، یا آنها راه های مداومی هستند تا کلیسا به اعضای خود و به جهان گمشده خدمت کند؟

ب. آیا باید در پاسخ این پرسش، به تاریخ کلیسا روی آورد، یا به متن عهد جدید؟ در هیچ قسمت عهد جدید نمی گوید که عطایای روحانی موقتی بوده اند. آنانی که سعی می کنند از ۱ قرن ۱۳: ۸-۱۳، که می گوید جز محبت همه چیز از بین خواهد رفت، در پاسخ به این مسئله استفاده کنند، مقصود نویسنده آن بخش را ضایع ساخته، آن را مورد سوء استعمال قرار می دهند.

پ. من وسوسه می شوم بگویم از آنجا که عهد جدید - نه تاریخ کلیسا - مرجع است، ایمانداران باید تصدیق کنند که عطایا ادامه دارند. اما فکر می کنم فرهنگ بر تفسیر تأثیر گذار است. بعضی متن های بسیار شفاف، در بعضی فرهنگ ها دیگر کاربرد ندارند (به عبارت دیگر، بوسه مقدسانه، چادر یا حجاب زنان، اجلاس کلیساها در منازل، و غیره). اگر فرهنگ بر متن تأثیر گذار است، پس چرا تاریخ کلیسا تأثیر گذار نباشد؟

ت. این سئوالی است که نمی توان به آن جواب قاطع داد. بعضی ایمانداران، طرفدار عقیده "خاتمه یافته cessation" هستند - و دیگران طرفدار عقیده "خاتمه نیافته non-cessation". در این مورد، مانند بسیاری مسائل تفسیری، کلید آن قلب ایماندار است. عهد جدید نامشخص و در قالب فرهنگ است. مشکل این است که بخواهیم تصمیم بگیریم کدام متن از فرهنگ/تاریخ تأثیر گرفته است و کدام ابدی است (ر.ک. «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم»، نوشته دکتر فی و دکتر استوارت، صص ۱۴-۱۹ و ۶۹-۷۷). در این مقطع است که مباحث آزادی و مسئولیت، در روم ۱: ۱۴ تا ۱: ۱۵ و ۱۳ و ۱ قرن ۸ - ۱۰، اهمیت بسزا دارند. چگونگی پاسخ ما به سؤال، از دو لحاظ مهم است:

۱. هر ایماندار باید با ایمان، در نوری که یافته است سلوک نماید. خدا به دل و محرک ما می نگرد.

۲. هر ایماندار باید بگذارد ایمانداران دیگر، مطابق درکی که بوسیله ایمان خود یافته اند، سلوک نمایند. باید باورهای یکدیگر را در محدوده ای که کتاب مقدس اجازه می دهد، متحمل شویم. خدا می خواهد یکدیگر را آنطور محبت نماییم که او محبت می نماید.

ث. خلاصه مسئله اینست که مسیحیت، یک زندگی بر پایه ایمان و محبت است، نه یک الهیات کامل. آن رابطه ای با خدا که بر روابط ما با دیگران اثر بگذارد، مهم تر از اطلاعات دقیق، یا اعتقادنامه کامل و بی کم و کاست است.

□ "بر حسب میزان ایمانش" این مستقیماً مربوط به آیه ۳ می شود، "فراخور میزان ایمانی که خدا به هر یک اختصاص داده است" (ر.ک. افس ۴: ۷). نیز باید با چارچوب وسیعتری مربوط باشد، در این که ایمانداران چگونه از عطایایی که دارند استفاده کنند. این مربوط به طرز فکر، محرک ها، و نیروی اشخاص در انجام خدمات شخصی که خدا به آنها محول کرده است، می شود. اینها اساساً همان میوه های روح القدس هستند که در غلا ۵: ۲۲-۲۳ برشمرده شده اند.

۷: ۱۲

"اگر خدمت"

NASB

"یا خدمت روحانی، در خدمت روحانی مان باید اینرا به کار بریم" NRSV، NKJV

"اگر برای خدمت باشد، باید خدمت کنیم"

TEV

"اگر اداره امور، پس آن را برای اداره امور به کار گیرید"

JB

ترجمه های امروزی درینجا تفاوت هایی با یکدیگر دارند، زیرا معادل دقیق انگلیسی برای این واژه یونانی (*diakonia*)، وجود ندارد. معنی آن می تواند اینها باشد: (۱) خدمت عملی یا (۲) مدیریت امور (ر.ک. اعمال ۶: ۱؛ ۱ قرن ۱۲: ۵، ۲۸). کتاب «لغت نامه تحلیلی یونانی تجدید نظر شده» نوشته هرولد ک. مولتون آن را به عنوان «یک نقش، خدمت روحانی یا سمت» در آیات ذیل تعریف می کند: روم ۱۲: ۷، ۱ قرن ۱۲: ۵؛ کولس ۴: ۱۷؛ ۲ تیمو ۴: ۵ (ص ۹۲). توجه چارچوبه متن، یاری سایر ایمانداران است.

□ "کسی که تعلیم می دهد ... درتعلیم دادن" این هدیه (*didaskō*)، در ۱ قرن ۱۲: ۲۸ و ۱۴: ۲۶ فهرست شده است. آن در اعمال ۱۳: ۱ با انبیاء، و در افس ۴: ۱۱ با شبانان، ارتباط داده شده است. کلیسای اولیه، آنان را به عنوان اشخاص عطیه یافته ای نظاره می کرد که نقش های مختلف آنان بر هم منطبق می شدند. موعظه، نبوت، بشارت و تعلیم، همه انجیل را بیان می کنند - اما با تأکید ها و روش های مختلف.

۱۲: ۸ "تشویق می کند... در تشویق کردن" این واژه (*parakaleō*) مربوط به تعلیم دادن است (ر.ک. تیمو ۴: ۱۳). امکان دارد اشاره به مهارتی برای کاربرد حقیقت در زندگی باشد. در آن صورت، به این آیات افس ۴: ۱۵، ۱۶ مربوط می شود که می گویند: "حقیقت را با روح محبت بیان می کنیم... بدن، خود را در محبت بنا می نماید."

□ "کسی که دهنده است - با سخاوت" به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: با سخاوت/صمیمی (*HAPLOTOS*)

این واژه (*haplotes*) دو معنی ضمنی داشت: "با سخاوت" یا "صمیمی". این واژه، استعاره ای در ارتباط با بینش بود. در عهد عتیق، چشم به عنوان استعاره ای از محرک ها، به دو راه استفاده می شد: (۱) چشم بد (خسیس، ر.ک. تث ۱۵: ۹ و امثال ۲۳: ۶؛ ۲۸: ۲۲)، و (۲) چشم نیکو (با سخاوت، ر.ک. امثال ۲۲: ۹). عیسی از این کاربرد عرفی، پیروی می کرد (ر.ک. متی ۶: ۲۲-۲۳؛ ۲۰: ۱۵). پولس این واژه را به دو معنی به کار می برد: (۱) "بی پیرایگی، صمیمیت، پاکی" (ر.ک. ۲ قرن ۱: ۱۲؛ ۱۱: ۳؛ افس ۶: ۵؛ کولس ۳: ۲۲) و (۲) "سخاوت" (ر.ک. روم ۱۲: ۸؛ ۲ قرن ۸: ۲؛ ۹: ۱۱، ۱۳).

□ "کسی که رهبری می کند - با جدیت" منظور، رهبری مسیحی است: چه آن کسی که برای خدمت به کلیساهای مختلف سفر کند، چه یک رهبر محلی.

□ "آنکه رحم نشان می دهد - با شادمانی" منظور، یاری به بیماران و نیازمندان است. هیچگونه تمایزی میان موعظه تعالیم، و دغدغه های اجتماعی ایمانداران نباید وجود داشته باشد. اینها دو روی یک سکه هستند. "کاربرد انجیل صرفاً در یاری به نیازمندان" [social gospel] در کار نیست، بلکه خود انجیل مطرح و درست است!

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر در آیات ۱- ۸

این کتاب تفسیر، جهت راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سئوالات ذیل جهت گفتگو می باشند و برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب تأمل کنید. مقصود از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، و قاطع و نهایی نیستند.

۱. در تقدیم بدن به عنوان یک قربانی زنده، چه باید کرد (آیه ۱)؟
۲. آیا هر ایماندار عطیه روحانی دارد (آیات ۳-۸؛ ۱ قرن ۱۲: ۷)؟ اگر اینطور است، آیا شخص می تواند نوع آنرا انتخاب کند؟
۳. هدف از عطایای روحانی چیست؟
۴. آیا فهرست کاملی از عطایا در کتاب مقدس هست؟
۵. چگونه می توان عطیه خود را تشخیص داد؟

بینش های متنی در آیات ۹- ۲۱

الف. بهترین عنوان برای این بخش می تواند "رهنمودهای مسیحی برای روابط با دیگران" باشد. این بحثی کاربردی در مورد محبت است (ر.ک. متی ۵-۷؛ ۱ قرن ۱۳ و ۱ یو ۳: ۱۸؛ ۴: ۷-۲۱).

ب. فصل ۱۲ رومیان، از لحاظ مندرجات و ساختار آن، بسیار مشابه ۱ قرن، فصل های ۱۲-۱۳ است. بلافاصله پس از بحث عطایای روحانی، خطاری در مورد غرور و تأکید بر محبت عملی در زندگی نمونه، ذکر شده است.

پ. موضوع فصل:

۱. روابط ما با مسیحیان دیگر (ر.ک. ۱۲: ۹-۱۳). این به طرز مشروح نیز در ۱۴: ۱ تا ۱۵: ۱۳ و در ۱ قرن ۸: ۱۱ به بعد؛ و در ۱۰: ۲۳-۳۳ مورد بحث قرار گرفته است.
۲. روابط ما با بی ایمانان، یا حتی به احتمال بیشتر، با مسیحیان دیگر که با آنها اختلافاتی هست (ر.ک. ۱۲: ۱۴-۲۱). به نظر می رسد این بخش بازتابی از موعظه سر کوه مسیح است (ر.ک. متی ۵-۷).

۳. چنین تقسیم بندی جهت این مجموعه آیات، به نظر می رسد اصل نباشد زیرا این مباحث (نکات در روابط افراد) توأم و مرتبط می باشند.

ت. موضوعاتی که در این بخش بسیار آمده اند، فرمان های همیشگی برای شیوه زندگی صحیح هستند («حال متعدی امری»، ر.ک. آیه ۴ [سه بار]، ۱۶، ۲۰ [دو بار]، ۲۱ [دو بار]، و «حال متعدی وصفی» که هفده بار به معنی «امر» به کار رفته اند). رستگاری، هدیه رایگان فیض خدا است و توسط کار تکمیل شده مسیح و جذبۀ محبتانۀ روح خدا اعطا می گردد، اما زمانی که پذیرفته می شود، باید هر بهایی را برای آن پرداخت و باید شیوه زندگی را به هر قیمتی پیرو آن ساخت! صرفاً لقب دادن به عیسی نباشد که او را "خداوند" بخوانیم! (ر.ک. لوقا ۶: ۴۶).

ث. این آیات همچنین دارای چند «حال وصفی» هستند که به معنی «امر» با «تکواژ منفی وابسته» به کار رفته اند، که معمولاً به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است: آیات ۱۴، ۱۶ (دو بار)، ۱۷، ۱۹، و ۲۱. مسیحیان، پیش از ایمان آوردن، خارج از محدوده دستورات خدا زندگی می کردند! از یک لحاظ، گناه را می توان به این صورت مشخص و تعریف کرد که انسان عطایای خدا را فراتر از محدوده ای که خدا تعیین نموده است، به کار برد.

ج. مسیحیت باید "باز" باشد - ذهن باز و روشن، دست باز و سخاوتمند، قلب باز و پذیرا، و درهای باز (ر.ک. یعقوب ۲).

متن NASB (به روز شده): ۱۲: ۹-۱۳

۹ "محبت باید مبرا از دورویی باشد." از آنچه شریر است متنفر باشید و به آنچه نیکوست بچسبید. ۱۰ یکدیگر را با محبت برادرانه دوست بدارید. در احترام، برای یکدیگر اولویت قائل شوید. ۱۱ در حالیکه از پشتکار دست برنمیدارید، با روح پر شور و شوق، خداوند را خدمت کنید. ۱۲ در امید، شادمان و در مصیبت، پر استقامت بوده، وقف دعا کردن باشید ۱۳ در رفع احتیاجات مقدسان سهیم گردید و میهمان نوازی را بجا آورید.

۱۲: ۹ "محبت باید مبرا از دورویی باشد" در متن یونانی، واژه های ربطی (*asyndeton*) اصلاً در این چارچوبه نیامده اند، و این در یونانی «کوینه» بسیار غیرعادی است. احتمالاً بازتابی از قالب دستور زبان عبری، در «خوشا به حال» های فصل ۵ متی باشد. این قالب دستوری، هر یک از عبارات را با تأکید و به عنوان واقعیتی مستقل و مجزا، ارائه می کند.

"دورویی"، واژه ای از تئاتر آن زمان، و حاکی از "سخن گفتن از پشت ماسک" بود. محبت نباید ایفای نقش یا ساختگی باشد (ر.ک. ۲ قرن ۶: ۶). محبت مشخصه و محک ایمانداران است (ر.ک. یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵؛ ۱۲: ۱۵؛ ۱۷؛ ۱ یوحنا ۳: ۱۱، ۱۸؛ ۴: ۷-۲۱) زیرا سیرت خدا است.

□ "از آنچه شریر است متنفر باشید" این «حال متعدی وصفی» با مفهوم «امری» است. برخورد ایمانداران با شریر، باید با تعجب و انزجارِ چندان آمیز همراه باشد (ر.ک. ۱ تسالونی ۵: ۲۱ - ۲۲). اغلب تعجب ما، فقط بخاطر عواقبی است که بر روی زندگی خود ما اثر بگذارد.

□

NKJV، NASB "به آنچه نیکوست بچسبید"

NRSV "آنچه نیکوست را محکم بچسبید"

TEV "به آنچه نیکوست محکم بپیوندید"

NJB "به آنچه نیکوست ملصق شوید"

این زمان «حال غیرمستقیم وصفی» است (اما به معنی «انعکاسی» به کار رفته است [عملی که به خود فاعل برمیگردد]). این فعل به در معنی «امری» است - "بچسبید" (ر.ک. از "ترجمه هفتاد": پیدایش ۲: ۲۴؛ اعمال ۸: ۲۹ و نیز فیل ۴: ۸؛ ۱ تسالونی ۵: ۲۱-۲۲).

۱۰: ۱۲

NASB "یکدیگر را با محبت برادرانه دوست بدارید"

NKJV "با محبت برادرانه، نسبت به یکدیگر با دلپذیری مهربان باشید"

NRSV "یکدیگر را با محبت دوجانبه دوست بدارید"

TEV "بعنوان اشخاص مسیحی، یکدیگر را با گرمی محبت کنید"

JB "یکدیگر را آنقدر محبت کنید که در خور برادران است"

این واژه مرکب یونانی (*phileo + storge*) ترکیبی از «محبت برادرانه» با «محبت خانوادگی» است و در عهد جدید فقط در اینجا به کار رفته است. مسیحیان، یک خانواده هستند. ما فرمان یافته ایم تا یکدیگر را دوست بداریم (ر.ک. ۱ تسالونی ۴: ۹).

این اولین مورد از یک سری «مفعول غیرصحيح حقیقی» است که برای تأکید در ابتدای جملات یونانی می گذاشتند.



NASB "در احترام، برای یکدیگر اولویت قائل شوید"
 NKJV "در احترام، قائل شدن اولویت برای یکدیگر"
 NRSV "در نشان دادن احترام، از یکدیگر سبقت بجوید"
 TEV "و مشتاق نشان دادن احترام به یکدیگر باشید"
 JB "احترام عمیق نسبت به یکدیگر داشته باشید"

این «حال انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] وصفی» (در ظاهر غیرمستقیم و در معنی معلوم) است که به معنی «امری» به کار رفته است. ایمانداران باید کسانی را که در معاهده الهی با آنان شریک هستند از خود مهم تر بدانند (ر.ک. افس ۴: ۲؛ فیل ۲: ۳).

۱۱: ۱۲

NASB "در حالیکه از پشتکار دست برنمیدارید"
 NKJV "در حالیکه از پشتکار وانمانده اید"
 NRSV "از غیرت وانمائید"
 TEV "سخت کار کنید و تنبل نباشید"
 JB "با کوششی خستگی ناپذیر برای خداوند کار کنید"
 محبت واقعی، انرژی عظیمی ایجاد می کند (ر.ک. غلا ۶: ۹).



NASB, NKJV "با روح پر شور و شوق"
 NRSV "با روح پر شور و حرارت"
 TEV "با قلبی پر از علاقه و سرسپردگی"
 JB "با جدیت عمیق روح"

این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» به کار رفته است. معنی تحت اللفظی آن "جوشیدن" است. منظور می تواند روح احیا شده انسان، یا روح القدس ساکن در ایمانداران باشد (RSV، ر.ک. اعمال ۱۸: ۲۵؛ مکا ۳: ۱۵-۱۶).

▣ "خداوند را خدمت کنید" این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» به کار رفته است. در اینجا تفاوتی در املاهای نسخه های خطی باستانی هست. تعدادی از دستة غربی نسخه های خطی باستانی یونانی (MSS D^۲, F, G) نوشته اند "در زمان" (*kairos*)، تا آنکه نوشته باشند "در خداوند" (*kurios*). این املاهای متفاوت، تأکیدی بر خدمت به خداوند و کلیسای او، با پیشامد فرصت است (ر.ک. یو ۴: ۹؛ افس ۵: ۱۶).

این نامشخصی، احتمالاً از این بود که کلمه *kurios* را درست متوجه نشده بودند یا نادرست خوانده بودند. بهترین و قدیمی ترین نسخه های خطی یونانی ^{۴۶} P, A, B و اینطور می گویند: "خداوند را خدمت کنید." کتاب مقدس^۴ UBS در سنجش "خداوند"، آن را "یقین" (الف) می داند.

۱۲:۱۲ "در امید، شادمان" این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» به کار رفته است. واژه «امید» معمولاً در ارتباط با «بازگشت دوباره» به کار می‌رفت (ر.ک. ۵: ۲). این امید، به معنی آرزو کردن نیست بلکه به معنی آن در عهد جدید، در مورد رویدادی قطعی است که صرفاً زمان آن مشخص نیست. به یادداشت در ۴: ۱۸ و ۵: ۲ رجوع نمایید.

□ "پر استقامت بوده" این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» به کار رفته است. این واژه به معنی "دوام و استقامتِ فعال، داوطلبانه، و استوار" است.

□ "در مصیبت" همانند ۵: ۳ و ۵ امید، به مصیبت (*thlipsis*) ارتباط داده شده است. این وضع معمول پیروان مسیح در دنیای گناه‌آلود است (ر.ک. متی ۵: ۱۰-۱۶؛ اعمال ۱۴: ۲۲؛ روم ۸: ۱۷ به بعد؛ ۲ تیمو ۳: ۱۲؛ ۱ پطرس ۴: ۱۲ به بعد). ما نه باید در طلب آن باشیم و نه از آن شانه خالی کنیم!

□ "وقف دعا کردن باشید" این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» به کار رفته است. دعا یک انضباط روحانی و عطیه، با این درک است که دست خدا در طول تاریخ، فعالانه کار می‌کند. ایمانداران می‌توانند بر پدر آسمانی پر مهر، اثرگذار باشند. خدا مقدر فرموده است تا در محدوده دعاهای فرزندان عمل کند (ر.ک. اعمال ۱: ۱۴؛ ۲: ۴۲؛ ۶: ۴؛ افس ۶: ۱۸-۱۹؛ کولس ۴: ۲). این، دعا را یک مسئولیت عظیم و مهیب می‌سازد. به کتاب «سه سوال خطیر در مورد جنگ روحانی»، نوشته کلینتون آرنولد، صص ۴۳-۴۴ و ۱۸۷-۱۸۸ رجوع نمایید.

۱۳:۱۲

NRSV, NASB "در رفع احتیاجات مقدسان سهمیم گردید"

NKJV "برای احتیاجات مقدسان، تقسیم کنید"

TEV "از آنچه دارید با دیگر مسیحیان نیازمند سهمیم گردید"

JB "با هر یک از مقدسین خدا که در نیاز هستند سهمیم گردید"

واژه *koinōneō* به معنی "مشارکت با"، یک «فعل» یونانی است. این واژه برای پولس معانی بسیار زیاد و مختلفی دارد. آن شامل مشارکت در پیام انجیل و نیز در نیازهای مادی است (ر.ک. غلا ۶: ۶). کاربرد این واژه حتی برای شراکت در رنج‌های مسیح (ر.ک. فیلی ۳: ۸-۱۰؛ ۱ پطرس ۴: ۱۳) و رنج‌های پولس آمده است (ر.ک. فیلی ۴: ۱۴). اتحاد با مسیح، به معنی اتحاد در همه سطوح با قوم او بود! به عنوان خاص: مقدسین در ۱: ۷ رجوع نمایید.

این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» به کار رفته است (ر.ک. امثا ۳: ۲۷؛ غلا ۶: ۱۰). ایمانداران باید سخت کار کنند تا برای دیگران، در نام مسیح، بیشتر داشته باشند که بدهند (ر.ک. ۲ قرن ۸: ۱۱-۱۲؛ افس ۴: ۲۸).

عنوان خاص: KOINŌNIA

واژه «مشارکت» (*koinōneō*) به این معانی است:

۱. وابستگی نزدیک با شخصی

الف) با «پسر» (ر.ک. ۱ یو ۱: ۶؛ ۱ قرن ۱: ۹)

ب) با «روح خدا» (ر.ک. ۲ قرن ۱۳: ۱۳؛ فیلی ۲: ۱)

پ) با «پدر» و «پسر» (ر.ک. ۱ یو ۱: ۳)

ت) با آنانی که توسط معاهده الهی با ما برادر/ خواهر شده اند (ر.ک. ۱ یو ۱: ۷؛ اعمال ۲: ۴۲؛
غلا ۲: ۹؛ فلیمون ۱۷)

۲. وابستگی نزدیک با چیزها یا گروه ها

الف) با انجیل (ر.ک. فیل ۱: ۵؛ فلیمون ۶)

ب) با خون مسیح (ر.ک. ۱ قرن ۱۰: ۱۶)

پ) نه با تاریکی (ر.ک. ۲ قرن ۶: ۱۴)

ت) بارنج (ر.ک. فیل ۳: ۱۰؛ ۴: ۱۴؛ ۱ پطرس ۴: ۱۳)

۳. هدیه یا همبخشی و سهم شدن (contribution) که سخاوتمندانه انجام شود (ر.ک. روم ۱۲: ۱۳؛

۱۵: ۲۶؛ ۲ قرن ۸: ۴؛ ۹: ۱۳؛ فیل ۴: ۱۵؛ عبر ۱۳: ۱۶)

۴. هدیه فیض خدا توسط مسیح، که مشارکت انسان را با خدا و برادران و خواهران او، دوباره برقرار می
سازد

این به طور قطعی رابطه افقی (انسان با انسان) که نتیجه رابطه عمودی (انسان با آفریدگار) است نشان می
دهد. همچنین نیاز به مشارکت مسیحی، و شادی که در آن است را تأکید می کند. زمان فعل، گویای اهمیت
آغاز و ادامه دادن به تجربه یک چنین جامعه ای است (ر.ک. ۱: ۳ [دو بار]، ۶، ۷). مسیحیت، مشارکتی است.

□ **"میهمان نوازی را بجا آورید"** این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» به کار
رفته است. معنی تحت اللفظی آن "در پی مهمان نوازی بودن" است (به یادداشت در ۱۴: ۱۹؛ ر.ک. ۱ تیمو
۳: ۲؛ تیطس ۱: ۸؛ عبر ۱۳: ۲؛ ۱ پطرس ۴: ۹). این خدمت روحانی در کلیسای اولیه بسیار مهم بود
زیرا "میهمان خانه‌های" آن زمان شهرت بدی داشتند. کلاً این اشاره به فراهم ساختن اطاق و غذا به خادمین
مسیحی بود که برای اعلام پیام و خدمت خود، سفر می کردند.

متن NASB (به روز شده): ۱۲: ۱۴-۲۱

۱۴ برای کسانی که به شما آزار می رسانند، برکت بطلبید؛ برکت بطلبید و لعن نکنید! ۱۵ با کسانی که
شادمانند، شادی کنید، و با کسانی که گریانند، بگریید. ۱۶ نسبت به یکدیگر، با یک فکر بیندیشید! در ذهن
خود متکبر نباشید، بلکه با کسانی که از قشر پایین اند، معاشرت کنید. خود را دانا مشمارید. ۱۷ به هیچ کس
به سزای بدی، بدی نکنید. آنچه را در نظر همه مردم درست است، محترم بدانید. ۱۸ در صورت امکان، تا
آنجا که به شما بستگی دارد، با همه مردم در صلح و صفا بسر ببرید. ۱۹ ای عزیزان، هرگز انتقام خود را
مگیرید، بلکه آن را به غضب خدا واگذارید؛ زیرا نوشته شده که خداوند می گوید: "انتقام از آن من است،
من سزا خواهم داد." ۲۰ «اما اگر دشمنت گرسنه باشد، به او خوراک بده، و اگر تشنه باشد، به او آب بنوشان.
زیرا با چنین کاری، اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت.» ۲۱ مغلوب بدی مشو، بلکه بدی را با نیکویی
مغلوب ساز.

۱۲: ۱۴ "برای کسانی که به شما آزار می رسانند، برکت بطلبید" این «حال متعدی التزامی»
است که در این آیه دوبار استفاده شده است. کلمه انگلیسی "eulogy" از این کلمه - "برکت دادن" -
استخراج شده است (ر.ک. متی ۵: ۴۴؛ لوقا ۶: ۲۸؛ ۱ قرن ۴: ۱۲؛ یعقوب ۳: ۹-۱۲؛ ۱ پطرس ۳: ۹).
در P^{۴۶} (پاپیروس چستر بییتی) و نسخه خطی B (واتیکانوس)، ضمیر "شما" قید نشده است، که این جمله
را فراگیرتر و به عبارت دیگر، بسیار عمومی تر می سازد. در مورد "آزار" به یادداشت در ۱۴: ۹ مراجعه
کنید.

□ **"لعن نکنید"** این «حال انعکاسی متوسط (در ظاهر غیرمستقیم و در معنی معلوم)» به همراه «تکواژ منفی وابسته» است که معمولاً به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است. این عبارت حاکی از نام بردن خدا در دعا برای انتقام است (مشابه لعن های ۱ قرن ۱۲: ۳). منظور آن، ناسزا گویی نیست (ر.ک. افس ۴: ۲۹؛ ۱ پطرس ۳: ۹).

۱۲: ۱۵ **"با کسانی که شادمانند، شادی کنید، و با کسانی که گریانند، بگریید"** این دو «مصدر حال» به معنی «امری» به کار برده شده اند. مسیحیان یک خانواده هستند. ایمانداران در گیر رقابت با یکدیگر نیستند، بلکه باید با محبت خانوادگی یکدیگر را محبت نمایند. به خاطر مندرجات آیات ۱۴-۲۱، حتی ممکن است این بازتابی از واکنش ایمانداران به جامعه غیرایماندار بوده که از فرصت ها یا موقعیت های فرهنگی برای بشارت استفاده می نمودند.

۱۶: ۱۲

NKJV, NASB **"نسبت به یکدیگر، با یک فکر بیندیشید"**
 NRSV **"با یکدیگر در هماهنگی زندگی کنید"**
 TEV **"برای همه به طرز یکسان اهمیت قائل شوید"**
 JB **"با همه به طرز یکسان مهربان باشید"**

این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» به کار رفته است (ر.ک. ۱۵: ۵؛ ۲ قرن ۱۳: ۱۱؛ فیل ۲: ۲). آیه ۱۶ را می توان در اختلاف ها بین این افراد دانست: (۱) ایمانداران یهودی و ایمانداران غیریهودی در کلیسای روم (ر.ک. ۱۱: ۱۳-۲۴)؛ (۲) اختلاف های همیشگی در طول قرون میان قشرهای مختلف اقتصادی؛ (۳) عطایای مختلف روحانی؛ یا (۴) سنت ها و سلیقه های شخصی در نسل های مختلف.

□ **"در ذهن خود متکبر نباشید، بلکه با کسانی که از قشر پایین اند، معاشرت کنید"** این «حال متعدی امری» به همراه «تکواژ منفی وابسته» است که معمولاً به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است. واژه «از قشر پایین» در یونانی می تواند «مذکر» یا «خنثی» باشد. اگر «خنثی» است، پس ترجمه باید بگوید: «وظایف حقیر را بپذیرید»؛ اگر «مذکر» باشد به این معنی است: «با فقیران یا کسانی که از قشر پایین اند معاشرت کنید».

□ **"خود را دانا م شمارید"** این «حال انعکاسی میانه (در ظاهر غیرمستقیم و در معنی معلوم) امری» به همراه «تکواژ منفی وابسته» است که معمولاً به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است (ر.ک. امثال ۳: ۷؛ اش ۵: ۲۱؛ ۱ قرن ۱۰: ۱۲؛ غلا ۶: ۳). ایمانداران نباید نسبت به یکدیگر طوری رفتار کنند که انگار مقامشان بالاتر از بقیه است، یا نسبت به جامعه بی ایمانان متکبر و گستاخ باشند.

۱۲: ۱۷ **"به هیچ کس به سزای بدی، بدی نکنید"** این «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» ، به همراه «تکواژ منفی وابسته» است که معمولاً به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است. حساب دیگران را رسیدن، کار خدا است، نه ایمانداران (ر.ک. امثال ۲۰: ۲۲؛ ۲۴: ۲۹؛ متی ۵: ۳۸-۴۸؛ لوقا ۶: ۲۷؛ ۱ تسال ۵: ۱۵؛ ۱ پطرس ۳: ۹).

□ **"آنچه را در نظر همه مردم درست است، محترم بدانید"** این «حال انعکاسی وصفی» است که به معنی «امری» به کار رفته است (ر.ک. ۲ قرن ۸: ۲۱؛ ۱ تسال ۵: ۲۲؛ ۱ تیمو ۳: ۷). ممکن است

این اشاره به امثال ۳: ۴ در ترجمه هفتاد باشد. ایمانداران با این دید زندگی می کنند که در هر فرصت به بی ایمانان بشارت دهند. ما نباید کاری کنیم که به فرد بی ایمان بی احترامی شود یا او را از خود برانیم (ر.ک. ۱ قرن ۹: ۱۹-۲۳). حتی اعتقادات خود را که به آنها عمیقاً پای بندیم، باید با محبت بیان کنیم.

۱۲: ۱۸ "در صورت امکان، تا آنجا که به شما بستگی دارد، با همه مردم در صلح و صفا بسر ببرید" این «جمله شرطی نوع اول» می باشد که از دیدگاه نویسنده یا جهت سبک ادبی او، واقعیت فرض گرفته شده است. عبارت پس از آن، «حال متعدی وصفی» است که به معنی «امری» می باشد. این همیشه به انتخاب ایماندار نیست، اما از دستور زبان اینطور برمی آید که اغلب امکان پذیر هست (ر.ک. مرقس ۹: ۵۰؛ ۲ قرن ۱۳: ۱۱؛ ۱ اتسا ۵: ۱۳).

۱۲: ۱۹ "هرگز انتقام خود را مگیرید" این «حال متعدی وصفی» است که با «تکواژ منفی» به صورت «امری» به کار رفته است، که معمولاً به معنی بازایستادن عملی در حال انجام است. خدا روزی حساب مردم و کارهای آنان را می رسد.

□ "زیرا نوشته شده است" این وجه «اخباری غیرمستقیم مطلق» است که اصطلاحی در زبان های سامی در اشاره به کتب مقدسه وحی شده است. این اصطلاح در مورد وحی، همسان «خداوند چنین می فرماید» است (ر.ک. ۱ قرن ۱۴: ۲۱ و ۲ قرن ۶: ۱۷). این نقل قول از تث ۳۲: ۳۵ است.

۱۲: ۲۰ "اما اگر دشمنت" این «جمله شرطی نوع سوم» است که حاکی از عمل بالقوه در آینده بوده است. دشمنان پیش خواهند آمد!

□ "اخگرهای سوزان بر سرش خواهی انباشت" این اشاره به امثا ۲۵: ۲۱-۲۲ است. نظریه های تفسیری، چنین می باشند:

۱. این یک اصطلاح فرهنگی بوده که احتمالاً از مصر منشاء داشته، به این معنی که مهربانی، بهترین راه تبدیل دشمن به یک دوست است. واکنش مسیحیان هنوز هم در برابر شرارت استیلا ناپذیر، همین است (ر.ک. متی ۵: ۴۴).

۲. "اخگرهای سوزان" به نظر می رسد حاکی از شرمندگی بخاطر رفتار نامتناسبی باشد که زشتی آنها، در برابر محبت و بخشایش دیگری، به وضوح مشخص می گردد (ر.ک. امبروزی آستر، آگوستین و جروم)

۳. اوریجن و کریسوستوم می گفتند این حاکی از مهربانی مسیحی است که باعث می شود خدا کسانی را که توبه نمی کنند، حتی شدیدتر دآوری و محکوم نماید (ر.ک. «تفسیر کتاب مقدس جروم» جلد ۲، ص ۳۲۶)

تمامی تئوری های فوق، صرفاً نظریه هستند. کلید موضوع در خلاصه اظهارات پولس در آیه ۲۱ است.

۱۲: ۲۱ "مغلوب بدی مشو، بلکه بدی را با نیکویی مغلوب ساز" این «حال غیرمستقیم امری» و «حال متعدی امری» است. واکنش ما در برابر رفتار غیرعادلانه، میزان آرامش و شادی درون ما را مشخص کرده، نشان می دهد. تلخی، سرطان روحانی است. ایمانداران باید تلخی را به حضور خداوند آورده، به او بسپارند.

□ "بدی" این یا «منکر» است، و در آن صورت حاکی از وجود شریر است، یا می تواند «خنثی» باشد و منظور آن شرارت به طور عموم باشد. این یکی از موارد نامشخص در عهد جدید است (ر.ک. متی ۵: ۳۷؛ ۶: ۱۳؛ ۱۳: ۱۹، ۲۸؛ یو ۱۷: ۱۵؛ ۲ تسال ۳: ۳؛ ۱ یو ۲: ۱۳-۱۴؛ ۳: ۱۲؛ ۵: ۱۸-۱۹).

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر، جهت راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. چرا این تعداد زمان «حال امری» با «تکواژ منفی» در آیات ۹- ۲۱ آمده اند؟
۲. فهرستی از تمامی فرامین این آیات را به طور مجزا در یک ستون بنویسید. فهرست پرهیبتی است از اینکه زندگی عملی و روزانه که شبیه به مسیح است، شامل چیست!
۳. چرا اینقدر مشکل است مشخص نمود کدام آیات در مورد طرز رفتار مسیحیان نسبت به سایر ایمانداران است و کدام ها در مورد رفتار آنها با بی ایمانان است؟

رومیان فصل ۱۳

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۴
اطاعت از قواعد	تسلیم اولیاء امور بودن	تسلیم اولیاء امور دولتی	تسلیم حکومت شدن	مسیحی و دولت
۷-۱:۱۳	۷-۱:۱۳	۷-۱:۱۳	۷-۱:۱۳	۷-۱:۱۳
محبت برادرانه	وظایف نسبت به اولیاء امور دولتی	محبت شریعت را محقق می سازد	همسایه خود را دوست بدار	محبت و جنگ
۱۰-۸:۱۳	۱۰-۸:۱۳	۱۰-۸:۱۳	۱۰-۸:۱۳	۱۰-۸:۱۳
نزدیک شدن روز مسیح	فرزندان نور	نزدیک بودن بازگشت مسیح	مسیح را ببوشید	نزدیک شدن روز مسیح
۱۴-۱۱:۱۳	۱۴-۱۱:۱۳	۱۴-۱۱:۱۳	۱۴-۱۱:۱۳	۱۴-۱۱:۱۳
	۱۴:۱۳			

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)

پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب تفسیر برای راهنمایی در مطالعات میباشد، به این معنی که شما شخصاً مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در آن روشنایی گام برداریم که ما را منور ساخته است. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس، اولویت دارید. نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص کنید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه نمایید. پاراگراف بندی ها وحی نشده اند اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، که قلب کار تفسیر است، کلیدی می باشند. هر پاراگراف صرفاً و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

الف. همانطور که فصل ۱۲ به طور اساسی در مورد رابطه شخص مسیحی با سایر ایمانداران مسیحی است (آیات ۹-۱۳) - و نیز با دیگر مردم در اجتماع (آیات ۱۴-۲۱) - فصل ۱۳: ۱-۷ به طور اساسی در مورد رابطه فرد مسیحی با حکومت مدنی است. لکن از لحاظ متنی، بین این دو موضوع جدایی نیست. پولس آنها را یکی می دانست. دوگانگی بین آنچه مقدس و روحانی است، و آنچه غیر روحانی و دنیوی است، وجود ندارد. همه زندگی متعلق به خدا است. ایمانداران، مسئولین نظارت بر همه جوانب زندگی هستند! پیوند این دو فصل را می توان در ۱۲: ۱۸ مشاهده نمود.

ب. درک ایمانداران در مورد جایگاه حکومت مدنی، مختلف بوده است. در عهدعتیق، حکومت در نسل قائن (ر.ک. پیدای ۴: ۱۶-۲۲) بسط می یابد. برج بابل (ر.ک. پیدای ۱۱) مربوط به این است که بشر مجزا از خدا، مبادرت به خودمختاری ورزید. پادشاهی در میان قوم اسرائیل به این منظور بود که خدا بوسیله قوانین الهی، و همچنین از طریق شبان دستیار (پادشاه) حکمرانی کند، اما این در اثر گناه بشر، موفقیت آمیز نشد. سخنان عیسی در مورد جایگاه صحیح حکومت، در متی ۲۲: ۲۱ و مرقس ۱۲: ۱۷، بسیار مهم و محوری می باشد. جای تعجب است که پولس در این متن اشاره ای به سخنان عیسی نمی کند (اگرچه آیات ۱-۷ و ۱۱ به نظر می رسند با متی ۲۲: ۱۵-۲۲ و ۳۹ همسان باشند). حکومت، در جهان گناه کار، از نقش خدادادی برخوردار است. رسولان، اغلب و بالاجبار با این موضوع در کشمکش بودند که در برابر قدرت های حاکم، چه مدنی و چه مذهبی، چه کنند. بسته به رفتار آنانی که صاحب قدرت هستند، عملاً ثابت می شود که این اقدام و مأموریتی مثبت یا منفی است. پولس به وسیله حکومت زمان، هم حمایت شد و هم مورد آزار قرار گرفت. اما در کتاب مکاشفه، یوحنا حکومت را فاحشه بزرگ (ر.ک. مکا ۱۷) می خواند!

ما باید از حکومت حمایت کنیم، مگر آن موقع که حکومت، بر خلاف وجدان ما که از روح خدا هدایت می شود، عمل کند یا ما را وادار سازد مطلقاً از آن اطاعت کنیم. نظم مدنی، بر هرج و مرج و آشفتگی ترجیح دارد (ر.ک. ۲ تسا ۲: ۶-۷).

پ. به همین موضوع در تیطس ۳: ۱ و ۱ پتر ۲: ۱۳-۱۷ رسیدگی شده است.

ت. یهودیت، تحت حکومت رومی قرن اول، دین قانونی محسوب می شد. مسیحیت، سال ها یکی از شعب آن شناخته می شد (ر.ک. اعمال ۱۸: ۱۲-۱۶). این موضوع سبب شد جنبش بشارتی در آن دوران ابتدایی، از حمایت قانونی برخوردار گردد. یکی از مقاصد کتاب «اعمال رسولان» این بود که نشان دهد مسیحیت، تهدید سیاسی برای روم نبود. در عین حال روم، صلح و ثبات بین المللی را برقرار نمود (*pax Romana*)، و انجیل توانست به خاطر آن گسترش یابد (ر.ک. ۱ تیمو ۲: ۱-۲).

ث. این بخش، در پرتو برخوردهای شخصی پولس با اولیاء امور، تأکیدی بیشتر یافته است. همچنین امکان دارد این بخش به دلایل ذیل ذکر شده است: (۱) تنش های داخلی کلیسای رومی در ارتباط با فرمان های حکومت وقت (مثلاً، در مورد محدود ساختن تشریفات یهود). ممکن است این عامل باعث شد عده ای از ایمانداران یهودی از پایتخت بروند (به عنوان مثال، اکیلا و پریسیلا، ر.ک.

اعمال (۱۸: ۲). در غیاب آنها، ایمانداران غیریهودی دسترسی بیشتری به رهبری یافتند. (۲) تنش ها در روم - زیرا انجیل در جامعه بزرگ یهودی آنجا موعظه می شد. سوتونیوس مورخ [Suetonius] در کتاب «زندگی کلادیوس» ۲، ۲۵ می نویسد که امپراطور، در اثر آشوب های مکرری که بخاطر شخصی به نام کرسئوس [Chrestus] ایجاد می شد، در سال ۴۹ میلادی یهودیان را از پایتخت تبعید نمود. این می تواند هجی متفاوتی از لقب Christ [همان Christos یعنی مسیح] در لاتین باشد.

مطالعه واژه ها و عبارات

متن NASB (به روز شده): ۱۳: ۱-۷

۱ هر کس باید تسلیم قدرتهای حاکم باشد، زیرا هیچ قدرتی جز از سوی خدا نیست، و قدرت هایی که وجود دارند، از جانب خدا مقرر شده اند. ۲ پس آن که با قدرتی مخالفت کند، در حقیقت با آنچه خدا مقدر فرموده، ضدیت کرده است؛ و کسانی که ضدیت کرده اند محکومیت نصیب شان خواهد گشت. ۳ زیرا حکمرانان به سبب رفتار نیک، مایه هراس نمی باشند، بلکه به سبب شرارت. آیا می خواهی از صاحب قدرت، هراسی نداشته باشی؟ آنچه را نیک است انجام بده که تو را تحسین خواهد کرد. ۴ زیرا خدمتگزار خداست تا به تو نیکویی کند. اما اگر به شرارت عمل کنی، بترس، زیرا شمشیر را بی جهت حمل نمی کند؛ زیرا او خدمتگزار خدا و انتقام گیرنده است تا غضب را نصیب کسی سازد که مرتکب شرارت می گردد. ۵ پس مطیع بودن لازم است، نه تنها به خاطر غضب بلکه به سبب وجدان نیز. ۶ زیرا به همین دلیل نیز مالیات می پردازید، چون حاکمان، خدمتگزاران خدایند که خود را وقف همین چیز ساخته اند. ۷ به همه کس آنچه را حق ایشان است بدهید: جزیه را به آنکه جزیه را باید به او پرداخت، و مالیات را به آنکه مالیات؛ هیبت را به آنکه هیبت؛ و اکرام را به آنکه اکرام.

۱۳: ۱ "هر کس باید تسلیم ... باشد" این «حال غیرمستقیم امری» است، به معنی «پیوسته به اطاعت در آورده شدن» (ر.ک. تیطس ۳: ۱؛ ۱ پتر ۲: ۱۳). «اطاعت» واژه نظامی در مورد سلسله مراتب فرماندهی بود. در چارچوبه متن، خطاب پولس به همه ایمانداران بود (ر.ک. افس ۵: ۲۱) - جایی که پولس تأکید دارد ایمانداران باید مطیع یکدیگر باشند.

امروزه مطیع بودن، واژه ای منفی به نظر می رسد. این کلمه ای است که هم فروتنی خاصی را می رساند، و هم درک عمیقی از دنیای متعلق به خدا را، و اینکه جایگاه ما در آن چیست. در مورد عیسی گفته شده است: او مطیع (۱) والدین دنیوی خود بود (ر.ک. لوقا ۲: ۵۱) و نیز (۲) پدر آسمانی خود (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۲۸). در این مورد، عیسی راهنمای ما است!

▣ "قدرتهای حاکم" اگرچه کاربرد پولس از این واژه (*exousia*) در متن های دیگر، به معنی قدرت های فرشتگان، و اساساً ارواح پلید بوده است (ر.ک. ۸: ۳۸؛ کولس ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۰، ۱۵؛ افس ۱: ۲۱؛ ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲)، اینجا چارچوبه متن لازم می سازد به معنی "اولیاء امور مدنی" در نظر گرفته شود (۱ قرن ۲: ۶، ۸؛ تیطس ۳: ۱؛ ۱ پتر ۲: ۱۳). ظاهراً کتاب مقدس اشاره ضمنی به این دارد که قدرت های حاکم فرشتگان در پشت پرده حکومت های انسانی می باشند (دانیال ۱۰ و «ترجمه هفتاد» از تث ۳۲: ۸ "هنگامیکه حضرت اعلی ملت ها را تقسیم نمود، زمانی که پسران آدم را مجزا ساخت، سر حداث ملت ها را طبق شمار فرشتگان خدا قرار داد." اما با این وجود، اولیاء امور حکمران، تحت اقتدار خدا هستند (ر.ک. آیات ۱، ۴، الف، و ۶). به عنوان خاص ذیل رجوع کنید.

عنوان خاص: حکومت بشری

I. مقدمه

الف. تعریف - حکومت، بشریت است که با سازمان دهی خود، نیازهای محسوس دنیوی را تأمین کرده، محافظت می نماید.

ب. هدف - خدا چنین مقدر فرموده است که نظم، بر آشوب و هرج و مرج، ترجیح داشته باشد.

۱. قانونگذاری موسی پیامبر، به خصوص «ده فرمان»، اراده خدا برای اجتماع بشری است. این قوانین، تعادل بین عبادت و زندگی را برقرار می سازند.

۲. کتاب مقدس طرفدار هیچ گونه تشکل یا سازمان دهی حکومتی نیست، اگرچه یزدان سالاری [theocracy] در اسرائیل باستان، مطابق روش آینده حکمروایی خدا در بهشت است. رژیم دموکراسی و رژیم سرمایه داری هیچکدام حقایق کتاب مقدسی نیستند. مسیحیان، در هر سیستم حکومتی زندگی کنند، باید درست رفتار کنند. هدف فرد مسیحی، بشارت و خدمت روحانی است، نه انقلاب.

پ. مبدأ حکومت بشر

۱. دیدگاه کاتولیک روم اظهار کرده است که حکومت بشری، یک نیاز فطری است - حتی پیش از زمان سقوط بشر. ارسطو ظاهراً با این فرض موافق بوده است. او چنین می گوید: "انسان جانور سیاسی است" و منظورش این بوده است که حکومت "وجود دارد تا زندگی نیک را پیشبرد دهد".

۲. دیدگاه پروتستان، بخصوص مارتین لوتر می گوید که حکومت انسانی، جزئی از واقعه سقوط بشر است. لوتر چنین عنوانی برای آن قائل می شود: "پادشاهی دست چپ خدا". او گفته است: "روش خدا برای کنترل افراد بد، این است که افراد بد را در مسند کنترل قرار دهد."

۳. کارل مارکس گفته است حکومت وسیله ای است که شمار خردی از نخبگان، توده های مردم را تحت کنترل قرار می دهند. در نظر او، حکومت و مذهب، نقشی مشابه دارند.

II. مطالبی از کتاب مقدس

الف. عهد عتیق

۱. اسرائیل الگویی است که در بهشت استفاده خواهد شد. در اسرائیل باستان، یهوه، پادشاه بود. یزدان سالاری واژه ای است که برای حکمرانی مستقیم خدا استفاده می شد (ر.ک. ۱ سمو ۸: ۴-۹).

۲. حاکمیت خدا بر حکومت بشری، در این آیات به وضوح دیده می شود:

الف) ارمیا ۲۷: ۶؛ عزرا ۱: ۱

ب) ۲ تواریخ ۳۶: ۲۲

پ) اشعیا ۴۴: ۲۸

ت) دانیال ۲: ۲۱

ث) دانیال ۲: ۴۴

ج) دانیال ۴: ۱۷، ۲۵

چ) دانیال ۵: ۲۸

۳. قوم خدا باید حتی نسبت به دولت هایی که با تهاجم، زمام امور را به دست می گیرند، تسلیم گردند و رفتار احترام آمیز داشته باشند:

الف) دانیال ۱-۴، نبوکدنصر

- (ب) دانیال ۵ ، بلشصر
 (پ) دانیال ۶ ، داریوش
 (ت) عزرا و نحمیا
 ۴. قوم خدا باید برای قدرت های مدنی دعا کنند:
 الف) ارمیا ۲۸: ۷
 (ب) میشنا، آوت ۳: ۲

ب. عهد جدید

۱. عیسی، حکومت های انسانی را احترام نمود
 الف) متی ۱۷: ۲۴ - ۲۷؛ مالیات معبد یهودی را پرداخت
 (ب) متی ۲۲: ۱۵ - ۲۲، از جایگاه مالیات رومی، و در نتیجه از حاکمیت مدنی رومی، طرفداری نمود
 (پ) یوحنا ۱۹: ۱۱، خدا اختیار مدنی را افاضه می کند
 ۲. سخنان پولس در ارتباط با حکومت های بشری
 الف) رومیان ۱۳: ۱ - ۷، ایمانداران باید مطیع اولیاء امور مدنی باشند و برای آنان دعا کنند
 (ب) ۱ تیموتائوس ۲: ۱ - ۳، ایمانداران باید برای اولیاء امور مدنی دعا کنند
 (پ) تیطس ۳: ۱، ایمانداران باید مطیع اولیاء امور مدنی باشند
 ۳. سخنان پطرس در ارتباط با حکومت های بشری
 الف) اعمال ۴: ۱ - ۳۱؛ ۵: ۲۹، پطرس و یوحنا در برابر سنهدرین [دادگاه و شورای عالی یهودیان] (اینجا نشانگر نافرمانی مدنی است)
 (ب) ۱ پطرس ۲: ۱۳ - ۱۷، ایمانداران باید مطیع اولیاء امور مدنی باشند
 ۴. سخنان یوحنا در ارتباط با حکومت های بشری
 الف) مکاشفه ۱۷، فاحشه بابل نشانه حکومت بشری است که با خدا مخالفت می ورزد

III. نتیجه گیری

- الف. حکومت بشری توسط خدا مقرر شده است. این موضوع، "حق پادشاهی خدادادی" نیست، بلکه جایگاهی است که خدا به حکومت بخشیده است. از هیچ شکل آن نسبت به دیگری، طرفداری نشده است.
 ب. این وظیفه دینی ایمانداران است که با برخورد متناسب و احترام آمیز، از اولیاء امور مدنی اطاعت کنند.
 پ. شایسته است که ایمانداران، حکومت بشری را با پرداخت مالیات و با دعا کردن، حمایت کنند.
 ت. حکومت بشری، جهت برقراری نظم است. اولیاء امور، در انجام این نقش، خدا را خدمت می کنند.
 ث. حکومت بشری، نهایت کار نیست. محدودیت هایی در اختیارات آن وجود دارد. هنگامی که مراجع مدنی از محدوده مقدر الهی خود پا فراتر می گذارند، ایمانداران باید طبق وجدان خود عمل کرده، از مراجع مدنی سر باز زنند. آگوستین، در کتاب شهر خدا/ اظهار کرده است که ما شهروندان دو قلمرو می باشیم، یکی فانی و دیگری ابدی. ما در هر دوی اینها وظایفی داریم، اما نهایت کار، پادشاهی خدا است! در وظایف ما نسبت به خدا، هم جنبه فردی وجود دارد و هم جنبه جمعی.

ج. در سیستم دموکراتیک، ما باید ایمانداران را تشویق کنیم تا در فرایند حکومت، فعالانه شرکت نمایند و اگر موقعیت وجود داشته باشد، آموزه های کتاب مقدس را به اجرا درآورند.

چ. پیش از اینکه تغییری در جامعه صورت گیرد، افراد ابتدا باید توبه کرده، ایمان آورند. از لحاظ آخرت، هیچگونه امید واقعی و پاینده ای به حکومت نیست. تمامی حکومت های بشری، اگرچه خدا آنها را مقدر فرموده و به کار می گیرد، نشانه های گناه آلود سازمان دهنی بشر، مجزا از خدا هستند. این موضوع در کاربرد یوحنا از کلمه "جهان"، بیان شده است.



"قدرت هایی که وجود دارند، از جانب خدا مقرر شده اند"	NASB
"که وجود دارند از جانب خدا منصوب شده اند"	NKJV
"که از جانب خدا تأسیس شده اند"	NRSV
"از جانب خدا قرار داده شده اند"	TEV
"از جانب خدا منصوب شده اند"	NJB

این «کامل غیرمستقیم وصفی دارای الفاظ زائد» می باشد و حاکی از این است که خدا در پشت پرده تمامی قدرتهای بشری است (ر.ک. یوحنا ۱۹: ۱۱). منظور آن، "حق پادشاهی خدادادی" نیست، بلکه اراده خدا برای برقراری نظم است. این گفتار، نوع خاصی از حکومت را تأیید نمی کند، بلکه اصل حکومت را. نظم مدنی بهتر از هرج و مرج است (ر.ک. آیه ۶).

۱۳: ۲ "پس آن که با قدرتی مخالفت کند" این «حال وصفی انعکاسی [حاکی از عملی که به خود فاعل برمیگردد]» است. این عبارت، رجوع به نافرمانی شخصی و از روی عادت، علیه نظم مقرر است. معنی تحت اللفظی آن، "بر علیه کسی بلند شدن" است (ر.ک. اعمال ۱۸: ۶؛ یعقوب ۵: ۶). در مرقس ۱۲: ۱۷، عیسی حوزه اقتدار حکومت و نیز کلیسا را به روشنی بیان کرد. در اعمال ۵: ۲۵-۳۲ می بینیم هنگامی که اولیاء امور از حد خود پا فراتر می گذارند، چه می شود.

▣ "ضدیت کرده است . . . ضدیت کرده اند" این «اخباری متعدی کامل» و «کامل متعدی وصفی» است. اینها نشانگر نافرمانی هستند که یا حل و فصل شده، یا برقرار گشته است. خدا نظم و ترتیب را در این دنیای گناه آلود، مهیا فرموده است (ر.ک. آیات ۴، ۶). ضدیت علیه نظم و ترتیب، ضدیت با خدا است، مگر آنکه اولیاء امور مدنی از محدوده ای که خدا برایشان مقرر کرده است، پا فراتر نهند. مسئله واقعی روحانی، اطاعت از اولیاء امور است. انسان گناه کار به دنبال خودمختاری است!

▣ "محکومیت نصیب شان خواهد گشت" در KJV این قسمت "لعنت شدگی" [damnation] ترجمه شده است. معنی واژه انگلیسی آن از سال ۱۶۱۱ میلادی، تشدید شده است. کتاب مقدس NKJV آن را بعنوان "داوری" معنی کرده است. در چارچوبه متن، این می تواند اشاره باشد به: (۱) داوری خدا یا (۲) مجازات مدنی (ر.ک. آیه ۴). این اشخاص، با طرز فکر و کارهای خود بر علیه اولیاء امور، محکومیت را نصیب خود می سازند (ر.ک. یوحنا ۳: ۱۷-۲۱).

۱۳: ۳ به اظهارات مشابه در ۱ پتر ۲: ۱۴ رجوع کنید.

▣ "قدرت" به عنوان خاص: *Archē* در ۸: ۳۸ رجوع کنید.

۱۳: ۴ "زیرا خدمتگزار خداست تا به تو نیکویی کند" اولیاء امور دولتی علیه افرادی که در امور مدنی مرتکب شرارت می شوند اقدام می کنند، در حالی که ایماندار این آزادی را ندارد که انتقام خود را بگیرد و تلافی کند (ر.ک. ۱۲: ۱۷-۱۹). لوتر گفته است: "روش خدا برای کنترل افراد بد، قرار دادن افراد بد در مسند کنترل است."

□ "اگر" این «جمله شرطی نوع سوم» می باشد که به معنی عمل احتمالی در آینده است.

□

"زیرا شمشیر را بی جهت حمل نمی کند"	NASB
"زیرا او شمشیر را بیهوده حمل نمی کند"	NKJV
"زیرا صاحب قدرت، شمشیر را بیهوده حمل نمی کند"	NRSV
"اقتدار آنان برای مجازات، واقعی است"	TEV
"بی دلیل نیست که نشانه اقتدار آنان، شمشیر است"	NJB

منظور از کلمه "شمشیر" (*machaira*) یک شمشیر کوچک رومی است که در مجازات اعدام استفاده می شد (ر.ک. اعمال ۱۲: ۲؛ روم ۸: ۳۵). این بخش و اعمال ۲۵: ۱۱، مبنایی برای عهد جدید در مجازات اعدام می گردد، در حالیکه پیدایش ۹: ۶ دیدگاه عهد عتیق را به روشنی بیان می کند. ترس، بازدارنده مؤثری در برابر هرج و مرج است!

□ "زیرا او خدمتگزار خدا و انتقام گیرنده است" واژه برای انتقام گیرنده (*ekdikos*) چند بار در عهد عتیق به کار رفته است. آن حتی در بخش اول لایوان ۱۹: ۱۸ آمده است. در عهد عتیق، اگر کسی دیگری را می کشت، یا حتی اگر تصادفاً او را کشته بود، خانواده مظلوم حق داشتند قصاص "چشمی به چشمی" (انتقام گیرنده خون) را به انجام برسانند. ظاهراً پولس این سنت عهد عتیق را، به اختیارات حکومت مدنی ارتباط می دهد.

۱۳: ۵ "پس مطیع بودن، لازم است" دو دلیل ذکر شده اند: (۱) دوری جستن از مجازات - یا مجازات الهی یا مجازات از طرف اولیاء امور مدنی حکومت و (۲) به خاطر وجدان ایمانداران.

□ "به سبب وجدان" در عهد عتیق، معادلی برای کلمه یونانی "وجدان" نیست، مگر آنکه کلمه عبری برای "سینه"، آگاهی از نفس و محرک های آن را، به طور ضمنی برساند. این کلمه یونانی در اصل، حاکی از حس آگاهی و هوشیاری، در ارتباط با حواس پنجگانه بود. بعدها در مورد حس های درونی، استفاده گردید (ر.ک. روم ۲: ۱۵). پولس این کلمه را دو بار در محاکمات خود در اعمال به کار می برد (به عبارت دیگر، ۲۳: ۱ و ۲۴: ۱۶). معنی آن در مورد حس اوست که هیچیک از وظایف شناخته شده دینی نسبت به خدا را عمداً نقض نکرده است (ر.ک. ۱ قرن ۴: ۴).

وجدان، درک در حال توسعه و رشدی از محرک ها و اعمال ایماندار بر این مبانی می باشد: (۱) دیدگاه نسبت به جهان بر مبنای کتاب مقدس؛ (۲) روح خدا که در شخص زندگی می کند؛ و (۳) آگاهی از شیوه زندگی شایسته که بر پایه کلام خدا است. عاملی که اینها را ممکن می سازد، اینست که شخص، مزده انجیل را بپذیرد.

۱۳: ۶ "زیرا به همین دلیل نیز مالیات می پردازید" این «حال اخباری متعدی» است، اگرچه در شکل می تواند «حال امری متعدی» باشد (ر.ک. JB). این یکی از نمونه های وظیفه فرد مسیحی، نسبت به اولیاء امور مدنی است، زیرا اولیاء امور حکومت، خادمان خدا هستند.

۱۳: ۷

"به همه کس آنچه را حق ایشان است بدهید: جزیه...؛ مالیات...؛ هیبت...؛ اکرام" NASB
 "بنابراین به همه کس آنچه را حق ایشان است بدهید؛ جزیه...؛ مالیات...؛ هیبت...؛ اکرام" NKJV
 "به همه کس آنچه را حق ایشان است بپردازید - جزیه...؛ عواید دولتی...؛ احترام...؛ اکرام" NRSV
 "پس آنچه را دین شما به آنها است بپردازید؛ مالیات شخصی و مالیات بر ملک خود را به آنان پرداخت کنید، و احترام و اکرام را نسبت به همگی آنان ادا کنید" TEV
 "به هر یک از مقامات دولتی آنچه را حق دارد طلب کند، بپردازید - چه مالیت مستقیم باشد چه غیرمستقیم، چه هیبت باشد چه اکرام" JB

این می تواند رجوع به دو گروه مختلف اولیاء امور مدنی باشد (ر.ک. RSV)، اما احتمالاً معنی که بیان می نمود، این است که مسیحیان موظفند به اولیاء امور مدنی، هم مالیات بپردازند و هم رفتار احترام آمیز داشته باشند، زیرا آنها به عنوان خدمتگزاران خدا عمل می کنند (ر.ک. آیات ۱، ۴ [دوبار]، ۶؛ متی ۲۲: ۱۵-۲۲).

□ دو واژه "جزیه" و "مالیات" در اینجا به صورت مترادف به کار رفته اند (اگرچه TEV تفاوت قائل می شود). اگر از لحاظ ریشه شناسی (معنی اصلی)، آنرا تجزیه و تحلیل کنیم، واژه اول در مورد مالیات هایی بوده که یک ملت تسخیر شده می پرداخت (ر.ک. لوقا ۲۰: ۲۲) و دومین در مورد مالیات های شخصی بود (ر.ک. متی ۱۷: ۲۵؛ ۲۲: ۱۷، ۱۹).

بینش های متنی در مورد رومیان ۱۳: ۸-۱۴

الف. می توان آیات ۱-۷ را به عنوان متنی با موضوع خاص و مجزا از باقی بخش، درک نمود. اما، موضوع "مدیون بودن" در آیه ۷، ظاهراً از جنبه دیگری در آیه ۸ پیگیری شده است. ایمانداران دین وظیفه نسبت به حکومت دارند؛ همچنین ایمانداران، دین وظیفه نسبت به دیگر انسان ها دارند.

ب. آیات ۸-۱۰ یک موضوع واحد هستند، و آیات ۱۱-۱۴ نیز. آنها، بحث فصل ۱۲ در مورد مسئولیت ایماندار برای محبت به دیگران را ادامه می دهند.

پ. کاربرد پولس از ده فرمان عهد عتیق، به عنوان راهنمای اخلاقی کسانی که در معاهده جدید، ایمان آورده اند، نشانگر مطرح بودن عهد عتیق برای زندگی خدا پسندانه (تقدیس) است، نه برای نجات یافتن (پارسا شدن، ر.ک. غلاطیان ۳). ظاهراً پولس چند منبع مختلف را برای تشکیل رهنمودهای اخلاقی خود، به هم پیوسته است:

۱. سخنان عیسی
۲. هدایت روح القدس
۳. عهد عتیق
۴. تعلیماتی که در دانشگاه الهیات یهودی (رابی ها) جهت استادی دینی یهودی آموخته بود
۵. دانش خود از اندیشمندان یونانی (خصوصاً رواقیون)

این مشخص کننده "قانون محبت" بود - محبت به خدا، محبت به بشریت، خدمت به خدا، خدمت به بشریت!

ت. گرایش آیات ۱۱-۱۴ به آخرت شناسی (آخر زمان) است. درینجا تضاد بین تاریکی و نور، مشخصه ادبیات یهودی، به شمول طومارهای بحرالْمیت، می بود. این روال، همچنین در نوشته های یوحنا و پولس بسیار دیده می شود. تنشی که میان "هم اکنون" در برابر "لیکن نه هنوز" در زندگی مسیحی وجود دارد، شخص را بر آن میدارد تا زندگی خدایسندانه داشته باشد. "عصر جدید" (پادشاهی خدا) آغاز شده است و به زودی به مرحله اجرا خواهد رسید. این بخش بسیار شبیه ۱ تسالونیا ۵: ۱-۱۱ است.

ث. آیات ۱۳-۱۴ چنان تأثیری عمیق بر آگوستین قدیس داشت که زندگی او را در تابستان ۳۸۶ میلادی، دگرگون ساخت. وی در کتاب *اعترافات* ۸: ۲۹ می گوید: "فراتر از آن را نخواندم، و نیازی هم نداشتم؛ در یک لحظه، در پایان این جمله، نوری شفاف به قلبم تابید و تمامی تیرگی تردید، ناپدید گشت."

مطالعه واژه ها و عبارات

متن NASB (به روز شده): ۱۳: ۸-۱۰

^۸ هیچ چیز به کسی مقروض نباشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید. زیرا هر که به همسایه خود محبت کند، در واقع شریعت را به جا آورده است. ^۹ زیرا این که "زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، طمع مورز"، و هر حکم دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می شود که "همسایه ات را همچون خوشتن محبت نما." ^{۱۰} محبت، به همسایه خود هیچ بدی نمی کند؛ پس محبت تحقق شریعت است.

۱۳: ۸ "هیچ چیز به کسی مقروض نباشید" این «حال امری متعدی» به همراه «تکواژ منفی وابسته» است که غالباً به معنی بازایستادنِ عملی در حال انجام است. این عبارت تأکیدی، دو جزء «منفی» دارد. این می تواند در ارتباط با مسائل مالیات باشد (آیات ۶-۷). بدهی مالی همیشه باعث فشارهای عاطفی و حتی روحانی می گردد. مواظب دنیوی بودن باشید. دنیوی بودن فرصت را از ایمانداران ربوده، نمی گذارد از اهداف مسیحیت حمایت کنند و شخصاً کارهای خیر انجام دهند. لیکن، از روی این آیه نباید نتیجه گیری و این استدلال را کرد که "کسب اعتبار برای مصرف کننده" کار درستی نیست. کتاب مقدس را باید در پرتو عصر آن تفسیر نمود. آن یک روزنامه بامدادی نیست! آیات ۸-۱۰ این اولویت را تأکید می کنند که باید همدیگر را محبت کنیم: (۱) به عنوان برادران یکدیگر (متی ۲۲: ۳۹-۴۰؛ یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵)؛ و (۲) به عنوان افراد همبسته بشری (ر.ک. متی ۵: ۴۲؛ غلا ۶: ۱۰).

□ "جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید" این پندار کلیدی آیات ۸-۱۰ است (ر.ک. یو ۱۳: ۳۴؛ ۱۲: ۱۲؛ روم ۱۲: ۱۰؛ ۱ قرن ۱۳؛ فیل ۲: ۳-۴؛ ۱ تسالونیا ۴: ۹؛ عبر ۱۳: ۱؛ ۲ پطرس ۱: ۷؛ ۱ یوحنا ۳: ۱۱؛ ۴: آیات ۷ و ۱۱ و ۱۲).

□ "هر که به همسایه خود محبت کند" این فعل، «حال وصفی متعدی» است. منظور آن، محبت هایی نیست که گهگاهی باشند یا صرفاً در اعیاد و فصلی ابراز گردند، بلکه آن طرز زندگی شایسته محبت آمیزی است که همانند مسیح است.

واژه "همسایه" در لفظ به معنی "یکی دیگر از نوع متفاوت" (*heteros*) است، اگرچه تمایز بین *heteros* و *allos* (یکی دیگر از همان نوع)، در لهجه کوبینه یونانی در حال زوال بود. در چارچوبه متن، شاید باور نکنید که این می تواند اشاره به همسایه شخص، به گسترده ترین معنی آن باشد (ر.ک. لوقا ۱۲: ۱۴-۲۱؛ ۱۰: ۲۵-۳۷). اما، آیه ای که از لایوان ۱۹: ۱۸ نقل قول شده است، در متن، حاکی از فرد دیگری است که در معاهده الهی با شخص سهیم است (هم کیش یهودی).

مسیحیان باید سایر مسیحیان را مثل برادر محبت کنند و اشخاص گمشده را مثل برادران بالقوه خود. مسیحیت یک خانواده است. هر فرد، بخاطر سلامت و رشد دیگران باید زندگی کند و خدمت نماید (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۷).



،NKJV ،NASB

"شریعت را به جا آورده است"

NRSV

"از شریعت اطاعت کرده است"

TEV

"وظایف خود را به جا آورده اید"

JB

این فعل رایج یونانی (*pleroō*) را می توان به چند نوع مختلف ترجمه کرد. آن «اخباری متعدی کامل» است و ترجمه اش می تواند چنین باشد: "محقق شده است و مداوماً محقق می گردد". رابرت هُنا، در کتاب «راهنمای دستوری عهد جدید یونانی» با نقل قول کردن از «آ. ت. رابرتسون»، چنین عنوانی به آن می دهد: "کامل ضرب المثلی (اشاره به واقعیتی عادی، و آشنا برای شنوندگان)" (ص ۲۸). این در آیه ۱۰ تکرار شده است (ر.ک. غلا ۵: ۱۴؛ ۶: ۲).

۱۳: ۹ برای پولس کار غیرعادی نبود که از شریعت موسی (خروج ۲۰: ۱۳-۱۷ یا تثنیه ۵: ۱۷-۲۱ و لایوان ۱۹: ۱۸) برای تشویق آنانی که به معاهده جدید ایمان داشتند، استفاده نماید. در افس ۶: ۲-۳، پولس همچنین یکی از ده فرمان را برای تشویق مسیحیان به کار می برد (ر.ک. ۱ تیمو ۱: ۹-۱۰). این متن عهد عتیق، وسیله نجات نبود اما با اینحال اراده آشکار شده خدا بود و نشان می داد انسان ها چطور باید نسبت به خدا و یکدیگر رفتار کنند (ر.ک. روم ۱۵: ۴؛ ۱ قرن ۱۰: ۶ و ۱۱). احتمالاً، نقل قول نمودن از عهد عتیق، روش پولس برای برقراری ارتباط با ایمانداران یهودی و نیز با ایمانداران غیریهودی در کلیسای روم بود. این کاربرد واژه "بجا آورده است"، مربوط به بحث عیسی نیز در باره شریعت در متی ۵: ۱۷ می شود. ممکن است این اشاره ای عمومی به قانون باشد - به قانون در معیارهای اجتماعی - و نه اشاره به شریعت موسی به طور خاص (ر.ک. JB). اما این که پولس در آیه ۹ از عهد عتیق نقل قول کرده است، حاکی از اشاره به شریعت موسی است. توجه داشته باشید که صرفاً محبت و نه انجام قوائد، می تواند شریعت را به درستی محقق سازد! به عنوان ذیل مراجعه کنید.

عنوان خاص: نظرات پولس در مورد شریعت موسی

الف. شریعت موسی نیکو است و از جانب خداست (ر.ک. روم ۷: ۱۲، ۱۶)

ب. شریعت موسی، راه دستیابی به نیکی مطلق و پذیرفته شدن از طرف خدا نیست (می تواند حتی یک لعنت باشد، ر.ک. غلا ۳)

پ. آن هنوز اراده خدا برای ایمانداران است زیرا خدا ازین طریق خود را آشکار ساخته است (پولس اغلب از عهد عتیق برای تشویق و/ یا ملزم ساختن ایمانداران، نقل قول می کرد)
ت. ایمانداران آگاهی های خود را از عهد عتیق کسب می کنند (ر.ک. روم ۴: ۲۳-۲۴؛ ۱۵: ۴؛ ۱ قرن ۱۰: ۶، ۱۱)، اما به وسیله عهد عتیق نجات نیافته اند (ر.ک. اعمال ۱۵؛ روم ۴؛ غلا ۳؛ عبرانیان)

ث. نقش آن در معاهده جدید برای این موارد است:

۱. تا گناهکار بودن را نشان دهد (ر.ک. غلا ۳: ۱۵-۲۹)

۲. تا بشر رستگار شده را در جامعه هدایت کند

۳. تا برای تصمیمات اخلاقی مسیحی، آگاهی فراهم کند

این، آن طیف الهیاتی است که از مرحله لعنت و نابودی، تا به سوی برکت و بقا است و در راستای پی بردن به دیدگاه پولس از شریعت موسی، مشکل ساز می شود. جیمز استوارت در کتاب خود به نام «انسان در مسیح» تفکر و نگرش پارادوکسی [متناقض نمای] پولس را ارائه می دهد:

"معمولاً انتظار می رود کسی که اقدام به ایجاد اسلوب و سیستمی از پندار و آموزه ها می نماید، تعاریف واژه هایی را که اختیار می کند، تا حد امکان دقیقاً مشخص نماید. نیز انتظار می رود وی کوشش نماید عبارت پردازی مفاهیم اصلی خود را بسیار دقیق انجام دهد. خواننده طلب می کند هنگامی که نویسنده واژه ای را در یک جا، به معنی خاصی به کار گیرد، آن واژه همان معنی را در سراسر متن داشته باشد. اما نمی توان چنین انتظاری را از پولس داشت. بسیاری از عبارت پردازی های او سیال می باشند، نه پیرو قواعد سفت و سخت. وی می نویسد: «شریعت، مقدس است» «در باطن، از قانون خدا شادی می کنم» (ر.ک. روم ۷: ۱۲، ۲۲) اما واضحاً جنبه دیگری از *nomos* است که باعث می شود بگویید: «مسیح ما را از لعنت شریعت باز خرید کرده است (ر.ک. غلا ۳: ۱۳)» (ص ۲۶).

عنوان خاص: یادداشت هایی در مورد خروج فصل ۲۰

خروج ۲۰: ۱۳، قتل

I. متن

الف. باید به یاد داشت که حتی آن فرامین که به نظر می رسند ماهیت اجتماعی دارند، در واقع دینی هستند. حاکمیت خدا بر آفرینش و رستگاری، در این فرمان ها انعکاس دارد. اگر فرمان الهی را در ممنوعیت قتل مورد توجه بیشتر قرار دهیم، می بینیم آن گویای شباهت خدا در هر فرد، و علاقه و عنایت خدا به زندگی بشری است.

ب. باید از یاد نبریم که یکایک فرامین الهی، در خصوص جامعه ایمانداران است. ممنوع بودن گرفتن جان کسی به طرز غیرقانونی، اساساً و اصلاً، متمرکز بر جامعه ایمانداران بود. اطلاق آن سراسری و در مورد تمامی بشر است!

II. مطالعه کلمات حائز اهمیت

الف. "قتل"

۱. این واژه نادر (*rasah*)، به معنی گرفتن جان کسی، صرفاً ۴۶ بار در سراسر عهد عتیق به کار رفته است. دو واژه دیگر به این معنی هستند که بسیار رایج تر می باشند.
- الف (*Harag*)، با کاربرد ۱۶۵ مرتبه
- ب (*Hemit*)، با کاربرد ۲۰۱ مرتبه
۲. واژه (*rasah*) ظاهراً یک معنی اصلی و محدود، و یک معنی گسترده دارد.
- الف) در اصل در مورد گرفتن جان شریک در معاهده الهی، به طرز قانونی و عمدی بود، و اغلب در ارتباط با "خویشاوند فدیة دهنده" یا "go'el" بوده است. این کاربرد، شامل قصد می گردید - اما به معنی انتقام قانونی [قصاص] بود (ر.ک. اعداد ۳۵: ۳۰ - ۳۴؛ لاو ۲۴: ۱۳ - ۲۳). حقیقت امر این بود که Lex Talionis، "چشمی به چشمی" (ر.ک. پیدای ۹: ۵ - ۶)، راهی برای محدود ساختن انتقام گیری بود.
- بعدها شهرهایی تعیین شدند که به مردم پناه می دادند (تث ۴: ۴۱؛ یوشع ۲۰: ۳) تا اگر یکی از هم عهدان در معاهده الهی، تصادفاً یا از روی هیجان ناگهانی، فرد دیگر جامعه را می کشت، می توانست از غضب خانواده شخص تلف شده، بدانجا بگریزد.
- ب) بعد ها اطلاق این کلمه، به محرک یا طرز فکری بود که منجر به کشتن شده بود. مفهوم "عمدی بودن"، اولویت یافت! (ر.ک. خروج ۲۱: ۱۲ - ۱۴؛ اعداد ۳۵: ۱۱، ۲۲؛ تثیبه ۲۸: ۲۴).
- پ) این تمایز، در این فرمان حائز اهمیت بسیار گردید. ظاهراً در متن، فقط به افراد جامعه ای اطلاق می کرد که با خدا عهد بسته بودند. ارتباط آن به "خویشاوند فدیة کننده"، یا انتقام خون را گرفتن [قصاص] بود. اما، در بخش های بعدی کتاب مقدس، این واژه در متن های پرتو گرفته از ده فرمان - هوشع ۴: ۲ و ارمیا ۷: ۹ - در مورد شخص قاتل است. این عبارت نه تنها به قانون، بلکه به محرک شخص ارتباط دارد. معنی آن از «همسایه» بسط یافته، به دیگر هموعان بشری اطلاق می گردد.
۳. این واژه یقیناً ارتباطی با مسئله اخلاقی امروزی ما در خصوص اعدام یا جنگ ندارد. یهودیان هرگز مشکلی با اینکه از طرف جامعه، اعدام یا جنگ مقدس صورت گیرد، نداشتند (یا در این مورد، جنگ نامقدس!).
۴. بهترین ترجمه آن برای جامعه امروز ما، "قتل عمد" می باشد.

III. بینش های متنی

- الف. احکام ششم، هفتم، و هشتم از فرمان ها، صرفاً با دو حرف عبری ساخته شده اند. آنها بسیار مختصر و گویا می باشند.
- ب. زندگی، یعنی تمامی زندگی، با خدا ارتباط دارد. طرز رفتار ما نسبت به دیگران، گویای افکار ما در باره خدا است.

IV. همسان هادر عهد جدید

الف. عیسی

۱. آنطور که وی این فرمان را بسط داده است (ر.ک. متی ۵: ۲۱ - ۲۶)، موقعیت صحیح را برای ما در این بحث امروزی روشن ساخته که این متن را چگونه در عصر خود به کار بگیریم.

۲. عیسی صریحاً ده فرمان را از حیطة اعمال، به حیطة محرک ها انتقال داد. ما آنچیزی هستیم که به آن فکر می کنیم! "زیرا چنانکه در دل خود فکر می کند، خود او همچنان است". تفکرات ما در زندگی، بسیار مطرح تر و مهم تر از آن هستند که معمولاً به حساب میاوریم.

ب. یوحنا

۱. ۱ یوحنا ۳: ۱۵، همین پندار که نفرت، قتل محسوب می شود، اظهار شده است.
۲. واژه های یونانی که در متی ۵: ۲۱ به بعد و ۱ یوحنا ۳: ۱۵ استفاده شده اند متفاوت هستند اما معنی اساساً همان است.
۳. به جنبه مثبت در ۱ یوحنا ۴: ۱۹ - ۲۱ توجه کنید

V. کاربرد حقایق

الف. اگرچه کسی که مرتکب قتل غیر عمد شده است می تواند از قصاص فرار کرده به «شهر پناه دهنده» برود (ر.ک. اعداد ۳۵؛ یوشع ۲۰)، باید جریمه اقامت خود را در محدوده آن شهر، تا زمان مرگ کاهن اعظم بپردازد. عواقب عملی که مرتکب شده است هنوز به جای خود است!

ب. اگرچه این آیه، مستقیماً مربوط به خودکشی نیست - بخاطر اینکه مردم باستان احتمالاً هرگز در مورد این رویداد تفکر نمی کردند - با اینحال اصل روحانی را در این متن می یابیم که گویای حرمت زندگی بشری، و حاکمیت و هدف خدا برای زندگی بشر است، که به شباهت او آفریده گردید. این متن، پیامی قوی درین مورد برای زمان ما دارد!

پ. اما این متن، کلام قاطعی در مورد مسائل امروز (۱) اعدام یا (۲) جنگ، ندارد. برای قوم اسرائیل، اینها به خودی خود، چیزهای شریری نبودند. اسرائیلی ها هر دوی اینها را به عمل میاوردند. با این وجود، اصل اهمیت زندگی، که به شباهت خدا و با کنترل او آفریده شده است، حقیقت مهمی در این مورد است.

ت. این متن آنچه را که باید، در حرمت حیات انسان بازگو می کند! ما در جامعه ایمانداران، مباشرین بوده، نه تنها مسئول اعمال خود هستیم، بلکه مسئول رفتار جامعه خود نیز می باشیم. هدیه حیات، هم فردی و هم شراکتی است.

ما در قبال سوء رفتار جسمی، اجتماعی، و روانی نسبت به بدن های خود مسئولیت داریم، همانطور که در قبال سوء رفتار جسمی، اجتماعی و روانی دیگران در جامعه خود، مسئولیت داریم. این موضوع، مخصوصاً در فرهنگی همچون فرهنگ ما صحت دارد که در آن مجاز هستیم در مورد اسلوب کارها صحبت کنیم و بدینوسیله سیستم را تغییر دهیم. ما مسئول برادرانمان می باشیم!

خروج ۲۰: ۱۴، زنا

I. متن

الف. واضح است که این فرمان مربوط به احترام شخص نسبت به خدا است، که در احترام به زندگی همسایه خود، زوجه او، و اموال او دیده می شود (ر.ک. ارمیا ۵: ۸). تأیید این موضوع، در «ترجمه هفتاد» با ترتیب متفاوت این فرمان ها، می باشد.

ب. همسان این موضوع در تثبیه، نشان می دهد چه کار درست و بجایی است که ما این حقیقت باستان را در فرهنگ خود به کار گیریم.

پ. همانطور که احترام به والدین به عنوان کلید جامعه با ثبات محسوب می شد، این فرمان نیز چنین است.

ت. این فرمان، بر این دلالت دارد که خدا صاحب و دارنده کنترل موضوعات جنسی زندگی ما، و زندگی خانوادگی ما است.
 ث. ظاهراً این فرمان بر پایه پیدایش ۲: ۲۴ بوده است، همانطور که فرمان چهارم بر مبنای پیدایش ۲: ۱-۳ بود.

II. مطالعه واژه

الف. واژه اصلی در این متن "زنا" است. بسیار مهم است که این واژه، با در نظر گرفتن فرهنگ یهودی باستانی، درک گردد.

۱. این واژه، در متن عهد عتیق، از "رابطه جنسی قبل از ازدواج" - «fornication یا زنا» غیر محصنه» - متمایز است. زنا، در موردی است که حداقل یکی از طرفین رابطه جنسی، ازدواج کرده باشد. کلمه «fornication یا زنا» غیر محصنه» حاکی از این است که طرفین ازدواج نکرده اند (ر.ک. امثال ۲۹: ۳؛ ۳۱: ۳). این تمایز در واژه های یونانی عهد جدید از میان رفته است.

۲. این احتمال، دلیل تأکید بر ازدواج و داشتن همسر را روشن می سازد، زیرا مربوط به اهمیت حقوق ارث است که بخشی از وعده خدا در مورد "زمین" بود. هر ۵۰ سال یکبار (سال یوبیل) تملک همه زمین ها به صاحبان اصلی اقوام برمیگشت.

۳. زنا، پیش از قانونگذاری زمان موسی، مورد نکوهش و محکومیت فرهنگی بود (ر.ک. پیدایش ۱۲: ۱۰ به بعد؛ ۲۶: ۷ به بعد؛ ۳۹: ۹).

۴. زنا بعنوان گناه بر علیه اینها شناخته می شد:

الف) همسایه - خروج ۲۰: ۱۴؛ تثنیه ۵: ۱۸

ب) ازدواج - لاویان ۱۸: ۲۰

پ) خدا - پیدایش ۲۰: ۱-۱۳؛ ۲۶: ۷-۱۱

۵. جزای آن برای هر دو طرفین، مجازات مرگ بود:

الف) لاویان ۲۰: ۱۰

ب) تثنیه ۲۲: ۲۲-۲۴

پ) حزقیال ۱۶: ۴۰ (استعاره)

ت) هشدارهای اکید در امثال ۱-۹ آمده اند

III. ارتباط با عهد جدید

الف. عیسی، از لاویان ۱۹: ۱۸ به عنوان خلاصه «مکاشفه قدیم» استفاده نمود (ر.ک. لوقا ۱۰: ۲۷). این تأییدی است که «ده فرمان»، با رفتار ما نسبت به دیگران، ارتباط دارند.

ب. عیسی، اهمیت والایی برای فرمان متی ۵: ۲۸ قائل شد. تأکید او بر محرک شخص است تا بر نفس عمل. یهودیان، ذهن را محلی برای رشد و نمو آنچه در روح می گذشت، می دانستند. آنچه شخص به آن فکر می کرد، واقعاً همان هم بود (امثال ۲۳: ۷). این باعث می شود اطاعت از ده فرمان تقریباً غیر ممکن باشد - و منظور نیز همین است! (ر.ک. غلا ۲: ۱۵ تا ۳: ۲۹).

IV. کاربرد برای امروز

- الف. ازدواج، احتمالاً بهترین نمونه امروزی برای سرسپردگی مادام العمر نسبت به خدا، بر پایه ایمان است. ازدواج بهترین وسیله ای برای ما است تا حقایق دیدگاه های پیمان عهدعتیق را درک کنیم (ملاکی ۲: ۱۴). احترامی که در همه موارد به همسر خود داریم - که شامل امور جنسی نیز می شود - در پی بردن به منظور این آیه، ما را یاری می دهد.
- ب. ثبات و وفاداری در ازدواج، همانند احترام به والدین، یکی از ستون های اصلی استحکام و بقای اجتماعی است.
- پ. باید تأکید نمود که تمایلات جنسی در انسان، هدیه خدا است. این را خود او برای بشر اندیشید و مقرر فرمود. رهنمودها، به منظور سلب آزادی یا شادمانی انسان نیستند، بلکه تا رهنمودهای الهی را به انسان گناهکار ارائه نمایند. محدودیت های آن، برای خیریت و شادمانی دراز مدت ما مکتشف شده اند. اگرچه بشر نسبت به تمایلات جنسی، با سوء رفتار عمل کرده است - همانطور که با تمامی عطایای خدا مرتکب سوء رفتار شده است - آن هنوز نیروی پر قدرتی در انسان است که باید تحت کنترل و هدایت خدا قرار گیرد.
- ت. روابط جنسی باید محافظت گردند تا نسبت به بدن انسان، که مقدس است (مرد یا زن)، با احترام رفتار شود زیرا مردم به شباهت خدا ساخته شده اند. تمرکز گناه آلود فرهنگ ما بر "من"، در مورد این مسائل بسیار آشکار و هویدا است.

خروج ۲۰: ۱۵، دزدی

I. آگاهی های عمومی

- الف. مانند دیگر مقررات ده فرمان، ایمان و محبت و احترام ما نسبت به خدا، باید در جنبه های مذهبی و غیر مذهبی زندگی روزانه ما دیده شوند. این منظور خدا است که بگوییم خدا را می شناسیم، و سپس از کسی که هم عهد ما در معاهده الهی است، سوء استفاده نمائیم (ر.ک. ۱ یوحنا ۴: ۲۰ - ۲۱؛ ۲: ۷ - ۱۱).
- ب. منظور این فرمان، کمک به حفظ مشارکت در جامعه ای است که با یکدیگر در معاهده الهی شریک می باشند. کیفیت این مشارکت روحانی، دنیای گیج و گم و جوینده را، به سمت خدای ما مجذوب می سازد و هدف کتاب مقدس نیز همین است.
- پ. همانطور که دیگر احکام، تأکید کرده اند خدا مالک تمامی جوانب زندگی است، این نیز همین را می رساند! ما مباشرین مسئول هستیم، نه مالکان. محرک درونی و گناه آلود ما در داشتن اموال و بدون پرداخت بها، دلیل این ممنوعیت است (ر.ک. مزبور ۵۰: ۱۰ - ۱۲).

II. مطالعه واژه ها و عبارات

- الف. این سومین فرمان از نیمه دوم ده فرمان است که صرفاً از دو کلمه عبری ساخته شده است.
- ب. مشخص نیست چه چیز نهی شده است. معمولاً موارد ذیل، حامی این موضوع می باشند:
۱. چارچوب دو فرمان پیشین، که به جرم های سنگین مربوط اند.
 ۲. بودن بخش های همسان قابل کاربرد، که مجاور این آیه هستند (خروج ۲۱: ۱۶) و نیز در کتاب های دیگر کتاب مقدس آمده اند (تثنیه ۲۴: ۷). همچنین به پیدایش ۳۷ رجوع نمایید.
- پ. در عین حال، اختصار آن قابل دفاع است:
۱. توسط الهام برای ما به ثبت رسیده است
 ۲. گستره حکم منع کننده را وسعت می بخشد

۳. مجموعه آیات مشابهی در چارچوب متن مجاور می باشد که راجع به دزدی است - خروج ۲۲: آیات ۱ به بعد.
۴. ظاهراً عیسی این آیات را در رجوع به دزدی نقل می کند (ر.ک. متی ۱۹: ۱۸).
- ت. دزدی در کتاب های قوانین باستانی دیگر نیز مورد بحث قرار گرفته است اما مجازات آن معمولاً مرگ، قطع عضو، یا ۳۰ برابر غرامت است.
- ث. بخش های مهم دیگری نیز می باشند که این واقعیت را تعریف کرده، توضیح می دهند:
۱. لایوان ۱۹: ۱-۱۸ - "مقدس باشید، زیرا که من یهوه خدای شما قدوس هستم"
- الف) شیوه زندگی ما باید مشخصه های خانوادگی «پدر» ما و «خدای» ما را داشته باشد (ر.ک. آیه ۱۸)
- ب) ایمان ما باید اثر عمیقی بر زندگی روزانه ما داشته باشد - هم در اعمالی که باید انجام دهیم، و هم در آنچه بخاطر ممنوعیت، نباید انجام دهیم. درک امر و نهی ها، محرک های متناسب به ما می بخشند (ر.ک. آیه ۱۷).
- پ) ترحم نسبت به طرد شدگان و نیازمندان، در آیات ۹-۱۰ و ۱۳، همان اهمیت تقلب نکردن نسبت به همسایگان مان را دارد - آیه ۱۱.
۲. عاموس ۸: ۴-۷: خدا از استنمار و سوء استفاده تنفر دارد!
۳. میکاه ۶: ۶-۸: خدا می خواهد در تمامی کارهامان، محرک های صحیح داشته باشیم. دلیلی که بخاطر آن دزدی نمی کنیم، موضوع مورد بحث است!
۴. خروج ۲۲: ۱ به بعد: واقعیتی که اغلب در ضمن بحث امروزی در باره «دزدی» مطرح نمی شود، غرامت است! گناه همیشه خرج به بار می آورد!

III. حقایق برای کاربرد

- الف. جوی دیویدمن، همسر سی. اس. لوئیس، کتاب بسیار جالبی در مورد ده فرمان نوشته است. او فرمان مذکور را به این صورت ترجمه کرده است: "سعی نکن چیزی را مفت به دست بیاوری." این موضوع را یقیناً وسیعتر از اموال و دارایی می کند. او نیز می گوید: "داشتن دارایی و اموال، نه گناه است، و نه حقی است که نباید از افراد سلب نمود، بلکه یک وام و ودیعه از جانب خدا است.
- ب. مسئله دزدی را، مانند دیگر گناهان ناشی از دل پر معصیت، می توان با جانشین ساختن دلی تازه از میان برداشت (افس ۴: ۲۸). حیرت انگیز است چگونه طبیعت کهنه که همه چیز را برای خود می طلبد، تبدیل به طبیعت تازه ای می گردد که همه چیز را با دیگران شریک می گردد!
- پ. احترام ما برای خدا، به روشنی در احترام ما برای آنان که در معاهده الهی با ما شریک هستند، دیده می شود! این واقعیت، اهمیت بسیار بیشتری از ده فرمان دارد.
- ت. انسان امروزی از راه های متعدد دزدی می کند!

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

۱. انسان امروزی از چه راه هایی دزدی می کند؟
۲. غرامت چگونه با توبه مرتبط است؟
۳. این آیه چه رابطه ای با دیدگاه «سرمایه داری» در مورد دارایی و اموال دارد؟

الف. رابطه میان پنج فرمان مذکور را می توان به این صورت دید:

۱. فرامین ۶، ۷، و ۸ آسیب به فردی که در عهد الهی با ما شریک است، از طریق عمل قابل مشاهده، ممنوع می سازند.

۲. فرمان ۹، آسیب در گفتار را نسبت به فردی که در عهد الهی با ما شریک است، ممنوع می سازد.

۳. فرمان ۱۰، آسیب در فکر و اندیشه را، نسبت به فردی که در عهد الهی با ما شریک است، ممنوع می سازد.

ب. واقعیت است که طمع، فردی را که طمع می ورزد، در تضاد با قانون قرار می دهد، نه طرف مقابل را که همسایه او است. اما، ممکن است فرمان مذکور چنین انتظار دارد که قصد، منتهی به عمل گردد.

پ. بسیاری این فرمان را موضوعی منحصر به فرد می پندارند که صرفاً در کتاب قانون اسرائیل آمده است و در سایر کتب باستانی قانون در خاور نزدیک، دیده نمی شود. این موضوع جدید، ممنوع ساختن در زمینه افکار است. قوم اسرائیل در واقع، حیطه افکار را منبع کردار پلید محسوب می کردند (ر.ک. امثال ۲۳: ۷؛ یعقوب ۱: ۱۴-۱۵). اما، این آیه ظاهراً به افکاری مربوط است که منتهی به عمل می گردند. چند مجموعه آیات، واژه "طمع" را در ارتباط با عمل نتیجه آن، ذکر می کنند (ر.ک. تثنیه ۷: ۲۵؛ یوشع ۷: ۲۱؛ میکاه ۲: ۲).

ت. اگر چنین باشد که تأکید بر چیز هایی است که اول و آخر فهرست شده اند، آنگاه به اهمیت واقعی این فرمان پی می بریم. پرستشی که تنها نسبت به خدا است، در درجه اول است، اما طرز فکر و محرک های ما نسبت به چیزهای دنیوی، بر سرسپردگی ما به خدا تأثیر می گذارند. این تأکید دوگانه، در موعظه سر کوه عیسی نیز دیده می شود (متی ۶: ۳۳): "شما قبل از هر چیز برای بدست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته های او بکوشید، آن وقت همه این چیزها (ر.ک. آیات ۱۹-۳۲) نیز به شما داده خواهد شد."

II. مطالعه واژه ها و عبارات

الف. خروج ۲۰: ۱۷ و تثنیه ۵: ۲۱، اگرچه اساساً یکی می باشند، اما چند تفاوت مهم با یکدیگر دارند:

۱. زن (زوجه) در خروج ۲۰، در معنی عمومی "خانه" یا اموال مرد، شامل گردیده است، اما در تثنیه ۵ در بخش مجزا و ظاهراً اولویت داری، ذکر شده است.

۲. در آیات خروج ۲۰، واژه عبری "طمع" آمده است که به معنی "خواستن برای بدست آوردن" است، اما تثنیه ۵، واژه دومی دارد - "خواستن" به علاوه "طمع". "طمع" در مورد خواستنی است که مرتبط به عمل در کسب مقصود، می باشد، در حالیکه تأکید واژه "خواستن"، ظاهراً منحصر به طرز فکر است.

۳. همچنین خروج ۲۰ که هنگام سرگردانی قوم اسرائیل در بیابان خطاب به آنان نوشته شده است، در فهرست اموال اشاره ای به "کشتزار" نمی کند، اما تثنیه ۵، تذکر دوباره ای از همان فرمان برای جامعه اسکان یافته در «سرزمین موعود» است.

ب. واژه "طمع"، واژه ای خنثی است. می تواند منظور از آن خواستن چیزهای خوب باشد (ر.ک. مزمور ۱۹: ۱۰؛ ۱ قرن ۱۲: ۳۱).

پ. خواهش های نادرست، دلیل اصلی سقوط شیطان، آدم و حوا، و همگی ما بوده است. پولس کشمکش خود را با طمع در رومیان ۷: ۷-۸ تأکید نمود. اساساً طمع نوعی عدم قناعت و نداشتن اعتماد به محبت و تأمین الهی است.

ت. چند بخش عهد جدید در باره طمع می باشند:

۱. مشکل انسان، عدم قناعت و داشتن طمع است (ر.ک. لوقا ۱۲: ۱۵؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۸-۱۰).
۲. طمع، در فهرست عیسی از گناهانی که شخص را ناپاک و آلوده می سازند، نامبرده شده است (ر.ک. مرقس ۷: ۱۷-۲۳؛ ۱ قرن ۵: ۱۰؛ افس ۵: ۵؛ کولس ۳: ۵).

III. حقایق جهت کاربرد

الف. پاسخ در برابر طمع شهوت آلود، و عدم قناعت، اینها است:

۱. محبت - (رومیان ۱۳: ۸-۱۰)
 ۲. قناعت و خشنودی - عبر ۱۳: ۵؛ فیل ۴: ۱۱-۱۳ (و شریک شدن، فیل ۴: ۱۴)
- ب. فرمان به ما می گوید "مکن" [دیگر ادامه مده]، اما فقط مسیح است که ما را قادر ساخته تا مرتکب آن نشویم! در اوست که می توانیم افکار خود را تا اندازه ای تحت کنترل بیاوریم.
- پ. خدا واقف بر افکار و دل ما است

۱. ۱ تواریخ ۲۸: ۹

۲. امثال ۲۰: ۲۷

۳. مزمو ۱۳۹: ۱، ۲۳

۴. ارمیا ۱۷: ۱۰

۵. رومیان ۸: ۲۷

۶. مکاشفه ۲: ۲۳

ث. چیزها، شریر نیستند، اما وقتی اولویت پیدا می کنند، به گناه مبدل می گردند. چیزها، نهایت کار نیستند و ابدی نمی باشند؛ اما انسان ها که در شباهت به خدا آفریده شده اند نهایت کار و ابدی هستند! طمع به طرزی موزیانه و مخرب، در جامعه افراد هم عهد در معاهده الهی، عمل می کند!

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

1. طمع چیست؟
2. بشر امروزی چگونه طمع می ورزد؟
3. آیا افکار ما گناه هستند؟
4. چرا در زندگی مسیحی، افکار اینقدر مهم هستند؟
5. چرا فرمان در خروج ۲۰: ۱۷ قدری با فرمان در تثبیه ۵: ۲۱ متفاوت است؟

□ "زیرا این که" این اشاره به «ده فرمان» یا همان «ده گفتار» است. ترتیب این فهرست نیمه دوم «ده فرمان»، مطابق نسخه خطی B، به نام «واتیکانوس» است. این با «متن عبری ماسورتیک» خروج ۲۰ و تثبیه ۵، کمی تفاوت دارد. نیمه دوم «ده گفتار»، در مورد رابطه قوم اسرائیل با یکدیگر، بر مبنای رابطه آنان با یهوه بود.

□ "و هر حکم دیگری که باشد" این «جمله شرطی نوع اول» می باشد که از دیدگاه نویسنده یا جهت سبک ادبی او، واقعیت فرض گرفته شده است. فرمان های دیگری نیز هستند. این عبارت به این معنی

بود: "اگر فرمان های دیگری غیر از ده فرمان باشند". به عبارت دیگر، این خلاصه ای است از تمامی قانون موسی، و احتمالاً از "قانون" به طور عمده.

تفاوت هایی جزئی در نسخه های سنتی یونانی موجود است که در مورد تعداد و ترتیب فهرست بندی «ده فرمان» می باشد. یهودیت شماره بندی خود را دارد؛ کاتولیک ها و پروتستان ها نیز شماره بندی های مختلف دارند. تغییری در معنی آیات، بخاطر این تفاوت ها ایجاد نمی شود، و این در اکثر تفاوت های جزئی نسخه های خطی، مصداق دارد.

□ **"همه در این کلام خلاصه می شود"** این نقل قول از لایوان ۱۹: ۱۸ است. این عبارت چند بار در عهد جدید نقل قول شده است (ر.ک. متی ۵: ۴۳؛ ۱۹: ۱۹؛ ۲۲: ۳۹؛ مرقس ۱۲: ۳۱ و لوقا ۱۰: ۲۷). عیسی آن را دومین فرمان مهم و برجسته می نامد. در غلاطیان ۵: ۱۴ و یعقوب ۲: ۸ نیز آن نقل شده است. هنگامی که کسی خدا را دوست دارد، آنچه را خدا دوست دارد، او نیز دوست دارد - یعنی انسان ها را که شبیه به خدا خلق شده اند.

□ **"همسایه ات را همچون خویشین محبت نما"** ایمانداران باید خود را آنطور که خدا دوستشان دارد، دوست بدارند و آنگه می توانند دیگران را دوست بدارند و قبول داشته باشند. خود را به طرز متناسب دوست داشتن، کار بدی نیست. واقعیت برجسته این بخش به روشنی بیان شده است - دیگران را محبت نما (ر.ک. آیه ۱۰). آنانیکه از محبت جانفشان و قربانی دهنده خدا تأثیر گرفته اند، دیگران را نیز به همان صورت محبت خواهند نمود. این مهمترین نکته در شبیه به مسیح بودن است (تصویر خدا که شباهت آن در انسان تصحیح گشته و به صورت اولیه خود درآمده است). در برابر چنین محبتی، نیازی به "قانون" نیست.

متن NASB (به روز شده): ۱۳: ۱۱-۱۴

۱۱ **چنین کنید** - با آگاهی از وقت، که ساعتی برای شما فرا رسیده است تا از خواب بیدار شوید؛ چرا که اکنون در مقایسه با زمانی که ایمان آوردیم، نجات به ما نزدیکتر شده است. ۱۲ شب، رو به پایان است و روز نزدیک می باشد. بنابراین اعمال تاریکی را کنار بگذاریم و زره نور را در بر کنیم. ۱۳ **بیایید به شایستگی رفتار کنیم**، چنانکه در روز، نه در عیاشی همراه با میگساری و مستی، نه در بی بند و باری جنسی و هوسرانی، نه در جدال و حسد ۱۴ **بلکه عیسی مسیح خداوند را در بر کنید و هیچ تدارکی برای جسم، نسبت به شهوات آن، نبینید.**

۱۳: ۱۱

NASB "چنین کنید"

NKJV "و چنین کنید"

NRSV "به علاوه این"

TEV "شما باید چنین کنید"

NJB "به علاوه"

این طریقی برای پیوند متن بعدی (آیات ۱۱-۱۴) با متن پیشین (آیات ۹-۱۰) است. کنندگان کلام خدا باشید، نه صرفاً شنوندگان! محبت باید به عمل گذاشته شود.

□ **"با آگاهی از وقت"** این «کامل متعددی وصفی» است. کاربرد این واژه زمان (*kairos*)، به معنی دوره خاصی از زمان بود، نه زمان عادی تقویمی (*chronos*). ایمانداران باید در پرتو این واقعیت زندگی کنند که مسیح ممکن است هر لحظه بازگردد.

□ **"که ساعتی فرا رسیده است"** منظور از استعاره "ساعت" (که در انجیل یوحنا اغلب به کار رفته است)، رجوع به زمان خاصی (مشابه *kairos*) در نقشه رستگاری خدا است (ر.ک. ۳: ۲۶؛ ۱ قرن ۷: ۲۹؛ ۱۰: ۱۱؛ یعقوب ۵: ۸؛ ۱ پطرس ۴: ۷؛ ۲ پطرس ۳: ۹-۱۳؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۸؛ مکاشفه ۱: ۳؛ ۲۲: ۱۰). کاربرد آن، هم زمانی است که مسیح صلیب گردید و هم زمان بازگشت او است.

□ **"خواب"** این واژه در این جا به صورت استعاره ای از سستی اخلاقی و روحانی به کار برده شده است (ر.ک. افس ۵: ۸-۱۴؛ ۱ تسالونی ۵: ۶). کلمات صرفاً در چارچوب خاص متن، مفهوم دارند. از تعریف ثابت و قاطع، برحذر باشید. همه کلمات دارای چند معنی احتمالی می باشند (دانش معناشناسی *semantical field*).

□ **"چرا که اکنون نجات نزدیکتر شده است"** نجات هم تصمیمی است که در ابتدای ایمان آوردن انجام می گردد و هم یک فرایند است. به عنوان خاص ۱۰: ۱۴ رجوع نمایید. نجات، تا زمانیکه ایمانداران بدن های جدید خود را از خدا نیابند، کامل نمی گردد (ر.ک. ۱ یوحنا ۳: ۲؛ ۱ تسالونی ۴: ۱۳-۱۸؛ عبر ۹: ۲۸؛ ۱ پطرس ۱: ۵). در الهیات این "جلال یافتن" نامیده می شود (روم ۸: ۳۰). این امید هر نسل مسیحیان است که بازگشت خداوند در دوره حیات آنان صورت گیرد (ر.ک. لوقا ۲۱: ۲۸). پولس مستثنی نبود (ر.ک. ۱ تسالونی ۴: ۱۵).

□ **"در مقایسه با زمانی که ایمان آوردیم"** مسیحی بودن با یک تصمیم شروع می گردد (پارسا شدن و تقدیس بلافاصله)، لیکن باید نتیجه آن، شیوه زندگی خداپسندانه باشد (تقدیس پیشرونده)، و منتهی به شباهت یافتن به مسیح گردد (جلال یافتن). شخص باید هدیه خدا را در مسیح بپذیرد (ر.ک. یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ روم ۱۰: ۹-۱۳). این تصمیم اولیه، پایان کار نیست، بلکه شروع آن است!

□ **۱۲: ۱۳ "شب، رو به پایان است"** این رجوع به دوره شریب کنونی است، که در این زمان، نابودی و جایگزین شدن آن، آغاز شده است (ر.ک. ۱ قرن ۷: ۲۹-۳۱؛ ۱۰: ۱۱؛ یعقوب ۵: ۸؛ افس ۵: ۸، ۱۴؛ ۱ یوحنا ۴: ۷؛ ۲ یوحنا ۲: ۱۷-۱۸؛ مکا ۱: ۳؛ ۲۲: ۱۰). به عنوان خاص در ۱۲: ۲ رجوع نمایید.

□ **"روز نزدیک می باشد"** این «کامل متعددی اخباری» است. این روزها، روزهای آخر می باشند (ر.ک. فیل ۴: ۵؛ یعقوب ۵: ۹). از زمانی که عیسی جسم پوشید، ما در روزهای آخر بوده ایم. این دوره تا بازگشت پرشکوه او بطول خواهد انجامید. در عین حال، عصر جدید در مسیح طلوع یافته است.

□ **"کنار بگذاریم ... در بر کنیم"** این عبارات «گذشته غیر معین انعکاسی [حاکمی از عملی که به خود فاعل برمیگردد] التزامی» می باشند، که گویای وابستگی و شرط است. معنی آن این است که "خود شما کنار بگذارید ... برای همیشه یا با عزم دربر کنید". هم خدا و هم بشر، در پارسا کردن (توبه و ایمان) و نیز در تقدیس (زندگی خداپسندانه) نقش فعال دارند. استعاره دربر کردن در نوشته های پولس بسیار دیده می شود. ایمانداران باید جامعه خوابیدن را از خود دور کرده، لباس نبرد را به تن کنند (ر.ک. افس ۴: ۲۲-۲۵).

کولس ۳: ۱۰، ۱۲، ۱۴). ما سربازان مسیحی هستیم که برای نبرد روحانی روزانه، آماده می‌گردیم (ر.ک. افس ۶: ۱۰-۱۸).

□ **"زره نور"** این احتمالاً اشاره ای به اش ۵۹: ۱۷ است. ایمانداران باید با عزم، زره و سلاح پارسایی را به تن کنند (ر.ک. ۲ قرن ۶: ۷؛ ۱۰: ۴؛ افس ۶: ۱۱، ۱۳؛ ۱ تسلا ۵: ۸). زره خدا در دسترس ایمانداران است اما آنان باید (۱) نیاز خود را بشناسند (۲) تأمین خدا را بشناسند و (۳) شخصاً و قصداً، آن را در افکار و زندگی روزانه خود به کار گیرند. نبرد روحانی هر روز برقرار است!

۱۳: ۱۳ **"ببایید به شایستگی رفتار کنیم"** این «گذشته غیر معین متعدی التزامی» است و به طور تحت اللفظی می‌گوید: "سلوک کنیم". این اصطلاحی در عبری برای شیوه زندگی بود. پولس از آن ۳۳ بار استفاده می‌کند.

فهرست گناهان در این آیه شامل «سه جفت دو کلمه ای» است. این کلمات تا حدی در معانی خود اشتراک دارند. به عنوان خاص «صفات نیک و بد» در ۱: ۲۸-۳۲ رجوع نمایید.

این کلمات ممکن است در رجوع به تنش میان ایمانداران یهودی و غیریهودی در کلیسای روم باشد. ممکن است ایمانداران جدید غیر یهودی (۱) بعضی رسوم پرستشی غیراخلاقی و خدا ناشناسانه خود را دنبال می‌کرده اند یا (۲) برخوردی گستاخانه در برابر بازگشت رهبران یهودی ایماندار داشتند که مدت کوتاهی بخاطر فرمان امپراطور نرون، که تمامی رسوم یهودی را در روم ممنوع ساخته بود، آنجا را ترک کرده بودند.

□ **"نه در عیاشی همراه با میگساری و مستی"** اشاره در اینجا به فساد جنسی است که در مراسم مذهبی خدانشناسان با مستی همراه بود. در فهرست گناهان جسمانی در غلا ۵: ۲۱، این کلمات نیز در کنار یکدیگر نامبرده شده اند.

□ **"نه در بی بند و باری جنسی و هوسرانی"** معنی این جفت، ظاهراً با اولین جفت کلمات تا حدی یکسان است. دومین کلمه در عهد جدید بسیار استفاده شده است (ر.ک. مرقس ۷: ۲۲؛ ۲ قرن ۱۲: ۲۱؛ غلا ۵: ۱۹؛ افس ۴: ۱۹؛ ۱ پتر ۴: ۳؛ ۲ پتر ۲: ۷). اگر تأکید جفت اول کلمات بر مستی است، تأکید این جفت کلمات بر فساد جنسی است - حتی در شرایطی که کنترل اجتماعی در کار نباشد و اشخاص خود را دستخوش شهوات سازند.

□ **"نه در جدال و حسد"** این کلمات گویای جدال بین افراد هستند (ر.ک. غلا ۵: ۲۰). احتمالاً این نتیجه کردار نادرست در مورد دو جفت کلمات اول است. اگر خطاب اینها به مسیحیان است (ر.ک. ۱ قرن ۳: ۳؛ کولس ۳: ۸)، اشاره آن به رسوم مذهبی خدانشناسانه ای است که باید در زندگی ایمانداران متوقف شود. اما در متن، این آیه در تضاد با ایمانداران است، و به آن معنی، می‌بایست یک اخطار باشد.

۱۴: ۱۳ **"عیسی مسیح خداوند را در بر کنید"** این استعاره مربوط به لباس شاهانه عیسی است که اکنون بر شانه ایمانداران گذاشته شده است (تقدیس موضعی). بعضی دانشوران آن را اشاره به لباس تعمید می‌دانند. این استعاره لباس، ابتدا در آیه ۱۲ آمده است. این راهی برای نشان دادن موضع جدید ایمانداران در مسیح است. همچنین بر این واقعیت تأکید می‌کرد که ایمانداران باید گزینه‌های جدید شیوه زندگی خود را به کار بگذارند (تقدیس پیشرونده) - که به دلیل موضع جدیدشان در مسیح است (ر.ک. افس ۴: ۲۲، ۲۴؛ کولس ۳: ۸). در غلا ۳: ۲۷ این واقعیت به صورت یک اظهار واقعیت و با وجه «اخباری» ابراز شده است؛ در

اینجا به صورت «امری (گذشته غیرمعین انعکاسی [نشانگر عملی که به خود فاعل برمیگردد])» بیان شده و یک فرمان است.

این تنش میان وجه «اخباری» و وجه «امری»، همان تنشی است که میان موضع ما در مسیح، و کوشش ما در راستای به دست آوردن آن موضع وجود دارد. ما در همان لحظه نجات، "مقدسین" (افراد مقدس) محسوب می گردیم، اما این برای ما تذکری است تا "مقدس" باشیم. این «متناقض نمای» کتاب مقدسی، از طرفی در مورد نجات کامل و رایگان در مسیح، و از طرف دیگر، شیپور آماده باش برای شبیه به مسیح بودن می باشد!

□ "هیچ تدارکی ... نبینید" این «حال التزامی انعکاسی» با «تکواژ منفی» است. این شکل دستوری معمولاً به معنی باز ایستادن عملی در حال انجام است. این ظاهراً حاکی از آن است که بعضی مسیحیان در روم زندگیشان از لحاظ اخلاقی نامتناسب بود. این می توانسته سنت هایی بوده باشد که از طرز پرستش خداناشناسانه در بین آنها باقی مانده بود.

مشکل است آموزه های عهد جدید را در مورد مسیحیت جسمانی توضیح داد. نویسندگان عهد جدید، بدی ها و خوبی ها را در وضعیت انسان، بسیار مشخص بیان می کنند. مسیحی جسمانی، عبارتی است که در خود متناقض بوده و دو کلمه آن با هم جور در نمی آیند. اما این نشانگر واقعیت "هم اکنون"، لیکن "نه هنوز"، در زندگی ما است. پولس انسان ها را به سه دسته تقسیم نمود (۱ قرن ۲: ۱۴ - ۳: ۱):

۱. انسان طبیعی (بشریت گناهکار)، ۱۴: ۲
۲. اشخاص روحانی (بشریت نجات یافته)، ۳: ۱
۳. اشخاص نفسانی (مسیحیان نفسانی یا کسانی که در مسیح، کودک نوزادند)، ۳: ۱

□ "جسم، نسبت به شهوات آن" پولس به خوبی از آن خطرات همیشگی آگاه بود که نتیجه طبیعت گناهکاری است که از آدم به ارث برده ایم (ر.ک. روم ۷؛ افس ۲: ۳)، اما عیسی به ما آن نیرو و خواسته را می بخشد تا برای خدا زندگی کنیم (ر.ک. روم ۶). این کشمکش است که همیشه برقرار است (ر.ک. ۸: ۵-۷؛ ۱ یو ۳: ۶-۹).

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب تفسیر، جهت راهنمایی مطالعات است، به این معنی که شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است قدم برداریم. شما و کتاب مقدس و روح القدس در امر تفسیر اولویت دارید، و نباید خود را ازین حق محروم ساخته، آنرا به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. چرا اظهارات پولس در مورد دولت برای مسیحیان اولیه، تا این حد رادیکال و تند رو می نمود؟
۲. آیا مسیحیان باید در برابر هر نوع حکومتی تسلیم و مطیع باشند؟
۳. آیا مسیحیان باید نسبت به هر یک از ملزومات قانونی حکومت، مطیع باشند؟
۴. آیا آیه ۱، حق خدادادی پادشاهان را تعلیم می دهد؟
۵. آیا پولس مطالب بدیع الهیاتی را بیان می کند، یا سابقه آن در سخنان عیسی در متی ۲۲: ۲۱ آمده است؟
۶. آیا توجیهی برای عدم اطاعت مدنی مسیحیان وجود دارد؟
۷. آیه ۴ چگونه با مسئله مجازات اعدام ارتباط دارد؟
۸. آیا وجدان مسیحی همیشه درست می گوید (ر.ک. آیه ۵)؟
۹. بر مبنای آیه ۸، آیا ایمانداران نباید کارت اعتباری داشته باشند؟
۱۰. آیا آیه ۸ در مورد محبت ما به مسیحیان دیگر است، یا به تمامی مردم؟
۱۱. چرا پولس ده فرمان را برای ایمانداران عهد جدید، به عنوان محرکی استفاده می کند؟
۱۲. چرا پولس چنین فهرست گناهان هولناکی را در ارتباط با ایمانداران ذکر می کند؟
۱۳. شخص چگونه باید "عیسی مسیح خداوند را در بر کند"؟

رومیان فصل ۱۴

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ⁴
نیکوکاری نسبت به کسانی که ضعفی دارند	دیگران را داوری نکنید	محبت به ضعف های دیگران احترام می گذارد	شریعت آزادی	برادر خود را داوری مکن
۱۲-۱: ۱۴	۴-۱: ۱۴	۴-۱: ۱۴	۱۳-۱: ۱۴	۱۲-۱: ۱۴
	۱۲-۵: ۱۴	۶-۵: ۱۴		
		۹-۷: ۱۴		
		۱۲-۱۰: ۱۴		
	باعث سقوط دیگران مشو		شریعت محبت	باعث لغزش برادر خود مشو
۱۵-۱۳: ۱۴	۱۸-۱۳: ۱۴	۲۳-۱۳: ۱۴		۲۳-۱۳: ۱۴
			۲۳-۱۴: ۱۴	
۲۱-۱۶: ۱۴				
	۲۳-۱۹: ۱۴			
(۱۴: ۲۲-۱۵: ۶)				
۲۳-۲۲: ۱۴				

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب راهنمای تفسیر می باشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است، گام برداریم. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص نمایید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف بندی از الهام نیست، اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، کلیدی است و کار تفسیر درینجاست. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. و غیره

مفاهیم استنباط شده در آیات ۱-۱۲

- الف. در این باب سعی شده است بین آزادی مسیحی و مسئولیت مسیحی که پارادوکس [در ظاهر متضاد لکن در واقع هماهنگ] است، تعادل ایجاد کند. این واحد متن تا ۱۵: ۱۳ ادامه پیدا می کند.
- ب. مسئله ای که سبب ضرورت نوشتن این باب می گردد احتمالاً تنش بین ایمانداران غیریهودی و ایمانداران یهودی در کلیسای روم بود (یا احتمالاً تجربه آن زمان پولس در قرنتس). قبل از ایمان آوردن، یهودیان تمایل به شریعت گرای، و غیریهودیان تمایل به زندگی فاقد اخلاقیات داشتند. بخاطر بیاورید، این باب خطاب به پیروان راستین عیسی مسیح نوشته شده است و کاری با مسیحیان جسمانی ندارد (ر.ک. ۱ قرن ۳: ۱). انگیزه های هر دو گروه، بهترین ها تلقی شده است. اگر هر یک از این دو گروه زیاده روی کنند، خطر ایجاد می شود. این بحث، مستمسکی برای مته به خشخاش گذاشتن در شریعت گرای، یا جولان دادن آزادی بی قید و شرط نیست.
- در نظر داشته باشید پولس نامه به رومیان را از شهر قرنتس می نویسد. مسئله قرنتس، روحیه گروه بندی بود، اما روم ایمانداران متفاوتی داشت.
- پ. ایمانداران باید مراقب باشند تا الهیات یا اخلاقیات شان را معیار متعارف بقیه ایمانداران نسازند (ر.ک. ۲ قرن. ۱۰: ۱۲). همه ایمانداران باید در نوری که دارند گام بردارند اما باید درک کنند که الهیات آنها، خود بخود، الهیات خدا نیست. ایمانداران هنوز تحت تاثیر گناه هستند. ما باید یکدیگر را بر مبنای کتاب مقدس، خرد، برهان و تجربه، تشویق کنیم و نصیحت و تعلیم دهیم - لیکن همیشه با محبت. هر قدر آگاهی شخص بیشتر شود، بیشتر پی می برد که نمی داند (ر.ک. ۱ قرن ۱۳: ۱۲)!
- ت. کلید درست برای ارزیابی کارهای سایر ایمانداران، طرز فکر و انگیزه های شخص در برابر خداست. مسیحیان در برابر مسیح خواهند ایستاد تا در مورد طرز رفتارشان با یکدیگر داوری شوند (ر. ک. آیات ۱۰، ۱۲ و ۲ قرن ۵: ۱۰).
- ث. مارتین لوتر چنین گفته است، "یک مرد مسیحی، آزادترین ارباب کل است و تحت هیچ حاکمیتی نیست؛ مرد مسیحی وظیفه شناس ترین خادم کل است و تحت حاکمیت همه می باشد." حقایق کتاب مقدسی اغلب در مفاهیم تنش آمیز پارادوکس [در ظاهر متناقض و در واقع هماهنگ] ارایه می گردند.
- ج. به این موضوع مشکل ولی مهم در سرتاسر این واحد متن رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ و همچنین در ۱ قرنتس ۸-۱۰ و کولسیان ۲: ۸-۲۳، پرداخته می شود.
- چ. در عین حال باید گفت که تکثرگرایی [pluralism] در بین مسیحیان راستین چیز بدی نیست. هر ایماندار نقاط ضعف و قدرت هایی دارد. هرکس باید در نوری که دارد گام بردارد، و همیشه روحیه ای پذیرا نسبت به روح القدس و کتاب مقدس برای دریافت نور بیشتر داشته باشد. در این دوره نظاره تیره و تار در آینه (۱ قرن ۱۳: ۸-۱۳) باید محبتانه (آیه ۱۵)، و در صلح و آرامش (آیات ۱۷، ۱۹) برای تشویق و بنای یکدیگر گام برداریم.
- ح. عنوان های "قوی تر" و "ضعیف تر" که پولس به این گروه ها می دهد، در ما پیش داوری منفی نسبت به آنها ایجاد می کند. یقیناً منظور پولس چنین چیزی نبود. هر دو گروه ایماندارانی راستین بودند. قرار نیست ما سعی کنیم ایمانداران دیگر را به شکل خودمان در بیاوریم! ما همدیگر را در مسیح می پذیریم!
- خ. می توان برای تمام بحث، این عنوان بندی را در نظر گرفت
۱. همدیگر را بپذیرید زیرا خدا در مسیح ما را پذیرفته است (ر.ک. ۱۴: ۱، ۳، ۱۵: ۷)؛
 ۲. همدیگر را داوری نکنید زیرا مسیح تنها ارباب و داور ما می باشد (ر. ک. ۱۴: ۱۲-۳)؛
 ۳. محبت از آزادی شخصی مهم تر می باشد (ر.ک. ۱۴: ۱۳-۲۳)؛
 ۴. از نمونه مسیح پیروی کنید و از حق خود بخاطر تشویق و بنا و خوبی دیگران صرف نظر کنید (ر.ک. ۱۵: ۱-۱۳).

متن NASB (به روز شده): ۱۴: ۱-۴

۱ حال کسی را که در ایمان ضعیف است بپذیرید، اما نه بخاطر اینکه عقاید او را مورد داوری قرار دهید. ۲ یک نفر ایمان دارد که می تواند همه چیز را بخورد، اما او که ضعیف است فقط سبزیجات می خورد. ۳ کسی که می خورد نباید به آن که نمی خورد به دیده تحقیر نگاه کند، و کسی که نمی خورد نباید کسی را که می خورد داوری کند، زیرا خدا او را قبول کرده است. ۴ تو کیستی که خدمتکار شخص دیگری را داوری کنی؟ استوار ماندن یا فرو افتادن او به آقایش مربوط است؛ و او استوار خواهد ماند، زیرا خداوند قادر است او را استوار گرداند.

۱: ۱۴

NASB " حال بپذیرید "

NKJV " بپذیرید "

TEV, NRSV " خوش آمد گویید "

NJB " به آنها خوش آمد بگویید "

این عبارت «حال انعکاسی امری [عملی که به خود فاعل برمیگردد]» است (ر.ک. ۱۵: ۱). این فرمانی مستمر است و تاکید آن بر روی فاعل می باشد. «ضمیر» "شما" در «فعل یونانی» مستتر است، اما در انگلیسی بصورت تلویحی وجود دارد و به مسیحیان "قوی" اشاره دارد (ر.ک. ۱۵: ۱). این ضمیر به دو گروه در کلیسای روم اشاره می کند. ممکن است این امر مربوط باشد به (۱) تنش بین ایمانداران یهودی و امتهای (ر.ک. ۱۵: ۷-۲۱) یا (۲) انواع مختلف شخصیت ها. تمام این متن به ایمانداران حقیقی و صمیمی می پردازد؛ بعضی قوی، بعضی ضعیف در ایمان. ایمان در اینجا به معنی درک انجیل و مفاهیم کاملاً تازه و متفاوت و آزاد کننده آن می باشد.

□

NKJV, NASB "کسی که در ایمان ضعیف است"

TEV, NRSV "کسانی که در ایمان ضعیف هستند"

JB "اگر ایمان کسی به اندازه کافی قوی نیست"

این عبارت تأکیدی است، زیرا در متن یونانی در ابتدای جمله قرار گرفته است. معنی تحت الفظی آن، "ضعیف در ایمان" است. زمان حال، این واقعیت را نشان می دهد که طرز زندگی او، دارای چنین مشخصه ای می باشد. این اشاره به دیدگاه شریعت گرا است. برادر مسیحی که بسیار محتاط و حساس است در این باب در سه مورد توصیف شده است (۱) منع در خوردن غذا (ر.ک. ۱۴: ۲، ۶، ۲۱)؛ (۲) تاکید بر روزهای خاص (ر.ک. ۱۴: ۵-۶)؛ و (۳) ممنوعیت شراب (ر.ک. ۱۴: ۱۷، ۲۱). به فردی یا همین شخصیت در رومیان ۱: ۱۵ و ۱ قرن ۸: ۹-۱۳؛ ۹: ۲۲ نیز اشاره شده است. مواظب باشید که خیلی سریع خود را بعنوان یک مسیحی ضعیف یا قوی گروه بندی نکنید. ایمانداران اغلب در یک قسمت ضعیف و در قسمت دیگری قوی می باشند.

موضع پولس درین مورد، در غلا ۴: ۹-۱۰ و کولس ۲: ۱۶-۲۳ بسیار متفاوت است. این متن ها نشان دهنده موضع و آموزه های معلمین کاذب می باشد. در رومیان، این مسیحیان راستین هستند که وجدانی بسیار محتاط و حساس دارند.

عنوان خاص: ضعف

تضاد در این است. معلمین کاذب، به اعتبارات و دستاورد ها و مهارت های بیان خود افتخار می کردند، اما پولس ارزش "ضعف" (*astheneō*) را می داند. توجه کنید این واژه ها (یا شکل های مختلف آنها) در نامه های اول و دوم قرنتیان، بارها استفاده شده اند.

<u>ضعف</u>	<u>خودستایی</u>
اول قرنتیان ۱: ۲۵، ۲۷	اول قرنتیان ۱: ۲۹، ۳۱
۲: ۳	۳: ۲۱
۴: ۱۰	۴: ۷
۸: ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲	۵: ۶
۹: ۲۲	۹: ۱۵، ۱۶
۱۱: ۳۰	۲ قرنتیان ۱: ۱۴، ۱۲
۱۲: ۲۲	۵: ۱۲ (دوبار)
۱۵: ۴۳	۷: ۴، ۱۴ (دوبار)
۲ قرنتیان ۱۰: ۱۰	۸: ۲۴
۱۱: ۲۱، ۲۹، ۳۰	۹: ۲، ۳
۱۲: ۵، ۹، ۱۰ (دوبار)	۱۰: ۸، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷
۱۳: ۳، ۴ (دوبار)، ۹	۱۱: ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۳۰
	۱۲: ۱، ۵، ۹

پولس از مفهوم ضعف به چند شکل مختلف استفاده نموده است:

۱. ضعف خدا، ۱ قرن ۱: ۲۵
۲. ضعف در دنیا، ۱ قرن ۱: ۲۷
۳. ضعف و ترس پولس، ۱ قرن ۲: ۳؛ ۹: ۲۲؛ ۲ قرن ۱۱: ۲۹، ۳۰؛ ۱۲: ۵
۴. پولس و گروه همراه در مأموریت او، ۱ قرن ۴: ۱۰؛ ۲ قرن ۱۱: ۲۱
۵. ایماندار ضعیف (ربک رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳)، ۱ قرن ۸: ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲؛ ۹: ۲۲
۶. بیماری جسمی، ۱ قرن ۱۱: ۳۰
۷. قسمتهایی از جسم انسان، ۱ قرن ۱۲: ۲۲
۸. بدن جسمی، ۱ قرن ۱۵: ۴۳
۹. حضور شخصی پولس یا مهارت های وی در قدرت بیان، ۲ قرن ۱۰: ۱۰
۱۰. ضعف پولس قدرت خدا را افزون می کند، ۲ قرن ۱۲: ۹، ۱۰؛ ۱۳: ۴، ۹
۱۱. پیغام مسیح توسط پولس، ۲ قرن ۱۳: ۳
۱۲. بدن جسمانی مسیح، ۲ قرن ۴: ۱۳



"اما نه بخاطر اینکه عقاید او را مورد داوری قرار دهید"
 "اما نه برای منازعه در مورد چیزهای نامعین"
 "بلکه به منظور مجادله بر سر عقاید"
 "اما با آنها در مورد عقاید شخصی آنها بحث نکنید"
 "بدون شروع کردن بحث و چون و چرا"

NASB
 NKJV
 NRSV
 TEV
 JB

ایمانداران باید دیگر ایمانداران را که با نظراتشان موافق نیستند کاملاً بپذیرند، بدون اینکه سعی کنند آنها را عوض کنند! پس مشارکت باید بر پایه آزادی وجدان باشد، نه آنکه یکسان بودن به همه تحمیل شود. کلیه ایمانداران در حال تغییر و رشد هستند. باید به روح القدس مهلت داد تا بر روی آنها کار کند و ایشان را به بلوغ روحانی برساند، اما حتی در بلوغ روحانی نیز همه آنها با هم توافق نخواهند داشت.

۱۴: ۲ رژیم غذایی که در این آیه به آن اشاره شده است بخاطر سلامتی نیست، بلکه هدفی مذهبی در آن وجود دارد. این مسئله غذا دو منشاء می توانسته داشته باشد (۱) شریعت غذایی یهود (ر.ک. لاویان ۱۱) یا (۲) قربانی کردن گوشت برای بت‌های بت پرستان (ر.ک. ۱ قرن‌تیا ۸ - ۱۰). عیسی به روشنی تعلیم داد که غذا کسی را نجس نمی سازد (ر.ک. متی ۱۵: ۱۰-۲۰؛ مرقس ۷: ۱۴-۲۳). رویایی که پطرس در رابطه با کرنلیوس در اعمال ۱۰ دید، این حقیقت را به تصویر می کشد.

۱۴: ۳ "کسی که می خورد نباید به آن که نمی خورد به دیده تحقیر نگاه کند" "به دیده تحقیر نگاه نکردن" «حال متعدی امری» فعل *ezoutheneō* با «تکواژ منفی» می باشد که معمولاً منظور از آن، متوقف کردن عملی است که از پیش در حال انجام بوده است. معنی تحت الفظی "تحقیر"، "کوچک کردن چیزی" یا "به هیچ شمردن" یا "بی ارزش دانستن" می باشد (ر.ک. ۱۴: ۱۰؛ لوقا ۱۸: ۹؛ ۱ قرن ۶: ۴؛ ۱۶: ۱۱؛ ۲ قرن ۱۰: ۱۰؛ ۴: ۱۴؛ ۱؛ ۵: ۲۰). ایمانداران باید مواظب "خود پارسا انگاری" که خود را از دیگران برتر می داند، باشند. آنکه در ایمان قوی است، نباید آنکه را در ایمان ضعیف است محکوم کند.

□ "داوری" این فعل، «حال متعدی امری» با «تکواژ منفی» است که معمولاً به توقف عملی که از پیش در حال انجام بوده، اشاره می کند. آنانی که در ایمان ضعیف اند، باید از داوری کردن اعمال برادران و خواهرانی که با نظرات آنان موافق نیستند، دست بردارند.

□ "زیرا خدا او را قبول کرده است" این جمله «گذشته غیرمعین انعکاسی اخباری» می باشد. همین واژه در آیه ۱، "پذیرفتن" ترجمه شده است. دلیل اینکه ایمانداران یکدیگر را می پذیرند این است که خدا آنها را توسط مسیح (۷: ۱۵) پذیرفته است. در متن، آیه ۳ مستقیماً خطاب به کسانی است که بسیار محتاط و حساس هستند، یعنی به مسیحیانی که در ایمان ضعیف می باشند.

۱۴: ۴ "تو کیستی" در زبان یونانی این تأکید می باشد و به برادر یا خواهر ضعیف اشاره دارد.

□ "آن خدمتکار" این واژه *oiketēs* است که از واژه *oikos* به معنای "خانه"، مشتق شده است. منظور، غلام یا خدمتگزار خانگی می باشد (ر.ک. لوقا ۱۶: ۱۳؛ اعمال ۱۰: ۷؛ روم ۱۴: ۴؛ ۱ پطرس ۲: ۱۸). کاربرد این واژه در «ترجمه هفتاد» به این معنا است (ر.ک. پیدا ۹: ۲۵؛ ۲۷: ۳۷؛ ۴۴: ۱۶، ۳۳؛ ۵۰: ۱۸). این واژه به صورت کلمه پرمصرف برای غلام یا خدمتگزار در عهد جدید که *doulos* باشد، نیست. این عبارت می تواند حاکی از خدمتکاران یا غلامان خانگی نیز باشد.

پولس در اینجا استدلال می کند که هر ایماندار، غلام یا خدمتکار مسیح است. مسیح "خداوند و ارباب" ایمانداران است و مطلقاً اوست که هدایت شان خواهد نمود و آنها در رفتار و نیت هاشان به او جوابگو خواهند بود (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۰).

□ " استوار ماندن یا فرو افتادن او به آقایش مربوط است" در متن، مخاطب پولس افراد بسیار محتاط و حساس هستند، اما این جمله مسلماً برای هر دو گروه می باشد. ایمانداران بهتر است پر کاه را از چشم خود بیرون بیاورند (ر.ک. متی ۷: ۱-۱۵).

□ " و او استوار خواهد ماند، زیرا خداوند قادر است او را استوار گرداند" این وعده ای عالی بود (ر.ک. ۵: ۱-۲؛ یهودا ۲۴-۲۵). همچنین این با همکاری شخص ایماندار است (ر.ک. اقرن ۱۵: ۱-۲). به موضوع خاص "ایستادن"، در ۵: ۲ رجوع نمایید.

تفاوتی در نسخه های خطی یونانی در اینجا وجود دارد. ترجمه NKJV، در پیروی از نسخه های خطی حروف درشت «آنشبال» D، F، G، ۰۴۸ و ۰۱۵۰، و نیز از «والگیت» [ترجمه قرن پنجم لاتین کتاب مقدس]، از کلمه "خدا" (Theos) استفاده کرده است، لکن نسخه های خطی MSS P⁴⁶، A، B، C، P، حاوی "خداوند" (kurios) هستند. UBS⁴ کلمه "خداوند" را حتمی (A) احتمال میدهد.

متن NASB (به روز آمده): ۱۴: ۵-۹

۵ یکی روزی را مهم تر از روز دیگر می شمارد، دیگری همه روز را یکسان می داند. هر کس باید در ذهن خود کاملاً متقاعد شده باشد. ^۶ او که روزی را مهم می شمارد، آن را به خاطر خدا مهم می شمارد، و او که گوشت می خورد، برای خداوند می خورد، زیرا او خدا را شکر می گوید؛ و او که گوشت نمی خورد، بخاطر خداوند نمی خورد، و خدا را شکر می گزارد. ^۷ زیرا هیچ یک از ما برای خود زندگی نمی کنیم، و هیچ یک برای خود نمی میریم؛ ^۸ اگر زندگی می کنیم برای خداوند زندگی می کنیم، یا اگر بمیریم، برای خداوند می میریم؛ بنابراین چه زندگی کنیم چه بمیریم، ما از آن خداوند هستیم. ^۹ به همین سبب مسیح مرد و دوباره زنده شد، تا «او» خداوند مردگان و زندگان باشد.

۱۴: ۵ " یکی روزی را مهم تر از روز دیگر می شمارد" بعضی افراد هنوز از لحاظ مذهبی به روزهای خاص سال اهمیت بسیار می دهند (ر.ک. غلا ۴: ۱۰؛ کولس ۲: ۱۶-۱۷). تمامی روزها بطور یکسان از آن خدا می باشند. هیچ روزی خاص محسوب نمی شود. اینطور نیست که بعضی شان "مقدس" باشند در حالیکه بعضی دیگر "غیر مذهبی" شمرده شوند. همه روزها مقدس هستند!

□ " هر کس باید در ذهن خود کاملاً متقاعد شده باشد" این جمله «حال غیرمستقیم امری» است. این نکته، کلید تفاهم در این موضوع می باشد. اعتقاداتِ راسخ شخصی ایمانداران، برای اعمال خودشان اولویت دارند اما نه برای تمامی ایمانداران دیگر (ر.ک. ۲۳). خدا در محدوده اعتقادات الهیاتی من عمل نمی کند. اعتقادات الهیاتی من ضرورتاً الهیات خود خدا نیست!

۱۴: ۶ " به خاطر خداوند" این عبارت «مفعولی»، سه بار در آیه ۶ و دوبار در آیه ۸ آمده است. تمامی گزینه های مسیحیان راستین در شیوه زندگی شان باید "به خاطر خداوند" باشد، نه صرفاً تابع پسندهای شخصی شان (ر.ک. افس ۶: ۷ و کولس ۳: ۲۳).

۱۴: ۷ " زیرا هیچ یک از ما برای خود زندگی نمی کنیم" هیچ مسیحی، منفرد و مجزا نیست. مسیحیان در درجه اول برای مسیح زندگی می کنند (ر.ک. آیه ۸). اعمال ایمانداران بر دیگران اثر می گذارد. ایمانداران متعلق به یک خانواده بزرگ روحانی هستند. بنابراین، آنها باید آزادی شخصی خود را به خاطر محبت محدود کنند (ر.ک. ۱ قرن ۱۰: ۲۴، ۲۷-۳۳). مسیحیان باید بگذارند دیگران در سوی آزادی شخصی رشد کنند. گرایش مفرط به مقررات رفتار مذهبی، منتهی به این می شود که مسیحیان، خود پارسا و یک شکل گردند، که

این از خدا نیست. عیسی شدیدترین سرزنش ها و محکوم کردن ها را خطاب به فریسیان که خود را پارسا می شمردند فرمود.

۱۴: ۸ " چه...چه" این دو کلمه «جملات شرطی نوع سوم» هستند و به عمل محتمل در آینده اشاره دارند. ایمانداران، خداوند را در هر شرایط، و در همه موقعیت ها خدمت می کنند (ر.ک. افس ۶: ۷؛ کولس ۳: ۲۳)!

۱۴: ۹ " خداوند مردگان و زندگان " این ترتیبی نامعمول از این کلمات است. ترتیب آنها می تواند گویای مرگ و قیام عیسی باشد. «او» اکنون «حاکم» بر هر دو قلمرو است.

دلیل الهیاتی که چرا مسیحیان نباید برای خود زندگی کنند، بلکه برای ایمانداران دیگر نیز، این واقعیت می باشد. آنها از آن خود نیستند، بلکه به قیمتی خریده شده اند. آنها خادمان عیسی هستند، که برای گناهان شان مرد تا ازین پس بردگان گناه نباشند بلکه غلامان خدا (ر.ک. رومیان ۶). ایمانداران باید با مردن نسبت به آرزوهای خود محورانه شان، از زندگی عیسی که سراسر خدمت پر محبت بود، پیروی نمایند (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۴-۱۵؛ غلا ۲: ۲۰، ۱ یوحنا ۳: ۱۶).

متن NASB (به روز آمده): ۱۴: ۱۰-۱۲

۱۰ اما تو، چرا برادر خود را داوری می کنی؟ و باز تو، چرا به برادر خود به دیده تحقیر می نگری؟ زیرا همه ما در برابر مسند داوری خدا حاضر خواهیم شد. ۱۱ چرا که نوشته شده است، " خداوند می گوید به حیات خودم سوگند، هرزانویی در برابر من خم خواهد شد و هر زبانی به خدا اقرار خواهد کرد." ۱۲ پس هریک از ما حساب خود را به خدا باز خواهد داد.

۱۴: ۱۰ " اما تو" این عبارت به منظور تاکید در ابتدا آمده است.

□ این دو سوال در آیه ۱۰، مورد توجه خاص آیات ۱-۱۲ می باشند. بار دیگر تفاوت بین دو گروه مذکور در آیه ۳، مطرح شده است. یک گروه "داوری" می کند و گروه دیگر "به دیده تحقیر" می نگرد. برای کسانی که "غلام" هستند، هر دو دیدگاه نامتناسب است! عیسی مسیح، سرور آنها، تنها کسی است که حق دارد "انتقاد نماید" یا "به دیده تحقیر" بنگرد. وقتی ایمانداران به عنوان داور عمل می کنند، این کار (۱) جایگاه خدا را غصب می کند و (۲) جلوتر از خدا عمل کرده است و نا تمام می باشد.

□ " همه ما در برابر مسند داوری خدا حاضر خواهیم شد" همین واقعیت در ۲ قرن ۵: ۱۰ نیز بیان شده است. ایمانداران در برابر خداوند جوابگو خواهند بود که چگونه با یکدیگر رفتار کرده اند. عیسی بعنوان « داور » الهی عمل خواهد کرد (ر.ک. متی ۲۵: ۳۱-۴۶).

ترجمه NKJV می گوید: "مسند داوری مسیح". متون یونانی که با KJV توافق نظر دارند، تصحیح کنندگان اولیه نسخه های یونانی «آنشیال» [نسخه های خطی قرن پنجم کتاب مقدس با صرفاً حروف درشت]، α^2 و C^2 می باشند. در متون نسخه های خطی α ، B، C، D، F و G کلمه *Theos* وجود دارد. کاتبان، احتمالاً این عبارت یونانی را تغییر دادند تا با ۲ قرن ۵: ۱۰ مطابقت کند. نیز ممکن است کاتبان این آیه را در ضدیت با عقیده ای اولیه در مورد مسیح، که عنوان "فرزندخواندگی" (adoptionism) یافته بود، مقابله و ضدیت نمایند. در این متون چند تفاوت موجود است که بنظر می رسد هدف از انجام آن ها نزدیک تر کردن متن به ایمان صحیح مسیحی بوده است (ر.ک. «تغییرات در کتاب مقدس از روی راست دینی» اثر «بارت دی. ارمن»، چاپ انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۳)، صص ۹۰-۹۱.

۱۴: ۱۱ "چرا که نوشته شده است" زمان این عبارت «کامل غیرمستقیم اخباری» می باشد. این اصطلاحی خاص در اطلاق به نقل قول های الهامی از عهد عتیق بود. اشاره اینجا به اشعیا ۴۵: ۲۳ می باشد، که در فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱ نیز نقل شده است.

□ "به حیات خودم سوگند" این عبارت متداولی در قسم خوردن است و نیز آرایه ادبی است از YHWH که نام خدا در عهد «او» می باشد. YHWH از شکل سببی فعل عبری "بودن" مشتق می گردد (ر.ک. خروج ۳: ۱۴). او خدایی است که همیشه زنده است و خدای زنده، تنها اوست. ازین جهت، «او» به هستی خود قسم می خورد.

۱۴: ۱۲ "پس هریک از ما حساب خود را به خدا باز خواهد داد" مسیحیان داوری خواهند شد (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۰)، و آن داوری شامل حال برادرانی است که انتقاد کننده هستند. در بعضی از متون یونانی عبارت "به خدا"، نیست. اما متن، آن را به وضوح می رساند. این تفاوت ممکن است به خاطر تفاوت در آیه ۱۰ باشد.

مفاهیم استنباط شده در متن رومیان ۱۴: ۱۳-۲۳

الف. اینکه کیفیت رفتار مسیحیان با یکدیگر باید چگونه باشد، از آیات ۱-۱۲ آغاز شد. موضوع بر اساس این واقعیت است که آنان بایستی همه گونه ایمانداران به مسیح را کاملاً بپذیرند زیرا مسیح که سرور و داور آنها است، هر دو گروه را کاملاً می پذیرد. اغلب چیزهای روحانی که برای یک گروه مهم شده اند و این اهمیت به خاطر گذشته آنها، نوع شخصیت، والدین، سلیقه های شخصی، تجربیات آنها و غیره است، برای خدا مهم و مطرح نیست.

ب. این بخش دوم از بحث در مورد آزادی و مسئولیت مسیحیان، موضوع را از دیدگاهی متفاوت بسط می دهد. در این آیات آنچه به یک مسیحی انگیزه می دهد تا برادرش را که با او تفاوت نظر دارد محبت کند، محبت خودش به خدا، در مسیح می باشد. همانگونه که عیسی جانش را برای ایمانداران فدا ساخت، آنها باید آزادیشان را جهت کسانی که عیسی به خاطرشان مرد، فدا کنند (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱۳-۱۴؛ ۱ یوحنا ۳: ۱۶). این تأکید بر محبت، به عنوان انگیزه اصلی زندگی مسیحی، در ۱۳: ۸-۱۰ در رابطه ایمانداران با غیرایمانداران نیز دیده می شود.

پ. برای بعضی مسیحیان قبول این حقیقت که همه چیز در دنیای فیزیکی پاک است، بسیار مشکل می باشد. اغلب اوقات، حتی ایمانداران، گناه را تقصیر "چیزها" می اندازند تا آنکه تقصیر خود بدانند (مثلاً "دیو الکل"). پولس بارها تصریح می کند که همه چیز پاک است (ر.ک. ۱۴: ۱۴، ۲۰؛ ۱ قرن ۶: ۱۲؛ ۱۰: ۲۵-۲۶؛ ۱ تیمو ۴: ۴؛ تیطس ۱: ۱۵). اظهارات او تابع آموزه های عیسی درباره غذا در مرقس ۷: ۱۸-۲۳ است. نمونه غذای پاک و ناپاک در اعمال ۱۰: ۱۵ آمده تا پطرس درک کند خدا کرنلیوس را پذیرفته است.

ت. این قسمت اولاً خطاب به "برادر قوی تر" می باشد. پولس این نیمه واقعیت را که "همه چیز پاک است" قبول دارد، اما اضافه می کند که همه چیز هم باعث بنا و اصلاح خانواده خدا نیست (ر.ک. ۱ قرن ۶: ۱۲؛ ۱۰: ۲۳). آزادی ایماندار قوی تر، می تواند برای دیگر برادران مسیحی تخریب کننده باشد. ایمانداران، مسئول حفاظت برادرانشان هستند - بوسیله مسیح و برای مسیح.

ث. بسیار جالب توجه است که پولس نگفته است، و به کنایه نیز نرسانده است، که "برادر ضعیف تر" در حال تبدیل و تکامل روحانی ای است که او را تبدیل به "برادر قوی تر" می سازد. در تمامی این مبحث، صحبتی از رشد در فیض نشده است، بلکه موضوع، اولویت محبت بین مسیحیانی است که درک های متفاوت دارند. دسته بندی ایمانداران در یکی از این دو گروه، بیشتر براساس نوع شخصیت، تعلیم و تربیت مذهبی و تجربیات شخصی است تا مفهوم "درست" یا "غلط." وظیفه ایمانداران تغییر دادن دیگران نیست، بلکه محبت کردن و احترام گذاشتن به گروه دیگر است. این یک موضوع احساسی است، نه ذهنی. خدا همگی انسانها را دوست می دارد، می پذیرد و «پسر» خود را به خاطر آنها داده است – برای هر دو گروه.

مطالعه کلمات و عبارات

متن NASB (به روز آمده): ۱۴: ۱۳-۲۳

۱۳ بنابراین بیایید از این پس یکدیگر را داوری نکنیم، بلکه در عوض این تصمیم را بگیریم - که مانع یا سنگ لغزشی در راه هیچ برادری نگذاریم. ۱۴ من میدانم و در عیسای خداوند یقین دارم که هیچ چیز به خودی خود ناپاک نیست، اما برای کسی که فکر می کند چیزی ناپاک است، برای او ناپاک خواهد بود ۱۵ زیرا اگر برادرت بخاطر خوراک آزرده شود، تو دیگر از روی محبت رفتار نمی کنی. با خوراک خود، باعث نابودی او که مسیح بخاطرش مُرد، مشو ۱۶ بنابراین مگذارید در مورد آنچه برای شما نیکو است بد گفته شود؛ ۱۷ زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست، بلکه پارسایی و آرامش و شادی در روح القدس ۱۸ زیرا هر که بدین طریق مسیح را خدمت کند، توسط خدا پذیرفته می شود و مورد تأیید مردم است. ۱۹ پس بیایید در پی آن چیزهایی باشیم که موجب صلح و بنام شدن یکدیگر هستند ۲۰ کار خدا را برای خوراک خراب مکن. همه چیزها در واقع پاک هستند، اما برای کسی که می خورد و باعث رنجش می شود، شرارت محسوب می شوند. ۲۱ خوب است از خوردن گوشت یا نوشیدن شراب یا انجام هر کاری که باعث لغزش برادرت می شود، پرهیز گردد ۲۲ ایمانی که داری را بعنوان اعتقاد راسخ خود در برابر خدا داشته باش. خوشبحال کسی که در آنچه روا می داند، خود را محکوم نمی سازد. ۲۳ اما کسی که شک دارد، اگر بخورد محکوم می شود، زیرا خوردن او از روی ایمان نیست؛ و آنچه از روی ایمان نیست، گناه است.

۱۴:۱۳ " بنابراین بیایید از این پس یکدیگر را داوری نکنیم" این جمله «حال متعدی التزامی» همراه با «تکواژ منفی» است و متوقف ساختن عملی را می رساند که از پیش در حال انجام است. این هشدار نیست بلکه نهی است. تشابه این با آیه ۱۶ بسیار است. پولس کلمه "داوری" را پنج بار پیش از این در آیات ۱-۱۲ به کار برده است، و حال در آیات ۱۳-۲۳ آن را چهار مرتبه دیگر به کار می گیرد.

موضوع خاص: آیا کار درستی است که مسیحیان یکدیگر را داوری کنند؟

این موضوع را باید از دو نظر حل و فصل نمود. اولاً به ایمانداران تذکر داده شده است یکدیگر را داوری نکنند (ر.ک. متی ۷: ۱-۵؛ لوقا ۶: ۳۷، ۴۲؛ روم ۲: ۱-۱۱؛ یعقوب ۴: ۱۱-۱۲). لکن به ایمانداران هشدار داده شده تا رهبران را ارزیابی کنند (ر.ک. متی ۷: ۶، ۱۵-۱۶؛ ۱ قرن ۱۴: ۲۹؛ ۱ تسلا ۵: ۲۱؛ ۱ تیمو ۳: ۱-۱۳؛ و ۱ یوحنا ۴: ۱-۶).

داشتن تعدادی ضوابط برای ارزیابی مناسب، می تواند مفید باشد

۱. ارزیابی باید به منظور تصدیق کردن باشد (ر.ک. ۱ یوحنا ۴: ۱-۱ "امتحان کردن" با چشم انداز به تایید نمودن)
۲. ارزیابی باید با فروتنی و ملایمت صورت بگیرد (ر.ک. غلاطیان ۶: ۱)
۳. ارزیابی نیاید متمرکز بر مسائل پسندهای شخصی باشد (ر.ک. روم ۱۴: ۱-۱؛ ۲۳-۱؛ ۱ قرن ۸: ۱-۱۳؛ ۱۰: ۱-۱۰)
۴. ارزیابی باید رهبرانی را که "بی ملامت" باشند از خود کلیسا یا جامعه مشخص نماید (ر.ک. ۱ تیموتائوس ۳)

□ "مانع یا سنگ لغزشی در راه هیچ برادری مگذاریم" این جمله «مصدر حال متعدی» به همراه «تکواژ منفی» است و متوقف ساختن عملی را می رساند که از پیش در حال انجام است. همین واقعیت در آیه ۲۱ و ۱ قرن ۸: ۹ اظهار شده است.

معنی واژه "مانع"، چیزی در راه بوده که باعث سکندری خوردن شخص شود. معنی تحت اللفظی عبارت "سنگ لغزش"، عامل مکانیکی کار انداز تله ای برای حیوان است که طعمه ای در آن گذاشته اند.

مسیحیت یک جنبه جمعی و شراکتی دارد. ما حامی، مشوق، و دوست برادر خود هستیم. ایمان، خانواده است!

۱۴:۱۴

NASB

"من میدانم و در عیسای خداوند یقین دارم"

NKJV

"من میدانم و عیسای خداوند به من یقین بخشیده است"

NRSV

"من میدانم و در عیسای خداوند یقین یافته ام"

TEV

"اتحاد من با عیسای خداوند مرا مطمئن می سازد"

JB

"حال من البته، به خوبی و کاملاً آگاهم، و از جانب عیسای خداوند سخن می گویم"

این، شکل «متعدی کامل» *oida* است که با مفهوم «زمان حال» همراه با «کامل غیرمستقیم اخباری» استفاده می شد. معنی تحت اللفظی آن می گوید، "من به دانستن ادامه می دهم و یقین داشته و خواهم داشت." این اظهار دو مرتبه حقیقت در آیات ۵ب و ۲۲-۲۳ می باشد. درک ایمانداران از چیزهای روحانی، بر مبنای رابطه آنها با عیسی بوسیله روح القدس است. آنها باید در نوری که دارند زندگی کنند.

□ "هیچ چیز به خودی خود ناپاک نیست" همین واقعیت در اعمال ۱۰: ۹-۱۶ به تصویر کشیده شده است. چیزها شریر نیستند؛ مردم اند که شریرند. هیچ چیز در تمامی خلقت، به خودی خود شریر نیست (ر.ک. آیه ۲۰؛ مرقس ۷: ۱۸-۲۳؛ ۱ قرن ۱۰: ۲۵-۲۶؛ ۱ تیمو ۴: ۴ و تیطس ۱: ۱۵)!

□ "اما برای کسی که فکر می کند چیزی ناپاک است، برای او ناپاک خواهد بود" از لحاظ مفهوم مذهبی این به معنی "نجس" بود. ایمانداران باید اعمال خویش را مطابق وجدان شان بسنجند (م.ک. آیات ۵، ۲۲-۲۳). حتی اگر در مورد مبحث یا مسئله یا عملی، اطلاعاتی مغایر با واقعیت دریافت کرده باشند، باید متابع نوری که راهشان را روشن کرده است در برابر خدا سلوک کنند. به علاوه آنها نباید دیگران را با مقیاس نوری که خود یافته اند داوری نمایند، بخصوص در موارد ابهام انگیز (ر.ک. ۱۴: ۱، ۳، ۴، ۱۰، ۱۳).

۱۴: ۱۵ "زیرا اگر برادرت بخاطر خوراک آزرده شود" این جمله «وجه شرطی نوع اول» می باشد که از دیدگاه نویسندگان یا به منظور کاربرد در متن، واقعیت انگار شده است. محبت است - نه حق و حقوق - که شیوه زندگی ما را تعیین می کند. همچنین مسئولیت است که شیوه زندگی ما را تعیین می کند، نه آزادی. این قسمت یا مربوط می شود به (۱) شریعت غذایی یهود (ر.ک. لاو ۱۱) یا به (۲) گوشت قربانی شده برای بتها (ر.ک. ۱ قرن ۸-۱۰). آیه ۲۰ این واقعیت را بسیار روشن بیان می کند.

□ "تو دیگر از روی محبت رفتار نمی کنی" اغلب به این موضوع "شریعت آزادی" می گویند (ر.ک. یعقوب ۱: ۲۵؛ ۳: ۱۲)، یا "شریعت ملوکانه" (ر.ک. یعقوب ۲: ۸) یا "قانون مسیح" (غلا ۶: ۲). در معاهده جدید، مسئولیت ها و رهنمودها وجود دارند!

□

"با خوراک خود، باعث نابودی او که مسیح بخاطرش مرد، مشو"	NKJV،NASB
"مگذار آنچه می خوری، باعث نابودی کسی شود که مسیح بخاطرش مرد"	NRSV
"مگذار خوراکی که می خوری کسی را نابود کند که مسیح بخاطرش مرد"	TEV
"یقیناً تو آزاد نیستی هر چه را می خواهی بخوری- اگر این به معنی سقوط کسی باشد که مسیح بخاطرش مرد"	JB

این جمله «حال امری» می باشد، همراه با «تکواژ منفی» که معمولاً به معنی متوقف ساختن عملی در حال انجام است. این یک عبارت بسیار تأکیدی و قوی می باشد. آزادی بعضی مسیحیان نباید باعث هلاکت مسیحیان دیگر شود! این به معنی از دست دادن نجات نیست، بلکه به معنی از دست دادن آرامش، اطمینان و خدمت مؤثر است.

کلمه "هلاک"، واژه یونانی *lupeō* است، که به معنی "باعث حزن و غم و درد شدن" می باشد (در LXX نیز همان است). پولس این کلمه را اکثراً در ۲ قرن نیاکان استفاده می کند (ر.ک. ۲: ۲، ۴، ۵؛ ۶: ۱۰؛ ۷: ۸، ۹، ۱۱). اگر این کلمه با عبارت "نابود کردن" ترجمه شود، شدید تر از اصل آن ترجمه شده است. منظور اینجا از دست دادن نجات نیست، بلکه الزام روح القدس است زیرا حریم اعتقادات راسخ شخص، نقض شده است. اگر اعمال ایماندار بر مبنی ایمان نباشند، گناه هستند (ر.ک. آیه ۲۳).

۱۴: ۱۶

"مگذارید در مورد آنچه برای شما نیکو است بد گفته شود"	NASB
"مگذارید در مورد خوبی شما، بد گفته شود"	NRSV،NKJV
"مگذارید آنچه شما نیکو می شمارید بدنام شود"	TEV
"شما نباید ارزش امتیاز خود را کاهش دهید"	JB

این جمله «حال غیرمستقیم امری» همراه با «تکواژ منفی» است که به معنای متوقف ساختن عملی در حال انجام بوده است. آزادی می تواند به آسانی مبدل به مجوز و مستمسک گردد! "آنچه... نیکو" در این آیه به اعمال برادر قوی اشاره دارد. اگر یک مسیحی قوی به شکلی عمل کند که آزادی اش، تأثیر منفی بر ایمانداران ضعیف بگذارد و آنها را از نظر روحانی آسیب زند، این چیز "نیکو" تبدیل به فرصتی برای شریر می گردد! این آیه گویا موضوع را از طرز رفتار مسیحیان با یکدیگر برگردانیده، و احتمالاً به دغدغه برای بی ایمانان معطوف می دارد (ر.ک. آیه ۱۸ ب). «فعل» از واژه "کفر گفتن" (فرم شفاهی) بر گرفته شده که معمولاً به بی ایمانان اطلاق می شود.

۱۴: ۱۷ "پادشاهی خدا" این عبارت، تنها کاربرد آن در رومیان است. پادشاهی خدا، عنوان اغلب سخنان عیسی بود. این امر اکنون به واقعیت پیوسته و در آینده نیز به تمامی انجام خواهد شد (ر.ک. متی ۶: ۱۰). زندگی جمعی و مشترک بدن مسیح، بسیار با ارزش تر از تحقق آزادی های شخصی است! به عنوان خاص ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص: پادشاهی خدا

در عهد عتیق YHWH پادشاه اسرائیل تلقی می شد (ر.ک. سمو ۸: ۷؛ مزمور ۱۰: ۱۶؛ ۲۴: ۷-۹؛ ۲۹: ۱۰؛ ۴۴: ۴؛ ۸۹: ۱۸؛ ۹۵: ۳؛ اش ۴۳: ۱۵؛ ۴۴: ۶، ۴) و ماشیح به عنوان پادشاه آرمانی شناخته شده بود (ر.ک. مزمور ۲: ۶). با تولد عیسی در بیت لحم (۶-۴ ق.م.) پادشاهی خدا با نیرو و فدیة دادن جدید، وارد تاریخ بشری شد (عهد جدید، ر.ک. ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حز ۳۶: ۲۷-۳۶). یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی را اعلام کرد (متی ۳: ۲، مرقس ۱: ۱۵). عیسی به روشنی تعلیم داد که این پادشاهی در «او» و آموزه هایش حاضر بود (ر.ک. متی ۴: ۱۷، ۲۳؛ ۹: ۳۵؛ ۱۰: ۷؛ ۱۱: ۱۱-۱۲؛ ۱۲: ۲۸؛ ۱۶: ۱۹؛ مرقس ۱۲: ۳۴؛ لوقا ۱۰: ۹ و ۱۱؛ ۱۱: ۲۰؛ ۱۲: ۳۱-۳۲؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۷: ۲۱). با این وجود، این پادشاهی شامل آینده نیز هست (ر.ک. ۱۶: ۲۸؛ ۲۴: ۱۴؛ ۲۶: ۲۹؛ مرقس ۹: ۱؛ لوقا ۲۱: ۳۱؛ ۲۲: ۱۶، ۱۸).

در بخش های مشابه و همنظر در مرقس و لوقا، عبارت "پادشاهی خدا" را می بینیم. این عنوان معمول آموزه های عیسی، در باره حکمرانی فعلی خدا در قلوب بشر است که روزی تمام جهان را در بر می گیرد. این در دعای عیسی در متی ۶: ۱۰ تجلی پیدا کرده است. متی، که خطاب به یهودیان نوشته شد، عبارتی را ترجیح داد که حاوی نام خدا نبود (پادشاهی آسمان)، در حالیکه مرقس و لوقا، که مخاطبانشان غیریهودیان بودند، همان عبارت معمول و نام الوهیت را استفاده نمودند.

این عبارتی بسیار مهم در «اناجیل هم نظر» می باشد. اولین و آخرین موعظه عیسی، و بیشتر امثال او، به این موضوع پرداخته اند. این به حکمرانی کنونی خدا در قلب بشر اشاره دارد! جای تعجب است که یوحنا صرفاً دوبار از این عبارت استفاده می کند (در امثال عیسی هرگز دیده نمی شود). در انجیل یوحنا، "حیات جاودان" یک عبارت کلیدی و استعاری می باشد.

این تنش در اثر دو بار آمدن عیسی، ایجاد شده است. عهدعتیق صرفاً با یکبار آمدن ماشیح خدا کار دارد - آمدن با لشکرکشی، داوری و جلال - اما عهد جدید نشان می دهد که «او» دفعه اول بعنوان «خادم رنج کشیده» در اشعیا ۵۳، و پادشاه متواضع در زکریا ۹: ۹ آمد. دو دوره یهودی، یعنی دوره شرارت و دوره جدید عدالت، برای مدتی همزمان هستند. عیسی هم اکنون در قلب ایمانداران حکمرانی می کند، اما یک روز بر تمامی خلقت حاکم خواهد بود. او همانطور که در عهد عتیق پیشگویی شده بود، خواهد آمد! ایمانداران در مرحله ای از پادشاهی خدا زندگی میکنند که هم اکنون برقرار شده است، و درعین حال هنوز باید به حد کمال برسند. (ر.ک. «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته «گُردن دی. فی» و «داگلاس استوارت» صفحات ۱۳۱-۱۳۴).

□ **"بلکه پارسایی و آرامش و شادی در روح القدس"** روح القدس است که این صفات را به یکایک ایمانداران و جامعه ایمانداران می بخشد. اینها مشخصات درونی و بیرونی خانواده خدا است.

کلمه "پارسایی" را پولس درینجا به معنای اختصاصی استفاده کرده است. عنوان خاص در ۱: ۱۷ را ببینید. معمولاً برای او به منزله نیکویی مطلق است که به کسی نسبت داده شده باشد - یک اعلام قانونی (حقوقی) بوسیله خدا، در مورد بخشودگی و جایگاه ایماندار در مسیح (ر.ک. ۳: ۲۱-۳۱؛ ۴). انسان های گناهکار نه تنها پارسا شمرده می شوند، بلکه قصد آنست که پارسا گردند. این هم یک هدیه و هم یک هدف است - «اخباری» و «امری»، یک جایگاه کنونی و یک نردبان برای ارتقاء، یک عمل از روی ایمان و یک زندگی از روی ایمان! عنوان خاص در ۶: ۴ را ببینید.

۱۴: ۱۸ ایماندارانی که خودشان آزادی هاشان را به خاطر ایمانداران ضعیف تر محدود می سازند، این خدمت را به شخص مسیح می کنند. محبت خود را ازین بیشتر نمی توانیم به مسیح نشان دهیم که به آنانی که او بخاطرشان مُرد، محبت و توجه و حمایت نماییم.

□ **"مورد تأیید مردم است"** این می تواند نوعی تأکید باشد که محبت مسیحی نسبت به دیگران، می تواند درهای خدمت و شهادت را به روی جامعه بی ایمان باز نماید (ر.ک. آیه ۱۶؛ ۲ قرن ۸: ۲۱؛ پطرس ۲: ۱۲). نحوه رفتار ما با یکدیگر در جامعه ایمانداران، شهادتی پر قدرت است که می تواند مثبت یا منفی باشد.

۱۴: ۱۹ **"پس بیایید در پی آن چیزهایی باشیم"** واژه *diōkō* اصطلاحی است از عهد عتیق که در «ترجمه هفتاد» و نوشته های پولس بسیار آمده است، و به معنی «مشتاقانه دنبال کردن» یا «کوشش جدی برای کسب» می باشد. پولس این کلمه را در روم ۹: ۳۰، ۳۱؛ ۱۲: ۱۳ و در اینجا نیز به معنای «پویایی» استفاده می کند. اما در ۱۲: ۱۴ این کلمه را برای کسانی بکار می برد که به ایمانداران جفا می رسانند (ر.ک. ۱ قرن ۴: ۱۲؛ حتی خود او، ۱۵: ۹؛ ۲ قرن ۴: ۹؛ غلا ۱: ۱۳، ۲۳؛ فیلیپیان ۳: ۶).

این جمله یا «حال متعدی اخباری» (نسخه های خطی α ، A، B، F، G، L & P) یا «حال اخباری التزامی» (نسخه های خطی C، D) می باشد که در «وجه امری» استفاده شده است. USB⁴ «وجه التزامی» را در متن دارد ولی آنرا در رتبه "D" (به سختی) درجه بندی می کند. توجه داشته باشید مسیحیان باید راستای اهداف ذیل بکوشند:

۱. مهمان نوازی، ۱۲: ۱۳
۲. آنچه باعث آرامی و بنای یکدیگر است، ۱۴: ۱۹
۳. محبت، ۱ قرن ۱۴: ۱
۴. شبیه مسیح بودن، فیلیپیان ۳: ۱۲ و ۱۴
۵. آنچه برای یکدیگر و همه مردم نیکوست، ۱ تسال ۵: ۱۵
۶. پارسایی، زندگی خدایسندانه، ایمان، محبت، پایداری و ملایمت، ۱ تیمو ۶: ۱۱
۷. پارسایی، ایمان، محبت و صلح، با کسانی که خدا را از قلبی پاک می خوانند، ۲ تیمو ۲: ۲۲

□ **"موجب صلح و بنا شدن یکدیگر"** این باید هدف ایمانداران در همه چیز باشد (ر.ک. مزمور ۳۴: ۱۴؛ عبر ۱۲: ۱۴). آزادی شخصی فرد و درکی که از الهیات دارد، باید منتهی به ثبات کلیسا و رشد بدن مسیح گردد (ر.ک. ۱۵: ۲؛ ۱ قرن ۶: ۱۲؛ ۱۴: ۲۶؛ افس ۴: ۱۲). عنوان خاص "تقویت" در ۱۵: ۲ را ببینید.

۱۴: ۲۰ **"کار خدا را برای خوراک خراب مکن"** این جمله «حال متعدی امری» است - همراه با حرف اضافه منفی، که معمولاً به معنای متوقف ساختن عملی در حال انجام می باشد. فعل آن، فعل مرکب و تأکیدی می باشد (*kata+luō*)، و تنها سه بار در نوشته های پولس آمده است (ر.ک. ۲ قرن ۵: ۱ برای "مرگ" و غلا ۲: ۱۸ به معنایی که درین آیه است: "از میان بردن"). آرایه ادبی بین "بنا کردن" در آیه ۱۹، و این کلمه هست. معنی تحت اللفظی کلمه آخر "متلاشی ساختن" است. هردوی آنها استعاره هایی در ارتباط با ساختمان هستند.

مقصود از "کار خدا" در این چارچوب چیست؟ نمی تواند اشاره به بلوغ روحانی باشد، بلکه منظور فعالیت روح خدا در زندگی ایماندار "ضعیف" است. در هیچ کجای این متن یا در ۱ قرن ۸-۱۰، پولس نگفته است که یک گروه باید به گروه دیگر کمکی نماید تا آنها به شکل گروه اول درآیند یا تغییر یابند!

□ **"همه چیزها در واقع پاک هستند"** به یادداشت های آیه ۱۴ مراجعه کنید.



"اما برای کسی که می خورد و باعث رنجش می شود، شرارت محسوب می شوند"	NASB
"اما برای کسی که با خوردن آزاده می سازد، این شرارت است"	NKJV
"اما خطا است که بخاطر آنچه می خوری باعث سقوط دیگران شوی"	NRSV
"اما خوردن هر چیز که باعث سقوط شخص دیگری درگناه شود خطا است"	TEV
"اما شرارت خواهد بود اگر با خوردن آن باعث شوی کسی گمراه شود"	JB

این آیه، حقیقت محوری این باب می باشد (ر.ک. ۱ قرن ۱۰: ۲۵-۲۶؛ تیطس ۱: ۱۵). در اینجا موضوع گوشتی است که تقدیمی بتها می کردند (ر.ک. ۱ قرن ۸-۱۰). این گوشت، نیک یا شریر نیست، اما اگر یک برادر ضعیف که فکر می کند چنین کاری نامناسب است، به بیند مسیحی دیگر آن را می خورد و خودش هم از آن بخورد، آنچه از نظر اخلاقی خنثی است تبدیل به شرارت می گردد زیرا درک شخصی او از اراده خدا را بی حرمت ساخته است.

اکثر ترجمه های انگلیسی این عبارت را به "برادر بزرگتر" مرتبط می دانند که از غذا خوردن شان، برادر ضعیف تر تأثیر می پذیرد. ترجمه کاتولیکی «ترجمه جدید کتاب مقدس آمریکایی» گزینه دیگر را ارائه می کند و این عبارت را به "برادر ضعیف تر" مرتبط می سازد زیرا این جمله را چنین ترجمه می کند: "برای شخص خطا است بخورد، اگر آن خوراک وجدانش را آزاده می سازد." در متن گزینه اول به نظر بهتر می آید، اما این ابهام شاید عمدی و در اشاره به هر دو باشد - مانند آیات ۲۲-۲۳.

۱۴: ۲۱ خطاب به "برادران بزرگتر" است. این تنها مبنا در کتاب مقدس برای عقیده الهیاتی "پرهیز کامل" از غذاها یا نوشیدنی های خاص می باشد. مسیحیان قوی باید در محبت بخاطر برادران و خواهران خود و حق جویان راستین (افراد نجات نیافته) خود را محدود سازند. بسیاری از جنبه های محدود ساختن خود، از لحاظ فرهنگی، منطقه ای و/یا فرقه مذهبی می باشد.

این دو «گذشته غیرمعین متعدی مصدری» بهمراه «تکواژ منفی» هستند که معنی ضمنی آنها "هرگز کاری را شروع مکن" بود. بعضی مفسرین معتقدند این «گذشته های غیرمعین» تنها در موارد خاصی کاربرد دارند (ر.ک. ۱ قرن ۸-۱۰). مسلماً خوردن و نوشیدن را نمی توان ممنوع ساخت.

"ایمانی که داری را بعنوان اعتقاد راسخ خود در برابر خدا داشته باش. خوشابحال کسی که در آنچه روا می داند، خود را محکوم نمی سازد."	NASB
"آیا ایمان داری؟ آن را برای خودت نسبت به خدا داشته باش. خوشابحال کسی که در آنچه روا می داند خود را محکوم نمی سازد."	NKJV
"ایمانی را که داری، بعنوان اعتقاد راسخ ات در مقابل خدا نگهدار. خوشابحال کسانی که به خاطر آنچه روا می دانند، دلیلی برای محکوم ساختن خود ندارند."	NRSV
"پس آنچه درین مورد به آن اعتقاد داری را بین خودت و خدا حفظ کن. خوشابحال کسانی که احساس گناه نمی کنند وقتی کاری انجام می دهند که مطابق قضاوتشان درست است."	TEV
"اعتقاد خود را حفظ کن، آن چنانکه بین تو و خدا باشد - و کسی را خوشبخت بدان که می تواند تصمیم خود را بگیرد، بدون اینکه برخلاف وجدانش عمل کند."	JB

این تأیید مجدد است که ایماندار باید طبق وجدان خود، که با هدایت روح القدس و مطلع از کتاب مقدس است، زندگی کند (ر.ک. آیه ۵). او باید در نوری که دارد گام بردارد، اما نه به شکلی که نسبت به باورهای دیگر ایمانداران، بد رفتاری کند. آیه ۲۲ به "برادر بزرگتر" مربوط می شود، در حالیکه آیه ۲۳ به "برادر کوچکتر" اشاره دارد.

آیه ۲۲ با تفاوتی در نسخه خطی شروع می گردد. این می تواند یک سوال باشد (NKJV) یا یک اظهار
(JB و TEV, NRSV, NASB)

□ "روا می داند" عنوان خاص در ۲: ۱۸ را ببینید.

۱۴: ۲۳ "اما کسی که شک دارد" این جمله «حال وصفی انعکاسی» است. این عبارت به مسیحیانی که بیش از حد حساس و محتاط هستند در آیه ۳ اشاره می کند.

□ "محکوم می شود" این جمله «وجه اخباری غیرمستقیم کامل» می باشد از *kata + krinō*، به معنی (۱) "در مقابله، وجهه مقصر یافتن" (ر.ک. «واژه نامه تحلیلی یونانی ویرایش شده» «هارولد کی. مولتون»، صفحه ۲۱۶) یا (۲) "نه محکومیت، بلکه مجازات پس از فتوی" (ر.ک. روم ۵: ۱۶، ۱۸: ۱ [ر.ک. «واژه های انجیل یونانی»، نوشته مولتون و میلیگان، صفحه ۳۲۸]). منظور در اینجا نقض و هتک حرمت وجدان خود و دردمندی ناشی از الزام روح القدس است.

□ "اگر بخورد" این «جمله شرطی نوع سوم» است.

□ "و آنچه از روی ایمان نیست گناه است" در قسمت های کتاب مقدس با تفسیرهای مختلف، گناه نقض وجدان خود ما محسوب می شود، نه نقض قانون. ما باید در نوری که داریم گام برداریم - همواره باید پذیرای نور بیشتر از کتاب مقدس و روح القدس باشیم. اعمال ایمانداران باید تابع درک آنها از اراده خدا باشد. این امکان وجود دارد که ایمانداران بالغ، نظرات مختلفی در مورد مسائل ناروشن کتاب مقدسی داشته باشند و با این وجود هر دو در اراده خدا باشند.

□ بعضی نسخه های یونانی قسمت ستایش ۱۶: ۲۵-۲۷ را در پایان باب ۱۴ دارند. بعضی از متون این قسمت را در هر دو جا دارند. یک نسخه پایپروس، P⁴⁶، این ستایش را در پایان باب ۱۵ قرار داده است. در متون یونانی سنتی کتاب رومیان، این ستایش در شش جای مختلف آمده است. برای کنکاش کامل این بحث به این کتاب مراجعه کنید، «تفسیر متنی عهد جدید یونانی» اثر بروس ام. مترگر، چاپ «انجمن های متحد کتاب مقدس» صفحات ۵۳۳-۵۳۶.

این خلاصه کوتاهی از تئوری ها می باشد: (۱) «اوريجن» گفته است که پیرو یک بدعت اولیه در روم به نام «مارسیون»، دو باب آخر رومیان را حذف کرده بود. این قید "ستایش" در باب ۱۴ را توجیه می نماید؛ (۲) علمای دیگر فکر می کنند پولس یک شکل از رساله رومیان را برای فرستادن به روم نوشت - بابهای ۱-۱۴ را - و بعد این نیاز را دید که همان نامه را به افسس بفرستد - بابهای ۱-۱۶. لیست طولانی درودهای شخصی (باب ۱۶) حاکی از افسس است نه روم (۳) درود های باب ۱۶ برای ایماندارانی بود که در راه روم بودند، زیرا آکیلا و پرسکلا در افسس بودند و بازگشت آنها به روم در هیچ جا ثبت نشده است؛ و (۴) قسمت ستایش از ابتدا در این رساله وجود نداشت و بعدها بوسیله کاتبان به منظور عبادت در پرستش های عمومی به آن اضافه شد.

نوشته ام. آر. وینسنت، در کتاب او بررسی واژه گان، جلد ۲، جالب است.

"در مقابل این تئوری ها، حقیقت غیرقابل انکار این است که نسخه های خطی موجود و شناخته شده پولس (حدود سیصد عدد) و تمامی نسخه های خطی جمع آوری شده تا این مقطع، به شمول تمامی مهم ترین آنها، همین بابها را با همین ارتباط و ترتیب قبلی ارائه می کنند، بجز قسمت ستایش" (صفحه ۷۵۰)

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب راهنمای تفسیر میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که دارد، گام بردارد. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. برادر کوچکتر را تعریف کنید. آیا منظور پولس اینست که آنها نابالغ هستند؟
۲. آزادی مسیحی چگونه با مسئولیت مسیحی ارتباط پیدا می کند؟
۳. آیا همه چیز در طبیعت "پاک" یا از نظر اخلاقی خنثی است؟ (آیات ۱۴، ۲۰)
۴. چرا موضوع غذا در قرننس اینقدر مهم بود (ر.ک. ۱ قرن ۸، ۱۰) بیاد بیاورید که پولس رومیان را از قرننس نوشت.
۵. رابطه بین آگاهی و دانش، آزادی، و محبت را در این باب توضیح دهید.
۶. ما در کلیسا پایه مشارکت را بر چه چیزی باید بگذاریم؟
۷. ما تصمیمات و گزینه های فردی و اعمالمان را باید بر چه اساسی بگذاریم؟
۸. اعمال ما چه تأثیری بر دیگران می گذارد؟ این چه چیز را از ما طلب می کند؟
۹. ما اصول اخلاق مسیحی صحیح را چگونه تعیین می کنیم؟
۱۰. آیا ممکن است که مسیحیان بالغ با هم اختلاف نظر داشته باشند و خدا هر دوی آنها را بپذیرد؟

رومیان فصل ۱۵

تقسیم بندی پاراگراف ها در ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ^۴
(۱۵:۶-۱۴:۲۲)	دیگران را خشنود کنید نه خود را	قوی باید ضعیف را تحمل کند	بارهای دیگران را حمل کنید	اطرافیانتان را خشنود کنید نه خود را
	۶-۱:۱۵	۶-۱:۱۵	۶-۱:۱۵	۶-۱:۱۵
درخواستی برای اتحاد	انجیل برای امتهای		خدا را با هم جلال دهیم	انجیل یکسان برای یهودیان و امتهای
۱۲-۷:۱۵	۱۲-۷:۱۵	۱۳-۷:۱۵	۱۳-۷:۱۵	۱۳-۷:۱۵
۱۳:۱۵	۱۳:۱۵			
سخن آخر	دلیل پولس برای اینگونه شهادت در نوشتن	یادداشت های شخصی	از اورشلیم به ایلیریکوم	ماموریت بشارتی پولس
	۲۱-۱۴:۱۵	۲۱-۱۴:۱۵	۲۱-۱۴:۱۵	۲۱-۱۴:۱۵
۲۱-۱۷:۱۵				۲۱-۱۷:۱۵
نقشه پولس	نقشه پولس برای آمدن به روم		نقشه برای آمدن به روم	نقشه پولس برای آمدن به روم
۲۹-۲۲:۱۵	۲۹-۲۲:۱۵	۲۹-۲۲:۱۵	۳۳-۲۲:۱۵	۲۹-۲۲:۱۵
۳۳-۳۰:۱۵	۳۳-۳۰:۱۵	۳۳-۳۰:۱۵		۳۳-۳۰:۱۵

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید)
پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این کتاب راهنمای تفسیر میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است، گام برداریم. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص نمایید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف بندی از الهام نیست، اما برای درک مقصود نویسنده اصلی، کلیدی است و کار تفسیر درینجاست. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

مفاهیم استنباط شده در متن رومیان ۱-۱۳

الف. بحث آزادی مسیحی و مسئولیت از باب ۱۴، در ۱۵: ۱-۱۳ ادامه پیدا می کند.

ب. تمام بحث ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ را می توان با تقسیم بندی کلی ذیل ارایه داد:

۱. همدیگر را بپذیرید زیرا خدا ما را در مسیح پذیرفته است (ر.ک. ۱۴: ۱ و ۳؛ ۱۵: ۷)
۲. یکدیگر را داوری نکنید زیرا مسیح سرور و داور ما است (ر.ک. ۱۴: ۳-۱۲)
۳. محبت از آزادی شخصی مهم تر می باشد (ر.ک. ۱۴: ۱۳-۲۳)
۴. از نمونه مسیح پیروی کنید و از حق خود بخاطر تقویت و نیکویی دیگران بگذرید (ر.ک. ۱۵: ۱-۱۳)

پ. ۱۵: ۵-۶ نشانگر هدف سه گانه تمامی متن ۱۴: ۱-۱۳: ۱۵ می باشد

۱. با یکدیگر در هماهنگی زندگی کنید
۲. طبق نمونه مسیح زندگی کنید
۳. یکدل و یک زبان، خدا را متحداً ستایش کنید

ت. همین تنش بین آزادی شخصی و مسئولیت مشترک در ۱ قرن ۸-۱۰ بررسی شده است.

مطالعه واژگان و عبارات

متن NASB (به روز شده) ۱۵: ۱-۶

۱ حالا ما که قوی هستیم باید ضعف های کسانی را که قوی نیستند متحمل شویم و صرفاً خود را خشنود نسازیم. ۲ هر یک از ما باید همسایه خود را خشنود سازد، در آنچه برای او نیکو باشد و باعث تقویت او شود. ۳ زیرا حتی مسیح در پی خشنودی خود نبود، بلکه چنانکه نوشته شده است، "توهین های توهین کنندگان به تو، بر من فرو افتاد." ۴ زیرا هر آنچه که در گذشته نوشته شده است، برای تعلیم ما بوده، تا با پایداری و آن دلگرمی که کتاب مقدس می بخشد، امید داشته باشیم. ۵ حالا باشد که خدایی که پایداری و دلگرمی می بخشد، به شما عطا کند تا با یکدیگر همفکر باشید - در پیروی از مسیح عیسی، ۶ بطوریکه با یکدلی و با یک صدا خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را جلال دهید.

۱: ۱۵

"حالا ما که قوی هستیم باید ضعف های کسانی را که قوی نیستند متحمل شویم"

NASB

"پس ما که قوی هستیم باید سستی های کسانی را که ضعیفند متحمل شویم"

NKJV

"ما که قوی هستیم باید ناتوانی افراد ضعیف را تحمل کنیم"

NRSV

"ما که در ایمان قوی هستیم باید به ضعیفان کمک کنیم تا بارهای خود را حمل کنند"

TEV

"ما که قوی هستیم وظیفه داریم تردید های ضعیف را تحمل کنیم"

JB

در اینجا دو «مصدر حال» بشکل «امری» استفاده شده اند. ذکر قوی و ضعیف نشان می دهد باب ۱۵ بحثی را که در باب ۱۴: ۱ شروع شده بود ادامه می دهد. به نظر می رسد این آیه تنش داخلی کلیسای روم، و همه کلیساها را، در مواردی نشان می دهد که کتاب مقدس صریحاً مشخص نکرده است مسیحیان چگونه باید عمل کنند. پولس مجدداً خود را جزو گروه "قوی" معرفی می کند.

به نظر خوانندگان انگلیسی زبان امروزی اگر برچسب "قوی" و "ضعیف" به این دو دیدگاه نسبت دهیم، به این دو گروه لطمه زده ایم و پیش قضاوتی نامعقول انجام داده ایم. منظور پولس چنین نبود. گروه "قوی" اشاره به کسانی بود که از قیود یا زندگی خشک مذهبی آزاد شده بودند. رابطه آنها با خدا مشروط به انجام فرایض خاص یا اجتناب از مناهای مذهبی مشخصی نیست و به این خاطر نامستحکم نمی باشد. آن گروه دیگر نیز اشخاصی کاملاً مسیحی، و کاملاً پذیرفته شده، و کاملاً متعهد بودند. اما ایمان خود را از دیدگاه عقاید مذهبی که در گذشته داشتند درک می کردند. ایمانداران یهودی تمایل داشتند فرایض و سنت های یهودی «معاهده قدیم» را حفظ کنند. و نوکیشان غیریهودی نیز تمایل داشتند بعضی از عقاید و فرایض مذهبی (بت پرستی) گذشته خود را حفظ نمایند. اما توجه کنید که پولس این ذهنیت را در بین ایمانداران "گناه" نمی نامد. تنها زمانی که آنها عملی خلاف وجدانشان انجام دهند، آن کار گناه محسوب می شود (ر.ک. آیه ۲۳).

واژه "ضعیف" (*adunates*، بدون قوت، ر.ک. روم ۸: ۳) متفاوت است با *astheneō* در ۱۴: ۲۱، ۱ (ر.ک. ۱ قرن ۸: ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲؛ ۹: ۲۲)، که معنای آن هم «بدون قوت» است.

این متن تلویحاً می گوید که مسیحیان نباید با اکراه مسیحیان دیگر را تحمل کنند بلکه باید با محبت به یکدیگر "کمک" کنند و با یکدیگر "کار کنند". کلمه "تحمل / حمل" در مورد "حمل صلیب" توسط عیسی در یوحنا ۱۹: ۱۷ و لوقا ۱۴: ۲۷ استفاده شده است. پولس از تنش ها و بحران هایی که بین افراد مذهبی می توانند رخ دهند آگاه بود. استاد او غمالانیل، عالم یهودی از مدرسه روشنفکر و معتدل «هیلل» بود.

□ **"و صرفاً خود را خشنود نسازیم"** این جمله «حال متعدی امری» می باشد، همراه با «تکواژ منفی» که معمولاً به معنای متوقف کردن عملی در حال انجام می باشد. صرفاً به خود اندیشیدن و خود محوری، نشانه علنی بالغ نبودن است؛ پیروی از نمونه مسیح (ر.ک. آیه ۳؛ فیل ۲: ۱-۱۱) نشانه بلوغ است. می خواهم بار دیگر خاطر نشان کنم روی سخن در این جا به افراد قوی بوده است (ر.ک. ۱۴: ۱، ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۲۷). منظور این نیست که کلیه مسئولیت حفظ مشارکت به عهده آنها می باشد. افراد ضعیف در ۱۴: ۳، ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۵-۶، ۷ مورد خطاب قرار گرفته اند.

۱۵: ۲ "هرکدام از ما باید همسایه خود را خشنود سازد" "همسایه" در اینجا به معنی هم ایمان مسیحی بکار رفته است. منظور این نیست که شخص در مورد اعتقادات و باورهای خود سازش کند، بلکه نباید پسندهای شخصی و نظرات خود را در مواردی [که در کتاب مقدس تصریح نشده اند] به دیگران تحمیل کند. اتحاد و رشد بدن مسیح از همه چیز مهم تر است، نه آزادی شخصی (ر.ک. ۱ قرن ۹: ۱۹-۲۳؛ ۱۰: ۲۴-۳۳؛ افس ۱: ۴-۱۶).

□

"باعث تقویت او"	NASB
"رهنمون به تقویت"	NKJV
"برای هدف نیکوی بنا کردن همسایه"	NRSV
"به منظور بنا کردن آنها در ایمان"	TEV
"به آنها کمک کنند تا مسیحیان قوی تری گردند"	JB

این تم و مضمون اصلی باب ۱۴ می باشد (ر.ک. ۱۴: ۱۹، ۱۶). به علاوه، یکی از محک ها و آزمایش ها برای عطایای روحانی است که در ۱ قرن ۱۰: ۲۳، ۷: ۱۲، ۲۶: ۱۴ و افس ۴: ۲۹ ذکر شده است. در این چارچوب، اشاره به ایماندار قوی تر می باشد که با محبت و به منظور یاری دوستان مسیحی خود در رشد ایمانشان، آزادی خود را محدود می سازد. جلد دوم تفسیر کتاب مقدس جروم تألیف «جوزف آ. فیتزمایر» و «ریموند ای. براون»، تفسیر جالبی از این آیه دارد.

"این عبارت اغلب به معنای «تقویت او» (همسایه) تلقی می شود، و به رشد شخصی همسایه مسیحی فرد اشاره می کند. اما با توجه به اینکه پولس اغلب ساختمان را بعنوان استعاره در نامه هایش به معنای جمعی و اشتراکی استفاده می کند، این عبارت بدون شک در اینجا مفهوم اجتماعی و جمعی نیز دارد (ر.ک. ۱ قرن ۱۴: ۱۲؛ افس ۴: ۱۲؛ روم ۱۴: ۱۹)" (صفحه ۳۲۸).

عنوان خاص: تقویت

کلمه *oikodomeō* و شکل های دیگر آن را پولس اغلب استفاده می نمود. معنی تحت الفظی آن "ساختن یک خانه" است (ر.ک. متی ۷: ۲۴)، اما بعداً بطور استعاره در این موارد استفاده می شد:

۱. بدن مسیح که همان کلیسا است، ۱ قرن ۳: ۹؛ افس ۲: ۲۱؛ ۴: ۱۶؛
۲. بنا کردن
 - الف. برادران ضعیف، روم ۱۵: ۱
 - ب. همسایگان، روم ۱۵: ۲
 - پ. یکدیگر، افس ۴: ۲۹؛ ۱ تسالونی ۵: ۱۱
 - ت. مقدسین جهت خدمت، افس ۴: ۱۱
۳. ما بدینوسیله بنا یا تقویت می کنیم:
 - الف. محبت، ۱ قرن ۸: ۱؛ افس ۴: ۱۶
 - ب. محدودکردن آزادی های شخصی، ۱ قرن ۱۰: ۲۳-۲۴
 - پ. اجتناب از حدت و گمان در مورد دیگران، ۱ تیمو ۱: ۴
 - ت. محدود کردن سخنگویان در جلسات پرستشی (سرایندگان، معلمین، انبیاء، سخن گویان به زبانها، و مفسرین زبان ها)، ۱ قرن ۱۴: ۳-۴، ۱۲
۴. همه چیز باید باعث تقویت شود
 - الف. اقتدار پولس، ۲ قرن ۱۰: ۸، ۱۲: ۱۹؛ ۱۳: ۱۰
 - ب. خلاصه گفتار در روم ۱۴: ۱۹ و ۱ قرن ۱۴: ۲۶

۱۵: ۳ " زیرا حتی مسیح" مسیح نمونه و الگوی ما است. در این قسمتها بر این حقیقت تاکید شده است: آیه ۵؛ فیل ۲: ۱-۱۱؛ ۱ پطرس ۲: ۲۱؛ ۱ یوحنا ۳: ۱۶.

□ " نوشته شده است" این جمله «حال غیر مستقیم اخباری» است که استعاره ای از کتب عهد عتیق می باشد. نقل قول فوق از مزمو ۶۹: ۷ و ۹ است. با اشاره به نمونه مسیح (در پی خشنودی خود نبود، ر.ک. فیل ۲: ۵-۸) در کنار نقل قول از عهدعتیق، پولس از دو تا از مهمترین مراجع اقتدار کلیسای اولیه استفاده می کند (ر.ک. «کتاب راهنمای مترجم در مورد نامه پولس به رومیان» نیومن و نیدا، صفحه ۲۷۱). عاری بودن مسیح از نفس پرستی - زمانی که گناهان تمام جهان را متحمل می شد - نمونه ماست (ر.ک. ۱ یوحنا ۳: ۱۶).

۱۵: ۴ "زیرا هر آنچه که در گذشته نوشته شده است، برای تعلیم ما بوده" عهد عتیق، برای ایمانداران عهد جدید نیز نوشته شده است (ر.ک. روم ۴: ۲۳-۲۴؛ ۱۵: ۴؛ ۱ قرن ۱۰: ۹؛ ۱۱، ۶: ۱۰). این کتب برای ایمانداران معاهده جدید مطرح و مربوط هستند (ر.ک. ۲ تیمو ۲: ۱۵؛ ۱۶: ۳-۱۷). یک تداوم و در عین حال یک گسست میان عهد جدید و عهد عتیق وجود دارد.

□ "تا با پایداری و آن دلگرمی که کتاب مقدس می بخشد" توجه کنید چگونه حقایق کلام خدا و شیوه زندگی که ایمانداران در اثر آن اختیار کرده اند، با هم ادغام شده اند. ایمان و عمل به یکدیگر متصل هستند (ر.ک. آیه ۵). نتیجه آنها اطمینان در زندگی، در مرگ و در امید بازگشت مسیح است که وعده داده شده است.

□ "امید داشته باشیم" این جمله «حال متعدی التزامی» است و می گوید امید ما به اعمالی وابسته می باشد که پیشتر در آیه ۴ ذکر شد. در عهد جدید منظور از "امید"، اغلب «بازگشت ثانوی» است که با فرا رسیدن آن نجات ما کامل خواهد گردید (ر.ک. روم ۸: ۳۰، ۱ یوحنا ۲: ۳). این واژه یونانی، بر خلاف واژه انگلیسی، تردید را نمی رساند. بازگشت ثانوی، رویدادی قطعی است اما زمان آن نامعلوم است.

پولس این کلمه [امید] را اغلب به چند معنی مختلف ولی مرتبط، استفاده می کند. اغلب، به مراد رسیدن ایمان مسیحی را می رساند. برای بیان آن می توان جلال، حیات جاودان، نجات نهایی، بازگشت ثانوی و غیره را عنوان نمود. به مراد رسیدن ایمان، قطعی است اما زمان آن آینده و نامعلوم است. واژه "امید" را اغلب به "ایمان" و "محبت" ارتباط می دهند (ر.ک. ۱ قرن ۱۳: ۱۳؛ ۱ تسالونی ۳: ۱؛ ۲ تسالونی ۱: ۱۶: ۲). فهرست برخی از کاربردهای پولس از این کلمه در ذیل می باشد:

۱. بازگشت ثانوی مسیح، غلا ۵: ۵؛ افس ۱: ۱۸؛ ۴: ۴، تیطس ۲: ۱۳
۲. عیسی امید ما است، ۱ تیمو ۱: ۱
۳. توکل به انجیل، کولس ۱: ۲۳
۴. نجات نهایی، کولس ۱: ۵؛ ۱ تسالونی ۴: ۱۳؛ ۵: ۸
۵. جلال خدا، روم ۵: ۲، ۲ قرن ۳: ۱۲؛ کولس ۱: ۲۷
۶. اطمینان نجات، ۱ تسالونی ۵: ۸
۷. حیات جاودان، تیطس ۱: ۲؛ ۳: ۷
۸. فدیة همه مخلوقات، روم ۸: ۲۰
۹. ایمان، روم ۸: ۲۳-۲۵، ۱۵: ۴
۱۰. عنوان خدا، روم ۱۵: ۱۳
۱۱. آرزوی پولس برای ایمانداران، ۲ قرن ۱: ۷

۱۵: ۵ "باشد که خدایی که... به شما عطا کند" این عبارت، یک مورد نادر «گذشته غیرمعین متعدی تمنایی» است، که یک آرزو یا دعا را ابراز می نماید. دعای پولس، آیات ۵-۶ دو درخواست دارد (۱) تا همفکر باشند (ر.ک. ۱۲: ۱۶؛ ۲ قرن ۱۱: ۱۳؛ فیل ۲: ۲) و (۲) تا همصدا در شکرگذاری باشند (ر.ک. ۶، ۷، ۹).

□ "خدایی که پایداری و دلگرمی می بخشد" این تقریباً یک عنوان توصیفی خدا می باشد (ر.ک. ۱۵: ۱۳؛ ۱ قرن ۱: ۳). این صفات مشخصه خدا از طریق کتاب مقدس نصیب ایمانداران می شود (ر.ک. آیه ۴). به این «عنوان خاص» رجوع نمایید: نیاز به پایداری در ۸: ۲۵.

۱۵: ۶ " خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح " این عنوان کامل الوهیت در عهد جدید می باشد (ر.ک. ۲ قرن ۱: ۳؛ افس ۱: ۳؛ ۱ پطرا ۱: ۳). این خدا، خدایی نیست که وجودش از لحاظ فلسفی ضرورت داشته باشد، بلکه خدای مکاشفه است. به این دو عنوان خدا در دعای پولس در آیات ۵-۶ توجه کنید (۱) خدای پایداری و دلگرمی؛ و (۲) خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح. قسمت «عنوان خاص»: نیاز به پایداری در ۸: ۲۵ و پدر در ۱: ۷ را ببینید.

متن NASB (به روز شده) ۱۵: ۷-۱۳

۷ بنابراین، یکدیگر را بپذیرید، چنانکه مسیح نیز ما را برای جلال خدا پذیرفت.^۸ زیرا من می گویم که مسیح خادم ختنه شدگان گردیده است - به خاطر حقیقت خدا - تا وعده هایی را که به پدران داده شده بود تأیید نماید،^۹ و برای غیریهودیان، تا خدا را بخاطر رحمتش جلال دهند؛ چنانکه نوشته شده است، "بنابراین در میان غیریهودیان ترا ستایش خواهم کرد، و نام ترا خواهم سراپید." ^{۱۰} و باز می گوید، " ای غیریهودیان، با قوم او شادی کنید." ^{۱۱} و مجدداً، " ای تمامی غیریهودیان خداوند را ستایش کنید، و همه قوم ها او را ستایش کنند." ^{۱۲} باز اشعیا می گوید، " ریشه یسی خواهد آمد، و او که برمی خیزد تا بر غیریهودیان حکومت نماید، غیریهودیان به او امید خواهند بست." ^{۱۳} اینک خدای امید، شما را بوسیله ایمان داشتن، با تمامی شادی و آرامش پر سازد تا با قدرت روح القدس، سرشار از امید گردید.

۷: ۱۵

TEV, NASB " یکدیگر را بپذیرید "

NKJV " یکدیگر را پذیرا باشید "

NRSV " یکدیگر را خوش آمد گوید "

JB " با همدیگر به طور یکسان رفتار دوستانه داشته باشید "

این جمله «حال انعکاسی امری» است. ایمانداران باید به قبول داشتن یکدیگر ادامه بدهند، زیرا مسیح آنها را قبول کرد. این واقعیت در ۱۴: ۱ دیده می شود. اما اینجا تعدادی آیات از عهدعتیق مطرح شده اند که می گویند خدا غیریهودیان را می پذیرد (ر.ک. آیات ۹-۱۲). احتمالاً این بازتابی از تنش در کلیسای روم بوده است.

مشخصه مسیحیت، از خود گذشتن ایمانداران در رابطه با یکدیگر است (ر.ک. ۱: ۱۲؛ ۵: ۱۰، ۱۶، ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۱۳، ۱۹؛ ۱۵: ۷، ۵، ۱۴؛ ۱۶: ۱۶).

□ "چنانکه مسیح نیز ما را... پذیرفت" این جمله «گذشته غیرمعین انعکاسی اخباری» است. انگیزه و محرک عمل ایماندار نسبت به دیگران در اینجا است (ر.ک. ۱۴: ۳). در باب ۱۴ موضوع اینها بود (۱) مسیح بعنوان سرور و داور، آیات ۱-۱۲، و (۲) مسیح بعنوان نمونه محبت فداکارانه [از خود گذشته] است، آیات ۱۳-۲۳. مسیح ما را پذیرفت، ما نیز باید دیگران را بپذیریم!

□ "برای جلال خدا" یادداشت ۳: ۲۳ را ببینید.

۱۵: ۸ " مسیح ... خادم ختنه شدگان گردیده است " عیسی، تحقق نبوت های عهد عتیق توسط خدا است (ر.ک. متی ۱۵: ۲۴). ممکن است این خطاب به تنش بین ایمانداران یهودی و ایمانداران غیریهودی در کلیسای روم باشد.



NASB " به خاطر حقیقت خدا - تا وعده هایی را که به پدران داده شده بود تأیید نماید "

NKJV " برای حقیقت خدا، تا وعده هایی را که به پدران داده شده بود تأیید نماید "

NRSV " از طرف حقیقت خدا - تا آنکه وعده هایی را که به پتریارخ ها داده شده بود تأیید نماید "

TEV " بخاطر یهودیان، تا نشان دهد که خدا امین است، تا وعده هایش را به اجدادشان تحقق بخشد "

JB " تا خدا بتواند با امانت وعده هایی را که به پاتریارخ ها داده بود به انجام برساند "

این احتمالاً به وعده های خدا در عهد عتیق به قوم اسرائیل مربوط می شود (ر.ک. ۴: ۱۶). لکن می تواند اشاره به وعده های خدا برای فدیة دادن همه انسانها باشد (ر.ک. پید ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، خرو ۱۹: ۵-۶؛ اش ۲: ۲-۴؛ ۵۶: ۷؛ ۶۶: ۱۸-۲۴). راز انجیل این است که نقشه خدا همیشه متحد ساختن یهودیان و امتها بوسیله مسیح بوده است (ر.ک. افسس ۲: ۱۱ تا ۳: ۱۳).

پیغام عهد جدید اینست که امیدهای عهد عتیق به حقیقت پیوسته اند، و چیزی کاملاً جدید نیست. ماموریت عظیم مسیح این بود که (۱) امیدی را که به قوم اسرائیل وعده داده شده بود، تحقق بخشد؛ و (۲) در را به روی غیر یهودیان باز کند (ر.ک. روم ۳: ۲۹-۳۰؛ ۹: ۳۰؛ ۱۱: ۱۰-۱۲، ۱۶-۲۰؛ ۱۱: ۲۵، ۳۲؛ ۱۶: ۲۵؛ افس ۲: ۱۱-۳: ۲۱). از آنجا که قوم اسرائیل در ماموریت بشارتی اش برای آشکار ساختن خدا و جذب غیر یهودیان به سوی ایمان، قاصر شده بود، عیسی یک "قوم اسرائیل جدید روحانی" را توانمند می سازد (ر.ک. غلا ۶: ۱۶) تا این وظیفه جهانی را به انجام برساند (ر.ک. متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ یوحنا ۳: ۱۶)

▣ "تایید نماید" به عنوان خاص در مورد ۴: ۱۶ رجوع نمائید.

۱۵: ۹-۱۲ این آیات، شماری از نقل قول های عهد عتیق هستند و درینجا نشان می دهند که غیر یهودیان همیشه جزو نقشه خدا بوده اند (ر.ک. ۱۰: ۱۶-۲۰). آیات مذکور عهد عتیق به نقل از مزمور ۱۸: ۴۹ یا ۲ سمو ۲۲: ۵۰؛ تث ۳۲: ۴۳؛ مزمور ۱۱۷: ۱؛ و اش ۱۱: ۱، ۱۰ می باشند. توجه کنید از هر بخش کتاب های اصیل الهامی عبری (canon) نقل قولی آمده است: از شریعت، انبیاء و مکتوبات [کتوبیم].

۱۵: ۹ " تا خدا را بخاطر رحمتش جلال دهند " رحمت خدا در کتاب رومیان، کلید علم الهی در مورد "مقدر بودن ازلی سرنوشت" (ر.ک. ۹: ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳) و "پذیرفته شدن غیر یهودیان" است (ر.ک. ۱۱: ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۱۵: ۹). این رحمت خداست که قوم اسرائیل را نجات بخشید. رحمت خداست که ایمانداران غیر یهودی را نجات می بخشد. کوشش انسان و انجام فرایض آن را حاصل نمی کند (ر.ک. روم ۹)، بلکه شخصیت پرفیض و تغیرناپذیر خدا است (ر.ک. خرو ۳۴: ۶؛ نح ۹: ۱۷؛ مزمور ۱۰۳: ۸، ۴؛ یوئیل ۲: ۱۳) و وعده ماشیح (ر.ک. اش ۱۱: ۱، ۱۰).

۱۵: ۱۳ " اینک خدای امید " این جمله که در تمجید خداست، خاتمه واحد ادبی بود که از ۱۴: ۱ آغاز شد. خدای امید، یکی از عناوین پر شکوه دیگر برای خدا بود.

۱۵: ۱۳ " شما را ... با تمامی شادی و آرامش پر سازد " این جمله یک «گذشته غیرمعین متعدی تمنای» است که دعای پولس برای ایمانداران روم می باشد. به کاربرد کلمه "تمامی" توجه کنید (ر.ک. ۵: ۱-۲؛ ۱۴: ۱۷).



"بوسیله ایمان داشتن" NRSV ،NKJV ،NASB
 "بوسیله ایمان شما به او" TEV
 "در ایمان شما" JB

این جمله «مصدرحال اخباری» می باشد. این اطمینان خاطر در مورد استقامت است که با ادامه ایمان به مسیح، و به وسیله قوت روح القدس، و استراحت یافتن درشادی و آرامش شخصی بدست می آید. ایمان به مسیح، صرفاً لبیک ما در ابتدای کار نیست بلکه پاسخ عملی در شیوه زندگی است.

□ "تا ... سرشار از امید گردید" این «مصدرحال اخباری» *perisseuō* می باشد که اساساً به معنای "بیشتر و فراتر" است.

عنوان خاص: سرشار (vesperisō)

پولس غالباً از این واژه استفاده می کند:

۱. راستی خدا آشکارتر می گردد و او بیشتر جلال می یابد، روم ۳: ۷
 ۲. عطیه رایگان در فیض آن فرد، یعنی عیسی مسیح، فزونی یافت، روم ۵: ۱۵
 ۳. ایمانداران، سرشار از امید اند، روم ۱۵: ۱۳
 ۴. ایمانداران با خوردن یا نخوردن غذاهای خاصی، در نظر خدا شایستگی نمی یابند، ۱ قرن ۸: ۸
 ۵. ایمانداران به فراوانی در تقویت و پیشرفت کلیسا عمل می کنند، ۱ قرن ۱۴: ۱۲
 ۶. ایمانداران در کار خداوند به فراوانی شرکت می کنند، ۱ قرن ۱۵: ۵۸
 ۷. ایمانداران به فراوانی در رنج های مسیح و تسلی او سهیم می گردند، ۲ قرن ۱: ۵
 ۸. خدمتی که به پارساشمردگی می انجامد آکنده از جلال است، ۲ قرن ۳: ۹
 ۹. شکرگزاری ایمانداران باید افزایش یابد تا سبب جلال خدا گردد، ۲ قرن ۴: ۱۵
 ۱۰. فزونی شادی ایمانداران، ۲ قرن ۸: ۲
 ۱۱. ایمانداران سرشار از همه چیز هستند (ایمان، بیان، معرفت، جدیت، و محبت) همچنین در هدیه به کلیسای اورشلیم، ۲ قرن ۸: ۷
 ۱۲. تمامی فیض به فراوانی، نصیب ایمانداران می شود ۲ قرن ۹: ۸
 ۱۳. شکرگزاری فراوان و سرریز ایمانداران به خدا، ۲ قرن ۹: ۱۲
 ۱۴. دولت فیض خدا به فراوانی به ایمانداران اعطا شده، آنها را سرشار می سازد، افس ۱: ۸
 ۱۵. محبت ایمانداران باید همچنان بیشتر فزونی یابد، فیل ۱: ۹
 ۱۶. اعتماد ایمانداران به پولس در مسیح افزون می گردد، فیل ۱: ۲۶
 ۱۷. به فراوانی داشتن، فیل ۴: ۱۲، ۱۸
 ۱۸. ایمانداران لبریز از شکرگزاری، کولس ۲: ۷
 ۱۹. محبت ایمانداران به یکدیگر و به همه مردم بسیار افزون می گردد، ۱ تسال ۳: ۱۲
 ۲۰. فزونی در شیوه زندگی خداپسندان، ۱ تسال ۴: ۱
 ۲۱. سرشار از محبت نسبت به ایمانداران دیگر، ۱ تسال ۴: ۱۰
- از نظر پولس، فیض خدا در مسیح "بیشتر و فراتر" بود؛ بهمین ترتیب، ایمانداران نیاز دارند در این فیض و محبت "بیشتر و فراتر"، در زندگی روزانه شان گام بردارند!

□ "با قدرت روح القدس" روح القدس آن «شخص» در تثلیث الهی است که در این عصر جدید فعال می باشد. هیچ چیزی که ارزش یا تاثیر ماندگاری دارد بدون او اتفاق نمی افتد (ر.ک. ۱۵: ۱۹؛ ۱ قرن ۲: ۴؛ ۱ تسا: ۱). به عناوین خاص ۸: ۹ و ۸: ۱۱ مراجعه نمایید.

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب راهنمای تفسیر میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است، گام بردارد. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات بدین منظور در اینجا آورده شده است تا به شما کمک کند تا در مورد مسائل اصلی این قسمت کتاب بیندیشید. فرض بر این بوده که این سوالات جوابهای قطعی نداشته باشند بلکه تفکربرانگیز باشند.

۱. واقعیت محوری رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ چیست؟
۲. چرا پولس در آیات ۹-۱۲ از عهدعتیق نقل می کند؟ در آنجا چه حقیقت بزرگی تعلیم داده شده است؟

مفاهیم استنباط شده در متن رومیان ۱۴-۳۳

- الف. از بسیاری جهات پایان این نامه شبیه به آغاز آن می باشد، ۸-۱۵:
۱. ایمانشان را می ستاید (ر.ک. ۱: ۸)
 ۲. از رسالت پولس برای رسانیدن انجیل به غیر یهودیان، دفاع می کند (ر.ک. ۱: ۱۴، ۱۳)
 ۳. اشتیاق پولس را برای ملاقات آنها اظهار می کند (ر.ک. ۱: ۱۰، ۱۳)
 ۴. تمایل پولس را نشان می دهد تا آنها، سر راهش به مناطق دیگری که هنوز بشارت به آنها نرسیده است، به او یاری دهند (اسپانیا، ر.ک. ۱: ۱۳)
- ب. دوباره در اینجا اشاره ای به تنش بین ایمانداران یهودی و غیر یهودی در کلیسای رومیان است که در سراسر نامه به آن اشاره یا کنایه می شود، اما مخصوصاً در بابهای ۹-۱۱، ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳.
- پ. همچنین در اینجا اشاره ای به تنش در کلیسای اولیه در رابطه با جایگاه رسالت پولس وجود دارد. بنظر می رسد که او در آیات ۱۵-۱۹؛ ۱: ۲، ۵ از خودش دفاع می کند.
- ت. این واحد ادبی، شامل دو موضوع می شود.
۱. خدمت رسالتی و بشارتی پولس، که محور آن غیر یهودیان هستند (ر.ک. آیات ۱۴-۲۱)
 ۲. نقشه سفر پولس برای دستیابی به مقصودش، ممکن است باعث عبور او از روم شود (آیات ۲۲-۲۳)

متن NASB (به روز شده): ۱۵: ۱۴-۲۱

۱۴ و درباره شما، برادرانم، من خود نیز مطمئن هستم که شما خود مملو از نیکویی، و سرشار از کمال معرفت هستید و نیز قادرید یکدیگر را نصیحت کنید. ۱۵ اما با جسارت بسیار در باره برخی نکات به شما نوشته ام تا دوباره برایتان یادآوری نمایم؛ بخاطر فیضی که از طرف خدا به من داده شد، ۱۶ تا خدمتگزار مسیح عیسی برای غیر یهودیان بوده، بعنوان کاهن انجیل خدا خدمت کنم، تا هدیه من [یعنی] غیر یهودیان، مورد قبول واقع شده، بوسیله روح القدس تقدیس گردند. ۱۷ بنابراین در عیسی مسیح دلیلی برای فخر کردن به چیزهایی که در مورد خداست، یافته ام. ۱۸ زیرا به خود اجازه نمی دهم از چیزی جز آنچه مسیح بوسیله من انجام داده است سخن گویم، با نتیجه اطاعت غیر یهودیان بوسیله گفتار و کردار، ۱۹ در قدرت آیات و عجایب، به قدرت «روح»؛ بطوریکه از اورشلیم و اطراف تا ایلیریوم انجیل مسیح را بطور کامل موعظه کرده ام. ۲۰ و اینگونه با اشتیاق جدیت کردم تا انجیل را موعظه کنم، نه جایی که قبلاً نام مسیح به آنجا رسیده بود، تا بر شالوده ای که دیگری نهاده، بنا نکنم، ۲۱ بلکه آنطور که نوشته شده، "آنانی که از او بی خبر بودند خواهند دید، و آنانی که نشنیده بودند، خواهند فهمید."

۱۴: ۱۵

NASB " و درباره شما ، برادرانم ، من خود نیز مطمئن هستم "

NKJV " اکنون من خود درباره شما مطمئن هستم، ای برادران من "

NRSV " من خود درباره شما احساس اطمینان می کنم، ای برادران و خواهران من "

TEV " ای دوستان من : من خود احساس اطمینان می کنم که شما "

JB "از آنرو نیست که من در مورد شما هیچ شکی دارم، ای برادران من؛ برعکس کاملاً مطمئن هستم که شما"

کلمه "من" (*auto egō*) در یونانی بسیار تأکیدی است. پولس حقیقتاً دارد از این کلیسا تعریف می کند ("مطمئن هستم"، «کامل غیر مستقیم اخباری» است).

پولس در آیه ۱۴ سه موضوع را درباره این مسیحیان روم اظهار می کند: (۱) آنها مملو از نیکویی هستند [«حال اخباری متعددی»] (۲) آنها مملو از معرفت هستند [«وجه وصفی غیرمستقیم کامل»] (۳) آنها قادرند همدیگر را نصیحت کنند [«حال وصفی غیرمستقیم»]. این آیه تلویحاً می گوید پولس پیام جدیدی برای آنها نیاورده است، بلکه خبرخوشی را که قبلاً شنیده و پذیرفته اند توضیح می دهد و روشن می سازد (آیه ۱۵).

▣ "شما خود مملو از نیکویی... هستید" همانطور که "من خود" در عبارت اول جنبه تأکیدی دارد، " شما خود" در اینجا تأکیدی است. کلمه "مملو" (*mestos*) به معنای "پر از" یا "انباشته از" می باشد. پولس این اصطلاح را فقط دوبار استفاده می کند، و هر دو بار در رومیان است (۱: ۲۹ ؛ ۱۵: ۱۴).

کلمه "پر شده" (*Ipēorō*) «وصفی غیرمستقیم کامل» است. پولس این کلمه را غالباً در رومیان استفاده می کند (ر.ک. ۱: ۲۹ ؛ ۸: ۴ ؛ ۱۳: ۸ ؛ ۱۵: ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۹). او همچنین بکرات *Ipērōma* را که از لحاظ دستوری اسم است، در رومیان استفاده می کند (ر.ک. ۱۲: ۱۱ ، ۲۵ ؛ ۱۳: ۱۰ ؛ ۱۵: ۲۹)، اما هرگز از شکل صفت آن در نوشته هایش استفاده نمی کند.

خواستۀ پولس این بود که تمامیت انجیل، ایمانداران را لبریز سازد تا محبت و خدمت را به فراوانی انجام دهند. هر آنچه ایمانداران نیاز دارند در مسیح می یابند. این اطمینان را آنها باید کاملاً قبول کنند و بپذیرند.

□ **"مملو از نیکویی، و سرشار از کمال معرفت"** این عبارات را می توان به دو معنی مختلف گرفت: (۱) که در متن، به واحد ادبی مرتبط اند که بلافاصله پیش از این در ۱۴:۱-۱۳:۱۵ است - یعنی به محبت ایمانداران به یکدیگر، علیرغم اختلاف نظرهای مسیحیان در مواردی که آموزه های صریحی در کتاب مقدس نیست. تأیید این می تواند در کاربرد عمومی واژه "نیکو" در ۱۴:۱۶؛ ۱۵:۲ و در اینجا باشد؛ یا (۲) که آن به انجیل جامع در موضوعات ایمان و کردار، راست دینی و راست رفتاری ارتباط دارد.

۱۵:۱۵ **"اما با جسارت بسیار، به شما نوشته ام"** پولس نامه اش را به رومیان از قرنس نوشت. دسته ای در آن کلیسا به او تعرض کرده بودند که او در نامه هایش جسور، اما حضوراً ضعیف است. کلمه "جسورانه" به صورت فعل، در ۲ قرن ۱۰:۲، ۱۲:۱۱؛ ۲۱ دیده می شود. جسور بودن پولس نتیجه ایمان آوردن، دعوت و معرفت او از انجیل بود.

□ **"بخاطر فیضی که از طرف خدا به من داده شد"** پولس به فیض خدا اشاره می کند (ر.ک. ۱:۵؛ ۱۲:۳؛ ۱ قرن ۳:۱۰؛ ۱۵:۱۰؛ ۲:۹؛ و افس ۳:۷-۸) که او را فراخواند، نجات بخشید، عطایا داد، و به سوی غیریهودیان فرستاد (ر.ک. ۱۱:۱۳؛ ۱۵:۱۶). او به این نحو از رسالت و اقتدار خود دفاع میکند (ر.ک. ۱:۵، ۱).

□ **۱۵:۱۶ "خدمتگزاری... خدمت کنم...هدیه...مورد قبول"** آیه ۱۶ و ۱۷ شامل چند اصطلاح و عبارت مربوط به کاهنان می باشد. "خدمتگزاری" در آیه ۲۷ در مورد خدمت کاهن استفاده شده است. در عبرانیان ۲:۸ در مورد خدمت مسیح بکار رفته است. پولس خود را چون کاهنی می دید (ر.ک. فیل ۲:۱۷) که غیریهودیان را به خدا تقدیم می کند، که این امر وظیفه یهودیان بوده است (ر.ک. خرو ۵:۱۹-۶؛ و ۶ اشع ۶۶:۲۰). این مأموریت بشارتی به کلیسا افاضه شده است. (ر.ک. متی ۲۸:۱۸-۲۰؛ لوقا ۲۴:۴۷). در ۱ پط ۲:۵، ۹ و مکا ۱:۶ اصطلاحات کهنانته از عهد عتیق در مورد کلیسا به کار رفته است.

□ **"بوسیله روح القدس تقدیس گردند"** این عبارت «وجه وصفی غیرمستقیم کامل» است، بدین معنی که "بوسیله روح القدس تقدیس شده، و مستمراً تقدیس می شوند." این جمله ممکن است مجدداً تنش بین ایمانداران یهودی و غیریهودی را در کلیسای روم منعکس کند. پولس به صراحت می گفت روح القدس ملت ها (غیریهودیان) را در گذشته و مستمراً در حال نیز کاملاً پذیرفته و تقدیس می نماید (۱ قرن ۶:۱۱).

۱۵:۱۷-۱۹ به اقدام متحد خدای تثلیث توجه کنید: به خدا (ر.ک. آیه ۱۷)؛ در مسیح (ر.ک. آیه ۱۷) و در قدرت روح (ر.ک. آیه ۱۹). همچنین به سه «شخص» در تثلیث در آیه ۳۰ توجه نمایید. اگرچه کلمه "تثلیث" در خود کتاب مقدس نیامده است، اما موضوع آن کتاب مقدسی است (متی ۳:۱۶-۱۷؛ ۲۸:۱۹؛ اعمال ۲:۳۳-۳۴؛ روم ۸:۹-۱۰؛ ۱ قرن ۱۲:۴-۶؛ ۲ قرن ۱:۲۱؛ ۱۳:۱۴؛ افس ۳:۱-۱۴؛ ۴:۴-۶؛ تیطس ۳:۴-۶؛ ۱ پط ۱:۲). به عنوان خاص «تثلیث» در ۸:۱۱ رجوع نمایید.

۱۵:۱۸-۱۹ پولس جنبه های مختلفی از خدمت مؤثر خود را بین غیریهودیان فهرست می کند (۱) در سخن؛ (۲) در کردار؛ (۳) در آیات؛ (۴) در عجایب؛ و (۵) همه به وسیله قدرت «روح». تذکری درباره تفاوتی در نسخه خطی مربوط به شماره ۵، «روح»: بعضی متون یونانی "روح القدس" را اضافه می کنند، و بعضی "روح خدا" را. همچنانکه در موارد دیگر این گونه تفاوت های متن صدق می کند، این اضافه نمودن، یا تصریح وحی نشده، حقیقت این قسمت را تغییر نمی دهد. اینکار، تلاش کاتبان بعدی که از متن نسخه برداری می کردند بوده تا عبارات عهدجدید را استاندارد و یک شکل کنند.

۱۸:۱۵ " با نتیجه اطاعت غیر یهودیان " خدا همیشه در صدد قومی بوده است که شخصیت او را منعکس کنند. انجیل عیسی، برقراری مجدد شباهت خدا [در انسان] است که با سقوط آدم در باب ۳ پیدایش، از میان رفت. نشانه‌ی مشارکت نزدیک با خدا، شخصیت خداپسندانه است. هدف مسیحیت اینست که همین حالا با خدا مشارکت داشته، در شباهت به مسیح باشیم!

□ " بوسیله گفتار و کردار " این اشاره ای بود به خدمت پولس، نه به اطاعت مسیحیان روم. روشن است که این به قدرت «روح» در آیه ۱۹ مربوط می باشد.

۱۵:۱۹ " در قدرت آیات و عجایب " این دو کلمه بارها در کتاب اعمال دیده می شود (ر.ک. ۱۴: ۸-۱۰؛ ۱۶: ۱۶-۱۸، ۲۵-۲۶؛ ۹: ۲۰-۱۲؛ ۲۸: ۸-۹)، و در توصیف قدرت خدا است که بوسیله انجیل عمل می کند (ر.ک. ۲ قرن ۱۲: ۱۲). این دو بنظر مترادف می رسند. اینکه دقیقاً اشاره به چه بود - معجزات یا ایمان آوردن - نامعلوم است. یکبار دیگر، ممکن است کنایه ای به تنش بر سر رسالت پولس، بوده باشد. همانطور که خدا کار « دوازده » حواری را در اورشلیم تصدیق کرد، همچنین کار پولس در بین امتهای را با نشانه های قابل رؤیت، تصدیق نمود.

□ " انجیل مسیح را بطور کامل موعظه کرده ام " این «کامل متعدی مصدری» *Ipēorō* است (ر.ک. آیه ۱۴). منظور اینست که پولس باور داشت وظیفه خود را در موعظه به نواحی شرقی مدیترانه به پایان رسانده است (آیه ۲۳).

□ " تا ایلیریوم " ایالت رومی نامبرده، به دالماتیة نیز معروف می باشد، و در شرق دریای آدریاتیک و شمال غربی شبه جزیره یونانی (مقدونیه) قرار دارد. در هیچ قسمتی از کتاب اعمال نیامده که پولس در آنجا موعظه کرده باشد، اما به حضور او در آن ناحیه اشاره می نماید (ر.ک. ۲۰: ۱-۲). " تا " می تواند به معنای "در مرز..." یا "در قلمرو..." باشد.

۲۰:۱۵ " و اینگونه با اشتیاق جدیت کردم تا انجیل را موعظه کنم، نه جایی که قبلاً نام مسیح به آنجا رسیده بود " این استراتژی مداوم پولس برای بشارت در مناطق مختلف بود (ر.ک. ۱ قرن ۳: ۱۰، ۲ قرن ۱۰: ۱۵ - ۱۶). او می خواست به بت پرست هایی که هرگز فرصت شنیدن و پذیرفتن انجیل را نداشته بودند بشارت دهد. او معمولاً شهرهای بزرگ امپراطوری روم را که در مناطق استراتژیک قرار داشتند انتخاب می کرد تا کلیسایی که در آنجا تشکیل می شدند بتوانند در حوالی خود بشارت دهند و شاگرد سازی کنند.

۱۵: ۲۱ این نقل قولی از «ترجمه هفتاد» (LXX) و از اشعیا ۵۲: ۱۵ می باشد که می گوید غیر یهودیان درباره خدا می شنوند. پولس این نبوت را بعنوان استراتژی بشارتش در مناطق مختلف برگزید.

متن NASB (به روز شده): ۱۵: ۲۲-۲۹

۲۲ به همین سبب اغلب از آمدن نزد شما بازداشته شده ام؛ ۲۳ اما اکنون که در این مناطق دیگر جایی برای من باقی نمانده، و از آنجا که سالهاست مشتاق آمدن نزد شما هستم ۲۴ هرگاه که عازم اسپانیا باشم - زیرا امید دارم سر راهم شما را ببینم، و با کمک شما در آنجا سفرم را ادامه دهم، وقتی ابتدا چندی از مصاحبت شما لذت برده باشم - ۲۵ اما در حال حاضر آهنگ اورشلیم دارم تا مقدسان را خدمت کنم. ۲۶ زیرا کلیساهای مقدونیه و اخانیه را پسند آمد که به تنگدستان در میان مقدسان اورشلیم کمک کنند. ۲۷ بله، آنها به

انجام این کار رغبت داشتند، و مدیون آنها هستند. زیرا اگر آن غیر یهودیان، دربرکات روحانی آنها شریک شده اند، مدیون هستند تا در چیزهای مادی نیز ایشان را خدمت کنند^{۲۸} بنابراین وقتی این را به انجام رسانم و مهر خود را بر این ثمره آنها زنم، با گذر از نزد شما رهسپار اسپانیا خواهم شد.^{۲۹} می دانم که وقتی نزد شما بیایم، با پُری برکت مسیح خواهم آمد.

۱۵: ۲۲ " به همین سبب" این دلیل در آیه ۲۰ توضیح داده شده است.

□ "اغلب ... بازداشته شده ام" این جمله «گذشته استمراری غیر مستقیم اخباری» است. او بارها و بارها بازداشته شده است (ر.ک. ۱: ۱۳) کسی که او را بازداشته مشخص نشده است. این ممکن است خدا، شیطان، مردم شریر، یا فرصت های دیگر بشارت انجیل بوده باشد. در نظر داشته باشید پولس، نامه رومیان را وقتی در قرننس بود می نوشت. در قرننس مخالفان پولس، بخاطر اینکه او نتوانسته بود برنامه سفرهایش را به انجام برساند، به او تعرض کردند. پولس مسلماً از حملاتی که از داخل کلیسای قرننتیان به او شده بود تأثیر پذیرفته بود. او ممکن است اشاره می کرد که برنامه سفر او بارها و بارها با مانع مواجه شده است.

۱۵: ۲۳ "اما اکنون که در این مناطق دیگر جایی برای من باقی نمانده" این آیه را باید با توجه به محدوده جغرافیایی آسیای میانه یا شرق ناحیه مدیترانه درک کرد. پولس به همه کس و در همه جای این مناطق موعظه نکرده بود، بلکه فقط به بخشی از آن.

□ "و از آنجا که سالهاست مشتاق آمدن نزد شما هستم" پولس اغلب آرزویش را برای دیدار روم ابراز کرده بود (ر.ک. ۱: ۱۰-۱۵؛ اعمال ۱۹: ۲۱؛ ۲۳: ۱۱).

درین مقطع، تفاوتی در نسخه های خطی یونانی وجود دارد که در پانوشت های نقادانه⁴ UBS فهرست نشده است. نسخه های یونانی باستانی⁴⁶ MSSP، A، B، C، D، F، G و L دارای "بسیاری" (polus) می باشند که در آیه ۲۲ استفاده شده است، اما MSSB، C و P دارای "چند" (ikanos) می باشند. احتمالاً کاتبین متأخرتر از شدت تأکید پولس خشنود نبودند.

۱۵: ۲۴ "هرگاه که عازم اسپانیا باشم" پولس می خواست به قسمت غربی امپراطوری روم برود (ر.ک. ۲ قرن ۱۰: ۱۶). او بعد از پایان یافتن کتاب اعمال، از زندان روم آزاد شد و سفر بشارتی چهارم را آغاز کرد. رسالات شبانی (۱ تیمو، ۲ تیمو و تیطس) در این سفر بشارتی چهارم نوشته شدند. احتمالاً در ۲ تیمو ۱۰: ۴ اشاره ای به این سفر وجود دارد زیرا بعضی از نسخه های دستی آنشیل [متون انحصاراً با حروف درشت] یونانی A، C و وُلگیت لاتینی [ترجمه لاتین قرن پنجم کتاب مقدس] و ترجمه قبطی از کلمه "گال" استفاده می کنند. کلمنت روم که قبل از پایان قرن اول میلادی به تحریر پرداخت، در یکی از نوشته های خود با عنوان "نامه به قرننتیان" ۵: ۷ نیز اظهار می کند که پولس به "مرزهای غرب" سفر کرد.

□ "و با کمک شما سفرم را ادامه دهم" برای یاری به خادمین میسیونری که به مناطق مختلف مسافرت کرده، بشارت می دادند، این عبارت در کلیسا تبدیل به یک اصطلاح کاربردی گردید تا به چنین خادمین جهت رفتن به مقصد بعد برای موعظه، کمک کنند (ر.ک. اعمال ۱۵: ۳؛ ۱ قرن ۱۶: ۶، ۱۱؛ ۲ قرن ۱: ۱۶؛ تیطس ۳: ۱۳؛ ۳ یوحنا ۶). روم قادر نبود در کمک مالی به کلیسای اورشلیم سهیم باشد اما آنها می توانستند برای سفر بشارتی پولس به غرب کمک مالی کنند.

۱۵: ۲۵ "مقدسان را خدمت کنم" این کلمه اغلب در ارتباط با جمع آوری هدایای نقدی استفاده می شد (ر.ک. آیه ۳۱؛ ۱ قرن ۱۶: ۱۵؛ ۲ قرن ۸: ۴؛ ۹: ۱). عنوان خاص: مقدسین در ۱: ۷ را ببینید.

۱۵: ۲۶ "به تنگدستان در میان مقدسان اورشلیم کمک کنند" پولس این اعانات را برای چندین سال از (۱) غلاطیه و آسیای میانه (ر.ک. ۱ قرن ۱۶: ۱-۴)، و (۲) مقدونیه و اخائیه (ر.ک. ۲ قرن ۸-۹) دریافت نموده بود (عنوان خاص: *koinōnia* در ۱۲: ۱۳ را ببینید)، و در اینمورد از کلیسای انطاکیه الهام گرفت (ر.ک. اعمال ۱۱: ۳۰؛ ۱۲: ۲۵) تا به اتحاد دو قطب کلیسای اولیه کمک شود - یهودیان و غیریهود. در مورد کلیسا های غیر یهود گفته شده که آنها با "کمال خوشنودی" این را پذیرفتند (ر.ک. آیات ۲۶ و ۲۷). به عنوان خاص زیر توجه کنید.

عنوان خاص: مسیحیان و گرسنگان

I. مقدمه

الف. وجود افراد فقیر و گرسنه یکی از نکاتی است که همیشه یادآور وضعیت سقوط کرده انسانیت و خلقت می باشد.

ب. فقر و گرسنگی یکی از جنبه های مسئله «شریر و رنج» می باشد. مسئولیت این موضوع مستقیماً به انسان نسبت داده شده است نه به خدا. اگرچه خدا از برکات و لعنت ها در ارتباط با کشاورزی استفاده کرد تا قوم متعهد خود را پاداش دهد یا مجازات نماید (تثنیه ۲۷-۲۸)، در مورد بی ایمانان چنین چیزی عموماً مصداق نداشته است (متی ۵: ۴۵). فقر و گرسنگی یکی دیگر از نمونه های طمع، خودخواهی، و مادی گرایی انسانها می باشد. مسئله گرسنگی واقعاً موضوع غذا نیست، بلکه مسئله انگیزه و اولویت های انسانها است.

پ. گرسنگی فرصتی برای بشر فدییه شده است تا محبت خدا را نشان دهد. واکنش ایمانداران به احتیاجات فیزیکی در کلیسا و در دنیا، نشان می دهد واقعا کی هستیم.

II. مطالب کتاب مقدسی

الف. عهد عتیق

۱. موسی

۱-۱. یکی از سه مورد ممکن «ده یک» در اسرائیل باستان برای افراد فقیر بوده است (تث ۱۴: ۲۸-۲۹)

۲-۱. شریعت مقررات خاصی برای خوردن فقرا در نظر گرفته بود (خروج ۲۳: ۱۱؛ لاو ۱۹: ۱۰؛ ۲۳: ۲۲؛ تث ۲۴: ۱۹-۲۲)

۳-۱. شریعت برای فقرا قربانی های خاص و کم بها را مجاز کرده بود (لاو ۱۴: ۲۱)

۴-۱. قوم اسرائیل ملزم به روحیه ای پر شفقت و سخاوتمند در رابطه با فقرا و نیازمندان می بود (تث ۱۵: ۷-۱۱، ر.ک. ایوب ۲۹: ۱۶؛ ۳۰: ۲۵؛ ۳۱: ۱۶-۲۳)

۲. ادبیات حکیمانه

۱-۲. برای آنانی که به فقرا یاری میدادند برکات خاصی در نظر گرفته شده بود (مزمور ۴۱: ۱)

۲-۲. کمک کردن به فقرا کمک کردن به خدا بود (امت ۱۴: ۳۱؛ ۱۷: ۵؛ ۱۷: ۱۹)

۳. انبیا

۳-۱. خدا ملزوم ساخته بود عبادت الهی به شکل عدالت اجتماعی و شفقت به فقرا باشد (اش ۵۸: ۶-۷؛ میکا ۶: ۸)

۳-۲. یک مشخصه پیام خدا این بود که به فقرا و نیازمندان اعلام شده بود (اش ۶۱: ۱-۲)

۳-۳. انبیاء خدا بهره کشی اجتماعی را محکوم می کردند (عا ۲: ۶-۸؛ ۵: ۱۰-۱۳؛ میکا)

ب. عهد جدید

۱. اناجیل

۱-۱. کمک به فقرا تذکر داده شده است (مرقس ۱۰: ۲۱؛ لوقا ۳: ۱۱)

۱-۲. داورى بر اساس محبت اجتماعى ما به ديگران، در نام عيسى، انجام مى شود. در واقع،

کمک به ديگران، کمک به عيسى است (متى ۲۵: ۳۱-۴۶)

۱-۳. اين برداشت از مرقس ۱۴: ۷ که عيسى توجهى به فقرا نداشت، برداشت بسيار اشتباهى

است. مقصود اين آيه اينست که يکتايى عيسى را تأکيد کند، نه اينکه فقرا را تحقير نمايد.

۱-۴. اشعيا ۶۱: ۱-۲ نشان مى دهد که افراد ترد شده از جامعه، پيغام خدا را مى پذيرند (لوقا

۴: ۱۸؛ ۷: ۲۲؛ ۱۴: ۲۱).

۲. پولس

۲-۱. پولس مفهوم هديه خاص محبتانه جهت فقراى كليساى اورشليم را از انطاكيه ي سوريه

آموخت (روم ۱۵: ۲۶؛ ۱ قرن ۱۶: ۱؛ ۲ قرن ۸: ۴، ۶، ۱۹؛ غلا ۲)

۲-۲. پولس، فيض و ايمان و اعمال را تأکيد مى کند (افس ۲: ۸-۱۰)

۳. يعقوب (ادبيات حکيمانه در عهد جديد)

۳-۱. ايمان به خدا توسط مسيح، بدون دغدغه اجتماعى، ايمانى بيمار است (يعقوب ۲: ۱۴-

۱۷)

۳-۲. او حتى مى گويد که ايمان بدون عمل، مرده است!

۴. يوحنا

۴-۱. نامه اول يوحنا تأکيد دارد که اطمينان مسيحي، بر يك زندگى تغيير يافته و حاكى از

ايمان و خدمت، متكى است (۱ يوحنا ۳: ۱۷-۱۸).

III. نتیجه گیری

الف. تيره بختى و نياز مندى بشر، به گناه بشر مربوط هستند. گرسنگى چندين جنبه دارد:

۱. رفتار غير عاقلانه (امثال ۱۹: ۱۵)

۲. مجازات توسط خدا (تثنيه ۲۷-۲۸)

۳. مرتبط با خدمت روحانى (۲ قرن ۱۱: ۲۷)

۴. شرايط و اوضاع فرهنگى (طمع، ادراك و غيره)

۵. وقايع مادى (قحطى، سيل، تگرگ و غيره)

ب. خدا حقيقتاً به مردم توجه دارد. او نيازمندان را بطرز خاصى دوست دارد!

پ. كليساى فعال، پاسخ خدا به نيازهاى بشر است (جسمانى و روحانى)

۱. اقدام مستقيم و شخصى

۲. اقدام مشاركتى اعضاى كليسا / كليسا

۳. سازماندهى سياسى به منظور ايجاد تغيير

ت. ما بايد نقادانه فرهنگ و اولويت هاى شخصى خود را در پرتو كتاب مقدس ارزيبابى كنيم: ۲ قرن ۸-۹

ث. نياز داريم چشمان، قلبها، و دستان ما به سوى نيازهاى مردم در داخل و خارج از كشور - در كليسا و

در جهان باز شود.

ج. کمک باید در ارتباط با این باشد که ما در مسیح در پرتو «مأموریت عظیم» که هستیم (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). کمک باید جسمانی و روحانی باشد.

۱۵: ۲۷ "اگر" این «جمله شرطی نوع اول» است که جهت اهداف ادبی نویسنده، از زاویه دید او، واقعیت فرض شده است. اگر غیر یهودیان در برکات روحانی یهودیان شریک هستند (ر.ک. روم ۱۰-۱۱) باید در کمک به نیازهای فیزیکی کلیسای مادر در اورشلیم نیز سهیم شوند.

۲۸: ۱۵

NASB "وقتی این را به انجام رسانم و مهر خود را بر این ثمره آنها زنم"
NKJV "وقتی این کار را انجام داده، این ثمره را به آنها مهر کرده باشم"
NRSV "وقتی این را کامل کرده، و آنچه را که جمع آوری شده بدست آنها برسانم"
TEV "وقتی من این وظیفه را تمام کرده باشم و تمام پول هایی را که برای آنها جمع آوری شده به آنها تحویل دهم"

JB "پس وقتی من این کار را انجام دهم و رسماً آنچه را که جمع آوری شده به دستشان رسانم"
این یک «گذشته غیرمعین متعدی وصفی» و یک «گذشته غیرمعین انعکاسی [عملی که به خود فاعل برمیگردد] وصفی» است. بصورت تحت الفظی این جمله به روش معمول مهر کردن محموله ای جهت اطمینان از امنیت محتوایش، اشاره می کند. ممکن است بدینوسیله پولس میخواست بگوید همه پولی که داده شده، فرستاده خواهد شد و بدستشان خواهد رسید. برای تضمین این موضوع، او چند نماینده از کلیساهایی که هدیه فرستاده بودند با خود برد (ر.ک. اعمال ۲۰: ۴).
برای "مهر" عنوان خاص در ۴: ۱۱ را ببینید.

۱۵: ۲۹ توجه کنید که دوباره کلمه *plērōma / plēroō* استفاده شده است. یادداشت آیه ۱۴ را ببینید.

متن NASB (به روز شده): ۱۵: ۳۰-۳۳

۳۰ حالا ای برادران به خاطر خداوند ماعیسی مسیح و محبت «روح»، از شما استدعا دارم که با دعاهایتان به خدا برای من، در مجاهده ام شریک باشید،^{۳۱} تا از آنانی که در یهودیه نامطیع هستند نجات یابم، و تا خدمت برای اورشلیم نزد مقدسان مسلم شود قابل پذیرش است؛^{۳۲} تا آنکه به خواست خدا، با شادی نزد شما بیایم و در کنار شما تجدید قوا کنم.^{۳۳} حال خدای آرامش با همگی شما باد. آمین.

۱۵: ۳۰ "از شما استدعا دارم... در مجاهده ام شریک باشید" این کلمات یونانی، قوی و تأکیدی هستند. اولین کلمه در ۱۲: ۱ هم استفاده شده است. دومین کلمه درباره کشمکش [روحی] عیسی در باغ جتسیمانی استفاده شده است. پولس نیاز عمیقی به دعا برای خود و خدمتش در بشارت انجیل احساس می کرد (ر.ک. ۲ قرن ۱: ۱۱؛ افس ۶: ۱۸-۲۰؛ کولس ۴: ۳، ۱؛ ۵: ۲۵، ۲؛ ۳: ۱). تجربه او در اورشلیم، مشکل شد (ر.ک. آیه ۳۱). او به روم رسید، اما نه آنطور که تصور کرده بود. عنوان خاص: دعای شفاعت در ۹: ۳ را ببینید.

۱۵: ۳۰-۳۳ دعای پولس سه خواسته را بیان می کند: (۱) که او از دشمنانش در یهودیه رهانیده شود (ر.ک. اعمال ۲۰: ۲۲-۲۳)؛ (۲) که هدایای کلیساهای غیر یهودی بوسیله کلیسای اورشلیم به گرمی پذیرفته شود (ر.ک. اعمال ۱۵: ۱ به بعد؛ ۲۱: ۱۷ به بعد)؛ و (۳) بعد او، در سر راه اسپانیا به روم بیاید.

۱۵: ۳۰ "در مجاهده ام شریک باشید" این کلمه در عهد جدید فقط در اینجا استفاده شده است. این شکل مرکب *sun* به معنی "همراه با" و *agōnizomai* (رقابت کردن، مبارزه کردن، صمیمانه جد و جهد کردن، ر.ک. ۱ قرن ۹: ۲۵؛ کولس ۱: ۲۹؛ ۴: ۱۲؛ ۱ تیمو ۴: ۱۰؛ ۶: ۱۲). این «مصدر» تأکیدی، کلیسای روم را دعوت می کند تا در مورد پذیرفتن هدایای غیر یهودیان بوسیله کلیسای مادر در اورشلیم، با پولس در دعا با پشتکار تقلا کنند.

۱۵: ۳۱ "نامطیعان" این کلمه به مخالفت یهودیان یا احتمالاً به یهودی گرایان اشاره دارد و منظور کلیسا بطور عموم نیست (ر.ک. ۱۱: ۳۰، ۳۱).

۱۵: ۳۲ دعای پولس با دو تقاضای دیگر به پایان می رسد (۱) با شادی به نزد آنها بیاید و (۲) بتواند در کنار آنها فرصتی برای استراحت بیابد (گذشته مطلق شرطی غیرمستقیم [در ظاهر غیرمستقیم و در معنی معلوم] *sunanapauomai*، صرفاً در این قسمت عهد جدید، اما در اش ۱۱: ۶ بکار رفته است. پولس در آیه ۱۲، اش ۱۱: ۱، ۱۰ را نقل می کند). پولس به زمانی برای استراحت در آرامش، و تجدید قوا در بین ایمانداران بالغ احتیاج داشت (ر.ک. ۲ قرن ۴: ۷-۱۲؛ ۶: ۳-۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۳۳)! بهرحال او به این آرزو نرسید. دستگیری، محاکمه و سالها زندان در فلسطین، در انتظار او بود.

۱۵: ۳۳ "خدای صلح" این یک عنوان عالی برای خدا است (ر.ک. ۶: ۲۰؛ ۲ قرن ۱۳: ۱۱؛ فیل ۴: ۹؛ ۱ تسال ۵: ۲۳؛ ۲ تسال ۳: ۱۶؛ عبر ۱۳: ۲۰).

□ "آمین" عنوان خاص در ۱: ۲۵ را ببینید.

سوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این کتاب راهنمای تفسیر میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است، گام برداریم. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت دارید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. از چه نظر عهد عتیق، برای ایماندارن عهد جدید مفید است (آیات ۴-۵؛ ۱ قرن ۱۰: ۱۱، ۶)؟
۲. چرا پولس از عهد عتیق در آیات ۹-۱۲ نقل می کند؟ آن آیات چه حقیقت بزرگی را تعلیم می دهند؟
۳. احتمالاً در کجای این قسمت از رومیان، تنش بین یهودیان و غیریهودیان ظاهر می شود؟
۴. در کجای این قسمت از رومیان، تنش درباره رسالت پولس ظاهر می شود؟
۵. دلیل پولس برای هدایای کلیساهای غیریهودی به کلیسای اورشلیم چه بود (آیات ۱۵-۲۸)؟
۶. راهبرد و استراتژی پولس برای بشارت انجیل در مناطق مختلف چه بود؟ چرا او می خواست به اسپانیا برود؟
۷. چگونه و چرا پولس کارش را چون خدمت یک کاهن توصیف می کند (آیه ۱۶)؟ آیا این امر را مرتبط به اسرائیل بعنوان یک پادشاهی کاهنان می داند (خروج ۱۹: ۵-۶)، یا به کلیسا؟ (۱ پطرس ۲: ۵، ۹؛ مکاشفه ۱: ۶)
۸. آیا خدا دعای پولس در آیات ۳۰-۳۳ را جواب داد؟

رومیان فصل ۱۶

تقسیم بندی پاراگراف هادر ترجمه های جدید				
JB	TEV	NRSV	NKJV	UBS ⁴
درودها و آرزوهای نیک	سلام های شخصی	درودها	خواهر فیبی توصیه می شود	سلام های شخصی
۲-۱ : ۱۶	۲-۱ : ۱۶	۲-۱ : ۱۶	۲-۱ : ۱۶	۲-۱ : ۱۶
۱۶-۳-۵ الف	۱۶-۳-۵ الف	۱۶-۳ : ۱۶	۱۶-۳ : ۱۶	۱۶-۳ : ۱۶
۱۶-۵ ب-۵	۱۶-۵ ب-۷		درودها به مقدسین روم	
	۱۶-۸ : ۱۱			
	۱۶-۱۲ : ۱۵			
	۱۶ : ۱۶			
یک هشدار و اولین ضمیمه نامه	دستورات پایانی		از افرادی که تفرقه ایجاد می کنند بپرهیزید	
۲۰-۱۷ : ۱۶	۱۶-۱۷-۲۰ الف	۲۰-۱۷ : ۱۶	۲۰-۱۷ : ۱۶	۲۰-۱۷ : ۱۶
	۲۰ : ۲۱ ب-۲۱			
آخرین درودها و دومین ضمیمه نامه			درودی از دوستان پولس	
۲۳-۲۱ : ۱۶		۲۱ : ۱۶	۲۴-۲۱ : ۱۶	۲۳-۲۱ : ۱۶
	۲۲ : ۱۶	۲۲ : ۱۶		
	۲۳ : ۱۶	۲۳ : ۱۶		
ستایش	دعای خاتمه و سپاس		دعای اختتام	ستایش
۲۷-۲۵ : ۱۶	۲۶-۲۵ : ۱۶	۲۷-۲۵ : ۱۶	۲۷-۲۵ : ۱۶	۲۷-۲۵ : ۱۶
	۲۷ : ۱۶			

دوره سوم مطالعه (به صفحه xii رجوع نمایید) پیروی از مقصود نویسنده اولیه در سطح پاراگراف ها

این یک کتاب راهنمای تفسیر میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که داریم، گام برداریم. در امر تفسیر، شما، کتاب مقدس و روح القدس هر سه دارای اولویت هستید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید.

سراسر باب را در یک نشست بخوانید. موضوع ها را مشخص نمایید. تقسیماتی را که از موضوع ها انجام داده اید با پنج ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف بندی امری الهامی نیست، اما برای درک مقصود نویسنده اصلی نقش کلیدی دارد، و قلب کار تفسیر در همین نکته نهفته است. هر پاراگراف، یک موضوع و مطلقاً یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و غیره

مفاهیم استنباط شده در متن رومیان ۱-۲۷

الف. توجه کنید که تمام زنان در این قسمت پایانی، همکاران پولس در خدمت بشارت انجیل بودند (ر.ک. فیل ۴: ۳): فیبی در آیه ۱؛ پریسکا در آیه ۳؛ مریم در آیه ۶؛ یونیا (یا "یونیا") - که در آن صورت او یک مرد بوده است) در آیه ۷؛ تریفینا و تریفوسا در آیه ۱۲ و پرسیس در آیه ۱۲؛ "مادر او" در آیه ۱۳؛ یولیا در آیه ۱۵؛ و "خواهرش" در آیه ۱۵. بر حذر باشید تا از تعصب مذهبی در مورد خدمات کلیسایی زنان بپرهیزید. تمامی ایمانداران، خادمین تمام وقت (ر.ک. افس ۴: ۱۲) و عطیه یافته می باشند (ر.ک. ۱ قرن ۱۲: ۷، ۱۱). کتاب مقدس رهبری توسط مردان را بعنوان اراده خدا تایید می کند. در این فهرست ما یک شمّاس زن به نام فیبی، و احتمالاً یک رسول زن به نام یونیا می بینیم (ر.ک. یوییل ۲: ۲۸؛ اعمال ۲: ۱۶-۲۱). به سبب اظهارات ظاهراً متناقض و پارادوکس پولس، از جمله ۱۱: ۴-۵ در مقایسه با ۱۴: ۳۴، دشوار است بدانیم چطور باید با روش کتاب مقدسی در مورد این مسئله عمل کرد.

ب. به احتمال زمینه نژادی این اسامی توجه کنید

۱. ایمانداران یهودی: آکیلا، پریسکا، اندرنیکوس، یونیا، مریم [در بعضی نسخه های خطی تلفظ دقیق مریم وجود دارد]

۲. نامهای خانواده های شریف رومی: پریسکا، امپلیاتوس، اپلیس، نارکیسوس، یولیا، فیلولوگوس؛

۳. نامهای خانواده های شریف یهودی: اریستوبولس، هیرودیون.

پ. آیات ۱-۱۶ درودهای شخصی پولس است، در حالیکه آیات ۱۷-۲۰ آخرین هشدارهای وی در خصوص معلمین کاذب می باشد. در آیات ۲۱-۲۳ «گروه بشارت در مناطق دیگر» درودهایشان را از قرنتس می فرستند.

ت. بحث باب ۱۶ در کتاب «تفسیر عهد جدید تینیل» اثر «اف. اف. بروس» بسیار قابل استفاده است. اگر به مطالعه گسترده اسامی یاد شده در این باب علاقمند هستید، صفحات ۲۶۶-۲۸۴ آن کتاب را ملاحظه نمایید.

ث. مقداری تردید است که خاتمه این نامه در کجا است. خاتمه ای چند بار در پایان باب های ۱۴، ۱۵ (MSP⁴⁶) و ۱۶، در نسخه های خطی باستانی یونانی دیده می شود. اما خاتمه سنتی ۱۶: ۲۵-۲۷ در MSS P⁶¹، B، C، D و نیز متن یونانی کاربردی کلیمت رومی (۹۵ میلادی)، دیده می شود.

آیه ۲۴ درین نسخه های خطی قدیمی تر یونانی P⁴⁶، P⁶¹، A، B، C دیده نمی شود، و نه در نسخه لاتین «ولگیت» یا متن یونانی کاربردی «اوريجن» اهل اسکندریه. برای مبحث کامل در باره نسخه های متفاوت خطی، کتاب «نقدی بر متن عهد جدید یونانی» نوشته بروس ام. متزگر، صفحات ۵۳۳-۵۳۶ را مطالعه نمایید.

مطالعه واژگان و عبارات

متن NASB (به روز شده): ۱۶: ۱-۲

۱ خواهرمان فیبی را به شما می سپارم، که از خادمان کلیسای شهر کنخریه می باشد؛^۲ تا او را آن گونه که شایسته مقدسین است در خداوند بپذیرید، و تا در هر موردی که نیازی به شما داشته باشد، او را یاری دهید؛ زیرا او خود به بسیاری مساعدت نموده است، از جمله خود من نیز.

۱۶: ۱ "به شما می سپارم" این یک توصیه نامه برای فیبی است که خانمی شماس بود. او احتمالاً نامه پولس را به روم برد. چند نمونه دیگر از چنین معرفی نامه یا توصیه نامه در عهد جدید وجود دارد (ر.ک. اعمال ۱۸: ۲۷؛ ۱ قرن ۱۶: ۳؛ ۲ قرن ۳: ۱؛ ۸: ۱۸-۲۴؛ و فیل ۲: ۱۹-۳۰).

□ "فیبی" نام او به معنای "درخشان" یا "تابان" است.



NKJV، NASB "که از خادمان کلیسایی ... است"

NRSV "یک شماس کلیسا"

TEV "که کلیسا را خدمت می کند"

JB "یک شماس زن کلیسا"

این کلمه *iakonosd* است و به شکل «مفعولی مفرد مونث» می باشد. این کلمه ایست یونانی برای شخص مجاز به خدمات کلیسایی / خادم - *minister/servant*. در مورد مسیح این کلمه در ۱۵: ۸ استفاده شده و در مورد پولس در افس ۳: ۷؛ کولس ۱: ۲۳، ۲۵ استفاده شده است.

در مورد خدمت شماسان زن، هم در عهد جدید و هم در نوشتجات کلیسایی اولیه که بعد از کتاب مقدس نوشته شده اند، شواهدی وجود دارند. نمونه دیگر عهد جدید از زنانی که در کلیسای محلی خدمت می نمودند،

"فهرست بیوه زنان" در «رسالات شبانی» است (ر.ک. ۱ تیمو ۳: ۱۱؛ ۵: ۳-۱۶). ترجمه مبسوط RSV و ترجمه فیلیپس در آیه ۱۶: ۱ از کلمه "شمّاس زن" استفاده می کنند. NASB و NIV این کلمه را در پانوشت خود آورده اند. NEB از اصطلاح "آنکه شاغل مقام است" استفاده می کند. همه ایمانداران فراخوانده شده اند تا به طور تمام وقت با عطایایی که یافته اند خدمت کنند (ر.ک. افس ۴: ۱۲). بعضی برای نقش خدمت رهبری فراخوانده شده اند. سنّت های ما باید تسلیم نظر کتاب مقدس شوند! این مردان و زنان شمّاس اولیه، خادمین بودند نه هیأت مدیران ارشد.

در «مطالعات واژه ها»، جلد دوم، صفحات ۷۵۲ و ۱۱۹۶، ام. آر. وینسنت می گوید «نظام نامه های رسولان» که تاریخ تألیف آن اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم می باشد، تمایزی بین وظایف و دستگذاری زنان یاری دهنده کلیسا، قائل می شود.

۱. زنان شمّاس
 ۲. بیوه زنان (ر.ک. ۱ تیمو ۳: ۱۱؛ ۵: ۹-۱۰)
 ۳. باکره ها (ر.ک. اعمال ۲۱: ۹ و احتمالاً قرن ۷: ۳۴)
- وظایفی که داشتند شامل این موارد می شد:
۱. مراقبت از مریضان
 ۲. مراقبت از کسانی که مورد جفا و آزار جسمی قرار گرفته بودند
 ۳. ملاقات کسانی که بخاطر ایمان در زندان بودند
 ۴. تعلیم نو ایمانان
 ۵. کمک در تعمید زنان
 ۶. تا حدودی نظارت بر زنان عضو کلیسا

عنوان خاص: زنان در کتاب مقدس

I. عهد عتیق

- الف. از نظر فرهنگی، زنان جزو اموال محسوب می شدند.
۱. در لیست اموال ثبت می شدند (خروج ۲۰: ۱۷)
 ۲. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱: ۷-۱۱)
 ۳. قسم زن را مردی که از نظر اجتماعی مسئول او بود می توانست باطل سازد (اعداد ۳۰)
 ۴. زن بعنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۰-۱۴؛ ۲۱: ۱۰-۱۴)
- ب. در عمل، نقش آنها متقابل و مشارکتی بود
۱. مرد و زن به صورت و شباهت خدا آفریده شدند (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷)
 ۲. به پدر و مادر خود احترام بگذار (خروج ۲۰: ۱۲ [تث ۵: ۱۶])
 ۳. حرمت و تکریم مادر و پدر را رعایت کن (لاویان ۱۹: ۳؛ ۲۰: ۹)
 ۴. مرد و زن می توانستند «نذیره» باشند (اعداد ۶: ۱-۲)
 ۵. دختران دارای حق ارث هستند (اعداد ۲۷: ۱-۱۱)
 ۶. آنها بخشی از قوم هم پیمان [با خدا] بودند (تثنیه ۲۹: ۱۰-۱۲)
 ۷. از تعالیم پدر و مادر پیروی نما (امثال ۱: ۸؛ ۶: ۲۰)
 ۸. پسران و دختران «همیمان» (خانواده نسل لاوی) موسیقی معبد را هدایت می کردند (اتواریخ ۲۵: ۵-۶)
 ۹. پسران و دختران در عصر جدید نبوت خواهند کرد (یونیل ۲: ۲۸-۲۹)
- ج. زنان در نقش رهبری

۱. مریم خواهر موسی، نبیه خوانده شد (خروج ۱۵: ۲۰-۲۱)
۲. زنانی که از خدا عطیه داشتند تا در ساختن خیمه عبادت شرکت کنند (خروج ۳۵: ۲۵-۲۶)
۳. زنی، به نام دبوره، نبیه نیز بود (ر.ک. داوران ۴: ۴) و تمامی طوایف اسرائیل را رهبری نمود (داوران ۴: ۴-۵؛ ۷: ۵)
۴. حُلده نبیه ای بود که یوشیای پادشاه از او خواست "کتاب شریعت" را که تازه یافته شده بود بخواند و تفسیر کند (۲ پاد ۲۲: ۱۴؛ ۲ تو ۳۴: ۲۲-۲۷)
۵. روت، زنی خدا شناس، و جده داوود بود
۶. ملکه استر زنی خدا شناس بود که یهودیان ایران باستان را نجات بخشید

II. عهد جدید

الف. از نظر فرهنگی، هم در بین یهود و هم در جهان "یونانی- رومی"، زنان در درجه دوم و دارای حقوق یا امتیازات معدودی بودند (به استثناء مقدونیه)

ب. زنان در نقش رهبری

۱. الیزابت و مریم زنانی خدا شناس و در اختیار خدا بودند (لوقا ۱-۲)
۲. حنا، زنی خدا شناسی و خادمه معبد بود (لوقا ۲: ۳۶)
۳. لیدیه، ایماندار و رهبر کلیسای خانگی بود (اعمال ۱۶: ۱۴؛ ۴۰)
۴. چهار دختر فیلیپس نبیه بودند (اعمال ۲۱: ۸-۹)
۵. فیبی، زنی شماس در کلیسای شهر کنخریه (روم ۱۶: ۱)
۶. پریسکا (پرسیکیلا)، همکار پولس و معلم آپولس (اعمال ۱۸: ۲۶؛ روم ۱۶: ۳)
۷. مریم، تریفینا، تریفوسا، پرسیس، یونیا، خواهر نیریاس، چند زن دیگر همکار پولس (روم ۱۶: ۶-۱۶)
۸. یونیا (KJV)، احتمالاً یک زن رسول (روم ۱۶: ۷)
۹. افودیه و سینتیخی، همکاران پولس (فیل ۴: ۲-۳)

III. چگونه ایماندار امروزی می تواند نمونه های متفاوت کتاب مقدسی را بسنجد؟

الف. چگونه می توان تمایز بین واقعیت های تاریخی یا فرهنگی، که صرفاً در مضمون اولیه خود مصداق دارند، و حقایق ابدی را یافت که در مورد تمامی کلیساها و ایمانداران همه ادوار اعتبار دارند؟

۱. ما باید مقصود نویسنده اصلی را بسیار جدی تلقی کنیم. کتاب مقدس کلام خدا و تنها منشأ ایمان و عمل می باشد.

۲. ما باید بخش های وحی شده که واضحاً مربوط به شرایط تاریخی زمان خود بوده اند را حل و فصل کنیم

- ۱-۲. کیش (به عبارت دیگر مراسم و آیین های) اسرائیل (ر.ک. اعمال ۱۵؛ غلاطیان ۳)
- ۲-۲. دین یهود در قرن اول
- ۳-۲. اظهارات پولس در ۱ قرن نینیان که واضحاً تأثیر یافته از زمان خود اوست
 - (۱) سیستم قانونی روم بت پرست (۱ قرن نینیان ۶)
 - (۲) باقی ماندن به صورت برده (۱ قرن ۷: ۲۰-۲۴)
 - (۳) تجرد و پاکدامنی (۱ قرن ۷: ۱-۳۵)
 - (۴) بکارت (۱ قرن ۷: ۳۶-۳۸)
 - (۵) غذای های تقدیم و قربانی شده به بت ها (۱ قرن ۱۰: ۲۳-۳۳)
 - (۶) اعمال نامتناسب در هنگام شام خداوند (۱ قرن ۱۱)

۳. خدا کاملاً و واضحاً خود را به فرهنگ و زمان خاصی مکشوف کرد. ما باید این مکاشفات را جدی و مهم بگیریم، اما نه همه جوانب آنرا که صرفاً در تاریخ خود مصداق داشته است. کلام خدا، به نقل قول از خود خدا خطاب به فرهنگی خاص در زمانی خاص نوشته شد.

ب. تفسیر کتاب مقدس باید در راستای دستیابی به مقصود نویسنده اصلی باشد. پیام او خطاب به مردم عصر خود چه بوده است؟ این یک اصل بنیادی و مهم در تفسیر صحیح است. اما سپس ما باید آن را به زمان خود انطباق دهیم. حال می پردازیم به اینکه مسئله و اشکال در رهبر بودن زنان چیست (مشکل واقعی تفسیر، می تواند در ارائه معنی کلمه باشد). آیا تعداد خادمین رسمی کلیسا بیش از تعداد شبانانی بوده که رهبر تلقی می شده اند؟ آیا شماسان زن (روم ۱۶: ۱) رهبر محسوب می شده اند؟ پر واضح است که پولس، در قرن ۱۴: ۳۴-۳۵ و ۱ تیمو ۲: ۹-۱۵، تاکید می کند زنان نباید پرستش جمعی را رهبری کنند! اما من چگونه این را امروز بکار بگیرم؟ نمی خواهم فرهنگ پولس یا فرهنگ من، ندای کلام خدا و اراده او را خاموش کنند. احتمالاً زمان پولس بسیار محدود کننده بوده، اما زمان من نیز می تواند زیاد از حد آزاد باشد. تردید و دغدغه بسیار دارم که بگویم گفته ها و تعالیم پولس، حقایق شرطي قرن اول و مربوط به محل و رویدادهای آن زمان هستند. من کی هستم که بگذارم تفکر یا فرهنگ من، نفی کلام نویسنده وحی یافته باشد؟

لیکن، وقتی نمونه های زنان رهبر در کتاب مقدس موجود است (حتی در نوشته های پولس، ر.ک. رومیان ۱۶) چه باید بکنم؟ نمونه خوبی از این، مبحث «پرستش جمعی» پولس در ۱ قرن نین ۱۱-۱۴ می باشد. در ۱۱: ۵ بنظر می رسد به زنان اجازه می دهد زمان پرستش عمومی دعا و موعظه نمایند - البته با موی پوشیده - اما در ۱۴: ۳۴-۳۵ او الزاماً می گوید آنها باید ساکت بمانند! در آن موقع، زنان شماس (روم ۱۶: ۱) و نبیه ها (ر.ک. اعمال ۲۱: ۹) بوده اند. وجود این تفاوت ها و تنوع است که به من آزادی می بخشد تا نظرات پولس را (در ارتباط با منع ها و محدودیت ها برای زنان) منحصر به قرن شس و افسس در قرن اول تلقی کنم. در هر دو کلیسا مسائلی در مورد بکار گیری آزادی تازه یافته زنان وجود داشته است (به کتاب «قرن شس بعد از آنکه پولس آنجا را ترک کرد» اثر «بروس مینتر» رجوع نمایید)، که می توانسته باعث مشکلاتی برای کلیسای آنها در بشارت دادن به جامعه خودشان باشد. آزادی ایشان باید محدود می شد تا انجیل بتواند مؤثرتر قرار گیرد.

زمان من درست به عکس زمان پولس است. در این روزها اگر به زنان تعلیم یافته و سخنور اجازه بشارت انجیل و رهبری داده نشود، ممکن است انجیل محدود گردد! هدف نهایی از پرستش جمعی چیست؟ مگر بشارت و شاگرد سازی نیست؟ آیا زنان در مقام رهبری باعث حرمت خدا و جلب رضایت او می گردند؟ کتاب مقدس در گل به نظر میرسد که می گوید " بلی "!

من مایلیم تسلیم نظر پولس شوم: در الهیات، در درجه اول پیرو پولس هستم. مایل نیستم بیش از اندازه تحت تأثیر یا تحت کنترل فمینیسم باشم! اما احساس می کنم کلیسا در واکنش خود نسبت به حقایق مسلم کتاب مقدسی، از جمله نادرست بودن برده داری، نژادپرستی، تعصب و رزیدن و تبعیض جنسیتی، به گندی عمل کرده است. همچنین کلیسا در واکنش مناسب در قبال سوء رفتار و خشونت علیه زنان در دنیای امروز، کند و آهسته عمل کرده است. خدا به توسط مسیح، بردگان و زنان را آزاد کرد. من جرئت نمی کنم اجازه دهم متنی که محدود به فرهنگ خاص بوده است، ایشان را دومرتبه به زنجیر بکشد.

یک نکته دیگر: بعنوان مفسر کتاب مقدس دریافته ام کلیسای قرن نهم، کلیسای پر اختلال بود. عطایای کاریزماتیک خواهان بسیار داشتند و در مورد آنها فخر فروشی می شد. احتمالاً زنان هم تمام وقت و حواس خود را به این موضوع معطوف کرده بودند. نیز معتقدم کلیسای افسس تحت تأثیر معلمین کاذبی بود که از زنان سوءاستفاده کرده، آنان را بعنوان سخنگو و نماینده خود در کلیساهای خانگی افسس، بکار می بردند (ر.ک. ۱ و ۲ تیموتاوس).

ج. چند کتاب برای مطالعه بیشتر:

۱. «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» اثر «گُردن فی و داگ استوارت» (صفحات ۶۱-۷۷)

۲. «انجیل و روح القدس: مسائلی در تفسیر عهد جدید» اثر «گُردن فی»

۳. «گفته های پیچیده کتاب مقدس» اثر «والتر سی. کایزر، پیتر اچ. دیویدز، اف. اف. بروس و منفرد تی. برنج» (صفحات ۶۱۳-۶۱۶؛ ۶۶۵-۶۶۷)

□ "کلیسا": عنوان خاص ذیل را ملاحظه کنید.

(Ekklesia) عنوان خاص: کلیسا

این واژه یونانی، از دو عبارت " بیرون از " و " خوانده شده " تشکیل شده است؛ ازینرو واژه مذکور به افرادی اشاره دارد که توسط خدا به بیرون خوانده شده اند. کلیسای اولیه این واژه را از یک کاربرد غیر مذهبی برگرفت (ر.ک. اعمال ۱۹: ۳۲، ۳۹، ۴۱)، نیز به خاطر کاربرد این واژه در «ترجمه هفتاد» در مورد "جماعت" اسرائیل (ر.ک. اعد ۱۶: ۳؛ ۲۰: ۴). کلیسا اولیه واژه یاد شده را در مورد خود، بعنوان ادامه ای از قوم خدا در عهد عتیق، استفاده می کردند. آنها اسرائیل جدید (ر.ک. روم ۲: ۲۸-۲۹؛ غلا ۱۶: ۱۶. ۱ پط ۲: ۵، ۹؛ مکا ۱: ۶) و تحقق ماموریت جهانی خدا بودند (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵ و ۱۲: ۳ و خرو ۱۹: ۵-۶ و متی ۲۸: ۲۰-۱۸ ولوقا ۲۴: ۴۷؛ اعما ۱: ۸).

این واژه در چهار انجیل و کتاب اعمال به چند معنی استفاده شده است.

۱. اجلاس شهر که غیر مذهبی بوده است، اعمال ۱۹: ۳۲، ۳۹، ۴۱

۲. قوم جهانی خدا در مسیح، متی ۱۶: ۱۸ و افسسیان

۳. یک جماعت محلی ایمانداران مسیح، متی ۱۸: ۱۷؛ اعمال ۵: ۱۱ (در این آیات کلیسای اورشلیم)

۴. قوم اسرائیل در گل، اعمال ۷: ۳۸، در موعظه استیفان

۵. قوم خدا در یک منطقه، اعمال ۸: ۳ (یهودا یا فلسطین)

□ "کنخریه" این یکی از دو بندر قرن نهم بود. این بندر در سمت شرقی قرار داشت (ر.ک. اعما ۱۸: ۱۸).

۱۶: ۲ " او را در خداوند پذیرید آن گونه که شایسته مقدسین است " این فعل «گذشته غیرمعین شرطی غیرمستقیم [در دستور یونانی ظاهراً غیرمستقیم و در معنی معلوم] « *prosdechomai* است که به معنی "با مهربانی، مثل یک مهمان پذیرفتن است" (ر.ک. فیل ۲: ۲۹). پولس به این خانم اعتماد داشت و می خواست کلیسا این خانم را پذیرفته، از طرف پولس کمکش کند.

□ "مقدسین" این کلمه یعنی " افراد مقدس ". نه تنها این واژه جایگاه ایمانداران را در مسیح توصیف می کند بلکه نیز امید است زندگی خدا پسندانه آنها و جایگاه نوین مقدس شان را در مسیح، به طرز پیشرو مشخص

نماید. کلمه "شخص مقدس" همیشه بصورت «جمع» است - بجز یک بار در فیلیپیان (۴: ۲۱) - و حتی در آن مورد هم مفهوم جمعی دارد. مسیحی بودن یعنی عضویت در یک جامعه ایمانداران، یک خانواده، و یک بدن. کلیسای غربی امروزی ارزش کمی برای این جنبه جمعی و شراکتی ایمان کتاب مقدسی قائل شده است! به عنوان خاص: «مقدسین» در ۱: ۷ رجوع نمایید.

▣ "در هر موردی که او نیازی به شما داشته باشد، به او یاری دهید" در اینجا دو «صفت مفعولی» وجود دارد. اولی *paristēim* («گذشته مطلق اخباری»)، به معنای "در کنار ایستادن بمنظور یاری دادن است". دومی، *chrēzō* («حال متعدی»)، به معنای "کمک کردن در هر آنچه که لازم است" می باشد (ر.ک. ۲ قرن ۳: ۱).

این اشاره بود به تدارکات و حمایت های مالی برای کسانی که برای خدمت به مناطق مختلف سفر می کردند. این منظور توصیه نامه ها بود.



NKJV،NASB "او به بسیاری کمک کرده است"
 NRSV "او درحق بسیاری نیکوکاری کرده"
 TEV "زیرا او خود برای بسیاری از مردم دوست نیکویی بوده است"
 JB "از تعداد زیادی از مردم مراقبت کرده است"

این کلمه، *proistatis* تنها در این قسمت عهد جدید وجود دارد. این واژه می تواند به کمک عملی یا مالی اشاره داشته باشد. این واژه در اصل به معنای ولینعمت موتث و ثروتمند بوده است. چون فیبی درحال سفر به روم بود (ر.ک. آیه ۱) و به بسیاری کمک کرده بود (آیه ۲)، این ممکن است به لحاظ گذشته او در مورد این خانم مصداق داشته باشد.

متن NASB (به روز شده): ۱۶: ۳-۱۶

^۳ به پریسکا و اکیلا همکاران من در مسیح عیسی سلام برسانید، ^۴ که جان خود را بخاطر من به خطر انداختند، و نه تنها من از آنها سپاسگزار هستم، بلکه تمام کلیساهای غیر یهود نیز؛ ^۵ همینطور به کلیسایی که در خانه آنهاست سلام برسانید. به اپائنتوس، دوست عزیزم در خداوند سلام برسانید؛ او نخستین کسی در آسیا است که به مسیح ایمان آورد. ^۶ مریم را که برای شما زحمت زیاد کشیده است، سلام گوئید. ^۷ به اندرونیکوس و یونیاس، خویشاوندان و هم بند های من، که در میان رسولان از چهره های برجسته اند، و قبل از من در مسیح بودند، سلام برسانید. ^۸ به امپلیاتوس، که حبیب من در خداوند است، سلام برسانید. ^۹ به اوربانوس، همکار ما در مسیح، و دوست حبیبم استاخیس سلام دهید ^{۱۰} به ایلِس، که در مسیح مقبول شده است، سلام برسانید. به اهل خانه آریستوبولس سلام گوئید. ^{۱۱} به خویشاوند من هیرودیون سلام برسانید. اهل خانه نارکیسوس، که در خداوند هستند را سلام گوئید. ^{۱۲} به تریفینا و تریفوسا، کارکنان در خداوند سلام برسانید. به پرسیس عزیز، که در خداوند سخت کار کرده است سلام گوئید. ^{۱۳} به روفس، که در خداوند برگزیده است، همچنین مادر او و من سلام برسانید. ^{۱۴} به اسینکریتوس، فلیگون، هرماس، پاتروباس و هرمس و برادرانی که با ایشان هستند سلام برسانید. ^{۱۵} به فیلولوگوس، یولیا، نیریاس و خواهرش، و به الیمپاس و همه مقدسانی که همراه ایشانند، سلام برسانید. ^{۱۶} یکدیگر را به بوسه ای مقدس سلام گوئید. همه کلیساهای مسیح به شما درود می فرستند.

۱۶: ۳ "پریسکا و اکیلا" لوقا او را "پریسکیلا" می نامد. نام او اغلب پیش از شوهرش می آید که بسیار نامعمول بود (ر.ک. اعمال ۱۸: ۱۸، ۱ قرن ۱۶: ۱۹؛ ۲ تیمو ۴: ۱۹). احتمالاً او از طبقه نجبای رومی یا شخصیت غالب در ازدواجشان بود. پولس و این زوج نیز یا خیمه دوز بودند یا چرم کار. پولس آنها را "همکاران در مسیح عیسی" می خواند. او احتمالاً در مورد نکات قوی و ضعف های کلیسای روم از این زوج شنیده بود.

۱۶: ۴ "جان خود را... به خطر انداختند" این اصطلاحی بود که از واژه ای برای "تبر جلاد" برگرفته شده بود. کتاب مقدس در مورد مقصود پولس از این عبارت، مطلبی نمی گوید.

□ "و نه تنها من از آنها سپاسگزار هستم، بلکه تمام کلیساهای غیر یهود نیز" پولس از دوستی و کمکهای فعالانه این زوج بسیار سپاسگزار بود. او حتی خدمات آنها را به تمامی "کلیساهای غیر یهود" بسط می دهد. چه تأیید و شکر گزاری عظیمی! ممکن است این اشاره ای به تشویق و آگاه ساختن آپولس توسط آنها باشد (ر.ک. اعمال ۱۸: ۲۴-۲۸).

۱۶: ۵ "کلیسا" مقصود این کلمه یک گروه اشخاص هستند نه یک ساختمان. معنی آن "به بیرون خوانده شدگان" بود. در عهدعتیق زبان یونانی که «ترجمه هفتاد» (LXX) نام دارد، این کلمه برای ترجمه کلمه عبری *qahal*، که خود به معنی "جماعت" است، مورد استفاده قرار می گرفته است. کلیسای اولیه خود را بصورت جانشینان طبیعی و تحقق "جماعت اسرائیل" عهد عتیق می دید، نه یک گروه فرقه ای جدا شده. «عنوان خاص» در ۱۶: ۱ را ببینید.

□ "به کلیسایی که در خانه آنهاست" مسیحیان اولیه در خانه ها جمع می شدند (ر.ک. ۱۶: ۲۳؛ اعمال ۱۲: ۱۲؛ ۱ قرن ۱۶: ۱۹؛ کولس ۴: ۱۵ و فلیمون ۲). ساختمان های کلیسا تا قرن سوم میلادی وجود نداشت.

□ "اپینتوس" اسم این مرد به معنی "حمد شده" می باشد.

□ "او نخستین کسی ... است که به مسیح ایمان آورد" در ۱ قرن ۱۶: ۱۵ در مورد خانواده استفاناس نیز این موضوع گفته شده است.

□ "در آسیا" نام آسیا در اشاره به ناحیه رومی که یک سوم غربی ترکیه امروزی را در بر می گیرد، بوده است.

۱۶: ۶ "مریم را که برای شما زحمت زیاد کشیده است" در مورد این شخص هیچ اطلاعی وجود ندارد. ممکن است او یک مبشر از کلیسای روم بود. ما بسیاری از ایمانداران عالی و روحانی را نمی شناسیم اما خداوند آنها را بخوبی می شناسد.

۱۶: ۷ "هم بند های من" علمای امروزی مطمئن نیستند این به کدام دوره زندان اشاره می کند. پولس بخاطر ایمانش رنج های بسیاری کشید (ر.ک. ۲ قرن ۴: ۸-۱۱؛ ۶: ۴-۱۰؛ ۱۱: ۲۵-۲۸). او در فیلیپه، قیصریه، روم و احتمالاً مکان های دیگر نیز در زندان بود (ر.ک. افسس، ۱ قرن ۱۵: ۳۲؛ ۲ قرن ۱: ۸).

□ "یونیاس" این نام می تواند مذکر یا مونث باشد، که بستگی به علایمی دارد که روی حروف آن گذاشته می شوند. نسخه های مختلف یونانی آنرا بطور متفاوت نوشته اند: "Iounian" در نسخه خطی A، B،

C، D، F، G و P دیده می شود، ولی بدون علائم روی حروف است. شکل مونث آن با علائم روی حروف، در نسخ "MSS B²"، D² و ۰۱۵۰ وجود دارد. در نسخ پاپیروسی اولیه P⁴⁶ و بعضی ترجمه های ولگیت [ترجمه لاتین قرن پنجم میلادی] و قبطی، و نیز متون یونانی استفاده شده بوسیله «جروم»، اسم "Ioulian" وجود دارد که یک اسم مونث است. بعضی از علما گمان می کنند این اشتباهی در نسخه برداری بوده است. این شکل مونث در ۱۶: ۱۵ نیز وجود دارد. در مورد دو نفری که در آیه ۷ نامبرده شده اند چند احتمال وجود دارد؛ (۱) دو ایماندار یهودی که به همراه پولس زندانی شدند؛ (۲) یک برادر و خواهر؛ یا (۳) یک زن و شوهر. اگر این اسم مونث باشد و اگر معنای عبارت "رسولان" گسترده تر از آن کلمه "دوازده شخص" بوده، در آن صورت او یک رسول زن بوده است.

همچنین حائز توجه است که "Junias" با این حروف در هیچکدام ادبیات رومی یا کتیبه ها، دیده نمی شود ولی اسم "Junia" بسیار معمول بوده است. این یک اسم فامیلی رومی بود. برای اطلاعات بیشتر در مورد زنان در خدمت مسیحی، به کتاب «رهبران زن و کلیسا»، اثر «لیندا ال. بلویل»، ص ۱۸۸ پانویس ۴۲ رجوع نمایید.



NASB	" در میان رسولان از چهره های برجسته اند "
NKJV	" که در میان رسولان از چهره های قابل ملاحظه هستند "
NRSV	" که در میان رسولان از چهره های مهم هستند "
TEV	" آنها در میان رسولان معروف هستند "
NJB	" به آن رسولان برجسته "

این می تواند رجوع به «دوازده» [رسول] باشد، و در آن صورت این دو شخص برای شان کاملاً آشنا بودند - یا برای گروه بزرگتری از خادمین که "رسولان" خوانده می شدند (ر.ک. اعمال ۴: ۱۴ و ۴: ۱۴؛ ۱۸: ۵؛ ۱۹: ۴؛ ۲۰: ۹؛ ۲۱: ۱۹؛ ۲۲: ۲؛ ۲۳: ۱؛ ۲۴: ۶). این متن بصورت ضمنی چنین استفاده وسیع تری را تایید می کند، از جمله افس ۴: ۱۱، اما «حرف تعریف معین» به «دوازده» [رسول] اشاره می کند. عنوان خاص: فرستادن (*Apostellō*) در ۱: ۱ را ببینید.

▣ " قبل از من در مسیح بودند " بدیهی است مقصود اینست که آنها قبل از تجربه راه دمشق پولس، نجات یافته و در خدمت مسیح فعال بودند.

۱۶: ۸-۱۶ اسامی موجود در این بخش برای علما ناشناخته است. آنها برای خداوند و پولس عزیز بودند ولی نام و خدمت آنها در عهد جدید یا نوشته های اولیه مسیحیان ثبت نشده است. مهم اینست که در این جا آمیخته ای از اسامی معمولی بردگان و نام های خانوادگی خانواده های شریف رومی و یهودی در کنار هم ذکر شده است. مردان و همچنین زنان در آن ذکر شده اند. افراد ثروتمند آزاد شده از بردگی و مبشرانی که در مناطق مختلف موعظه می کنند در آن یاد شده اند. افراد خارجی که از ایران آمده اند در آن نامبرده شده اند. تمامی دیوارهای جدایی، در کلیسای عیسی مسیح فرو ریخته اند (ر.ک. ۳: ۲۲؛ ۱۰: ۱۲؛ یوئیل ۲: ۲۸-۳۲ [اعمال ۲: ۱۴-۲۱]، ۱۲: ۱۱؛ ۱۳: ۲۸؛ ۱۴: ۱۱)!

۱۶: ۸ " امپلیاتوس " این اسم، مثل پریسکا و یونیا یکی از اسامی فامیل رومی معروف بود.

▣ " که حبیب من در خداوند است " این کلمه "حبیب" بوسیله خدای پدر در مورد پسرش عیسی در متی ۳: ۱۷ و ۱۷: ۵ استفاده شده است که ممکن است لقبی از «غزل های خادم» اشعیا باشد (ر.ک. متی ۱۲: ۱۸ در

نقل قول از اشعیا ۴۲: ۱). اما پولس از آن، در خطاب به ایمانداران استفاده می کند (ر.ک. ۱: ۷، ۱۶: ۸-۹؛ ۱۴: ۴، ۱۷، ۱۵: ۵۸ افس ۶: ۲۱؛ فیل ۲: ۱۲؛ کولس ۴: ۹ و ۱۴؛ اتیمو ۶: ۲؛ فلیمون آیه ۱۶)

۱۶: ۹ "اربانوس" این اسم به معنای "شهرنشین" یا "در شهر بار آمده" می باشد.

□ "در مسیح" این عبارت، به همراه "در خداوند"، عبارتی است که در سراسر این فصل مکرراً استفاده می شود. این کارکنان مسیحی همه اعضای یک خانواده و یک نجات دهنده بودند.

□ "استاخیس" این یک اسم نادر و به معنای خوشه (گندم) است. باستانشناسان این اسم را در ارتباط با خانواده سزار [قیصر روم] یافته اند.

۱۶: ۱۰ "در مسیح ... مقبول شده" این اصطلاح برای کسی استفاده می شود که متحمل سختی ها شده و وفادار باقی مانده است. «عنوان خاص» در ۲: ۱۸ را ببینید.

□ "اهل خانه" بعضی از علما گمان می برند که این عبارت به بردگان در خدمت خانگی آریستوبولس اشاره می کند نه اعضای خانواده اش، و همین مورد در عبارت "اهل خانه نارکیسوس" در آیه ۱۱ هم صدق می کند.

□ "متعلق به" آریستوبولس" بعضی علما (لایت فوت) گمان می برند که او برادر «هیروودیس آگریپاس اول» بود (که در باب ۱۲ اعمال دستور کشتن یعقوب رسول را داد). اگر اینطور باشد، این نشان می دهد که انجیل چگونه در این خانواده سلطنتی «آدومی» نفوذ کرد.

۱۶: ۱۱ "هیروودیون" ممکن است او یکی از بردگان خانواده هیروودیس باشد.

□ "اهل خانه نارکیسوس" ممکن است اشاره به خادم معروف امپراتور کلادیوس باشد. در این صورت، نشان می دهد انجیل در بین اعضای خانواده های سلطنتی رومی نفوذ کرده بود.

۱۶: ۱۲ "تریفینا" یعنی "ظریف".

□ "تریفوسا" این اسم یعنی "لطیف". آنها احتمالاً خواهر بودند، حتی شاید دوقلو.

"سخت کار کرده است" این کلمه معنی کار سنگین "تا حد خستگی شدید" را می دهد.

□ "پرسیس" این کلمه یعنی "زن ایرانی"

۱۶: ۱۳ "روفس" این اسم یعنی "قرمز" یا "موقر مزی". ظاهراً یک روفس معروف در روم وجود داشت (ر.ک. مرقس ۱۵: ۲۱). نمی توان مطمئن بود که این همان شخص است ولی احتمال آن وجود دارد.

□

"در خداوند برگزیده است"

NASB

معنی تحت الفظی عبارت، "انتخاب شده" است. در اینجا عبارت نه تنها به دعوت خدا، بلکه به شیوه زندگی او نیز در خدمت ارتباط دارد. مادر او نیز همیشه به پولس محبت های بسیار کرده بود.

۱۶: ۱۴ "هرماس" این اسم خدای خوش شانسی است. این نامی بسیار معمول برای برده ها در قرن اول در دنیای یونانی- رومی بود.

۱۶: ۱۵ "همه مقدسان" «عنوان خاص»: مقدسین در ۱: ۷ را ببینید.

۱۶: ۱۶ "بوسه مقدس" شواهد اولیه در اینکه چه کسانی در چه مواقعی و در چه موقعیت هایی روبوسی می کردند وجود ندارد. در کنیسه، که نحوه درود گفتن آن را کلیسا الگو قرار داد، مردان گونه مردان را می بوسیدند و زنان، زنان را روبوسی می کردند (ر.ک. اقرن ۱۶: ۲۰ و ۲ قرن ۱۳: ۱۲؛ ۱ تسلا: ۵: ۲۶ و اپطرس: ۱۴). این طرز درود، مبدل به مسئله ای در کلیسا و باعث سوء تفاهم بی ایمانان شد و ازینرو منسوخ گردید.

متن NASB (به روز شده): ۱۶: ۱۷-۲۰

۱۷ حالا برادران، از شما استدعا می کنم مراقب آنانی باشید که سبب جدایی ها و موانعی می شوند که به ضد تعلیمی است که یافته اید، و از آنان دوری کنید. ^{۱۸} زیرا چنین افرادی برده هستند - نه برده خداوند ما مسیح - بلکه برده امیال خودشان؛ و با سخنان خوشایند و تملق آمیز، دلهای افرادی را که به آنها اعتماد کرده اند فریب می دهند. ^{۱۹} زیرا خبر اطاعت شما به همه رسیده است؛ بنابراین من بخاطر شما شادی می کنم، اما می خواهم شما در آنچه نیکوست حکیم و در آنچه شریر است، بی تجربه باشید. ^{۲۰} خدای صلح بزودی شیطان را در زیر پایهای شما خواهد کوبید. فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد.

۱۶: ۱۷ بنظر می رسد این هشدار به طور غیر منتظره داخل این مضمون شده است. در آیات ۱۷-۱۸ فهرستی از آنچه این معلمین کاذب انجام می دادند وجود دارد.

۱. باعث تفرقه ها می شدند
 ۲. برای ایمانداران موانع ایجاد می کردند
 ۳. بر خلاف آموزه های کلیسا تعلیم می دادند
 ۴. امیال پست خود را خدمت می نمودند
 ۵. دلهای افرادی را که به آنان اطمینان کرده بودند، با سخنان خوشایند و تملق آمیز فریب می دادند
- این فهرست، ربطی با ایمانداران ضعیف و قوی در ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ ندارد.

□ "از آنان دوری کنید" فعل «حال اخباری التزامی» است. این مضمونی است که چند بار تکرار می شود (ر.ک. غلا: ۱: ۸-۹، ۲ تسلا: ۳: ۶ و ۱۴، ۲ یوحنا: ۱۰).

"شکم خودشان"

NKJV

"طمع خودشان"

NJB

معنی تحت الفظی این عبارت "شکم ها" است (ر.ک. فیل ۳: ۱۹ تیط ۱: ۱۲) معلمین کاذب همه چیز را بر اساس منافع پست خودشان تغییر می دادند.

□ "سخنان خوشایند و تملق آمیز" معلمین کاذب اغلب ظاهر جذاب دارند و شخصیت شان پویا و چشمگیر است (ر.ک. کولس ۲: ۴). آنها اغلب مطالب شان را بطرز بسیار منطقی ارائه می کنند. هوشیار باشید! چند آزمایش کتاب مقدسی که با آن ها می توان معلمین کاذب را تشخیص داد در تثنیه ۱۳: ۱-۵؛ ۱۸: ۲۲، متی ۷، فیل ۳: ۲-۳، ۱۸: ۱۹، ۱ و یوحنا ۴: ۱-۶، دیده می شوند.

□ "دل‌های افرادی را که به آنها اعتماد کرده اند فریب می دهند" درینجا، فعل «حالِ اخباریِ سببی» و گویای "در حال فریب دادن" است. این ایمانداران ظاهراً جدید یا ساده، آسیب پذیر (بی تجربه در شرارت) نیز بودند.

۱۶: ۱۹ "خبر اطاعت شما به همه رسیده است" جمله به ۱: ۸ اشاره می کند. این یکی از مبالغه های پولس است.

□ "در آنچه نیکوست حکیم و در آنچه شریر است، بی تجربه باشید" این جمله تعلیم عیسی را منعکس می کند (ر.ک. متی ۱۰: ۱۶ لوقا ۱۰: ۳)

۱۶: ۲۰ "خدای صلح" عنوانی شکوهمند برای خدا است (ر.ک. ۱۵: ۳۳، ۲ قرن ۱۳: ۱۶ فیل ۴: ۹، ۱ تسا ۵: ۲۳ عبر ۱۳: ۲۰)

□ "بزودی شیطان را در زیر پایهای شما خواهد کوبید" کنایه ای است به پیدا ۳: ۱۵. رابطه ایمانداران با ماشیح به آنها پیروزی نیز می بخشد (ر.ک. ۱ یوحنا ۵: ۱۸-۲۰). این یک وعده و مسئولیت پر هیبت می باشد. در این متن، شیطان نمودارِ هرج و مرج و شقاقی است که از معلمین کاذب نتیجه شده است و باعث می شود کلیسا تمرکز خود را نسبت به «ماموریت عظیم» از دست بدهد. در خفای معلمین کاذب، دیوها می باشند! اما انجیل، از آنانی که با تمام دل به آن ایمان می آورند و مطابق آن زندگی می کنند، تاریکی و شریر را دور میسازد. کتاب ارزنده ای در این زمینه، «سه سوال بسیار مهم در مورد جنگ روحانی»، اثر «کلینتون ی. آرنولد» می باشد.

عنوان خاص: شرارتِ دارای شخصیت

این موضوع به چند دلیل، موضوعی بسیار مشکل است:

۱. عهد عتیق، یک دشمن اعظم علیه نیکویی را معرفی نمی کند، بلکه چهرهٔ یک خادم یهوه را می نمایاند که راهی دیگر در برابر مردم می نهد و به آنها اتهام شرارت می زند.
۲. موضوع دشمن اعظم و شخصیت دارِ خدا، در نوشته های زمان بین عهد عتیق و جدید (نوشته های غیر الهامی یهود) که از مذهب ایرانی (زرتشتی) تأثیر گرفته بودند، توسعه یافت. این به نوبه خود، تأثیر مهمی بر rabbinical Judaism [دین یهود که در آن مقطع، تابع ملایان و کاتبان یهودی بود] گذاشت.

۳. عهد جدید مضامین عهد عتیق را در مقوله هایی که به طور غیرمنتظره رک و خشک لیکن گزیده و معدود هستند، شرح و بسط می دهد.

اگر کسی از دیدگاه الهیات کتاب مقدسی، شریب را مطالعه کند (هر کتاب یا نویسنده یا نوع ادبی به طور مجزا مطالعه شود و رؤس مطالب تهیه گردد) آنگاه جنبه های بسیار متفاوتی از شریب مکشوف خواهد شد.

اما اگر روش مطالعه شریب با استفاده از مراجع غیر کتاب مقدسی، یا مذاهب عالم یا مذاهب شرقی که مراجع دنیوی کتاب مقدس هستند باشد، در آن صورت بیشتر بسط موضوع در عهد جدید، از قبل در مذاهب «دوگانه گرایی» ایرانی و روح گرایی یونانی- رومی وجود داشته است.

اگر شخص پیش انکارانه یقین دارد کتاب مقدس دارای اقتدار الهی است، آنگاه باید بسط موضوعات در عهد جدید را بعنوان مکاشفه پیشرو تلقی نماید. مسیحیان باید مراقب بوده اجازه ندهند روایات قومی یهود یا ادبیات غرب (مثل دانت و میلتن) مفاهیم کتاب مقدسی را تعریف و تعیین نمایند. در این حیطة مکاشفه الهی، راز و ابهام مسلماً وجود دارد. خدا اراده ننموده است همه خصوصیات شریب، منشاء آن و هدف و نقش آن را مکشوف سازد، لیکن شکست آنرا مکشوف نموده است!

در عهد عتیق به نظر می رسد واژه شیطان یا متهم کننده به سه گروه مجزا مرتبط است:

۱. انسان های متهم کننده (۱ سمو ۲۹: ۴؛ ۲ سمو ۱۹: ۲۲؛ ۱ پاد ۱۱: ۲۳، ۱۴، ۲۵؛ مز مور ۱۰۹: ۶)

۲. فرشتگان متهم کننده (اعد ۲۲: ۲۲-۲۳؛ زکر ۳: ۱)

۳. دیوهای متهم کننده (۱ توا ۲۱: ۱؛ ۱ پاد ۲۲: ۲۱؛ زکر ۱۳: ۲)

تنها بعدها در دوران بین عهد عتیق و جدید است که مار مزبور در پیدایش باب ۳، بعنوان شیطان شناخته شده است (ر.ک. کتاب حکمت ۲: ۲۳-۲۴؛ ۲ خنوخ ۳۱: ۳)، و حتی بعد از آن زمان نیز بوده که این موضوع یکی از گزینه های معلمین یهود گردید (ر.ک. *Sot*: ۹ ب و *Sanh*: ۲۹ الف). "پسران خدا" در پیدایش باب ۶، در کتاب اول خنوخ ۵۴: ۶ "فرشتگان" ذکر شده اند. دلیل اشاره من به این موضوع، تأکید صحت الهیاتی آن نیست بلکه می خواهم بسط یافتگی آن را نشان دهم. در عهد جدید این امور و کنش های عهد عتیق، به شریب که فرشته بوده و شخصیت دارد (به عبارت دیگر: شیطان) نسبت داده می شوند - در ۲ قرن ۱۱: ۳ و مکاشفه ۱۲: ۹.

تعیین منشاء «شریب دارای شخصیت» از روی عهد عتیق بسیار دشوار یا غیر ممکن است (البته بستگی به دیدگاه شما دارد). یکی از دلایل این، ایمان راسخ قوم اسرائیل به یکتا پرستی می باشد (ر.ک. ۱ پاد ۲۲: ۲۰-۲۲؛ جامعه ۷: ۱۴؛ اشعیا ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶). برای اثبات یگانگی و تقدّم یهوه، علّیت [سبب شدن] همه چیز به او نسبت داده می شد (ر.ک. اشع ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸، ۲۴، ۴۵: ۵-۶، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۲).

منابع اطلاعات ممکنه، گویای این موارد هستند: (۱) ایوب ۱-۲ که آنجا شیطان یکی از "پسران خدا" است (به عبارت دیگر: یکی از فرشتگان) یا (۲) اشعیا ۱۴؛ حزقیال ۲۸ که در آن پادشاهان پرتکبر خاور نزدیک (بابل و صور) بعنوان نمونه هایی از تکبر شیطان یاد شده اند (۱ تیمو ۳: ۶). من تردید هایی در مورد این روش احساس می کنم. حزقیال، استعاره ها را از باغ عدن نه تنها برای پادشاه صور بعنوان شیطان (ر.ک. حز ۲۸: ۱۲-۱۶)، بلکه برای پادشاه مصر نیز به عنوان درخت دانش نیک و بد (حزقیال ۳۱) به کار می گیرد. اما در اشعیا ۱۴، به خصوص آیات ۱۲-۱۴ بنظر می رسد شورش تکبر آمیز گروهی از فرشتگان

را بازگو می کند. اگر خواست خدا بوده که دقیقاً طبیعت و منشاء شیطان را برای ما آشکار سازد، این مورد و روش بسیار سرپوشیده ای برای اینکار می باشد. ما باید بر حذر از این تمایل الهیات نظام مند باشیم تا قسمت های جزئی و مبهم را از عهد عتیق و جدید و نویسندگان و کتابها و ژانرهای متفاوت برنگیریم و آنها را به عنوان قطعاتی از یک « پازل » الهی بهم متصل نکنیم.

آلفرد ایدرشیم در کتاب « زندگی و دوران عیسی ماشیح »، جلد دوم، ضمیمه ۱۳، صفحات ۷۴۸-۷۶۳ و ضمیمه ۱۶ صفحات ۷۷۰-۷۷۶ می نویسد Rabbinical Judaism [دین یهود که در آن مقطع، تابع ملایان و کاتبان یهودی بود] بیش از حد، تحت تأثیر « دو گانه گرایی » و دیدگاه ایرانیان در مورد دیوها بوده است. معلمین یهود منبع درستی برای واقعیت این موضوع نیستند. تعالیم عیسی اساساً با تعالیم « کنیسه » متفاوت بود. فکر می کنم این عقیده رابی ها که در زمان نازل شدن شریعت به موسی در کوه سینا، فرشتگان نقش وساطت و مخالفت درین مورد داشتند، دری را به روی این نظریه باز کرد که فرشته اعظمی وجود دارد و او دشمن یهوه و نیز انسانهاست. دو خدای برتر در « دو گانه گرایی » زرتشتی ایرانی، « هُرمز » و « اهریمن »، یعنی نیک و شریر، بوده اند و این « دو گانه گرایی » توسعه یافت و بصورت دو گانه گرایی محدودی در یهودیت از یهوه و شیطان در آمد.

یقیناً پرده برداری از شریر به طرزی پیشرو در عهد جدید هست، اما نه با آنهمه تفصیلاتی که رابی ها روایت می کردند. مثال خوبی از این تفاوت، "جنگ در آسمان" است. سقوط شیطان از نظر منطقی ضروری است، اما جزئیات آن ذکر نشده است. حتی آنچه بیان شده، در خفای سبک ادبی «مکاشفه ای» پنهان است (ر.ک. مکا: ۱۲: ۴، ۷، ۱۲-۱۳). اگرچه شیطان مغلوب شده و به زمین تبعید گشته است، او هنوز بعنوان یک خادم یهوه عمل می کند (ر.ک. متی: ۴: ۱؛ لو: ۲۲: ۳۱-۳۲؛ ۱ قرن ۵: ۵؛ ۱ تیمو: ۱: ۲۰).

ما باید کنجکاو خود را در این زمینه مهار کنیم. هر چند یک « نیروی شخصیت دار » که وسوسه کننده و شریر است وجود دارد، اما هنوز فقط یک خدا هست و انسان هنوز برای تصمیمات خود مسئول می باشد. یک نبرد روحانی برپاست - هم قبل و هم بعد از نجات. پیروزی فقط از طریق خدای تثلیث و بوسیله او بدست می آید و برقرار می شود. شریر مغلوب گردیده است و از میان برداشته خواهد شد.

□ "فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد" این یک خاتمه معمول پولس است (ر.ک. ۱ قرن ۱۶: ۲۳، ۲ قرن ۱۳: ۱۴؛ غلا: ۶: ۱۸؛ فیل: ۴: ۲۳؛ ۱ تسلا: ۵: ۲۸؛ ۲ تسلا: ۳: ۱۸ و کولس: ۴: ۱۸) نیز در مکاشفه ۲۲: (۲۱). احتمالاً این به خط خود پولس بود. او با اینکار صحت نامه هایش را تأیید می کرد (ر.ک. ۲ تسلا: ۳: ۱۷؛ ۱ قرن ۱۶: ۲۱؛ کولس: ۴: ۱۸).

متن NASB (به روز شده): ۲۱: ۱۶
۲۱ همکارم تیموتاوس به شما سلام می گوید، همینطور خویشاوندان من لوکیوس، یاسون و سوسیپاتروس نیز برای شما سلام می فرستند.

۱۶: ۲۱-۲۳ این آیات، یادداشت الحاقی آخر نامه هستند. همکاران پولس در قرن نهم سلام می رسانند.

۱۶: ۲۱ "لوکیوس" این ممکن است (۱) لوقای طبیب (ر.ک. کولس ۴: ۱۴)، یا شاید اصطلاح برای "شخص بسیار تحصیل کرده" (۲) یا «لوکیوس قیروانی» (ر.ک. اعمال ۱۳: ۱) (۳) یا یک مسیحی ناشناخته باشد.

□ "یاسون" او احتمالا آن یاسون است که پولس در تسالونیکیه در منزل او ماند (ر.ک. اعمال ۱۷: ۵-۹).

□ "سوسیپاتروس" این مرد احتمالا سوپاتروس از بیریه بود که در اعمال ۲۰: ۴ ذکر شده است.

متن NASB (به روز شده): ۱۶: ۲۲

۲۲ من، ترتیوس، که این نامه را می نویسم، در خداوند به شما سلام می گویم.

۱۶: ۲۲ "من، ترتیوس، که این نامه را می نویسم" پولس از کاتبی (به نام *amanuensis*) برای نوشتن نامه اش استفاده می کرد (ر.ک. ۱ قرن ۱۶: ۲۱؛ غلا ۶: ۱۱؛ کولس ۴: ۱۸؛ ۲ تسالون ۳: ۱۷). فکر میکنم چشمان پولس ضعیف بود و نمی توانست حروف ریز و فشرده لازم برای حفظ جا را روی برگه پاپيروس یا طومار چرمی به نویسند (ر.ک. غلا ۶: ۱۸)!

متن NASB (به روز شده): ۱۶: ۲۳-۲۴

۲۳ گایوس، که میزبان من و تمام کلیسا است، به شما سلام می گوید. اراستوس، خزانه دار شهر به شما سلام می رساند، و کوارتوس، برادر ما ۲۴ [فیض خداوند ما عیسی مسیح با همه شما آمین].

۱۶: ۲۳ "گایوس" این ممکن است (۱) گایوس تیتوس یوستوس اعمال ۱۸: ۷ باشد؛ (۲) یا گایوس از شهر دریه (ر.ک. اعمال ۱۹: ۲۹؛ ۲۰: ۴؛ ۱ قرن ۱۴: ۱)؛ یا (۳) گایوس در نامه سوم یوحنا آیه ۱.

□ "میزبان من و تمام کلیسا است" این همان مهمان نوازی مورد نیاز کلیسا بود. بعضی ایمانداران که امکانات داشتند، برای خادمین مسیحی ای که سفر می کردند، جا و غذا میدادند. بعضی مثل این شخص، در خانه شان را برای تشکیل جلسات و مناسبت ها باز کرده بودند. کلیساهای خانگی برای بیش از صد سال شکل معمول کلیسا بود. رجوع کنید به عنوان خاص: کلیسا (*Ekklesia*) در ۱۶: ۱.

□ "اراستوس، خزانه دار شهر" او در اعمال ۱۹: ۲۲ و ۲ تیمو ۴: ۲۰ نیز نامبرده شده است. او خدمت بشارت سیار را در ارتباط با پولس انجام می داد.

□ "کوارتوس" این اسم در لاتین به معنی "چهارم" است. او احتمالا برادر ترتیوس بود که معنی "سوم" را در لاتین دارد (آیه ۲۲).

۱۶: ۲۴ این آیه در نسخه های اولیه یونانی، $A, B, C, \text{ و } P^{46,61}$ و ۰۱۵۰ موجود نیست. این آیه در بعضی نسخه های یونانی بعد از ۱۶: ۲۳ و در برخی دیگر بعد از ۱۶: ۲۷ وجود دارد و روشن است که نوشته پولس نیست. در ترجمه های NASB, NRSV, TEV و NJB آن حذف شده است. ⁴UBS با ارزیابی

"مطمئن" (A)، آنرا نامستند می‌داند. این آیه به منظور خاتمه دادن به نامه بوده، مرتبط با این مشکل است که «گفتارهای ستایشی پایانی» در متون مختلف یونانی باستانی، در آخر بابهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ قرار گرفته‌اند.

متن NASB (به روز شده): ۱۶: ۲۵-۲۷

۲۵ حالا او را که قادر است شما را مطابق با انجیل من و موعظه عیسی مسیح، استوارگرداند، مطابق با مکاشفه رازی که برای ادوار طولانی گذشته مخفی داشته شده بود، ۲۶ اما اکنون آشکار گردیده، و بوسیله نوشته‌های انبیا، مطابق فرمان خدای ابدی، به همه قومها شناسانیده شده است، که منتهی به اطاعت ایمان می‌گردد؛ ۲۷ به تنها خدای حکیم، بواسطه عیسی مسیح، تا به ابد جلال باد! آمین.

۱۶: ۲۵-۲۷ این آیات در یونانی یک جمله واحد هستند. این دعای برکت در پایان هر دو باب ۱۴ و ۱۵ نیز آمده است. چارچوب آن، تکرار مضامین اصلی کتاب و احتمالاً به خط خود پولس است.

بعضی معتقدند که این عبارات ستایشی ممکن است

۱. یک معرفی نامه برای نامه‌های ادواری افسسیان بوده است

۲. برای کسانی بوده که سر راه روم می‌زیسته‌اند، زیرا:

۱-۲ پولس هرگز از روم دیدن نکرده بود، با این وجود او به بیست و شش نفر سلام می‌فرستد

۲-۲ باب ۱۶ اولین قسمتی است که در آن به معلمین کاذب اشاره شده است

۲-۳ این ستایش در نسخه‌های خطی یونانی، در چند جای متفاوت دیده می‌شود.

نیز ممکن است پولس دو نسخه تهیه کرده بود: بابهای ۱-۱۴ خطاب به روم، بابهای ۱-۱۶ خطاب به افسس. معمولاً این ادعاها چنین پاسخ‌هایی می‌گیرند (۱) این واقعیت که بسیاری از این کارکنان مسیحی اولیه سفر می‌کردند؛ (۲) این واقعیت که هیچ نسخه خطی یونانی کتاب رومیان، فاقد باب ۱۶ نیست؛ و (۳) این احتمال که معلمین کاذب در ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ بطور ضمنی مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۱۶: ۲۵ "او را که قادر است" این یک عنوان تحسین برانگیز دیگر در مورد خدا است که سه بار در عهد جدید کاربرد داشته است (ر.ک. افس ۳: ۲۰؛ یهودا ۲۴).

توجه کنید خدا چگونه ایمانداران را توانمند می‌سازد.

۱. انجیل پولس

۲. موعظه درباره عیسی مسیح

۳. مکشوف شدن نقشه جاودانی خدا برای نجات که مخفی نگاه داشته شده بود (راز)

ایمانداران بوسیله دانستن و درک انجیل، توانمند می‌شوند. این انجیل اکنون در دسترس همه قرار گرفته است!

□ "راز": خدا هدفی واحد از فدیة بشر دارد که پیش از سقوط هم حتی وجود داشته است (ر.ک. پیدا ۳). اشاره‌های کوچکی از این نقشه در عهد عتیق آشکار شده است (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶؛ مجموعه آیات مربوط به سراسر جهان در کتب انبیا). اما همه جوانب این نقشه، واضح نبود (ر.ک. ۱ قرن ۲: ۶-۸). آمدن عیسی و روح [القدس]، شروعی است برای وضوح بیشتر آن. پولس از واژه "راز" برای بیان کل این نقشه فدیة کننده بهره می‌گیرد (ر.ک. ۱ قرن ۴: ۱؛ افس ۲: ۱۱-۱۳؛ ۶: ۱۹؛ کولس ۴: ۳؛ ۱ تیمو ۱: ۹). اما کاربرد او از آن به چند معنی مختلف است:

۱. تا حدودی سخت شدن دل یهودیان، درینکه بگذارند غیر یهودیان نیز سهم گردند. این رخنه امتها،

عاملی برای یهودیان خواهد شد تا عیسی را بعنوان مسیح موعود بپذیرند (ر.ک. روم ۱۱: ۲۵-۳۲).

۲. انجیل به ملل غیر یهود شناسانیده شد، که همگی آنان در مسیح و بوسیله مسیح سهیم گشته اند (ر.ک. روم ۱۶: ۲۵-۲۷؛ کولس ۲: ۲).
۳. بدن جدید ایمانداران در بازگشت ثانوی [مسیح] (ر.ک. ۱ قرن ۱۵: ۵-۵۷؛ ۱ تسالونی ۴: ۱۳-۱۸).
۴. گرد آمدن همه چیز در مسیح (ر.ک. ۱: ۸-۱۱).
۵. غیر یهودیان و یهودیان، هم ارث هستند (ر.ک. افسس ۲: ۱۱-۱۳).
۶. رابطه نزدیک مسیح با کلیسا که در قالب ازدواج توصیف شده است (ر.ک. افسس ۵: ۲۲-۳۳).
۷. غیر یهودیان جزوی از قوم معاهده شده اند و روح مسیح در آنها سکنی گزیده است تا مشابه مسیح، بلوغ روحانی در آنها انجام گیرد؛ به عبارت دیگر تا آن شباهت خدا - که در انسان سقوط کرده خدشه یافته بود - تجدید گردد. (ر.ک. پیدای ۶: ۵، ۱۱-۱۳؛ ۸: ۲۱) از خدا در انسان (ر.ک. پیدای ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶؛ کولس ۱: ۲۶-۲۸).
۸. دجال در آخر زمان (ر.ک. ۲ تسالونی ۲: ۱-۱۱).
۹. خلاصه ای ازین راز توسط کلیسای اولیه در ۱ تیمو ۱: ۱۶ دیده می شود.

۱۶: ۲۶ "اکنون آشکار گردیده" این راز یا نقشه خدا، اکنون به روشنی به همه مردم آشکار شده است و آن انجیل عیسی مسیح می باشد (ر.ک. افسس ۲: ۱۱-۱۳).

□ "و بوسیله نوشته های انبیا" خدا این راز را در شخص و کارهای عیسی آشکار ساخته است. انبیای عهد عتیق این را پیشگویی کرده بودند. برقراری کلیسای عهد جدید متشکل از ایمانداران یهود و غیر یهود، همیشه نقشه خدا بوده است (ر.ک. پیدای ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶، ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴).

□ "خدای ابدی" به عنوان خاص در ذیل رجوع نمایید.

عنوان خاص : ابدی

« رابرت ب. گریل استون » در کتابش به نام «الفاظ مترادف در عهدعتیق» تفسیر جالبی از کلمه "ابدی" دارد:

"صفت *aiōnios* بیش از چهل بار در عهد جدید در خصوص حیات ابدی کاربرد دارد که هم عطیه ای کنونی و هم وعده ای برای آینده محسوب می شود. این نیز به وجود پایان ناپذیر خدا در روم ۱۶: ۲۶ و به تاثیر بی انتهای کفار مسیح در عبر ۹: ۱۲، ۱۳: ۲۰، و به دورانهای گذشته در روم ۱۶: ۲۵، دوم تیمو ۱: ۹، تیطس ۱: ۲ ارتباط داده شده است.

واژه فوق در رابطه با آتش ابدی (متی ۱۸: ۸، ۲۵: ۴۱، یهودا ۷) مجازات ابدی، (متی ۲۵: ۴۶) داوری ابدی یا محکومیت ابدی (مرقس ۳: ۲۹، عبر ۶: ۲) و هلاکت جاودانی (۲ تسالونی ۱: ۹) به کار گرفته شده است. واژه مزبور در آن آیات به نهایی بودن و قاطع بودن اشاره می کند، و ظاهراً گویای این است که وقتی این مکافات ها مجری شوند، دیگر فرصت آزمایش حسن رفتار و صلاحیت، و عوض شدن، یا مهلت دوباره برای آینده نیک، کاملاً و برای همیشه تمام شده است. ما درک ناچیزی از آینده، رابطه زندگی انسان با بقیه هستی و تاثیر اخلاقی بی ایمانی از دیدگاه ابدیت داریم. اگر اضافه کردن به کلام خدا کار درستی نیست، پس نباید چیزی هم از آن کسر کنیم؛ و اگر در مورد تعلیم مجازات ابدی - آنطور که در کتاب مقدس آمده - دچار تردید شویم، باید به انتظار کشیدن اکتفا کرده، به انجیل محبت خدا در مسیح متوسل شویم، و در عین حال قبول کنیم که موضوع زمینه ای مبهم دارد که قابل درک ما نیست" (صفحات ۳۱۸-۳۱۹).

□ "به همه قومها شناسانیده شده است" این «گذشته مطلق غیرمستقیم وصفی» است. در یونانی با گذاشتن این عبارت در پایان جمله، بر آن تاکید گذاشته شده است. خدا آنطور که همیشه مقصودش بود انجیل را به تمامی جهان ارائه کرده است (ر.ک. پیدا ۳: ۱۵).

□

NASB "منتهی به اطاعت ایمان می گردد"

NKJV "برای اطاعت ایمان"

NRSV "به جهت اطاعت ایمان"

TEV "منتهی به اطاعت ایمان"

JB "که برای آنها اطاعت ایمان را به همراه می آورد"

این عبارت را چند نوع مختلف می توان معنی کرد؛ احتمالاً اشاره است به (۱) تعلیم درباره مسیح؛ (۲) توکل به مسیح؛ یا (۳) اطاعت از انجیل هم در آغاز و هم بطور مستمر. اطاعت باید از نظر الهیاتی، با موضوع توبه و ایمان ادغام شود (ر.ک. مر ۱: ۱۵؛ اعا ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

۱۶: ۲۷ "تنها خدای حکیم" این اشاره ای به وحدانیت است (ر.ک. تث ۶: ۴-۵). مسیحیت همانند دین یهود، تنها یک خدا دارد، لیکن الوهیت کامل عیسی و تمامیت شخصیت روح [القدس]، ما را ناگزیر از قبول "اتحاد سه گانه"، یا همان تثلیث می نماید.

□ "تا به ابد جلال باد" یادداشت ۳: ۲۳ را ببینید.

□ "آمین" عنوان خاص در ۱: ۲۵ را ببینید.

سئوالات برای گفتگو و تبادل نظر

این یک کتاب راهنمای تفسیر میباشد، به این معنا که خود شما مسئول ارائه تفسیرتان از کتاب مقدس می باشید. هر یک از ما باید در نوری که بر ما تابیده است، گام برداریم. در امر تفسیر، شما و کتاب مقدس و روح القدس هر سه دارای اولویت هستید. نباید خود را محروم کرده و این حق را به یک مفسر واگذار کنید.

این سئوالات جهت گفتگو، برای یاری شما ارائه شده اند تا در مسائل مهم این بخش کتاب عمیقاً تأمل کنید. منظور از سئوالات اینست که تفکر برانگیز باشند، نه قاطع و نهایی.

۱. با توجه به اینکه پولس هیچوقت در کلیسای روم نبود، چطور تمام این افراد را می شناخت؟
۲. آیا شواهد کتاب مقدسی برای زنان شماس وجود دارد؟ (ر.ک. ۱: ۱۶ و ۱ تیمو ۳: ۱۱ و ۵: ۳-۱۶)
۳. نام بردن از تعداد زیادی زنان در این باب به چه موضوعی اشاره می کند؟
۴. روش ها و پیغام معلمین کاذب را توصیف کنید (آیات ۱۷-۱۸).

لیست اسامی اشخاص ، کتاب ها و عناوین فارسی و اصل انگلیسی آنها

Edward Carpenter	ادوارد کارپنتر
Eerdmans	إردمنز
S. R. Driver	اس. آر. درایور
The Canon of Westminster	اصول کلیسای وست مینستر
<i>Acts</i>	اعمال
F. F. Bruce	اف. اف. بروس
F. Brown	اف. براون
<i>A Theology of the New Testament</i>	الهیات عهد جدید
M. R. Vincent	ام. آر. وینسنت
The Jewish Publication Society of America	انجمن انتشارات یهودی آمریکا
The American Bible Society	انجمن آمریکایی کتب مقدسه
The United Bible Society (UBS ⁴)	انجمن متحد کتب مقدسه (ویراست چهارم تجدید نظر شده)
United Bible Societies	انجمن های متحد کتاب مقدس
<i>Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics</i>	انجیل و روح القدس: مسائلی در تفسیر عهد جدید
<i>A Man in Christ</i>	انسان در مسیح
Everett Harrison	إورت هریسون
Origen	اورین
Origen	اورین
Olaf M. Morlie	اولاف م. مورلی
Lockman Foundation's Fourfold Aim	اهداف چهار گانه بنیاد لاکمن
A. T. Robertson	آ. ت. رابرتسون
Arminianism	آرمینیانیسم

Arius	آریوس
Augustine	آگوستین
Alfred Edersheim	آلفرد اِدرشیم
Ambrosiaster	امبروزیاستر
Andres Nygren	آندرس نای گرن
Barth	بارت
Barrett	بارت
Bauer, Arndt, Gingrich and Danker	باور، آرندت، گینگریچ و دانکر
Bible Lessons International, Marshal, Texas	بایبل لِسِنز اینترنشنال، مارشال، تگزاس
Beta	بتا
Bethany Fellowship	بَثْنی فِلوشیپ
Brown, Driver, Briggs	براون، درایور، بریگز
<i>Word Studies</i>	بررسی واژه گان
<i>Word Studies</i> , by M. R. Vincent	بررسی واژه گان، نوشته «ام. آر. وینسنت»
Bruce Corley and Curtis Vaughan	بروس کورلی و کرتیس وان
Bruce Minter	بروس مینتر
Lockman Foundation	بنیاد لاکمن
Chester Beatty Papyri	پاپیروس چستر بیٹی
Pelegius	پلجیوس
<i>Paul: Apostle of the Heart Set Free</i>	پولس: رسول دلی آزاد شده
Todd S. Beall, William A. Banks, Colin Smith	تاد س. بیل، ویلیام آ. بنکس، کالین سمیت
<i>Affirming the Will of God</i> by Paul Little	تأیید اراده خدا / به قلم پال لیتل
Tertullian	تِرتولین
<i>New American Standard Version</i> (1995)	ترجمه استاندارد آمریکایی جدید (بروز آمده)

Update)	در 1995)
<i>Today's English Version (TEV)</i>	ترجمه انگلیسی امروز
<i>Revised Standard Version</i>	ترجمه تجدید نظر شده استاندارد
<i>Young's Literal Translation of the Holy Bible</i>	ترجمه تحت اللفظی کتاب مقدس توسط "یانگ"
The New Berkeley Version	ترجمه جدید برکلی
<i>New International Version</i>	ترجمه جدید بین المللی
<i>New Revised Standard Version (NRSV)</i>	ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد
<i>The New Revised Standard Version of the Bible</i>	ترجمه جدید تجدید نظر شده کتابمقدس استاندارد
<i>A New Translation of the Bible</i>	ترجمه جدیدی از کتاب مقدس
The Lamsa translation of the Peshitta	ترجمه لمسا از پشیتا
The Knox translation	ترجمه ناکس
The Williams translation	ترجمه ویلیامز
The Septuagint	ترجمه هفتاد
<i>Septuagint (Greek-English)</i>	ترجمه هفتاد (یونانی- انگلیسی)
<i>The Centenary Translation</i>	ترجمه یک صدمین سال
Phillips translation	ترجمه فیلیپس
The RSV, Amplified	ترجمه مبسوط RSV
<i>Word Pictures</i>	تصاویر واژه ای
<i>The Orthodox Corruption of Scripture</i> by Bart D. Ehrman	تغییرات در کتاب مقدس از روی راست دینی اثر «بارت دی. ارمن»
<i>Commentary on Romans</i>	تفسیر رومیان
<i>Tyndale New Testament Commentary</i>	تفسیر عهد جدید تیندل
<i>The Jerome Biblical Commentary</i>	تفسیر کتاب مقدس جروم
<i>A Textual Commentary of the Greek New</i>	تفسیر متنی عهد جدید یونانی - اثر بروس ام.

<i>Testament</i> by Bruce M. Metzger	متزگر
<i>Tobit</i>	توبیت (کتاب یهودی)
J.B. Phillips	ج. ب. فیلیپس
G. Campbell Morgan	ج. کمپبل مورگان
Essene Community	جامعه «اسین»
John Joseph Owens	جان جوزف اوونز
John Murray	جان موری
George M. Lamas	جرج م. لامسا
George Elton Ladd	جرج الدون لد
George Eldon Ladd	جرج الدون لد
George Ladd	جرج لد
George A. Buttrick	جورج ا. باتریک
Joseph A. Fitzmyer and Raymond E. Brown	جوزف آ. فیتزمایر و ریموند ای. براون
Joy Davidman	جوی دیویدمن
James Steward's <i>A Man in Christ</i>	جیمز استوارت ، یک انسان در مسیح
James Orr	جیمز اور
James B. Pritchard	جیمز ب. پریچارد
James Moffatt	جیمز موقات
<i>How to Read The Bible For All Its Worth</i> by Gordon D. Fee and Douglas Stuart	چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم، نوشته گُردون دی. فی و داگلاس استوارت
Hannah Whithall Smith	حانا وینال اسمیت
Wisdom	حکمت
Wisdom of Solomon	حکمت سلیمان
East Texas Baptist University	دانشگاه باپتیست تگزاس شرقی
<i>International Standard Bible Encyclopedia</i>	دائرة المعارف کتاب مقدس استاندارد بین المللی
<i>Zondervan Pictorial Bible Encyclopedia</i>	دائرة المعارف مصور کتاب مقدس "زان درون"

<i>A Grammar of the Greek New Testament in the Light of Historical Research</i>	دستور زبان عهد جدید یونانی در پرتو پژوهش تاریخی
Dale Moody	دیل مودی
David Noel Freedman	دیوید نوئل فریدمن
Robert B. Girdlestone	رابرت ب. گِردِل استون
Robert Shank	رابرت شَنک
Robert Hanna <i>A Grammatical Aid to The Greek New Testament</i>	رابرت هنا کتاب «راهنمای دستوری عهد جدید یونانی»
Robert Young	رابرت یانگ
<i>Old Testament Parsing Guide</i>	راهنمای تجزیه و تحلیل دستور زبان عهد عتیق
<i>The Zondervan Study Guide Commentary</i>	راهنمای مطالعاتی تفسیری زاندرِون
<i>A Study Guide Commentary, Romans</i>	راهنمای مطالعاتی تفسیری، رومیان
<i>The Christian's Secret of a Happy Life</i>	رمز زندگی شادمانه مسیحی
Principalities and Powers	ریاست ها و قدرت ها
<i>Women Leaders and the Church</i>	زنان رهبر و کلیسا
<i>Life in the Son</i>	زندگی در «پسر»
<i>Life of Claudius</i>	زندگی کلادیوس
<i>The Life and Times of Jesus the Messiah</i>	زندگی و دوران عیسی ماشیح
C.K. Barrett	س. ک. بَرِت
Stagg	ستاگ
Thanksgiving Hymns	سرودهای شکرگذاری
<i>Three Crucial Questions About Spiritual Warfare</i>	سه سوال خطیر در مورد جنگ روحانی
C. A. Briggs	سی. ا. بریگز
C. S. Lewis	سی. اس. لوئیس

<i>City of God</i>	شهر خدا
Dead Sea Scrolls	طومارهای بحرالمیت
The Twentieth Century New Testament	عهد جدید قرن بیستم
Williams NT	عهد جدید ویلیامز
<i>The Greek New Testament</i>	عهد جدید یونانی
<i>The New Testament: A new Translation</i>	عهد جدید: ترجمه جدید
<i>Servant Songs</i>	غزل های خادم
<i>Synonyms of the Old Testament</i>	الفاظ مترادف در عهد عتیق
Frank Stagg – <i>New Testament Theology</i>	فرانک استاگ – الهیات عهد جدید
<i>New International Dictionary of New Testament Theology</i>	فرهنگ بین المللی نوین الهیات عهد جدید
<i>The New International Dictionary of New Testament Theology</i>	فرهنگ نوین بین المللی الهیات عهد جدید
<i>Dictionary of Paul and His Letters</i>	قاموس پولس و نامه های او
<i>New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis</i>	قاموس جدید بین المللی الهیات و تفسیر عهد عتیق
Anchor Bible Dictionary	قاموس کتاب مقدس آنکر
<i>The Interpreter's Dictionary of the Bible</i>	قاموس کتاب مقدس مفسرین
<i>Corinth After Paul Left</i>	قرنیتس بعد از آنکه پولس آنجا را ترک کرد
Karl Barth	کارل بارت
Carl C. Rasmussen	کارل س. راسموسن
Calvin	کالوین
Calvinism	کالوینیسم
Colin Brown	کالین براون
<i>Book of Wisdom</i>	کتاب حکمت
<i>II Enoch</i>	کتاب دوم خنوخ

<i>A translator's Handbook on Paul's Letter to the Romans</i>	کتاب راهنمای مترجم در مورد نامه پولس به رومیان
<i>Romans Verse by Verse</i>	کتاب رومیان، آیه به آیه
<i>NET Bible: New English Translation</i>	کتاب مقدس NET: ترجمه جدید انگلیسی
<i>The Holy Bible From Ancient Eastern Manuscripts (The Peshitta)</i>	کتاب مقدس از روی متون باستانی شرقی (پشیتا)
<i>The New American Standard Bible (NASB)</i>	کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید
<i>Revised English Bible</i>	کتاب مقدس انگلیسی تجدید نظر شده
<i>The Jerusalem Bible (JB)</i>	کتاب مقدس اورشلیم
<i>The New King James Version (NKJV)</i>	کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید
REB (Revised English Bible)	کتاب مقدس تجدید نظر شده انگلیسی
<i>New English Bible</i>	کتاب مقدس جدید انگلیسی
NEB (New English Bible)	کتاب مقدس جدید انگلیسی
<i>New Jerusalem Bible</i>	کتاب مقدس جدید اورشلیم
<i>Anchor Bible Commentaries</i>	کتاب تفسیر کتاب مقدس آنکر
<i>The Holy Scriptures According to the Masoretic Text: A New Translation</i>	کتاب مقدسه مطابق متن ماسورتیک: ترجمه ای جدید
Curtis Vaughan	کرتیس وان
Corley, Vaughan	کُری، وان
Chrysostom	کریسوستوم
<i>The Word of Truth</i>	کلام حقیقت
<i>Analytical Key to the Old Testament</i>	کلید تحلیلی عهد عتیق
Clinton E. Arnold	کلینتون ی. آرنولد
Christian Life Commission	کمیسیون روش زندگی مسیحی
Gordon Fee	گُردون فی
<i>Hard Sayings of the Bible, by Walter C.</i>	گفته های پیچیده کتاب مقدس اثر والتر سی.

Kaiser, Peter H. Davids, F. F. Bruce and Manfred T. Branch	کایزر، پیتر اچ. دیویدز، اف. اف. بروس و مَنفرد تی. برَنچ
Glorieta	گلوریتا
“witnesses of truth”	گواهان حقیقت
La Habra, CA	لاهابرا، کالیفرنیا
Lightfoot	لایت فوت
Moulton and Milligan, <i>The Vocabulary of the Greek New Testament</i>	لغات عهد جدید یونانی، نوشته مولتون و میلیگان
<i>The Analytical Greek Lexicon Revised</i>	لغت نامه تحلیلی یونانی تجدید نظر شده
<i>A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament</i>	لغت نامه عبری و انگلیسی عهد عتیق
<i>The Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament</i>	لغت نامه عبری و آرامی عهد عتیق
<i>A Greek-English Lexicon</i>	لغت نامه یونانی- انگلیسی
<i>Greek-English Lexicon</i>	لغت نامه یونانی- انگلیسی
Louw and Nida, <i>Greek-English Lexicon of the New Testament</i>	لواو و نیدا، «لغت نامه عهد جدید یونانی - انگلیسی»
Louw and Nida, <i>Greek-English Lexicon</i>	لواو و نیدا، «لغت نامه یونانی - انگلیسی»
Luther	لوتر
Ludwig Koehler, Walter Baumgartner	لودویگ کوهرلر، والتر بام گارتنر
Linda L. Belleville	لیندا ال. بلویل
Marcion	مارسیون
<i>The New American Standard Bible (NASB)</i>	متن NASB (بروز آمده) = «کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید»
<i>New American Bible Text</i>	متن ترجمه جدید کتاب مقدس آمریکایی
Masoretic Text	متن ماسورتیک [متن عبری اصلی کتاب مقدس]

<i>Masoretic Hebrew Text</i>	متن ماسورتیک عبری (ماسورتیک = متن اصلی عبری کتاب مقدس)
<i>Ancient Near Eastern Texts</i>	متون باستانی خاور نزدیک
<i>Kept by the Power of God</i>	محفوظ به وسیله قدرت خدا
Merrill C. Tenney	میریل سی. تنی
InterVarsity Press (IVP)	مطبوعات اینتر وارسیتی
<i>The New Covenant</i>	معاهده جدید
Moody	مودی
Murry Harris	موری هریس
Zondervan	موسسه «زان در ون»
Monarchianism	مونارکیانیسم
Knox	ناکس
<i>Letter of Aristeas</i>	نامه آریستیس
<i>Apostolical Constitutions</i>	نظام نامه های رسولان
<i>A Textual Commentary on the Greek New Testament</i>	نقدی بر متن عهد جدید یونانی
<i>The Goodness of God</i>	نیکویی خدا
Newman and Nida	نیومن و نیدا
<i>The analytical Greek Lexicon Revised, by Harold K. Moulton</i>	واژه نامه تحلیلی یونانی ویرایش شده، نوشته هارولد کی. مولتون
<i>The Vocabulary of the Greek Testament by Moulton and Milligan</i>	واژه های انجیل یونانی، نوشته مولتون و میلیگان
Vaughan	وان
Westcott	وست کات
Wenham	ونهام
Willem A. VanGemeren	ویلیم آ. ون گمیرن

William R. Newell	ويليام ر. نيوول
William Foxwell Albright	ويليام فاكسول البرايت
<i>Williams and Phillips</i>	ويليامز و فيليبس
Hodge	هاج
Howard Marshall	هاوارد مارشال
Hendrikus Berkhoff	هندريكوس برکاف
Henlee Barnette	هنلى بارنت
<i>A Theology of the New Testament</i>	الهيئات عهد جديد

فهرست کتب کتاب مقدس به اختصار و معادل کامل آنها

عهد عتیق

امثال سلیمان	امثال	پیدایش	پیدا
جامعه سلیمان	جامعه	خروج	خرو
غزل غزلهای سلیمان	غزل غزل ها	لاویان	لاو
اشعیا	اش	اعداد	اعد
ارمیا	ار	تثنیه	تث
مراثی ارمیا	مر	یوشع	یوش
حزقیال	حز	داوران	داو
دانیال	دان	روت	روت
هوشع	هو	اول سموئیل	1 سمو
یونیل	یول	دوم سموئیل	2 سمو
عاموس	عا	اول پادشاهان	1 پاد
عوبدیا	عو	دوم پادشاهان	2 پاد
یونس	یون	اول تواریخ	1 توا
میکاه	میکا	دوم تواریخ	2 توا
ناحوم	نا	عزرا	عز
حبقوق	حبق	نحمیا	نح
صفنیا	صف	استر	استر
حجی	حجی	ایوب	ایو
زکریا	زکر	مزامیر	مزا
ملاکی	ملا		

عهد جدید

تسالونیکیان (دوم)	2 تسالونیا	انجیل متی	متی
تیموتاوس (اول)	1 تیموتاوس	انجیل مرقس	مر
تیموتاوس (دوم)	2 تیموتاوس	انجیل لوقا	لو
رساله تیتوس	تیتوس	انجیل یوحنا	یو
فلیمون	فلیمون	اعمال رسولان	اعما
رساله به عبرانیان	عبرانیان	رساله های پولس به	
رساله یعقوب	یعقوب	رومیان	روم
رساله اول پطرس	1 پطرس	قرننتیان (اول)	1 قرن
رساله دوم پطرس	2 پطرس	قرننتیان (دوم)	2 قرن
رساله اول یوحنا	1 یوحنا	غلاطیان	غلا
رساله دوم یوحنا	2 یوحنا	افسیان	افس
رساله سوم یوحنا	3 یوحنا	فیلیپیان	فیل
رساله یهودا	یهودا	کولسیان	کولس
مکاشفه یوحنا	مکاشفه	تسالونیکیان (اول)	1 تسالونیا

تعاریف کوتاه از واژه‌های گرامری یونانی

یونانی کواپن، که اغلب یونانی هلنی نامیده می‌شود، زبان رایج دنیای مدیترانه بود که از زمان غلبه اسکندر کبیر (۳۳۶ - ۳۲۳ قبل از میلاد) آغاز و برای حدود هشتصد سال ادامه یافت (۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ میلادی). این زبان تنها فرم ساده شده یونانی قدیم نبود، بلکه از بسیاری جهات فرم جدیدی از یونانی بود که به زبان دوم دنیای خاور نزدیک و مدیترانه باستان تبدیل شد.

یونانی عهدجدید از بسیاری جهات بی‌نظیر بود زیرا همه کاربران آن به استثنای لوقا و نویسندگان عبرانیان، احتمالاً زبان اولشان آرامی بود. بنابراین، نوشتار آنها تحت تاثیر اصطلاحات و فرمهای ساختاری آرامی قرار داشت. آنها همچنین نسخه هفتادگان (ترجمه یونانی عهدعتیق) که به یونانی کواپن نگارش شده بود را قرائت و از آن نقل قول می‌کردند. اما خود ترجمه هفتادگان نیز توسط محققین یهود نگارش شده بود که زبان مادریشان یونانی نبود.

این به ما یادآوری می‌کند که نمی‌توان عهدجدید را در ساختار گرامری محکمی محدود کرد. یونانی آن منحصر بفرد و در عین حال مشترکات زیادی با (۱) ترجمه هفتادگان؛ (۲) نوشته‌های یهودی مانند آثار جوزفوس؛ و (۳) پاپیروسهای یافت شده در مصر دارد. پس چطور می‌توان عهدجدید را از لحاظ گرامری تجزیه و تحلیل کرد؟

ویژگیهای گرامری یونانی کواپن و یونانی عهدجدید روان هستند. از بسیاری جهات زمانی بود که در آن ساده‌سازی گرامری رخ داد. زمینه متن راهنمای اصلی ماست. کلمات تنها در زمینه وسیعتر معنا می‌یابند، بنابراین، ساختار گرامری تنها با توجه به (۱) اسلوب یک مولف خاص؛ و (۲) یک زمینه متنی بخصوص قابل درک است. تعاریف انحصاری فرمها و ساختارهای یونانی غیرممکن است.

یونانی کواپن ابتدائاً زبانی گفتاری بود. اغلب کلید تفسیر گونه و فرم گفتاری است. در بیشتر شبه جمله‌های اصلی فعل در ابتدا نمی‌آید که نشانگر غالب بودن آن است. در تجزیه و تحلیل فعل یونانی به سه مسئله باید توجه کرد: (۱) تاکید اولیه زمان فعل، آوا و وجه (صرف و نحو یا ریشه یابی لغت - مورفولوژی)؛ (۲) معنای ابتدایی فعل خاص (واژنگاری - لکسیکوگرافی)؛ و (۳) جریان زمینه متن (نحو - سینتکس).

۱. زمان فعل

الف. زمان فعل یا جنبه شامل ارتباط افعال با اعمال کامل یا ناکامل است. این را اغلب "کامل" یا "ناکامل" می‌نامند.

۱. زمانهای کامل بر وقوع عمل متمرکز هستند. اطلاعاتی بیشتری داده نمی‌شود، جز اینکه چیزی اتفاق افتاد! به آغاز، ادامه یا نتیجه آن اشاره نمی‌شود.

۲. زمانهای ناکامل بر فرآیند دنباله‌دار یک عمل تمرکز تاکید دارد. آن را می‌توان به صورت عمل خطی، عمل مداوم، یا عمل پیش‌رونده و غیر توصیف کرد.

ب. زمانهای فعل را می‌توان بر اساس اینکه مولف پیشرفت عمل را چگونه می‌بیند طبقه‌بندی کرد:

۱. رخ داد = آیوربست یا پیوسته.

۲. رخ داده و نتیجه آن به قوت خود باقی است = حال کامل (یا ماضی نقلی)

۳. در گذشته در حال انجام بود اما نتایج مربوطه دیگر وجود ندارند = گذشته کامل (ماضی بعید)

۴. در حال انجام است = زمان حال

۵. در حال انجام بود = حال ناکامل.

۶. رخ خواهد داد = آینده

واژه "نجات" مثال قوی است برای اینکه ببینیم زمان فعل چگونه به تفسیر کمک می‌کند. این واژه در زمانهای بسیار متفاوتی بکار رفته تا فرآیند و نتیجه‌اش مشخص شود.

۱. آیوربست یا پیوسته - "نجات یافته" (رومیان ۸: ۲۴).

۲. حال کامل - "نجات یافته‌اند و نتیجه ادامه دارد" (افسیان ۲: ۵، ۸)

۳. حال - "در حال نجات یافتن" (۱ قرننیا ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲)

۴. آینده - "نجات خواهند یافت" (رومیان ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹)

ب. با دقت در زمان فعل، مفسرین در می‌یابند که چرا مولف اولیه زمانی خاص را برای بیان مقصود خود انتخاب کرد. زمان

استاندارد بی‌حاشیه زمان آیوربست (پیوسته بود). این فرم فعلی باقاعده "غیرویژه"، "بی‌علامت" یا "متمایز نشده" بود. این فرم با توجه به زمینه خاص متن به طرق زیادی قابل استفاده است. به زبان ساده این فعل می‌گفت چیزی اتفاق افتاد. ویژگی زمان گذشته تنها در حالت اخباری مدنظر است. اگر زمان دیگری بکار می‌رفت، مورد خاص‌تری مدنظر بود. اما چه موردی؟

۱. فعل حال کامل. از عملی که کامل شده و نتایج آن باقیست سخن می‌گوید. در واقع از برخی جهات ترکیبی بود از زمان پیوسته و حال. معمولاً تمرکز بر نتایج مربوطه یا کامل شدن یک عمل است (مثال ۲: ۵؛ ۸، "شما نجات یافته و کماکان نجات یافته هستید").
۲. گذشته کامل. این زمان شبیه فرم کامل است جز اینکه نتایج مربوطه آن تمام شده است. مثال: یوحنا ۱۸: ۱۶ "پطرس بیرون کنار در ایستاده بود".
۳. زمان حال. این زمان از عمل ناکامل یا کامل نشده سخن می‌گوید. معمولاً ادامه‌دار بودن یک واقعه قرار مورد تاکید است. مثال: ۱ یوحنا ۳: ۶ و ۹، "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند". "آنکه از خدا زاده شده گناه نمی‌کند".
۴. زمان حال ناکامل. شباهت این زمان به زمان حال شبیه شباهت بین زمان حال کامل و گذشته کامل است. حال ناکامل از عمل ناکاملی که در گذشته در حال انجام بود اما اکنون متوقف شده یا شروع یک عمل در گذشته سخن می‌گوید. مثال: متی ۳: ۵، "پس مردم از سراسر اورشلیم نزد او می‌رفتند".
۵. زمان آینده. از عملی سخن می‌گوید که در چارچوبی زمانی در آینده انجام خواهد شد. تمرکز آن بر امکان وقوع است نه خود وقوع. اغلب از قطعیت یک واقعه سخن می‌گوید. مثال: متی ۵: ۴-۹، "خوشا به حال... آنها خواهند...".
۶. رخ خواهد داد = آینده

۲. آوا

- الف. آوا (وجه دستوری) رابطه بین عمل فعل و فاعل آن را توصیف می‌کند.
- ب. آوای معلوم روش معمول، مورد انتظار و بدون تاکید بود برای بیان اینکه فاعل کننده کار مربوط به فعل است.
- ج. آوای (غیرمستقیم) مجهول به این معنا بود که فاعل عمل مرتبط با فعل را که توسط عاملی خارجی انجام می‌شد، دریافت می‌کرد. عامل خارجی مولد عمل در یونانی عهدجدید با ضمائر و موارد زیر مشخص می‌شد:
 ۱. عامل مستقیم شخصی بوسیله همپو همراه با حالت کاهنده (ازی) (متی ۱: ۲۲؛ اعمال ۲۲: ۳۰).
 ۲. عامل متوسط شخصی بوسیله دیا همراه با حالت کاهنده (ازی) (متی ۱: ۲۲).
 ۳. عامل غیر شخصی با /in همراه با حالت ایزاری
 ۴. گاهی عامل شخصی یا غیرشخصی تنها بوسیله حالت ایزاری
- د. آوای معلوم وسط به این معنای که فاعل باعث عمل فعل می‌شود و مستقیماً در عمل فعل نیز دخالت دارد. این را معمولاً آوای منفعت شخصی تشدید شده می‌نامند. این ساختار به نحوی بر فاعل شبه جمله یا جمله تاکید داشت. چنین ساختاری در انگلیسی یافت نمی‌شود. در یونانی دارای معانی و ترجمه‌های محتمل وسیعی است. برخی نمونه‌های این حالت از این قرارند:
 ۱. انعکاسی - عمل مستقیم فاعل بر روی خودش. مثال: متی ۲۷: "خود را دار زد"
 ۲. تشدید - فاعل کاری را به خاطر خودش انجام می‌دهد. مثال: ۲ قرننتیان ۱۱: ۱۴ "شیطان خود را به شکل فرشته نور درآورد".
 ۳. دوجانبه - عمل متقابل دو فاعل. مثال: متی ۲۶: ۴ "آنها با یکدیگر شور کشیدند".

۳. وجه

- الف. در یونانی کواین سه وجه وجود دارد آنها ارتباط بین فعل و واقعیت را حداقل در فکر خود مولف روشن می‌کنند. وجوه به دو طبقه گسترده تقسیم می‌شوند: آنها که واقعا مشخص شده‌اند (اخباری) و آنها که بالقوه مشخص می‌شوند (شرطی، امری و آرزویی-دعایی).
- ب. وجه اخباری حالت معمول برای بیان عملی بود که انجام شده بود یا در حال انجام بود، حداقل در فکر مولف. این تنها وجه یونانی بود که زمان معینی را بیان می‌کرد و حتی در اینجا نیز این جنبه ثانوی بود.
- ج. وجه شرطی عمل را نشان می‌دهد که ممکن است در آینده رخ دهد. چیزی که هنوز اتفاق نیفتاده اما شانس انجام وجود داشت. این وجه شباهت زیادی به آینده اخباری دارد. تفاوت این بود که وجه شرطی بیانگر تردیدهایی بود. در انگلیسی این اغلب با "ممکن است"؛ "می‌تواند" یا "شاید" بیان می‌شود.
- د. وجه آرزویی (دعایی) خواسته‌ای را بیان می‌کرد که از لحاظ نظری امکان‌پذیر بود. این وجه نسبت به وجه شرطی یک گام از واقعیت دورتر بود. وجه آرزویی بیانگر احتمال تحت شرایط ویژه بود. وجه آرزویی در عهدجدید نادر بود. متداولترین کاربرد آن در جمله معروف پولس، "هرگز چنین نشود" (ک ج وی "خدا بدور کند") بود، که پانزده بار تکرار شده است (رومان ۳: ۴، ۶، ۳۱؛ ۶: ۲، ۱۵؛ ۷: ۷، ۱۳؛ ۹: ۱۴؛ ۱۱: ۱، ۱۱؛ ۱۱: ۱؛ ۱۱: ۱؛ ۱۱: ۱؛ ۱۱: ۱؛ ۱۱: ۱؛ ۱۱: ۱). مثالهای دیگر در لوقا ۱: ۳۸، ۲۰: ۱۶، اعمال ۸: ۲۰ و ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۱ یافت می‌شوند.
- ه. وجه امری بر دستوری امکان‌پذیر تاکید داشت، اما تاکید اصلی بر انگیزه شخص سخنگو بود. تنها احتمال اختیاری مدنظر آن بود و به انتخاب دیگری مشروط می‌شد. کاربرد خاصی برای امری در دعاها و درخواستهای سوم شخص وجود داشت. در عهدجدید این دستورات تنها در زمانهای حال و پیوسته یافت می‌شدند.

و. برخی اسم مفعول را نیز نوعی وجه تلقی می‌کنند. در عهدجدید یونانی اینها بسیار معمول هستند، و معمولاً به عنوان صفات گفتاری تعریف می‌شوند. آنها را بسته به فعلی که با آن نسبت دارند ترجمه می‌شوند. در ترجمه اسم مفعولهای تنوع وسیعی امکانپذیر است. بهتر است به چندین ترجمه انگلیسی مراجعه شود. کتاب مقدس در بیست و شش ترجمه نشر بیکر کمک بزرگی در این زمینه است.

و. اخباری معلوم پیوسته روش معمول یا "بدون علامت" ثبت وقایع بود. هر زمان فعلی، آوا یا وجه دیگر اهمیت تفسیری ویژه‌ای را دربر می‌گرفت که مولف اولیه قصد بیان آن را داشت.

۴. برای فردی که با یونانی آشنایی ندارد مواد کمک آموزشی زیر اطلاعات لازم را فراهم می‌کند:

الف. فریبرگ، باریارا و تیموتائوس. عهدجدید یونانی تحلیلی. گراند ریپدز: بیکر، ۱۹۸۸

ب. مارشال، آلفرد. عهدجدید یونانی با زیرنویس انگلیسی. گراند ریپدز: زوندروان، ۱۹۷۶

ج. مونس، ویلیام دی. لغت‌شناسی تحلیلی عهدجدید یونانی. گراند ریپدز: زوندروان، ۱۹۹۳

د. سامرز، ری. نکات ضروری در مورد عهدجدید یونانی. ناشویل: برودمن، ۱۹۵۰

ه. کلاسهای یونانی کواین با اعتبار آکادمیک از طریق موسسه کتاب مقدس مودی در شیکاگو در دسترس هستند.

۵. نامها

الف. از لحاظ نحوی، اسمها بوسیله حالتها دستبندی می‌شوند. حالت صورت صرف شده‌ای از اسم است که ارتباط آن با فعل و بخشهای دیگر جمله را نشان می‌دهد. در یونانی کواین بسیاری از عملکردهای حالت بوسیله حروف اضافه مشخص می‌شدند. از آنجایی که صورت حالت قادر بود روابط متعددی را شناسایی کند، حروف اضافه بسط یافتند تا تمایز روشنتری از این عملکردهای ممکن را فراهم کنند.

ب. حالت‌های یونانی به هشت طریق زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. حالت فاعلی (کنایی) برای نامیدن بکار می‌رفت و معمولاً فاعل جمله یا شبه جمله بود. برای نامهای مسند و صفات با افعال ربطی "بودن" یا "شدن" نیز بکار می‌رفت.

۲. حالت اضافی برای توصیف بکار می‌رفت و معمولاً ویژگی یا کیفیتی را به کلمه مرتبط با آن نسبت می‌داد. این حالت به پرسش "چه نوعی؟" پاسخ می‌داد. در فارسی معمولاً با کسره در آخر کلمه بیان می‌شود (در انگلیسی با of).

۳. حالت کاهنده (از) از فرم صرفی همانند فرم اضافی استفاده می‌کرد، اما برای توصیف جدایی بکار می‌رفت. این حالت معمولاً مجزا بودن از یک نقطه در زمان، فضا، منبع، مبدا یا درجه را نشان می‌داد. اغلب با حرف اضافه "از" بیان می‌شود.

۴. حالت مفعولی غیر صریح برای توصیف نفع شخصی بکار می‌رفت. این می‌توانست نشانگر جنبه مثبت یا منفی باشد. غالباً این مفعول با واسطه بود. در فارسی و انگلیسی برای بیان آن از "به" استفاده می‌شود.

۵. حالت مکانی فرم صرفی حالت مفعولی را داشت، اما موقعیت یا مکانی در فضا، زمان یا محدودهای منطقی را توصیف می‌کرد. غالباً با حروف اضافه "در، روی، بر، میان، در طول، نزدیک، بالا، و کنار" بیان می‌شد.

۶. حالت ابزاری همان فرم صرفی مفعولی و مکانی را داشت. این حالت وسیله یا وابستگی را بیان می‌کرد. اغلب با حرف اضافه "بوسیله" یا "با" بیان می‌شد.

۷. حالت مفعولی رایبی برای توصیف نتیجه یک عمل بکار می‌رفت و محدودیت را بیان می‌کرد. کاربرد اصلی آن مفعول بی‌واسطه بود. این حالت به سوالات "چقدر دور؟" یا "تا چه حدی؟" پاسخ می‌داد.

۸. حالت ندایی برای مستقیم خطاب قرار دادن استفاده می‌شد.

۶. حروف ربط و رابطها

الف. یونانی زبان بسیار دقیقی است زیرا کلمات ربطی زیادی داشتند افکار را به هم متصل می‌کردند (شبه جمله‌ها، جمله‌ها یا پاراگرافها را). این رابطها چنان متداولند که غالباً از لحاظ تفسیر نبودشان (حذف حرف عطف) حایز اهمیت است. در واقع، این حروف ربطی و رابطها جهت اندیشه نویسنده را روشن می‌کنند. این حروف اغلب در تعیین اینکه مولف دقیقاً چه می‌خواهد بگوید اهمیتی حیاتی می‌یابند.

ج. در زیر فهرستی از حروف ربط و رابطها و معانی آنها ارائه می‌شود (این اطلاعات عمدتاً از کتاب اچ ای دانا و جولیس کمانتی تحت عنوان دستورالعمل گرامر عهدجدید یونانی جمع‌آوری شده است).

۱. رابطهای زمان

الف. ایپی، ایپیده، هویوت، هوت، هوس، هوتان (شرطی) - "وقتی"

ب. هیوس - "در حین"

- ج. هوتان، اپان (شرطی) - "هروقت"
 د. هیوس، اچری، مرچی (شرطی) - "تا"
 ه. پریو (نامعین) - "قبل از"
 و. هوس - "از"، "وقتی"، "در حین"

۲. رابطهای منطقی

الف. هدف

- (۱) هینا (شرطی)، هویوس (شرطی)، هوس - "به منظور"، "که"
 (۲) هوسته (حرف تعریف نامعین ربطی) - "که"
 (۳) پرووس (حرف تعریف نامعین ربطی) یا ایس (حرف تعریف نامعین ربطی) - "که"
 ب. نتیجه (بین فرمهای گرامری هدف و نتیجه وابستگی نزدیکی وجود دارد)
 (۱) هوسته (نامعین، این متداولترین است) - "به این منظور که"، "بنابراین"
 (۲) هیوا (شرطی) - "برای اینکه"
 (۳) ارا / "بنابراین"

ج. سبب یا دلیل

- (۱) گار (سبب/اثر یا دلیل/نتیجه) - "برای اینکه"، "زیرا"
 (۲) دیوتی، هوتی - "زیرا"
 (۳) اپی، اپید، هوس - "از آنجایی که"
 (۴) دیا (با حرف ربط سبب) و (با حرف تعریف نامعین) - "زیرا"

د. استنتاجی

- (۱) آرا، پوینوم، هوسته "بنابراین"
 (۲) دیو قویترین حرف ربط استنتاجی - "بر این اساس"، "بنابراین"، "به چه علت"
 (۳) اون، اپید - "بنابراین"، "پس"، "از اینرو"، "در نتیجه"
 (۴) توینون - "از اینرو"

د. نقض یا تضاد

- (۱) آلا (قویترین نقض) - "اما"، "جز اینکه"
 (۲) دی - "اما"، "گرچه"، "با اینحال"، "از سوی دیگر"
 (۳) کای - "اما"
 (۴) مینوی، اون - "گرچه"
 (۵) پلین - "با اینوجود" (عمدتا در لوقا)
 (۶) اون - "گرچه"

ه. مقایسه

- (۱) هوس، کاتوس (شبه جمله‌های قیاسی را معرفی می‌کند)
 (۲) کاتا (در واژه‌های ترکیبی، کاتو، کاتوتی، کاتوسپر، کاتاپر)
 (۳) هوسوس (در عبری)
 (۴) ای، "نسبت به"

و. ادامه‌دار یا سریها

- (۱) دی - "و"، "اکنون"
 (۲) کای - "و"
 (۳) تی - "و"
 (۴) هینا، اون - "که"
 (۵) اون - "پس" (در متی)

۲. کاربردهای تاکیدی

- الف. الا - "قطعاً"، "آری"، "واقعاً"
 ب. ارا - "واقعاً"، "قطعاً"، "بدرستی"
 ج. گار - "اما واقعاً"، "قطعاً"، "بدرستی"
 د. دی - "واقعاً"
 ه. این - "حتی"

و. کای - "حتی"، "بواقع"، "واقعا"
ز. اون - "واقعا"، "کاملا"

۷. جملات شرطی

الف. جمله شرطی جمله‌ای است که دارای یک یا دو شبه جمله شرطی است. این ساختار دستوری به تفسیر کمک می‌کند چون شرطها، دلایلها یا سببهای را که باعث می‌شود عمل فعلی انجام شود یا نشود را ارائه می‌دهد. چهار نوع جمله شرطی وجود داشت. این دامنه از آنچه تصور می‌شد از دیدگاه نویسنده یا برای هدف او واقعیت داشته یا باشد شروع و به آنچه تنها یک آرزو بود ختم می‌شد.

ب. جمله شرطی نوع اول عمل یا وجودی را بیان می‌کند که تصور می‌شد از نظر یا برای مقصود نویسنده درست باشد، حتی با وجود آنکه با "اگر" بیان می‌شد در زمینه‌های متنی متعددی می‌توان آن را "از آنجایی که" ترجمه کرد (متی ۴: ۳؛ رومیان ۸: ۳۱). با اینحال، این بدان معنا نیست که همه جملات شرطی نوع اول با واقعیت منطبق هستند. اغلب از آنها برای اشاره به نکته‌ای در بحث یا برجسته کردن یک استدلال استفاده می‌شد.

ج. جمله شرطی نوع دوم را اغلب "خلاف واقع" می‌نامند. این نوع جمله چیزی را بیان می‌کند که مطابق واقعیت نیست تا از این طریق به نکته خاصی اشاره شود. مثالها

۱. "اگر او واقعا پیامبر بود که نیست، می‌دانست زنی که به او آویزان شده است چه جور زنی است، اما نمی‌داند" (لوقا ۷: ۳۹)

۲. "اگر واقعا به موسی اعتقاد داشتی، که نداری، به من ایمان می‌آوردی، اما نمی‌آوری" (یوحنا ۵: ۴۶).

۳. "اگر هنوز می‌خواستم انسان را خوشنود کنم، که نمی‌خواهم، هرگز غلام مسیح نمی‌شدم، اما هستم" (غلاطیان ۱: ۱۰)

د. جمله شرطی نوع سوم از عمل ممکن در آینده سخن می‌گوید. این نوع جمله غالبا احتمال آن عمل را بیان می‌کند و معمولا بطور ضمنی به محتمل‌الوقوع بودن اشاره دارد. عمل فعلی با توجه به عمل شبه جمله "اگر" محتمل می‌شود. مثالها از ۱ یوحنا عبارتند از: ۱: ۶-۱۰؛ ۲: ۴، ۶، ۹، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۹؛ ۳: ۳؛ ۴: ۲۰؛ ۵: ۱۴، ۱۶.

ه. جمله شرطی نوع چهارم با احتمال وقوع بیشترین فاصله را دارد. در عهدجدید نادر است. در واقع، هیچ جمله شرطی نوع چهارمی وجود ندارد که در آن هر دو قسمت شرط به تعریف تناسب داشته باشند. نمونه‌ای از شرطی نوع چهارم جرئی در جمله آغازین ۱ پطرس ۳: ۱۴ است. مثال دیگر جمله اختتامی در اعمال ۸: ۳۱ است.

۸. نهی‌ها

الف. جمله امری زمان حال با حرف اضافه نفی اغلب (اما نه همیشه) بر توقف عملی که پیشاپیش شروع شده تاکید دارد. مثالها: "گنجهای خود را بر روی زمین ذخیره نکنید" (متی ۶: ۱۹)؛ "در مورد زندگی خود نگران نباشید . . ." (متی ۶: ۲۵)؛ "قسمتهای بدن خود را به صورت ابزار انجام خطا در اختیار گناه قرار ندهید . . ." (رومیان ۶: ۱۳)؛ "از توهین به روح خدا دست بکشید . . ." (افسیسیان ۴: ۳۰)؛ و "مست شراب نشوید . . ." (۵: ۱۸).

ب. جمله شرطی پیوسته (قطعی) با حرف می تاکید دارد که "یک عمل را حتی شروع نکن". مثال: "حتی این فکر را به مغز خود راه ندهید که . . ." (متی ۵: ۱۷)؛ "هرگز نگران نباشید . . ." (متی ۶: ۳۱)؛ "هرگز عار نداشته باش . . ." (۲ تیموتائوس ۸: ۱).

ج. جمله منفی دوگانه با وجه شرطی منفی بسیار موكد است. "هرگز، نه هرگز" یا "نه تحت هیچ شرایطی". مثالها: "او هرگز، نه هرگز مرگ را تجربه نخواهد کرد" (یوحنا ۸: ۵۱)؛ "من هرگز، نه، هرگز . . ." (۱ قرنتیان ۸: ۱۳).

۹. حرف تعریف

الف. در یونانی کواین حرف تعریف معین مشابه "the" در انگلیسی عمل می‌کند. عملکرد ابتدایی آن نوعی "نشانگر" بود، طریقی برای جلب توجه به سوی یک کلمه، اسم یا عبارت. در عهدجدید کاربرد آن از یک مولف به مولف دیگر فرق می‌کند. حرف تعریف معین می‌تواند عملکردهای زیر را نیز داشته باشد:

۱. وسیله‌ای برای مقایسه مانند ضمیر اشاره

۲. علامتی جهت اشاره به فاعل یا شخصی که قبلا معرفی شده

۳. طریقی برای شناسایی فاعل در جمله با فعل ربطی. مثال: "خدا روح است" (یوحنا ۴: ۲۴)؛ "خدا نور است" (۱ یوحنا ۱: ۵)؛ "خدا محبت است" (۴: ۸، ۱۶).

ب. یونانی کواین حرف تعریف نامعین مشابه "a" یا "an" در انگلیسی وجود ندارد. نبود حرف تعریف معین می‌تواند به معنای زیر باشد:

۱. تاکید بر ویژگیها و کیفیت چیزی
۲. تاکید بر طبقه یک چیز

ج. نویسندگان عهدجدید از لحاظ نحوه استفاده از حروف تعریف با هم تفاوت زیادی دارند.

۱۰. طرق نشان دادن تاکید در عهدجدید یونانی

الف. مولفین عهدجدید تکنیکهای متفاوتی را برای نشان دادن تاکید بکار بردند. یکدست‌ترین‌ترین و رسمی‌ترین نویسندگان عهدجدید لوقا و نویسنده عبرانیان هستند.

ب. قبل گفتیم که فرم اخباری معلوم پیوسته فم استاندارد و بی‌علامت برای تاکید بود، ولی همه زمانها، آواها و وجه‌های دیگر نیز حائز اهمیت تفسیری هستند. این بدان معنا نیست که فرم اخباری معلوم پیوسته چندان کاربرد دستوری مهمی نداشت. (مثال: رومیان ۶: ۱۰ [دوبار]).

ج. ترتیب کلمات در یونانی کواین

۱. یونانی کواین همانند انگلیسی از لحاظ ترتیب کلمات زبان تغییر یافته‌ای بود که وابستگی نداشت. بنابراین، نویسنده می‌توانست ترتیب معمول مصطلح را تغییر دهد تا نشان دهد
الف. نویسنده می‌خواهد بر چه چیزی برای خواننده تاکید کند؛
ب. از نظر نویسنده چه چیزی برای خواننده غیرمنتظره است؛
ج. چه چیزی برای نویسنده عمیقاً مهم بود.

۲. هنوز در مورد ترتیب طبیعی کلمات در یونانی توافق وجود ندارد. با اینحال، ترتیب طبیعی پذیرفته شده به قرار زیر است:

الف. برای افعال ربطی

(۱) فعل

(۲) فاعل

(۳) مکمل

ب. برای افعال متعدی

(۱) فعل

(۲) فاعل

(۳) مفعول

(۴) مفعول بی‌واسطه

(۵) عبارت اضافی

ج. برای عبارات اسمی

(۱) اسم

(۲) تعدیل کننده

(۳) عبارت اضافی

۳. ترتیب کلمات از لحاظ تفسیر می‌تواند نکته بسیار حائز اهمیتی باشد. مثال:

الف. "دست راستی که به من و بارنابا به نشانه رفاقت دادند". عبارت "دست راست رفاقت" برای تاکید بر اهمیتش تجزیه شده و در ابتدا آمده است (غلاطیان ۲: ۹).

ب. "با مسیح" در ابتدا قرار داده شد. مرگ او مرکزیت دارد (غلاطیان ۲: ۲۰).

ج. "از بسیاری جهات ذره ذره بود" (عبرانیان ۱: ۱) در ابتدا قرار داده شد. اینکه خدا چگونه خود را مکتشف کرد در اینجا مقایسه می‌شود، نه خود مکاشفه.

د. معمولاً درجه‌ای از تاکید به طرق زیر نشان داده می‌شد:

۱. تکرار ضمیری که پیشاپیش در فرم صرفی فعل وجود داشت. مثال: "من، خودم، مطمئنا با شما خواهم بود . . ." (متی ۲۸: ۲۰).

۲. غایب بودن حرف ربط یا سایر ابزارهای ربطی بین کلمات، عبارات، شبه جمله‌ها یا جمله در جایی که انتظار می‌رود دیده شوند. به این حذف حرف عطف ("بدون پیوند") می‌گویند. انتظار می‌رفت ابزار ربطی وجود داشت باشد، پس غیبت آن توجه را جلب می‌کند. مثال:

الف. خوش بحال‌ها، متی ۵: ۳ (بر فهرست تاکید شده)

ب. یوحنا ۱۴: ۱ (موضوع جدید)

ج. رومیان ۹: ۱ (بخش جدید)

د. ۲ قرنتیان ۱۲: ۲۰ (بر فهرست تاکید شده)

۳. تکرار کلمات یا عبارات در یک زمینه متنی خاص. مثال: "برای ستایش جلال او" (افسیان ۱: ۶، ۱۲؛ ۱۴). این عبارت برای نشان دادن کار هر کدام از شخصیت‌های تثلیث بکار رفت.

۴. کاربرد بازی با کلمات (صدا) یا اصطلاحات بین واژه‌ها

الف. حسن تعبیر – بکار بردن کلمات برای موضوعاتی که صراحتا در موردشان صحبت نمی‌شود، مثل "خواب" برای

مرگ (یوحنا ۱۱: ۱۱-۱۴) یا "پا" برای اندام جنسی مرد (روت ۳: ۷-۸؛ ۱ سموئیل ۲۴: ۳)

ب. بیان غیرمستقیم بکار بردن کلمات به جای نام خدا، مانند "پادشاهی آسمان" (متی ۳: ۲۱) یا "صدایی از آسمان" (متی ۳: ۱۷).

ج. استعارات

(۱) اغراق ناشدنی (متی ۳: ۹؛ ۵: ۲۹-۳۰؛ ۱۹: ۲۴)

(۲) غلو ملایم (متی ۳: ۵؛ اعمال ۲: ۳۶)

(۳) تجسم شخصیت (۱ قرنتیان ۱۵: ۵۵)

(۴) کنایه (غلاطیان ۵: ۱۲)

(۵) بخشهای شعری (فیلیپیان ۲: ۶-۱۱)

(۶) بازی با تشابه صوتی بین کلمات

(الف) "کلیسا"

(۱) "کلیسا" (افسیان ۳: ۲۱)

(۲) "خواندگی" (افسیان ۴: ۱، ۴)

(۳) "خوانده شده" (افسیان ۴: ۱، ۴)

(ب) "آزاد"

(۱) "زن آزاد" (غلاطیان ۴: ۳۱)

(۲) "آزادی" (غلاطیان ۵: ۱)

(۳) "آزاد" (غلاطیان ۵: ۱)

د. زبان اصطلاح – زبانی که منحصر به فرهنگ و زبان خاص است:

(۱) استفاده کنایه‌ای از "غذا" (یوحنا ۴: ۳۱-۳۴)

(۲) استفاده کنایه‌ای از "معبد" (یوحنا ۲: ۱۹؛ متی ۲۶: ۶۱)

(۳) اصطلاح عبری برای مهربانی، "نفرت" (پیدایش ۲۹: ۳۱؛ تثنیه ۲۱: ۱۵؛ لوقا ۱۴: ۳۶؛ یوحنا ۱۲: ۲۵؛ رومیان ۹: ۱۳)

(۴) "همه" در مقابل "بسیاری". اشعیا ۵۳: ۶ ("همه") را با ۵۳: ۱۱ و ۱۲ ("بسیاری") مقایسه کنید. همانطوریکه رومیان ۵: ۱۸ و ۱۹ نشان می‌دهد این واژه‌ها هم معنا هستند.

۵. بکار بردن عبارت گویشی کامل به جای تنها یک کلمه. مثال: "خداوند عیسای مسیح"

۶. استفاده خاص از *آنها*

الف. وقتی با حرف تعریف همراه بود (موقعیت صفت مستقیم) "همان" ترجمه می‌شد.

ب. وقتی بدون حرف تعریف بود (موقعیت مسندی) به صورت ضمیر انعکاسی ترجمه می‌شد – "خودش" برای زن، مرد و شی.

ه. دانشجویان غیر یونانی کتاب مقدس می‌توانند تاکید را به طرق متعددی شناسایی کنند:

۱. استفاده از لغت‌نامه تحلیلی و متن یونانی با زیرنویس انگلیسی

۲. مقایسه ترجمه‌های انگلیسی، بخصوص آنها که از تئوریهای ترجمه متفاوتی استفاده کرده‌اند. مثال: مقایسه ترجمه "کلمه به کلمه" (ک ج وی، ان ک ج وی، آ اس وی، ان آ اس بی، آر اس وی، ان آر اس وی) با یک "معادل پویا" (ویلیامز، ان آی

وی، ان ای بی، آر ای بی، ج بی، ان ج بی، تی ای وی). مطالعه کتاب مقدس در بیست و شش ترجمه چاپ بیکر کمک خوبی در این زمینه است.

۳. استفاده از کتاب مقدس تاکیدی اثر جوزف بریانت رودرهام (کرگل، ۱۹۹۴).

۴. استفاده از ترجمه کاملاً لغوی

الف. امریکن استاندارد ورژن سال ۱۹۰۱

ب. ترجمه لغوی یانگ از کتاب مقدس اثر روبرت یانگ (انتشارات گاردین، ۱۹۷۶).

مطالعه دستور زبان خسته‌کننده اما برای تفسیر مناسب ضروری است. این تعاریف، توضیحات و مثالهای مختصر ارائه شده‌اند تا خوانندگان غیریونانی را برای استفاده از یادداشت‌های گرامری داده شده در این جلد تشویق و مجهز کنند. مطمئناً این تعاریف بیش از حد ساده شده‌اند. نباید آنها را با نگرشی دگم و انعطاف‌ناپذیر بکار برد، و تنها باید آنها را پله‌هایی به سوی درک بهتری از ترکیب متنی عهدجدید در نظر گرفت. امیدوارم این تعاریف به خوانندگان کمک کنند تا توضیحات سایر مواد کمک آموزشی از قبیل تفسیرهای تکنیکی عهدجدید را بهتر متوجه شوند.

ما باید بتوانیم با توجه به اقلام اطلاعاتی یافت شده در متون کتاب مقدس تفسیر خود را اصلاح کنیم. دستور زبان یکی از مفیدترین این اقلام است؛ سایر اقلام عبارتند از زمینه تاریخی، زمینه ادبی متن، کاربرد لغت در آن زمان، و بخشهای همراستا.

ضمیمه ۲ نقد متون

این موضوع به گونه‌ای بررسی می‌شود که یادداشتهای متن ارائه شده در این تحقیق تفسیری را توضیح دهد. طرح کلی زیر دنبال خواهد شد:

۱. منابع متنی کتاب مقدس انگلیسی
الف. عهدعتیق
الف. عهدجدید

۲. توضیح مختصر در مورد اشکالات و تئوریهای "نقد پایین‌تر" که "نقد متن" نیز نامیده می‌شود.
۳. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

۱. منابع متنی برای کتاب مقدس انگلیسی ما
الف. عهدعتیق

۱. متن ماسوری (ام تی) – متن عبری تنها با حروف بی‌صدا که توسط خاخام آکویبا در سال ۱۰۰ میلادی تنظیم شد. نقاط نشان دهنده حروف صدادار، لهجه‌ها، یادداشتهای حاشیه، علامتگذاری و نقاط ابزاری از قرن ششم به بعد تدریجا به متن اضافه و تا قرن نهم میلادی تکمیل شدند. اینکار توسط خانواده محقق شناخته شده یهودی به نام ماسوریت‌ها انجام شد. فرم متنی که آنها بکار بردند همانند فرم متنی میشنا، تالمود، تارگومز، پشیتا و ولگیت بود.

۲. هفتادگان (LXX) – مطابق با سنت ترجمه هفتادگان توسط ۷۰ محقق یهودی در ۷۰ روز برای کتابخانه اسکندریه و به حمایت پادشاه پتولمی دوم (۲۸۴ – ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. ظاهرا رهبری یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد خواستار تهیه این ترجمه شده بود. این سنت از "نامه آریستیا" گرفته شده است. ال ال ایکس متناوب بر مبنای سنت متنی عبری بود که با متن خاخام آکویبا (ام تی) فرق داشت.

۳. طومارهای دریای مرده (DSS) – طومارهای دریای مرده در دوران روم قبل از میلاد (۲۰۰ قبل از میلاد تا ۷۰ میلادی) توسط فرقه جدایی طلب یهودی به نام "اسن‌ها" نوشته شدند. دست‌نوشته‌های عبری، که در نقاط متعددی اطراف دریای مرده یافت شدند، نشان می‌دهند که متون ام تی و ال ایکس ایکس از خانواده متنی عبری متفاوتی سرچشمه گرفته‌اند.

۴. برای مثالهای مشخص از چگونگی مقایسه این متون به مفسرین کمک کرده است تا عهدعتیق را بفهمند
الف. ال ایکس ایکس به مترجمین و محققین کمک کرده است تا ام تی را بفهمند

(۱) متن ال ایکس ایکس اشعیا ۵۲: ۱۴، "چنان که بسیاری از او در حیرت خواهند بود"

(۲) متن ام تی اشعیا ۵۲: ۱۴، "درست همانگونه که بسیاری از تو در حیرت بودند"

(۳) در اشعیا ۵۲: ۱۵ تمایز ضمیری ال ایکس ایکس تایید می‌شود

(الف) ال ایکس ایکس، "پس بسیاری از ملت‌ها از او در حیرت خواهند بود"

(ب) ام تی، "پس بسیاری از ملت‌ها را پراکنده خواهد کرد"

ب. دی اس اس به مترجمین و محققین کمک کرده تا ام تی را بفهمند

(۱) دی اس اس اشعیا ۲۱: ۸، "سپس دیده‌بان فریاد برآورد، بر برج دیده‌بانی می‌ایستم . . ."

(۲) ام تی اشعیا ۲۱: ۸، "و مانند شیر نعره کشیدیم! خداوند من، من همیشه تمام روز را بر برج دیده‌بانی می‌ایستم . . ."

ج. ال ایکس ایکس و دی اس اس هر دو به روشن شدن اشعیا ۵۳: ۱۱ کمک کرده‌اند

(۱) ال ایکس ایکس و دی اس اس، "بعد از مشقت جانش نور را خواهد دید، او خوشنود خواهد شد"

(۲) ام تی، "او . . . مشقت جانش را خواهد دید، او خوشنود خواهد شد"

الف. عهدجدید

۱. بیش از ۵۳۰۰ دست‌نوشته از همه یا قسمتهای از عهدجدید یونانی موجود است. حدود ۸۵ تا بر روی پاپیروس و ۲۶۵ کاملاً با حروف بزرگ (یک یونانی قدیم) نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود ورن نهم بعد از میلاد، متن روان (حروف کوچک) متداول شد. دست‌نوشته‌های یونانی در فرم نوشته شمارشان به ۲۷۰۰ می‌رسد. حدود ۲۱۰۰ نسخه از فهرستهای متون کتاب مقدس مورد استفاده برای پرستش نیز موجود است که لکشنری نامیده می‌شوند.

۲. در حدود ۸۵ دست‌نوشته یونانی حاوی بخشهای از عهدجدید ونشته شده بر پاپیروس در موزه‌ها نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی برمی‌گردد، اما بیشترشان متعلق به قرون سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این نسخ حاوی کل عهدجدید نیستند. اینها کهنترین نسخ هستند اما این به این معنا نیست که با هم تنها تفاوت اندکی دارند.

- بسیاری از اینها برای استفاده محلی با سرعت زیاد نسخه‌برداری شدند. در این فرآیند دقت زیادی به خرج نشد. بنابراین، تفاوت‌های زیادی با هم دارند.
۳. دست‌نوشته سینایتیکوس، که با حرف عبری \aleph (الف) یا (۰۱) شناخته می‌شود، بوسیله تیشندورف در صومعه کاترین مقدس بر روی کوه سینا یافت شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی برمی‌گردد و حاوی نسخه ال ایکس ایکس عهدعتیق و عهدجدید یونانی است. این نسخه از نوع "متن اسکندری" می‌باشد.
۴. دست‌نوشته الکساندرینوس، که تحت عنوان "A" یا (۰۲) شناخته می‌شود، دست‌نوشته یونانی متعلق به قرن پنجم است که در اسکندریه مصر پیدا شد.
۵. دست‌نوشته واتیکانوس، که تحت عنوان "B" یا (۰۳) شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در روم پیدا شد و تاریخ آن به اواسط قرن چهارم میلادی برمی‌گردد. این دست‌نوشته شامل ال ایکس ایکس عهدعتیق و عهدجدید یونانی است. این نسخه نیز از نوع "متن اسکندری" می‌باشد.
۶. دست‌نوشته افرامی، که به "C" یا (۰۴) معروف است، دست‌نوشته یونانی قرن پنجمی است که بخشهایی از آن از بین رفته‌اند.
۷. دست‌نوشته بزایی، که به "D" یا (۰۵) معروف است، دست‌نوشته یونانی قرن پنجم یا ششمی است. این نسخه نماینده اصلی نسخه‌ای است که "متن غربی" نامیده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری است و منبع یونانی اصلی ترجمه کینگ جیمز بود.
۸. نسخه خطی عهدجدید را می‌توان در سه یا احتمالاً چهار خانواده دسته‌بندی کرد که دارای ویژگیهای مشترک خاصی هستند.

الف. متن اسکندر از مصر

- (۱) P^{46} , P^{75} (حدود ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند
- (۲) P^{46} (حدود ۲۵ میلادی)، که نامه‌های پولس را ثبت می‌کند
- (۳) P^{72} (حدود ۲۲۵-۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهوذا را ثبت می‌کند
- (۴) دست‌نوشته بی، که به آن واتیکانوس می‌گویند (حدود ۳۲۵)، که تمام عهدعتیق و عهدجدید را دربر می‌گیرد
- (۵) نقل قولهای اورینگن از این دسته متون
- (۶) سایر نسخ که شامل این گونه متون هستند عبارتند از \aleph , C, L, W, ۳۳

ب. متن غربی از شمال افریقا

- (۱) نقل قولها از پدران کلیسای افریقای شمالی، ترتولی‌ها، قبرسی‌ها، و ترجمه لاتین قدیم
- (۲) نقل قولها از ایرنائوس
- (۳) نقل قولها از تاتیان و ترجمه سریانی قدیم
- (۴) دست‌نوشته دی "بزایی" از این نوع متن پیروی می‌کند

ج. متن شرقی بیزانسی از قسطنطنیه

- (۱) این نوع متن در ۸۰ درصد از دست‌نوشته‌ها یافت می‌شود
- (۲) نقل قولها توسط پدران کلیسای انطاکیه در سوریه، کاپادوشینز، کریسوستوم، و ترودریت
- (۳) دست‌نوشته آ، تنها در اناجیل
- (۴) دست‌نوشته ای (قرن هشتم) برای کل عهدجدید

د. نوع احتمالی چهارم "قیصری" از فلسطین است

- (۱) این نوع ابتدائاً تنها در مرقس دیده می‌شود
- (۲) برخی شواهد برای این نوع در P^{45} و W یافت می‌شوند

۲. توضیح مختصر در مورد اشکالات و تئوریهای "نقد پایین‌تر" یا "نقد متن"

الف. این تفاوتها چگونه ایجاد شد

۱. غیر عمدی یا تصادفی (اکثریت موارد)

الف. خطای چشم هنگام نسخه‌برداری دستی که مورد دوم از دو کلمه مشابه را دیده، و بنابراین تمام کلمات بیان آن دو را جا می‌اندازد (هموایوتیوتون)

(۱) لغزش چشم در حذف کلمه یا عبارت دو حرفی (هاپلوگرافی)

(۲) لغزش فکر در تکرار یک عبارت یا سطر متن یونانی (دیتوگرافی)

ب. خطای گوش هنگامی که نسخه‌برداری دستی همراه بود با قرائت شفاهی که باعث غلط‌املائی می‌شد (ایتاسیزم). اغلب غلط‌املائی در واقع لغت یونانی دیگر با صدایی مشابه بود.

ج. متون قدیمی‌تر یونانی تقسیم‌بندی آیه و باب نداشتند، علامتگذاری محدود بود یا اصلاً وجود نداشت و بین کلمات جدایی نبود. این امکان وجود داشت که حروف را در جایی متفاوت جدا و کلمات متفاوتی ایجاد کرد.

۲. عمدی

الف. برای بهتر کردن فرم گرامرای متن اصلی تغییراتی ایجاد شد
 ب. تغییراتی ایجاد شد تا متن با سایر متون کتاب مقدس همخوانی پیدا کند (هماهنگ کردن همراستاها)
 ج. از طریق ترکیب کردن دو یا چند متن متفاوت و ایجاد یک متن ترکیبی طولانی تغییراتی ایجاد شد (تلفیق)
 د. برای اصلاح اشکال مشاهده شده در متن تغییراتی ایجاد شد (۱ قرنیتان ۱۱: ۲۷ و ۱ یوحنا ۵: ۷-۸)
 ه. اطلاعاتی در مورد چارچوب تاریخی یا تفسیر مناسب متن با حاشیه آن اضافه شد، اما کاتب بعدی این حواشی را در خود متن اصلی قرار داد (یوحنا ۵: ۴)

ب. اصول فکری اولیه نقد متن (راهبردهای منطقی برای تعیین متن اصلی هنگامی که بین متون تفاوت وجود دارد)

۱. عجیبترین و غیرمعمولترین متن از لحاظ دستوری احتمالا اصل است.
۲. کوتاهترین متن احتمالا اصل است
۳. اگر همه فاکتورهای دیگر یکسان باشند، به متن قدیمی‌تر بهای بیشتری داده می‌شود زیرا از لحاظ تاریخی به اصل نزدیکتر است
۴. نسخ خطی که از نقاط جغرافیایی متفاوتی جمع‌آوری شده‌اند معمولا حاوی قرائت اصل هستند
۵. متونی که از لحاظ تعلیمی ضعیفتر هستند ارجحیت دارند، بویژه آنها که با مباحث الهیاتی عمده در دوره تغییرات دست‌نوشته‌ها مثل تثلیث در ۱ یوحنا ۵: ۷-۸ مرتبطند.
۶. متنی که به بهترین وجه مبدا تفاوت سایر متون را توجیه کند
۷. دو نقل که کمک می‌کنند توازن در این تفاوت‌های دردرساز مشخص شود

الف. کتاب ج هارولد گرینلی، *مقدمه‌ای بر نقد متون عهدجدید*، ص ۶۸: "هیچکدام از باورهای مسیحی بر متنی بحث‌انگیز بنا نشده‌اند و دانشجوی عهدجدید باید هوشیار باشد تا اسیر این تمایل نشود که متنش باید درست و از لحاظ اعتقادی از متن اصل الهامی قوی‌تر باشد."

ب. دبلیو آ کریسول به کرگ گاریسون از اخبار بیرمنگام گفت که او (کریسول) اعتقاد ندارد که همه کلمات کتاب مقدس الهامی هستند، "حداقل نه همه کلماتی که در نتیجه قرن‌ها ترجمه بدست نویسنده امروزی رسیده است". کریسول گفت: "من به نقد متن ایمان بسیار زیادی دارم". تا آن حد که فکر می‌کنم نیمه آخر باب ۱۶ مرقس بدعت است: این بخش الهامی نیست، کاملا جعلی است. . . وقتی دست‌نوشته‌های خیلی قدیمی را مقایسه می‌کنی می‌بینی نتیجه‌گیری مانند آنچه در کتاب مرقس آمده وجود نداشت. یک نفر آن را اضافه کرده. . . پدر راهب‌های کلیسای تعمیدی جنوب (اس بی سی) نیز ادعا می‌کند که "درج اضافات" در یوحنا ۵ نیز قطعی است؛ یعنی داستان عیسی در کنار استخر بیت‌صیدا. کریسول دو حکایت متفاوت از خودکشی یهودا را توضیح می‌دهد (متی ۲۷ و اعمال ۱) و می‌گوید: "این تنها نگاه متفاوتی به خودکشی است. اگر چیزی در کتاب مقدس آمده، برایش توضیحی وجود دارد. و دو روایت خودکشی یهودا در کتاب مقدس آمده‌اند." کریسول اضافه می‌کند: "نقد متن به خودی خود علم فوق‌العاده‌ای است. گذرا و بی‌ربط نیست. پویا و مهم است. . ."

۳. اشکالات دست‌نوشته‌ها

الف. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

۱. *نقد کتاب مقدس: تاریخی، ادبی و متنی*، اثر آر اچ هاریسون
۲. *متن عهدجدید: انتقال، انحراف و بازسازی آن*، اثر بروس ام مترگر
۳. *مقدمه‌ای بر نقد متن عهدجدید*، اثر ج اچ گرینلی

ضمیمه ۳ فهرست لغات

معتقدین به فرزندخواندگی عیسی: این یکی از دیدگاه‌های اولیه مرتبط با الوهیت عیسی بود. این نظریه تاکید دارد بر اینکه عیسی اساساً از هر جهت انسانی عادی بود و به معنایی خاص در هنگام تعمید (متی ۳: ۱۷؛ مرقس ۱: ۱۱) یا قیامش (رومان ۱: ۴) از سوی خدا به فرزندخواندگی پذیرفته شد. عیسی چنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا، در مقطعی (تعمید، قیام) او را به عنوان پسرش پذیرفت (رومان ۱: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۹). این دیدگاه اقلیت کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. به جای آنکه خدا انسان شود (جسم پوشیدن) این نظریه آن را عکس کرده و حال انسان خدا می‌شود!

مشکل بتوان در غالب کلام بیان کرد که چطور عیسی، خدای پسر، الوهیتی که قبل از حیات وجود داشت، به خاطر داشتن زندگی نمونه پاداش گرفت یا ارتقا یافت. اگر او از پیش خدا بود، چطور می‌توانست پاداش بگیرد؟ اگر قبل از خلقت دارای جلال خدایی بود چطور می‌توانست افتخار بالاتری کسب کند؟ با وجود آنکه درک این مطلب برای ما دشوار است، اما پدر به نحوی و به معنایی خاص از عیسی به خاطر تحقق کامل اراده پدر تجلیل کرد.

مکتب اسکندری: این روش تفسیر کتاب‌مقدس در قرن دوم میلادی در اسکندریه مصر توسعه یافت. این روش از اصول تفسیری بنیادین فیلو استفاده می‌کند که از پیروان افلاطون بود. روش فوق اغلب روش تمثیلی نامیده می‌شود. تا زمان اصلاحات این روش در کلیسا حضوری جسته گریخته داشت. تواناترین طرفداران آن اوریگن و آگوستین بودند. (به کتاب *آیا کلیسا کتاب‌مقدس را غلط تعبیر می‌کند؟* اثر مویز سیلوا، نشر آکادمیک، ۱۹۸۷ مراجعه کنید)

اسکندریوس: این دست‌نوشته یونانی قرن پنجم میلادی از اسکندریه مصر شامل عهدعتیق، کتاب آپوکریفا، و بیشتر عهدجدید است. این یکی از مهمترین شواهد ما برای کل عهدجدید یونانی است (جز بخشهایی از متی، یوحنا و ۲ قرن‌تبان). وقتی این دست‌نوشته، که با آن علامت "A" داده شد، و دست‌نوشته‌ای که علامت "B" (واتیکانوس) بر یک قرانت توافق دارند، و بیشتر محققین این قرانت را اصل می‌دانند.

تمثیل (آلگوری): نوعی تفسیر از کتاب‌مقدس است که ابتدا توسط یهودیان اسکندریه توسعه یافت. فیلو اهل اسکندریه باعث محبوبیت این تفسیر شد. ویژگی اولیه آن تمایل به مرتبط کردن متون کتاب‌مقدس با فرهنگ یا سیستم فلسفی شخص از طریق نادیده گرفتن چارچوب تاریخی و یا زمینه ادبی متن کتاب‌مقدس است. این نوع تفسیر در ورای هر متن از کتاب‌مقدس به دنبال نوعی معنی پنهان یا روحانی می‌گردد. باید پذیرفت که عیسی در متی ۱۳ و پولس در غلاطیان ۴ برای بیان حقیقت صرفاً از تمثیل استفاده کردند. با اینحال، این به فرم گونه شناسی بود، نه صرفاً تمثیل.

فرهنگ لغت تحلیلی: این نوعی ابزار تحقیقی است که شخص را قادر می‌کند هر نوع فرم یونانی در عهدجدید را شناسایی کند. ایه فرهنگ تالیفی است به ترتیب الفبای یونانی از فرمها و تعاریف ابتدایی. اگر با ترجمه‌ای که در آن معنای هر کلام زیر آن نوشته شده خواننده شود، به ایمانداران غیر یونانی این امکان را می‌دهد که عهدجدید یونانی را از نظر دستور زبان و فرمهای نحوی تجزیه و تحلیل کند.

مقایسه متون کتاب‌مقدس: ایه عبارت بکار می‌رود تا دیدگاهی را شرح دهد که معتقد است همه کتاب‌مقدس الهام از سوی خداست و بنابراین بخشهای متناقض نیست، بلکه مکمل یکدیگر است. این پیش فرض تائیدی مبنای کاربرد بخشهای همراستا در تفسیر متن کتاب‌مقدس است.

ابهام: این واژه برمی‌گردد به عدم قطعیتی که باعث نگارش مدرکی می‌شود. این مدرک درباره دو یا چندین معنی ممکن یا اشاره همزمان به دو یا چند چیز است. این امکان وجود دارد که یوحنا از ابهام استفاد کرده باشد (کلمات دوپهلوی).

شبه‌سازی به انسان (آنتروپومورفیک): معنای آن، "داشته ویژگیهای مربوط به موجودات انسانی" است. این واژه برای توصیف زبان مذهبی ما در مورد خدا بکار می‌رود. ریشه آن واژه یونانی بشر است. معنای آن این است که ما از خدا به گونه‌ای سخن می‌گوییم که گویی او انسان است. خدا با استفاده از واژه‌های فیزیکی، اجتماعی و روانشناسی توصیف مرتبط با موجودات انسانی توصیف می‌شود (پیدایش ۳: ۸؛ ۱ پادشاهان ۲۲: ۱۹-۲۳). البته این تنها یک قیاس است. با اینوجود، ما برای استفاده از واژه‌ها یا دسته‌های دیگری غیر از آنچه به انسان برمی‌گردد در اختیار نداریم. بنابراین، دانش ما نسبت به خدا، گرچه واقعی، اما محدود است.

مکتب انطاکی: این روش تفسیر که در قرن سوم میلادی در انطاکیه سوریه توسعه یافت و اکنشی بود به روش تمثیلی اسکندریه در مصر. نگرش بنیادین آن تمرکز بر معنی تاریخی کتاب مقدس بود. این روش کتاب مقدس را همانند کتابی انسانی و معمولی تفسیر می‌کرد. این مکتب در جنجال بر سر اینکه آیا مسیح دو طبیعت داشت (دیدگاه نسطوری) یا تنها یک طبیعت (خدای کامل و انسان کامل) دخالت کرد. این جماعت فکری از سوی کلیسای رومن کاتولیک برچسب بدعت دریافت و به ایران منتقل شد، اما نفوذ چندانی نداشت. اصول تفسیری اولیه آن بعدها به اصول تفسیری اصلاحگران پروتستان کلاسیک (لوتر و کالوین) تبدیل شد.

پادگذاره‌ای (آنتی‌تیکال): این یکی از سه واژه توصیفی است که برای مشخص کردن ارتباط بین سطور شعر عبری بکار می‌روند. این به سطرهایی از شعر ربط دارد که از لحاظ معنا متضاد هم هستند (امثال ۱۰: ۱، ۱۵: ۱).

ادبیات مکاشفه‌ای: این سبک ادبی عمدتاً، حتی احتمالاً منحصرراً، سبکی یهودی بود. نوعی نگارش رمزآلود بود که در زمانی که یهودیان مورد تهاجم یا اشغال قدرتهای جهان خارج قرار می‌گرفتند بکار می‌رفت. این سبک بر جهان‌بینی کتاب مقدسی مبتنی است که بر اساس آن خدای نجات‌دهنده وقایع جهان را خلق و کنترل می‌کند و نسبت به اسرائیل توجه و مراقبت ویژه نشان می‌دهد. این ادبیات پیروزی نهایی را وعده می‌دهد که از طریق تلاشهای ویژه خدا میسر می‌شود. سبک فوق بسیار نمادین و خیالپردازانه بوده و پر است از واژه‌های مکاشفه‌ای. غالباً حقیقت را با استفاده از رنگها، اعداد، رویاها، خوابها، میانجیگری فرشتگان، کلمات سری و غالباً دوگانگی بارز بین خوب و بد بیان می‌کند. نمونه‌هایی از این سبک عبارتند از: (۱) در عهدعتیق، حزقیال (بابهای ۳۶-۴۸)، دانیال (بابهای ۷-۱۲)، زکریا؛ و (۲) در عهدجدید، متی ۲۴؛ مرقس ۱۳؛ ۲ تسالونیکیان ۲ و مکاشفه.

طرفدار دفاع (آپولوژتیکس): این از ریشه یونانی "دفاع قانونی" آمده است. این نظامی است در الهیات که بدنبال ارائه شواهد و دلایل منطقی برای ایمان مسیحی می‌باشد.

پریوری: این اساساً مترادف "پیش‌فرض" است. در واقع شامل استدلال بر اساس تعاریف، اصول یا موقعیتهای از قبل پذیرفته شده‌ای است که تصور می‌شود درست باشند. یعنی چیزی که بدون آزمودن و یا تجزیه و تحلیل پذیرفته می‌شود.

آریوس‌گرایی: آریوس یکی از رهبران کلیسای اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. احتمالاً با استناد به امثال ۸: ۲۲-۳۱، وی مدعی شد که عیسی قبل از خلقت وجود داشت اما خدا نبود (جوهره‌ای مانند پدر نداشت). اسقف اسکندریه، که بحثی را آغاز کرد (۳۱۸ میلادی) که سالها ادامه یافت، وی را به چالش گرفت. آریوس‌گرایی به باور رسمی کلیسای شرق تبدیل شد. شورای نیقیه در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم و بر برابری و الوهیت کامل پسر تاکید کرد.

ارسطو: وی یکی از فلاسفه یونان باستان، شاگرد افلاطون و استاد اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز به بسیاری از نواحی مطالعات جدید می‌رسد. علت این امر این است که او بر کسب دانش از طریق مشاهده و طبقه‌بندی تاکید داشت. این یکی از پایه‌های فکری روش علمی است.

دست‌نوشته‌ها (اتوگرافها): این نامی است که به اصل نوشته‌های کتاب مقدس داده می‌شود. این دست‌نوشته‌های اصل و خطی از بین رفته‌اند. فقط رونوشت‌ها باقی مانده‌اند. این در واقع دلیل بسیاری از تفاوت‌های متنی در دست‌نوشته‌های یونانی و عبری و نسخ باستانی است.

بزابی: این دست‌نوشته یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به آن علامت "D" داده شده است. این نسخه شامل اناجیل و اعمال و بخشهایی از رسالات عمومی می‌شود. مشخصه آن تعدد اضافاتی که کاتبان افزوده‌اند. در واقع این نسخه بنیاد "تکستوس رسپتوس" است که سنت دست‌نوشته یونانی اصلی برای ترجمه کینگ جیمز می‌باشد.

جانب‌داری: این واژه‌ای است که برای توصیف گرایش قوی به سوی یک موضوع یا نقطه‌نظر بکار می‌رود. در واقع ذهنیتی است که در رابطه با یک موضوع یا نقطه‌نظر خاص نمی‌تواند بی‌طرفی باشد. موقعیتی تبعیض‌آمیز است.

اقتدار کتاب مقدسی: این واژه به معنایی خاص بکار می‌رود. تعریف آن این است: درک آن چیزی که مولف اولیه به دوره خود گفت و سپس ربط دادن آن حقیقت به دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم. اقتدار کتاب مقدسی معمولاً به مراجعه به کتاب مقدس به عنوان تنها راهنمای صاحب اقتدار اطلاق می‌شود. با اینوجود با توجه به تفسیرات نامناسب کنونی، من به تفسیر کتاب مقدس با استفاده از اصول فکری روش تاریخی دستوری اعتقاد چندانی ندارم.

متون پذیرفته شده از سوی کلیسا (کنن): این واژه برای توصیف متونی بکار می‌رود که رویهمرفته کتاب مقدسی را تشکیل می‌دهند که مسیحیان معتقدند کاملاً الهامی است. این شامل متون هر دو عهد جدید و عتیق می‌شود.

مرکزیت مسیح: این واژه برای توصیف مرکزیت عیسی بکار می‌رود. مولف این تحقیق تفسیری این کلمه را در راستای این مفهوم به کار می‌برد که عیسی خداوند تمام کتاب مقدس است. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او هدف و تحقق عهد عتیق است (متی ۵: ۱۷-۴۸).

تحقیق تفسیری (کامنتری): این نوع خاصی از کتاب تحقیقی است. این نوع تفسیر زمینه عمومی یکی از کتب کتاب مقدس را ارائه می‌کند. سپس می‌کوشد معنی هر بخش از کتاب را توضیح دهد. برخی بر جنبه کاربردی متمرکزند، در حالیکه بعضی دیگر با روشی تکنیکی‌تر به متن می‌پردازند. این کتب مفیدند اما زمانی باید بکار روند که شخص مطالعه اولیه خود را انجام داده است. تفسیر نویسنده اینگونه کتب هرگز نباید بدون نقد پذیرفته شود. مقایسه چندین تفسیر با دیدگاه‌های الهیاتی مختلف معمولاً مفید است.

کشف اللغات (کان‌گردنس): این نوعی ابزار تحقیقی برای مطالعه کتاب مقدس است. این گونه کتب نشان می‌دهد هر لغت در کجاها عهد جدید و عهد عتیق آمده است. این کتابها به طرق مختلف کمک می‌کنند: (۱) مشخص کرده واژه عبری یا یونانی که مرتبط است به هر کلمه انگلیسی خاص؛ (۲) مقایسه بخشهایی که در آنها همان لغت یونانی یا عبری استفاده شده است؛ (۳) نشان دادن اینکه در کجاها دو کلمه متفاوت عبری یا یونانی با استفاده از تنها یک کلمه انگلیسی ترجمه شده‌اند؛ (۴) نشان دادن تناوب کاربرد کلماتی خاص در کتابی خاص یا توسط نویسنده‌ای خاص؛ (۵) کمک به شخص جهت یافتن بخشی خاص در کتاب مقدس (چگونه می‌توان از وسایل کمک آموزشی عهد جدید یونانی استفاده کرد، اثر والتر کلارک، صفحات ۵۴-۵۵).

طومارهای دریای مرده: این به دسته‌ای از متون باستانی نوشته شده به عبری و آرامی اطلاق می‌شود که در سال ۱۹۴۷ نزدیک دریای مرده یافت شدند. آنها کتابخانه مذهبی یهودیت فرقه‌گرای قرن اول بودند. فشار از سوی رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ آنها را مجبور کرد طومارها را در ظروف سفالی هر مسی سر بسته در غارها یا گودالها پنهان کنند. این طومارها به ما کمک کرده‌اند چارچوب تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و ثابت کرده‌اند که متون ماسوری حداقل تا قرون اولیه قبل از میلاد دقیق بودند. به این طومارها مخفف "DSS" اطلاق شده است.

استنتاجی (دداکتو): این نوعی از منطق یا استدلال از ابزار دلیل استفاده می‌کند و از اصول عمومی به کاربردهای خاص می‌رسد. این روش متضاد استدلال قیاسی (اینداکتیو) است که به جای ویژگی‌های مشاهده شده به نتایج (تئوری‌ها) عمومی گرایش دارد که مبتنی بر روش عملی هستند.

مناظره‌ای (دیالکتیکال): این روشی استدلالی است که به نظر می‌رسد در آن تناقضات یا و ضدیتها در یک کشمکش در کنار هم نگه داشته می‌شوند، تا جواب متفکی بدست آید که دو سوی تناقض را دربر می‌گیرد. بسیاری از باورهای کتاب مقدسی زوجهای دیالکتیک هستند، سر نوشت - اراده آزاد؛ تضمین - مداومت؛ ایمان - اعمال؛ تصمیم - شاگردی؛ آزادی مسیحی - مسئولیت مسیحی.

یهودیان پراکنده (دیاپورا): این واژه یونانی تکنیکی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگری بکار می‌بردند که خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کردند.

معادل پویا: این نام یکی از تئوری‌های ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس شامل یک طیف است که از معادل "لغت به لغت"، که در آن برای هر کلمه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی ارائه می‌شود، شروع و به ترجمه "آزاد" ختم می‌شود که در آن تنها تفکر ترجمه شده و به شکل کلمات و عبارات متن اصلی اهمیت کمتری داده می‌شود. بین این دو تئوری "معادل پویا" قرار دارد که سعی می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد اما آن را با استفاده از فرمهای دستوری و اصطلاحات امروزی ترجمه کند. بحث بسیار خوبی در مورد این تئوریهای ترجمه را می‌توان در کتاب فی و استوارت تحت عنوان "چگونه کتاب مقدس را به طرز شایسته مطالعه کنیم"، ص ۳۵ و نیز مقدمه رابرت براتچر بر ترجمه تی ای وی یافت.

گلچین: این واژه در ارتباط با نقد متن بکار می‌رود. معنای آن انتخاب قرائت‌هایی از دست‌نوشته‌های مختلف یونانی به منظور دستیابی به متنی است که تصور می‌رود به نسخه اولیه نزدیک می‌باشد. این روش دیدگاهی را که معتقد است یک گروه از دست‌نوشته‌های یونانی متون اصل را دربر دارد رد می‌کند.

ایزجیزز: این متضاد اگزجیزز است. اگر اگزجیزز به معنای "بیرون کشیدن" انگیزه مولف اولیه باشد، این واژه به معنای "وارد کردن" ایده یا نظری از بیرون است.

ریشه‌یابی لغات (اتی‌مولوژی): این جنبه‌ای از مطالعه لغت است که تلاش دارد معنای اولیه لغت را بیابد. سپس از این معنای ریشه‌ای کاربردهای خاص راحتتر شناسایی می‌شوند. در تفسیر معانی معاصر و کاربرد لغت کانون توجه اصلی است، نه ریشه‌یابی لغت.

اگرچیزز: این واژه تکنیکی است برای تفسیر یک بخش خاص. معنای آن "بیرون کشیدن" (متن) است، یعنی هدف ما درک انگیزه مولف اولیه با توجه به چارچوب تاریخی، زمینه ادبی متن، تجزیه و ترکیب متن و معنی آن زمان کلمه است.

سیک ادبی (ژانره): این کلمه فرانسوی انواع مختلف متون ادبی را نشان می‌دهد. هدف از آن تقسیم‌بندی فرمهای ادبی به طبقات است که دارای ویژگیهای مشترک می‌باشند: روایت تاریخی، شعر، امثال، مکاشفه و قانون.

مکتب ناستیکی: بیشتر اطلاعاتی که در مورد این بدعت داریم از نوشته‌های ناستیک قرن دوم می‌آید. با اینوجود، ایده‌های نخستین آن در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت. بعضی مرام مکتب فکری ولنتاین و سرننتیان قرن دوم را اینگونه بیان می‌کنند: (۱) ماده و روح هر دو ابدی هستند (نوعی دوگانگی هستی‌شناسانه). ماده شر، اما روح نیک است. خدا، که روح است نمی‌تواند مستقیماً در سرشتن ماده بد دست داشته باشد؛ (۲) بین خدا و ماده تجلی‌هایی وجود دارند (بیونها یا سطوح فرشتگان). آخرین یا پایین‌ترین یهوه عهدعتیق بود که جهان (کازموس) را آفرید؛ (۳) عیسی تجلی همانند یهوه بود اما در قیاس بالاتر و نزدیکتر به خدای حقیقی. برخی او را بالاترین اما هنوز پایین‌تر از خدا می‌دانستند که قطعاً الوهیت جسم پوشیده (یوحنا ۱: ۱۴) نبود. از آنجایی که ماده شر است، عیسی نمی‌توانست بدنی انسانی داشته و با کماکان خدا باشد. او تجلی روحانی بود (۱ یوحنا ۱: ۳-۴؛ ۱-۶)؛ و (۴) نجات از طریق ایمان به عیسی و معرفتی خاص بدست آمد که تنها افرادی خاص می‌توانند از آن بهره‌مند باشند. برای گذشتن از لایه‌های آسمانی کسب معرفت (رمزهای عبور) ضرورت داشت. شریعت‌گرایی یهود نیز برای رسیدن به خدا لازم بود. معلمین دروغین ناستیکی دو سیستم اخلاقی متضاد را تبلیغ می‌کردند: (۱) برای برخی، طرز زندگی هیچ ربطی به نجات نداشت. برای آنها نجات و زندگی روحانی از طریق لایه‌های فرشتگان (بیونها) درون معرفت سری (رمزهای عبور) جاسازی شده بود؛ یا (۲) برای سایرین، زندگی شایسته برای دستیابی به نجات ضرورت محض داشت. آنها تاکید داشتند که زندگی همراه با ریاضت گواهی بود بر روحانیت حقیقی.

مطالعه تفسیر (هرمنوتیک): این واژه تکنیکی است برای اصولی که تفسیر درست را هدایت می‌کنند. این شامل راهبرهای خاص و هنر یا استعداد می‌شود. مطالعه تفسیر کتاب‌مقدسی به دو طبقه تقسیم می‌شود: اصول عمومی و اصول خاص. منظور از این گونه‌های مختلف ادبیاتی است که در کتاب‌مقدس یافت می‌شود. هر سبک ادبی (ژانره) راهبردهای منحصر بفرد خود را دارد اما برخی فرضیات یا روشهای تفسیر آن مشابه دیگران است.

نقد بالاتر: این نوعی روش تفسیر کتاب‌مقدس است که بر چارچوبهای تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب خاص از کتاب‌مقدس متمرکز می‌شود.

اصطلاح: این واژه برای عبارات مصطح در فرهنگهای مختلف بکار می‌رود که معنای ویژه‌ای دارند که با معنای معمول واژه‌های مجزای بکار رفته در آن ارتباطی ندارد. نمونه‌های مصطلح امروزی عبارتند از: "وحشتناک خوب بود"، یا "تو پوست مرا می‌کنی". اینگونه عبارات در کتاب‌مقدس نیز یافت می‌شوند.

اشراق: این نام به این مفهوم داده می‌شود که خدا با انسان سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه کلمه بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) الهام - او تعبیر مناسبی از کارهای خود و معانی آنها را به افراد خاص برگزیده داد است تا آنها را برای بشر ثبت کند؛ و (۳) اشراق - او روح خود را عطا کرده تا در شناخت خدا به انسان کمک کند.

استنتاجی (اینداکتیو): این نوعی از منطق و استدلال است که از موارد خاص به سوی کل پیش می‌رود. این روش تجربی علم نوین است. در واقع همان روشی است که ارسطو بکار برد.

میان‌نویسی: این نوعی ابزاری تحقیقاتی است که به افرادی قادر به خواندن زبانهای کتاب‌مقدسی نیستند این امکان را می‌دهد که معنا و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این ابزار ترجمه انگلیسی هر لغت را درست زیر همان کلمه به زبان اصلی کتاب‌مقدس درج می‌کند. این ابزار همراه با "لغت‌نامه تحلیلی" تعاریف ابتدایی و فرمهای عبری و یونانی را فراهم می‌کنند.

الهام: به مفهومی اطلاق می‌شود که مطابق آن خدا از طریق راهنمایی مولفین کتاب‌مقدس با انسان صحبت کرد تا با دقت و بروشنی مکاشفه او را ثبت کند. مفهوم کامل معمولاً با سه واژه بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) الهام - او

تعبیر مناسبی از کارهای خود و معانی آنها را به افراد خاص برگزیده داد است تا آنها را برای بشر ثبت کنند؛ و (۳) اشراق – او روح خود را عطا کرده تا در شناخت خدا به انسان کمک کند.

زبان توصیف: این به اصطلاحاتی اطلاق می‌شود که عهدعتیق با استفاده از آنها نوشته شد. در این زبان بر حسب طریقی که چیزها بر حواس پنجگانه ظاهر می‌گردند از دنیا صحبت می‌شود. این توصیفی علمی نبوده و قرار نیست باشد.

شریعت‌گرایی: مشخصه این منش تاکید بیش از حد بر قوانین و مراسم است. مطابق با آن انسان از طریق بجا آوردن شریعت مقبول خدا می‌شود. بیشتر به عمل بها می‌دهد تا به رابطه، در حالیکه اینها هر دو جنبه‌های مهم رابطه عهدی بین خدای قدوس و انسان گناهکار هستند.

لغوی: این نام دیگری است برای روش تاریخی متمرکز بر متن مفسیرین انطاکیه. در این روش تفسیر بر اساس معنی معمولی و ظاهری زبان انسانی تعیین می‌شود، اما وجود زبان استعاره هنوز به رسمیت شناخته می‌شود.

سیک ادبی: به فرمهایی متمایزی که محاوره انسانی می‌تواند داشته باشد اشاره دارد. شعر و روایت تاریخی نمونه‌هایی از آنهاست. علاوه بر اصول عمومی همه ادبیات نوشتاری، هر کدام از این سبکها روش تفسیر خاص خود را دارد.

واحد ادبی: این به تقسیم‌بندی‌های فکری عمده در هر کدام از کتب کتاب‌مقدس می‌پردازد. این ممکن است چند آیه، پاراگراف یا باب را دربرگیرد. چنین واحد جامع و دارای موضوعی مرکزبست.

نقد پایین‌تر: به "نقد متن" رجوع کنید.

دست‌نوشته: این واژه به نسخه‌های مختلف کتاب‌مقدس یونانی اطلاق می‌شود. معمولاً آنها را بر دو اساس مختلف تقسیم می‌کنند: (۱) ماده‌ای که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) فرم خود نوشته (تمام حروف بزرگ یا حروف کوچک). مخفف آن "MS" (مفرد) یا "MSS" (جمع) است.

متن ماسوری: این به دست‌نوشته‌های عبری قرن نهم اشاره دارد که توسط نسلهایی از محققین یهودی تهیه شدند و دارای نقاط بجای حروف صدا دار و سایر یادداشتهای متنی هستند. اینها متن مرجع برای عهدعتیق انگلیسی را تشکیل می‌دهند. متن آن از لحاظ تاریخی توسط دست‌نوشته‌های عبری، به خصوص اشعیاء که از طومارهای دریای مرده بدست آمده، تایید شده است. مخفف "MT" به آن اختصاص داده شده است.

کنایه (متانومی): این نوعی زبان ایجاز است که در آن نام یک چیز برای چیز مرتبط دیگر بکار می‌رود. "کتری می‌جوشد" از این نوع کنایه‌هاست و معنای واقعی‌اش "آب درون کتری می‌جوشد" می‌باشد.

قطعه موراتوری: این فهرستی است از کتب پذیرفته شده عهد جدید. این قطعه قبل از سال ۲۰۰ میلادی در روم نوشته شد و شامل ۲۷ کتاب عهد جدید پروتستانهاست. این به روشنی نشان می‌دهد که قبل از آنکه شوراها کلیسایی عمده توسط کلیساهای محلی بخشهای مختلف امپراتوری روم در قرن چهارم تشکیل شوند کتب پذیرفته شده "عملاً" مشخص شده بودند.

مکاشفه طبیعی: این یکی از طرقی است که خدا بکار برد تا خود را بر انسان مکشوف کند. این نظم طبیعی (رومیان ۱: ۱۹-۲۰) و وجدان اخلاقی (رومیان ۲: ۱۴-۱۵) را شامل می‌شود. در مزمور ۱۹: ۱-۶ و رومیان ۱-۲ درباره آن صحبت شده است. این با مکاشفه خاص فرق دارد که در واقع خودآشکارسازی خاص خدا در کتاب‌مقدس و در حد اعلی در عیسی ناصری می‌باشد. در جنبش "زمین پیر" دانشمندان مسیحی (مثلاً نوشته‌های هیو راس) بر این دسته از الهیات تاکید کرده‌اند. آنها این دسته را بکار می‌برند تا ثابت کنند حقیقتی جز حقیقت خدا وجود ندارد. طبیعت در بازی است به سوی معرفت خدا، و با مکاشفه خاص (کتاب مقدس) فرق دارد. این مکاشفه به علم جدید این امکان را می‌دهد که آزادانه در مورد نظم طبیعی تحقیق کند. به نظر من این فرصت فوق‌العاده و تازه‌ای است برای بشارت دادن به دنیای علمی غرب نوین.

مکتب نسطوری: نسطوریوس بزرگ کلیسای قسطنطنیه در قرن پنجم بود. وی در انطاکیه سوریه آموزش دید و باور داشت عیسی دو سرشت داشت، یکی انسان کامل و دیگری خدای کامل. این نظر از نظر تک سرشتی ارتدکس اسکندریه منحرف شد. نگرانی اصلی نسطوریوس عنوان "مادر خدا" بود که به مریم داده می‌شود. سیرل در اسکندریه با استناد به تعالیمی که خود نسطوریوس در انطاکیه

دیده بود به مقابله با وی برخاست. انطاکیه خاستگاه روش تاریخی-دستوری-متنی تفسیر کتاب مقدس بود، حال آنکه اسکندریه خاستگاه مکتب تفسیر چهار لایه (تمثیلی یا مجازی) بود. نسطوریوس نهایتاً از کار اخراج و تبعید شد.

مولف اولیه: منظور مولف یا نویسنده واقعی متون کتاب مقدس است.

پاپیروسها: این نوعی وسیله نگارش است که از مصر می‌آمد. پاپیروس با استفاده از نی رودخانه ساخته می‌شد. نوعی کاغذ است قدیمی‌ترین نسخ عهد جدید یونانی بر روی آن نوشته شد.

بخشهای همراستا: این بخشی از این مفهوم است که کل کتاب مقدس هدیه خدا است، و بنابراین بهترین مفسر و متوازن کننده حقایق متناقض خود است. این بخشها به تفسیر بخشهای مبهم و دویپهلو نیز کمک می‌کنند. همچنین به شخص خاص برای یک موضوع خاص روشن‌ترین بخش را یافته و به سایر جنبه‌های کتاب مقدسی موضوع دسترسی پیدا کند.

ترجمه آزاد (پارافریز): این نام یکی از تئوریهای ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس شامل یک طیف است که از معادل "لغت به لغت"، که در آن برای هر کلمه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی ارائه می‌شود، شروع و به ترجمه "آزاد" ختم می‌شود که در آن تنها تفکر ترجمه شده و به شکل کلمات و عبارات متن اصلی اهمیت کمتری داده می‌شود. بین این دو تئوری "معادل پویا" قرار دارد که سعی می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد اما آن را با استفاده از فرمهای دستوری و اصطلاحات امروزی ترجمه کند. بحث بسیار خوبی در مورد این تئوریهای ترجمه را می‌توان در کتاب فی و استوارت تحت عنوان "چگونه کتاب مقدس را به طرز شایسته مطالعه کنیم"، ص ۳۵ یافت.

پاراگراف: این واحد ادبی تفسیری پایه در نثر است. پاراگراف یک فکر مرکزی و بسط آن را دربر می‌گیرد. اگر هدف آن را دنبال کنیم از انگیزه اصلی مولف اولیه منحرف نمی‌شویم.

کوتاه نظری (پاروکالیزم): به تعصباتی اشاره دارد که به الهیات محلی یا چارچوبهای تاریخی محدود می‌شود. این نگرش طبیعت فرافرنگی حقیقت کتاب مقدس و کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

تناقض (پارادکس): منظور حقایقی است که به نظر متناقض می‌رسند و با اینحال هر دو درست، اما در کشمکش با هم هستند. اینها حقیقت را با ارائه آن از سویه‌های متضاد تصویر می‌کنند. بیشتر حقایق کتاب مقدس به صورت زوجهای تناقضی ارائه می‌شوند. حقایق کتاب مقدس صور فلکی هستند که از مجموعه ستاره‌ها تشکیل شده‌اند، نه تک ستاره‌های منزوی.

افلاطون: وی یکی از فلاسفه یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققین اسکندریه مصر و بعدها آگوستین شدیداً کلیسای اولیه را تحت تاثیر قرار داد. وی مدعی بود که زمین و هر چه بر آن است خیالی بوده و تنها تصویری است از یک الگوی روحانی. الهیات‌دانان بعدها "فرمها یا ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی یکی دانستند.

پیش‌فرض: منظور از این درکی است که پیشاپیش از یک موضوع داریم. نظر و داوری ما در مورد یک مسئله غالباً حتی پیش از رجوع به متون کتاب مقدس شکل می‌گیرد. اینگونه پیش‌فرض تحت عنوان جانبداری، موقعیت‌پروری، انگاره، پیش‌درک، یا پیش‌پندار نیز شناخته می‌شود.

متن‌گزینی (پروف-تکستینگ): منظور نوعی از تفسیر کتاب مقدس است که در آن به یک آیه بدون توجه به زمینه متنی مستقیم آن، یا زمینه متنی واحد ادبی‌اش استناد می‌شود. این سبب می‌شود آیات از انگیزه مولف اولیه جدا شود و معمولاً همراه است با تلاش برای اثبات نظر شخصی با استفاده از اقتدار کتاب مقدس.

یهودیت خاخامی: این مرحله از زندگی قوم یهود در زمان تبعیدشان در بابل (۵۳۸-۵۸۶ قبل از میلاد) آغاز شد. از آنجایی که نفوذ کاهنان و معبد حذف شده بود، کنیسه‌های محلی به کانون زندگی یهود تبدیل شدند. این مراکز یهودی فرهنگ، مشارکت، عبادت و مطالعه کتاب مقدس مرکز حیات مذهبی ملی آنها شد. در زمان عیسی این "کاتبان مذهبی" مشابه کاهنان بودند. هنگام سقوط اورشلیم در سال هفتاد میلادی فرم کتابتی، که تحت نفوذ فریسیان بود، جهت زندگی مذهبی یهود را تعیین می‌کرد. مشخصه آن تفسیر عملی و شریعتی تورات مطابق با سنت شفاهی (تلمود) بود.

مکاشفه: این نام به این مفهوم داده می‌شود که خدا با انسان سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه کلمه بیان می‌شود: (۱) مکاشفه – خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) الهام – او تعبیر مناسبی از کارهای خود و معانی آنها را به افراد خاص برگزیده داد است تا آنها را برای بشر ثبت کند؛ و (۳) اشراق – او روح خود را عطا کرده تا در شناخت خدا به انسان کمک کند.

دامنه معنایی: این عبارت به دامنه کلیه معانی که یک کلمه دارد می‌پردازد. منظور از آن اساساً معانی ضمنی مختلفی است که یک کلمه می‌تواند در زمینه‌های متنی مختلف داشته باشد.

هفتادگان: این نامی است که به ترجمه یونانی عهدعتیق عبری اطلاق می‌شود. مطابق با سنت ترجمه هفتادگان توسط هفتاد محقق یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تهیه شد. بر اساس سنت تاریخ آن به حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد بر می‌گردد (در واقع تکمیل آن بیش از صد سال طول کشید). این سنت مهم است زیرا: (۱) متن باستانی را برای ما فراهم کرد که می‌توانیم با عبری ماسوری مقایسه کنیم؛ (۲) تفسیر یهود در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را به ما نشان می‌دهد؛ (۳) به نشان می‌دهد که قبل از رد کردن عیسی یهودیان چه درکی از مسیح داشتند. مخفف آن "LXX" است و به حمایت پادشاه پتولمی دوم (۲۸۴ – ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. ظاهراً رهبری یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد خواستار تهیه این ترجمه شده بود. این سنت از "نامه آریستئاس" گرفته شده است. ال ال ایکس متناوب بر مبنای سنت متنی عبری بود که با متن خاخام آکویبا (ام تی) فرق داشت.

سینایتیکوس: این دست‌نوشته یونانی قرن چهارم است. محقق آلمانی، تیشندورف، آن را در صومعه کاترین مقدس در جبل موسی، محل سنتی کوه سینا پیدا کرد. به این دست‌نوشته عنوان "A" یا الف عبری [א] داده شد. این نسخه تمام عهدجدید و عهدعتیق را دربر دارد. این یکی از قدیمی‌ترین دست‌نوشته‌ها به خط یونانی باستان است.

تفسیر روحانی: این واژه از لحاظ حذف زمینه تاریخی و ادبی یک بخش و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر مترادف تفسیر تمثیلی است.

مترادف: منظور واژه‌هایی است که معنایشان یکسان یا بسیار نزدیک به هم است (با این‌وجود در واقع هیچ دو کلمه‌ای دارای همپوشانی معنایی کامل نیستند). این کلمات آنقدر به هم مرتبطند که می‌توانند در جمله به جای هم بکار روند بدون آنکه از معنی کاسته شود. این واژه برای تعیین یکی از سه فرم توازی شعری عبری نیز بکار می‌رود. از این لحاظ این واژه به دو سطر شعر اشاره دارد که یک واقعیت را بیان می‌کنند (مزمور ۱۰۳: ۳).

نحو (سینتکس): این واژه یونانی به ساختار جمله اشاره دارد. این کلمه مترادف "دستور زبان یا گرامر" است.

هم‌گذاشتی (سینتیکال): این یکی از سه واژه‌ای است که با گونه‌های شعر عبری مرتبطند. این واژه به سطوری از شعر اشاره دارد که به فرمی انباشته که گاهی "اوجی" گفته می‌شود، بر روی هم بنا می‌شوند (مزمور ۱۹: ۷-۹).

الهیات سیستماتیک: این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش دارد حقایق کتاب‌مقدس را با روشی منسجم و منطقی به هم ربط دهد. این الهیات تصویری منطقی و نه صرفاً تاریخی از الهیات مسیحی را با استفاده از مقوله‌های مختلف (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) ارائه می‌دهد.

تلمود: این عنوانی است برای کدگذاری سنت شفاهی یهود. یهودیان معتقدند که خدا این سنت را در کوه سینا بطور شفاهی به موسی عطا کرد. واقعیت این است که اینها حکمت معلمین یهود است که در طول سالها جمع‌آوری شد. دو نسخه نوشتاری مختلف از تلمود یهود وجود دارد، نسخه بابلی، و نسخه کوتاه و تمام نشده فلسطینی.

نقد متن: این مطالعه دست‌نوشته‌های کتاب‌مقدس است. نقد متن ضروری است زیرا نسخه‌های اصل موجود نیستند و کپی‌ها با هم فرق دارند. نقد متن تلاش دارد تفاوتها را توجیه و به کلمات نسخه اصلی (یا تا حد امکان نزدیک به آن) عهدعتیق و عهدجدید دست یابد. با این نوع نقد غالباً "نقد پایین‌تر" می‌گویند.

متن دریافت شده (تکسوس رسپتوس): این نام اولین بار در سال ۱۶۳۳ میلادی به عهدجدید یونانی چاپ الزویر داده شد. اساساً این نوعی عهدجدید یونانی بود که با استفاده از تعداد محدودی از دست‌نوشته‌های یونانی اخیر و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۳۵)، استفانوس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شد. آت روبرتسون در کتاب خود تحت عنوان مقدمه‌ای بر نقد

متن عهدجدید، ص ۲۷، می‌گوید "متن بیزانتاین (روم شرقی) عملاً متن دریافت شده واقعی است". متن بیزانتاین کم ارزشترین خانواده در میان سه خانواده دست‌نوشته‌های یونانی اولیه (غربی، اسکندری و بیزانتاین) است. این متن حاوی اشتباهات انباشته شده در نتیجه قرن‌ها رونویسی دستی متنها می‌باشد. با این‌وجود، آت روبرتسون اضافه می‌کند (ص ۲۱)، "تکستوس رسپتوس متنی را برای ما حفظ کرده که عمدتاً دقیق است". این نسخه دست‌نوشته یونانی (به ویژه چاپ سوم ارسموس ۱۵۲۲) متن پایه برای ترجمه کینگ جیمز سال ۱۶۱۱ میلادی است.

تورات: این واژه عبری به معنای "تعلیم" است که به نام رسمی نوشته‌های موسی (پیدایش تا تثنثه) تبدیل شد. برای یهودیان تورات مهمترین قسمت متون پذیرفته شده عبری به حساب می‌آید.

مبتنی بر گونه‌شناسی (تیپولوژیکی): این نوع خاصی از مکاشفه است. معمولاً با حقایق از عهدجدید سروکار دارد که در بخشهایی از عهدعتیق به شکل نماد تمثیلی یافت می‌شود. با توجه به سوءاستفاده‌هایی که از این روش تفسیری صورت گرفته، باید کاربرد آن را به مثالهای خاص ثبت شده در عهدجدید محدود کرد. این طبقه از تفسیرها عنصری مهم در روش اسکندری بود.

واتیکانوس: این دست‌نوشته یونانی قرن چهارم میلادی است. این نسخه در کتابخانه واتیکان پیدا شد و در ابتدا حاوی تمام عهدعتیق، آپوکریفا و عهدجدید بود. با این‌وجود، بعضی بخشهای آن گم شد (پیدایش، مزامیر عبرانیان، رسالات شبانی، فلیمون و مکاشفه). این دست‌نوشته در تعیین کلمات اصلی نسخه اولیه بسیار مفید است. به آن علامت "B" تخصیص داده شد.

ولگیت: این نام ترجمه لاتین جروم است. این ترجمه که در سال ۳۸۰ میلادی انجام شد به متن پایه یا "ترجمه معمول" کلیسای کاتولیک رومی تبدیل شد.

ادبیات حکمتی: این نوعی ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان امروز) بود. این نوع ادبیات تلاش دارد با استفاده از شعر، امثال یا تالیف راهبردهایی را جهت دستیابی به زندگی موفق به نسل جدید ارائه دهد. مخاطب آن بیشتر فرد بود تا جمع کلی. بیشتر بر تجربیات و مشاهدات زندگی مبتنی بود تا اشارات تاریخی. در کتاب مقدس، ایوب تا غزل غزلها، فرض را بر حضور و پرستش یهوه می‌گذارند اما این جهان‌بینی مذهبی برای هر تجربه انسانی در هر زمانی روشن نیست. این سبک به عنوان سبکی ادبی حقایق عمومی را بیان می‌کرد. با اینحال نمی‌توان آن را در هر موقعیت خاص بکار برد. اینها سخنان کلی هستند که همیشه در هر موقعیت فردی کاربرد ندارند. این حکیمان شجاعت آن را داشتند که سوالاتی سختی را در مورد زندگی بپرسند. آنها اغلب دیدگاه سنتی مذهب را به چالش می‌کشند (ایوب و جامعه) و در واکنش به پاسخهای ساده به وقایع غم‌انگیز زندگی توازن و کشمکش را بوجود می‌آورند.

تصویر جهانی و جهان‌بینی: این واژه‌ها با هم ظاهر می‌شوند. هر دو مفاهیمی فلسفی درباره خلقت هستند. "تصویر جهانی" به "چگونگی" خلقت می‌پردازد حال آنکه "جهان‌بینی" به "چه کسی". این واژه‌ها به تفسیر ربط دارند چون پیدایش ۱-۲ ابتدائاً با چه کسی خلقت سروکار دارد تا با چگونه آن.

یهوه: این نام عهدی خدا در عهدعتیق است. تعریف آن در خروج ۳: ۱۴ ارائه می‌شود. در واقع این فرم متعدی کلمه عبری "بودن" است. یهودیان از ترس اینکه مبدا نام خدا را به بیهودگی به زبان آورند، از ذکر آن خودداری می‌کردند؛ بنابراین بجای آن از کلمه عبری *ایونای* به معنای "ارباب" استفاده می‌کردند. در انگلیسی نیز نام عهدی خدا به همین ترتیب ترجمه می‌شود.

ضمیمه ۴ بیانیه عقیدتی

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاههای اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از خطاهای الهیاتی و فریبه‌ها، الهیات خود را در زیر بطور خلاصه تقدیم می‌کنم.

۱. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش‌ناپذیر، با قنطار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح بوسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.

۲. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات‌دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با اینحال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دراری ذات واحد.

۳. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.

۴. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادی‌مان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.

۵. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.

۶. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصا دریافت کند. این بوسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.

۷. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیح‌گونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت‌قدم می‌مانند.

۸. روح القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیح‌گونه را در نجات‌یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید بوسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.

۹. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات بره نوشته شده است به هنگام بازگشت او بدنهای جلال‌یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.

این مطمئناً کامل یا بی نقص نیست اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"